منجی آخرین

شناختنامه امام مهدی (عج)

ویژه ائمه جمعه، جماعات و مدیران

علی صمدی

بسم الله الرحمن الرحیم

آخرین منجی: شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

نویسنده:

قنبرعلی صمدی

ناشر چاپی:

بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (علیه السلام)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

آخرین منجی: شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

مشخصات کتاب

سرشناسه:صمدی، قنبرعلی، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور:آخرین منجی: شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف (ویژه ایمه جمعه، جماعات و مدیران)/ قنبرعلی صمدی.

مشخصات نشر:قم: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود(عج)، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری:۳۳۴ ص.

شابک:۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۰-۱

وضعیت فهرست نویسی:فیپا

یادداشت:کتابنامه: ص. ۳۲۷ - ۳۳۴؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع:محمدبن حسن (عج)، امام دوازدهم، ۲۵۵ق -

موضوع:مهدویت

موضوع:مهدویت-- انتظار

رده بندی کنگره:BP۵۱/ص۸آ۳ ۱۳۹۲

رده بندی دیویی:۲۹۷/۹۵۹

شماره کتابشناسی ملی:۳۴۰۰۹۸۲

ص:۱

اشاره

آخرین منجی

شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

(ویژه ائمه جمعه، جماعات و مدیران)

قنبرعلی صمدی

آخرین منجی (شناخت نامه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) ـ ویژه ائمه جمعه، جماعات و مدیران

مؤلف: قنبرعلی صمدی

ناشر: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف

ویراستار: زینب احمدیان

صفحه آرا: رضا فریدی

طراح جلد: عباس فریدی

نوبت چاپ: اول/ بهار ۱۳۹۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۲۰-۱۰-۱

شمارگان: هزار نسخه

قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

تمامی حقوق© محفوظ است.

- قم: انتشارات بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / خیابان شهدا/ کوچه آمار(۲۲)/ بن بست شهید علیان/ پ: ۲۶/

همراه: ۰۹۱۰۹۶۷۸۹۱۱/ تلفن: ۳۷۷۴۹۵۶۵ و ۳۷۷۳۷۸۰۱(داخلی ۱۱۷و۱۱۶)/۳۷۸۴۱۱۳۰ (فروش)/ ۳۷۸۴۱۱۳۱ (مدیریت)/ فاکس:۳۷۷۳۷۱۶۰ و ۳۷۷۴۴۲۷۳

- تهران: بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف / تلفن: ۸۸۹۵۹۰۴۹/ فاکس: ۸۸۹۸۱۳۸۹/ ص.پ:۳۵۵-۱۵۶۵۵

- www.mahdi۳۱۳.com

- www.mahdaviat.ir

- info@mahdaviat.ir

- Entesharatbonyad@chmail.ir

فهرست عناوین

ص:۴

ص:۶

ص:۷

ص:۸

ص:۹

بسم الله الرحمن الرحیم

پیشگفتار

اعتقاد به وجود منجی و ظهور مصلح جهانی در آینده، مهم ترین آموزه امیدبخشی است که در طول تاریخ از سوی پیامبران الاهی علیهم السلام برای پاسخ گویی به دغدغه های دیرین بشر نسبت به فردای تاریخ، ارائه شده است.

در این میان، اسلام بیش از ادیان دیگر، این ایده الاهی را مورد توجّه قرار داده است، چنان که قرآن کریم از ظهور آخرین منجی در آینده خبر داده است. در حقیقت اندیشه ظهور منجی موعود، یک طرح وحیانی است که در کتب آسمانی پیشین بدان نوید داده شده و قرآن کریم به عنوان تنها منبع وحیانی ماندگار، آن را در قالب نظریه مهدویّت (حکومت عدل جهانی اسلام) برای تحقق جامعه توحیدی به بشریت ارائه کرده است و ابعاد گوناکون آن در احادیث و روایات، تشریح شده است.

بر این اساس، اعتقاد به مسأله مهدویّت و

ظهور آخرین منجی الاهی در آخرالزّمان، یکی از اصیل ترین باورهای اسلامی شمرده می شود؛ اعتقاد فراگیری که همه مذاهب اسلامی، بر آن اتفاق نظر دارند.

اهمیت و نقش الهام بخش و راهگشای این بحث در رویکرد به آینده، ضرورت اهتمام جامعه اسلامی به این موضوع را ایجاب می کند، چرا که این موضوع، هم در چگونه زیستن امروز ما تأثیر گذار است و هم با چگونه بودن فردای ما پیوند آشکار دارد.

از این رو، با توجه به این که مسأله مهدویّت از ریشه دارترین موضوعاتی است که در آیات و احادیث به صورت یک اصل اسلامی پذیرفته شده است، بایسته است که موضوع مهدویّت و منجی شناسی از سوی جامعه منتظر، به عنوان یکی از مهم ترین اولویت های مطالعاتی در عرصه پژوهش های دینی، مورد توجّه قرار گیرد.

شناخت منجی موعود و آشنایی با زندگی پربار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سه دوره تاریخی؛ یعنی دوران کوتاه مدت کودکی و غیبت صغری، دوران طولانی مدت غیبت کبری و دوران طلایی ظهور، قابل تبیین است.

۱. دوران کودکی: این دوره که به علت زندگی پنهانی حضرت از خوف خلفای عباسی، به

دوران اختفا موسوم است به دوران پنج ساله همراهی با پدر بزرگوارش (۲۵۵ _ ۲۶۰ ه. ق) گفته می شود.

۲. دوران غیبت: این دوران به دو بخش کوتاه مدت و درازمدت تقسیم می شود:

الف) غیبت صغری: این مرحله به زندگی پنهانی ۶۹ ساله حضرت گفته می شود که از سال ۲۶۰ هجری آغاز شد و تا سال ۳۲۹ هجری ادامه داشت. تفاوت این دوره با دوره بعد در این است که در غیبت صغری، افراد خاصّی به عنوان نائبان خاص حضرت، واسطه و رابط میان امام و مردم بودند. آنان عبارت اند از: عثمان بن سعید عَمْری، محمد بن عثمان عَمْری، حسین بن روح نوبختی و علی بن محمد ثَمُری.

ب) غیبت کبری: دوره غیبت درازمدت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از زمان وفات علی بن محمد ثمری، آخرین نائب خاص ایشان، در سال ۳۲۹ هجری آغاز شد و تا زمانی که شرایط و زمینه های تحقق قیام حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف مهیّا گردد و خداوند متعال، امر ظهورش را ابلاغ نماید، ادامه خواهد داشت.

۳. دوران ظهور: دوران طلایی و عصر آرمانی است که همه ایدآل های تاریخ حیات بشر را یک جا در خود جای داده است؛ یعنی دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛ دورانی سرشار از معنویت،

امنیت و آسایش، که بشر در پرتو حاکمیت امام معصوم علیه السلام اوج تعالی و رشد مادی و معنوی خویش را تجربه خواهند کرد.

در این کتاب، سعی شده است با تکیه بر آیات قرآنی و استفاده از گنجینه عظیم روایات مهدوی، به بیان پیشینه اعتقادی و مبانی معرفتی اندیشه اصیل مهدویّت و مقاطع زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران ولادت، کودکی و غیبت آن حضرت بپردازد، سپس با استناد به پیشگویی های آیات و روایات، حوادث و رخدادهای هنگامه ظهور و پس از آن را برشمرده و چشم انداز فردای تاریخ را ترسیم نماید.

امید است این تلاش ناچیز، مقبول آستان آن حضرت (ارواحنا فداه) قرارگیرد و به یُمن عنایات کریمانه اش، سبب آشنایی بیشتر و اُنس فزون تر خوانندگان گرامی نسبت به ساحت مقدّس آن یگانه دوران و ولیّ زمین و زمان گردد. (یا أَیُّهَا الْعَزِیزُ مَسَّنا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِئْنا بِبِضاعَهٍ مُزْجاهٍ فَأَوْفِ لَنَا الْکَیْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَیْنا إِنَّ اللَّهَ یَجْزِی الْمُتَصَدِّقِین).(۱)

□□□

۱- سوره یوسف علیه السلام، آیه ۸۸.

بخش اول: منجی باوری

اشاره

ص:۱۵

مفهوم شناسی

واژه «مُنجی» از ریشه «نجی» و «نجو» به معنای رهایی بخش و خلاص کننده از چیزی است. لغت شناسان واژه «نجات» را به مفهوم خلاصی،(۱) جداشدن از چیزی(۲) و رهایی از هلاکت و شر(۳) معنا کرده اند. برخی واژه پژوهان نیز مفهوم اصلی ماده «نجی» را رهایی و خلاصی دانسته و نجات از هلاکت و گرفتاری در حوادث و... را از مصادیق این معنا شمرده اند.(۴)

این واژه در آیات قرآنی نیز به معنای خلاصی و رهایی به کار رفته است؛ مانند: (ثُمَّ نُنَجِّی الَّذِینَ اتَّقَوْا)(۵)؛ (وَ إِذْ نَجَّیناکُمْ مِنْ آلِ

ص:۱۶

۱- «النَّجَا ة : الخَلاص من الشی ء»؛ لسان العرب، ج۱۵، ص۳۰۴.

۲- «أصل النَّجَا ة : الانفصالُ من الشی ء» ؛ المفردات، ص۷۹۲.

۳- «نَجَو : نَجَا فلان من الشر یَنْجُو نَجاه» ؛ العین، ج۶، ص۱۸۶.

۴- ر.ک: التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۱۲، ص۴۷.

۵- سوره مریم، آیه ۷۲.

فِرْعَوْنَ)(۱)؛ (وَ أَنْجَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا)(۲)؛ (إِنَّا مُنَجُّوكَ وَ أَهْلَكَ)(۳) و.... در این گونه آیات، واژه «نجات» به معنای رهایی از هلاکت، فتنه و عذاب آمده است.

امّا در اصطلاح پیروان ادیان چنان که خواهد آمد کاربرد واژه «منجی» ناظر به اندیشه نجات گرایی و اعتقاد فراگیر به ظهور مردی الاهی است که در آخرالزّمان برای رهایی مردم از ظلم و جور خواهد آمد.

پیشینه تاریخی منجی باوری

ایده نجات خواهی و منجی گرایی، سابقه دیرینی در تاریخ کهن بشر دارد. اساساً این امر، قبل از آن که یک مسأله تاریخی باشد، یک گرایش فطری و انسانی است که در نهاد کمال طلب و ترقّی خواه انسان ریشه دارد. این گرایش، میان پیروان ادیان توحیدی نمود بیشتری داشته و به موازات حرکت تاریخ، درحال رشد و شکوفایی است.

هم زمان با پیدایش هسته های اولیه تمدّنی در عرصه زندگی اجتماعی بشر، تفکّر فرجام خواهی و اندیشه پیروزی صالحان و صعود به مدینه فاضله، ذهن انسان های نیک اندیش و

ص:۱۷

۱- سوره بقره، آیه ۴.

۲- سوره نمل، آیه ۵۳.

۳- سوره عنکبوت، آیه ۳۳.

توده های تحت ستم را به خود معطوف کرد و تدریجاً به یک آرمان همگانی تبدیل شد.

از این نظر، ایـده فرجـام خواهی و آینـده نگری را می توان وجه مشترک همه امّت هـا و ملـل جهـان به شـمار آورد و از انبیای الاهی علیهم السلام به عنوان مبشّران و طراحان اصلی این ایده یاد نمود.

خاستگاه دینی منجی باوری

اصـل نجات، تنها در توان خـدای متعال است؛ نجات او، رحمت عامّه است و لطف و عنایت او در همه حال، بنـدگان را شامل می شود و آن ها را از انواع خطرها، وسوسه های فکری و روحی و القائات شـیاطین در امان می دارد. بنابراین، خداونـد متعال، پیـامبرانش را برای نجات بشـر از ظلمت، گمراهی ها و تباهی ها فرسـتاد. پس نجات، گستره وسـیعی از حیات آدمی را از بـدو خلقت و حیات فکری و مادی او گرفته تا حیات دینی و معنوی و اخروی اش شامل می شود.(۱)

از این نظر، موضوع فرجـام نگری و توجّه به فردای تاریـخ را می بایـد ره آورد تعلیمـات ادیـان آسـمانی و انبیـای الاهی علیهم السلام دانست که همواره نگاه بشر را به سوی آینده ای روشن و بهجت آور معطوف کرده و فرا رسیدن چنین

۱- تکامل اجتماعی انسان، ص۳۵۲ .

دوران ایده آلی را برای فردای تاریخ بشارت داده اند.

بنـابراین اگرچه انـدیشه منجی گرایی و آینـده نگری دارای ریشه هـای فطری و انسانی و سابقه کهن تاریخی در حوزه گفتمان بشـری است، امّـا این بحث دارای خاسـتگاه دینی بوده و قبل از هر چیز، ره آورد گفتمان دینی محسوب می شود؛ زیرا منادیان اصـلی و پیشـگامان این تفکّر، پیامبران الاهی علیهم السـلام و کتب آسمانی بوده اند. اساساً خبرهای غیبی پیامبران الاهی علیهم السـلام بوده است که به دلیـل فراگیر بودن آثارشـان توانسـته انـد آرمـان خواهی نهفته انسانی را به یک رویکرد فراگیر و همه جانبه در جوامع بشری تبدیل نمایند.

از این رو، در فراینـد شـکل گیری انـدیشه فرجـام خـواهی، تـوجّه به نقش اساسـی و بی بـدیل ادیـان الاـهی در شـفاف سـازی دورنمای تاریخ و توسعه و شکوفایی نگاه مثبت به آینده، بسیار حائز اهمیّت است.

این اندیشه در میان پیروان ادیان و کسانی که دارای جهان بینی توحیدی هسـتند، نمود بیش تری دارد. مکاتب الاهی، جهان را دارای خالقی حکیم، دانا و توانا می دانند و تدبیر جهان را بر اساس اراده حق تعالی

ص:۱۹

توجیه می کنند؛ لذا آینده و فرجام تاریخ را روشن می بینند. بنابراین، به هر میزان که جوامع بشری از آموزه های دینی تأثیرپذیری بیشتری داشته باشند، امید به آینده در میان آنان رسوخ بیش تری خواهد داشت.

متفکّر شهید، استاد مطهری(ره) درباره این مطلب که گسترش رویکرد دین گرایانه، جامعه را در نهایت به سمت پذیرش ایده حکومت عدل جهانی نزدیک خواهد کرد، می نویسد:

در طول تاریخ گذشته و آینده، نبردهای انسان تدریجاً جنبه ایدئولوژیک پیدا کرده و می کند و انسان تدریجاً از لحاظ ارزش های انسانی به مراحل کمال خود، یعنی به مرحله انسان ایده آل و جامعه ایده آل نزدیک تر می شود؛ تا آن جا که در نهایت امر، حکومت عدالت، یعنی حکومت کامل ارزش های انسانی که در تعبیرات اسلامی از آن به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر شده است مستقر خواهد شد و از حکومت نیروهای باطل و حیوان مآبانه و خودخواهانه و خودگرایانه اثری نخواهد ماند.(1)

بنابراین اهمیّت و تأثیرگذاری آینده نگری و پیشگویی های ادیان بدان جهت است که آنان بر پایه آموزه های یقین آورِ وحیانی و اخبار غیبی پیامبران الاهی علیهم السلام و کتب آسمانی از

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، ص۴۲۷.

آینده گزارش می دهند.

منجی باوری در ادیان توحیدی

اشاره

در ادیان سه گانه توحیدی و ابراهیمی، یعنی یهودیت، مسیحیت و اسلام، بیش از آیین های دیگر بر دوره طلایی بشر در پایان تاریخ تأکید شده است.

در آموزه هـای ادیان ابراهیمی، نقاط اشتراک مهمی وجود دارد که شالوده اصلی نگرش این ادیان را شکل می دهد. با نگاه درون دینی به آموزه های آینده نگرانه ادیان ابراهیمی مشاهده می شود که الگوی غالب در پیشگویی فرجام شناسانه هرکدام از این ادیان بزرگ، پیش بینی جهانی شدن و غلبه بر سایر ادیان است. این آموزه در آینده نگری اسلامی بیش از سایر ادیان مورد تأکید واقع شده است.

مهم ترین اصول مشترکِ آموزه های ادیان ابراهیمی که به طور آشکار و پررنگ مشاهده می شود، عبارت اند از:

الف) اعتقاد به پیروزی حتمی حق بر باطل و حاکمیت پاکان در آینده؛

ب) محوریت رهبر الاهی و آسمانی (منجی موعود) در تقابل حق و باطل؛

ج) تأکید بر ماهیّت دینی نظام آینده (غلبه جهانی دین).

ص:۲۱

در ادیـان یهودیت و مسـیحیت، منجی موعود به نـام «مسـیح» یـا «ماشـیح» یـاد شـده و در اسـلام نیز آخرین منجی موعود بـا نام «مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف» شـناخته می شود. چنین نـام هـای متشـابهی بیـانگر آرمـان مشترک ادیـان توحیـدی و ابراهیمی در ظهور منجی موعود است.

الف) منجی در دین یهود

در کتب مقـدّس یهودیان، اعم از کتاب هایی که به قبل از دوران اسارت (۵۹۷ قبل از میلاد) تعلق دارد، یا مطالبی که در سـده پنجم قبـل از میلاد نوشـته شـده و نیز کتبی که در فاصـله بین آخرین بخش کتاب عهـد عتیق (کتاب دانیال) و ترتیب و تـدوین اناجیـل و رسـالت عهـد جدیـد نوشته شـده که اصـطلاحاً به نوشـته هـای بین العهـدین معروف انـد مطـالب بسـیاری در مـورد آخرالزّمان یافت می شود.

در عهد عتیق پیش بینی شده است که سـعادت و عدالت به وسـیله «مشـیح» در سرتاسر جهان محقق می شود. عهد جدید نیز به این مطلب پرداخته است. مکاشـفه یوحنـا به طور کامـل به حوادث ناگوار آخرالزّمان اختصاص یافته و در پایان آن، به برقراری صلح و آرامش جهانی تحت حاکمیت مؤمنان اشاره شده است.(۱)

ص:۲۲

۱- ر.ک: کتاب مقدس، صحیفه اشعیاء، باب ۱۱ و ۱۲؛ صحیفه زکریا، باب ۹؛ صحیفه دانیال، باب ۲، بند۴۴ و باب ۷، بند۱۳و ۲۷؛ صحیفه متی، باب۲۴، بندهای ۴۴- ۱۵؛ صحیفه رسل، باب ۲، بندهای ۲۱- ۱۷ و مکاشفه یوحنا، بندهای۲۲-۴.

مثلاً در بخش هایی از کتاب مقدّس یهود، صحیفه اشعیای نبی، چنین آمده است:

پادشاهی از تبار یسّی (پدر داود علیه السلام) ظهور خواهد کرد و جهان را از عدل و خیر و برکت پر خواهد ساخت... مسکینان را به عدالت داوری خواهد کرد و به جهت مظلومانِ زمین به راستی حکم خواهد نمود و جهان را به عصای دهان خویش زده، شریران را به نفخه لب های خود خواهد کشت و کمربند کمرش، عدالت خواهد بود و کمربند میانش امانت... در تمامی کوه مقدّس من ضرر و فسادی نخواهند کرد؛ زیرا که جهان از معرفت خداوند پر خواهد بود، مثل آب هایی که دریا را می پوشاند.(۱)

در کتاب مزامیر داود علیه السلام نیز آمده است: «... و امّا نسل شریران منقطع خواهد شد، صالحان وارث زمین گردیده و در آن تا به ابد سکونت خواهند نمود».(۲)

ب) منجی در مسیحیت

در کتب مقدّس مسیحیان نیز بشارت های خوش بینانه ای در مورد آینده جهان وارد شده و

۱- ر.ک: کتاب مقدس، صحیفه اشعیاء، باب ۱۱، بندهای ۱۰-۱.

۲- ۳ . ر.ک: کتاب مقدس، کتاب مزامیر(زبور داود)، مزمور ۳۷، بندهای ۹، ۱۰، ۲۹ و ۳۰.

از ظهور فاتحانه حضرت مسیح در آخرالزّمان خبر داده شده است. به اعتقاد مسیحیان، حضرت عیسی علیه السلام دو ظهور دارد؛ یکی ظهور اول، یعنی بعثت ایشان و دوم، بازگشت مجدد برای نجات عالم و ایجاد یک عصر باشکوه در آخرالزّمان؛ و چون مسیحیان بازگشت حضرت عیسی علیه السلام در پایان تاریخ را ظهور دوم ایشان می شمارند، خود را موظف به اقدامات لازم برای ظهور دوم «پسر انسان» می دانند.

براساس پیشگویی های کتب مقدّس مسیحیان، ظهور دوم، با یک سلسله حوادث طبیعی ارضی، سماوی و سیاسی، اجتماعی همراه خواهد بود. در انجیل لوقا، وقوع ظهور دوم حضرت مسیح علیه السلام بعد از گرفتار شدن مردم به انواع بلاها و حیرت و سختی ها پیش بینی شده است:

و در آفتاب و ماه و ستارگان علامات خواهد بود و بر زمین، تنگی و حیرت از برای امّت ها روی خواهد نمود به سبب شوریدن دریا و امواجش و دل های مردم ضعف خواهد کرد از خوف و انتظار آن وقایعی که بر ربع مسکون ظاهر می شود؛ زیرا قوّات آسمان متزلزل خواهد شد و آنگاه پسر انسان را خواهند دید که بر ابری سوار شده، با قوت و جلال عظیم می آید.(۱)

انجیل لوقا در فراز دیگری، مسیحیان را

۱- انجیل لوقا، باب ۲۱، بندهای ۲۸-۲۵.

به فعـالیت هـای دین مـدارانه و روشن نگه داشـتن ارزش های دینی فرا می خوانـد تا زمینه برای ظهور دوم مسـیح منجی فراهم گردد:

کمرهای خود را بسـته، چراغ های خود را افروخته بدارید، شـما مانند کسانی باشید که انتظار آمدن آقای خود را می کشند... پس شما نیز مستعد باشید؛ زیرا در ساعتی که گمان نمی برید، پسر انسان می آید.(۱)

برخی از مسیحیان معتقدند که پیش از ظهور دوم مسیح علیه السلام آخرین نبرد تاریخ که معروف به جنگ «هارمَجِدّون»(۲) یا «آرماگـدون» یعنی جنـگ آخرالزّمان است اتفاق خواهـد افتاد و با بازگشت حضـرت مسـیح (ظهور دوم) این فجایع خاتمه می یابد.

ص:۲۵

۱- انجیل لوقا، باب ۱۲، بندهای ۴۱-۳۵.

۲- شایان ذکر است که در متون مقـدس یهودیان، واژه «هارمَجدّون» یا «آرماگدون» فقط یک بار آمده(انجیل یوحنا، باب ۱۶، بند ۱۷) و محل وقوع این جنگ نیز، غرب رودخانه اردن، در دشت جزرال، میان جلیله و سامریه ذکر شده است. اما درباره این که در جنگ نهایی آرماگـدون، چه کسانی با هم می جنگنـد، در متون مقدس چیزی بیان نشده است؛ ولی در ادبیات سیاسـی مسـیحیت معاصـر، برخی، بر اساس مکاشـفه یوحنای رسول، نبرد نهایی را همان «نبرد هسـته ای» می داننـد و برخی از افراطیون مسـیحی تلاش می کنند آرماگدون یا نبرد نهایی خیر و شر را در دوران بعد از جنگ سرد و به نبرد دنیای غرب با جهان اسلام تفسیر کنند.

ج) منجی در اسلام

منجی باوری با مفهوم دقیق آن، طرح نوین اسلامی و ره آورد پیام وحیانی قرآن کریم است؛ زیرا اسلام تنها دینی است که این ایده فطری و تاریخی را بارور ساخته، تحقق آرمان های مورد انتظار بشر را مهم ترین رسالت خود اعلام نموده و با طرح و برنامه ای روشن، آن را در دستور کار برنامه های آینده خود قرار داده است. این جاست که معجزه تفکّر اسلامی و عظمت ابتکارات آن در طرح نظام مند اندیشه مهدویّت به خوبی نمایان می شود.

بر این اساس، هرچند تفکّر آرمان خواهی دینی در میان امّت های پیشین نیز ریشه داشته و کتب آسمانی پیش از قرآن نیز به آینده ای روشن نوید داده اند،(۱) امّا اسلام تنها دینی است که برای بارور ساختن این آرمان تاریخی و بنا بر رسالت جهانی و ماندگار خویش، برنامه ای جامع و طرحی نظام مند را در قالب نظریه حکومت عدل جهانی مهدوی ارائه نموده(۲)

۱- (وَ لَقَدْ کتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِن بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُونَ) ؛ «در زبور بعد از ذکر(تورات) نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث زمین خواهند شد»؛ (سوره انبیاء، آیه ۱۰۵).
۲- پیشگویی قرآن از حتمی بودن پیروزی صالحان و حاکمیت مطلق اسلام در آینده، در آیات متعددی مطرح شده است؛ مانند آیات ۵۵ سور نور، ۱۰۵ سوره انبیاء، ۳۳ سوره توبه، ۸ سوره صف، ۲۸ سوره فتح، ۳۹ سوره انفال و... مجموع آیاتی که به نحوی به موضوع مهدویت و پایان تاریخ اشاره دارند، بیش از ۱۲۰ آیه است. مرحوم سید هاشم بحرانی در کتاب «المحجه فیما نزل فی القائم الحجه» این آیات را گردآوری کرده است.

و تحقق آرمان های متعالی انسانی را مهم ترین رسالت خود اعلام کرده است.

از این رو، اگرچه پیروان دیگر ادیان الاهی نیز متناسب با تعالیم کتب آسمانی شان، نسبت به مسأله آینده و شخصیت نجات بخش پایان تاریخ تأکید خاصّی داشه اند، امّا باید اذعان کرد که در تاریخ امّت ها و ملت ها، هیچ گاه طرح مشخص و دورنمای روشنی نسبت به آینده تاریخ ارائه نشده است؛ بلکه خاستگاه این گرایش فطری و تاریخی را تنها در تفکّر اسلامی می توان جستجو کرد.

همان گونه که آموزه های اسلامی، آخرین ره آورد پیام الاهی است، منجی موعود در باور اسلامی نیز آخرین منجی خواهد بود. از این نظر، منجی باوری در اسلام، دارای ویژگی هایی است که آن را از سایر ادیان توحیدی متمایز می سازد.

وحدت نظر فرق اسلامی در موضوع مهدویّت

اصل موضوع مهدویّت و ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در

ص:۲۷

آخرالزّمان برای برپایی حکومت عدل اسلامی در جهان، مورد پذیرش همه فرق اسلامی است.

در منابع روایی فریقین، احادیث نبوی مرتبط با این موضوع، به طور متواتر، ثبت و ضبط شده است. حتی کسانی که میانه چندان خوبی با شیعه ندارند مانند فرقه وهابیه نیز این موضوع را یک اصل قطعی اسلامی می دانند و بر متواتر بودن احادیث مهدویّت تأکید می کنند.(۱)

شهید مطهری در این زمینه می نویسد:

اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق و صلح و عدالت بر نیروی باطل و ستیز و ظلم، گسترش جهانی ایمان اسلامی، استقرار کامل و همه جانبه ارزش های انسانی، تشکیل مدینه فاضله و جامعه ایده آل و بالاخره اجرای این ایده عمومی و انسانی به وسیله شخصیت مقدّس و عالی قدری که در روایات متواتر اسلامی از او به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعبیر شده، اندیشه ای است که کم و بیش همه فرق و مذاهب اسلامی، با تفاوت ها و اختلاف هایی، بدان مؤمن و معتقدند؛ زیرا این اندیشه،

۱- در این خصوص، صدور فتوای رسمی از سوی «رابطه العالم الاسلامی» - به عنوان مرجع فقهی اهل سنت در عربستان - در سال ۱۹۷۶ میلادی و تأکید بر متواتر بودن احادیث حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دلیل روشنی بر این ادعا است. برای آگاهی بیشتر نسبت به متن کامل این فتوا و ترجمه آن، ر.ک: انقلاب جهانی مهدی، ص ۱۴۶.

به حسب اصل و ریشه، قرآنی است.(۱)

بنابراین در اسلام، مهدویّت از اساسی ترین آموزه های اعتقادی به شمار می رود که ابعاد آن در آیات قرآنی و تعلیمات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام تبیین شده است.

مهدویّت در آیات

در آیات قرآن کریم، موضوع مهدویّت به صورت کلی مطرح و باورمندی به فرجام نیک تاریخ و ظهور منجی موعود، به عنوان یک اعتقاد ریشه دار دینی، تاریخی و آموزه اصیل اسلامی بیان شده است. این کلی گویی برای آن است که شیوه قرآن در معرفی گفتمان مهدویّت و شخصیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شیوه توصیفی و بیان خصایص شخصیتی آن حضرت است، نه بیان مشخصات اسمی ایشان.

قرآن کریم، از جهانی شدن اسلام و حاکمیت صالحان و سروری مستضعفان بر مستکبران در آخرالزّمان خبر داده و وعده حتمی الاهی در حاکمیت فراگیر صالحان در آینده تاریخ را به صورت قضیه ای قطعی و اجتناب ناپذیر بیان کرده است.

در نگاه قرآن، علی رغم وجود فراز و نشیب ها، تاریخ به سوی جامعه ای مطلوب و

۱- مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۲۴، ص۴۰۶.

آرمانی در حال حرکت است و حکومت عدل جهانی به رهبری مصلح موعود به طور حتم شکل خواهد گرفت. این گزارش های قرآنی، صرفاً یک خبر غیبی از آینده تاریخ نیست، بلکه پایه گذار طرحی جامع و سعادت آفرین است که در قالب نظریه نجات گرایانه «مهدویّت» برای تحقق جامعه عدل توحیدی ارائه شده است. به برخی از آیاتی که به موضوع حکومت جهانی مهدوی اشاره کرده است، می پردازیم:

۱. (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيسْتَخْلِفَنَّهُم فِی الْأَرْضِ كمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيمَكنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِی ارْتَضَی لَهُمْ وَلَيبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يعْبُدُونَنِی لَا يشْرِكونَ بِی شَيئًا)؛(۱) «خداوند به کسانی از شما که اهل ایمان و رفتار شایسته اند، وعده داده است که قطعاً آنان را فرمانروای زمین خواهد کرد؛ همان گونه که به پیشینیان آنان، خلافت روی زمین را بخشید و دین و آئینی را که برای آنان پسندیده است، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت و ترس و نگرانی شان را به امنیت و آرامش مبدل خواهد کرد؛ آن چنان که تنها مرا بپرستند و چیزی را شریک من قرار ندهند».

این آیه شریفه به مؤمنان و نیکوکاران

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

چنـدین وعـده داده است. این وعـده هـا عبـارت انـد از: جانشـینی ایشـان در زمین، تمکین دین، تبـدیل خـوف ایشـان به امن و آسایش، پرسـتش واقعی خـدا از سوی همه مردم زمین و ریشه کن شـدن شـرک. این وعده های الاهی قطعاً توسط آن مصـلح بزرگ جهانی تحقق خواهد یافت.

این آیه شـریفه، بیانگر حتمی بودن وقوع این پیشـگویی در آینده است؛ زیرا خداوند آن را به مؤمنان وعده داده و براساس آیه (إِنَّ اللّهَ لاَ یخْلِفُ الْمِیعَادَ)؛(۱) «وعده های الاهی، قطعی و تخلّف ناپذیر خواهند بود».

۲.(هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ وَلَوْ کرِهَ الْمُشْـرِکون)؛(۲) «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند، هر چند مشرکان کراهت داشته باشند».

قرآن در آیات مختلفی از گسترش حاکمیت دین اسـلام و تحقّق جامعه توحیـدی خبر داده است. در احادیث تصـریح شده که این وعده به دست آخرین موعود الاهی، یعنی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد.

۳.(وَنُرِیدُ أَن نَّمُنَّ عَلَی الَّذِینَ اسْتُضْعِفُوا فِی

۱- سوره رعد، آیه ۳۱.

۲- سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه ۹.

الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ وَنُمَكِنَ لَهُمْ فِی الْأَرْضِ)؛(۱) «ما می خواهیم بر مستضعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوا و وارث زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پابرجا سازیم».

امیرمؤمنان علیه السلام مراد از «مستضعفان» در این آیه را خاندان نبوّت علیهم السلام دانسته است که خداوند پس از رنجی که متحمّل شدند، مهدی ایشان را برمی انگیزد تا آنان را به اوج شکوه و عزت و اقتدار رسانده و دشمنانشان را به خاک مذلت بکشاند.(۲)

۴.(قَالَ مُوسَی لِقَوْمِهِ اسْتَعِینُوا بِاللّهِ وَاصْبِرُواْ إِنَّ الأَرْضَ لِلّهِ یُورِثُهَا مَن یَشَاء مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَهُ لِلْمُتَّقِین)؛(۳) «موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری جویید و استقامت پیشه کنید که زمین از آنِ خداست و آن را به هر کس از بندگانش که بخواهد، واگذار می کند و سرانجام [نیک] برای پرهیزکاران است».

۵.(وَلَقَدْ کتَبْنَا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکرِ أَنَّ الْأَرْضَ یَرِثُهَا عِبَادِیَ الصَّالِحُون)؛(۴) «در زبور بعد از ذکر (تورات) نوشتیم: بندگان

ص:۳۲

۱- سوره قصص، آیات ۵ و۶.

۲- ر.ک: الغیبه، طوسی، ح ۱۴۳، ص۱۸۴.

۳- سوره اعراف، آیه ۱۲۸.

۴- سوره انبیا، آیه ۱۰۵.

شایسته ام وارث [حکومت] زمین خواهند شد».

مقصود از «اَلْأَرْض» در این آیه، کل کره زمین است و چون تاکنون کسی نتوانسته است کل زمین را تحت حاکمیت خود ببرد، قطعاً ظرف تحقق این وعده الاهی در آینده است و با دست توانای آخرین منجی عجل الله تعالی فرجه الشریف محقق خواهد شد؛ چنان که بر اساس فرموده امام باقر علیه السلام مقصود از بندگان شایسته «عِبَادِیَ الصَّالِحُون» نیز امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او هستند.(۱)

۶.(یُرِیدُونَ لِیُطْفِئُوا نُورَاللهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَ اللهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَ لَوکَرِهَ الْکَافِرُون)؛(۲) «می خواهند نور خدا را با دهانشان خاموش کنند، امّا خداوند کامل کننده نور خویش است؛ هرچند کافران خوش نداشته باشند».

مراد از «نور الله» در این آیه، نور اسلام است و عبارت «وَاللهُ مُتِمُّ نُورِهِ» از این واقعه خبر می دهد که نور خدا در آینده، تمامی کره زمین را در برخواهد گرفت و خبری که مُخبر آن خداوند باشد، هم محقق الوقوع است و هم شائبه کذب در آن راه ندارد.

آری! نور الاهی روزی به دست آن مصلح جهانی تمام دنیا را در بر خواهد گرفت و آن مصلح الاهی، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

۱- ر.ک: تفسیر قمی، ج۲، ص۵۲.

۲- سوره صف، آیه ۸.

۷.(إِنَّمَا أَنتَ مُنذِرٌ وَلِكلُ قَوْمٍ هَاد)؛(۱) «ای پیامبر! تو فقط بیم دهنده ای و برای هر گروه هدایت کننده ای است».

برید بن معاویه معنای این آیه را از امام باقر علیه السلام سؤال کرد. حضرت فرمود: «اَلمُنذِرُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ عَلِيٌّ الْهَادِي وَ فِي كلِّ وَقْتٍ وَ زَمَانٍ إِمَامٌ مِنَّا يَهْدِيهِمْ إِلَى مَا جَاءَ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ؛ مراد از منذر، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و مراد از «هادی» علی علیه السلام است. در هر زمان، امامی از ما اهل بیت علیهم السلام مردم را به سوی آن چه پیامبر بدان فراخوانده است، هدایت می کند».

جناب فضیل نیز معنای آیه مذکور را از امام صادق علیه السلام سؤال کرده است. ایشان در پاسخ فرموده اند: «كلُّ إِمَامٍ هَادٍ لِلْقَرْنِ الَّذِي هُوَ فِيهِم؛(۲) هر امامی هدایت گر زمانی است که در آن قرار دارد».

از این آیه و روایات مربوط به آن چنین استفاده می شود که باید در هر زمان، هدایت گری باشد و چون ائمه معصومین علیهم السلام مصادیق حقیقی هادی بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم هستند، در زمان غیبت کبری، شخص هادی، وجود مبارک قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

اگرچه این آیات تصریح می کنند که با ظهور آخرین مصلح الاهی، جهان یکسره از لوث وجود شرک، بت پرستی، ظلم، ستم، فساد و... پاک

۱- سوره رعد، آیه ۷.

۲- الکافی، ج۱، ص۱۹۱؛ الغیبه، نعمانی، ص۱۱۰.

خواهد شد و هرگونه شک در تحقق حاکمیت جهانی اسلام را منتفی می سازند، امّا درباره این که آیا آن مصلح، تولد یافته و در حال حاضر وجود دارد یا خیر، ساکت هستند. برای یافتن پاسخ این سؤالات باید به روایات موجود در منابع حدیثی رجوع کرد.

مهدویّت در روایات

اشاره

چنان که گذشت، اصل موضوع مهدویّت و ظهور آخرین حجّت الاهی، به صورت کلی در آیات قرآن بیان شده است. با این وجود، تبیین و تفسیر این آیات به عهده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و پیشوایان معصوم علیهم السلام است و آنان جزئیات این مسأله را در اخبار و روایاتشان مطرح کرده اند.

احادیث نبوی و روایات رسیده از امامان معصوم علیهم السلام مصداق آیات مذکور را بیان کرده و آن را به مسئله مهدویّت و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تطبیق داده اند. از این رو، حجم وسیعی از احادیث به مسائل مربوط به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و ظهور وی در آخرالزّمان اختصاص یافته است.

در این احادیث، هم اصل ظهور آخرین منجی الاهی به عنوان یک امر قطعی و اجتناب ناپذیر یاد شده که آینده تاریخ، ناگزیر، شاهد آن خواهد بود و هم مصداق آن، شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی شده است.

احادیث مربوط به موضوع مهدویّت را می توان

در دو دسته قرار داد: یک دسته، احادیث نبوی که در منابع فریقین آمده و دیگری، احادیث رسیده از امامان معصوم علیهم السلام که تنها در منابع شیعی وارد شده است.

الف) مهدویّت درکلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم مکرراً امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان دوازدهمین وصی و جانشین خود که رسالت اجرای برنامه های دینی و قوانین اسلامی را در سطح جهان بر عهده دارد معرفی کرده و همگان را به آمدنش بشارت داده است. احادیث مهدوی ایشان به دلیل اهمیّت موضوع، انعکاس وسیعی در مجامع روایی شیعه و سنی داشته است.

بنا به استقصایی که در کتاب «معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف»(۱) انجام گرفته، از حدود چهارصد منبع معتبر نزد شیعیان و اهل تسنن، تعداد ۱۸۶۱ حدیث در رابطه با حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردآوری شده است. از این تعداد، ۵۶۳ حدیث به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم منسوب است که اکثراً در منابع و مصادر حدیثی اهل سنّت وارد شده اند.

۱- این کتاب که از نظر احصای روایات و آیات تفسیری و تأویلی مربوط به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، جامع ترین موسوعه مهدوی محسوب می شود، که به همت مؤسسه آل البیت علیهم السلام ابتدا در پنج جلد و سپس در سال ۱۴۲۸ ق پس از بازنگری در مجموعه هشت جلدی منتشر شده است.

بدون شک، اختصاص این حجم وسیع از احادیث به موضوع مهدویّت، بیانگر حساسیت فوق العاده این مسأله در صدر اسلام بوده است؛ چراکه علی رغم قدغن بودن نقل حدیث در دوران خلفا و ممانعت شدید حکام اموی و عباسی از نشر روایات، این تعداد از احادیث توانسته اند از زیر تیغ سانسور طولانی مدت عبور کرده، به دست ما برسند. در این جا به برخی از احادیث نبوی درباره آخرین وصی اشاره می شود:

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «لاتَذهَبُ الدُّنیا حَتَّی یَملِکَ رَجُلٌ مِن اهل بیتی یُواطِیءُ إسمِهُ إسمِی؛(۱) دنیا برچیده نشود تا این که مردی از خاندان من بر آن صاحب شود که نامش هم نام من است».

نیز آن حضرت فرمود: «لَاتَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یُمَلِّک رَجُلٌ مِن اَهْلِ بَیْتِی یَفتَحُ القُسطَنطِنِیَّهَ وَجَبَلَ الدِّیلَمِ وَ لُو لَم یَبقَ إلَّا یومٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللهُ ذَلِک الیَومَ حَتَّی یَفتَحُهُ؛(۲) قیامت برپا نمی شود تا این که مردی از خاندان من قسطنطنیه و کوه دیلم را فتح کند و اگر از عمر دنیا یک روز بیشتر باقی نمانده باشد، خداوند آن روز را آن قدر طولانی می کند تا او آن جا را فتح کند».

در سخن دیگر فرمود: «لَا تَقُومُ السَّاعَهُ حَتَّی یَقُومَ الْقَائِمُ الْحَقُّ مِنَّا وَ ذَلِک حِینَ یَأْذَنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لَهُ وَ مَنْ تَبِعَهُ نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهُ هَلَک اللَّهَ

۱- بحار الانوار، ج۳۶، ص۳۶۸ .

۲- بحار الانوار، ج ۵۱، ص۸۴.

اللَّهَ عِبَادَ اللَّهِ فَأْتُوهُ وَ لَوْ عَلَى الثَّلْجِ فَإِنَّهُ خَلِيفَهُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ خَلِيفَتِی؛(۱) روز قیامت فرا نمی رسد مگر آن که قائم به حق که از خاندان ماست قیام کند و آن قیام، زمانی خواهد بود که خدای عزوجل او را اجازه فرماید. هرکس پیرو او باشد نجات می یابد و هرکه از فرمانش تخلّف ورزد، هلاک می شود. ای بندگان خدا! خدا را در نظر داشته باشید و به نزدش آیید، اگرچه بر روی یخ و برف راه روید؛ زیرا او خلیفه خدای عزوجل و جانشین من است».

ابوذر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده است که فرمود: «الْأَئِمَّهُ بَعْدِی اِثْنَا عَشَرَ، تِسْعَهٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ تَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَلَا إِنَّ مَثَلَهُمْ فِیکمْ مَثَلُ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ؛(۲) امامان بعد از من، دوازده نفرند که نُه نفر آنان از نسل حسین هستند و نهمین آنان، قائم آنان است. آگاه باشید که آنان در میان شما همانند کشتی نوح هستند؛ پس هرکس بر آن کشتی متمسک شود، نجات می یابد و هرکه از آن فاصله گیرد، هلاک می شود».

آن حضرت هم چنین فرمود: «إِنَّ الْأَئِمَّهَ بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَیْتِی، عَلِیٌّ أَوَّلُهُمْ وَ أَوْسَطُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ آخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ مَهْدِیُّ هَذِهِ الْأُمَّهِ الَّذِی یُصَلِّی عِیسَی خَلْفَهُ؛(۳) پیشوایان پس از من،

ص:۳۸

۱- بحار الانوار، ج۵۱، ص۶۵ .

۲- غایه المرام، ج۳، ص۲۲.

۳- کفایه الأثر، ص۸۰.

دوازده نفر از اهـل بیت من هسـتند که علی نخستین آنان است و وسط آنان محمـد و آخر آنان نیز محمـد است. او مهـدی این امّت و همان کسی است که عیسی بن مریم پشت سر او نماز خواهد خواند».

پیامبراکرم صـلی الله علیه و آله و سلم در کلام دیگری خطاب به مردم فرمودند: «إِنَّ خُلَفَائِی وَ أَوْصِیائِی وَ حُجَج اللَّهِ عَلَی الْخَلْقِ بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ أَخِی وَ آخِرُهُمْ وَلَدِی؛ جانشینان و اوصیای من که پس از من حجّت های پروردگار در میان مردم هستند، دوازده نفرنـد، اول آن هـا برادرم است و آخرین آنـان فرزنـدم خواهـد بود». سؤال شـد: «یا رسول الله! برادرت کیست؟» ایشان پاسخ فرمود: «عَلِی بْنُ أَبِی طَالِبٍ». سؤال کردند: «فرزندت کدام است؟» فرمود: «اَلْمَهْدِیُّ یَمْلَأُهَا قِسْطاً وَ عَدْلًا کمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالْحَقِّ نَبِیّاً لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الـدُّنْیا إِلَّا یَوْمٌ وَاحِـدٌ لَأَطَالَ اللَّهُ ذَلِک الْیَوْمَ حَتَّی یَخْرُجَ فِیهِ وَلَـدِی الْمَهْدِیُّ فَیَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ فَیُصَلِّیَ خَلْفَهُ وَ تُشْرِقَ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَ یَبْلُغَ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛(۱) مهدی، همان کسی که خداوند به وسیله او دنیا را پر از عدل و داد می کند، پس از آن که از ظلم و ستم پر شده باشد. سوگند به آن خدایی که مرا به پیامبری برانگیخت، اگر از دنیـا جز یک روز نمانـد، خداونـد آن روز را چنان بلنـد می کنـد که فرزنـدم مهـدی خروج کنـد و آن گاه عیسی روح

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص ۲۸۰؛ إعلام الوری، ص ۳۹۱.

الله علیه السلام از آسمان فرود خواهد آمد و در پشت سر او نماز خواهد خواند و زمین از نور خداوند روشن خواهد شد و حکومت مهدی بر شرق و غرب عالم گسترش پیدا خواهد کرد».

کلمه شرطی «لو» در کلام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و مشروط شدن پایان عمر دنیا به ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیانگر ناگزیر بودن و حتمیت این رخداد در آینده تاریخ است.

در حدیثی دیگر، جابر بن عبدالله انصاری نقل می کند که وقتی خداوند آیه (یاأَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَأُولِی الْأَمْرِ مِنْکمْ)(۱) را نازل فرمود، محضر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عرض کردم: ای رسول خدا! خدا و رسول خدا را شناختیم، امّا «اولوالامر» که خداوند اطاعتش را قرین اطاعت شما قرار داده است چه کسانی هستند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «هُمْ خُلَفَائِی یَا جَابِرُ وَ أَئِمَّهُ الْمُسْلِمِینَ مِنْ بَعْدِی أَوَّلُهُمْ عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ ثُمَّ الْحَسَنُ وَ الْحُسَیْنُ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ الْمَعْرُوفُ فِی التَّوْرَاهِ بِالْبَاقِرِ وَ سَتُدْرِکهُ یَا جَابِرُ فَإِذَا لَقِیتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّی السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ مُوسَی ثُمَّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ سَمِیِّی وَ کنِیِّی حُجَّهُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ وَ بَقِیَّتُهُ فِی عِبَادِهِ ابْنُ الْحَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ ذَاک الَّذِی یَفْتَحُ اللَّهُ تَعَالَی ذِکرُهُ عَلَی یَدَیْهِ مَشَارِقَ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبَهَا ذَاک الَّذِی یَغِیبُ عَنْ شِیعَتِهِ وَ أَوْلِیَائِهِ غَیْبَهً لَا

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ إِلَّا مَنِ امْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِلْإِيمَانِ؛(۱) ای جابر! آن ها جانشینان من و پیشوایان مسلمین بعد از من هستند. اولین آن ها علی بن ابی طالب است، سپس حسن و حسین، سپس علی بن حسین، سپس محمد بن علی که در تورات به باقر (شکافنده علم) معروف است و تو ای جابر، او را درک می کنی! پس هرگاه او را دیدی، سلام مرا بر او برسان پس از او، جعفر بن محمد الصادق، سپس موسی بن جعفر، سپس علی بن موسی، سپس محمد بن علی، سپس علی بن محمد، سپس حسن بن علی و پس از او، هم نام و هم کنیه من، که او حجّت خدا در زمین و باقی مانده حجج خدا در میان بندگانش است و فرزند حسن بن علی است. اوست که خداوند یاد خود را با دستان او بر مشرق و مغرب زمین می گشاید و اوست که از شیعیان و دوستدارانش غائب می شود؛ غیبتی که جز کسی که خداوند دلش را برای ایمان آزموده باشد، بر امامتش ثابت نمی ماند».

سپس من عرض کردم: ای رسول خدا! آیا شیعیانش در غیبتش از او بهره مند می شوند؟ پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِی وَ الَّذِی بَعَثَنِی بِالنُّبُوَّهِ إِنَّهُمْ یَسْتَضِیئُونَ بِنُورِهِ وَ یَنْتَفِعُونَ بِوَلَایَتِهِ فِی غَیْبَتِهِ کانْتِفَاعِ النَّاسِ بِالشَّمْسِ وَ إِنْ تَجَلَّلَهَا سَحَابٌ یَا جَابِرُ هَذَا

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۵۳؛ کفایه الأثر، ص۵۴.

مِنْ مَكنُونِ سِرِّ اللَّهِ وَ مَخْزُونِ عِلْمِهِ فَاكتُمْهُ إِلَّا عَنْ أَهْلِهِ؛(۱) قسم به خدایی که مرا به نبوت مبعوث کرد، آن ها از نور او روشنی می یابند و از ولایتش بهره می برند، همان طوری که مردم از خورشید بهره مند می شوند، گرچه ابر آن را بپوشاند. ای جابر! این از اسرار پنهان الاهی و گنجینه دانش اوست. آن را مکتوم دار، مگر از اهلش».

در گزارش دیگری که جابر از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است، تک تک امامان علیهم السلام به ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با خصوصیات کامل معرفی شده اند. جابر بن عبدالله انصاری می گوید: از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره امامان از فرزندان علی بن ابی طالب علیه السلام سؤال کردم. ایشان فرمود: «اَلْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّهِ ثُمَّ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ فِی زَمَانِهِ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ وَ سَتُدْرِكهُ يَا جَابِرُ فَإِذَا أَدْرَكتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّی السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْكاظِمُ مُوسَی بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَی ثُمَّ التَّقِيُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ النَّقِيُّ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الزَّكيُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ ثُمَّ ابْنُهُ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ مَهْدِيُّ أُمَّتِی الَّذِی يَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً هَؤُلَاءِ يَا جَابِرُ خُلَفَائِی وَ أَوْصِيَائِی وَ أَوْلَادِی وَ عِتْرَتِی مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَنِی وَ مَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَانِی وَ مَنْ أَنْكرَهُمْ أَوْ أَنْكرَ وَاحِداً مِنْهُمْ فَقَدْ أَنْكرَنِی وَ بِهِمْ يُمْسِك اللَّهُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَی الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِهِمْ يَحْفَظُ اللَّهُ الْأَرْضَ أَنْ تَمِيدَ بِأَهْلِهَا؛(۲)حسن و حسین که سرور جوانان اهل بهشت اند؛ سپس

۱- كمال الدّين و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۵۳

۲- كمال الدّين و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۵۳؛ كفايه الاثر، ص۱۴۵ .

علی بن حسـین، سرور عابدان زمانش؛ سپس باقر، محمد بن علی که تو ای جابر، او را درک خواهی کرد، پس از جانب من به او سلام برسان سپس صادق، جعفر بن محمد؛ سپس کاظم، موسی بن جعفر؛ سپس رضا، علی بن موسی؛ سپس تقی، محمد بن علی؛ سپس نقی، علی بن محمد؛ سپس زکی، حسن بن علی؛ سپس فرزندش که قیام کننده به حق و هدایت کننده امّتم خواهد بود و زمین را پر از عدل و داد خواهد کرد، همان طوری که از ظلم و ستم پر شده باشد.

ای جابر! اینان جانشـینان و اوصـیای من و نیز فرزندان و عترت من هستند؛ هر کس آن ها را اطاعت کند، مرا اطاعت کرده، هر کس آن ها را نافرمانی کنـد، مرا نافرمانی کرده و هرکس یکی از آن ها را انکار کند، قطعاً مرا انکار کرده است. به وسـیله آن هاست که خداونـد آسـمان را نگه داشـته تا بر زمین واقع نشود مگر به اذن او و با آن هاست که خداوند زمین را حفظ کرده تا اهلش را به کام خود نکشد».

ب) مهدویّت در کلام امامان معصوم علیهم السلام

همـان گـونه که پیـامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم ظهور حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف را از روزهـای نخستین صدر اسلام بشارت داده اند، امامان معصوم نیز ویژگی های شخصی و شخصیتی آن حضرت و مقاطع مختلف تاریخ

زنـدگی و سـیر تحولات مربوط به دوران ظهور ایشان را به خوبی بیان کرده انـد. به همین دلیل، بخش قابل توجّهی از روایات منقول در مجـامع حـدیثی شـیعه، به این موضوع، یعنی معرفی امـام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف کیفیت غیبت ایشان، علائـم ظهـور، چگـونگی ظهـور، رخـدادهای هنگـامه ظهور و حوادث و اتفاقـات دوران ظهور ایشـان پرداخته انـد. کـثرت این روایات به حدی است که حجم وسیعی از مجامع حدیثی به این روایات اختصاص یافته است.

در این جا به فرازهایی از سخنان امامان معصوم علیهم السلام درباره آخرین حجّت الاهی اشاره می شود:

امیرالمؤمنین علیه السلام

اصـبغ بن نباته نقل کرده است: خدمت امیرمؤمنان علیه السلام رسیدم و دیدم آن حضرت در حال فکر کردن است و در همان حال، روی زمین با انگشت خط می کشد. عرض کردم: ای امیرمؤمنان! چه شده است شـما را در حال فکرکردن می بینم، مدام بر زمین خط می کشـی! نکند به آن (خلافت روی زمین) رغبت کرده ای؟! امیرمؤمنان علیه السلام در پاسخ فرمود: «لَا وَ اللَّهِ مَا رَغِبْتُ فِيهَا وَ لَا فِي الدُّنْيَا يَوْماً قَطُّ وَ لَكِنِّي فَكَرْتُ فِي مَوْلُودٍ يَكونُ مِنْ ظَهْرِي الْحَادِيَ عَشَرمِنْ وُلْدِي هُوَ الْمَهْدِيُّ يَمْلَؤُهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً تَكونُ لَهُ حَيْرَةٌ وَ غَيْبَةٌ يَضِلُّ فِيهَا أَقْوَامٌ وَ يَهْتَدِي

ص:۴۴

فِيهَا آخَرُون؛(۱) نه به خدا، هرگز روزی نبوده که به خلافت یا دنیا رغبت کنم؛ بلکه به مولودی که فرزند یازدهم من است، فکر می کردم. او همان مهدی است که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان گونه که از جور و ستم پر شده باشد. برای او غیبت و حیرتی است که مردمی در آن زمان گمراه گردند و مردمی دیگر هدایت شوند».

امیرمؤمنان علیه السلام به فرزند بزرگوارش امام حسین علیه السلام فرمود: «اَلتَّاسِعُ مِنْ وُلْدِك يَا حُسَيْنُ هُوَ الْقَائِمُ بِالْحَقِّ الْمُظْهِرُ لِلدِّينِ وَ الْبَاسِطُ لِلْعَدْلِ. قَالَ الْحُسَيْنُ علیه السلام : فَقُلْتُ لَهُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ إِنَّ ذَلِك لَكائِنٌ؟ فَقَالَ علیه السلام : إِي وَ الَّذِي بَعَثَ مُحَمَّداً صلی الله علیه و آله و سلم بِالنُّبُوَّةِ وَ اصْطَفَاهُ عَلَى جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ وَ لَكنْ بَعْدَ غَيْبَةٍ وَ حَيْرَةٍ فَلَا يَثْبُتُ فِيهَا عَلَى دِينِهِ إِلَّا الْمُخْلِصُونَ الْمُبَاشِرُونَ لِرَوْحِ الْيَقِينِ الَّذِينَ أَخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِيثَاقَهُمْ بِوَلَايَتِنَا وَ كتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَ أَيَّدَهُمْ بِرُوحٍ مِنْهُ ؛(۲) نهمین فرزند تو قیام کننده به حق و آشکار سازنده دین و گستراننده عدالت است، پرسیدم یا امیرمؤمنان! آیا حتماً چنین خواهد شد؟» پاسخ فرمود: آری! قسم به کسی که حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به پیامبری برانگیخت و او را بر تمام خلایق برگزید، چنین خواهد شد؛ امّا بعد از غیبت و حیرتی که در آن، کسی بر دینش استوار نمی ماند، مگر مخلصین و

۱- الکافی، ج۱، ص ۳۳۸؛ الغیبه، نعمانی، ص۳۳۶.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۰۴ ؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص ۱۱۰ .

دارندگان روح یقین؛ کسانی که خداوند نسبت به ولایت ما از آنان پیمان گرفته و ایمان را بر صفحه دلشان نگاشته و با روحی از جانب خود تأیید فرموده است».

حضرت زهرا علیها السلام

از حضرت فاطمه علیها السلام نقل شده است که فرمود: «قَالَ لِی رَسُولُ اللّه أَبْشِرِی یَا فَاطِمَهُ، اَلْمَهْدِیّ مِنْکِ؛(۱)رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به من فرمود: ای فاطمه! تو را بشارت باد به این که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از نسل تو است».

امام حسن مجتبی علیه السلام

امام مجتبی علیه السلام فرمود: «مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا یَقَعُ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ لِطَاغِیَهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ(عج) الَّذِی یُصَلِّی خَلْفَهُ رُوحُ اللَّهِ عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ علیه السلام فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُخْفِی وِلَادَتَهُ وَ یُغَیِّبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا یَکونَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ إِذَا خَرَجَ ذَاک التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِی الْحُسَیْنِ؛(۲) هیچ یک از ما اهل بیت نیست، مگر آن که بیعتی از طاغوت زمانش را اجباراً بر عهده دارد، جز قائم که عیسی بن مریم، روح الله، پشت سر او نماز خواهد گذارد. خداوند ولادت او را مخفی می دارد و شخص او را از دیدگان، غائب می گرداند تا بیعت هیچ کس را بر گردن نداشته باشد، او نهمین فرزند از نسل برادرم حسین علیه السلام است».

ص:۴۶

۱- منتخب الأثر، ص ۱۹۲ (این حدیث در منابع حدیثی اهل سنت نیز وارد شده است).

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۱۶ .

هنگـامی که امـام حسن علیه السـلام بـا معـاویه بن ابی سـفیان مصالحه کرد، مردم بر ایشان وارد شدنـد و برخی زبان به ملامت گشودند که «چرا با معاویه صلح کردی؟» حضرت خطاب به آنان فرمود: «وَیحَکم مَا تَدَرُونَ مَا عَمِلتُ! وَ اللهِ، اَلَّذی عَمِلتُ، خَیرٌ لِشیعَتی مِمَّا طَلَعَت عَلَیهِ الشَّمسُ أو غَرِبَت. ألاَتَعلَمُونَ أنَّنی إمَامُکم مُفتَرَضُ الطَّاعَهُ عَلَیکم و أحَدُ سَیِّدَی شَبَابِ أهلِ الجَنَّهِ بِنَصٍّ مِن رَسُولِ اللهِ عَلَیَّ؛ وای بر شـما! شـما نمی دانیـد که من چه کردم! به خـدا قسم، برای شـیعیانم کاری انجام دادم که از آن چه خورشـید بر آن طلوع یا غروب کند، بهتر است. آیا نمی دانید که من امام واجب الاطاعه شـما هستم و به نص رسول خدا صلی الله علیه و آله و سـلم یکی از دو سرور جوانان بهشتم؟» گفتند: «بلی». آن حضرت فرمود: «أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّ الْخَضِرَ علیه السلام لَمَّا خَرَقَ السَّفِینَهَ وَ أَقَامَ الْجِدَارَ وَ قَتَلَ الْغُلَامَ کانَ ذَلِک سَخَطاً لِمُوسَی بْنِ عِمْرَانَ إِذْ خَفِیَ عَلَیْهِ وَجْهُ الْحِکمَهِ فِی ذَلِک وَ کانَ ذَلِک عِنْدَ اللَّهِ تَعَالَی ذِکرُهُ حِکمَهً وَ صَوَاباً أَ مَا عَلِمْتُمْ أَنَّهُ مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ یَقَعُ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ لِطَاغِیَهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِی یُصَلِّی رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ علیه السـلام خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُخْفِی وِلَادَتَهُ وَ یُغَیِّبُ شَخْصَهُ لِئَلَّا یَکونَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ إِذَا خَرَجَ ذَلِک التَّاسِعُ مِنْ وُلْدِ أَخِی الْحُسَیْنِ بْنِ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ یُطِیلُ اللَّهُ عُمُرَهُ فِی غَیْبَتِهِ ثُمَّ یُظْهِرُهُ بِقُدْرَتِهِ فِی صُورَهِ شَابٍّ دُونَ أَرْبَعِینَ سَنَهً ذَلِک لِیُعْلَمَ أَنَّ اللَّهَ عَلی کلِّ شَیْ ءٍ قَدِیرٌ؛(۱) آیا نمی دانیـد که وقتی خضـر علیه السـلام آن کشتی را سوراخ کرد یا آن دیوار را برپا ساخت یا آن نوجوان را کشت، این امور برای حضرت موسی علیه السلام گران آمد؟ زیرا وجوه و

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۱۶ .

حکمت های این کار برای موسی علیه السلام مخفی بود؛ امّا نزد خداوند درست و حکیمانه بود. آیا نمی دانید که هیچ کدام از ما ائمه نیست، مگر این که بیعتی از طاغوت زمانش را بر گردن دارد، جز قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که عیسی بن مریم، روح الله، پشت سرش نماز خواهد خواند. خداوند عزوجل ولادتش را مخفی و وجودش را در غبیت نگه می دارد تا در زمان ظهورش از احدی بر گردن او بیعتی نباشد. خداوند، عمر فرزند نهم از فرزندان برادرم حسین علیه السلام فرزند سرور زنان عالم را در غیبتش طولانی می کند، سپس با قدرتش او را به صورت جوانی زیر چهل سال، به ظهور می رساند تا بدانند که خداوند بر هر کاری قادر است».

امام حسین علیه السلام

عبدالرحمن بن سلیط از امام حسین علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «مِنَّا اِثنَا عَشَرَ مَهدیاً أَوَّلُهُم أمیرُالمُؤمنینَ عَلِیُّ بنُ أبی طَالِبٍ وَآخرُهُم التَّاسِعُ مِن وَلَدی وَ هُوَ الإمَامُ القَائِمُ بِالحَقِّ یُحیِی اللهُ بِهِ الأرضَ بَعدَ مَوتِهَا وَ یُظهِرُبِهِ دینَ الحَقِّ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ وَ لَوکرِهَ المُشرِکونَ لَهُ غَیبَهٌ یَرتَدُّ فِیهَا أقوَامٌ وَ یَثبِتُ فِیهَا عَلی الدِّینِ آخَرُونَ فَیُؤذُونَ وَ یُقَالُ لَهُم(مَتَی هَذَا الْوَعْدُ إِنْ کنْتُمْ صَادِقِینَ) أما إنَّ الصَّابِرَ فِی غَیبَتِهِ عَلَی الأذی وَ التَّکذیبِ بِمَنزِلَهِ المُجاهِدِ بِالسَّیفِ بینَ یدَیِ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم ؛(۱) در خاندان ما دوازده مهدی وجود دارد، نخستین

ص:۴۸

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۶۸ ؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۱۷.

ایشـان، امیرمؤمنـان علیه السـلام است و آخرین آنان، نهمین نفر از فرزنـدان من است. او همان امام قیام کننـده به حق است که خداونـد زمیـن را بعـد از آن که بمیرد، به وسیله او زنـده می کنـد و دین حق را بر تمـام ادیـان به پیروزی می رسانـد، اگرچه مشرکان آن را ناخوش دارند. برای او غیبتی است که برخی در آن دوران، مرتد می شوند و برخی دیگر در دین ثابت قدم میماننـد و به آن هـا [از روی تمسـخر] گفته می شود: «این وعـده چه زمـانی است، اگر راست می گوییـد؟» کسـی که در دوران غیبتش متحمّـل آزار و اذیت شود و به دروغگویی متهم گردد، به منزله مجاهـدی است که بـا شمشـیرش پیشاپیش رسول خـدا صلی الله علیه و آله و سلم جهاد کرده است».

امام سجاد علیه السلام

امام سجاد علیه السلام فرمود: «أَنَّ لِلْقَائِمِ مِنَّا غَيْبَتَيْنِ إِحْدَاهُمَا أَطْوَلُ مِنَ الْأُخْرَى؛ أَمَّا الْأُولَى فَسِتَّةُ أَيَّامٍ أَوْ سِتَّةُ أَشْهُرٍ أَوْ سِتُّ سِنِينَ وَ أَمَّا الْأُخْرَى فَيَطُولُ أَمَدُهَا حَتَّى يَرْجِعَ عَنْ هَذَا الْأَمْرِ أَكْثَرُ مَنْ يَقُولُ بِهِ فَلَا يَثْبُتُ عَلَيْهِ إِلَّا مَنْ قَوِيَ يَقِينُهُ وَ صَحَّتْ مَعْرِفَتُهُ وَ لَمْ يَجِدْ فِي نَفْسِهِ حَرَجاً مِمَّا قَضَيْنَا وَ سَلَّمَ لَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ علیه السلام ؛(۱) برای قـائم ما دو غیبت است. یکی از آن دو، طولانی تر از دیگری است، آن قدر طول خواهد کشید که اکثر معتقدین به ولایت، از

ص:۴۹

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۳ و ۳۲۴ .

اعتقاد به او بازخواهند گشت. در آن زمان کسی بر امامت و ولایت او ثابت قدم و استوار نمی ماند، مگر آن که ایمانش قوی و شناختش درست باشد و در نفس خویش نسبت به حکم و قضاوت ما هیچ گرفتگی و کراهتی احساس نکند و تسلیم ما اهل بیت باشد».

نیز آن حضرت فرمود: «اَلْقَائِمُ مِنَّا تَخْفَی وِلَادَتُهُ عَلَی النَّاسِ حَتَّی یَقُولُوا لَمْ یُولَدْ بَعْدُ لِیَخْرُجَ حِینَ یَخْرُجُ وَ لَیْسَ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ مَن ثَبَتَ عَلَی مُوالاتِنَا فِی غَیبَهِ قَائِمِنَا أعطَاهُ اللهُ عَزَّ وَجَلَّ أجرَ ألفِ شَهیدٍ مِن شُهَداءِ بَدرٍ وَ اُحُدٍ؛(۱) قائم از خاندان ماست، ولادتش بر مردم مخفی می ماند، تا جایی که گویند متولد نشده است تا خروج کند، هنگامی که خروج کند بیعت کسی در گردن او نباشد».

در سخن دیگر در باره پاداش پیروان اهلبیت علیهم السلام در زمان غیبت فرمود: «مَنْ ثَبَتَ عَلَی مُوَالاتِنَا فِی غَیْبَهِ قَائِمِنَا أَعْطَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ أَجْرَ أَلْفِ شَهِیدٍ مِنْ شُهَدَاءِ بَدْرٍ وَ أُحُد؛(۲) هر کس در زمان غیبت قائم ما، بر محبّت و دوستی خانـدان ما باقی بماند، خداوند متعال اجر هزار شهید از شهدای بدر و احد را به او عطا می فرماید».

امام باقر علیه السلام

ابوحمزه ثمالی نقل کرده است: روزی خدمت امام محمد باقر علیه السلام بودم. وقتی افرادی که نزد

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۳.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۳.

او بودنـد متفرق شدند، به من فرمود: «يَا أَبَا حَمْزَةَ مِنَ الْمَحْتُومِ الَّذِي لَا تَبْدِيلَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ قِيَامُ قَائِمِنَا فَمَنْ شَكَّ فِيمَا أَقُولُ لَقِيَ اللَّهَ سُبْحَانَهُ وَ هُوَ بِهِ كافِرٌ وَ لَهُ جَاحِدٌ ثُمَّ قَالَ بِأَبِي وَ أُمِّي الْمُسَمَّى بِاسْمِي وَ الْمُكَنَّى بِكُنْيَتِي السَّابِعُ مِنْ بَعْدِي بِأَبِي مَنْ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً ثُمَّ قَالَ يَا أَبَا حَمْزَةَ مَنْ أَدْرَكَهُ فَلَمْ يُسَلِّمْ لَهُ فَمَا سَلَّمَ لِمُحَمَّدٍ وَ عَلِيٍّ عليه السلام وَ قَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَ مَأْوَاهُ النَّارُ وَ بِئْسَ مَثْوَى الظَّالِمِين؛(۱) ابوحمزه! یکی از امور حتمی که نزد خداونـد تغییرناپـذیر است، قیـام قائم ما اهل بیت است و اگر کسـی در آن چه می گویم تردیـد کنـد، خـدا را در حالی ملاقات خواهد کرد که کافر و منکر اوست. سـپس فرمود: پـدرم و مـادرم فـدای کسـی که هم نـام و هم کنیه من و هفتمین امـام پس از من است. پـدرم فـدای کسـی که زمین را سرشار از دادگری و عـدل خواهد کرد، هم چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. سـپس فرمود: ای ابوحمزه! هر کس که او را درک کنـد و در برابرش تسـلیم نباشـد، به [رسـالت] محمـد صـلی الله علیه و آله و سـلم و [امـامت و خلافت] علی علیه السـلام گردن ننهاده است و خداوند بهشت را بر او حرام فرموده و جایگاهش آتش دوزخ است و چه بد است جایگاه ستمگران».

هنگامی که اُمّ هانی از امام باقر علیه السلام درباره آیه شریفه (فَلا أُقْسِمُ بِالْخُنَّسِ الْجَوارِ الْكُنَّس)(۲)

ص:۵۱

۱- الغیبه، نعمانی، ص۸۶.

۲- سوره تکویر، آیات ۱۵ و ۱۶ .

سؤال کرد، حضـرت فرمود: «نِعْمَ الْمَسْأَلَهُ سَأَلْتِینِی یَا أَمَّ هَانِئٍ هَذَا مَوْلُودٌ فِی آخِرِ الزَّمَانِ هُوَ الْمَهْدِیُّ مِنْ هَذِهِ الْعِتْرَهِ تَکونُ لَهُ حَیْرَهٌ وَ غَیْبَهٌ یَضِلُّ فِیهَا أَقْوَامٌ وَ یَهْتَدِی فِیهَا أَقْوَامٌ فَیَا طُوبَی لَک إِنْ أَدْرَکتِیهِ وَ یَا طُوبَی لِمَنْ أَدْرَکه؛(۱) چه سوال خوبی از من پرسیدی، مراد این آیه، مولودی در آخر الزّمان است که مهـدی این خانـدان خواهـد بود؛ او را حیرت و غیبتی است که در آن زمان عده ای گمراه شوند و جمعی دیگر هدایت پذیرند. خوشا به حال تو، اگر او را درک کنی و خوشا به حال هر کسی که او را درک کند».

امام صادق علیه السلام

سیـد حمیری نقل کرده است: از امام جعفر بن محمـد الصادق علیه السـلام درباره اخباری که از پـدران بزرگوارش در موضوع غیبت شـنیده ام، سؤال کردم و پرسـیدم: «این غیبت برای چه کسـی رخ خواهد داد؟» ایشان در پاسخ فرمودند: «إنَّ الغِیبَهَ سَـتَقَعُ بِالسَّادِسِ مِن وَلَدی وَ هُوَ الثَّانِیُ عشَـرَ مِنَ الْأَئِمَّهِ الهُدَاهِ بَعدَ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم،أَوَّلُهُم أمیرُ المُؤمِنینَ عَلیُّ بنُ أبی طَالِبٍ وَآخِرُهمُ أَلقَائِمُ بِالحَقِّ، بَقِیَّهُ اللهِ فِی الْأرضِ وَ صَاحِبُ الزَّمَان،وَاللهِ لُو بَقِیَ فِی غَیبَتِهِ مَا بَقِیَ نُوحٌ فِی قَومِهِ لَم یَخرُج مِنَ الـدُّنیَا حَـتَّی یَظهَرَ فَیَملأَـ الأَـرضَ قِسطاً وَ عَـدلاً کمَـا مُلِئَت جُوراً وَ ظُلمـاً؛(۲) غیبـت برای ششـمین فرزنـد مـن واقـع خواهـد شـد و او دوازدهمین امام هدایت گر بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که اولینشان

ص:۵۲

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص ۳۳۰ .
۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۴۲ .

امیرمؤمنان علی بن ابی طالب علیه السلام و آخرین آن ها قائم بر حق و بقیه الله در زمین و صاحب الزّمان است. به خدا قسم، حتی اگر در غیبتش باقی بماند به اندازه ای که نوح در میان قوم خود باقی ماند، از دنیا خارج نخواهد شد تا ظهور کند و زمین را از عدل و داد پر کند، همان طور که از ظلم پر شده باشد».

نیز آن حضرت فرمود: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ غَیْبَهً فَلْیَتَّقِ اللَّهَ عَبْدٌ وَ لْیَتَمَسَّکْ بِدِینِه؛(۱) همانا برای صاحب این امر، غیبتی است؛ پس بنده خدا باید در آن دوران تقوای الاهی پیشه کند و به دینش التزام داشته باشد».

امام کاظم علیه السلام

زیاد أزدی نقل کرده است که از سرورم، امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره معنای آیه شریفه (وَأَسْبَغَ عَلَیْکمْ نِعَمَهُ ظاهِرَه وَباطِنَه)(۲) سؤال کردم، آن حضرت در پاسخ فرمود: «اَلنِّعمَهُ الظَّاهِرَهُ اَلإمَـامُ الظـاهِرُ وَ البَـاطِنَهُ الإمَـامُ الغَائِبُ؛ نعمت ظاهر، امام ظاهر است و نعمت باطن، امام غائب. دوباره پرسیدم: آیا در میان ائمه کسی هست که غائب شود؟ در پاسخ فرمود: «نَعَم یَغیبُ عَن أبصَارِ النَّاسِ شَخصُهُ وَ لاَیَغیبُ عَن قُلُوبِ المُؤمنینَ ذِکرُهُ هُوَ الثَّانِی عَشَرَ مِنَّا یُسَهِّلُ اللهُ تَعَالَی لَهُ کلَّ عُسر وَ یُذَلِّلُ لَهُ کلَّ صَعبٍ وَ یُظهِرُ لَهُ کنُوزَ الأرضِ وَیَقرِبُ عَلَیه کلَّ بَعیدٍ وَ

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۳۶ .

۲- سوره لقمان، آیه ۲۰.

یَذِلَّ بِهِ کلَّ جَبَّارٍ عَنیدٍ عِندَهُ وَ یُهلِک عَلَی یَدِهِ کلَّ شَیطَانٍ مُریدٍ، ذَلِک ابنُ سیدهُ الاِمَاءِ اَلَّتی یَخفِی عَلَی النَّاسِ وِلادَتُهُ وَ لاَ یُحِلَّ لَهُم تَسمِیَتُهُ حَتَّی یُظهِرَهُ اللهُ فَیَملأُ بِهِ الأرضَ قِسطاً وَعَدلاً کمَا مُلِئت جُوراَ و ظُلمَاً؛(۱) آری! شخص او از دیدگان مردم غائب می شود؛ امّا یادش از دل های مردم پنهان نخواهد شد. او دوازدهمین امام از خاندان ماست. خداوند هر سختی را برای او آسان و هر مشکلی را برای او خوار و کوچک می کند و گنج های زمین را برای او ظاهر می سازد و هر دوری را برای او نزدیک می گرداند. هر جبار عنودی نزد او خوار می شود و هر شیطان سرکشی با دستان او هلاک می گردد. او فرزند سرور زنان عالم است؛ کسی که ولادتش برای مردم مخفی است و بردن نام او برایشان حلال نیست، تا زمانی که خدا او را ظاهر سازد و با او زمین را از عدل و داد پر کند، همان گونه که قبلًا از ظلم و ستم پر شده باشد».

هم چنین هنگامی که داود بن کثیر رقّی از امام موسی بن جعفر علیه السلام درباره صاحب الامر سؤال کرد، آن حضرت در پاسخ چنین فرمود: «هُوَ الطَّرِیدُ الْوَحِیدُ الْغَرِیبُ الْغَائِبُ عَنْ أَهْلِهِ الْمَوْتُورُ بِأَبِیهِ ؛(۲) صاحب این امر (امام زمان) رانده شده، تنها، غریب، غائب، دور از اهل و خون خواه پدر خویش است».

ص:۵۴

۱- کفایه الاثر، ص ۲۷۱.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱ .

امام رضا علیه السلام

امام رضا علیه السلام خطاب به دعبل در معرفی آخرین حجّت الاهی فرمود: «يَا دِعْبِلُ الْإِمَامُ بَعْدِی مُحَمَّدٌ ابْنِی وَ بَعْدَ مُحَمَّدٍ ابْنُهُ عَلِیٌّ وَ بَعْدَ عَلِیٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّهُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِی غَيْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِی ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ يَبْقَ مِنَ الدُّنْيَا إِلَّا يَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ ذَلِكَ الْيَوْمَ حَتَّى يَخْرُجَ فَيَمْلَأَهَا عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً؛(۱) ای دعبل! امام پس از من، فرزندم محمد است و پس از او فرزندش علی و پس از او فرزندش حسن و پس از او فرزندش، حجّت قائم، امام خواهند بود و او کسی است که در دوران غیبتش انتظارش را می کشند و در ظهورش از او اطاعت می کنند و اگر از دنیا جز یک روز باقی نمانده باشد، خدای تعالی آن روز را به گونه ای طولانی خواهد فرمود که او خروج کند و زمین را از عدل آکنده سازد، هم چنان که از جور پر شده باشد».

حسین بن خالد از امام رضا علیه السلام گزارش کرده است که آن حضرت مردم را چنین سفارش فرمود: «لَا دِيْنَ لِمَنْ لَا وَرَعَ لَهُ وَ لَا إِيمَانَ لِمَنْ لَا تَقِيَّهَ لَهُ وَ إِنَّ أَكرَمَكمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقاكمْ وَ أَعْمَلُكمْ بِالتَّقِيَّه ؛ کسی که ورع ندارد دین ندارد و کسی که تقیه ندارد ایمان ندارد. گرامی ترین شما نزد پروردگار، کسی است که بیش از دیگران به تقیه عمل می کند». از آن حضرت سوال شد: ای فرزند رسول خدا! تا چه زمان باید تقیه

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۷۲.

کنیم؟ حضرت در پاسخ فرمود: «إِلی یَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوم وَ هُوَ یَوْمَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَمَنْ تَرَک التَّقِیَّهَ قَبْلَ خُرُوجِ قَائِمِنَا فَلَیْسَ مِنَّا؛ تا روز معلوم و آن روز، روز خروج قائم ما اهل بیت است. پس هر کس تقیه را قبل از خروج قائم ما ترک کند، از ما نیست. نیز سؤال شد: ای فرزند رسول خدا! قائم شما اهل بیت کیست؟ حضرت در جواب فرمود: «اَلرَّابِعُ مِنْ وُلْدِی ابْنُ سَیِّدَهِ الْإِمَاءِ یُطَهِّرُ اللَّهُ بِهِ الْأَرْضَ مِنْ کلِّ جَوْرٍ وَ یُقَدِّسُهَا مِنْ کلِّ ظُلْمٍ وَ هُوَ الَّذِی یَشُک النَّاسُ فِی وِلَادَتِهِ وَ هُوَ صَاحِبُ الْغَیْبَهِ قَبْلَ خُرُوجِهِ فَإِذَا خَرَجَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِهِ وَ وُضِعَ مِیزَانُ الْعَدْلِ بَیْنَ النَّاسِ فَلَا یَظْلِمُ أَحَدٌ أَحَداً وَ هُوَ الَّذِی تُطْوَی لَهُ الْأَرْض؛(۱)چهارمین فرزند من که فرزند سرور زنان است و خداوند به وسیله او زمین را از هر جور و ستمی پاک می کند. او کسی است که مردم در ولادتش شک خواهند کرد و قبل از خروج، غیبتی خواهد داشت. پس زمانی که خروج کند، زمین به نورش منور خواهد شد و او ترازوی عدالت را میان مردم قرار خواهد داد تا کسی بر دیگری ستم نکند و او کسی است که زمین برایش رام خواهد بود».

امام جواد علیه السلام

صَقْر بن ابی دُلَف می گوید: از امام محمد جواد علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ الْإِمَامَ بَعْدِی ابْنِی عَلِیٌّ أَمْرُهُ أَمْرِی وَ قَوْلُهُ قَوْلِی وَ طَاعَتُهُ طَاعَتِی وَ الْإِمَامُ بَعْدَهُ ابْنُهُ الْحَسَنُ أَمْرُهُ أَمْرُ أَبِیهِ وَ قَوْلُهُ قَوْلُ أَبِیهِ وَ طَاعَتُهُ طَاعَهُ أَبِیهِ؛ امام بعد از من، پسرم

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۷۲.

علی است. دستور او دستور من، گفتارش گفتار من و اطاعتش اطاعت من است. امام بعد از او، فرزندش حسن است. دستورش دستور پدرش، گفتارش گفتار پدرش و اطاعتش، اطاعت پدرش خواهد بود».

آن حضرت پس از بیان این جمله، ساکت شد، عرض کردم: یابن رسول الله! امام بعد از حسن کیست؟ آن حضرت به سختی گریست «فَبَکی بُکاءً شَدِیداً» سپس فرمود: «ثُمَّ قَالَ: إِنَّ مِنْ بَعْدِ الْحَسَنِ ابْنَهُ الْقَائِمَ بِالْحَقِّ الْمُنْتَظَرَ؛ پس از حسن، پسرش قائم به حق و منتظَر، امام خواهد بود». پرسیدم: یابن رسول الله! چرا او را قائم می نامند؟ فرمود: «لِأَنَّهُ یَقُومُ بَعْدَ مَوْتِ ذِکرِهِ وَ ارْتِدَادِ أَکثَرِ الْقَائِلِینَ بِإِمَامَتِه؛ چون پس از آن که از یادها رفته است و بیشتر معتقدان به امامتش از اعتقاد خود برگشته اند، قیام خواهد کرد». عرض کردم: «چرا او را منتظَر می نامند؟» فرمود: «لِأَنَّ لَهُ غَیبَه یَکثُرُ أَیَّامُهَا وَ یَطُولُ أَمَدُهَا فَیَنْتَظِرُ خُرُوجَهُ الْمُخْلِصُونَ وَ یُنْکرُهُ الْمُرْتَابُونَ وَ یَسْتَهْزِئُ بِذِکرِهِ الْجَاحِدُونَ وَ یَکذِبُ فِیهَا الْوَقَّاتُونَ وَ یَهْلِك فِیهَا الْمُسْتَعْجِلُونَ وَ یَنْجُو فِیهَا الْمُسْلِمُونَ؛(۱) برای آن که غیبتی دارد که روزهای آن بسیار و مدتش طولانی خواهد بود. مخلصان انتظار او را خواهند کشید و شکاکان منکر او خواهند شد و منکران یادکردن او را به تمسخر خواهند گرفت. کسانی که برای ظهور او وقت تعیین

ص:۵۷

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۷۸.

کنند، دروغگو هستند و کسانی که نسبت به ظهورش شتاب زده باشند، هلاک می شوند و تنها تسلیم شدگان نجات خواهند یافت».

عبدالعظیم حسنی می گوید: به امام جواد علیه السلام عرض کردم: «امیدوارم شما همان قائم اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باشید که زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که از ظلم و ستم پر شده باشد». امام در جواب فرمود: «یَا أبَا القَاسِم! مَا مِنَّا إلاَّ وَ هُوَ قَائِمٌ بِأمرِاللهِ عَزَّوَجَلَّ وَ هَادٍ إلَی دینِ اللهِ وَ لکنَّ القَائِمَ اَلَّذی یُطَهِّرُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ الأرضَ مِن أهلِ الکفرِ وَ الجُحُودِ وَ یَملَؤهَا عَدلاً وَ قِسطاً، هُوَ اَلَّذی تَخفِی عَلَی النَّاسِ وُلادَتُهُ وَ یَغیبُ عَنهُم شَخصُهُ وَ یَحرِمُ عَلَیهِم تَسمِیَتُهُ؛(۱)ای ابوقاسم! همه ما اهل بیت، قائم به امر خداوند عزوجل و هدایت کننده به سوی دین خدا هستیم، لکن قائمی که خداوند به وسیله او زمین را از اهل کفر و نافرمانی پاک می کند و آن را با عدل و داد پر می سازد، کسی است که ولادتش برای مردم مخفی و از دیده ها غائب می شود و نام بردن از او برای آن ها حرام می گردد».

امام هادی علیه السلام

صقر بن ابی دُلَف نقل کرده است که از علی بن محمد بن علی الرضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «إنَّ الإمامَ بَعدی الحَسَنُ اِبنی وَ بَعدَ الحَسَنِ اِبنُهُ القَائِمُ اَلَّذی یَملأُ الأرضَ قِسطاً وَ

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۷ ۸.

عَدلاً کَمَا مُلِئَت جُوراً وَ ظُلماً؛(۱) امام بعد از من، فرزندم حسن است و بعد از حسن، پسرش قائم، امام خواهد بود و او کسی است که زمین را از عدل و داد پر کند، همان طوری که با ظلم و ستم پرشده باشد».

نیز آن حضرت در پاسخ به سؤال کتبی شیعیان درباره فرج فرمود: «إِذَا غَابَ صَاحِبُکمْ عَنْ دَارِ الظَّالِمِینَ فَتَوَقَّعُوا الْفَرَجَ؛(۲) زمانی که صاحب و امام شما از دیار ستمگران غائب گشت، چشم انتظار فرج باشید».

امام عسکری علیه السلام

امام حسن عسکری علیه السلام فرمودند: «اَلحَمدُ للهِ الَّذی لَم یَخرِجنی مِنَ الدُّنیا حَتَّی أرَانی الخَلَفَ مِن بَعدِی، أشبَهُ النَّاسِ بِرَسُولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم خَلقَاً وَ خُلقاً یَحفُظُهُ اللهُ تَبَارَک وَتَعَالُی فِی غَیبَتِهِ ثُمَّ یَظهُرُهُ، فَیَملأُ الأرضَ عَدلاً وَ قِسطاً کمَا مُلِئَت جُوراً وَ ظُلماً؛(۳) سپاس خدای را که مرا از دنیا خارج نکرد تا جانشینم را نشانم داد. او به حسب ظاهر و اخلاق، شبیه ترین مردم به رسول خداست. خداوند متعال او را در غیبتش نگه می دارد، سپس او را ظاهر می سازد و او زمین را پر از عدل و داد می کند، همان طور که از ظلم و ستم پرشده باشد».

ابوغانم، خادم آن حضرت نقل کرده است:

ص:۵۹

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص ۳۷ ۸.
۲- الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص۱۱۷۳ .
۳- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۰۹.

برای امام حسن عسکری علیه السلام فرزندی به دنیا آمد. او را «م ح م د» نامید و بعد از سه روز، او را به اصحابش عرضه کرد و فرمود: «هَذَا صَاحِبُکم مِن بَعدِی وَخَلیفَتی عَلَیکم وَ هُوَ القَائِمُ اَلَّذی تَمتَدُّ إلَیه الأعناقُ بِالانتظارِ، فَإذَا اِمتَلَأت الأرضُ جُوراً وَظُلماً، خَرَجَ فَمَلَأَهَا قِسطاً وَعَدلاً؛(۱) این است صاحب شما بعد از من و جانشین من بر شما. او قائمی است که گردن ها با حال انتظار به سویش کشیده شود و وقتی که زمین پر از ظلم و ستم شده باشد، خروج نماید و آن را پر از عدل و داد کند».

هم چنین امام عسکری علیه السلام به اصحاب و شیعیان خویش درباره فرزندش این گونه توصیه فرمود: «الْمُنْکرَ لِوَلَدِی کمَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ ثُمَّ أَنْکرَ نُبُوَّةَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ الْمُنْکرُ لِرَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم کمَنْ أَنْکرَ جَمِیعَ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ لِأَنَّ طَاعَةَ آخِرِنَا کطَاعَةِ أَوَّلِنَا وَ الْمُنْکرَ لِآخِرِنَا کالْمُنْکرِ لِأَوَّلِنَا؛(۲) کسی که فرزندم را انکار کند، مانند کسی است که تمام پیامبران و رسولان الاهی را قبول داشته باشد، امّا نبوت حضرت محمد، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را انکار کند و انکارکننده رسول الله، مانند کسی است که همه انبیا را انکار نماید. چون اطاعت از آخرین نفر از ما به منزله اطاعت از اولین نفر ماست و منکر آخرینِ ما به منزله منکر اولینِ ماست».

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۸.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۰۹.

مهدویّت شخصی و نوعی

اگر چه اعتقاد به مهـدویّت، یک انـدیشه عام اسـلامی و فرامـذهبی است، امّا بایـد توجّه داشت که در حوزه درون دینی و میان تقریر های گوناگون پیروان نحله ها و مذاهب اسلامی، تنها شیعه، تفسیر جامعی از ایده مهدویّت ارائه کرده است. در حالی که اکثریت اهل سنّت به «مهدی نوعی» غیرموجود که بعداً متولد خواهد شد معتقد می باشـند، شـیعه به «مهدویت شخصـی» یعنی امـامی حیّ و حاضـر با خصوصـیات مشـخصِ شناسـنامه ای اعتقاد دارنـد و این، یکی از ویژگی های مهم دیـدگاه شـیعه امامیه نسبت به سایر فرق اسلامی است که سبب بالندگی آن شده است.

از نظر شیعه، مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف که آیات قرآن و احادیث متواتر، ظهور او را بشارت داده است، فردی شناخته شده و معین است و هم اکنون نیز در میان ما حضور بالفعل امّا غائبانه دارد. نام مبارکش، هم نام جدش رسول الله صلی الله علیـه و آلـه و سـلم است و پـدرش امـام حسن عسـکری علیه السـلام مـادربزرگوارش حضـرت «نرگس علیهـا السـلام» و در پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری در شهر سامراء

ص:۶۱

متولد شده است.(۱)

از دوران کودکی تـا سال **۳۲۹** هجری قمری بنـا به مصالحی دوره غیبت صـغری را سپری نموده و از آن زمان تاکنون در دوره غیبت کبری به سـر می برد و از آن روز تـاکنون، عموم انسـان هـا، خصوصـاً جهان تشـیع در انتظارِ به پایان رسـیدن این ارتباط نامحسوس و صـدور فرمان ظهور آن حضـرت از سوی خداونـد بسـر می برنـد تا او بیاید و جهان پر از ظلم و جور را اصـلاح و قسط و عدل را حاکم سازد.

این دیـدگاه شـیعی، بر قطعی بودن ولاـدت امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف برپایه مـدارک تاریخی و دلایل قطعی اسـتوار است. وجود دلایل و مدارک متقن تاریخی و روایی که بر مشـخصات نَسَبی و شخصی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و تاریـخ و محل ولادت ایشان تصـریح دارند و در منابع معتبر شـیعه و اهل سـنّت وارد شده اند، موجب شده است که بسـیاری از چهره های علمی اهل سـنّت نیز با شـیعیان هم عقیـده شونـد و نسـبت به این موضوع اذعان و اعتراف نماینـد و بلکه کتاب های ارزشمند و مستقلی را نیز در این مورد به نگارش در

۱- خصوصـیات فردی و نَسَبی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در منابع معتبر روایی شـیعی، نظیر الکافی، الغیبه، نعمانی و طوسی، کمال الدّین و... ذکر شده است.

آورند.(۱)

نگاه واقع گرایانه اندیشه شیعی به موضوع مهدویّت و تفاوت آن با قرائت خنثی و غیر کاربردی نوع علمای اهل سنّت که عنوان «مهدی» را صرفاً یک نام برای فردی از دودمان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می دانند که در آینده نامعلوم، از پدر و مادری ناشناخته و در زمان و مکانی نامشخص متولد خواهد شد سبب پویایی تفکّر شیعی و ژرف نگری آن در تفسیر آموزه های کلیدی قرآن نظیر مسأله مهدویّت شده است. ظرفیّت های ذاتی تفکّر شیعی و پیوند آن با مهدویّت اسلامی سبب شده است که خاستگاه اصلی فرجام شناسی اسلامی، تنها در اندیشه شیعی تبلور یابد.

پیوند شیعه با مهدویّت

موضوع مهدویّت در اندیشه شیعی اهمیّت مضاعفی دارد. زیرا مسأله مهدویّت در متن اندیشه امامت تعبیه شده و با کیان تشیع گره خورده است؛ به گونه ای که از سویی، امامت و تشیع در مهدویّت تبلور می یابد و از سوی دیگر، خاستگاه اندیشه مهدویّت نیز در تفکر امامت شیعی خلاصه می شود.

پیوند شیعه با مهدویّت، به معنای تلقی

۱- ر.ک: خورشید مغرب، ص ۱۸.

صحیح و نگاه عمیق و همه جانبه شیعه به این اصل اسلامی و تطابق و هم خوانی این دو با هم است. از این نظر، شیعه و مهدویّت هرگز دو تافته از هم جدا بافته نیستند و سخن از پیوند این دو، به معنای پیوند دو امر بیگانه از هم نیست؛ بلکه به معنای جوشش هر کدام از درون ذات دیگری است. به همین دلیل، شناخت هر یک از این دو، متوقف بر درک صحیح از مفهوم دیگری است و تفکیک میان آن ها به خاطر وجود رابطه عمیق و پیوند و جوشش اعتقادی و تاریخی شان امکان پذیر نخواهد بود.

از بعد ایدئولوژیکی، شیعه همواره موضوع مهدویّت را با هویّت دینی مذهبی خود یکی دانسته و به این مسأله نگاهی فکری و عقیدتی دارد؛ زیرا نظام نامه فکری شیعه بر اساس نظام مهدویّت، تدوین و تنظیم شده و در نگاه شیعه، اندیشه مهدویّت به منزله تکیه گاه و تز اصلی است.

اصالت مبحث امام شناسی و مسأله خلافت در مبانی فکری و کلامی شیعه، عامل اصلی اتکای شیعیان به مسأله مهدویّت است؛ لذا هیچ فرقه ای در حوزه داخلی اسلام به اندازه شیعه امامیه نسبت به این موضوع اهتمام نورزیده و در جهت ترویج و حراست از آن، تا به این

حد، از خود مایه نگذاشته است. مطالعه تاریخ و وضعیت فکری فرهنگی فرق اسلامی، گویای این واقعیت می باشد.

از نظر سیر تاریخی نیز شیعه و مهدویّت، حرکت خود را از یک نقطه آغاز کرده اند. سرچشمه و زادگاه این دو، به یک حقیقت باز می گردد و آن، اندیشه امامت است. شیعه تاریخ خود را از این نقطه آغاز کرد و بعد از آن در همین بستر، مراحل رشد و شکوفایی خود را پشت سر گذارد و اکنون نیز چشم انداز تاریخ آینده خود را با نوید سبز ظهور و حکومت مهدوی گره زده است.

این، همان تفاوت اساسی و جوهری موجود میان دیدگاه شیعه و اهل سنّت در مورد شرایط و شئون رهبری دینی بعد از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. شیعه، ویژگی «عصمت» را شرط حداقلی برای جانشینی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می داند و از این رو، در موضوع مهدویّت نیز این فاکتور را شرط ورود به این بحث می شمرد.

شیعه به دلیل بهره مندی از منبع عظیم روایات امامان معصوم علیهم السلام نسبت به باقی فرق اسلامی از آگاهی بیشتری در این باره برخوردار است. آن چه شیعه درباره حوادث آینده و رخدادهای فردای تاریخ بیان می کند، از پیشگویی ها و اخبار امامان معصوم علیهم السلام است

که علم اولین و آخرین را دارا بوده و از موهبت عصمت و علوم غیبی برخوردارند؛ لذا علاوه بر اخبار نبوی، گزارش های معصومانه امامان را نیز حجّت و اطمینان آور می داند. به اعتقاد شیعیان، امامان نیز ملهم به علوم الاهی و غیبی و نسبت به وقایع آینده آگاه اند و غیر از منبع عصمت، یعنی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و حضرات ائمه معصومین علیهم السلام کس دیگری از وضعیت آینده و فعل و انفعالات آن، اطلاع دقیقی ندارد تا از آینده پنهان و اتفاقات و جزئیات آن خبر دهد.

□□□

ص:۶۶

بخش دوم: معرفت آخرین منجی

اشاره

ص:۶۷

یکی از موضوعات مورد تأکید در آموزه های اسلامی، مسأله شناخت و گرویدن به حجّت حی است. با توجّه به آثار و پیامدهای فراوانی که بر این مسأله مترتب است، لازم به نظر می رسد که از جهاتی مورد توجّه قرار گیرد:

ضرورت معرفت آخرین منجی

بر اساس روایات، معرفت یافتن به امام و حجّت حی در هر عصر و زمانی، تکلیف عذر ناپذیری است که خداوند همگان را موظف به آن کرده است، به گونه ای که هیچ کس از این تکلیف معرفتی، معاف نیست؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَنْ مَاتَ وَ لَیْسَ لَهُ إِمَامٌ مَاتَ مِیتَةً جَاهِلِیَّةً وَ لَا یُعْذَرُ النَّاسُ حَتَّی یَعْرِفُوا إِمَامَهُمْ؛(۱) کسی که بمیرد و امامی نداشته باشد، به مرگ جاهلیت مرده است و هیچ کس از شناخت امام و حجّت عصر، معذور نمی باشد».

از نگاه شیعه، این معرفت چنان با اهمیّت است که بود و نبود آن، معیار ایمان و کفر

ص:۶۸

۱- الکافی، ج ۱، ص ۳۷۲.

شناخته شده و کوتاهی نسبت به آن، مساوی با ضلالت و گمراهی است. امام باقر علیه السلام به محمد بن مسلم فرمود: «یَا بْنَ مُسْلِم مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّهِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَصْبَحَ تَائِهاً مُتَحَیِّراً ضَالًّا إِنْ مَاتَ عَلَی هَذِهِ الْحَالِ مَاتَ مِیتَهَ کفْرٍ وَ نِفَاقٍ؛(۱) هر کس از این امّت صبح کند و تحت ولایت امامی از سوی خدا نباشد، در سرگردانی و تحیر و گمراهی به سر برده است و اگر در آن حالت بمیرد، به مرگ کفر و نفاق از دنیا رفته است».

شیعه و سنی این حدیث معروف را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند که فرمود: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً؛(۲) هرکس بمیرد درحالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی و بی دینی مرده است».

این حدیث، با تعابیر مختلف به طور مستفیض در منابع حدیثی فریقین نقل شده است. به عنوان مثال، چنین عباراتی را می توان در کتب حدیثی یافت: «مَنْ مَاتَ بغَیر اِمَام مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً»؛(۳) «مَنْ

۱- الغیبه، نعمانی، ص۱۲۸.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۰۹؛ کفایه الاثر، ص۲۹۶؛ صحیح بخاری، ج۵، ص۱۳؛ صحیح مسلم، ج۶، ص۲۱ و ۲۲.

۳- مسند احمد، ج۴، ص۹۶؛ العلل الوارده فی الاحادیث النبویه، ج۷، ص۶۳؛ کنز العمال، ج۱، ص۱۰۳ و ج۶، ص۶۵؛ تفسیر عیاشی، ج۲، ص۳۰۳؛ شرح احقاق الحق، ج۱۳، ص۸۵.

مَ‌یاتَ وَ لَیسَ فِی عُنُقِه بَیعَهٌ مَاتَ مِیتَهً الْجَاهِلِیهً»؛(۱) «مَن مَ‌یاتَ وَ لَیسَ عَلیهِ امَ‌یامُ حَیّ یَعرِفُهُ، مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً»؛(۲) «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً»(۳) و... که همگی بیـانگر اهمیّت کلیـدی معرفت امام و حجّت الاهی در هر زمان است، به گونه ای که عـدم معرفت امـام و حجّت حی، مساوی با بی دینی و مرگ جاهلیت محسوب شـده است. تا جایی که امام صادق علیه السـلام می فرمایـد: «یَ‌ا یَحْیی مَنْ بَ‌اتَ لَیلَهً لَا یَعْرِفُ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَهً جَاهِلِیَّهً؛(۴) هرکس حتی یک شب بـدون معرفت امام زمانش بخوابد، به مرگ جاهلیت مرده است».

این کلام به طور مطلق است و اختصـاص به مردن در آن شب نـدارد. براساس این سـخن، معرفت امام حی به قـدری بااهمیّت است که حتی لحظه ای اهمال و ترخیص در این مسأله، قابل اغماض و بخشـش نبوده و عـذر کسـی در این مورد پـذیرفته نمی باشد.

سُلیم بن قیس نقل کرده است: مردی نزد امیر مؤمنان علیه السـلام آمد و از آن حضـرت سوال کرد: کم ترین چیزی که بنده به وسـیله آن کـافر می شود چیست؟ امیر مؤمنان علیه السـلام فرمود: «قَدْ سَأَلْتَ فَافْهَمِ الْجَوَابَ اَمَّا أَدْنَی مَا یَکونُ بِهِ الْعَبْـدُ مُؤْمِناً أَنْ یُعَرِّفَهُ اللَّهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی نَفْسَهُ فَیُقِرَّ

ص:۷۰

۱- تفسیر ابن کثیر، ج۱ ص۵۳۰.

۲- قرب الاسناد، ص۳۵۱.

۳- الامامه و التبصر ة، ص۱۰؛ اعلام الوری، ص۴۴۲.

۴- بحار الانوار، ج۲۳، ص۷۸.

لَهُ بِالطَّاعَهِ وَ يُعَرِّفَهُ نَبِيَّهُ صلی الله علیه و آله و سلم فَيُقِرَّ لَهُ بِالطَّاعَهِ وَ يُعَرِّفَهُ إِمَامَهَ وَ حجّتهُ فِی أَرْضِهِ وَ شَاهِدَهُ عَلَی خَلْقِهِ فَيُقِرَّ لَهُ بِالطَّاعَه؛ حالا که پرسیدی، پس بادقّت پاسخش را بفهم. امّا کمتر چیزی که بنده بدان مؤمن خواهد بود، آن است که خدای تبارک و تعالی خودش را به آن بنده بشناساند، پس آن بنده به فرمانبرداری از او اقرار کند. سپس پیغمبرش را به او بشناساند، پس به فرمانبرداری از او نیز اقرار کند. هم چنین امام و حجّت خود در زمین و گواهش برخلق را به او معرفی کند و آن بنده به فرمانبرداری از او هم اعتراف کند».

سُلیم گوید: من به محضر امیر مؤمنان علیه السلام عرض کردم: اگر چه همه چیز را به جز آن چه بیان فرمودی نداند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: «نَعَمْ إِذَا أُمِرَ أَطَاعَ وَ إِذَا نُهِيَ اِنْتَهَی وَ أَدْنَی مَا يَكونُ بِهِ الْعَبْدُ كافِراً مَنْ زَعَمَ أَنَّ شَيْئاً نَهَی اللَّهُ عَنْهُ أَنَّ اللَّهَ أَمَرَ بِهِ وَ نَصَبَهُ دِيناً يَتَوَلَّی عَلَيْهِ وَ يَزْعُمُ أَنَّهُ يَعْبُدُ الَّذِی أَمَرَهُ بِهِ وَ إِنَّمَا يَعْبُدُ الشَّيْطَانَ وَ أَدْنَی مَا يَكونُ بِهِ الْعَبْدُ ضَالًّا أَنْ لَا يَعْرِفَ حُجَّهَ اللَّهِ تَبَارَک وَ تَعَالَی وَ شَاهِدَهُ عَلَی عِبَادِهِ الَّذِی أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِطَاعَتِهِ وَ فَرَضَ وَلَايَتَهُ؛ آری، امّا در صورتی که هرگاه دستوری به او دهند اطاعت کند و اگر نهی اش کردند ترک کند. و کمتر چیزی که بنده به سبب آن کافر گردد آن است که کسی چیزی را که خدا از آن نهی کرده، جایز پندارد؛ گو این که خدا به آن دستور داده است (یعنی بدعتی در دین

گذارد) و آن را دین خود کند و بر آن بماند و گمان کند کسی را می پرستد که به آن کار دستور داده است (یعنی به زعم خود، خدا را می پرستد) و حال آن که شیطان را پرستش می کند. و کمتر چیزی که بنده به واسطه آن گمراه می شود آن است که حجّت خدای تعالی و گواه او بر بندگانش را نشناسد، یعنی همان کسی را که خدای عزوجل دستور به فرمانبرداری از او داده و ولایتش را واجب کرده است».

دو باره عرض کردم: ای امیر مؤمنان! آنان را برایم توصیف کن؟ حضرت فرمود: «الَّذِینَ قَرَنَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِنَفْسِهِ وَ نَبِیِّهِ فَقَالَ: (یا أَیُّهَا الَّذِینَ آمَنُوا أَطِیعُوا اللَّهَ وَ أَطِیعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِی الْأَمْرِ مِنْکم)؛(۱) کسانی هستند که خدای عزوجل [اطاعت] آنان را همانند [اطاعت] خود و پیغمبرش شمرده و فرموده است: ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و رسول و اولیای امر خود را فرمان برید».

سپس تقاضا کردم: ای امیر مؤمنان! خدا مرا فدای تو گرداند، آشکارتر بیان فرما، حضرت فرمود: «الَّذِینَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِی آخِرِ خُطْبَتِهِ یَوْمَ قَبَضَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ إِلَیْهِ إِنِّی قَدْ تَرَکتُ فِیکمْ أَمْرَیْنِ لَنْ تَضِلُّوا بَعْدِی مَا إِنْ تَمَسَّکتُمْ بِهِمَا کتَابَ اللَّهِ وَ عِتْرَتِی اهل بیتی فَإِنَّ اللَّطِیفَ الْخَبِیرَ قَدْ عَهِدَ إِلَیَّ أَنَّهُمَا لَنْ یَفْتَرِقَا حَتَّی

۱- سوره نساء، آیه ۵۹.

يَرِدَا عَلَيَّ الْحَوْضَ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ مُسَبِّحَتَيْهِ وَ لَا أَقُولُ كَهَاتَيْنِ وَ جَمَعَ بَيْنَ الْمُسَبِّحَه وَ الْوُسْطَى فَتَسْبِقَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى فَتَمَسَّكُوا بِهِمَا لَا تَزِلُّوا وَ لَا تَضِلُّوا وَ لَا تَقَدَّمُوهُمْ فَتَضِلُّوا؛(۱) آنان که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ایشان در آخرین خطبه اش، روزی که خدای عزوجل روحش را قبض کرد فرمود: همانا من دو چیز در میان شما می گذارم که تا وقتی به آن دو چنگ زنید، هرگز گمراه نمی شوید، کتاب خدا و عترتم که اهل بیت من هستند. خدای لطیف و آگاه به من وعده داده که آن دو از هم جدا نشوند تا در کنار حوض بر من وارد شوند و مانند این دو با هم برابرند و دو انگشت سبابه خود را به هم چسباند و نمی گویم مانند این دو انگشت و انگشت سبابه و وسط را به هم چسباند که یکی بر دیگری پیش باشد. پس به هر دوی این ها چنگ زنید تا نلغزید و گمراه نشوید و از ایشان جلو نیفتید که گمراه خواهید شد».

امام صادق علیه السلام نیز فرمود: «كَيْفَ يَهْتَدِى مَنْ لَمْ يُبْصِرْ وَ كَيْفَ يُبْصِرُ مَنْ لَمْ يُنْذَرْ أَتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ أَقِرُّوا بِمَا نَزَلَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ اتَّبِعُوا آثَارَ الْهُدَى فَإِنَّهَا عَلَامَاتُ الْأَمَانَهِ وَ التُّقَى وَ اعْلَمُوا أَنَّهُ لَوْ أَنْكَرَ رَجُلٌ عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ وَ أَقَرَّ بِمَنْ سِوَاهُ مِنَ الرُّسُلِ علیه السلام لَمْ يُؤْمِنْ اِقْصِدُوا الطَّرِيقَ بِالْتِمَاسِ الْمَنَارِ وَ الْتَمِسُوا مِنْ وَرَاءِ الْحُجُبِ الْآثَارَ تَسْتَكْمِلُوا أَمْرَ دِينِكُمْ وَ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُم؛(۲) کسی که بینایی ندارد، چگونه هدایت

۱- الکافی، ج ۲، ص ۴۱۴.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۱۲.

می شود؟ کسی که نمی ترسد، چگونه بینا می شود؟ از گفته رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم پیروی کنید و بدان چه از طرف خدای عزوجل آورده اعتراف کنید و آثار هدایت را پیروی کنید؛ زیرا آن ها نشانه های امانت و تقوا هستند. و بدانید که اگر کسی منکر عیسی بن مریم شود، هر چند به رسولان دیگر اقرار کند، مؤمن نخواهد بود. راه را در پرتو چراغگاه بجویید و از پشت پرده ها آثار حق را بخواهید تا دین خود را کامل کنید و به پروردگار خود ایمان بیاورید».

تأکید ویژه روایات بر معرفت امام بدین سبب است که شناخت امام، کلید باقی معرفت ها حتی توحید است؛ زیرا اگرچه معرفت الاهی اساس دیگر معارف است، امّا تبیین و بسط حقایق توحیدی نیز در گرو شناخت امام و پیوند با اوست.

به همین دلیل امام صادق علیه السلام به جناب زراره توصیه فرمود که در صورت درک زمان غیبت قائم، این دعا را مدام بخواند: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَک لَمْ أَعْرِفْ رَسُولَک، اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَک، فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَک، لَمْ أَعْرِفْ حجّتک اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حجّتک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی حجّتک ضَلَلْتُ عَنْ دِینِی؛(۱) خدایا خودت را به من بشناسان، زیرا اگر تو خودت را به من

۱- الکافی، ج ۱، ص۳۳۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۴۳.

نشناسانی، من رسولت را نخواهم شناخت (برای آن که هر کس خدا را شناخت، بر خدا لازم است که از راه لطف، بندگانش را هدایت کند و کسی که خدا را نشناخت، فرستاده او را هم نخواهد شناخت). خدایا پیغمبرت را به من بشناسان، زیرا اگر تو پیغمبرت را به من نشناسانی، من حجّت تو را نخواهم شناخت (برای آن که امام به دستور خداوند، جانشین پیغمبر و دست نشانده اوست و مقام و ارزش جانشین به مقام و ارزش جانشین گذار است. از این جهت، شیعه معتقد است امام باید از لحاظ علم و عمل و اخلاق و عصمت مانند پیغمبر باشد). خدایا حجّت خود را به من بشناسان، زیرا اگر تو حجّتت را به من نشناسانی، از دینم گمراه خواهم شد».

در این حدیث، معرفت های سه گانه، زمینه ساز رسیدن به شناخت پروردگار و عبودیت او معرفی شده؛ امّا نکته مهم در بیان حضرت، تأکید ویژه بر نقش کلیدی معرفت امام است. زیرا از یک سو معرفت حجّت به شناخت پیام آور دین و پیوند آن با تعالیم الاهی مشروط شده، از سویی دیگر، هدایت و نجات انسان در گرو دینداری او و بیگانگی از آموزه های دینی سبب گمراهی او شمرده شده و از سوی آخر، رهایی از گمراهی تنها در پرتو رهنمودهای

امام و حجّت الاهی میسّر دانسته شده است.

اگرچه این دعا، معرفت خدا، پیامبر و امام را در پیوندی ناگسستنی معرفی کرده، امّا تمرکز اصلی انسان منتظر را بر خواسته سوم، یعنی کسب معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف معطوف نموده است؛ زیرا رشته دیانت و هدایت انسان، در گرو معرفت حجّت عصر است و آن دو معرفت نیز در سایه معرفت امام هستند، با این که از نظر رتبه، توحید و نبوت، مقدم بر امامت و ریشه آن به شمار می روند.

مؤلفه های معرفت آخرین منجی

اشاره

مراد از معرفت در این بحث، تنها شناخت شناسنامه ای، یعنی دانستن اسم و نسب و خصوصیات ظاهری حضرت نیست؛ بلکه مراد، حصول ایمان و اعتقاد قلبی نسبت به مقام الاهی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و توجّه به جایگاه رفیع دینی و سیاسی اجتماعی ایشان در عصر حاضر است. چنین شناخت و معرفتی، اساس اندیشه انتظار ظهور را شکل می دهد و بدون آن، حرکت در جاده انتظار، ممکن نیست.

معرفت امام و توجّه به شئون تکوینی و تشریعی مقام امامت، به تناسب فهم و درک افراد، دارای مراتب مختلفی است که هرکس به میزان ظرفیّت، تلاش و استعداد خود، می تواند به درجه خاصّی از معرفت نائل آید.

ص:۷۶

امّا سؤال این جاست که حداقل معرفت امام، یعنی همان چیزی که نبودش مساوی با جاهلیت وبی دینی خواهد بود، چیست؟ امام صادق علیه السلام در سخنی با معاویه بن وهب، حداقل معرفت امام را هم شأن دانستن امام و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم دانسته و فرموده اند: «أَدْنَی مَعْرِفَهُ الْإِمَامِ أَنَّهُ عِدْلُ النَّبِیِّ إِلَّا دَرَجَهَ النُّبُوَّهِ وَ وَارِثُهُ وَ أَنَّ طَاعَتَهُ طَاعَهُ اللَّهِ وَ طَاعَهُ رَسُولِ اللَّهِ وَ التَّسْلِیمُ لَهُ فِی کلِّ أَمْرٍ وَ الرَّدُّ إِلَیْهِ وَ الْأَخْذُ بِقَوْلِهِ وَ یَعْلَمُ أَنَّ الْإِمَامَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ وَ بَعْدَهُ الْحَسَنُ ثُمَّ الْحُسَیْنُ ثُمَّ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ ثُمَّ محمد بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ أَنَا ثُمَّ بَعْدِی مُوسَی ابْنِی وَ بَعْدَهُ عَلِیٌّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِیٍّ محمد ابْنُهُ وَ بَعْدَ محمد عَلِیٌّ ابْنُهُ وَ بَعْدَ عَلِیٍّ الْحَسَنُ ابْنُهُ وَ الْحُجَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحَسَنِ؛(۱) کم ترین درجه معرفت امام، اعتقاد به هم وزن و هم شأن بودن او با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، مگر در شأن و مرتبه نبوت که از این نظر، امام وارث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. هم چنین اعتراف به این که اطاعت از امام، اطاعت از خدا و پیامبر است و نیز فرمانبری از او، واگذاری امور به او، عمل به گفته های او و اعتقاد به این موضوع که بعد از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی بن ابی طالب علیه السلام و بعد از او، حسن و حسین تا حضرت حجّت علیه السلام جانشینان پیامبر و پیشوایان مسلمین اند».

طبق کلام امام صادق علیه السلام پایین ترین درجه معرفت امام، اقرار به این مسأله است که اولاً امام

۱- کفایه الاثر، ص۲۶۳؛ بحار الانوار، ج۴، ص۵۵ و ج۳۶، ص۴۰۷.

در همه شئون ولائی غیر از شأن نبوت، معادل و هم وزن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است و ثانیاً این شناخت صرفاً با معرفت شیعی و دیدگاه کلامی امامیه قابل حصول است، یعنی باید خلفای پیامبرصلی الله علیه و آله و سلم را در دوازده امام معصوم بلافصل، منحصر دانست؛ زیرا خاستگاه واقعی امامت و خلافت، فقط در بینش کلامی شیعه، عینیت و تبلور می یابد، نه در غیر آن.

بر اساس فرمایش امام صادق علیه السلام معرفت امام دارای سه مؤلفه اساسی است که عبارت اند از: معرفت شخص، معرفت مقام و معرفت اوصاف امام علیه السلام . در ادامه به توضیح این سه مؤلفه اصلی امام شناسی می پردازیم:

الف) معرفت شخص

مراد از از معرفت شخص، اعتقاد به تولد حضرت و خصوصیات اسمی و نَسبی ایشان است؛ یعنی باور به این که ایشان فرزند امام حسن عسکری علیه السلام و آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم هستند و نیز هم اکنون حی و زنده می باشند، امّا بنا به مصلحت الاهی در پس پرده غیبت به سر می برند تا زمانی که اراده الاهی بر تحقق ظهورش تعلق گیرد.

امام موسی کاظم علیه السلام در این باره فرموده است: «مَنْ شَکَّ فِی أَرْبَعَهٍ فَقَدْ کفَرَ بِجَمِیعِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی أَحَدُهَا مَعْرِفَهُ

ص:۷۸

الْإِمَـامِ فِی کـلِّ زَمَانٍ وَ أَوَانٍ بِشَـخْصِهِ وَ نَعْتِهِ؛(۱) هر که در چهـار چیز شـک کنـد، به همه آن چه خـدای تبـارک و تعـالی نازل کرده، کـافر شـده اسـت. یکی از آن هـا معرفت امـام اسـت کـه در هر عصـر و زمـانی بـایست او را بـه شـخص و صـفات و خصوصیاتش شناخت».

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم نیز فرموده است: «مَنْ أَنْکرَ الْقَائِمَ مِنْ وُلْدِی فَقَدْ أَنْکرَنِی؛(۲) هرکس فرزندم، حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را انکار کند، مرا انکار کرده است».

صفوان بن مهران از امام صادق علیه السـلام نقل کرده است: «مَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ الْأَئِمَّهِ وَ جَحَـدَ الْمَهْدِیَّ کانَ کمَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ الْأَنْبِیَاءِ وَ جَحَدَ محمداً صـلی الله علیه و آله و سـلم نُبُوَّتَهُ؛ کسی که به همه امامان اقرار کند، امّا مهدی را انکار نماید، مانند کسی است که به همه پیامبران ایمان بیاورد، امّا نبوت محمد صـلی الله علیه و آله و سـلم را انکار کند». از ایشان پرسیدند: «یابن رسول الله! مهـدی از فرزنـدان شـما کیست؟» فرمـود: «اَلْمَهْـدِیُّ مِنْ وُلْدِی الْخَـامِسُ مِنْ وُلْدِ السَّابِعِ، یَغِیبُ عَنْکمْ شَـخْصُهُ وَ لَـا یَحِـلُّ لَکمْ تَسْمِیَتُهُ؛(۳) پنجمین نفر از فرزندان هفتمین امام؛ کسـی که شـخص او از شـما نهان می شود و بردن نام وی بر شـما روا نخواهد بود».

امام عسکری علیه السلام نیز فرمود: «اما إِنَّ الْمُقِرَّ بِالْأَئِمَّهِ بَعْدَ

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۱۳.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۱۲.

۳- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۳۳.

رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم اَلْمُنْکرُ لِوَلَدِی کمَنْ أَقَرَّ بِجَمِیعِ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ ثُمَّ أَنْکرَ نُبُوَّهَ رَسُولِ اللَّه صلی الله علیه و آله و سلم وَ الْمُنْکرُ لِرَسُولِ اللَّهِ کمَنْ أَنْکرَ جَمِیعَ أَنْبِیَاءِ اللَّهِ لِأَنَّ طَاعَهَ آخِرِنَا کطَاعَهِ أَوَّلِنَا وَ الْمُنْکرُ لِآخِرِنَا کالمُنکرِ لِأَوَّلِنَا اَمَا إِنَّ لِوَلَدِی غَیْبَهٌ یَرْتَابُ فِیهَا النَّاسُ إِلَّا مَنْ عَصَمَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَل؛(۱) آگاه باشید که هر کس به امامت امامان پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اقرار کند ولی منکر فرزندم باشد، مانند کسی است که همه پیغمبران و رسولان را قبول کرده باشد، امّا نبوت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را انکار نماید. زیرا اطاعت از آخرینِ ما مانند اطاعت از اولینِ ما و منکر آخرینِ ما همانند منکر اولینِ ماست. آگاه باش برای فرزندم غیبتی است که مردم در آن به شک و تردید می افتند، مگر کسی که خدایش نگه دارد».

ب) معرفت مقام

منظور از معرفت مقام، اعتقاد به الاهی بودن منصب امامت و شناخت جایگاه امام و خلیفه بعد از پیامبر است. این بحث، یعنی اعتقاد به انتصابی بودن منصب امامت و غیر بشری بودن این مقام، از کلیدی ترین مباحث کلامی شیعه در باب امامتِ خاصه شمرده می شود.

اختلاف شیعه و سنی تنها در شخص جانشین پیامبر نیست؛ بلکه نحوه نگرش این دو مذهب به مفهوم و جایگاه مقام امامت است که آن ها

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ص۴۰۹؛ کشف الغمه، ج۳، ص۳۳۵؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۵۲.

را از یکدیگر متمایز می کند.

از نظر اهل سنّت، امامت، حاکمیتی دنیوی است، نه منصبی الاهی. یعنی از آن جا که هر جمعیتی نیاز به پیشوا و بزرگی دارند، جامعه مسلمین نیز پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم باید برای خود رهبری برگزیند و چون برای این گزینش، راه و رسم ویژه ای در دین ترسیم نشده است، انتخاب جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می تواند از راه های مختلفی چون رجوع به آراء اکثریت مردم یا بزرگان آن ها یا وصیت خلیفه پیشین و یا حتی کودتا و غلبه نظامی تحقق پیدا کند.

امّا شیعه که امامت را ادامه نبوت و امام را حجّت خدا در میان خلق و واسطه فیض او به مخلوقات می داند معتقد است که امام صرفاً به تعیین الاهی انتخاب و بر زبان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم معرفی می شود. در تفکر شیعی، امام، تنها سرپرست و مدیر جامعه مسلمین نیست، بلکه بیان کننده احکام الاهی، مفسر قرآن کریم و راهبر راه سعادت نیز هست. به بیان دیگر، در فرهنگ شیعه، امام، مرجع امور مردم در دو بخش دین و دنیاست؛ نه این که تنها وظیفه او، حکومت داری و اداره دنیای مردم باشد، آن گونه که اهل سنّت معتقدند.(۱)

تفاوت اساسی دیدگاه شیعه و سنّی درباره

۱- نگین آفرینش، ص۱۹.

امـامت این است که در اعتقـاد شـیعه، امامت، منصبی الاهی و جزو اصول دین محسوب می شود، امّا از نظر اهل سنّت، امامت یک مقام دنیوی و امر عرفی است. از این رو، مهم ترین اثر باورمندی به امامت پیشوایان معصوم علیه السلام الاهی دانستن مقام آنان است.

بر اساس آیات و روایات، امامت بسان نبوت، منصبی آسمانی و ویژه دوازده جانشین معصوم پیامبر خاتم علیه السلام است. امام صادق علیه السـلام در سـخنی با معاویه بن عمار، امامت را عهد خدای سبحان برای افراد خاص یاد کرده است؛ به گونه ای که هیـچ امامی بی تعیین الاهی نمی توانـد کسـی را به جانشـینی خویش برگزینـد: «إِنَّ ٱلإِمَامَةَ عَهدٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَعهُودٌ لِرِجَالٍ مُسَمَّینَ لَیسَ لِلإِمَامِ أَن یَزوِیَهَا عَنِ الَّذِی یَکونُ مِن بَعدِهِ؛(۱) امامت عهد و پیمانی است از جانب خدای عزوجل که برای مردانی نام برده بسته شده و امام حق ندارد آن را از امام بعد از خود دور بدارد».

نیز امام رضا علیه السلام مقام سترگ امامت را جایگاه پیامبران، ارث پیوسته اوصیای الاهی، جانشینی خدا و رسول و مقام ویژه امیرمؤمنان و پیشوایان پس از او معرفی کرده و واگذاری این امانت آسمانی را از سوی امام پیشین به امام پسین، بر اساس

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۷۸.

فرمان خـدای حکیم می داند: «فَمِنْ أَیْنَ یَخْتَارُ هَؤُلَاءِ الْجُهَّالُ، إِنَّ الإِمَامَهَ هِیَ مَنزِلَهُ الأَنبِیَاءِ وَ إِرثُ الأَوصِیَاءِ؛ إِنَّ الْإِمَامَهَ خِلَافَهُ اللَّهِ وَ خِلَافَهُ الرَّسُولِ وَ مَقَامُ أَمِیرِ المُؤمِنِینَ وَ مِیرَاثُ الحَسَنِ وَ الحُسَینِ...؛(۱) این جاهلان چگونه برای خود امام می تراشند، با آن که امامت، مقام انبیا و ارث اوصیا است؟! امامت، خلافت از طرف خدا و رسول خدا و مقام امیر المؤمنین و میراث حسن و حسین است».

امام صادق علیه السلام نیز منصب امامت را پیمان الاهی دانسته و تصریح فرموده که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم بر اساس فرمان الاهی هر یک از امامان را به مردم معرفی کرده است: «أَ تَرَوْنَ الْمُوصِیَ مِنَّا یُوصِی إِلَی مَنْ یُرِیدُ لَا وَ اللَّهِ إِنَّهُ لَعَهدٌ مِن رَسُولِ اللَّهِ مُسَمًّی رَجُلٌ فَرَجُلٌ، حَتَّی یَنتَهِیَ الأَمرُ إِلَی صَاحِبِهِ؛(۲) آیا شما گمان می کنید هر کس از ما امامان که وصیت می کند، به هر کس که می خواهد وصیت می کند؟! نه، به خدا چنین نیست؛ بلکه امر امامت عهد و فرمانی است از جانب خدا و رسولش، برای مردی پس از مردی از عترت پیامبر، تا به صاحبش (آخرین امام) برسد».

ج) معرفت اوصاف

مراد از معرفت اوصاف، شناخت و اعتقاد قلبی به ویژگی ها و اوصاف شخصیتی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ اوصافی نظیر دارا بودن مقام عصمت، برخورداری ازعلم لدنَی و غیبی، دارا بودن

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۱۸؛ الأحتجاج، ج۲، ۴۳۴.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۷۸.

مقـام امـامت و ولاـیت و سایر کمالات منحصر به فرد مقام امامت، که هرکـدام از این اوصاف در کتب کلامی به خوبی تبیین شده است.(۱)

البتّه بایـد توجّه داشت که درک حقیقت و ژرفای شخصـیت امام برای هیچ یک از ما انسان های عادی، میسّـر و ممکن نیست؛ زیرا فهم مـا از درک و احـاطه به عمق و گستردگی ابعـاد مقام امامت ناتوان است؛ همان گونه که امام رضا علیه السـلام فرمود: «هَيْهَـاتَ هَيْهَـاتَ ضَـلَّتِ الْعُقُـولُ وَ تَـاهَتِ الْحُلُومُ وَ حَـارَتِ الْأَلْبَـابُ وَ خَسَـأَتِ الْعُيُونُ وَ تَصَـاغَرَتِ الْعُظَمَـاءُ وَ تَحَيَّرَتِ الْحُكَمَـاءُ وَ تَقَاصَـرَتِ الْحُلَمَاءُ وَ حَصِـرَتِ الْخُطَبَاءُ وَ جَهِلَتِ الْأَلِبَّاءُ وَ كَلَّتِ الشُّعَرَاءُ وَ عَجَزَتِ الْأُدَبَاءُ وَ عَيِيَتِ الْبُلَغَاءُ عَنْ وَصْفِ شَأْنٍ مِنْ شَأْنِهِ أَوْ فَضِـيلَةٍ مِنْ فَضَائِلِهِ...؛(۲) هیهـات! هیهـات! [مسـأله امـامت امری است که] عقـل و انـدیشه هـا از دسترسـی به عمـق آن کوتـاه، صاحبان خرد از درک آن حیران، نوابغ و تیزهوشان از دیدن آن چشم فروبسته و بزرگان و دانشمندان از بیان حتی یک صفت از صفات آن و یک فضیلت از فضائل آن، عاجز و درمانده اند».

از این رو، باید گفت که اساساً توقع

ص:۸۴

۱- برای آگـاهی بیشتر در این زمینه، به کتـاب هـای: «تقریب المعـارف» نوشـته ابوصـلاح حلبی؛ «بررسـی مسائـل کلی امامت» نوشته ابراهیم امینی و «راه و راهنما شناسی» نوشته آیت الله مصباح یزدی، رجوع شود.
۲- الکافی، ج۱، ص۲۰۱؛ الغیبه، نعمانی، ص۲۲۰؛ بحار الانوار، ج۲۵، ۱۲۴.

شناخت و معرفت حقیقت مقام امام به دلیل عـدم گنجایش آن در ظرف فهم و خرد ما، امری است نامعقول؛ چون احاطه علمی به زوایای شخصـیت امام برای ما مقدور نیست و از همین جهت، کسـی بدان مکلف نشده است. بلکه آن چه ضـرورت دارد و لازمه حیات دینی و اعتقادی است، معرفت حداقلی نسـبت به امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف است که در آموزه های دینی نیز به عنوان یک تکلیف همگانی شمرده شده است.

بر این اساس، می توان عناصر اساسی اعتقاد به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را چند چیز بر شمرد که عبارت اند از:

۱. اعتقاد به تولد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف .

۲. اعتقاد به مقام امامت، وصایت و ولایت آن حضرت، به عنوان دوازدهمین و آخرین امام.

۳. اعتقاد به این که ایشان از نسل امام حسین علیه السلام و فرزند امام عسکری علیه السلام است.

۴. اعتقاد به حیات بالفعل آن حضرت.

۵. اعتقاد به غیبت ایشان در حال حاضر.

۶. اعتقاد به حتمی بودن ظهور آن حضرت در آینده (هرگاه که خدا اراده فرماید).

۷. اعتقاد به گسترش عدل و برچیده شدن بساط ظلم در سایه حاکمیت جهانی دین اسلام به وسیله آن حضرت در عصر ظهور.

ص:۸۵

باور قلبی به این عناصر، در خصوص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امر ضروری است؛ به گونه ای که نبود هر کدام، سبب نفی معرفت صحیح در حوزه مهدی شناسی خواهد بود.

آثار معرفت آخرین منجی

اشاره

معرفت امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مستلزم پذیرش ولایت و پیروی از ایشان است. این ولایت پذیری، آثار بی شماری در پی دارد و فلاح و سعادت دنیوی و اخروی را به ارمغان خواهد آورد.

الف) هدایت بخشی

امامان معصوم علیهم السلام پرچم های هدایت کننده به سوی حق(۱) و الگوهای هدایت و رشد هستند که پیروان خویش را از سراب حیرت و گمراهی رهانیده و به بزرگراه هدایت می کشانند.(۲)

امام صادق علیه السلام در بیان آیه (فَمَنِ اتَّبَعَ هُداىَ فَلا يَضِلُّ وَ لا يَشْقى)(۳) هدایت ویژه ای که گمراهی و رنج در آن راه ندارد را هدایت ناشی از پیروی از امامان علیهم السلام معرفی کرده و کسانی را شامل این هدایت دانسته که با معرفت قلبی و

۱- امام رضا علیه السلام درباره آیه (وَعَلاماتٍ وَ بِالنَّجْمِ هُمْ يَهْتَدُونَ) فرمود: «نَحْنُ الْعَلَامَاتُ وَ النَّجْمُ رَسُولُ اللَّهِ»؛ (الکافی، ج۱، ص۲۰۷).

۲- ر.ک: أدب فِنای مقرّبان، ج۷، ص۲۵۸- ۲۵۷.

۳- سوره طه، آیه ۱۲۳.

عمل به فرمان پیشوایان الاهی، هرگز از پیروی آنان کوتاهی نمی کننـد: «مَنْ قَالَ بِالْأَئِمَّهِ وَ اتَّبَعَ أَمْرَهُمْ وَ لَمْ یَجُزْ عَنْ طَاعَتِهِمْ؛(۱) کسی که قائل به امامت ائمه علیه السلام بوده و از ایشان اطاعت کند و پیروی از دیگران را جایز نشمارد».

امامان معصوم علیهم السـلام نماد عینی هـدایت خـدای رحمان در میان مردم هسـتند؛ از این رو، گام نهادن در راه نورانی آنان سبب دوری همیشگی پیروانشان از خطر گمراهی و رنج های برآمده از آن است.

امـام کـاظم علیه السـلام می فرمایـد: از پـدر بزرگوارم، حضـرت صادق علیه السـلام درباره آیه (فَمَنِ اتَّبَعَ هُـدایَ فَلا یَضِلُّ وَ لا یَشْـقی) پرسـیدم. ایشان فرمود: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ یَا أَیُّهَا النَّاسُ اتَّبِعُوا هُدَی اللَّهِ تَهْتَدُوا وَ تَرْشُدُوا وَ هُوَ هُدَایَ هُدَی هَذَا عَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ؛ فَمَنِ اتَّبَعَ هُـدَاهُ فِی حَیَاتِی وَ بَعْدَ مَوْتِی, فَقَدِ اتَّبَعَ هُدَایَ وَ مَنِ اتَّبَعَ هُدَایَ فَقَدِ اتَّبَعَ هُدَی اللَّهِ وَ مَنِ اتَّبَعَ هُدَی اللَّهِ فَلَا یَضِلُّ وَ لَا یَشْقَی؛(۲) رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: پیرو هدایت خدا باشید تا راه یابید و رستگار شوید و آن، راه من و راه این شـخص، علی بن ابی طالب است. هر که پیرو علی باشد، در حیات من و بعد از مرگم پیرو من بوده و پیرو من پیرو خدا است و هر کس پیرو خدا باشد، گمراه و بدبخت نمی شود».

ص:۸۷

۱- الکافی، ج ۱، ص ۴۱۴؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص۱۴۷.

۲- تأویل الآیات الظاهره، ص۳۱۵؛ بحار الانوار، ج۲۴، ص۱۴۹.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه مذکور فرموده است: «یَهْدِی إِلَی الْوَلاَیه».(۱) ایشان در تفسیر آیه (فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ أَصْحابُ الصِّراطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدی)(۲) نیز کسانی را هدایت یافته می دانند که به ولایت امامان معصوم علیه السلام راه یافته اند: «اِهْتَدَی إِلَی وَلَایَتِنَا».(۳)

از این رو، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در سخنی با جناب عمار یاسر، وی را به گام نهادن در راه علی علیه السلام سفارش کرده است، هرچند همه مردم دنیا از او روی گردان شوند: «یَا عَمَّارُ إِذَا رَأَیْتَ عَلِیّاً سَلَکَ وَادِیاً وَ سَلَکَ النَّاسُ وَادِیاً غَیْرَهُ فَاسْلُکْ مَعَ عَلِیٍّ وَ دَعِ النَّاسَ فَإِنَّهُ لَنْ یَدُلَّکَ عَلَی رَدًی وَ لَنْ یُخْرِجَکَ مِنْ هُدًی؛(۴) ای عمار! هرگاه علی علیه السلام را دیدی که به راهی می رود و تمامی مردم به راهی دیگر، تو راه علی علیه السلام را بگیر که او تو را به هلاکت، راهنمایی و از هدایت، خارج نمی کند».

ب) سعادت آفرینی

از برکات مهم معرفت امامان معصوم علیهم السلام و پیروی از ایشان، راه یابی به بهشت سعادت در

ص:۸۸

۱- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۲۸۳.

۲- سوره طه، آیه ۱۳۵.

۳- تأویل الآیات الظاهره، ص۳۱۷؛ بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۵۰. جناب جابر از آن حضرت، درباره این آیه پرسید و ایشان فرمود: «عَلِیٌّ صَاحِبُ الصِّرَاطِ السَّوِیِّ وَ مَنِ اهْتَدَی ای إِلَی وَلَایَتِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ»؛ (بحار الانوار، ج ۲۴، ص ۱۵۰).

۴- کشف الغمه، ج ۱، ص۱۴۳.

جهان پس از مرگ است؛ زیرا همان گونه که هدایت گری پیشوایان معصوم علیهم السلام چراغ راه پیروان آنان در این دنیاست، در آخرت نیز مایه نورانیت و شادمانی آنان خواهند بود.

امام هادی علیه السلام ثمره شیرین پیروی از پیشوایان معصوم علیهم السلام را مسکن گزیدن در بهشت برین و برخورداری از نعمت های بی پایان الاهی در سرای آخرت شمرده و فرموده است: «مَنِ اتَّبَعَکمْ فَالْجَنَّهُ مَأْوَاهُ؛(۱) هرکه شما را پیروی کند، جایگاهش در بهشت است».

استقرار در این منزلگاه سعادت آفرین و بهره مندی از مواهب بی پایان الاهی در گرو پیروی از اولیای معصوم علیهم السلام است؛ چنان که امیرمؤمنان علیه السلام خود را راهنمای پیروانش به بهشت می داند: «فَاِنْ اَطَعْتُمُونی فَاِنّی حامِلُکمْ اِنْ شاءَ اللّهُ عَلی سَبیلِ الْجَنَّهِ؛(۲) اگر از من پیروی کنید، شما را اگر خدا بخواهد به بهشت برین رهنمون می کنم».

ابو بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام در تفسیر قول خدای عزوجل، (قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا کنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ)(۳) سؤال کردم. ایشان فرمود: «إِذَا کانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ دُعِیَ بِالنَّبِیِّ وَ بِأَمِیرِالْمُؤْمِنِین وَ بِالْأَئِمَّهِ مِنْ وُلْدِهِ فَیُنْصَبُونَ لِلنَّاسِ فَإِذَا رَأَتْهُمْ

۱- من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۱۳.

۲- نهج البلاغه، خطبه ۱۵۶، ص۲۱۸.

۳- سوره اعراف، آیه ۴۳.

شِیعَتُهُمْ (قَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی هَدَانَا لِهَذَا وَ مَا کُنَّا لِنَهْتَدِیَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ) یَعْنِی هَدَانَا اللَّهُ فِی وَلَایَهِ أَمِیرِالْمُؤْمِنِین وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِهِ؛(۱) هنگامی که روز قیامت شود، پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان و ائمه علیهم السلام از فرزندانش را صدا می کنند و آن ها را در مقابل چشم مردم قرار می دهند. پس هنگامی که شیعیان، آن ها را می بینند، می گویند: «سپاس از آن خدا است که ما را به این راه هدایت کرد و اگر خدا به ما راه نمی نمود، ما هدایت نمی شدیم»، یعنی ما را به ولایت امیرمؤمنان و اولادش راهنمایی کرد».

پیامدهای عدم معرفت آخرین منجی

در روایات، گمراهی، نفاق، کفر، حیرت و مرگ جاهلی از جمله پیامدهای عدم معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در حدیث معروفی، پیامد عدم معرفت امام و حجّت عصر را مرگ جاهلی بیان کرده است: «مَنْ مَاتَ وَ لَمْ یَعْرِفْ إِمَامَ زَمَانِهِ مَاتَ مِیتَه جَاهِلِیَّه؛(۲) هرکس بمیرد درحالی که امام زمانش را نشناسد، به مرگ جاهلی و بی دینی مرده است».

در همین رابطه، ابوخالد کابلی سخنی را از امام سجّاد علیه السلام چنین نقل کرده است: «دَخَلْتُ عَلَی

۱- الکافی، ج۱، ص۴۱۸.

۲- کفایه الاثر، ص۲۹۶.

عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ علیه السلام وَ هُوَ جَالِسٌ فِي مِحْرَابِهِ فَجَلَسْتُ حَتَّى انْثَنَى وَ أَقْبَلَ عَلَيَّ بِوَجْهِهِ يَمْسَحُ يَدَهُ عَلَى لِحْيَتِهِ فَقُلْتُ يَا مَوْلَايَ أَخْبِرْنِي كَمْ يَكُونُ الْأَئِمَّةُ بَعْدَكَ؟ قَالَ علیه السلام : ثَمَانِيَةٌ قُلْتُ وَ كَيْفَ ذَاكَ قَالَ علیه السلام : لِأَنَّ الْأَئِمَّةَ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً عَدَدَ الْأَسْبَاطِ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْمَاضِينَ أَنَا الرَّابِعُ وَ ثَمَانِيَةٌ مِنْ وُلْدِي أَئِمَّةٌ أَبْرَارٌ مَنْ أَحَبَّنَا وَ عَمِلَ بِأَمْرِنَا كَانَ مَعَنَا فِي السَّنَامِ الْأَعْلَى وَ مَنْ أَبْغَضَنَا وَ رَدَّنَا أَوْ رَدَّ وَاحِداً مِنَّا فَهُوَ كَافِرٌ بِاللَّهِ وَ آيَاتِهِ (۱)؛ بر علی بن حسین علیه السلام وارد شدم، در حالی که آن حضرت در محراب عبادت نشسته بود. پس نشستم تا وقتی که حضرت از عبادت انصراف پیدا کرد و متوجّه من شد و دست خود را بر محاسن شریفش کشید. عرض کردم: ای سرور من! به من خبر دهید که امامان بعد از شما چند نفرند؟ فرمود: هشت نفر. عرض کردم: چگونه است؟ فرمود: زیرا پیشوایان بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به عدد اسباط دوازده نفرند که سه نفر آن ها گذشته و رفته اند و من چهارمین ایشان هستم و هشت نفر از اولاد من، امامان نیکوکارند. هر که ما را دوست بدارد و به دستور ما عمل کند، در بلندترین منازل بهشت با ما خواهد بود و هر که ما را دشمن بدارد یا یکی از ما را انکار کند، او به خدا و آیات او کافر شده است».

امام باقر علیه السلام نیز پیامد ناگوار عدم معرفت امام را بی دینی و جدا شدن از مسیر توحید

ص:۹۱

۱- بحار الانوار، ج۳۶، ص ۳۸۸.

دانسته و فرموده است: «كلّ مَنْ دَانَ اللَّهَ بِعِبَادَهٍ يُجْهِدُ فِيهَا نَفْسَهُ وَ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ، فَسَعْيُهُ غَيْرُ مَقْبُولٍ وَ هُوَ ضَالٌّ مُتَحَيِّرٌ... وَ اللَّهِ مَنْ أَصْبَحَ مِنْ هَذِهِ الْأُمَّهِ لَا إِمَامَ لَهُ مِنَ اللَّهِ جَلَّ وَ عَزَّ ظَاهِراً عَادِلًا أَصْبَحَ ضَالًّا تَائِهاً وَ إِنْ مَاتَ عَلَى هَذِهِ الْحَالِ مَاتَ مِيتَهَ كفْرٍ وَ نِفَاقٍ؛(۱) هر که خدا را عبادت کند با عبادتی که به واسطه آن به زحمت بیفتد، ولی پیشوایی از جانب خدا نداشته باشد، کوشش او پذیرفته نیست و او گمراه و سرگردان است. به خدا قسم، اگر کسی از این امّت باشد، امّا امامی نداشته باشد که آشکار(۲) و عادل و منصوب از طرف خدا باشد، او گمشده و گمراه است و اگر بر این حال بمیرد، با کفر و نفاق مرده است».

از این رو، امیرمؤمنان علیه السلام درباره فرقه مرجئه فرموده است: «يُحشَرُ المُرْجِئَهُ عُميَاناً وَ إِمَامُهُم أَعمَى؛(۳) فرقه مرجئه، در قیامت کور محشور می شوند و رهبرشان نابیناتر از آنان خواهد بود». دلیل این نابینایی، سربرتافتن آنان از اوصیای حقیقی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ؛ یعنی امامان معصوم علیهم السلام است.

ص:۹۲

۱- الکافی، ج۱، ص ۳۷۵؛ الغیبه، نعمانی، ص ۱۲۷.

۲- منظور، امامی است که امامتش با دلایل متقن، ثابت شده باشد.

۳- ثواب الأعمال، ص۲۰۸. این سخن حضرت، ناظر به آیاتی است که چشم بستن به روی حقیقت را سبب کوری انسان شمرده اند: (قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرتَنِی أَعمَی وَقَدکنتُ بَصِیرًا قَالَ کذَلِك أَتَتك آیَاتُنَا فَنَسِیتَهَا وَکذَلِك الیَومَ تُنسَی)؛ (سوره طه، آیات ۱۲۵و۱۲۶).

ص:٩٣

بخش سوم: ولادت آخرین منجی

اشاره

ص:۹۵

بر اساس نقل مشهور میان علمای شیعه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در صبح گاه جمعه، پانزدهم شعبان سال ۲۵۵ هجری قمری، در شهر سامراء چشم به جهان گشود.(۱) در برخی منابع، سال ولادت آن حضرت، سال ۲۵۶ هجری قمری(۲) و در برخی دیگر، ۲۵۷ هجری قمری ذکر شده است.(۳)

ممکن است این تفاوت نقل به خاطر مخفی بودن ولادت امام مهدی و غیرعلنی بودن حضور وی در جامعه به دلیل خوف از دستگاه خلافت بوده باشد؛ زیرا خلفای عصر نیز از اخبار و احادیث متواتر منقول از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام مبنی بر این که از صلب امام حسن عسکری فرزندی به وجود خواهد آمد که برپا دارنده قسط و عدل و نابود کننده بساط ظلم و جور خواهد بود آگاه بودند و به منظور جلوگیری از چنین رخدادی، امام عسکری علیه السلام و بیت ایشان

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص۴۲۷؛ الغیبه، طوسی، ص۱۴۱.

۲- اثبات الوصیه، ص۲۳۱.

۳- کشف الغمّه، ج۲، ص۴۳۷؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۲۳.

را مدت ها تحت مراقبت قرار داده بودند تا در صورت آگاهی از تولد چنین فرزندی، وی را به قتل برسانند.

خود امـام عسـکری علیه السـلام نیز یکی از دلایـل اصـلی مخالفت و دشـمنی بنی امیه و بنی عباس با آل پیامبر علیه السـلام را تلاش برای جلوگیری از تولد قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف یا قتل وی عنوان کرده است؛ زیرا آنان می دانسـتند که بساط حکومت ظالمان جبّار، در آینده به دست آن حضرت برچیده خواهد شد.(۱)

قطعی بودن ولادت آخرین منجی

اصل موضوع ولادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف جزو مسـلمات تاریخ است و علاوه بر شیعیان، بسیاری از تاریخ نگاران، محـدثان و اندیشـمندان اهل سـنّت نیز نسـبت به آن اذعان کرده انـد. بیش از ۱۳۰ نفر از علمای تاریـخ، فقه، حـدیث، انساب و... اهل سـنّت در کتاب های خود، به ولادت یافتن حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح کرده و بیش از ۶۵ نفر از دانشـمندان اهل سـنّت در خصوص زندگانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف کتاب های مستقلی تألیف نموده اند.(۲) بنابراین، اگرچه در جزئیات مسأله، اختلاف نظر و تعدد نقل وجود دارد، امّا بنا به

ص:۹۷

۱- ر.ک: منتخب الأثر، ص۲۹۱.

۲- رک: خورشید مغرب، ص۱۸-۲۰؛ در انتظار ققنوس، ص۱۸۹- ۱۹۹.

اسناد و شواهد فراوان تاریخی، ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جمله رخدادهای انکارناپذیر تاریخ شمرده می شود.

پنهان بودن ولادت آخرین منجی

اراده حکیمانه خداوند درباره آخرین ذخیره خود در زمین، چنین بود که ولادت او همانند حضرت موسی علیه السلام به طور معجزه آسا اتفاق بیفتد و آثار حمل در مادر گرامی اش نامحسوس باشد تا قضیه تولدش از دید دشمنان پنهان بماند؛ زیرا جاسوسان دستگاه خلافت منتظر شنیدن خبری دالّ بر بارداری همسر امام حسن عسکری علیه السلام بودند و اگر باخبر می شدند ممکن بود حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در رحم مادر به شهادت برسانند.

از این نظر باید گفت که جریان ولادت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شباهت زیادی با ولادت حضرت موسی علیه السلام دارد؛ چراکه حضرت موسی نیز در زمانی به دنیا آمد که ستاره شناسان پیش بینی تولد فرزندی را کرده بودند که سلطنت فرعون را از بین می برد و فرعون نیز تمام تلاش خود را برای جلوگیری از تولد آن فرزند انجام داده بود؛ لکن بنا بر اقتضای حکمت الاهی، آن حضرت، مخفیانه و از مادری که هیچ اثر حملی در او نبود به دنیا آمد و در کاخ فرعون بزرگ شد.

ص:۹۸

گزارش حکیمه از ولادت آخرین منجی

جناب حکیمه خاتون، دختر امام جواد علیه السلام و عمّه امام عسکری علیه السلام از جمله کسانی است که واقعه ولادت آخرین حجّت الاهی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به طور دقیق بازگو کرده است.

مرحوم شیخ صدوق، این گزارش را به روایت ایشان چنین نقل کرده است: امام عسکری علیه السلام مرا نزد خود فراخواند و به من فرمود: ای عمّه! امشب افطار نزد ما باش؛ چراکه شب نیمه شعبان است و خداوند در این شب حجّت خود بر روی زمین را آشکار خواهد کرد. پرسیدم: مادر او کیست؟ فرمود: «نرجس». گفتم: فدای شما شوم، نشانه بارداری در او پیدا نیست! فرمود: سخن همان است که گفتم.

پس بر او وارد شدم و سلام کردم و نشستم. نرجس پیش آمد تا کفش هایم را بیرون آورد و به من گفت: بانوی من! حال شما چطور است؟ گفتم: بلکه تو بانوی من و بانوی خاندان منی! سخن مرا نپذیرفت و گفت: عمّه جان چه می فرمایید؟! گفتم: دخترم! امشب خداوند متعال به تو پسری عطا می فرماید که سرور دنیا و آخرت خواهد بود. پس خجالت کشید و حیا کرد. پس از نماز عشا افطار کردم و در بستر خود آرمیدم و هنگام نیمه شب برای ادای نماز برخاستم و آن را به جای آوردم؛ در

حالی که نرجس خوابیده بود، بدون آن که اتفاقی برایش روی دهد. پس از انجام تعقیبات خوابیدم. سپس هراسان بیدار شدم و حال آن که او هم چنان در خواب بود. لحظاتی بعد برخاست و نماز شب گزارد و خوابید.

آنگاه من بیرون آمدم و در جستجوی فجر به آسمان نگریستم. پس فجر اول را مشاهده کردم و نرجس هم چنان در خواب بود. پس به شک افتادم! ناگاه امام حسن عسکری علیه السلام از جایگاه خود ندا برآورد که: ای عمّه! شتاب مکن. امر (وعده الاهی) نزدیک است پس نشستم و به قرائت سوره های «سجده» و «یس» مشغول شدم که نرجس با اضطراب بیدار شد. به سرعت نزد او رفتم و گفتم: درود خدا بر تو باد! آیا چیزی احساس می کنی؟ گفت: آری ای عمّه! گفتم: بر خود مسلط باش و دلت را استوار دار که این همان است که با تو گفتم. در این هنگام ضعفی من و نرجس را فرا گرفت. پس به صدای سرورم به خود آمدم و جامه را از روی نوزاد برداشتم و او را در حال سجده دیدم! در آغوشش گرفتم و او را کاملاً پاکیزه یافتم. در این هنگام، امام عسکری علیه السلام مرا ندا داد: ای عمّه! پسرم را نزد من بیاور. او را نزد وی بردم، در آغوشش گرفت و فرمود: پسرم! سخن بگو. پس نوزاد لب به سخن گشود و

ص:۱۰۰

فرمود: «أشـهَدُ أن لَا اِلَهَ اِلّاالله وَحدَهُ لَا شَریک لَه وَ أشهَدُ أنّ محمّداً رسُولُ الله». سپس بر امیرمؤمنان و امامان علیهم السلام درود فرستاد تا به نام پدرش رسید و از سخن گفتن باز ایستاد. امام عسکری علیه السلام فرمود: ای عمّه! او را نزد مادرش ببر تا بر او سلام کند.

فردای آن روز، نزد امام رفتم و بر حضـرتش سلام کردم. پس پرده را کنار زدم تا مولایم (امام مهدی(عج)) را ببینم؛ ولی او را ندیـدم. از این رو از پدر بزرگوارش پرسـیدم: فدای شـما شوم! برای مولای من چه اتفاقی روی داده است؟ آن حضـرت پاسـخ دادند: ای عمّه! او را به آن کسـی سپردم که مادر موسـی، موسـی علیه السـلام را به او سپرد. چون روز هفتم فرا رسید، آمدم و سلام کردم و نشسـتم. امام فرمود: فرزندم را نزد من آور. من سـرورم را آوردم. امام فرمود: فرزندم! سخن بگوی. نوزاد پس از گواهی به یگانگی خداونـد و درود بر پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم و پدران بزرگوارش، آیه مبارکه (وَ نُریدُ اَنْ نَمُنَّ عَلَی الَّذینَ اسْتُضْعِفُوا فِی اْلَارْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ اَئِمَّهً وَ نَجْعَلَهُمُ الْوارِثینَ وَنُمَکنَ لَهُمْ فِی الاٰرضِ وَنُرِی فِرْعَوْنَ وَهامانَ وَجُنُودَهُما مِنْهُمْ ما کانُوا یحْذَرُونَ)(۱)را تلاوت فرمود».(۲)

ص:۱۰۱

۱- «مـا اراده کردیم که بر مستضـعفان زمین منت نهیم و آنان را پیشوایان و وارثان زمین قرار دهیم و حکومتشان را در زمین پا برجا سازیم و به فرعون و هامان و لشکریانش، آن چه را از آن بیم داشتند نشان دهیم»؛ (سوره قصص، آیات ۵ و ۶).
۲- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۱۴۳.

معرفی آخرین منجی به شیعیان

دوران کودکی و همراهی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با پدر بزرگوارش بیش از پنج سال طول نکشید و سرانجام دستگاه ستم عباسی، وجود امام عسکری علیه السلام را تحمّل نکرد و اقدام به شهادت آن حضرت نمود. در این مدت کوتاه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از انظار عموم مردم مخفی بود و جز اصحاب خاص امام عسکری علیه السلام کسی از ولادت یافتن ایشان آگاهی نداشت.

توجّه به سیاست ها و تدابیر حکیمانه امام عسکری علیه السلام در مقابله با خطرات دستگاه عباسی، بسیار حائز اهمّیت است. ایشان به خوبی آگاه بود که اراده الاهی بر آن تعلّق گرفته که برای حاکمیت دین اسلام در سرتاسر زمین، یگانه فرزندش، مدتی طولانی از دیده ها غائب شود؛ لذا برای تحقق این هدف مهم، سه مسئولیت خطیر را که هرکدام نقش مؤثری در تداوم جریان امامت داشت به دوش می کشید که عبارت بود از:

۱. مخفی نگه داشتن موضوع ولادت فرزند عزیزش از عموم مردم و دستگاه خلافت.

۲. آماده سازی فضای فکری شیعیان برای غیبت

ص:۱۰۲

طولانی مدت آخرین حجّت الاهی.

۳. معرفی فرزند گرامی اش به عنوان امام و جانشین بعد از خود به شعیان، از راه نشان دادن او به برخی از خواص و یاران مورد اعتماد خویش.

در آن شرایط، اگر حضرت فرزندش را به عنوان آخرین امام به شیعیان معرفی می کرد، مطمئناً این کار پیامدهای ناگواری در پی داشت و این موضوع به سرعت توسط نفوذی های دستگاه خلافت افشا می شد و این امر با هدف نخست، یعنی حفظ وجود امام سازگار نبود؛ چون در آن شرایط که دستگاه خلافت، مراقبت شدیدی بر خانه امام عسکری علیه السلام داشت به طوری که اصحاب و یاران حضرت، نامه ها و سؤالاتشان را داخل عصا و چوب جاسازی و به حضرت ارسال می کردند اگر دستگاه خلافت از وجود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با خبر می شد، یقیناً آن حضرت را به قتل می رساند.

از این رو، امام حسن عسکری علیه السلام فرزند گرامی اش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تنها به افراد معدودی از بزرگان شیعه و یاران ویژه خود نشان داد و آنان را ضمن توصیه به رازداری، به پذیرش امامت فرزندش و پیروی محض از ایشان فراخواند تا شیعیان در مورد آخرین حجّت الاهی دچار انحراف نشوند.

ص:۱۰۳

در تاریخ، گزارش کسانی که مشرّف به دیدار حضرت مهدی در دوران کودکی شده اند، ثبت شده است.(۱) برای مثال، محمد بن عثمان، دومین نایب خاص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می گوید: همراه با چهل نفر از شیعیان در خانه امام یازدهم گرد آمدیم. آن حضرت فرزندش را به ما نشان داد و فرمود: «هَذَا إِمَامُكُمْ مِنْ بَعْدِی وَ خَلِیفَتِی عَلَیْكُمْ أَطِیعُوهُ وَ لَا تَتَفَرَّقُوا مِنْ بَعْدِی فِی أَدْیَانِكُمْ فَتَهْلِكوا أَمَا إِنَّكُمْ لَا تَرَوْنَهُ بَعْدَ یَوْمِكُمْ هَذَا؛(۲) او پس از من، امام شما و جانشین من است. از او فرمان برید و بعد از من در دین خود پراکنده نشوید که هلاک خواهید شد و بدانید که از این پس او را نخواهید دید».

شرایط خفقان بار حاکم بر آن روزگار، نشان دهنده دشواری و پیچیدگی تدابیر امام عسکری علیه السلام و حُسن عمل ایشان است؛ به طوری که علاوه بر انجام توأمانِ معرفی و مخفی نگه داشتن حضرت حجّت، با شیوه های خاصّی مردم را برای تحمّل دوران غیبت آماده نمود و توانست خطرات سنگینی را که متوجّه تاریخ و سرنوشت جامعه شیعی شده بود، به خوبی دفع نماید.

امّا با شهادت امام عسکری علیه السلام غیبت صغری آغاز شد. امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در این دوره تنها با نمایندگان خاص خود ارتباط داشت و آنان

۱- ر.ک: الصراط المستقیم، ج۲، ص۲۳۱ .

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۳۵.

ارتباط سرّی شیعیان با امام علیه السلام را مدیریت می کردند. با فرا رسیدن غیبت صغری، دست دشمنان از آن وجود مقدّس کوتاه شد و این یک تدبیر الاهی بود تا از این طریق، آن امام یگانه از خطر دشمنان محفوظ بماند.

دیدار خواص شیعه با آخرین منجی

چنان که در بخش قبل گذشت، امام عسکری علیه السلام فرزندش امام دوازدهم علیه السلام را به تعدادی از یاران خاص خود، معرفی کرد و نشان داد تا آنان مشاهدات خود را به دیگران گزارش دهند. بزرگانی هم چون ابوهاشم بن جعفر، معاویه بن حکم، محمد بن ایوب بن نوح، محمد بن عثمان بن عمری و... از جمله کسانی بودند که در زمان حیات امام عسکری علیه السلام موفق به دیدار و شرفیابی به حضور فرزندش، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شدند.

احمد بن اسحاق، از اصحاب و وکلای امام هادی و امام عسکری علیه السلام نیز از جمله کسانی بود که به دیدار حضرت حجّت در زمان پدر بزرگوارش مشرّف شد. مرحوم شیخ صدوق، با ذکر سند، گزارش آن دیدار را این گونه نقل کرده است:

احمد بن اسحاق می گوید: بر امام عسکری علیه السلام وارد شدم و می خواستم در مورد جانشین ایشان سؤال کنم؛ امّا آن حضرت، خود، آغاز به سخن

کرد و فرمود: «ای احمد بن اسحاق! خدای تعالی از زمان آدم علیه السلام زمین را خالی از حجّت نگذاشته و تا روز قیامت نیز خالی از حجّت نخواهد گذاشت. به واسطه او بلا را از اهل زمین دفع می کند و به خاطر او باران می فرستد و برکات زمین را بیرون می آورد». پرسیدم: «ای فرزند رسول خدا! امام و جانشین پس از شما کیست؟» حضرت شتابان برخاست، داخل خانه شد و سپس برگشت در حالی که بر شانه اش کودکی سه ساله بود که صورتش مانند ماه شب چهارده می درخشید.

پس فرمود: «ای احمد بن اسحاق! اگر نزد خدای تعالی و حجّت های او گرامی نبودی، فرزندم را به تو نشان نمی دادم. او هم نام و هم کنیه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است، کسی است که زمین را پر از عدل و داد می کند؛ هم چنان که پر از ظلم و جور شده باشد. ای احمد بن اسحاق! مَثَل او در این امّت، مَثَل خضر و ذوالقرنین است. او غیبتی طولانی خواهد داشت که هیچ کس در آن نجات نمی یابد، مگر کسی که خدای تعالی او را در اعتقاد به امامت ثابت بدارد و در دعا به تعجیل فرج موفق سازد».

پرسیدم: «ای مولای من! آیا نشانه ای هست که قلبم بدان مطمئن شود؟» پس آن کودک به زبان عربی فصیح به سخن در آمد و فرمود: «انَا

ص:۱۰۶

بَقِیَّه اللّهِ فی اَرْضِهِ وَالمُنْتَقِمِ مِن اَعْدائِهِ» ای احمد بن اسحاق! پس از مشاهده، جست وجوی نشانه مکن!» من شاد و خرم بیرون آمدم و فردای آن روز به نزد امام عسکری علیه السلام بازگشتم و گفتم: «ای فرزند رسول خدا! شادی من به واسطه منّتی که بر من نهادید، بسیار است، بفرمایید آن سنّتی که او از خضر و ذوالقرنین دارد چیست؟» فرمود: «ای احمد! غیبت طولانی». گفتم: «ای فرزند رسول خدا! آیا غیبت او به طول خواهد انجامید؟» فرمود: «به خدا سوگند چنین است تا غایتی که اکثر معتقدان به او بازگردند و باقی نماند مگر کسی که خدای تعالی عهد و پیمان ولایت ما را از او گرفته و ایمان را در دلش نگاشته و با روحی از جانب خود مؤید کرده باشد. ای احمد بن اسحاق! این امر الاهی و سرّی از اسرار ربوبی و غیبی از غیب های پروردگار است. آن چه به تو عطا کردم، نگه دار و پنهان کن و از شاکران باش تا فردا در علّیین همراه ما باشی».(۱)

از دیگر شخصیت های مورد اعتماد امام عسکری علیه السلام سعد بن عبدالله قمی است. وی که از بزرگان شیعه بوده است، همراه احمد بن اسحاق قمی، وکیل امام حسن عسکری علیه السلام برای طرح سؤالات و دریافت پاسخ آن ها به محضر امام

۱- ر.ک: کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۸۰.

یازدهم رسیده و جریان دیدار خود را بازگو کرده است.

سعد بن عبدالله نقل می کند: «هنگامی که به محضر امام عسکری علیه السلام مشرف شدیم، خواستم از ایشان سؤال کنم، امّا امام عسکری علیه السلام به فرزندش اشاره کرد و فرمود: «از نور چشمم سؤال کن!» در این هنگام، کودک رو به من کرد و فرمود: «هر چه می خواهی سؤال کن»... پرسیدم: «مقصود از کهیعص چیست؟»

فرمود: «این حروف از خبرهای غیبی است. خداوند، بنده خود، زکریا را از آن آگاه ساخته و سپس آن را برای محمد صلی الله علیه و آله و سلم باز گفته است. داستان از این قرار است که زکریا علیه السلام از پروردگارش خواست تا نام های پنج تن را به او بیاموزد. خداوند متعال، جبرئیل را بر او فرو فرستاد و آن نام ها را به او یاد داد. زکریا چون نام محمد صلی الله علیه و آله و سلم علی، فاطمه و حسن علیه السلام را بر زبان می آورد، اندوه و گرفتاری اش برطرف می شد؛ امّا وقتی حسین علیه السلام را یاد می کرد، بغض گلویش را می گرفت و مبهوت می شد.

روزی گفت: «بارالها! چرا وقتی آن چهار نفر را یاد می کنم از اندوه ها و نگرانی هایم راحت شده و دل آرام می شوم؛ امّا چون حسین علیه السلام را به یاد می آورم، اشکم جاری و ناله ام بلند می شود؟!» خداوند او را از داستان

حسین علیه السلام آگاه کرد و فرمود: «کهیعص». پس «کاف» رمز کربلا، «هاء» رمز هلاکت خاندان، «یاء» کنایه از نام «یزید»، «عین» یادآور عطش و تشنگی حسین علیه السلام و «صاد» نشانه صبر و بردباری اوست».

پرسیدم: «مولای من! چرا مردم از برگزیدن امام برای خود منع شده اند؟» فرمود: «امام مُصلح است یا مفسد؟» گفتم: «امام مصلح». فرمود: «با توجّه به این که هیچ کس از درون دیگری آگاه نیست و نمی داند که آیا به صلاح و درستی می اندیشد یا فساد و تباهی، آیا احتمال ندارد که برگزیده مردم، تبهکار باشد؟» گفتم: «آری»، فرمود: «دلیل این امر، همان است».(۱)

نام و القاب آخرین منجی

امام دوازدهم عجل الله تعالی فرجه الشریف «محمد» نام دارد و هم نام جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است.(۲) این نام گذاری، بر اساس حدیثی که شیعه و سنی آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده اند، توسط خود رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم اعلام شده است. ایشان فرمود: «مهدی از فرزندان من است، نام او هم نام من و کنیه

ص:۱۰۹

۱- ر.ك: كمال الدّين و تمام النعمه، ج۲، ص۱۹۰.

۲- ر.ك: ينابيع الموده، ص۴۹۱؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۳۷.

او (ابوالقاسم) هم کنیه من است».(۱)

در بعضی از روایات، از تصریح به نام آن حضرت منع شده است.(۲) به همین جهت، بسیاری از علمای شیعه از ذکر صریح نام مبارک ایشان خودداری می ورزند. ظاهراً هدف از این منع با توجّه به قرائن و شرایط زمان اعلام آن مخفی نگه داشتن امام و مشخصات اسمی وی از مخالفان است، تا دشمنان آن حضرت نتوانند به وی دست یابند؛ لذا این روایات را می توان به دوران اختفا، یعنی زمان کودکی و زندگی پنهانی آن امام علیه السلام که امکان تعقیب و جست وجوی حضرت وجود داشت، حمل نمود.

معروف ترین القاب آن حضرت عبارت است از: مهدی، قائم، منتظَر، حجّت، خَلَف صالح، ابوالقاسم، بقیت الله، صاحب الامر، صاحب الزّمان و ولی عصر، که مشهورترین آن، مهدی است.(۳)

نسب آخرین منجی

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از تبار ابی طالب و عبدالمطلب،(۴) هاشمی، قرشی و کنانی است.(۵)

۱- ر.ک: العمده، ص۴۳۳؛ مناقب آل ابی طالب، ج۲، ص۶۷.

۲- ر.ک: الغیبه، نعمانی، ص۲۹۹.

۳- ر.ک: اعیان الشیعه، ج۲، ص۴۴؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۲۸-۴۲.

۴- ر.ک: عِقد الدُّرر، ص۱۹۷ .

۵- ر.ک: مجمع الزوائد، ج۷، ص۱۱۵؛ عِقد الدُّرر، ص۴۲-۴۴.

ایشان ذریه پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم،(۱) از اولاد حضرت فاطمه علیها السلام (۲) و علی علیه السلام،(۳) نهمین فرزند از نسل امام حسین علیه السلام (۴) و فرزند امام حسن عسکری علیه السلام (۵) است.

درمورد نام و ملیت مادر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نقل های متفاوتی وجود دارد. در روایت معروف جناب حکیمه، دختر امام جواد و عمّه امام عسکری علیه السلام نام مادر امام مهدی، «نرجس» ذکر شده است.(۶) در برخی نقل ها نیز از وی با نام هایی چون ریحانه، سوسن، صیقل و... یاد شده است.(۷)

ممکن است این اسامی که همگی نام گل هستند از سوی جناب حکیمه به وی لقب داده شده باشد؛ امّا نام اصلی ایشان همان نرجس است که در روایت حکیمه، امام عسکری علیه السلام وی را بدان نام یاد کرده است.

۱- ر.ک: سنن ابن داود، ج۴، ص۱۰۷؛ المستدرک علی الصحیحین، ج۴، ص۵۵۷؛ الجامع الصغیر، ج۲، ص۶۷۲.

۲- ر.ک: شرح الاخبار، ج۳، ص۵۶۷؛ سیر اعلام النبلا، ج۱۰، ص۶۶۳؛ سنن ابن ماجه، ج۲ ص۱۳۶۸ .

۳- ر.ک: العمده القاری، ص۴۳۹.

۴- ر.ک: عِقد الدُّرر، ص۱۳۲، دلائل الأمامه، ص۴۷۵ .

۵- ر.ک: ینابیع الموده، ج۳، ص۱۱۵.

۶- ر.ک: کمال الدّین و تمام النعمه، ص۴۲۴-۴۲۶؛ اثبات الوصیه، ص۲۴۸؛ الارشاد، ص۳۹۰.

۷- ر.ک: الغیبه، طوسی، ص۲۴۱.

شمایل آخرین منجی

در روایات، آن حضرت از نظر شمایل و ویژگی ها و سیمای ظاهری، به جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم تشبیه شده است.

در برخی از این روایات آمده است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چهره گندم گون، چشمان سرمه کشیده، ابروان کمانی، بینی باریک و کشیده و ریش پرپشت دارد.(۱) او دارای دندان های درخشان، دندان های گشاده و پیشانی روشن و بلند است.(۲) سینه ای گشاده و کتف و شانه هایی قوی دارد.(۳) بر پشت او دو خال است که یکی به رنگ پوست وی و دیگری شبیه به خال پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است.(۴) رشته باریکی از مو بر سینه او روئیده که از وسط سینه تا ناف امتداد دارد(۵) و نیز دیگر خصوصیاتی که در روایات بیان شده است.

اوصاف آخرین منجی

اشاره

در بینش اعتقادی شیعه، امام زمان علیه السلام و

ص:۱۱۲

۱- ر.ک: کمال الدّین و تمام النعمه، ص۴۶۸؛ ینابیع الموده، ج۴ص۳۴۳.

۲- ر.ک: کشف الغمّه، ج۳، ص۲۸۹؛ غایه المرام، ج۷، ص۱۰۲ .

۳- ر.ک: الخرائج و الجرائح، ج۲، ص۶۹۱ .

۴- ر.ک: کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۵۳، جامع احادیث الشیعه، ج۱۴، ص۵۶۸.

۵- ر.ک: الکافی، ج۱، ص۳۲۹؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص۴۳۶؛ الغیبه، طوسی، ص۲۳۳.

دیگر اوصیای الاهی، همانند خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دارای ویژگی های منحصر به فرد و مقام های آسمانی و الاهی هستند که مهم ترین آن عبارت است از علم، عصمت و امامت.

الف) علم لدنّی

علم امام، همانند علم پیامبر، لدنّی(۱) است و گستره آن، غیب و شهود و گذشته و آینده را شامل می شود؛ چنان که در روایات بسیاری بدان تصریح شده است. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ أُعْطِيَ عِلْمَ مَا كانَ وَ مَا هُوَ كـائِنٌ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَهِ فَوَرِثْنَاهُ مِنْ رَسُولِ اللَّه وِرَاثَهً؛(۲) همه علوم گذشته و آینده تا قیامت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم داده شده است و ما اهل بیت علیهم السلام همه آن علوم را از او به ارث برده ایم».

از سوی دیگر با توجّه به اینکه وحی و قرآن کریم منبع همه علوم است،(۳) امام بر تمامی علوم شریعت و رموز قرآن کریم، مُشرف و به تمامی مراتب قرآن، آگاه است.

در این زمینه امام باقر علیه السلام می فرماید: «مَا ادَّعَى أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ أَنَّهُ جَمَعَ الْقُرْآنَ كلَّهُ كمَا أُنْزِلَ إِلَّا كـذَّابٌ وَ مَا جَمَعَهُ وَ حَفِظَهُ

۱- برگرفته از آیه (مِنْ لَدُنْ حَكيمٍ خَبِيرٍ) ؛ (سوره هود، آیه ۱).
۲- بصائر الدرجات، ج ۱، ص ۱۲۹.
۳- (لَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلاَّ فِي كتَابٍ مُّبِينٍ) ؛ (سوره انعام، آیه ۵۹).

کمَا نَزَّلَهُ اللَّهُ تَعَالَی إِلَّا عَلِیُّ بْنُ أَبِی طَالِبٍ علیه السلام وَ الْأَئِمَّهُ مِنْ بَعْدِهِ؛(۱) هیچ کس مدعی نیست که همه قرآن را به همان شکل که نازل شده جمع کرده، مگر شخص بسیار دروغگو. بلکه احدی قرآن را همان گونه که خداوند نازل کرده، جمع و نگه داری نکرده است جز علی بن ابی طالب علیه السلام و امامان پس از او».

نیز آن حضرت در سخنی دیگر فرمود: «مَا یَسْتَطِیعُ أَحَدٌ أَنْ یَدَّعِیَ أَنَّ عِنْدَهُ جَمِیعَ الْقُرْآنِ کلِّهِ ظَاهِرِهِ وَ بَاطِنِهِ غَیْرُ الْأَوْصِیَاء؛(۲) احدی نمی تواند مدعی شود که همه قرآن، از ظاهر و باطن، نزد او است، جز اوصیاء».

سلمه بن محرز نقل کرده است که شنیدم امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ مِنْ عِلْمِ مَا أُوتِینَا تَفْسِیرَ الْقُرْآنِ وَ أَحْکامَهُ وَ عِلْمَ تَغْیِیرِ الزّمان وَ حَدَثَانِهِ إِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ خَیْراً أَسْمَعَهُمْ وَ لَوْ أَسْمَعَ مَنْ لَمْ یَسْمَعْ لَوَلَّی مُعْرِضاً کأَنْ لَمْ یَسْمَعْ؛ از جمله علومی که به ما داده شده، تفسیر قرآن و احکام آن است و علم تغییر زمان و حوادث آن. هرگاه خدا خیر مردمی را بخواهد، آن ها را شنوا می سازد. کسی که گوش شنوا ندارد، از سخنی که به گوش او می رسد رو گردان است، گویی که آن که را نشنیده».

سپس اندکی از سخن باز ایستاد و پس از آن فرمود: «وَ لَوْ وَجَدْنَا أَوْعِیَهً أَوْ مُسْتَرَاحاً لَقُلْنَا وَ اللَّهُ الْمُسْتَعَانُ (۳)؛ اگر

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۹.

دل های وسیعی پیدا می کردیم که تاب تحمّل حقایق را داشتند و اگر مردمِ نکته فهم و رازداری پیدا می شدند که مذاکره با آن ها وسیله آسایش خاطر بود، [آن چه خود می دانستیم، به آن ها] می گفتیم و خدا یاور ما است».

عبدالأعلی مولی آل سام نیز گوید: شنیدم امام صادق علیه السلام می فرمود: «وَ اللَّهِ إِنِّی لَأَعْلَمُ کتَابَ اللَّهِ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَی آخِرِهِ کـأَنَّهُ فِی کفِّی فِیهِ خَبَرُ السَّمَاءِ وَ خَبَرُ الْأَرْضِ وَ خَبَرُ مَا کانَ وَ خَبَرُ مَا هُوَ کائِنٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ: فِیهِ تِبْیَانُ کلِّ شَیْ ءٍ؛(۱) به خدا، من کتاب خدا را از اول تا آخرش می دانم چنان چه گویا در کف دست من قرار دارد. خبر آسمان و زمین و آن چه خواهد بود، در آن است و خدای عزوجل فرمود: در آن شرح هر چیزی است».

هم چنین عبدالرحمن بن کثیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که ایشان در تفسیر آیه (قالَ الَّذِی عِنْدَهُ عِلْمٌ مِنَ الْکتابِ أَنَا آتِیک بِهِ قَبْلَ أَنْ یَرْتَدَّ إِلَیْک طَرْفُک)(۲) فرمود: «وَ عِنْدَنَا وَ اللَّهِ عِلْمُ الْکتَابِ کلُّهُ؛(۳) به خدا قسم، همه علم کتاب نزد ماست».

برید بن معاویه گوید: از امام باقر علیه السلام درباره معنای آیه(قُلْ کفی بِاللَّهِ شَهِیداً بَیْنِی وَ بَیْنَکمْ وَ مَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْکتابِ) سؤال کردم.

ص:۱۱۵

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۸.

۲- سوره نمل، آیه ۴۰.

۳- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۹.

حضرت فرمود: «إِيَّانَا عَنَى وَ عَلِيٌّ أَوَّلُنَا وَ أَفْضَلُنَا وَ خَيْرُنَا بَعْدَ النَّبِيِّ؛(۱) مقصود، ما هستیم و پس از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علی علیه السلام اول و افضل و بهترینِ ما ائمه است».

احمد بن اسحاق قمی نقل کرده است: هنگامی که جهت تحویل وجوهات شرعی، خدمت امام عسکری علیه السلام رسیدم، آن حضرت مرا به فرزند خردسالش محوّل کرد و فرمود: «ابن اسحاق! آن چه آورده ای بیرون بیاور تا فرزندم حلال و حرام آن را جدا کند». پس اولین کیسه را بیرون آوردم. آن کودک فرمود: «این کیسه از فلان شخص از فلان محله شهر قم است که در آن ۶۲ اشرفی است. ۴۵ اشرفی آن، بهای فروش زمین سنگلاخی است که صاحبش آن را از پدر خود ارث برده بود و ۱۴ دینار آن، بهای ۹ جامه ای است که فروخته و ۳ دینارش وجه اجاره دکان هاست».

امام عسکری علیه السلام فرمود: «فرزند عزیزم! راست گفتی. اکنون این مرد را راهنمایی کن که کدام حرام است». کودک با دقت تمام، سکه های حرام را مشخص کرد و علت حرام بودن آن ها را به روشنی بیان کرد!

آن گاه کیسه دیگری بیرون آوردم. آن کودک پس از بیان نام و نشان و محل سکونت صاحب آن فرمود: «در آن کیسه ۵۰ اشرفی است که

۱- الکافی، ج ۱، ص ۲۲۹.

دست زدن بـدان برای ما روا نیست». سـپس علت ناپاکی آن اموال را یک به یک بیان کرد! آن گاه امام عسـکری علیه السـلام فرمـود: «پسـرم! راسـت گفـتی». سـپس رو به من کرد و فرمـود: «همه را به صـاحبش بر گردان یـا سـفارش کن که آن هـا را به صاحبانش برسانند و ما را بدان نیازی نیست».(۱)

ب) عصمت

عموم مسلمانان درباره عصمت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم اتفاق نظر دارند؛(۲) امّا اعتقاد به عصمت جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از مختصات اندیشه شیعی است.

از دیـدگاه شـیعه، مقـام امـامت هماننـد مقام نبوت، یک منصب الاهی و یک مقام آسـمانی و فرابشـری است که به انتصاب از سوی خداونـد نیـاز دارد و مهم ترین شـرط آن نیز عصـمت، یعنی مصونیت صـد در صـد از یک سو و گزینش الاهی از سوی دیگر است. در حالی که اهل سنّت قائل به لزوم عصمت امام و خلفای پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نمی باشند، بلکه آن را یک امر فقهی و مقام عرفی می دانند که با انتخاب و بیعت مردم ایجاد می شود.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص ۱۹۰.

۲- ر.ک: اوائل المقالات، ص۶۲؛ عصمه الانبیاء، ص۲۶؛ عقائد الإمامیه، ص۵۴.

اعتقاد اصیل شیعه به عصمت ائمه علیهم السلام مبتنی بر آیات قرآن و سخنان صریح پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره عصمت امامان است. قرآن کریم در برخی از آیات، به عصمت امامان علیه السلام اشاره کرده است؛ مانند آیه تطهیر: (إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا)؛(۱) «همانا خداوند می خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» و نیز آیه اولو الامر: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُواْ أَطِيعُواْ اللّهَ وَأَطِيعُواْ الرَّسُولَ وَأُوْلِي الأَمْرِ مِنكُمْ فَإِن تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللّهِ وَالْيَوْمِ الآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا)؛(۲) «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا و پیامبر او و اولوالامر را اطاعت کنید و اگر به خدا و روز رستاخیز ایمان دارید، هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر بازگردانید [و از آن ها داوری بطلبید]. این برای شما بهتر و عاقبت و پایانش نیکوتر است».

پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز جانشینان بعد از خود را با ویژگی عصمت معرفی فرموده است. برای نمونه، از ایشان روایت شده است: «أَنَا وَ عَلِيٌّ وَ الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ

۱- سوره احزاب، آیه ۳۳.

۲- سوره نساء، آیه ۵۹.

وَ تِسْعَةٌ مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ؛(۱) من، علی، حسن، حسین و نه تن از فرزندان حسین، پاکیزه و معصوم از هرگونه گناه و اشتباهیم».

هم چنین آن حضرت خطاب به امیرمؤمنان علیه السلام فرموده است: «أَنْتَ الْإِمَامُ أَبُو الْأَئِمَّهِ أَحَدَ عَشَرَ مِنْ صُلْبِك أَئِمَّهٌ مُطَهَّرُونَ مَعْصُومُونَ وَ مِنْهُمُ الْمَهْدِیُّ الَّذِی یَمْلَأُ الدُّنْیا قِسْطاً وَ عَدْلا».(۲) نیز در جای دیگری فرمود: «یُخْرِجُ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ تِسْعَهً مِنَ الْأَئِمَّهِ مَعْصُومُونَ مُطَهَّرُونَ وَ مِنْهُمْ مَهْدِیُّ هَذِهِ الْأُمَّهِ الَّذِی یَقُومُ بِالدِّینِ فِی آخِرِ الزَّمَان؛(۳) از صلب حسین، نه امام معصوم و مطهر خارج خواهند شد که مهدی این امّت، از آنان است و در آخر الزّمان قیام می کند».

بر اساس این احادیث، جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم همانند خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم می بایست از هرگونه آلودگی و خطای فکری و عملی مصون باشند.

ج) امامت

در اندیشه کلامی شیعه، امامت، طبق آن چه در قرآن کریم بیان شده،(۴) مقامی الاهی است و معرفی مصداق آن بر عهده پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در معرفی جانشینان خود،

ص:۱۱۹

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص۲۸۰؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۶۶؛ مناقب آل ابی طالب، ج۱، ص۲۵۳ ؛ غایه المرام، ج۱، ص۱۹۵.

۲- غایه المرام، ج۱، ص۱۹۵.

۳- کفایه الأثر، ص۱۳۵؛ الصراط المستقیم، ج۲، ص۱۱۷؛ بحار الانوار، ج۳۶، ص ۳۳۱ .

۴- ر.ک: سوره مائده، آیه ۵۵؛ سوره نساء، آیه ۵۹.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به عنوان دوازدهمین وصی و آخرین امام پس از خود ذکر فرموده است.

این دسته از احادیث نبوی دو گونه اند: برخی به طور عام از امامت امامان دوازده گانه خبر داده اند و برخی دیگر، به طور خاص، نام ائمه علیه السلام و مخصوصاً حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیان کرده اند.

در برخی احادیث نبوی، تعداد جانشینان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم منحصر در دوازده نفر ذکر شده که همگی قریشی تبارند. این احادیث بیشتر در مجامع حدیثی اهل سنّت، نظیر صحیح مسلم، صحیح ابن حبان، جامع ترمذی، سنن ابی داود، سنن ابن ماجه، مسند احمد بن حنبل، مسند ابن جعد، مسند ابی یعلی، کنز العمال و... نقل شده است. مانند حدیث: «یَکونُ بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ خَلِیفَهً کلُّهُمْ مِنْ قُرَیْش؛(۱)پس از من دوازده نفر جانشینان من خواهد بود» و حدیث «لَا یَزَالُ الدِّینُ قَائِماً حَتَّی تَقُومَ السَّاعَهُ أَوْ یَکونَ عَلَیْکمْ اثْنَا عَشَرَ خَلِیفَهً کلُّهُمْ مِنْ قُرَیْش؛(۲) همواره دین پایدار ماند تا قیامت فرارسد یا دوازده جانشین که همگی از قریش اند بر شما حکم فرما باشند».

در برخی از این احادیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از امامان بعد از خود با عنوان «دوازده امیر» یاده کرده است؛ مثلاً «یَکونُ بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ أَمِیراً... کلُّهُمْ مِنْ

۱- مسند ابن جعد، ص۳۹۰؛ الاحاد و المثانی، ج۳، ص۱۲۶ .

۲- مسند احمد، ج۵، ص۸۶؛ مسند ابی یعلی، ج۱۳، ص۴۵۶.

قُرَیْشٍ».(۱) در برخی دیگر از این احادیث، عـدد جانشـینان پیامبر هماننـد عدد نقبای بنی اسـرائیل بیان شده است؛ هم چون «اِنّ عِدّهَ الْخُلَفَاءُ بَعْدِی عِدَّهُ نُقَبَاءِ مُوْسَی»،(۲) «اَلْخُلفَاءُ بَعدِی إثنَا عَشَرَ کعَدَدِ نُقَبَاءُ بَنِی إسرَائِیل»(۳) و احادیث مشابه دیگر.

امّا در نوع دوم احادیث معرفی خلفا، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ضمن تأکید بر دوازده نفر بودن جانشینان خود، به معرفی مصـادیق این دوازده نفر پرداخته و آنـان را اهـل بیت خود دانسـته است. در یک دسـته از این احادیث، امیرمؤمنان علیه السـلام اولین آنـان و امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آخرین آنان معرفی شـده اند(۴) و اقرار به امـامت آنـان، مایه ایمان و انکار آنان سبب کفر شمرده شده است.(۵)

در برخی دیگر از این احادیث، پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نه نفر از دوازده امامِ بعد از خود را از صـلب امام حسین علیه السلام معرفی کرده و تصریح فرموده که آخرین آنان، حضرت قائم است.

به عنوان مثال، ابوذر از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل

۱- صحیح بخاری، ج۸، ص۱۲۷؛ مسند احمد، ج۵، ص۹۴؛ سنن ترمذی، ج۳، ص ۳۴۰.

۲- الجامع الصغیر، ج۱، ص ۳۵۰؛ کنز العمال، ج۶، ص۸۹.

۳- الامالی، مفید، ص۳۸۷؛ غایه المرام، ج۲، ص ۲۷۱ .

۴- الاعتقادات فی دین الامامیه، ص۱۰۴؛ عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص ۶۲ .

۵- من لایحضره الفقیه، ج۴، ص ۱۸۰.

کرده است: «اَلْأَئِمَّهُ بَعْدِی اِثْنَا عَشَرَ تِسْعَهٌ مِنْ صُلْبِ الْحُسَیْنِ تَاسِعُهُمْ قَائِمُهُمْ، ثُمَّ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم : أَلَا إِنَّ مَثَلَهُمْ فِیکمْ مَثَلُ سَفِینَهِ نُوحٍ مَنْ رَکبَهَا نَجَا وَ مَنْ تَخَلَّفَ عَنْهَا غَرِقَ وَ مَثَلُ بَابِ حِطَّهٍ فِی بَنِی إِسْرَائِیلَ؛(۱) امامان بعد از من دوازده نفرند. نه نفر آنان از نسل حسین هستند و نهمین آنان، قائم آنان است. آگاه باشید که داستان امامان دوازده گانه در میان شما همانند قضیه کشتی نوح است؛ پس هر کس به آنان متمسک شود، نجات می یابد و هر کس از آن دوری ورزد، هلاک می شود».

در بخشی دیگر از این دسته احادیث، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اسامی امامان بعد از خود را نیز بیان فرموده است. گاهی فقط اسامی مشترک میان ائمه علیهم السلام بیان شده است؛ مثل: «الْأَئِمَّهُ مِنْ بَعْدِی اِثْنَا عَشَرَ أَوَّلُهُمْ عَلِیٌّ وَ رَابِعُهُمْ وَ ثَامِنُهُمْ عَلِیٌّ وَ عَاشِرُهُمْ عَلِیٌّ وَ آخِرُهُمْ مَهْدِی؛(۲) امامان بعد از من دوازده نفرند. اولین آنان، علی، چهارمین آنان، علی، هشتمین آنان، علی، دهمین آنان، علی و آخرین آنان مهدی است» یا «إِنَّ الْأَئِمَّهَ بَعْدِی اثْنَا عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَهْلِ بَیْتِی عَلِیٌّ أَوَّلُهُمْ وَ أَوْسَطُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ آخِرُهُمْ مُحَمَّدٌ وَ هُوَ مَهْدِیُّ هَذِهِ الْأُمَّهِ الَّذِی یُصَلِّی عِیسَی خَلْفَهُ؛(۳) امامان بعد از من دوازده نفر از اهل بیت من هستند. اولین آنان، علی، وسط آنان، محمد و آخر آنان،

۱- غایه المرام، ج۳، ص۲۲.

۲- معارج الیقین، ص۶۲.

۳- کفایه الأثر، ص۸۰؛ غایه المرام، ج۲، ص۲۳۸.

محمـد و مهـدی این امّت است؛ کسـی که عیسی بن مریم در نماز به او اقتـدا می کند» و گاهی بر اسامی تک تک ائمه علیهم السلام تصریح شده است.

هنگامی که جابر بن عبدالله انصاری از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم در باره جانشـینان ایشان پس از علی علیه السلام سؤال می کند، پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در پاسخ وی، تمامی امامان دوازده گانه را با اسامی و القاب شان معرفی نموده می فرمایـد: «الْحَسَنُ وَ الْحُسَـیْنُ سَـیِّدَا شَـبَابِ أَهْـلِ الْجَنَّهِ ثُمَّ سَـیِّدُ الْعَابِـدِینَ فِی زَمَـانِهِ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَـیْنِ ثُمَّ الْبَاقِرُ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ وَ سَتُـدْرِکهُ یَا جَابِرُ فَإِذَا أَدْرَکتَهُ فَأَقْرِئْهُ مِنِّی السَّلَامَ ثُمَّ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الْکاظِمُ مُوسَـی بْنُ جَعْفَرٍ ثُمَّ الرِّضَا عَلِیُّ بْنُ مُوسَـی ثُمَّ التَّقِیُّ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ النَّقِیُّ عَلِیُّ بْنُ مُحَمَّدٍ ثُمَّ الزَّکیُّ الْحَسَنُ بْنُ عَلِیٍّ ثُمَّ ابْنُهُ الْقَـائِمُ بِـالْحَقِّ مَهْـدِیُّ أُمَّتِی الَّذِی یَمْلَـأُ الْـأَرْضَ قِسْـطاً وَ عَدْلًا کمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً؛(۱) فرمود حسن و حسـین دو سـید جوانان اهل بهشت سپس سید العابدین زمان خود علی بن الحسـین سـپس بـاقر محمـد بن علی ای جـابر محققا او را درک کنی چون او را درک کردی از قول من به او سـلام برسان سپس امام صادق جعفر بن محمد سـپس کاظم موسی بن جعفر سپس رضا علی بن موسی سپس تقی محمد بن علی سپس نقی علی بن محمد سـپس زکی حسن بن علی سـپس پسـرش قائم بالحق مهدی امت من آنکه زمین را پر از عدل و داد کند چنانچه پر از ظلم و جور شده است».

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ص۲۵۸؛ الاحتجاج، ج۱، ص۸۷؛ کفایه الأثر، ص ۱۴۵.

در حـدیث معروف به «حـدیث لوح» نیز آمده است: امام باقر علیه السـلام از جابر بن عبدالله انصاری درخواست کرد که از آن چه در لوح حضـرت فاطمه علیها السـلام دیـده است، خبر بدهد. جابر در پاسخ امام باقر علیه السـلام عرض کرد: «خدا را شاهد می گیرم که من در زمان حیات رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم وارد خانه مادرت فاطمه شـدم تا تولـد فرزندنش حسـین علیه السـلام را به او تبریک گویم. در دست دختر رسول خـدا علیها السـلام لوحی سبز رنگ دیدم که گمان کردم زمرد است. در آن لوح، نوشـته هایی نورانی به چشم می خورد که مثل سـفیدی نور خورشـید در آن نقش بسـته بودند. پرسـیدم: ای دختر سول خـدا! پـدر و مادرم به فـدایت، این چیست؟ فرمود: «هَـذَا لَوْحٌ أَهْـدَاهُ اللَّهُ إِلَی رَسُولِهِ فِیهِ اسْمُ أَبِی وَ اسْمُ بَعْلِی وَ اسْمُ ابْنَیَّ وَ اسْمُ الْأَوْصِیَاءِ مِنْ وُلْدِی وَ أَعْطَانِیهِ أَبِی لِیُبَشِّرَنِی بِذَلِک؛ این لوحی است که خداوند آن را به پدرم رسول خدا هدیه نموده است و در آن اسم پـدرم و شوهرم علی و هر دو فرزنـدم و اسـامی دیگر اوصـیا از فرزنـدانم ذکر شـده است. پـدرم آن را به من عطا نمود تا مرا شاد و مسـرور نماید». آن گاه مادرت فاطمه، آن لوح را به من نشان داد و من آن را خواندم و از آن نسـخه برداری کردم. پس از آن، جابر بنا به درخواست امام باقر علیه السـلام نسخه مکتوب خود را به حضرت نشان داد که در آن، اسامی هر کدام از امامان دوازده گانه با

توصیفات خاص، ذکر شده بود.(۱)

□□□

ص:۱۲۵

۱- ر.ک: الکافی، ج ۱، ص ۵۲۷؛ الامامه و التبصر ة، ص۱۰۴؛ الإختصاص، ص ۲۱۰.

بخش چهارم: غیبت آخرین منجی

اشاره

ص:۱۲۷

یکی از مهم ترین مقاطع تاریخ زندگی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران طولانی غیبت آن حضرت است. این دوره، با توجّه به ویژگی های اسرارآمیز آن و قطع ارتباط مستقیم جامعه با امام، تأثیرات عمیق و بنیادینی بر حیات دینی و سیاسی جامعه اسلامی داشته است.

دوران غیبت، به دلیل محرومیّت مردم از برکات حضور امام و مدیریت معصومانه مقام امامت، پیامدهای ناگواری را به همراه داشته که مهم ترین آن، درهم آمیختگی حق و باطل و میدان داری مظاهر گوناگون فتنه، ظلم، فساد و طاغوت در جامعه است. بدیهی است که در این شرایط، شناخت مسیر هدایت و ثبات و پایداری در آن، بسی دشوار بوده و حرکت رو به آینده جامعه بشری با چالش های گوناگونی مواجه خواهد بود.

در این فصل، به مهم ترین فرازهای مربوط به این دوره از زندگی آن یگانه دوران و امید زمین و زمان می پردازیم.

ص:۱۲۸

معناشناسی غیبت

واژه «غیبت» و «غیب»در لغت به معنـای پوشـیده بودن و مخفی بودن از انظـار است. ابن فـارس در معجم مقایس اللغه ذیل واژه غیب گفته است: «یـدل علی تسـتر الشـیء عن العیـون؛(۱) غیـب دلالـت بر پنهـان بـودن چیزی از چشم هـا می کنـد». این واژه برخلاف واژه «ظهور» است که بر آشکار بودن چیزی دلالت دارد: «یدل علی قوّه و بروز، ظهرالشی ء اذا انکشفت».(۲)

پیشینه شناسی غیبت

شنـاخت پیشـینه تـاریخی غیبت، دو اثر مثبت را به همراه دارد: یکی محسـوس شـدن موضوع برای سـهولت پـذیرش مردم یعنی تبیین این مسأله که غیبت یک پدیـده جدیـد و نوظهور نیست تا کسـی بگویـد این مسأله غیرعادی است و با عقل سازگار نمی باشد و دوم، اتصال حوادث مشابه در سلسله تاریخ و استفاده از تجربه و حوادث گذشته در فهم مسائل آینده.

بی شک موضوع غیبت و پنهان زیستی، پدیـده ای بدیع و بی سابقه نیست که برای اولین بار و تنها درباره آخرین حجّت الاهی روی داده باشد؛ بلکه این پدیده قبلاً نیز در میان

۱- معجم مقاییس اللغه، ذیل کلمه «غیب».

۲- معجم مقاییس اللغه، ذیل کلمه «ظهر».

اولیای الاهی سابقه داشته است. از روایات فراوان استفاده می شود که تعدادی از پیامبران بزرگ الاهی، بخشی از زندگی خود را پنهانی و در غیبت به سر برده اند و این امر به جهت حکمت و مصلحت خدایی بوده است، نه یک خواسته شخصی یا مصلحت خانوادگی.

براساس آیات و روایات، موضوع غیبت یکی از سنّت های دیرینه خداوندی بوده است که گاه گاه در مقاطعی از تاریخ زندگی برخی انبیا و اولیا دیده شده است. قرآن کریم در آیات متعددی به جاری شدن این سنّت الاهی در زندگی برخی از پیامبران گذشته اشاره کرده است.(۱) روایات نیز از وقوع غیبت در زندگی برخی از انبیا خبر داده اند؛ پیامبرانی چون: ادریس، نوح، صالح، ابراهیم، یوسف، موسی، شعیب، الیاس، سلیمان، دانیال، عیسی و... علیه السلام .(۲)

برای مثال، حضرت یونس علیه السلام بعد از آن که امتش را انذار کرد و آن ها هدایت نشدند، آن ها را نفرین کرد؛ در حالی که اُولی این بود که سعه صدر به کار برد و تحمّل کند. خداوند هم به جهت این ترک اولی، او را کیفر کرد و در شکم ماهی گرفتار نمود. از

۱- سوره غافر، آیه ۵۸؛ سوره فتح، آیه ۲۳؛ سوره اسراء، آیه ۷۷.
۲- ر.ک: کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۲۵۴ _ ۳۰۰.

این رو، حضرت یونس علیه السلام مدت زیادی از قومش غائب بود.

حضرت صالح علیه السلام نیز مدتی طولانی از میان مردم غائب بود و چون شکل و قیافه آن حضرت پس از بازگشتن به جامعه تغییر کرده بود، مردم در قبال ایشان به سه دسته تقسیم شدند؛ یک عده منکر رسالت و نبوت حضرت شدند، یک عده درباره ایشان شک کردند و یک عده هم ایشان را پذیرفتند.

ماهیّت شناسی غیبت آخرین منجی

در خصوص ماهیّت و چیستی غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و این که آیا غیبت آن حضرت، نوعی پنهان زیستی طبیعی است یا نتیجه به کارگیری عوامل قاهر غیرطبیعی، دو نگرش متفاوت وجود دارد.

پیروان شیخیّه(1) به رهبری «شیخ احمد احسایی» غیبت را نوعی خروج از حالت طبیعی، تلقی می کنند و زندگی امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت را در عالمی متفاوت از این عالم تصور

۱- فرقه شیخیّه یا کشفیّه، در اوائل قرن ۱۳ق به وسیله احمد بن زین الدین، معروف به شیخ احمد احسایی(۱۱۶۶- ۱۲۴۱ ق) پدید آمد. افکار عجیب و قرائت های غیرمقبول وی از آموزه ها و تعالیم دینی، سبب انحرافات گوناگون در جامعه تشیع شد. افکار و برداشت های ناروای وی، زمینه را برای پیدایش فرقه های انحرافی دیگر، مثل «بابیّه» و «بهائیه» هموار نمود.

می نمایند. از نظر آنان، حضرت هم اکنون در عالمی روحانی و مجرد، به نام «عالم هورقلیا» و در شهری به نام «جَابُلقا و جابُرسا» زندگی می کند!(۱)

آنان معتقدند امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، در شرایطی منقطع از عالم ماده و با بدن غیرعنصری زندگی می کند؛ به همین جهت، در این دوران از عوارض طبیعی، مثل پیری ناشی از طول عمر و... به دور خواهد بود.

روشن است که بر اساس تلقی شیخیّه، غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای ماهیّتی کاملاً غیرطبیعی و به معنای خروج از زندگی عادی و استقرار در شرایط غیرمعمول و عالمی متفاوت با این عالم است.

عقاید شیخیّه به منظور حل چندین مسأله مهم کلامی و اعتقادی، مانند معاد جسمانی، مسأله معراج جسمانی رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و پدیده غیبت و حیات امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در طول دوران غیبت شکل گرفته است. آنان این فرضیه را تنها محمل صحیح برای حل مسأله طول عمر امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت پنداشته اند.

در حالی که این نوع تلقی نسبت به پدیده غیبت با تفاسیر مبهم و اصطلاحات نامفهومی

۱- ر.ک: جوامع الکلم، شیخ احمد احسایی، رساله دوم، شیخی گری، بابی گری، ص ۷۴.

که در دیدگاه شیخیّه دیده می شود، از چند جهت مخدوش و غیرقابل پذیرش است:

اولاً در متون دینی ما هیچ دلیل و شاهدی بر اثبات ادعاها و عناوین نامفهومی نظیر «بدن هور قلیایی» و امثال آن وجود ندارد.

ثانیاً این تلقی نه تنها توجیه عقلانی نداشته، بلکه با مبانی کلامی شیعه در مورد موضوع امامت و شئون امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف ناسازگار است و با حیثیت پیشوایی و الگویی مقام امامت منافات دارد؛ زیرا در فرض انتقال امام به عالمی مجرد، روحانی، مثالی و به اصطلاح هورقلیایی و قطع ارتباط آن حضرت با زمینیان، سنخیّت لازم میان امام و مأموم وجود نخواهد داشت و امام همانند یک فرشته خواهد بود. بدیهی است که هم چنان که فرشتگان مقرّب الاهی، مثل جناب جبرائیل علیه السلام و میکائیل علیه السلام نمی توانند الگو و پیشوای آدمیان باشند، شخص متعلّق به آسمان و بریده از زمین نیز نمی تواند برای آدمیان پیشوا و الگو باشد.

ثالثاً دیدگاه شیخیّه، علاوه بر ابهامات درونی، دارای تناقضات فراوانی است که بررسی نتایج باطل و پیامدهای منفی آن، خارج از موضوع بحث ما است.

در مقابل این دیدگاه، نگرش دیگری وجود دارد که تلقی درست از پدیده غیبت امام

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را تنها مبتنی بر تحلیل طبیعی از زندگی آن حضرت می داند. دیدگاه علمای شیعه امامیه در مقوله غیبت، بر این تحلیل استوار است. از نظر امامیه، پدیده غیبت دارای ماهیّتی طبیعی است، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت، در همین عالم طبیعت و با بدن عنصری حضور دارد و زندگی غائبانه ایشان به صورت طبیعی و با حضور ناشناس در میان مردم جریان دارد.

براساس این دیدگاه، در این دوران، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند دیگر انسان ها از غذا، پوشاک و مسکن طبیعی استفاده می کند و حیاتی کاملاً طبیعی دارد؛ با این تفاوت که ایشان، بنا به مصالحی که خداوند در این امر قرار داده و آخرین حجّت خود را برای اهدافی عالی ذخیره کرده از نظرها پنهان و غایب است، تا زمانی که شرایط برای تحقق اهداف الاهی فراهم گردد و امر ظهور آن حضرت فرا رسد.

بنابراین، وجه نخست، اگرچه از نظر ثبوتی فاقد محذورات عقلانی است، امّا از نظر اثباتی، نمی توان آن را به صورت موجبه کلیه پذیرفت و محمل صحیحی برای توجیه مسأله غیبت دانست؛ زیرا مرجع قضاوت در این خصوص، لسان روایات است.

از ظاهر روایات بر می آید که امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف

در عصر غیبت هماننـد زمان حضور، به طور طبیعی و با جسم عنصـری زنـدگی می کنـد، نه مانند یک موجود نامرئی که بدن مثالی و زندگی صرفاً روحانی دارد؛ چنان که فرقه شیخیّه دچار این پندار باطل شده اند. پس دلیلی بر استفاده از شیوه اعجاز به صورت مـداوم برای پنهـان زیستی حضـرت وجود نـدارد. این دیـدگاه، هم از توجیه عقلانـی و هم از شواهـد و مؤیـدات نقلی برخوردار است که در قسمت های بعد بدان اشاره خواهد شد.

شیوه شناسی غیبت آخرین منجی

اشاره

بحث از چگونگی غیبت، در حقیقت، نتیجه و تـابع چگونگی نگرش به مـاهیّت پدیـده غیبت امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف است. در این جا پرسش اصلی درباره شیوه ها و مکانیسم ناپیدا بودن امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف از انظار عموم است؛ به عبارت دیگر، در این بخش، درصـدد پاسـخگویی به این سؤال هستیم که آیا مخفی بودن امام از دیـد مردم، به معنـای نـامحسوس بودن و عـدم رؤیت جسم شـریف ایشـان است یا به معنای ناشـناس بودن حضـرت در میان مردم؟ آیا غیبت حضرت از نوع «غیبت شخص» است یا «غیبت عنوان»؟(۱)

ص:۱۳۵

۱- منظور از «غیبت شـخص» عـدم رؤیت جسم و دیده نشدن وجود فیزیکی امام است؛ اما مراد از «غیبت عنوان» ناشـناس بودن حضرت در میان مردم و عدم آگاهی آنان نسبت به هویت امام می باشد.

در تحلیل چگونگی پنهان زیستی حضرت، دو شیوه که هر کدام دارای نتایج متفاوت از دیگری است قابل طرح است؛ یکی مبتنی بر استفاده از نیروی اعجاز و به کارگیری ولایت تکوینی و کرامات و دیگری بر پایه روش طبیعی استوار است.

طرح این دو تحلیل در تبیین مکانیسم غیبت، از این جهت دارای اهمیّت است که می تواند مبنای دو رویکرد در بیان ماهیّت غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد. این دو رویکرد، ریشه در دو دستگی و اختلاف ظاهر روایاتی دارد که در مورد چگونگی غیبت و کیفیت پنهان زیستی حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت وارد شده اند و هرکدام می توانند محملی برای تبیین چگونگی زندگی غائبانه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف تلقی گردند. این امر، منشأ پیدایش این دو رویکرد و اختلاف نظر در این مورد شده است که هرکدام دلایل خاص خود را دارد.

الف) شیوه اعجاز

این وجه، یعنی غیبت شخص و نامرئی بودن جسم شریف حضرت از دید مردم در دوران غیبت، مبتنی بر مکانیسم اعجاز است؛ با این تحلیل که پنهان زیستی و خفای حضرت، ناشی از تصرفات

ص:۱۳۶

تکوینی است که از ناحیه امام و به اذن الاهی صورت می گیرد.

این نوع تصرفات تکوینی، به دو شیوه ممکن است صورت پذیرد: اول، تصرف در سیستم بینایی افراد؛ یعنی امام با تصرفات ولایی خویش، مانع از دیدن خود توسط افراد می شود. دوم، تصرف در مکان حضور، به این معنا که امام در فضا و مکانی که در آن جا حضور دارد تصرف می کند تا آن مکان در چشم افراد، خالی از حضور امام دیده شود و خطری متوجّه وجود ایشان نگردد.

مدعای اصلی در این تحلیل، ناپدید شدن جسم فیزیکی حضرت از راه تصرفات تکوینی است و منظور از غیبت، دیده نشدن و عدم رؤیت جسم امام توسط مردم می باشد که مستلزم به کارگیری قدرت اعجاز و خروج از حالت طبیعی است.

براین اساس، آن چه در نهان زیستی و ناپدید شدن امام از دیده ها نقش دارد، استفاده از تصرفات تکوینی ولایی و به کارگیری قدرت اعجاز برای دوری حضرت از دید مردم و حفاظت از خطر دشمنان است.

مستند این تحلیل، برخی روایاتی است که به حسب ظاهر، دلالت بر عدم امکان رؤیت امام علیه السلام از سوی مردم دارد؛ روایاتی که در آن

تعابیری مانند: «لَا یُرَی جِسْمُهُ وَ لَا یُسَمَّی إِسْمُه»(۱)، «إِنَّکمْ لَا تَرَوْنَ شَخْصَهُ»(۲)، «یَفْقِدُ النَّاسُ إِمَامَهُمْ، یَشْهَدُ الْمَوْسِمَ فَیَرَاهُمْ وَ لَا یَرَوْنَهُ»(۳)، «یَرَی النَّاسَ وَ لَا یَرَوْنَهُ»(۴) به کار رفته است.

ظاهر این عبارات، گویای آن است که جسم حضرت دیده نمی شود و امکان مشاهده امام علیه السلام در زمان غیبت وجود ندارد؛ زیرا این دسته از روایات نشان می دهد که حضور امام در جوامع، یک جانبه است؛ یعنی ایشان مردم را می بیند، ولی خود دیده نمی شود. تعابیر به کار رفته در این روایات به حسب ظاهر بیانگر آن است که عدم رؤیت امام، معلول تصرفات ولایی آن حضرت است؛ و الا اگر امام علیه السلام همانند دیگران حضور معمولی داشته باشد، طبیعتاً می بایست توسط حاضران رؤیت شود.

ب) شیوه طبیعی

این وجه، یعنی ناشناس بودن حضرت میان مردم، مبتنی بر روش طبیعی و عادی است. این محمل، محذورات روش قبلی را نداشته و بر یک تحلیل معقول استوار است.

به این معنا که با توجّه به شواهد قرآنی و روایی، سنّت الاهی ایجاب می کند که زندگی

۱- الکافی، ج ۱، ص۳۳۳؛ مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج ۱، ص۲۱۸.

۲- علل الشرائع، ج ۱، ص۲۴۵؛ روضه الواعظین، ج۲ ص۲۶۲.

۳- الکافی، ج ۱، ص۳۳۸؛ الغیبه، نعمانی، ص۱۷۵.

۴- الغیبه، نعمانی، ص۱۷۵.

امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در زمان غیبت، همانند زندگی سایر پیامبران و امامان معصوم علیهم السلام به روال عادی و طبیعی جریان داشته باشد. زیرا این رویه به عنوان یک اصل عام عقلایی، مبنای زندگی جامعه انسانی است و زندگی پیامبران و اولیای الاهی نیز از این قاعده مستثنی نبوده، مگر در موارد خاصّی که حکمت یا مصالح مهمی با این رویه، قابل حصول نبوده باشند.

در این گونه موارد خاص، نیروی قهری و دست اعجاز به کار افتاده است تا از طرق غیرعادی و با شیوه اعجاز، آن اهداف و مصالح عالیه تحقق یابد. در غیر این صورت، زندگی برگزیدگان الاهی به روال عادی و طبیعی جریان داشته و دارد.

براساس این تحلیل، خدای حکیم، جریان غیبت آخرین حجّت را به گونه ای تدبیر و تنظیم نموده که آن حضرت بدون نیاز به نیروی اعجاز و با زندگی طبیعی، از راه خفای عنوان و ناشناس بودن، از خطر دشمنان مصون بماند. در این تدبیر الاهی، زندگی غائبانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت عادی و طبیعی جریان دارد و این روال هیچ گاه با مشکل و بن بست لاینحلّی مواجه نخواهد شد که امام علیه السلام ناگزیر از به کارگیری شیوه اعجاز گردد؛

ص:۱۳۹

زیرا تـدبیر حکیمانه الاهی برای حفظ آن وجود مقدّس، گم نامی و ناشـناس بودن را وسـیله حراست وی قرار داده تا هم وجود آن حضـرت از گزنـد دشـمنان مصون بمانـد و هم به دور از تنگناهای سیاسـی اجتماعی، به زندگی شخصـی خود ادامه دهد و نیازی به استفاده از نیروی قهری و غیبی پدید نیاید.

با این نگاه، تفاوت زنـدگی حضـرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشـریف با انبیای الاهی و دیگر اولیای معصوم علیهم السـلام صرفاً در تفاوت اهـداف، شـرایط و اقتضائات حاکم بر زندگی ایشان است؛ بدین معنا که زندگی خاتم اوصـیا صـلی الله علیه و آله و سـلم متضـمن اهداف و رسالت ویژه ای است که تحقق آن، نیاز به فراهم شدن شرایط و اقتضائات خاصّی دارد که بدون گذشت زمان طولانی میسور نخواهد شد.

این امر، وی را ناچـار به پنهـان زیستی و هجرت طولا‌نی نموده است؛ غیبت و عزلتی که هرگز به معنـای نفی حضور ایشـان از جوامع یا عدم نظارت و اشـراف ایشان بر جریان امور نیست؛ بلکه این دوری گزینی از سر ناچاری و بنا به مصالح بزرگی است که فلسـفه وجود ایشـان است. به عبـارت دیگر، می بـایست به هر شـکل ممکن، آن یگانه دوران باقی بمانـد؛ هرچنـد به قیمت هزاران سال استتار و تحمّل مظلومیّت و غربت.

ص:۱۴۰

وجه اشتراک این دو دیدگاه، تأکید بر لزوم حضور فیزیکی امام علیه السلام در جامعه و نیز ضرورت حفظ جان حضرت از راه پنهان زیستی است. امّا نقطه اختلاف آن دو در چگونگی و تحلیل نحوه غیبت ایشان است.

برای تشخیص نحوه زندگی حضرت در دوران غیبت، می بایست به روایات مراجعه نمود؛ امّا چنان که اشاره شد، در روایات، تعابیر به کار رفته در مورد وضعیت زندگی حضرت، دو گونه است؛ برخی خفای شخص را می رساند و برخی دیگر دلالت بر خفای عنوان دارد؛ نظیر روایاتی که در آن با تعبیر «یَرَوْنَهُ وَ لَا یَعْرِفُونَه»(1)به دیدن حضرت توسط مردم تصریح شده است.

اگرچه در نگاه اول، ظاهر این روایات، متعارض به نظر می رسد، امّا با دقت وتأمل در مضمون و کلمات به کار رفته در آن ها، معلوم می شود که میان شان تعارض و تنافی وجود ندارد؛ زیرا تعابیر «لَاتَرَوْنَ و لَایَرَوْنَه» در روایات دسته اول، در صورتی می تواند نفی رؤیت را افاده کند که ماده «رَأی» در هر دو مورد استعمال، دارای معنا و کاربرد واحدی باشد تا از نفی و اثبات آن چنین نتیجه ای به دست آید. در حالی که این ماده در این روایات،

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۲۵۱؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۲۲۴.

کـاربرد دوگانه دارد؛ یعنی هم به معنای دیـدن و ندیـدن با چشم سـر اسـتعمال می شود و هم تسامحاً به معنای کنایی و عرفی؛ یعنی نشناختن، تشخیص ندادن و عدم توجّه و التفات.

در روایـات و برخی از آیـات نیز ایـن دو نـوع کـاربرد در مـاده «یَری» دیـده می شـود؛ چنـان که امیر المـؤمنین علیه السـلام در توصـیف نحوه حضور امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در زمان غیبت می فرمایـد: «فَوَرَبِّ عَلِیٍّ إِنَّ حُجّتُهَا عَلَیْهَا قَائِمَهٌ مَاشِیَهٌ فِی طُرُقِهَا دَاخِلَهٌ فِی دُورِهَا وَ قُصُورِهَا جَوَّالَهٌ فِی شَـرْقِ هَـذِهِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا تَسْـمَعُ الْکَلَامَ وَ تُسَـلِّمَ عَلَی الْجَمَاعَهِ تَرَی وَ لَا تُرَی؛(۱) به خـدای علی سوگنـد، همانا [در آن زمان] حجّت الاهی در جاده ها راه می رود، وارد خانه ها و قصـرهای مردم می شود، در شـرق و غرب این زمین رفت وآمد می کند، سـخنان مردم را گوش می دهد و بر آنان سـلام می فرسـتد، مردم را می بیند و مردم او را نمی نگرند».

در این روایت، تعبیر«لَا تُرَی» به قرینه «تُسَلِّمَ عَلَی الْجَمَاعَه» به معنای نشناختن به کار رفته است، نه به معنای ندیدن؛ چنان که در آیه(إِنَّهُمْ یَرَوْنَهُ بَعِیدًا وَنَرَاهُ قَرِیبًا)(۲) منظور از «یَرَونَه» و «نَراهُ» قطعاً رؤیت و دیدن با چشم

ص:۱۴۲

۱- الغیبه، نعمانی، ص۱۴۴.

۲- «آنان(کفار) آن روز(قیامت) را دور می بینند و ما آن را نزدیک می بینیم». سوره معارج، آیات ۶ و ۷.

سر نیست، بلکه این واژه به معنای پنداشت و باور به کار رفته است. هم چنان که در محاورات عرف نیز گاهی تسامحاً در مورد پیش بینی و اظهارنظر پیرامون یک موضوع، تعابیر «می بینم» یا «نمی بینم» به کار برده می شود.

بنابراین، چون در لسان آیات و روایات و نیز در تفاهم عرف، کلمه «یَری» گاهی به معنای کنایی استعمال شده و عدم التفات نسبت به چیزی، به منزله ندیدن آن تلقی می گردد، لذا تعبیر «لَمایَری» در روایات دسته اول نیز تعیّن در معنای نفی رؤیت ندارد، یا دست کم، هر دو احتمال در مفاد آن مطرح است.

از این رو، نه تنها میان این دو دسته از روایات، تعارضی دیده نمی شود، بلکه «لَایُری» و «لَایَرونَ» و «لَایَرَوْنَهُ» در روایات دسته اول نیز به معنای عدم شناخت حمل می شوند. قرینه این حمل نیز روایاتی است که وضعیت حضرت در زمان غیبت را به وضعیت یوسف پیامبر علیه السلام و رابطه او با برادرانش تشبه کرده، یا روایاتی که از زندگی طبیعی و معمولی حضرت و حضور ناشناس او در میان مردم و رفت و آمد او در شهرها خبر داده است. این گونه روایات می توانند روایات دسته اول را تفسیر و ابهام مفاد آن را برطرف نماید.

ص:۱۴۳

هم چنین صراحت کلام دومین نایب خاص حضرت، جناب محمد عثمان عمری، مؤید این دیدگاه است. وی سوگند یاد می کند: «وَ اللَّهِ إِنَّ صَاحِبَ هَذَا الْأَمْرِ لَيَحْضُرالْمَوْسِمَ كلَّ سَنَةٍ فَيَرَى النَّاسَ وَ يَعْرِفُهُمْ وَ يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَه؛(۱) به خدا سوگند، صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف هر ساله در مراسم حج شرکت می فرماید. او حاجیان را می بیند و می شناسد، آنان نیز حضرت را می بینند، امّا نمی شناسند».

این سخن نیز قرینه روشنی بر خفای عنوان و ناشناس بودن حضرت است؛ زیرا اگر چه حدیث معصوم محسوب نمی شود و کلام نایب خاص حضرت است، امّا در بردارنده مضمون روایاتی است که از عدم شناخت حضرت توسط مردم سخن به میان آورده اند.(۲)

مضافاً بر این که خفای شخص، مستلزم خروج از حالت عادی و زندگی طبیعی است؛ چون خفای شخص صرفاً با استفاده از قدرت اعجاز ممکن است؛ در حالی که دلیلی برای استفاده از نیروی اعجاز، جز در موارد خاص، وجود ندارد. سنّت الاهی بر این است که در عالم

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۴۴۰؛ من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۵۲۰؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۳۵۰.

۲- نظیر آن چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «وَ اما سُنَّتُهُ مِنْ يُوسُفَ فَالسِّتْرُ يَجْعَلُ اللَّهُ بَيْنَهُ وَ بَيْنَ الْخَلْقِ حِجَاباً يَرَوْنَهُ وَ لَا يَعْرِفُونَهُ» ؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۲۵۱).

طبیعت، جریان امور به صورت عادی صورت پـذیرد و چون اعجاز برخلاف روند طبیعی و قانون جاری عالم است، اسـتفاده از آن محدود به موارد خاصّی است.

براین اساس می توان گفت: حضرت در زمان غیبت به طور عادی و با خفای عنوان زندگی می کند؛ مگر در موارد خاصّی که اسـتفاده از قدرت اعجاز برای خفای شـخص و جسم ایشان ضرورت یابد. روایاتی که در آن تعبیر «لَا تَرَونَهُ» و امثال آن به کار رفته است نیز مبیّن ناشناس بودن حضرت است، نه نامرئی بودن جسم ایشان.

گونه شناسی غیبت آخرین منجی

غیبت امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف بنـا به مصـالحی، در دو مرحله کوتاه مـدت و درازمـدت انجام پـذیرفت که اصطلاحاً «غیبت صغری» و «غیبت کبری» خوانده می شود.

با شـهادت امام عسـکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری، غیبت کوتـاه مـدت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف آغاز شـد. از این دوره که تا سال ۳۲۹، یعنی حدود ۷۰ سال به طول انجامید به دلیل محدودیت زمانش، به غیبت صـغری تعبیر می شود. این دوره، نقش بسیار مهمی در ایجاد آمادگی شیعه برای ورود به دوران غیبت کبری داشته است.

ص:۱۴۵

با سپری شدن مرحله کوتاه مدت غیبت، دوره غیبت کبری آغاز شد. ویژگی مهم این دوره، دو چیز است؛ یکی کامل بودن غیبت و قطع ارتباط علنی و پایان نمایندگی افرد خاص و دوم، طولانی بودن زمان غیبت. این دوره تا زمانی که اذن خدا بر ظهور تعلق گیرد و زمینه های پذیرش رهبری و حکومت جهانی حضرت از نظر عِدّه و عُدّه فراهم گردد، ادامه خواهد داشت.

زمینه شناسی غیبت آخرین منجی

غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بزرگ ترین آزمایش برای شیعیان بود تا پایداری ایمان و ثبات قدم آنان بر ولایت اهل بیت علیهم السلام مورد سنجش قرار گرفته و انسان های مؤمن و ثابت قدم از افراد سست ایمان متمایز شوند.

بدون شک، غیبت و قطع ارتباط معمولی جامعه شیعه با رهبری و امام معصوم، یکی از اتفاقات سخت و بحران آفرین تاریخ شیعه به شمار می آید؛ به گونه ای که اگر در این باره تدابیر ویژه ای از سوی امامان پیشین علیه السلام اندیشیده نمی شد، جامعه شیعه با انحراف عظیم هویّتی مواجه می گشت.

از این رو، از همان روزهای نخست، یعنی از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم تا دوره امام عسکری علیه السلام با تمهیدات و تلاش های پیگیر آن بزرگواران،

ص:۱۴۶

زمینه ها و مقدمات آماده سازی افکار عمومی برای غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده شد.

به طور قطع، اگر تدابیر حکیمانه شخص پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام به ویژه امام عسکری علیه السلام نمی بود، این پیشامد، یعنی فقدان رهبری در جامعه شیعی می توانست شیعیان را با بحران های جدی و دشواری مواجه نماید؛ امّا پیشگویی ها و دوراندیشی ها توانست پیامدهای منفی پدیده غیبت و قطع ارتباط جامعه با پیشوای معصوم را به حداقل برساند.

از جمله اقدامات معصومین برای آماده سازی افکار عمومی، بیان غیبت پیامبران پشین بوده است. روایات از غیبت به عنوان یکی از سنّت های الاهی یاد کرده اند که در مورد پیامبران نیز اجرا شده و اساساً یکی از دلایل غیبت آن حضرت، اجرا شدن سنّت انبیای پیشین در زندگی ایشان است.(۱)

این تشبیهات و همگون سازی ها برای آن بوده است که غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای شیعیان آن حضرت، یک امر نامأنوس یا پدیده ای عجیب و غیرمنتظره تلقی نشود. از این رو، این موضوع، سال ها پیش از ولادت آن بزرگوار، از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام مکرراً

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۹۰.

مطرح شده و حتی از بسیاری از خصوصیات آن و آن چه در زمان غیبت اتفاق خواهد افتاد(۱) و نیز وظایفی که مردم مؤمن در آن زمان به عهده دارند، خبر داده شده است.(۲)

امّا در این میان، نقش امام عسکری علیه السلام و تدابیر حکیمانه آن حضرت پررنگ تر دیده می شود؛ زیرا آن حضرت از یک سو رسالت سنگین حفظ وجود مقدّس فرزندش از خطرات احتمالی دستگاه حکومت را بر عهده داشت و از سوی دیگر، با نشان دادن فرزندش به خواص شیعه، امام پس از خود را معرفی کرد چنان که قبلاً اشاره شد تا شیعیان پس از ایشان، در مسأله امامت به انحراف دچار نشوند.

از این رو، با توجّه به اهمیّت موضوع و نگرانی های موجود درباره بحران آغازین دوران غیبت در جامعه شیعه، بزرگانی هم چون مرحوم نعمانی، شیخ صدوق، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و... با الهام از سیره امامان علیهم السلام به نشر و تبیین این موضوع مهم اقدام کردند و هرکدام برای رفع حیرت مردم و روشنگری و پاسخ گویی به سؤالات آنان، کتاب های ارزشمندی را در این خصوص تدوین نمودند.

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۵۳۶.

۲- منتخب الأثر، ص۳۱۲ _ ۳۴۰.

چرایی شناسی غیبت آخرین منجی

اشاره

تحلیل فلسفه غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیازمند توجّه به اهداف کلی ظهور است؛ همان چیزی که خطوط کلی آن در آیات قرآن کریم مطرح شده است.

براساس رهنمودهای قرآنی، خداوند حکیم، وجود مقدّس حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف را برای هدفی والا و سترگ ذخیره نموده و آن، تحقق کامل حاکمیت دین الاهی و ارزش های والای انسانی در جامعه است: (هُوَ الَّذِی أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَی وَدِینِ الْحَقِّ لِیُظْهِرَهُ عَلَی الدِّینِ کلِّهِ وَلَوْ کرِهَ الْمُشْرِکونَ).(۱) این هدف، به قدری بزرگ و پر ثمر است که خداوند همه پیامبران پیشین علیهم السلام را برای زمینه سازی این امر مهم، یعنی «حاکمیت دین پیامبر خاتم صلی الله علیه و آله و سلم توسط آخرین وصی او حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» فرستاده است. از این نظر، حتی وجود مقدّس پیامبرخاتم صلی الله علیه و آله و سلم نیز زمینه ساز تحقق این هدف مهم بوده است؛ زیرا اگرچه ایشان پایه گذار این طرح عظیم بوده و اهداف و برنامه های او کامل ترین مرحله تکامل دین است، امّا رسالت تحقق این اهداف متعالی، به

۱- «او کسی است که رسولش را با هدایت و آیین حق فرستاد، تا آن را بر همه آیین ها غالب گرداند؛ هر چند مشرکان کراهت داشته باشند»؛ (سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره صف، آیه۹).

عهـده آخرین وصـی او است. حکمت های غیبت امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف نیز در راسـتای این هدف متعالی و آرمانی قابل تفسیر است.

برخی از علـل و حکمت های غیبت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف از زبان پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم و ائمه معصومین علیهم السلام باز گو شده و از عواملی مانند خوف قتل، رهایی از بیعت با ستمکاران، ستم پیشه بودن مردم، امتحان و آزمایش مردم و... به عنوان دلائل غیبت یاد شده است. در این جا به برخی از این عوامل اشاره می شود.

الف) حفظ جان حضرت

در تعـدادی از روایات، نبود امنیت جانی و خطر کشـته شـدن حضـرت، مهم ترین دلیل غیبت عنوان شده است تا بدین وسـیله، جریان امامت تداوم یابد و رسالت بزرگ حاکمیت دین به وسیله او محقق شود.

زراره نقـل کرده است که امـام باقر علیه السـلام فرمود: «إِنَّ لِلْقَائِمِ غَیْبَهٌ قَبْلَ ظُهُورِهِ؛ برای قائم ما قبل از این که به پا خیزد غیبتی است». من پرسـیدم: «چرا؟» فرمود: «یَخَافُ؛ چون می هراسد»، سـپس با دست به شکمش اشاره نمود؛ یعنی از ترس کشته شدن پنهان می شود.

زراره در روایت دیگری، از امام صادق علیه السـلام نقل کرده: «لِلْقَائِمِ غَیْبَهٌ قَبْلَ قِیَامِهِ؛ قائم ما قبل از آن که قیام کند، ناگریز از غیبت است» و در

ص:۱۵۰

پاسخ به پرسش زراره، مبنی بر چرایی غیبت، ادامه داده است: «یَخَافُ عَلَی نَفْسِهِ الذَّبْح؛(۱)بر جانش نگران است و از بریدن سرش هراس دارد».

یونس بن عبدالرحمن نیز گوید: حضور امام هفتم، موسی بن جعفر علیه السلام شرفیاب شدم و به او عرض کردم: «یابن رسول الله! شما قائم به حق هستی؟» فرمود: «أَنَا الْقَائِمُ بِالْحَقِّ وَ لَكنَّ الْقَائِمَ الَّذِی یُطَهِّرُ الْأَرْضَ مِنْ أَعْدَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ یَمْلَؤُهَا عَدْلًا كمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً هُوَ الْخَامِسُ مِنْ وُلْدِی لَهُ غَیْبَهٌ یَطُولُ أَمَدُهَا خَوْفاً عَلَی نَفْسِهِ یَرْتَدُّ فِیهَا أَقْوَامٌ وَ یَثْبُتُ فِیهَا آخَرُونَ؛(۲) من هم قائم به حق هستم، ولی آن قائمی که زمین را از دشمنان خدای عزوجل پاک می کند و آن را پر از عدالت می نماید، چنان که پر از جور و ستم شده باشد، پنجمین فرزند من است و برای او غیبتی است طولانی؛ چون بر جان خود می ترسد. مردمی در آن مدت از اعتقادات خود برمی گردند و مردمی در آن ثابت می مانند».

بر اساس این دسته روایات، فلسفه غیبت و پنهان زیستی امام عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ جان و در امان ماندن از خطر دشمنان است؛ زیرا اگر غیبتی در کار نبود، مطمئناً دستگاه معتمد عباسی برای به شهادت رساندن آن وجود مقدّس از هیچ اقدامی

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۸۱؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۹۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

کوتاهی نمی کرد.

از این رو به نظر می رسد که حکمت و راز اصلی غیبت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف حفظ جان آن حضرت از شرّ جباران و ستمگران باشد و اگر در سایر روایات، سخن از حکمت های دیگر به میان آمده، بیانگر آثار تحقق این هدف بزرگ است.

ب) پرهیز از معاهده با حکام جور

بدون شک در صورت عدم غیبت، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند اجداد طاهرینش، در برابر دشمنان هیچ راهی جز درگیری و شهادت یا پذیرش معاهده با آنان نداشت.

در برخی از روایات، حکمت غیبت، پرهیز حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از امضای معاهده بیعت با طاغوت های زمان ذکر شده است تا در زمان قیام بتواند فارغ از تعهد هیچ حاکمی، آزادانه عمل کند؛ چون هیچ یک از ائمه پیشین علیه السلام از تعهد اجباری حکّام زمانشان آزاد نبوده اند.

اساساً تعهد حضرت نسبت به حکّام زمان، با فلسفه وجودی آن حضرت سازگار نیست؛ چون ایشان مأموریت ویژه و بزرگی برعهده دارد که لازمه اش نقض این بیعت است. در حالی که بر فرض امضای چنین تعهدی، امام علیه السلام نمی تواند آن را نقض کند؛ زیرا اسلام، همانند مارکسیست ها، وسیله را به خاطر هدف توجیه

ص:۱۵۲

نمی کند، بلکه مشروعیت وسیله را نیز لازم می شمرد.

امام حسن مجتبی علیه السلام در این باره می فرماید: «مَا مِنَّا أَحَدٌ إِلَّا وَ یَقَعُ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ لِطَاغِیَهِ زَمَانِهِ إِلَّا الْقَائِمُ الَّذِی یُصَلِّی رُوحُ اللَّهِ عِیسَی ابْنُ مَرْیَمَ علیه السلام خَلْفَهُ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ یُخْفِی وِلَادَتُهُ وَ یُغیبُ شَخْصُهُ لِئَلَّا یَکونَ لِأَحدٍ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهً إِذَا خَرَجَ؛(۱) هرکدام از ما اهل بیت در زمان خود بیعت حاکمان و طاغوت های زمان را از روی تقیه به عهده دارد، مگر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که عیسی بن مریم علیه السلام به امامت او نماز می گذارد. خداوند ولادت او را مخفی نگه می دارد و برای او غیبتی مقرر می فرماید تا هنگامی که قیام کند، بیعت حاکمی بر گردنش نباشد.»

امام جواد علیه السلام نیز به نقل از اجداد طاهرینش از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده است: «إِنَّ الْقَائِمَ مِنَّا إِذَا قَامَ لَمْ یَکنْ لِأَحَدٍ فِی عُنُقِهِ بَیْعَهٌ فَلِذَلِک تَخْفَی وِلَادَتُهُ وَ یَغِیبُ شَخْصُهُ؛(۲) همانا قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگامی که به پا خیزد، از ناحیه هیچ کس بیعتی بر ذمّه ندارد. به همین خاطر، ولادت وی پوشیده و شخص شریف او از دیده ها پنهان می گردد».

خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در پاسخ به پرسش احمد

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۳۱۶؛ إعلام الوری، ص۴۲۷.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۳۰۳؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۱۱۰.

بن اسحاق فرمود: «إِنَّهُ لَمْ یَکنْ لِأَحَدٍ مِنْ آبَائِی إِلَّا وَ قَدْ وَقَعَتْ فِی عُنُقِهِ بَیْعَه لِطَاغِیَهِ زَمَانِهِ وَ إِنِّی أَخْرُجُ حِینَ أَخْرُجُ وَ لَا بَیْعَهَ لِأَحَدٍ مِنَ الطَّوَاغِیتِ فِی عُنُقِی؛(۱) بر گردن همه پدرانم، بیعت سرکشان زمانه بود؛ امّا من وقتی خروج نمایم، بیعت هیچ سرکشی بر گردنم نیست».

ج) آزمودن ایمان و پایداری مردم

یکی از سنّت های جاری الاهی، امتحان مردم است. بر اساس آیات قرآن، بشر نا گزیر باید امتحان شود. این امتحان در میان امّت های پیشین بوده و در آینده نیز خواهد بود. قرآن می فرماید: (أَحَسِبَ النَّاسُ أَن یُتْرَکوا أَن یَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا یُفْتَنُونَ وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِینَ مِن قَبْلِهِمْ فَلَیَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِینَ صَدَقُوا وَلَیَعْلَمَنَّ الْکاذِبِینَ)(۲)؛ «آیا مردم گمان کردند همین که بگویند: ایمان آوردیم، به حال خود رها می شوند و آزمایش نخواهند شد؟! ما کسانی را که پیش از آنان بودند آزمودیم و [شماها را نیز می آزماییم]. باید علم خدا درباره کسانی که راست می گویند و آنانی که دروغ می گویند تحقق یابد».

در روایات نیز اعتقاد به امام غائب محک و معیاری برای شیعیان ذکر شده تا میزان ایمان و تعهد آنان بدین وسیله مورد آزمایش

ص:۱۵۴

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۸۵.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۲و۳.

قرار گردد. این آزمون، سبب رویش انسان های ثابت قدم و ریزش افراد بی ایمان خواهد بود.

بر اساس روایات، خداوند سخت ترین امتحان را در رابطه به تعهدات خواهد گرفت؛ از این رو، در عصر غیبت، شیعیان را امتحان می کند؛ چراکه شیعیان این ملاک و معیار را پذیرفته و معتقد به غیبت حضرت مهدی هستند و طبیعی است که امتحان برای کسانی که این ملاک را قبول نداشته باشند معنا نخواهند داشت.

چنان که امام صادق علیه السلام می فرماید: «... غَيْرَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَ جَلَّ يُحِبُّ أَنْ يَمْتَحِنَ الشِّيعَةَ؛(۱) خداوند به وسیله غیبت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شیعیان را امتحان می کند و میزان استواری ایمان و ثبات قدم آنان را می آزماید».

در روایات تأکید شده که غیبت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف امتحان و غربالی برای انسان هاست تا افراد صالح و شایسته از دیگران جدا شوند. برای مثال، امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «أَمَا وَ اللَّهِ لَأُقْتَلَنَّ أَنَا وَ ابْنَايَ هَذَانِ وَ لَيَبْعَثَنَّ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ وُلْدِي فِي آخِرِ الزَّمَانِ يُطَالِبُ بِدِمَائِنَا وَ لَيَغِيبَنَّ عَنْهُمْ تَمْيِيزاً لِأَهْلِ الضَّلَالَه حَتَّى يَقُولَ الْجَاهِلُ مَا لِلَّهِ فِي آلِ محمد مِنْ حَاجَه؛(۲) به خدا قسم، من و این دو فرزندم (حسن و حسین علیه السلام) شهید خواهیم شد و خداوند در

۱- الکافی، ج ۱ ص۳۳۷؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۴۲.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۱۴۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱ ص۱۱۲.

آخرالزّمان مردی از فرزنـدانم را به خون خواهی ما بر خواهـد انگیخت. او از دیـده ها غایب خواهد شد، تا این آزمایش سـبب جدایی گمراهان شوند، به گونه ای که افراد نادان می گویند: خدا به آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف نیازی ندارد».

امام حسـین علیه السـلام نیز می فرمایـد: «لَهُ غَيْبَهٌ يَرْتَدُّ فِيهَا قَوْمٌ وَ يَثْبُتُ عَلَى الدِّينِ فِيهَا آخَرُونَ فَيُؤْذَوْنَ فَيُقَالُ لَهُمْ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، أَمَا إِنَّ الصَّابِرَ فِي غَيْبَتِهِ عَلَى الْأَذَى وَ التَّكْذِيبِ بِمَنْزِلَهِ الْمُجَاهِدِ بِالسَّيْفِ بَيْنَ يَدَيْ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله علیه و آله و سلم ؛(۱) برای او (امام مهـدی(عـج)) غیبتی است که در آن، عـده ای از دین خارج می شوند و جمعی بر مشـکلات، صبر و پایـداری می کننـد. دشـمنان گوینـد: کجاست این وعده خدا، اگر راست می گویید؟! آگاه باشـید که اجر و پاداش صابران بر اذیت و تکذیب دشمنان، همانند اجر کسی است که در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم علیه دشمنان شمشیر زده است».

بر پایه این روایات، غیبت حضـرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشـریف محک و آزمایشـی است که خداوند عموم بندگان را بـدان می آزماید: «امتحن بها خلقه»(۲) و شـیعیان و پیروان آن حضـرت را به طور خاص بـدین وسـیله امتحان می کنـد: «اِنَّ اللهَ يُحِبُّ اَنْ يَمْتَحِنَ الشِّيعَه»،(۳) تا میزان

ص:۱۵۶

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۱، ص۶۸؛ کمال الدین و تمام النعمه، ص۳۱۷؛ بحار الانوار، ج۱ ص۱۳۳.

۲- الامامه و التبصره، ص۱۱۳؛ علل الشرائع، ج۱، ص۱۴۴.

۳- الکافی، ج۱، ص۳۳۷؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص۳۴۲.

صداقت و ثبات قدم پیروان و معتقدان به آن حضرت مورد سنجش قرار گیرد.

د) افاضه تدریجی

امام معصوم واسطه فیض خدا بر خلق است و حضور مشهودانه ایشان، خود، فیضی مضاعف است؛ امّا این فیض رسانی با شرایط و مقدمات خاصّی ملازم است که بدون آن ها، موجود مستفیض، یا از فیض محروم می شود یا از آن، بهره تامّی نمی برد. زیرا رابطه میان فیاض و مستفیض سه گونه است:

الف. فیاض و مستفیض، توان اعطا و دریافت دفعی فیض را دارند.

ب. نه فیاض در اعطا تام است و نه مستفیض در استفاضه.

ج. فیاض در اعطا تام است؛ امّا مستفیض نمی تواند فیض را به طور دفعی دریافت کند.

خدای سبحان، عالم هستی را بر اساس آیه (وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ)(۱) یک باره ایجاد کرد؛ امّا از آن جا که عالم طبیعت، توان استفاضه دفعی فیض از مبدأ فیاض را ندارد، نظر به آیه (وَقَدَّرَ فِيهَا أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَهِ أَيَّامٍ)(۲) این فیض دفعی را به تدریج دریافت کرده و می کند. كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ

ص:۱۵۷

۱- سوره قمر، آیه ۵۰.

۲- سوره فصلت، آیه ۱۰.

بنـابراین، اگرچه اعطـای فیض به شـکل دفعی صورت پـذیرفته است، امّـا به سـبب نقص قابل، تـدریجی دریافت می شود؛ زیرا افاضه فیض، بر اساس توان و اسـتعداد قابل است و قانون عادی طبیعت بر وجود واسطه های فراوان در تحقق اشیا جریان دارد و حال آن که در چنین مواردی، فیض الاهی برخلاف قانون عادی و مبتنی بر حذف یا تقلیل واسطه ها ظهور می یابد.

بر این اساس، سـخن از تدریـج اعطا و افاضه الاهی، ناظر به عـدم قابلیت مسـتفیض است، نه نقص فاعل فیاض؛ به این معنی که دریافت فیض تدریجی در هر درجه، قابل را برای دریافت فیض بعدی مستعد می کند.

بنـابراین، برخورداری از فیض حکومت صالحان، گرچه از سوی مبـدأ فیاض، بی گذرانـدن مقـدمات مانعی نـدارد، امّا قابل ها فاقـد اسـتعداد لازم برای دریـافت جمعی فیض و تابع شـرایط، مقـدمات و زمینه های لازم انـد؛ به گونه ای که تا آن شـرایط و مقدمات در بستر زمان فراهم نیاید، نمی توانند به این فیض الاهی برسـند. و چون از شـرایط اساسـی استقرار حکومت صالحان، پرورش انسـان هـای صالـح و ایجـاد آمـادگی در مردم برای پـذیرش حکومت عادلانه جهانی است، غیبت امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف برای

ص:۱۵۸

تحقق این شرایط، ایجاد شده است.(۱)

ه) اسرار نهفته

بر اساس برخی روایات، غیبت، دارای اسرار نامکشوفی است که ما آن را به صورت کامل نمی فهمیم؛ زیرا اسرار کامل غیبت در زمان ظهور آشکار خواهد شد.

جابر بن عبدالله انصاری از محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در مورد غیبت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین سؤال کرد: یا رسول اللّه! آیا قائم که فرزند شماست غایب می شود؟ آن حضرت فرمود: «إِی وَ رَبِّی وَ لِیُمَحِّصَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا وَ یَمْحَقَ الْکافِرِینَ(۲) یا جَابِرُ إِنَّ هَذَا لَأَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ مَطْوِیٌّ عَنْ عِبَادِهِ فَإِیَّاک وَ الشَّک فِی أَمْرِ اللَّهِ فَهُوَ کفْرٌ؛(۳) به خدا قسم، آری! خداوند بدان وسیله اهل ایمان را امتحان نموده و خالص می گرداند و کافران را آزمایش کرده و از میان می برد. ای جابر! این از کارهای عجیب خداوند و سرّی از اسرار الاهی است که بر بندگانش پوشیده است. پس از شک در کار خدا بپرهیز که کفر است».

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید: «إِنَّ لِصَاحِبِ هَـذَا الْأَمْرِ غَیْبَه لَا بُـدَّ مِنْهَا یَرْتَابُ فِیهَا کلُّ مُبْطِلٍ؛ برای صاحب الأمر غیبت ناگزیری است که در آن هر

ص:۱۵۹

۱- امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجود موعود، ص ۱۳۲(با اندک تصرفی).

۲- سوره بقره، آیه ۲۷۶.

۳- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۸۸؛ کشف الغمّه، ج ۲، ص ۵۲۱.

باطل جویی به تردید می افتد». هنگامی که راوی در باره چرایی غیبت از حضرت سوال می کند، آن حضرت می فرماید: «لِأَمْرٍ لَمْ یُؤْذَنْ لَنَا فِی کشْفِهِ لَکمْ؛ به جهت امری که ما اجازه نداریم آن را آشکار سازیم». دوباره راوی از حضرت سوال می کند: چه حکمتی در آن غیبت است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: «وَجْهُ الْحِکمَه فِی غَیْبَتِهِ وَجْهُ الْحِکمَه فِی غَیْبَاتِ مَنْ تَقَدَّمَهُ مِنْ حُجَجِ اللَّهِ تَعَالَی ذِکرُهُ إِنَّ وَجْهَ الْحِکمَه فِی ذَلِک لَا یَنْکشِفُ إِلَّا بَعْدَ ظُهُورِهِ کمَا لَمْ یَنْکشِفْ وَجْهُ الْحِکمَه فِیمَا أَتَاهُ الْخَضِرُ علیه السلام مِنْ خَرْقِ السَّفِینَه وَ قَتْلِ الْغُلَامِ وَ إِقَامَه الْجِدَارِ لِمُوسَی علیه السلام إِلَی وَقْتِ افْتِرَاقِهِمَا... إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ أَمْرٌ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ تَعَالَی وَ سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَیْبٌ مِنْ غَیْبِ اللَّهِ وَ مَتَی عَلِمْنَا أَنَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ حَکیمٌ صَدَّقْنَا بِأَنَّ أَفْعَالَهُ کلَّهَا حِکمَه وَ إِنْ کانَ وَجْهُهَا غَیْرَ مُنْکشِف؛(۱) حکمت غیبت او همان حکمت غیبت حجّت های الاهی پیش از او است و وجه آن پس از ظهور آشکار خواهد شد؛ همان طور که حکمت اعمال خضر علیه السلام از شکستن کشتی و قتل پسر و به پا داشتن دیوار، بر حضرت موسی علیه السلام روشن نبود تا آن که وقت جدایی و فراق آن دو فرا رسید. این امر، امری از امور خداوند متعال و سرّی از اسرار و غیبی از غیوب اوست. پس هنگامی که پی بردیم خداوند حکیم است، می پذیر یم که تمام کارهای او حکیمانه است، هر چند وجه آن ظاهر نباشد».

ص:۱۶۰

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۸۲؛ الاحتجاج، ج ۲، ص۳۷۶؛ الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص۹۵۶.

در این روایت، عبارت «لِأَمْرٍ لَمْ یُؤْذَنْ لَنَا فِی کشْفِهِ لَکمْ» نشان می دهد که حکمت های غیبت برای ما پوشیده و جزو اسرار است، وگرنه خود ائمه علیهم السلام آن را می دانند؛ امّا بنا به مصالحی مجاز به گفتن آن نیستند. این اسرار در زمان ظهور برای ما نیز آشکار خواهد شد.

از این رو، معنای «سِرٌّ مِنْ سِرِّ اللَّهِ وَ غَیْبٌ مِنْ غَیْبِ اللَّهِ» یا این است که ائمه علیهم السلام بنا ندارند تمام حکمت های غیبت را بازگو کنند، بلکه برخی از امور باید تا زمان ظهور پنهان بماند، یا بدین معنا است که هنوز زمینه برای گفتن این امور فراهم نیست و فهم این اسرار به شرایط و گذشت زمان وابسته است.

بنابراین، ما نمی توانیم علل و حکمت های غیبت حضرت را محصور در چند چیز بدانیم؛ بلکه حکمت های فراوانی در کار است که برخی برای ما بازگو شده و برخی مکتوم مانده است.

امّا جدا از چرایی اصل غیبت، پرسش دیگر، درباره چرایی طولانی شدن و به درازا کشیدن غیبت است. پاسخ به این پرسش را باید در عدم آمادگی جهانی برای تحقق اهداف و برنامه های عدالت گسترحضرت جستجو نمود؛ زیرا سنّت الاهی بر این است که هرگونه تغییر و تحولی در عرصه های مختلف حیات بشری، از

مسیر اراده و انتخاب خود انسان ها صورت پذیرد.

از این رو، لازمه پایان یافتن دوران غیبت و محرومیّت از برکات حضور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف بلوغ فکری جامعه بشری، شناخت رهبری معصوم، درک ضرورت حضور وی و آمادگی برای پذیرش اهداف و برنامه های ایشان، یعنی حکومت عدل جهانی است. در این صورت، بدون شک، عنایت خاصه الاهی شامل حال انسان ها گردیده و وعده ظهور محقق خواهد شد. در قسمت های بعد، به توضیح بیشتر این مطلب خواهیم پرداخت.

پیامدشناسی غیبت آخرین منجی

اشاره

پیامدهای این رخداد در جامعه شیعی معاصر آن، از ابعاد مختلفی، قابل تأمل است. می توان گفت مهم ترین پیامد منفی غیبت، بحران حیرت و مهم ترین پیامد مثبت آن، نهادینه شدن جریان نیابت بوده است.

الف) بحران حیرت

در اوایل نیمه دوم قرن سوم، جهان تشیع با پدیده غیبت و نهان زیستی امام و پیشوای خود مواجه شد. بدون شک این پدیده اگر از پشتوانه تاریخی و دلایل نقلی کافی برخوردار نمی بود، برای پیروان ائمه علیهم السلام و معتقدان به جریان امامت، به یک بحران و سردرگمی جدی

ص:۱۶۲

تبدیل می شد؛ امّا این موضوع به دلیل پیشگویی و یادکردهای پی در پی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در انظار شیعیان مخصوصاً آگاهان و نخبگان آنان، یک رخداد عجیب و دور از انتظار نبود.

با این حال، نامأنوس بودن موضوع غیبت برای عموم، موجب حیرت و سردرگمی عده ای در مورد جانشین امام عسکری علیه السلام شده بود که آن ها نیز با پیش بینی ها و تدابیر حکیمانه امام عسکری علیه السلام در مورد نحوه معرفی آخرین حجّت الاهی به خواص شیعیان و اصحاب و بیان کیفیت غیبت آن حضرت از انظار عمومی، به بهترین وجه توجیه شدند.

ب) شکل گیری نهاد نیابت

اشاره

جامعه شیعه، جریان نیابت و وکالت را قبل از فرا رسیدن زمان غیبت، یعنی در دوران امامان پیشین علیهم السلام تجربه کرده بود و با نهاد وکالت آشنایی اجمالی داشت.

امّا با آغاز دوران غیبت، به دلیل عدم حضور ملموس شخص امام در جامعه، این جریان با شکل و ساختار جدیدی در میان مردم پدیدار شد که تا حد زیادی پیچیده تر از گذشته و با شرایط و محدودیت های خاصّی همراه بود.

همان گونه که غیبت به دو مرحله کوتاه

مدت و دراز مدت تقسیم می شود، نیابت و مقام نمایندگی حضرت نیز دوگونه و دارای دو مرحله است؛ اول، نیابت خاصه که مربوط به دوران غیبت صغری است و دوم، نیابت عامّه که به دوران غیبت کبری مربوط بوده و به فقهای جامع الشرایط اختصاص دارد.

شیوه انتصاب در هرکدام از گونه های نیابت نیز متفاوت است. در نیابت خاصه، انتصاب به صورت تعیین مستقیم امام بوده و فرد خاصّی با اسم و رسم مشخص از سوی حضرت به این مقام تعیین می گردد و پس از وی نیز، نایب بعدی بنا به تعیین و دستور مستقیم حضرت به وسیله نایب پیشین به مردم معرفی می شود.

امّا سیستم تعیین و انتصاب در نیابت عامّه، به صورت غیرمستقیم است؛ یعنی امام با بیان ضوابط و ویژگی های نائب عام، حکم کلی مقام نیابت را برای فقها و عالمان وارسته، انشا نموده و تعیین افراد و مصادیق این حکم را به مردم واگذار کرده است. بر پایه این حکم، مقام نیابت عام به فقهای واجدالشرایط تفویض شده و هر فردی که آن ضوابط و شاخصه ها را در همه ابعاد دارا باشد یعنی فقیه عادل و مدیر و مدبر باشد به عنوان ولیّ فقیه و نایب عام امام شناخته می شود. چنین کسی از ناحیه حضرت، مسئولیت

اداره امور دینی و سیاسی جامعه اسلامی را در عصر غیبت برعهده دارد.

۱. نیابت خاصه

با شـهادت امام عسکری علیه السلام در سال ۲۶۰ هجری قمری و فرارسـیدن غیبت کوتاه مدت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ارتبـاط علنی مردم بـا سیسـتم امامت، قطع و جامعه شـیعه وارد مقطع دشوار غیبت صـغری شـد. این دوره، در حقیقت زمینه ساز آمادگی شیعه برای ورود به دوران غیبت کبری بود.

اگرچه امام در غیبت صـغری از نظرها پنهان شد، امّا به دلیل حضور افراد رابطی که سِـمت نیابت ایشان را داشـتند، شـیعیان می توانسـتند پیام، مشـکلات و مسائل خود را به عرض امام برسانند و توسط آن افراد، پاسخ خود را دریافت کنند. به نمایندگان و وکلای امام که در دوران غیبت صغری با آن حضرت تماس داشتند، نواب خاص گفته می شود.

مهم ترین ویژگی نهاد وکالت در این دوران، رازداری و فعالیت مخفیانه بود. نواب خاص، مسئولیت ایجاد تعامل و ارتباط میان امام و شیعیان را بر عهده داشتند و در واقع، امورات دینی و سیاسی جامعه شیعی، توسط این شبکه ارتباطیِ غیرعلنی، مدیریت و سازماندهی می شد.

در میان وکلای حضرت، چهار نفر که به

ص:۱۶۵

«نوّاب اربعه» مشهورند، دارای موقعیت خاصّی بوده و مقام سروکیلی و نیابت خاصه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بر عهده داشتند؛ آنان که همگی از علما و بزرگان شیعه بودند به ترتیب عبارت اند از:

۱. عثمان بن سعید عَمری (سال های نیابت: ۲۶۷_۲۶۰ ه ق)

۲. محمد بن عثمان عَمری (سال های نیابت: ۳۲۶ _ ۳۰۵ ه ق)

۳. حسین بن روح نوبختی (سال های نیابت: ۳۲۶ _ ۳۰۵ ه ق)

۴. علی بن محمد سَمُری (سال های نیابت: ۳۲۹ _ ۳۲۶ ه ق)

نقش این چهار شخصیت بزرگ در سامان دادن امور شیعیان و ایجاد آمادگی برای ورود به دوران غیبت کبری، بسیار مهم و پررنگ تر از دیگر وکلاست.

۲. نیابت عامّه (ولایت فقیه)

از آن جایی که حجّت خدا در دوران غیبت کبری هم چون خورشید پسِ ابر، نورافشانی و بر امور نظارت دارد،(۱) برای مدیریت جامعه شیعی نیز

ص:۱۶۶

۱- وقتی از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف درباره نحوه بهره مندی از آن حضرت در دوره غیبت سؤال شد، فرمودند: «وَاما وَجهُ الاِنتِفاعَ بی فی غَیْبَتی فَکَا الاِنتِفاعِ بِالشَّمسِ اِذا غَیَّبَتْها عَنِ الاَبصارِ السَّحابُ ؛ شیوه بهره مندی از وجود من در روزگار غیبتم، مانند سود بردن از خورشید است آن گاه که در پس ابرها از چشم ها پوشیده است»؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۸۵؛ الاحتجاج، ج۲، ص۵۴۱).

نیابت عامّه را طراحی نموده است.

در دوران غیبت کبری، هیچ فردی به مقام نیابت خاصه نائل نمی شود و امام نیز با کسی ارتباط علنی و متعارف نخواهد داشت؛ لذا آن حضرت برای چاره جویی امر هدایت و رهبری جامعه، مسأله نیابت عامّه و ولایت فقیه در عصر غیبت را مطرح و فقهای جامع الشرایط را بر اساس معیارها و ضوابط کلی، به عنوان نائبان عام خود به مقام زعامت دینی و سیاسی مردم برگزیده و با همسان خواندن دستورات دینی آنان با فرامین خویش، تبعیت و پیروی از آنان را بر مردم واجب شمرده است.

هم چنان که در توقیع صادر شده از ناحیه ایشان -که با سند صحیح از محمد بن عثمان، نائب خاص حضرت، نقل شده- امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف فقهای جامع الشرایط و کارشناسان دینی را طیّ حکمی عام، به عنوان نائبان خود برگزیده و آنان را حجّت خود بر مردم معرفی کرده است: «وَ امّا الْحَوَادِثُ الْوَاقِعَهُ فَارْجِعُوا فِيهَا إِلَى رُوَّاهِ حَدِيثِنَا فَإِنَّهُمْ حجّتی عَلَيْكمْ وَ أَنَا حُجَّةُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ؛(۱) در رخدادها و پیشامدهای جاری به

۱- المحاسن، ج۱، ص۱؛ (کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص۴۸۴؛ الغیبه، طوسی، ص۲۹۱؛ فصول العشره، ص ۱۰).

روایت کنندگان حدیث ما رجوع کنید که آنان حجّت من بر شما هستند و من حجّت خدا بر آنانم».

در حدیث دیگری، امام صادق علیه السلام می فرماید: «فَامّا مَنْ کانَ مِنَ الْفُقَهَاءِ صَائِناً لِنَفْسِهِ حَافِظاً لِدِینِهِ مُخَالِفاً عَلَی هَوَاهُ مُطِیعاً لِأَمْرِ مَوْلَاهُ فَلِلْعَوَامِّ أَنْ یُقَلِّدُوهُ؛(۱) هر کدام از فقها که در مراقبت از خواسته های نفسش و حراست دینش و مخالفت با هوا و هوس خویش تلاش ورزد و مطیع فرمان مولایش باشد، بر عامّه مردم لازم است که از او پیروی کنند».

بدین ترتیب، امور مسلمین در زمان غیبت کبری به ولیّ فقیه سپرده شده تا علاوه بر پاسخ گویی به مسائل فقهی، امورات اجتماعی مردم نیز با نظارت و صلاح دید او انجام پذیرد.

در روایت دیگری که به «مقبوله عمر بن حنظله» مشهور است، امام صادق علیه السلام در بیان وظیفه مردم در حل اختلافات و رجوع به یک مرجع ذی صلاح چنین می فرماید: «مَنْ کانَ مِنْکمْ قَد رَوَی حَدِیثَنَا وَ نَظَرَ فِی حَلَالِنَا وَ حَرَامِنَا وَ عَرَفَ اَحْکامَنَا فَلْیَرْضَوْا بِهِ حَکماً فَانِّی قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَیکمْ حَاکماً فَاِذَا حَکمَ بِحُکمِنَا فَلَم یَقْبَلْهُ مِنْهُ فَاِنَّمَا اِسْتَخَفَّ بِحُکمِ اللَّهِ وَعَلَیْنَا رَدَّ وَالرَّادُّ عَلَیْنَا کالرَّادِّ عَلَی اللَّهِ وَ هُوَعَلَی حَدِّ الشِّرْک بِاللَّهِ؛(۲) هر کس از

۱- تفسیر منسوب به امام حسن العسکری علیه السلام، ص ۳۰۰؛ الاحتجاج، ج ۲، ص۴۵۸؛ بحار الانوار، ج ۲، ص۸۸.
۲- الکافی، ج ۱، ص۶۷؛ الاحتجاج، ج ۲، ص۳۵۶.

شما که راوی حدیث ما باشد و در حلال و حرام ما بنگرد و در احکام ما صاحب نظر باشد، او را به عنوان داور بپذیرید، چون من او را حاکم بر شما قرار دادم. پس اگر کسی حکم او را قبول نکرد، حکم خدا را سبک شمرده و ما را رد کرده است و آن کس که ما را رد کند، خدا را رد کرده و رد کردن خدا در حد شرک به خدای متعال است».

در این حدیث، عمومیت و اطلاق واژه «حاکم» در جمله «فَاِنِّی قَدْ جَعَلْتُهُ عَلَیکمْ حَاکماً» همه موارد حاکمیت، اعم از قضاوت و داوری و نیز حکومت را شامل می شود. این حدیث با اعطای مقام نیابت عامّه به فقها، حیطه اختیارات و نفوذ حکم ایشان را نیز بیان نموده است.

بر اساس این حدیث، امام صادق علیه السلام فقها و علمای راستین دین را به عنوان حاکمان مردم معرفی کرده و حکم فقیه را نظیر حکم خویش قرار داده و چون اطاعت از حکم امام معصوم واجب و الزامی است، اطاعت از حکم فقیه نیز واجب و الزامی می باشد؛ چه این که رد حکم فقیه همانند نپذیرفتن حاکمیت امام معصوم است و استخفاف حکم ایشان گناهی بزرگ و نابخشودنی است؛ زیرا به منزله نپذیرفتن حاکمیت تشریعی الاهی و در حد شرک به خدای متعال است.

ص:۱۶۹

آثار و فوائد منجی غائب

اشاره

در اندیشه کلامی شیعه، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف فلسفه بقای عالم هستی و تداوم حیات است و بر انسان و جهان، ولایت مطلقه دارد. او رابط خلق و خالق و واسطه فیوضات و نعمات الاهی بر بندگان است. این فیض دو گونه است و در دو عرصه سریان دارد؛ یکی فیض تکوینی که همان فیض وجود عالم و آدم و نعمت های جاری در هستی است و دوم، فیض تشریعی، یعنی هدایت و مدیریت جهان هستی از سوی خدای متعال.

نکته قابل توجّه این است که وساطت در فیض، اختصاص به زمان ظهور امام ندارد، بلکه وجود مقدّس امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در شرایط غیبت نیز مرکز جوشش فیض الاهی در عرصه تکوین و تشریع است؛ زیرا او در هر حال، خورشید عالم وجود و مربی و هادی انسان ها است.

به همین جهت، در روایات، افاضات و عنایات آن حضرت در دوران غیبت، به خورشید پسِ ابر تشبیه شده است؛ چنان که خود آن حضرت به احمد بن اسحاق قمی فرمود: «وَ امّـا وَجْهُ الِانْتِفَـاعِ بِی فِی غَیْبَتِی فَکالانْتِفَاعِ بِالشَّمْسِ إِذَا غَیَّبَتْهَا عَنِ الْأَبْصَارِ السَّحَابُ؛(۱) بهره بردن از من در غیبتم، مانند بهره گیری از

ص:۱۷۰

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۴۸۵؛ الغیبه، طوسی ص۹۹؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۲۱۵.

آفتاب است هنگامی که پشت ابرها پنهان باشد، من امان اهل زمینم، هم چنان که ستارگان، امان اهل آسمان ها هستند».

در این حدیث و احادیث دیگر، وجود مقدّس صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران غیبت و انتفاع مردم از او، به خورشید پشت ابر و انتفاع مردم از آن تشبیه شده است؛ زیرا در علوم طبیعی و فلکیات، خورشید، مرکز منظومه شمسی است، جاذبه اش حافظ زمین است و آن را از سقوط نگه می دارد، زمین را دور خود می چرخاند، حرارتش سبب حیات حیوانات و گیاهان و انسان هاست، نورش روشنی بخش زمین است و... و برای این اثر بخشی، در ترتیب این آثار بین این که خورشید، ظاهر باشد یا پشت ابر، تفاوتی وجود ندارد؛ یعنی جاذبه، نور و حرارت خورشید در هر دو حال موجود است، گرچه کم و بیش دارد.

در تقسیم بندی رایج و مشهور، این فوائد به لحاظ نوع اثر، به دو گونه تکوینی و تشریعی تقسیم می شوند. فوائد تکوینی امام غائب ناظر به فیض وجود و فیض نعمت های مادی و معنوی است که در پرتو وجود او به دیگران می رسد. چون امام دارای مقام الاهی و مافوق طبیعی است و وجودش در حال غیبت و حضور دارای آثار و فوائدی است که از ابعاد

تکوینی شئون امامت نشأت و همه عالم ممکنات را در بر می گیرد. در ادامه به برخی از این آثار و فوائد اشاره خواهد شد.

امّا مراد از فوائـد تشـریعی امام غائب، ابعاد هدایت بخشـی مسـتقیم و غیر مسـتقیمی است که در پرتو عنایات ویژه آن حضـرت نصـیب فرد و جامعه می شود. بـدیهی است که بهره منـدی از هـدایت های امام در زمان غیبت با توجّه به محـدودیت های این دوره، با زمان حضور و بسط ید امام متفاوت خواهد بود.

بنابراین، اگرچه غیبت امام موجب محرومیّت انسان ها از رهبری و مدیریت مستقیم ایشان شده است، امّا تصرفات ولایی و آثار و برکـات ناشـی از شؤن امـامت آن حضـرت، هیـچ گـاه تعطیل پـذیرنبوده و در زمان غیبت نیز هـدایت ها و عنایات مسـتقیم و غیرمستقیم آن حضرت، شامل حال مردم خواهد بود.

در این بخش، به برخی فوائد امام غائب در عرصه تکوین و تشریع اشاره می شود:

الف) واسطه فیض وجود

در تفکر اعتقـادی شـیعه، امـام دارای جایگـاه محوری در جهـان هستی است و از او بـا عنوان «قطب عـالم» یاد می شود. از نظر شیعه، امام، واسطه فیض خالق بر کل هستی است.

ص:۱۷۲

امام صادق علیه السلام فرمود: «نَحْنُ السَّبَبُ بَیْنَکمْ وَ بَیْنَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ؛(۱) ما اهل بیت، واسطه میان شما و خداوند هستیم».

ب) واسطه بقا و تداوم هستی

جهان هستی پس از وجود یافتن، یعنی مرحله ابداع، وارد مرحله جریان و استمرار شده است. در این مرحله، آن چه از فیوضات الاهی به جهان هستی می رسد، از مجرای انسان کامل است. انسان کامل در وهله اول، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است و در وهله دوم، ائمه طاهرین علیه السلام . واسطه فیض باید همیشه در عالم باشد؛ زیرا اگر زمین از حجّت و واسطه فیض خالی بماند، به فرموده امام صادق علیه السلام : «وَ لَوْ لَا ذَلِك لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا».(۲) زمین اهلش را در خود فرو می برد.

منظور از «حجّت» در این روایت، امام حی است و منظور از «ارض» تنها این کره خاکی نیست؛ بلکه مراد، کل عالم هستی است و این کلمه عنوان مشیر دارد.

ج) واسطه دریافت نعمت

همه نعمت های مادی و معنوی الاهی از مجرای ولایت امام بر دیگر مخلوقات سریان دارد. از این رو امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دعاها واسطه نعمت،

۱- بحار الانوار، ج ۲۳، ص ۱۰۱ .

۲- الکافی، ج ۱، ص ۲۰۱.

کـانون عـالم هستی، مـایه ثبـات و برقراری آسـمان و زمین و ریزش روزی بر مخلوقات معرفی شـده است: «بِيُمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَ السَّمَاءُ وَ بِهِ يَمْلَأُ اللَّهُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا بَعْدَ مَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْرا؛(۱)به برکت وجود او همگان روزی می خورنـد و به سـبب وجود او زمین و آسـمان پابرجـا است و به واسـطه او زمین از عـدل سـرشار می شود پس از آن که ظلم فراگیر شده باشد.

همان گونه که امام هادی علیه السلام در زیارت جامعه کبیره درباره جایگاه محوری امامان علیهم السلام می فرماید: «بِكُمْ فَتَحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْغَيْثَ وَ بِكُمْ يُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ؛(۲) خداوند با شـما آغاز می کند و به شما ختم می کند و به برکت شما باران را فرو می بارد و به یُمن وجود شما آسمان را نگه داشته تا بر زمین سقوط نکند».

از این رو امام باقر علیه السـلام به همگان سـفارش فرمود تا خواسـته های خویش را از طریق وساطت اهل بیت علیهم السـلام از خـدا طلب نماینـد: «مَنْ دَعَا اللَّهَ بِنَا أَفْلَحَ وَ مَنْ دَعَاهُ بِغَيْرِنَا هَلَكَ وَ اسْتَهْلَكَ؛(۳) هر کس خدا را به وسـیله ما بخواهد، رسـتگار (حاجت روا) شود و هر که به غیر وساطت ما وارد شود، بدبخت و محروم گردد».

ص:۱۷۴

۱- مفاتیح الجنان، ص۴۲۳(دعای عدیله).

۲- مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۳- بحار الانوار، ج ۲۳، ص۱۰۳ .

د) واسطه معرفت و عبادت

دریافت فیض و معرفت و بندگی نیز تنها از راه پیشوایان معصوم علیهم السلام دست یافتنی است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «بِنَا عُبِدَ اللَّهُ وَ بِنَا عُرِفَ اللَّهُ وَ بِنَا وُحِّدَ اللَّهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی وَ محمد حِجَابُ اللَّهِ تَبَارَک وَ تَعَالَی؛(۱) به وسیله ما خدا پرستش گردید و به وسیله ما خدا شناخته شد و به وسیله ما اعتقاد به یگانگی خدا تحقق یافت و محمد صلی الله علیه و آله و سلم حجاب خداست».

آن موجودات قدسی، حجّت های الاهی بر بندگان اند و خداوند آنان را برای دین داری افراد و ثواب و عقاب بندگان، شاخص و حجّت قرار داده است تا به وسیله آنان مردم را در قیامت مؤاخذه کند و یا درجه و ثواب دهد.

ه) واسطه دفع بلاها

امام مایه امنیت و آرامش انسان ها و سبب دفع بلا از آنان است؛ چنان که در کلمات خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده است: «وَ إِنِّی أَمَانٌ لِأَهْلِ الْأَرْض»(۲) یا «أَنَا خَاتِمُ الْأَوْصِیَاءِ وَ بِی یَدْفَعُ اللَّهُ الْبَلَاءَ عَنْ أَهْلِی وَ شِیعَتِی».(۳) مراد از اهل در این روایت، خانواده نیست؛ بلکه همه کسانی که در زمره پیروان اهل بیت علیهم السلام هستند را شامل می شود و واو در «وَشِیعَتِی» عطف تفسیری است.

ص:۱۷۵

۱- الکافی، ج ۱، ص ۱۴۵.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۲۳۹.

۳- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص ۱۷۱.

و) واسطه قبول اعمال

امام غائب، واسطه قبول اعمال بندگان در پیشگاه الاهی نیز هست؛ زیرا در روایات بسیاری، پذیرش اعمال بندگان منوط به ولایت پذیری آنان نسبت به ائمه علیهم السلام عنوان شده است؛ چنان که امام صادق علیه السلام سوگند یاد فرمود: «وَ اللَّهِ لَوْ سَجَدَ حَتَّى يَنْقَطِعَ عُنُقُهُ مَا قَبِلَ اللَّهُ مِنْهُ إِلَّا بِوَلَايَتِنَا أَهْلَ الْبَيْت؛(۱) به خدا اگر کسی آن چنان سجده کند که گردنش قطع شود، خدا از او نپذیرد جز به ولایت ما خاندان».

ز) واسطه حفظ و ماندگاری شیعه

امام حافظ اصالت دین است. اگر او رهبری نکند، دین دستخوش انحرافات می شود. منظور از حفظ شیعه، حفظ کل دین و تفسیر معصومانه از دین است.

در توقیع صادر شده از ناحیه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید چنین آمده است: «فَإِنَّا نُحِيطُ عِلْماً بِأَنْبَائِكُمْ وَ لَا يَعْزُبُ عَنَّا شَيْ ءٌ مِنْ أَخْبَارِكم... إِنَّا غَيْرُ مُهْمِلِينَ لِمُرَاعَاتِكمْ وَ لَا نَاسِينَ لِذِكرِكمْ وَ لَوْ لَا ذَلِك لَنَزَلَ بِكمُ اللَّأْوَاءُ وَ اصْطَلَمَكمُ الْأَعْدَاء؛(۲) ما در رسیدگی و سرپرستی شما کوتاهی و اهمال نکرده و یاد شما را از خاطر نبرده ایم که اگر جز این بود، دشواری ها و مصیبت ها بر شما فرود می آمد و دشمنان، شما را ریشه کن

۱- الکافی، ج ۲، ص ۴۵۷؛ الأمالی، صدوق، ص ۶۶۸.

۲- الاحتجاج، ج۲، ص۴۹۷.

می کردنـد». واقعـاً با آن دوران تنگنا و خفقانی که در دوران بنی امیه و بنی عباس و شـیعه بودن جرم محسوب می شـد، حفظ خط تشیع، مدیون و مرهون ائمه، مخصوصاً امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ح) واسطه امید به آینده روشن

امیدبخشی و زنده نگه داشتن روح امید، یکی از برترین اسباب توفیق و پیشرفت در هدف است. هر گروهی که یأس و نومیدی خانه دلشان را تاریک کرده باشـد، هرگز روی کامیابی نخواهنـد دید. تنها راه و روزنه امید همان انتظار فرج است. انتظار فرج، قلب های مأیوس و مضـطرب را آرامش می دهـد و مرهمی برای زخم دل محرومان است. این امیـد به آینده است که به انسان شادابی می دهد؛ لذا شـیعیان با این انتظار و امید نسـبت به آینده و فرجام تاریخ، الگوی حکومتی و طرح و برنامه روشـنی برای همه ملت ها دارند که مرهون ایمان به مهدویّت است.

انتظار آخرین منجی

بـا توجّه به تـأثیرات عمیق مسأله غیبت و پیامـدهای آن در بینش اعتقادی و رویکردهای فرهنگی- سیاسـی شـیعه، یکی از مهم ترین آموزه های مورد تأکید در روایات، انتظار

ص:۱۷۷

ظهور و باور به آمدن مصلح جهانی در آینده است؛ به گونه ای که جامعه منتظر شیعی در طول تاریخ، تحت تأثیر این آموزه بوده و با تکیه بر آن، به حیات اجتماعی و سیاسی خویش ادامه داده است.

معنا شناسی انتظار

کلمه «انتظار» مصدر ثلاثی مزید از ماده «نَظَر» است. این واژه و مشتقات آن در منابع لغت به معنای چشم دوختن، با تأمل نگاه کردن،(۱) نظاره گر بودن، توقع امری را داشتن و مراقب بودن آمده است.(۲)

انتظار به معنای لغوی، یعنی متوقع بودن و چشم به راهی، فی نفسه ارزش ندارد بلکه چشم به راهی و انتظار، با توجّه به موضوع و متعلق آن، قابل ارزش یابی است و به تناسب متعلق آن، دارای ارزش مثبت یا منفی خواهد بود.

در اصطلاح روایات، کاربرد کلماتی مانند «انتظار» و «منتظر»، بیشتر در مفهوم ارزشی به کار رفته و نوعاً با واژه های «ظهور» و «فرج» قرین و همراه است و مراد از آن، چشم

۱- «النظر الانتظار: تأمل الشئ بالعین»؛ (الصحاح، ج۲، ص ۸۳۰).
۲- «یقال: نظرته و انتظرته إذا ارتقبت حضوره»؛ (تاج العروس، ج۷، ص۵۳۹).

به راه بودن و توقع داشتن ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخر الزّمان است؛ انتظاری به وسعت همه تاریخ ریشه در جان همه انسان ها دارد.

ماهیّت انتظار

در فرهنگ شیعی، انتظار، صرفاً چشم به راهی و یک حالت روحی روانی معمول و متعارف نیست؛ بلکه ماهیّت انتظار، نگرش فعال برخاسته از ایمان به ظهور است. بر این اساس، انتظار، یک رویکرد عمل گرایانه از یک اعتقاد عمیق قلبی است.

براین اساس، جوهر اصلی انتظار، اعتقاد و ایمان قلبی به حتمیت ظهور مصلح جهانی، حضرت مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و دخالت مستقیم این باور در رفتارهای فردی و اجتماعی انسان منتظر و نگرش او نسبت به چگونگی زندگی حال و آینده است. مادامی که ما دخالت مستقیم و نقش تأثیرگذار این اندیشه و باورداشت را در ساختار ذهنی، اسلوب اندیشه، شیوه زندگی و چگونگی حال و آینده خود، به عنوان یک واقعیت نپذیریم و آن را در حیات فردی و اجتماعی خود به یک جریان فکری و رفتاری تبدیل نکنیم، هرگز به آثار پر برکت این تفکّر دست نخواهیم یافت. بنابراین، نخستین قدم در این راستا، آن است که درک درست و تصور صحیحی از این مفهوم ارزشی و اسلامی

ص:۱۷۹

داشته باشیم تا به اهمیّت آن پی ببریم.

با تأمل در روایاتی که به موضوع انتظار و الزامات آن پرداخته اند نیز به روشنی در می یابیم که در فرهنگ شیعی، انتظار صرفاً یک مفهوم ذهنی و دانستنی نیست تا در لغت نامه ها و کتاب خانه ها سراغ آن را بگیریم؛ بلکه یک مفهوم کاربردی و سازنده است که در متن زندگی سیاسی و اجتماعی خودمان می باید آن را جستجو کنیم.

ماهیّت شناسی انتظار، در گرو تحلیل صحیح از رابطه ایمان قلبی با اقدام عملی و پیوند معنایی آن دو است. آموزه انتظار، اعتقادی فرهنگ زا و مسؤلیت آفرین است. از این رو، در روایات از انتظار به «عمل» تعبیر شده و بلکه بهترین عمل (اَفضَلُ الْأعْمَال) بیان شده است. این تعبیر، بیانگر پیوند معنایی ایمان و عمل در این مقوله است. برپایه این گونه روایات، اندیشه انتظار چنان در انگیزش اراده و خواست انسان منتظر، کارساز و نقش آفرین است که ذهن او را به سمت اهداف مورد انتظار سوق داده و باورهای او را به عزم و اراده تبدیل می کند.

از این رو، در تفکر شیعی، انتظار به عنوان یک نگرش کاربردی مبتنی برآموزه های

دینی و ارزشی، مدنظر قرار گرفته است؛ نگرشی که شرایط گذشته و حال را به چشم انداز آینده پیوند می دهد و در رویکرد و انتخاب انسان، تأثیر گذار است. انتظار یک آموزه دینی هدایت بخش است که رفتاری هدفمند را در پی داشته و به تصمیمات و اقدامات اصلاح گرایانه در عرصه های مختلف فرهنگی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و... منتهی می گردد. این تفکّر جریان ساز و هویّت آفرین، چگونه بودن و چگونه زیستن را برای ما تعریف و اهداف کلی حرکت جامعه به سوی آینده را تعیین می کند.

بنابراین، مهم آن است که ما با تأمل صحیح در روایات، دستورالعمل های عصر انتظار را استخراج و الزامات و کاربست های فردی و اجتماعی آن را بشناسیم و به کارگیریم. تأکید ویژه امامان علیهم السلام بر ارجمندی انتظار و منتظران، بیانگر فرهنگ ساز بودن این مفهوم و جداناپذیری باور و رفتار در این مقوله است؛ زیرا این توصیفات با نگاه واپسگرا قابل تحلیل نمی باشد.

اگر در احادیث و روایات، این همه از فضیلت و ارزش انتظار و ارج گذاری منتظران سخن به میان آمده و از انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با عناوین و اوصافی چون برترین عمل «أَفْضَلُ

أَعْمَالِ أَمَّتِی انْتِظَارُ الْفَرَجْ»(۱)؛ بافضیلت ترین عبادت «أَفْضَلُ الْعِبَادَهِ انْتِظَارُ الْفَرَجْ»(۲)؛ برترین جهاد در راه خدا «أَفْضَلُ جِهَادِ أُمَّتِی انْتِظَارُ الْفَرَجْ»(۳) محبوب ترین عمل در پیشگاه الاهی «أَحَبَّ الْأَعْمَالِ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ انْتِظَارُ الْفَرَجْ»(۴) و... یاد شده، به دلیل ارتباط و پیوستگی این باور درونی با عملکرد بیرونی و رفتارهای سازمان یافته فردی و اجتماعی انسان منتظر است.

دلیل این امر نیز روشن است، زیرا این تشبیهات و یکسان سازی ها چه از نظر درجات ذاتی و چه از جهت دریافت اجر و پاداش بدون وجه تشبیه و وجود سنخیّت، حتی از نظر یک فرد عادی، معقول و موجه نیست، چه رسد به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام ؛ بلکه به حکم عقل نیز این همسانی و مشابهت، مستلزم نوعی یکسانی و همانندی است که می باید در انسان منتظر پدید آید تا در پرتو این مشابهت و سنخیّت، با آن سردار به خون طپیده

۱- الامامه و التبصره، ص۲۱؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۴۴؛ مناقب آل ابی طالب، ج۳، ص۳۴۴. در برخی از احادیث، در صدر این جمله، عبارت: «افضل اعمال شیعتنا...» آمده است. ر.ک: کمال الدّین و تمام النعمه، ص۳۷۷.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ص۲۸۷؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۲۵.

۳- تحف العقول، ص۳۸؛ بحار الانوار، ج۷۴، ص۱۴۱.

۴- عیون الحکم و المواعظ، ص۹۳.

راه خدا، هم رنگ و هم سان شود.

ابعاد انتظار

اشاره

آموزه انتظار، دارای محتوای جامع و ابعاد فراگیر تاریخی، عقیدتی، سیاسی و... است:

الف) بُعد تاریخی

انتظار ظهور مهدی موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف در تاریخ انبیای الاهی علیهم السلام سابقه داشته و با ظهور اسلام این تفکر آرمانی در کلام رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام به بار نشسته است.

ارج گذاری به مقام منتظر و ابراز علاقه و اشتیاق نسبت به درک حضور آخرین ذخیره الاهی، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از سوی پیشوایان دین، بیانگر اهمیّت و جایگاه سترگ اندیشه انتظار در فرهنگ شیعی است؛ از این رو، معصومین علیهم السلام ضمن اینکه نگاه مردم را به سوی یگانه دوران معطوف می نمودند، خود نیز نسبت به او ابراز علاقه می کردند.

هنگامی که یکی از یاران امام صادق علیه السلام از آن حضرت در باره تولد حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال می کند: «هَلْ وُلِدَ الْقَائِمُ» آیا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف متولد شده است؟ حضرت در پاسخ می فرماید: «قَالَ: لَا وَ لَوْ أَدْرَكْتُهُ لَخَدَمْتُهُ أَيَّامَ حَيَاتِي؛(1) خیر. اگر من حضور او را درک می کردم،

ص:۱۸۳

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۲؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۱۴۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۳۸۵.

سراسر عمرم را به خدمت گذاری او می پرداختم!» در روایت دیگری، این جمله زیبا از زبان مبارک حضرت سید الشهدا، ابا عبد الله الحسین علیه السلام نقل شده است.(۱)

سرّ این همه شور و شیدایی، آن است که آن موعود الاهی، هم چنان که خود تجسم همه انبیا و اولیای الاهی است، ظهور او نیز تجلی گاه تمامی خوبی ها و نیکی ها و تحقق بخش همه آرمان ها و آرزوهای دوردست انسان هاست.

ب) بعد اعتقادی

از نظر جایگاه اعتقادی نیز انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از چنان عظمتی برخوردار است که در روایات، قرین اصول و قواعد اساسی دین، نظیر توحید و نبوت ذکر شده است. وقتی یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام از دیانتی سؤال می کند که مورد پذیرش خداوند متعال باشد، حضرت بعد از ذکر شهادت به توحید و ایمان به نبوت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و اعتراف به وحیانی بودن قرآن و اقرار به ولایت أئمه اطهار علیه السلام می فرماید: «... وَ انْتِظَارُ قَائِمِنَا فَإِنَّ لَنَا دَوْلَةً إِذَا شَاءَ اللَّهُ جَاءَ بِهَا(۲)؛ و منتظر بودن برای ظهور قائم ما اهل بیت؛

۱- موسوعه کلمات الأمام الحسین علیه السلام، ص۷۸۶؛ شرح احقاق الحق، ص۵۸۹.
۲- الکافی، ج۲، ص۲۳؛ الامالی، صدوق، ص۱۷۹؛ جامع الاحادیث الشیعه، ج۱، ص ۴۳۰.

چراکه خداوند برای ما دولتی قرار داده و هر گاه بخواهد آن را محقق خواهد نمود».

در حدیث دیگری، ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «أَ لَا أُخْبِرُكمْ بِمَا لَا يَقْبَلُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِهِ؟آیا می خواهید شما را خبر دهم از آن چه بدون آن، خداوند هیچ عملی را از بندگانش نمی پذیرد؟» و در ادامه، ضمن بر شمردن دیگر اصول و مبانی دین، فرمود: «... وَ الِانْتِظَارُ لِلْقَائِم عجل الله تعالی فرجه الشریف»(۱) یعنی انتظار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جزو مبانی دین و شرط پذیرش اعمال در درگاه الاهی است.

تأکید بر قرابت و هم ردیفی انتظار قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با دیگر اصول اعتقادی دین اسلام، بیانگر عظمت و جایگاه رفیع مسأله انتظار در ساختار اعتقادی دین است. پس همان گونه که به نص قرآن کریم،(۲) دین و دیانت منهای ولایت، ناقص و ناتمام است، دین و اسلامِ منهای انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز فاقد ارزش و مقبولیت خداوندی است.

ص:۱۸۵

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۰۷؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۴۰؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۴۱۷.

۲- (الْيَوْمَ أَكمَلْتُ لَكمْ دِينَكمْ وَ أَتْمَمْتُ عَلَيْكمْ نِعْمَتِي وَ رَضِيتُ لَكمُ الْإِسْلَامَ دِينًا) ؛ «امروز(روز انتصاب و ابلاغ امامت امیرالمؤمنین علی علیه السلام در غدیرخم) دین شما را کامل کردم و نعمت خود را بر شما تمام نمودم و اسلام را به عنوان آیین شما پذیرفتم»؛ (سوره مائده، آیه ۳).

ج) بعد سیاسی

از بعد سیاسی نیز اندیشه انتظار، با توجّه به نقش سازنده و کارآمد آن در سازماندهی و مدیریت سیاسی جامعه، دارای نقشی تأثیر گذار در تغییر و اصلاح نظام سیاسی است. از این نظر اندیشه انتظار به دلیل استحکام مبانی اعتقادی و نیز بنا به تقابل ذاتی آن با ظلم و نفی حاکمیت جور در هر زمان، تمامی سازوکارهای لازم را برای اصلاح و تغییر نظام های سیاسی اجتماعی غیر اسلامی دارا می باشد.

د) بعد انسانی

بشر پیوسته در جریان زندگی خویش، اهداف و انتظارات گوناگونی داشته و حیات فردی و اجتماعی او به تحقق و استمرار این انتظارات وابسته است. در این میان، انتظار ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دلیل جامعیت و فراگیر بودن آن، همه انتظارات مقدّس انسانی را هر اندازه که بزرگ و گسترده باشند در بر داشته و پوشش می دهد.

انتظار مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت، انتظار تحقق همه خوبی ها و برآورده شدن آرمان های همه انسان هاست. در این انتظار، بشر چشم به راه تحقق آرمان هایی است که بر اساس فطرت پاک خدایی، در آرزوی آن بوده، امّا هیچ گاه به صورت

کامل به آن دست نیافته است. انتظار ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق آرمان سترگی است که هیچ جایگزینی ندارد و در طول تاریخ، پیامبران الاهی علیهم السلام نوید آن را داده اند و بشر قرن ها منتظر بوده است تا شاید وعده الاهی فرا رسد و همه آرزو های بلند و دیرین انسانی، به بار نشیند.

چنین انتظاری، به همان میزان که بزرگ و عظیم است، اقتضائات و بایسته های بسیاری را می طلبد.

فضیلت انتظار

در باب ارزش انتظار، روایات فراوانی وارد شده است. در تجلیل از مقام منتظران، همین بس که انتظار آنان، هم سنگ شهادت و به خون طپیدن در راه خدا یاد شده است: «الْمُنْتَظِرُ لِأَمْرِنَا کالْمُتَشَحِّطِ بِدَمِهِ فِی سَبِیلِ اللَّه»(۱) و نیز منتظران ظهور چنان ارجمند خوانده شده اند که مردن در حال انتظار را همانند حضور در رکاب مقدّس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده است: «مَنْ مَاتَ مِنْکمْ عَلَی هَذَا الْأَمْرِ مُنْتَظِراً لَهُ کانَ کمَنْ کانَ فِی فُسْطَاطِ الْقَائِم»(۲) و یا همانند مجاهدانی که در

۱- الخصال، ص ۶۲۶؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۴۵؛ شرح الاخبار، ج۳، ص ۵۶۰؛ تحف العقول، ص۱۱۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۷۵.

۲- المحاسن، ج ۱، ص۱۷۳؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۴۴؛ بحار الانوار، ج۷۴، ص۱۲۶.

محضر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم شمشیر زدن و با دشمنان پیکار کردند یکسان شمرده شده است: «الْمُنْتَظِرُ الثَّانِیَ عَشَرَ مِنْهُمْ کالشَّاهِرِ سَیْفَهُ بَیْنَ یَدَیْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَذُبُّ عَنْه»(۱) و... این گونه توصیفات و امثال آن، همه بیانگر اهمیّت مسأله انتظار ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و ارجمندی مقام منتظران واقعی آن حضرت است.

شناسه های منتظران

اشاره

انتظار ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای ویژگی ها و نشانه هایی است که در اندیشه و چگونگی رفتار منتظران، نمود پیدا می کند. در روایات به برخی از این شناسه ها اشاره شده است:

الف) شناخت امام

نخستین و مهم ترین شناسه و نشانه یک انسان منتظر، معرفت حجّت است؛ چنان که در روایات و ادعیه بر شناخت و معرفت حضرت، تأکید خاص شده است.

امام صادق علیه السلام خواندن این دعا در زمان غیبت را سفارش کرد و به زراره فرمود: «اگر آن زمان را درک کردی مدام بخوان: «اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی نَفْسَک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی نَفْسَک لَمْ أَعْرِفْ نَبِیَّک اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی رَسُولَک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی رَسُولَک لَمْ أَعْرِفْ حجّتک اللَّهُمَّ عَرِّفْنِی حجّتک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِی

ص:۱۸۸

۱- الغیبه، نعمانی، ص۹۲؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص ۳۳۵- ۶۴۷؛ الصراط المستقیم، ج۲، ص۲۲۸.

حجّتک ضَلَلْتُ عَنْ دِيني؛(۱) بارالها! خود را به من بشناسان، زيرا اگر تو خود را نشناسانی، رسولت را نخواهم شناخت. بارالها! رسولت را به من بشناسان، زيرا اگر رسولت را به من نشناسانی، حجّت تو را نخواهم شناخت. بار خدايا! حجّت خود را به من بشناسان، زيرا اگر او را به من نشناسانی، از دينم گمراه خواهم شد».

امام باقر عليه السلام نيز فرموده است: «وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ لَمْ يَضُرَّهُ تَقَدَّمَ هَذَا الْأَمْرُ أَوْ تَأَخَّرَ وَ مَنْ مَاتَ وَ هُوَ عَارِفٌ لِإِمَامِهِ كانَ كَمَنْ هُوَ مَعَ الْقَائِمِ فِی فُسْطَاطِه؛(۲) کسی که با معرفت امام خويش بميرد، از دير يا زود شدن امر ظهور، خسارتی متوجّه او نيست؛ چنين کسی همانند آن است که در خيمه و مقرّ فرماندهی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف همراه ايشان حضور دارد».

در اين زمينه روايات فراوانی وارد شده است؛ چنان که قبلًا به برخی از آن اشاره شد.(۳)

ب) الگوپذيری از امام

چگونگی منش و رفتار هر کسی، برخاسته از نوع آگاهی و بينش اوست و چون پيشوايان دين، اسوه دين داری و پارسايی هستند، الگو

۱- کمال الدين و تمام النعمه، ج ۲، ص۳۴۳؛ الغيبه، نعمانی، ص ۱۷۰.
۲- الکافی، ج ۱، ص۳۴۳.
۳- ر.ک: همين کتاب، بخش دوم(ضرورت معرفت).

پذیری از ایشان نیز در گرو رفتار دین مدارانه و پیروی از آنان است.

از این رو، پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم الگو پذیری از امام را مهم ترین ویژگی منتظران ظهور فرزندش مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف معرفی کرده و گام نهادن در راه او و دیگر امامان علیهم السلام را معیار تقرب به خدا و همنشینی با خود بیان فرموده است: «طُوبَی لِمَنْ أَدْرَکَ قَائِمَ اهل بیتی وَ هُوَ مُقْتَدٍ بِهِ قَبْلَ قِیَامِهِ یَأْتَمُّ بِهِ وَ بِأَئِمَّه الْهُدَی مِنْ قَبْلِهِ وَ یَبْرَأُ إِلَی اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ عَدُوِّهِمْ أُولَئِکَ رُفَقَائِی وَ أَکرَمُ أُمَّتِی عَلَیّ؛(۱) خوشا به حال کسی که قائم اهل بیتم را درک کند و در غیبت او و به امامانش معتقد باشد، با دوستانش دوست باشد و با دشمنانش دشمن. او در روز قیامت، از دوستان من و گرامی ترین فرد امت نزد من خواهد بود».

امام موسی بن جعفر علیه السلام نیز به یونس بن عبد الرحمن فرمود: «طُوبَی لِشِیعَتِنَا الْمُتَمَسِّکینَ بِحَبْلِنَا فِی غَیْبَه قَائِمِنَا الثَّابِتِینَ عَلَی مُوَالاتِنَا وَ الْبَرَاءَه مِنْ أَعْدَائِنَا أُولَئِک مِنَّا وَ نَحْنُ مِنْهُمْ قَدْ رَضُوا بِنَا أَئِمَّه وَ رَضِینَا بِهِمْ شِیعَه فَطُوبَی لَهُمْ ثُمَّ طُوبَی لَهُمْ وَ هُمْ وَ اللَّهِ مَعَنَا فِی دَرَجَاتِنَا یَوْمَ الْقِیَامَه؛(۲) خوشا بر شیعیان ما که در غیبت قائم ما به رشته ولایت ما چسبیده اند و بر دوستی ما پا برجا هستند و از دشمنان ما بیزارند. آنان از مایند و ما از آن هاییم. آن ها ما را برای امامت پسندیده اند و ما هم

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص۲۸۷.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۶۱.

پیروی آنان را پسندیده ایم. خوشا بر آن ها و خوشا بر آن ها. ایشان به خدا در روز قیامت هم درجه ما هستند».

به همین دلیل، امیرمؤمنان علیه السلام با فراخوان مردم به الگوپذیری از پیشوایان معصوم علیهم السلام آنان را از هرگونه تندروی و کندروی برحذر داشته، خطاب به اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرموده اند: «انْظُرُوا اهل بیت نَبِیِّکمْ فَالْزَمُوا سَمْتَهُمْ وَ اتَّبِعُوا أَثَرَهُمْ فَلَنْ یُخْرِجُوکمْ مِنْ هُدًی وَ لَنْ یُعِیدُوکمْ فِی رَدًی فَإِنْ لَبَدُوا فَالْبُدُوا وَ إِنْ نَهَضُوا فَانْهَضُوا وَ لَا تَسْبِقُوهُمْ فَتَضِلُّوا وَ لَا تَتَأَخَّرُوا عَنْهُمْ فَتَهْلِکوا؛(۱) از خاندان نبوت الگو بگیرید و در جای قدم های آنان گام نهید، زیرا آنان هیچ گاه شما را از راه راست بیرون نبرده و به پستی و هلاکت نمی افکنند. جایی که آنان سکوت کردند، شما نیز لب فرو بندید و با قیام آنان شما نیز بپاخیزید. مبادا از آنان پیشی گیرید که گمراه می شوید و هرگز از همراهی آنان باز نمانید که نابود می گردید».

ایشان در سخن دیگری مهم ترین شناسه پیروان راستین خویش را اخلاص و پای بندی به فرمان پیشوایان معصوم علیه السلام یاد کرده، فرمودند: «أَسْعَدُ النَّاسِ مَنْ عَرَفَ فَضْلَنَا وَ تَقَرَّبَ إِلَی اللَّهِ بِنَا وَ أَخْلَصَ حُبَّنَا وَ عَمِلَ بِمَا إِلَیْهِ نَدَبْنَا وَ انْتَهَی عَمَّا عَنْهُ نَهَیْنَا فَذَاک مِنَّا وَ هُوَ فِی دَارِ الْمُقَامَه مَعَنَا؛(۲)

۱- نهج البلاغه، خطبه ۹۷، ص۱۴۳.

۲- غرر الحکم، ص۱۱۵.

سعادتمند ترین مردم کسانی هستند که با مِهرورزی و الگوپذیری از امام خویش به سوی خدا نزدیکی جویند و نسبت به آن چه سفارش کرده ایم، پای بند و آن چه بر حذر داشته ایم، دوری گزینند. چنین کسانی از ما بوده و در بهشت نیز کنار ما خواهند بود».

لزوم اقتدا به آنان، برای این است که آنان شاخصه حق و پایه های استوار دین اند و دیگران باید رویه آنان را الگوی عملی خویش قرار دهند؛ تندرُوان به آنان بازگردند و کندرُوان خود را به آنان برسانند.

بنابراین، راه و رسم مهدی زیستی، در عمل به دین و تلاش برای زمینه سازی ظهور حضرت است؛ چون هدف و فلسفه ظهور حضرت، احیای ارزش های الاهی در جامعه و رشد و تعالی انسانی است. لذا نمی توان منتظر ظهور بود، امّا نسبت به اهداف ظهور، دغدغه نداشت. زیرا مأموریت اصلی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقق حاکمیت اسلام در جهان و اجرای عدالت در جامعه است. از این نظر، آن حضرت، مجری دین و شریعت جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم است؛ شریعت و دینی که تاکنون شرایط لازم برای تحقق کامل و همه جانبه آن، پدید نیامده است. بنابراین شرط چنین انتظاری، تأسی و اقتدای عملی به آن حضرت است.

ص:۱۹۲

ج) پارسایی در عمل

در روایات، بر ضرورت همگونی و پیوند فکری و عملی با امام در عصر انتظار تأکید شده است. امام صادق علیه السلام می فرماید: «مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَكونَ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ فَلْيَنْتَظِرْ وَ لْيَعْمَلْ بِالْوَرَعِ وَ مَحَاسِنِ الْأَخْلَاقِ وَ هُوَ مُنْتَظِرٌ فَإِنْ مَاتَ وَ قَامَ الْقَائِمُ بَعْدَهُ كانَ لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ أَجْرِ مَنْ أَدْرَكَهُ فَجِدُّوا وَ انْتَظِرُوا هَنِيئاً لَكمْ أَيَّتُهَا الْعِصَابَةُ الْمَرْحُومَه؛(۱) هرکس آرزو دارد که از اصحاب حضرت قائم باشد باید منتظر او باشد و در حال انتظار بر اساس تقوی و اخلاق نیک رفتار نماید. پس بر آراستگی اخلاقی و رفتاری جدی باشید و انتظار آن حضرت را بکشید که بر شما گوارا باد این انتظار و چشم به راهی، ای گروه اهل رحمت و نجات!» طبق این حدیث، تنها راه قرارگرفتن در صف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف الگوپذیری عملی و اخلاقی از او در عصر انتظار است.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه(یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَ صابِرُوا وَ رابِطُوا)(۲) فرمود: «اصْبِرُوا عَلَى أَدَاءِ الْفَرَائِضِ وَ صَابِرُوا عَدُوَّكمْ وَ رَابِطُوا إِمَامَكم؛(۳) معنای آیه این است که در انجام واجبات دینی مقاوم و استوار باشید و در

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۰۷؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۴۶؛ معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۲۱۷.

۲- سوره آل عمران، آیه۲۰۰.

۳- الغیبه، نعمانی، ص۳۴ و ص۲۰۶؛ معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۶۶.

مقابل دشمنانتان ایستادگی کنید و با امامی که در انتظار او نشسته اید، پیوند معنوی ایجاد نمایید».

هم چنین سفارش اصلی خود امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف به پیروان و منتظران ظهورش، جز ولایت پذیری و عمل به احکام و دستورات الاهی، چیز دیگری نیست. ایشان در توقیعی که برای شیخ مفید(ره) صادر فرموده، به شیعیان توصیه نموده است: «فَلْیَعْمَلْ کلُّ امْرِئٍ مِنْکمْ بِمَا یَقْرُبُ بِهِ مِنْ مَحَبَّتِنَا وَ یَتَجَنَّبُ مَا یُدْنِیهِ مِنْ کرَاهَتِنَا وَ سَخَطِنَا فَإِنَّ أَمْرَنَا بَغْتَهٌ فُجَاءَهٌ حِینَ لَا تَنْفَعُهُ تَوْبَهٌ وَ لَا یُنْجِیهِ مِنْ عِقَابِنَا نَدَمٌ عَلَی حَوْبَه؛(۱) هریک از شما باید به آن چه موجب نزدیکی و جلب محبّت ما اهل بیت می شود، عمل کند و ازکارهایی که موجبات ناراحتی و خشم و رنجش ما می گردد، دوری گزیند؛ زیرا فرمان ظهور، دفعی و ناگهانی است. در آن زمان، توبه برای کسی سودی نخواهد داشت و پشیمانی کسی از کار زشت وی را از مجازات ما نجات نخواهد داد».

هم چنین آن حضرت در دعای: «اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِیقَ الطَّاعَهِ وَ بُعْدَ الْمَعْصِیَه...»(۲) توفیق بندگی و عمل به دستورات دینی و دوری از معصیت و گناه را به عنوان نخستین خواسته انسان از خداوند، به شیعیان و منتظران ظهورش تعلیم فرموده است.

۱- الاحتجاج، ج۲، ص۳۲۳.

۲- مفاتیح الجنان، دعای امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف .

بدون شک، پارسایی و آراستگی به فضیلت تقوی و اخلاق نیکو، موجب برازندگی و زیبایی هر انسان عاشق کمال و فضیلت است. آن چه خواسته اصلی پیشوایان دین و شخص امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و در احادیث و روایات بدان تأکید شده، عمل به بایدهای دینی و اهتمام ورزیدن نسبت به انجام وظایف فردی و اجتماعی است؛ زیرا لازمه معرفت و عشق به امام، الگوپذیری و تأسی به او در افکار، آداب، منش و رفتار است. از این نظر، معرفتی که انگیزه الگوپذیری و اقتدای عملی انسان به امام و مقتدا را در پی نداشته باشد، معرفت نیست؛ چرا که معرفت و شناخت حضرت، باید به ایجاد سنخیّت میان مأموم و امام منجر شود.

اساساً امکان ندارد کسی حقیقتاً عاشق و شیفته امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف باشد، امّا از راه و رسم مهدی زیستی، دور، یا نسبت به آن بی تفاوت بماند و آداب و رفتار وی، رنگ و بوی مهدوی نداشته باشد؛ زیرا بدون همراهی و هم رنگی، انتظار و چشم به راهی برای مهدی موعود، معنا و مفهومی نخواهد داشت.

بنابراین، یکی از نشانه های منتظر بودن، پیراستگی در عمل و تزیین به آراستگی های اخلاقی و ارزشی است. آن چه در این خصوص،

ص:۱۹۵

حائز اهمیّت است، توجّه ویژه به این نکته است که این تقوا پیشگی حتماً بر اساس الگو پذیری از امام و ولایت ایشان باشد.

د) پایداری در سختی ها

منتظر باید استحکام ایمان و ثبات قدم داشته باشد تا در برابر حوادث و مصیبت ها از کوره در نرود و بتواند این رسالت سنگین را به دوش بکشد. این استحکام و پختگی از معرفت و آگاهی نسبت به وسعت توانایی و ظرفیّت وجودی خویش نشأت می گیرد؛ به همین جهت، مهم ترین دعا و خواسته انسان منتظر از خداوند، طلب معرفت و فزونی شناخت امام و حجّت حاضر «... اللَّهُمَّ عَرِّفْنِي حُجَّتَک فَإِنَّک إِنْ لَمْ تُعَرِّفْنِي حُجَّتَک ضَلَلْتُ عَنْ دِينی...»(۱) ثبات قدم در این راه «وَ صَبِّرْنِي عَلَى ذَلِک حَتَّى لَا أُحِبَّ تَعْجِيلَ مَا أَخَّرْتَ وَ لَا تَأْخِيرَ مَا عَجَّلت»(۲) است. منتظر باید از چنین روحیه ای برخوردار باشد تا بتواند همراه رنج ها و سختی ها، راحتی نیز داشته باشد؛ زیرا در زمان غیبت، مردم، مورد سخت ترین امتحانات قرار می گیرند و زیر و رو می شوند.

در این باره، امام صادق علیه السلام می فرماید: «إِنَّ هَذَا الْأَمْرَ لَا يَأْتِيكمْ إِلَّا بَعْدَ إِيَاسٍ لَا وَ اللَّهِ حَتَّى تُمَيَّزُوا لَا وَ اللَّهِ حَتَّى تُمَحَّصُوا؛(۳)

ص:۱۹۶

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۵۱۲.

۲- بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۸۷.

۳- بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۱۱.

این امر تحقق نخواهد یافت مگر بعد از یأس و ناامیدی از دیگران. نه؛ به خدا سوگند، امر ظهور به وقوع نخواهد پیوست تا زمانی که در اثر ابتلائات شدید، ماهیّت افراد، آشکار شود و صف بندی ها مشخص گردد». امام رضا علیه السلام نیز در این مورد فرموده است: «اِنَّمَا یَجِئُ الْفَرَجْ بَعدَ الْیأس؛(۱) ظهور زمانی رخ خواهد داد که مردم از دیگر راه ها ناامید شوند».

یکی از یاران امام باقر علیه السلام از حضرت سؤال کرد: «فرج شما کی حاصل می شود؟» امام در پاسخ فرمودند: «هَیْهَاتَ هَیْهَاتَ لَا یَکونُ فَرَجُنَا حَتَّی تُغَرْبَلُوا ثُمَّ تُغَرْبَلُوا ثُمَّ تُغَرْبَلُوا یَقُولُهَا ثَلَاثاً حَتَّی یَذْهَبَ الْکدِرُ وَ یَبْقَی الصَّفْوُ؛(۲) هرگز فرج ما نرسد مگر آنکه غربال شوید تا این که کدرها برود و صافی ها بماند».

آن حضرت در جای دیگری فرمودند: «لَا وَ اللَّهِ لَا یَکونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَیْهِ أَعْیُنَکمْ حَتَّی تُغَرْبَلُوا لَا وَ اللَّهِ لَا یَکونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَیْهِ أَعْیُنَکمْ حَتَّی تُمَیَّزُوا لَا وَ اللَّهِ لَا یَکونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَیْهِ أَعْیُنَکمْ إِلَّا بَعْدَ إِیَاسٍ لَا وَ اللَّهِ لَا یَکونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَیْهِ أَعْیُنَکمْ حَتَّی یَشْقَی مَنْ شَقِیَ وَ یَسْعَدَ مَنْ سَعِد؛(۳) هیهات از آن چه آرزوی آن را در دل می پرورانید! به خدا سوگند، بدان چه چشم دوخته اید نخواهید رسید، مگر این که همگی در غربال امتحان، تکان سختی بخورید و در این امتحان، آزموده

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۱۰؛ میزان الحکمه، ج۱، ص۱۸۳.

۲- الغیبه، طوسی، ص۳۳۹؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۱۳.

۳- الغیبه، طوسی، ص۳۳۶؛ بحار الانوار، ج۵، ص۲۲۰.

شوید تا صف خوبان از بدان و ثابت قدمان از مدعیان، جدا گردد. به خدا سوگند، این آرزو عملی نخواهد شد، مگر بعد از یأس و ناامیدی، تا زمانی که افراد شقی، شقاوتشان و افراد اهل سعادت، لیاقت و صلاحیتشان را آشکار سازند».

در بعضی از نقل ها به جای «أَعْیُنَکمْ» تعبیر «أَعْنَاقَکمْ»(۱) آمده است؛ یعنی گردن کشیدن و با حرص و ولع در پی چیزی بودن و این تعبیر، حاکی از شدت تقاضای مردم برای رسیدن به این آرزوی بزرگ است.

در هر دو صورت، کلام امام باقر علیه السلام بیانگر این حقیقت است که این آرزوی بزرگ، بدون هزینه، قابل دست رسی نخواهد بود؛ بلکه به پختگی و استقامت نیاز دارد و این پختگی و استقامت، امری است لازم که باید در دوران انتظار حاصل شود؛ چراکه انتظار ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف بدون چنین پختگی و عزم عمومی در مهیاسازی زمینه های ظهور، فریادی است بی پاسخ و خداوند این نعمت بزرگ را بدون تقبل هزینه های سنگین و گذراندن امتحانات سخت، به جامعه بشری هدیه نخواهد کرد.

نکته قابل توجّه و تکان دهنده در روایت مذکور، این است که در این غربال، کثرت

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۱۷.

ریزش ها به حدی است که تعداد کسانی که می توانند خود را حفظ نمایند و در این غربال، سقوط نکنند، بسیار اندک است.

امام رضا علیه السلام نیز سوگند یاد کرده و فرموده است: وَ اللَّهِ لَا یَکونُ مَا تَمُدُّونَ إِلَیْهِ أَعْیُنَکمْ حَتَّی تُمَحَّصُوا وَ تُمَیَّزُوا وَ حَتَّی لَا یَبْقَی مِنْکمْ إِلَّا الْأَنْدَرُ فَالْأَنْدَر؛(۱) قسم به خدا، آن چه در انتظار رسیدن آن هستند، فرانخواهد رسید تا ناخالصی های شما به خوبی پاک گردد. در این آزمون چندان کسی از شما باقی نمی ماند!» آنگاه حضرت این آیه را تلاوت فرمود:(أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَکوا وَ لَمَّا یَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِینَ جاهَدُوا مِنْکمْ وَ یَعْلَمَ الصَّابِرِین)؛(۲) «آیا گمان کرده اید که رها گذاشته می شوید و خداوند شما را نمی آزماید تا افراد تلاشگر و اهل صبر را ازمیان شما بازشناساند؟»

در این حدیث، این جمله (حتّی لَما یَبْقَی مِنْکمْ...) هشدار و زنگ خطری است به آنانی که خود را منتسب به اهل بیت علیهم السلام و از گروه خودی ها و خواص می شمارند؛ چراکه با این تعبیر، امتحان آنان دشوارتر و رسالت آنان در عصر غیبت، سنگین تراز دیگران است.

ه) محبّت و انس معنوی با امام

لازمه طبیعی معرفت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف محبّت و انس

ص:۱۹۹

۱- الغیبه، طوسی، ص۳۳۶.

۲- سوره عنکبوت، آیه ۲.

و ارتباط روحی با آن حضرت است. ممکن نیست کسی حضرت را به درستی بشناسد، امّا محبّت وی قلب او را تسخیر ننماید و پیوسته و بی قرار در طلب او برنیاید. امامی که در قلب ها و دل های مردم جا دارد، حکومت او بر پایه ایمان، معرفت، عشق و عاطفه استوار است. مردم از عمق قلب به او عشق می ورزند و حکومتش، حکومت بر دل ها و جان هاست.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد محبوبیت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان مردم می فرماید: «أُبَشِّرُكُمْ بِالْمَهْدِيِّ يُبْعَثُ فِي أُمَّتِي عَلَى اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زِلْزَالٍ يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً يَرْضَى عَنْهُ سَاكِنُ السَّمَاءِ وَ سَاكِنُ الْأَرْضِ؛(۱) شما را به آمدن مهدی بشارت می دهم، کسی که در میان امتم به پا خواهد خواست و زمین را از قسط و عدل پر خواهد کرد و اهل آسمان و زمین از حکومت او راضی و خشنود خواهند بود».

در جای دیگری فرموده است: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي... يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَو؛(۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی است که اهل آسمان و زمین حتی پرندگان هوا از حکومت او راضی است».

این محبوبیت و مقبولیت بی نظیر به خاطر آن است که مردم جهان، دولت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نماد تحقق آرزوهای خود می دانند و لذا با میل و

۱- الغیبه، طوسی، ص۱۷۸.

۲- حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۷۵.

رغبت به سوی او روی می آورند. در روایت دیگری آمده است: «تَأوی الیهِ أَمَّتَهُ کمَا یأوی النَّحْلُ إلیَ یَعْسُوبِهَا؛(۱) شور و علاقه و دلبستگی مردم نسبت به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است که زنبور عسل نسبت به ملکه اش علاقه مند است». محبوبیت مردمی، یکی از ویژگی های حکومت مهدوی است که در هیچ دولتی، مشابه آن دیده نشده است. بدیهی است که نمود این محبّت و عشق، بیش از همه در عصر انتظار، زیبنده و نکوهیده است.

و) رضایت خواهی امام

از دیگر لوازم معرفت امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف دغدغه رضایت مندی و اهتمام به جلب خشنودی آن حضرت است؛ زیرا بر اساس مفاد آیه شریفه (قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَ يَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكم)(۲) اگر کسی در پی کسب رضایت الاهی است، باید از حجّت الاهی تبعیت کند.

در توقیع شریفی که از ناحیه مقدّسه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیخ مفید(ره) صادر شده، اعمال ناشایست و گناهانی که از شیعیان آن حضرت سر می زند، یکی از اسباب و بلکه تنها سبب

ص:۲۰۱

۱- حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۷۵.

۲- «بگو: اگر خدا را دوست می دارید، از من پیروی کنید تا خدا نیز شما را دوست بدارد و گناهانتان را ببخشد. و خدا آمرزنده و مهربان است»؛ (سوره آل عمران، آیه ۳۱).

طولانی شـدن غیبت و دوری شـیعیان از لقای آن حضـرت شـمرده شـده است: فَمَا یَحْبِسُنَا عَنْهُمْ إِلَّا مَا یَتَّصِلُ بِنَا مِمَّا نَکرَهُهُ وَ لَا نُؤْثِرُهُ مِنْهُم؛(۱) تنها چیزی که میان ما و شـیعیان فاصله انداخته است، همانا اعمال و رفتار ناشایست آن هاست که از آنان انتظار نمی رود و ما آن را نمی پسندیم» نیز بما توصـیه فرمود: «وَ اجْعَلُوا قَصْدَکمْ إِلَیْنَا بِالْمَوَدَّهِ عَلَی السُّنَّهِ الْوَاضِحَهِ فَقَدْ نَصَحْتُ لَکمْ وَ اللَّهُ شَاهِدٌ عَلَیَّ وَ عَلَیْکم؛(۲) هـدف و مقصد خویش را نسبت به محبّت و دوستی ما اهل بیت، بر مبنای عمل به سنّت و اجرای احکـام الاهی قرار دهیـد؛ پس همانا که من موعظه ها و سـفارش های لازم را نمودم و خداونـد متعال نسبت به رفتار همه ما و شما شاهد و گواه است».

از این رو، پیروی از خواسـته هـای امـام و دوری گزیـدن از گناهان و اعمال ناشایست، لازمه معرفت، دوستی و محبّت صادقانه نسبت به ایشان است؛ زیرا رضایت حضـرت، تنها با تبعیت و پی جویی راه آن حضرت و آراستن به تقوی و اخلاق نیکو، میسر خواهد شد.

ز) دعا برای ظهور امام

از دیگر آثار مهم معرفت و احساس نیاز نسبت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف دعا برای سـلامتی و تعجیل فرج آن حضرت است. مراد از «دعا»

ص:۲۰۲

۱- الاحتجاج، ج ۲، ص ۳۲۳.

۲- بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۹ .

صرفاً خوانـدن زبـانی نیست؛ بلکه آرزویی برآمـده از قلب و عشق به امـام است؛ یعنی هم چنـان که امـام زمان عجل الله تعالی فرجه الشـریف نمـاد همه آمـال و آرزوهـای انسـان منتظراست، بزرگ ترین دغـدغه انسـان منتظر نیز بایـد تعجیل در ظهور آن حضرت باشد و با الحاح و التماس، آن را از پیشگاه خداوند مسئلت نماید؛ زیرا جهان آفرینش بر پایه اسباب و مسببات، استوار می باشد و پیدایش هر پدیده ای مشروط به وجود شرایط و زمینه های آن است.

طبق آموزه های دینی، دعا یکی از اسـباب و عوامل تعجیل ظهور است؛ یعنی پدیده ظهور وابسـته به تحقق شرایط و زمینه های آن می باشـد و دعـا یکی از اسـباب آن و جزو سلسـله علل ظهور است. به همین جهت، در ادعیه و روایات، بر کثرت دعا برای تعجیل فرج حضرت تأکید و از آن به عنوان فرج و گشایش شیعیان یاد شده است.

خود امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در توقیعی که خطاب به اسـحاق بن یعقوب صادر فرمود، شـیعیان را توصـیه نمود که برای تعجیل در ظهورش بسـیار دعا کننـد. حضـرت در فرازی از این توقیع می فرمایـد: «وَ أَكثِرُوا الدُّعَاءَ بِتَعْجِیلِ الْفَرَجِ فَإِنَّ ذَلِكَ فَرَجُكم؛(۱) برای تعجیل امر فرج، بسیار دعا کنید، زیرا

ص:۲۰۳

۱- الاحتجاج، ج۲، ص۲۸۴؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۹۲.

گشایش شما در آن است».

گرچه کلمه «فرج» به معنای مطلق گشایش است؛ امّا در این جا به قرینه سیاق توقیع و کلمه «تعجیل» که بیانگر موضوع دعا است، مراد از آن، ظهورحضرت است. ضمن این که خود «ظهور» بارزترین مصداق فرج است؛ لذا ظهور حضرت که فرج اکبر و مصداق اتم آن است، مشمول کلمه «فرج» می باشد. هم چنین، تأکید با کلمه «انّ» و کاربرد «ذلک» به جای ضمیر «ه» بر اهمیّت موضوع دعا و تأثیر قطعی آن در تعجیل ظهور، دلالت دارد.

این دعوت، خطاب به عموم مردم است، نه فرد یا افراد خاصّی. پیام حضرت در این فراز از توقیع، این است که اولاً فرارسیدن هرچه زودتر امر ظهور حضرت، می باید به خواسته قلبی همه مردم تبدیل شود، چون دعا صرفاً خواندن زبانی نیست، بلکه خواستن از روی شناخت همراه با عشق و احساس قلبی است و این در صورتی است که تعجیل ظهور، به عنوان مهم ترین دغدغه، در صدر خواسته های مردم قرار گیرد و بزرگ ترین حاجت آنان محسوب شود. ثانیاً این خواستن و احساس نیاز به ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف باید فراگیر باشد و به یک اراده جمعی تبدیل شود تا موجب جلب عنایت الاهی و تحقق ظهور گردد.

ص:۲۰۴

امـام حسن عسـکری علیه السـلام نیز در روایتی، دعـا برای تعجیـل ظهور فرزنـدش در زمـان غیبت را یکی از نشـانه های توفیق الاهی برای شـیعیان خاص و منتظران ظهور آن حضـرت ذکر نموده است. آن حضرت به احمد بن اسحاق قمی چنین فرمود: «وَ اللَّهِ لَیَغِیبَنَّ غَیْبَهً لَـا یَنْجُو فِیهَـا مِنَ الْهَلَکهِ إِلَّا مَنْ ثَبَّتَهُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَلَی الْقَوْلِ بِإِمَامَتِهِ وَ وَفَّقَهُ فِیهَا لِلـدُّعَاءِ بِتَعْجِیلِ فَرَجِهِ؛(۱) به خدا سوگنـد، فرزنـدم غیبتی خواهـد داشت که در آن، کسـی از هلاـکت و گمراهی نجات نمی یابـد مگر این که خداونـد او را بر پذیرش امامت فرزندم ثابت نماید و به دعا کردن برای ظهورش موفق کند».

این که در تعلیمات دینی (ادعیه و روایات) این همه بر توجّه مردم نسبت به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف تأکید شده است، برای آن است که مردم اهمیّت دوران غیبت را درک کننـد و بداننـد که در این دوران، امـام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشـریف تجسم همه انبیا و اولیا و واسـطه همه فیوضات الاهی است و لذا در این عصـر و زمان، می باید تمامی توجّهات و نگاه ها به سوی آن یگانه دوران، معطوف گردد و حاجات و نیازها، همه در ذیل توسل به آن وجود مقـدّس، ازخـدا خواسـته شود. در میان خواسته ها نیز، تعجیل در ظهور حضرت، مهم

۱- کشف الغمّه، ج۳، ص۳۳۴؛ الزام الناصب، ج۱، ص۲۰۲؛ حیاه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۱۰۵.

ترین خواسته و بلکه مقدم بر همه خواسته ها باشد.

به همین جهت، در دعای شریف افتتاح، توسل به ساحت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و سایر معصومین علیهم السلام یک بار ذکر شده، امّا وقتی نوبت به امام دوازدهم، حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف می رسد، به پیشگاه مقدّس آن حضرت، شش بار توسل می شود. هم چنین در این دعای شریف، همه حوائج مادی و معنوی، دنیوی و اخروی، فردی و جمعی، ذیل توجّه به آن حضرت، از خداوند مسئلت شده است: «اللَّهُمَّ الْمُمْ بِهِ شَعَثَنَا وَ اشْعَبْ بِهِ صَدْعَنَا وَ ارْتُقْ بِهِ فَتْقَنَا وَ كَثِّرْ بِهِ قِلَّتَنَا وَ أَعِزَّ بِهِ ذِلَّتَنَا وَ أَغْنِ بِهِ عَائِلَنَا وَ اقْضِ بِهِ عَنْ مَغْرَمِنَا وَ اجْبُرْ بِهِ فَقْرَنَا وَ سُدَّ بِهِ خَلَّتَنَا وَ يَسِّرْ بِهِ عُسْرَنَا وَ بَيِّضْ بِهِ وُجُوهَنَا وَ فُكَّ بِهِ أَسْرَنَا وَ أَنْجِحْ بِهِ طَلِبَتَنَا وَ أَنْجِزْ بِهِ مَوَاعِيدَنَا وَ اسْتَجِبْ بِهِ دَعْوَتَنَا وَ أَعْطِنَا بِهِ فَوْقَ رَغْبَتِنَا...».(۱) در تمامی این خواسته ها، انگشت اشاره، به سوی وجود مقدّس امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است. همه این تأکیدات و این نوع تعلیمات در ادعیه، برای این است که آن وجود مقدّس، مرکز ثقل توجّهات مردم در عصر غیبت باشد.

بنابراین، دعا به عنوان یک عامل معنوی مؤثر در تعجیل ظهور حضرت و نیز جلب توجّه مردم به سوی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در این زمان، یکی از بایسته های مهم انتظار زمینه ساز است تا تدریجاً این دعاها و احساس پیوندها، بستر را

۱- مفاتیح الجنان، دعای افتتاح.

برای ظهور حضرت فراهم سازد.

در روایتی، زراره از امام باقر علیه السلام نقل نموده است که فرمود: آیا می خواهید شما را به چیزی راهنمایی کنم که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در تأثیر آن استثنائی قائل نشده است؟ عرض کردم بلی یابن رسول الله، سپس فرمود: «الدُّعَاءُ يَرُدُّ الْقَضَاءَ الَّذِی أُبْرِمَ إِبْرَاماً؛(۱) دعا جلو قضای الاهی را بعد از تأیید نیز می گیرد و آن را تغییر می دهد».

توضیح مطلب این است که گاهی مقدرات و زمینه های یک امر فراهم می گردد تا قضا بیاید و به آن حتمیت و فعلیت بخشد، امّا وقتی عاملی مثل دعا بیاید، در تقدیرات اولیه اثر می گذارد و شرایط را عوض می کند. آن وقت با تغییر در تقدیرات، قضا نیز دچار تغییر می شود و در نتیجه آن چه مقدر شده بود، محقق نمی گردد.

اینکه گفته می شود همه امور به قضای الاهی تحقق می پذیرد، با تأثیرات دعا منافات ندارد؛ زیرا دعا دارای تأثیرات جوهری و تکوینی است و می تواند در سلسله طولی علل تحقق اشیا قرار گیرد. البتّه این تأثیرگذاری نیز به اذن و اراده الاهی انجام می گیرد. لذا اعتقاد به تأثیر دعا عین توحید است؛ زیرا همان خدایی که ما را

۱- بحار الانوار، ج۵۹، ص۲۲۸.

مأمور به دعا کردن نموده است (اُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکم)(۱) دعای بندگان را نیز استجابت می کند و آن را مجرای تحقق اراده خود قرار می دهد.

بنابراین، امر ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف و تعجیل یا تأخیر در زمان آن، همانند سایر امور، وابسته به قضای الاهی است. در عین حال، ما نیز موظف به دعا هستیم و دعای ما نیز می تواند در تعجیل ظهور آن حضرت مؤثر باشد. مهم این است که دعا ناشی از خواست قلبی مردم باشد و آثارش در عمل و رفتار آنان نمود پیدا کند؛ یعنی شیعیان و منتظران عاشق آن حضرت، در پی دعوت خویش، با تلاش در تهذیب نفس و اصلاح امور، عملاً در تسریع امر فرج، سهیم شوند و زمینه را برای پذیرش حرکت عدالت خواهانه امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف آماده نمایند.

شرایط ظهور

اشاره

از آن جایی که ظهور در بستر جامعه بشری اتفاق خواهد افتاد، شرایط اجتماعی و عوامل انسانی در چگونگی یا تسریع و تأخیر آن نقش خواهند داشت؛ هم چنان که نبود زمینه های اجتماعی، باعث پیدایش غیبت و محرومیّت مردم

۱- سوره غافر، آیه ۶۰.

از نعمت حضور امام شد.

فرق شرایط با علائم

اشاره

پایان یافتن دوران غیبت و تحقق ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف مشروط به رفع موانع و تحقق زمینه ها و شرایط آن است. از این رو یکی از محورهای مهم مباحث مهدویّت، شناخت شرایط و زمینه های ظهور و تفاوت آن با علایم و نشانه های نزدیکی زمان ظهور است.

شرایط، آن مقدماتی است که بدون آن ظهور محقق نمی شود؛ امّا علائم صرفاً نشانه هایی برای ظهور هستند و ممکن است اصلاً اتفاق نیفتد.

شرایط، ناظر به علل و مقدمات تحقق ظهور است، به گونه ای که اگر این علل و مقدمات پدید نیاید، ظهور نیز محقق نخواهد شد؛ امّا علامت و نشانه، اتفاقاتی هستند که از نزدیک شدن زمان ظهور خبر می دهند.

در شرایط، حتماً باید مجموعه مقدمات جمع شوند ولی در علائم، اجتماع همه موارد لازم نیست. در شرایط، ثبات و تداوم ضروری است و تا زمانی که این مشروط است شرایط باید ادامه پیدا کند؛ اما در علائم، ثبات و تداوم لازم نیست. از این رو، در مسأله ظهور، شرایط مهم تر از علائم هستند؛ چون اگر اختلالی در علائم ایجاد شود، مشکلی برای

ظهور پیش نمی آید، امّا فقدان شرایط سبب نبود مشروط خواهد شد.

براین اساس، چند چیز را می توان به عنوان شرایط و مقدمات ظهور برشمرد:

الف) وجود یاور

یکی از عوامل عمده و مؤثر در قیام جهانی حضرت، وجود یاورانی است که به همراه امام، بار سنگین قیام را به دوش می گیرند و تا آخر از همراهی و یاری رهبر خود دست برنمی دارند و او را تنها نمی گذارند.

در این رابطه، سخن امام صادق علیه السلام در گفتگو با سدیر صیرفی شنیدنی است؛ زیرا در این گفتگو حضرت به نقش یاران در قیام امام علیه السلام اشاره نموده است. سدیر می گوید: «با توجّه به کثرت شیعیان و اطرافیان امام، از حضرت درباره علت عدم قیام ایشان علیه حکام جور وقت، پرسیدم. حضرت مرا به خارج مدینه برد تا آن که وقت نماز شد و در محلی پیاده شدیم. جوانی در آن محل مشغول چراندن گله ای بز بود. امام علیه السلام به آن گله نگاهی کرد و خطاب به من فرمود: «یَا سَدِیرُ لَوْ کانَ لِی شِیعَهٌ بِعَدَدِ هَذِهِ الْجِدَاءِ مَا وَسِعَنِی الْقُعُودُ؛(۱) ای سدیر! به خدا قسم، اگر من به تعداد این بزها یار و یاور داشتم، بر جای

۱- الکافی، ج۲، ص۲۴۲؛ بحار الانوار، ج ۴۷، ص ۳۷۳.

نمی نشستم [و قیام می کردم]». سدیر گوید: بعد از تمام شدن نماز، بزهای آن گله را شمردم و یافتم که عدد آن ها از هفده تجاوز نمی کند!»

بنابراین، تربیت و شکل گیری مجموعه ای از گروه یاوران به عنوان هسته های اولیه قیام جهانی حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف امری لازم و اجتناب ناپذیر است. می بایست عناصر فداکار و جمعیت پیشاهنگی برای جانبازی و حمایت از نهضت جهانی حضرت مهدی، در جامعه حضور داشته باشد. و این ضرورت نیز مبتنی بر این مسأله است که قیام حضرت از مجرای طبیعی و با کمک یاران و همراهان اتفاق خواهد افتاد؛ چنان که از مفاد روایات استفاده می شود.

ب) آمادگی جامعه بشری

لزوم آمادگی جامعه بشری برای ورود به عصر ظهور از دیگر شرایط ظهور است. تا زمانی که جامعه بشری آمادگی لازم برای پذیرش برنامه های حضرت را نداشته باشد، خداوند ظهور ایشان را محقق نخواهد کرد. از این رو، آمادگی فکری و اقبال مردم برای ظهور منجی، مهم ترین شرط تحقق زمینه های ظهور به شمار می آید. این آمادگی در دو سطح عام و خاص قابل تبیین است:

یکم. آمادگی عام: مراد از آن، آمادگی

نسبی عموم بشر برای پذیرش امر ظهور است. این آمادگی از سه راه اتفاق خواهد افتاد؛ اولاً افکار عمومی مردم باید رشد کافی پیدا کند تا بتوانند در اثر بلوغ فکری به یک قضاوت صحیح و درست دست یابند؛ چراکه اگر آگاهی های لازم ایجاد نشود، قضاوت بشر یک قضاوت ناقص خواهد بود. پس لازم است بشر از نظر آگاهی رشد پیدا کند تا بتواند در مورد مسائل مهمی نظیر تصمیم گیری در مورد چگونگی نظام حکومتی درست قضاوت کند.

ثانیاً بشر به مرور زمان، سیستم های حکومتی و الگوهای مختلف را تجربه کند و آثار و نتایج آن را عیناً ببیند و نقطه ضعف ها، چالش ها و بن بست های هر کدام که در طول زمان بروز و ظهور می کند روشن شود.

ثالثاً بعد از تجربه روش ها و سیستم های گوناگون حکومتی، بشر به نقطه یأس و ناامیدی برسد و متوجّه شود که این سیستم ها کارایی ندارند؛ همانند آن چه در سیستم مارکسیسم و کمونیسم(۱) مشاهده شد.

۱- تفکر اومانیستی و مادی گرای مارکسیسم و کمونیسم، باعث شکل گیری امپراطوری بزرگی موسوم به شوروی شد که حدود ۷۰ سال حکومت کرد؛ اما با همه تبلیغات و هیاهویش یک دفعه سقوط کرد و به زباله دان تاریخ پیوست؛ به گونه ای که مردم دنیا _ که مدت ها تحت هیمنه و ابهت مارکسیسم بودند_ از این رخداد شگفت زده شده بودند.

از این رو، ظهور حضرت آن قدر به تأخیر می افتد تا همه مدعیان حکومت داری بیایند و افکار و روش های خود را تجربه کنند و الگوهای مد نظرشان را پیاده نمایند و بعد از ثبات ناکارآمدی شان، مردم دنیا از آن ها قطع امید کنند. چون اگر حضرت یک مرتبه ظهور و قیام کند، بشر ادعا خواهد کرد که ما هم می توانستیم حکومتی شبیه حکومت ایشان برقرار کنیم. لذا یکی از حکمت های تأخیر ظهور حضرت این است که مردم راه کارهای مدعیان اصلاح و سعادت را ببینند و تجربه کنند و عملاً به بطلان و بن بست آن ها پی ببرند. وقتی مردم از کارایی این سیستم ها ناامید شدند و به سوی حضرت روی آوردند، آنگاه حضرت ظهور خواهد کرد.

دوم. آمادگی خاص: این نوع آمادگی، ناظر به جامعه منتظر شیعی و تلاش زمینه سازانه آنان در راستای ظهور است. بدون شک مقدمات و بسترهای لازم برای ظهور، نیازمند فراهم سازی است و مردم موظف اند این زمینه ها را فراهم کنند. از این رو، یکی از مسائل کلیدی در عصر انتظار که می بایست در دستور کار جامعه منتظر قرار گیرد، توجّه به

الزامات عقیدتی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی اندیشه انتظار و فراهم سازی زمینه های ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

با این نگاه، فرق است میان زمینه سازی با آمادگی؛ زیرا زمینه سازی ضمن این که وظیفه عمومی است، تکلیف خاصّی برای معتقدان به ظهور آن حضرت نیز هست، برخلاف آمادگی که ناظر به رشد تدریجی عمومی است و اختصاص به شیعه ندارد.

از این نظر، انتظار ظهور و آرزوی رسیدن به حکومت مهدوی، بدون توجّه به عمل کرد منتظران و عوامل زمینه ساز رخداد ظهور، بی معنا خواهد بود. آیات و روایاتی که بیانگر تأثیر نوع رفتار انسان ها در نحوه تعیین سرنوشت آن هاست نیز ضرورت اقدامات زمینه ساز برای رسیدن به اهداف ظهور را روشن می کند. مثلاً بر اساس آیه (إِنَّ اللَّهَ لا یُغَیِّرُ ما بِقَوْمٍ حَتَّی یُغَیِّرُوا ما بِأَنْفُسِهِم)(1) سرنوشت انسان به دست خود اوست، نه این که جبری در کار باشد.

در روایات نیز بر سیستمی بودن پدیده های اجتماعی تأکید شده است. امام صادق علیه السلام فرموده است: «أَبَی اللَّهُ أَنْ یُجْرِیَ الْأَشْیَاءَ إِلَّا بِأَسْبَابٍ فَجَعَلَ لِکلِّ شَیْ ءٍ سَبَباً..؛(2) خداوند از این که جریان امور عالم را جز از

۱- سوره رعد، آیه ۱۱.

۲- الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

طریق اسباب و علل آن انجام دهد، پرهیز می کند. به همین علت برای هر چیزی سببی قرار داده است».

بـدیهی است تـا زمـانی که انـدیشه انتظـار با اقـدامات زمینه ساز همراه نباشـد و از حالت ذهنی به یک جریان اجتماعی و تفکّر غالب در جامعه تبدیل نشود و رنگ و بوی انتظار، در تربیت و فرهنگ و سـلوک عمومی جامعه، مشـهود نباشد، آثار و برکات آن نیز در جـامعه پدیـدار نخواهـد شـد. زیرا جوشـش این اعتقاد با عمل کرد و فرهنگ جاری مردم، لازمه قطعی باورمنـدی به انتظـار ظهور حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف است، اعتقاد و باوری که در شـرایط غیبت، اطاعت منتظرانه را به همراه دارد.

از این رو، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله و سـلم در توصـیف منتظران ظهور فرزنـدش، مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرمود: «طُوبَی لِمَنْ أَدْرَک قَـائِمَ أَهْـلِ بَیْتِی وَ هُوَ یَـأْتَمُّ بِهِ فِی غَیْبَتِهِ قَبْـلَ قِیَامِهِ وَ یَتَوَلَّی أَوْلِیَاءَهُ وَ یُعَادِی أَعْـدَاءَهُ ذَاک مِنْ رُفَقَائِی وَ ذَوِی مَوَدَّتِی وَ أَکرَمِ أُمَّتِی عَلَیَّ یَوْمَ الْقِیَـامَه؛(۱) خوشـا به حال آن کسـی که زمان قائم اهل بیت مرا درک نمایـد، در حالی که قبل از فرا رسیدن قیام او و در زمان غیبتش، پیرو او بوده، دوستانش

ص:۲۱۵

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ص۲۸۶؛ غایه المرام، ج۷، ص۱۳۲؛ نور الثقلین، ج۲، ص۵۰۵؛ ینابیع الموده، ج۳، ص۳۹۶؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۷۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۲۶۳.

را دوست داشته و با دشمنانش به دشمنی برخاسته است. چنین کسانی در بهشت جزو رفیقان و همراهان من و مورد مهر و محبّت من خواهند بود و با من در زمره گرامی ترین افراد امت محشور خواهند شد».

براساس این حدیث شریف، وقتی فرهنگ عمومی جامعه، بر اساس آموزه های دینی، تعریف و نهادینه گردد، طبیعی است که سایر جهت گیری های اجتماعی و سیاسی جامعه نیز، صبغه دینی به خود می گیرد و کارکردها و عکس العمل های جاری در جامعه، بر اساس معیارهای دینی، سامان می یابد. آن زمان است که تولی و تبری، دشمن شناسی، حمایت از حق، یکپارچگی در برابر باطل و... در رفتارهای اجتماعی مردم به صورت هدف مند تثبیت شده و زمینه های ظهور را فراهم می آورد.

علائم ظهور

حادثه ظهور دارای نشانه هایی است که برخی مدتی قبل از آن و بعضی در هنگامه آن واقعه مهم رخ می دهند تا نزدیک بودن زمان ظهور را بشارت دهند. فلسفه طرح علائم ظهور در روایات، تفکیک و شناسایی قیام حضرت از ادعاهای دروغین بوده است؛ لذا پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیه السلام با بیان علائم و نشانه های خاص، جلوی ادعاهای کاذب مدعیان دروغین و سوء استفاده

ص:۲۱۶

آن ها را از این موضوع گرفته اند.

نشانه های ظهور از جهات مختلفی قابل تقسیم بندی است:

- تقسیم به لحاظ نوع و سنخیّت (علائم طبیعی و غیرطبیعی)

- تقسیم به لحاظ زمان وقوع (علائم متصل به ظهور و علائم منفصل از ظهور)

- تقسیم به لحاظ وقوع و عدم وقوع تا به اکنون (علائم گذشته و آینده)

- تقسیم به لحاظ قطعی بودن و محتمل بودن (علائم حتمی و غیر حتمی).

آن چه در تقسیم بندی روایات مشاهده می شود، تقسیم از نوع اخیر است. البتّه در این گونه روایات علائم غیرحتمی به صورت متفرقه مطرح شده و آمار خاصّی برای آن نیست. این نوع علائم بیشتر ناظر به وضعیت مردم در آخرالزّمان است.

امّا علائم حتمی به دلیل اهمیّت آن، در روایات به خوبی تبیین شده اند. از جمله علائمی که در روایات بر حتمی بودن آن تصریح شده است عبارت اند از: خروج سفیانی، قیام یمانی، صیحه آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء. (۱)

۱- ر.ک: الغیبه، نعمانی، ص۲۶۲؛ الخرائج و الجرائح، ج۳، ص۱۱۶۱.

اگرچه این موارد به عنوان علائم و نشانه های ظهور شناخته می شود؛ امّا برخی از آن ها در آستانه ظهور و برخی هم زمان یا اندکی بعد از ظهور رخ می دهد؛ از این رو، با توجّه به هم زمانی و درهم تنیدگی این حوادث با رخدادهای دوران ظهور، توضیح بیشتر درباره هرکدام از این علائم را به بخش بعدی موکول می نماییم.

□□□

بخش پنجم: ظهور آخرین منجی

اشاره

ص:۲۱۹

دوران ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مهم ترین مقطع زندگی آن حضرت است. بنا به توصیف آیات و روایات، دوران ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عصر آرمانی و ایده آلی است که در طول تاریخ، تمام انسان ها رسیدن آن را به انتظار نشسته اند و پیامبران الاهی علیه السلام و کتب آسمانی، تحقق آن را در آخرالزّمان بشارت داده اند.

در آیات(۱) و روایات(۲) به گوشه هایی از دستاوردهای گسترده، شگفت انگیز و بهجت آور دوران طلایی ظهور اشاره شده است. برای مثال، در آن دوران، تمامی آرزوهای تاریخی و اهداف متعالی انسانی تحقق می یابد؛ دین اسلام بر همه ادیان و آئین ها چیره می شود؛ آئین یکتاپرستی در سراسر گیتی حکم فرما می گردد؛ شرک، بی دینی، فساد و تباهی پایان یافته و فضیلت و عدل و داد، جهان گیر می شود؛ امنیت و رفاه و آسایش، همه جا را

۱- سوره توبه، آیه ۳۳؛ سوره نور، آیه ۵۵.

۲- ر.ك: الكافي، ج۱، ص۲۵؛ كمال الدّين و تمام النعمه، ص۶۷۵.

دربر می گیرد؛ اخلاق، تربیت، فرهنگ، رشد و عقلانیت بشر به درجه بلوغ و شکوفایی می رسد و... .

مفاهیم (ظهور، قیام، خروج)

با توجّه به این که در اصطلاح روایات، کلماتی مانند «ظهور»، «قیام» و «خروج» به معانی متفاوت از یک دیگر به کار نرفته اند، لازم است برای آگاهی بیشتر نسبت به این مفاهیم و تفاوت های آن، به توضیح هرکدام اشاره گردد:

ظهور: این واژه از ماده «ظَهر» به معنای آشکار شدن و پدیدار شدن چیز پنهان است؛ بر خلاف «بطن» که به معنای پنهان و در درون بودن است، چنان که جوهری می گوید: «اَلظّهرُ خِلَافِ البَطْن».(۱)

ابن فارس نیز در توضیح معنای لغوی ظهور می گوید: «یدُلّ علی قوّه و بُرُوز، مِن ذَالك ظَهر الشی یظهر ظهورا فهو ظاهر، اذا انکشفت و بروز و لذالك سمی وقت الظهر و هو اظهر اوقات النهار و اضوؤها؛(۲) ظهور بر قوت و شدت آشکار بودن و مکشوف بودن چیزی دلالت دارد. به همین جهت، نصف روز را ظهر گویند؛ چون آشکارترین و کامل ترین حالت درخشندگی خورشید، در آن لحظه

۱- الصحاح، ج۲، ص ۷۳۰؛ تاج العروس، ج۷، ص ۱۶۶.

۲- معجم مقاییس اللغه، ج۳، ص ۴۷۱.

نمایان و پدیدار می گردد».

در کاربرد روایات، اصطلاح «ظهور» نوعاً در مقابل «غیبت» و به معنای ظاهر شدن و آشکار شدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پس پرده غیبت پس از مدت طولانی، جهت برپایی حکومت عدل جهانی در آخرالزّمان، به کار رفته؛ لذا این واژه در روایات، غالباً با کلماتی چون «عصر»، «یوم» و... همراه است.

قیام: «قیام» در لغت، به معنای برخاستن و برپا بودن و در مقابلِ معنای نشستن است: «القیام نقیض الجلوس».(۱) در اصطلاح فقه، واژه قیام به حالت خاصّی از ایستادن گفته می شود که در مقابل نشستن، رکوع و سجود است؛ امّا این واژه، در روایات عام مربوط به سیره و تاریخ، به معنای نهضت و جهاد به کار رفته و در روایات خاص مربوط به مهدویّت، ناظر به نهضت و انقلاب جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از ظهور است.

خروج: این کلمه از ماده «خرج» به معنای بیرون شدن و برآمدن است و در مقابل واژه «دخول» که به معنای ورود است، استعمال می شود: «الخُرُوج نَقیضُ الدّخُول».(۲) در اصطلاح روایات، «خروج» به معنای نهضت، حرکت و قیام است،

ص:۲۲۲

۱- لسان العرب، ج۱۲، ص۴۹۶.

۲- لسان العرب، ج۲، ص۲۴؛ تاج العروس، ج۳، ص۳۳۹.

اعم از آنکه حق باشد یا باطل.

با توجّه به آن چه اشاره شد، مفاهیم و واژه های «ظهور»، «قیام» و «خروج» ضمن آن که قریب المعنی هستند، فرق ها و تفاوت های اندکی نیز با هم دارند. مراد از واژه «ظهور» آشکار شدن، پدیدار شدن و خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از وضعیت غیبت و استتار است؛ امّا مراد از واژه «قیام» آغاز نهضت و شروع حرکت اصلاحی حضرت است؛ چه این که واژه «خروج» نیز نزدیک به همین معناست و بر شروع ناگهانی و غافلگیرانه نهضت و قیام جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف علیه نظام ظلم و جور دلالت دارد، به گونه ای که در اثر انقلاب و قیام حضرت، سیستم و نظام ظالمانه حاکم بر روابط و معادلات جهانی، به هم خورده و ابتکار عمل از دست قدرت های مستکبر جهان خارج می شود.

بنابراین، ترکیب هرکدام از این کلمات با نام مقدّس حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بُعد خاصّی از این رخداد بزرگ اشاره دارد. با این حال، این اصطلاحات دارای معانی و مضمون مشترکی هستند و آن عبارت است از ظاهر شدن و آمدن موعود الاهی، یعنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آخرالزّمان. البتّه با این ملاحظه که واژه «ظهور» بیشتر مبین علنی شدن نهضت عدالت خواهانه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جهان و واژه «قیام» ناظر به اعلام

رسمی نهضت مهدوی و آغاز حرکت اصلاحی آن حضرت در جهان است.

با توجّه به آن چه اشاره شد، حوادث دوران ظهور به دلیل اهمیّت خاص آن، بیش از همه در روایات انعکاس پیدا کرده است؛ از این رو، این بخش در سه فصل، به بیان مهم ترین رخدادها و تحولات جهانی عصر ظهور، یعنی اتفاقات مربوط به زمان آستانه ظهور، هنگام ظهور و پس از ظهور می پردازد.

زمان ظهور

اشاره

یکی از موضوعات پرسش برانگیز در باب مهدویّت، زمان ظهور و چگونگی تعیین آن است. آن چه غالباً سؤال می شود این است که آیا در روایات از زمان ظهور امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف سخنی به میان آمده است؟ آیا می توان از زمان دقیق ظهور حضرت خبر داد؟ حکمت های نامعلوم بودن زمان ظهور چیست؟

برای روشن شدن پاسخ این پرسش ها، لازم است این موضوع از منظر روایات مورد تأمل قرار گیرد. روایات مربوط به این مسأله چند دسته هستند؛ برخی روایات به صورت نامعین به سال و ماه و روز ظهور اشاره دارند، در برخی دیگر، بر ناگهانی بودن امر ظهور تأکید شده و در بسیاری از روایات بر نامعلوم بودن زمان ظهور و منع از توقیت تصریح شده است.

الف) سال، ماه و روز ظهور

در برخی از روایات، به صورت کلی (نامعین) از زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده شده و از سال و ماه و روزی که ظهور در آن واقع خواهد شد، نام برده شده است.

ابوبصیر از امام باقر علیه السلام روایت کرده است: «یقُومُ الْقَائِمُ فِی وَتْرٍ مِنَ السِّنِینَ؛ تِسْعٍ، وَاحِدَه، ثَلَاثٍ، خَمْس؛(۱) قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال فرد خواهد بود، نُه، یک، سه، پنج».

هم چنین ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «لَا یَخْرُجُ الْقَائِمُ علیه السلام إِلَّا فِی وَتْرٍ مِنَ السِّنِینَ سَنَه؛ إِحْدَی أَوْ ثَلَاثٍ أَوْ خَمْسٍ أَوْ سَبْعٍ أَوْ تِسْع؛(۲) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نخواهد کرد مگر در سال های فرد، یک یا سه یا پنج یا هفت یا نه».

در روایتی دیگر، ابو بصیر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «یُنَادَی بِاسْمِ الْقَائِمِ فِی لَیْلَه ثَلَاثٍ وَ عِشْرینَ وَ یَقُومُ فِی یَوْمِ عَاشُورَاءَ وَ هُوَ الْیَوْمُ الَّذِی قُتِلَ فِیهِ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام لَکَأَنِّی بِهِ فِی یَوْمِ السَّبْتِ الْعَاشِرِ مِنَ الْمُحَرَّمِ قَائِماً بَیْنَ الرُّکْنِ وَ الْمَقَامِ جَبْرَئِیلُ عَنْ یَدِهِ الْیُمْنَی یُنَادِی الْبَیْعَه لِلَّهِ فَتَصِیرُ إِلَیْهِ شِیعَتُهُ مِنْ أَطْرَافِ الْأَرْضِ تُطْوَی لَهُمْ طَیّاً حَتَّی یُبَایِعُوهُ؛(۳) در شب بیست و سوم از ماه رمضان، منادی نام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را فریاد برمی آورد و حضرت در

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۶۲.

۲- الارشاد، ج۲، ص۳۷۹؛ روضه الواعظین، ص۲۶۳؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۸۶؛ کشف الغمه، ج۳، ص ۲۶۱.

۳- الارشاد، ج۲ ص۳۷۹؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۸۶.

روز عاشورا، همان روزی که حسین بن علی علیه السلام به قتل رسید، قیام می کند. گو این که من آن جا هستم در روز شنبه از دهم محرم، در حالی که حضرت قائم میان رکن و مقام ایستاده و جبرئیل در مقابل او قرار دارد و مردم را برای بیعت با او فرا می خواند. پس شیعیان او به سوی او روی می آورند و از اطراف جهان به سوی او شتابان حرکت می کنند تا با او بپیوندند و بیعت کنند».

در روایتی که ابن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده، حضرت روز جمعه را روز ظهور ذکر نموده است: «وَ یَخْرُجُ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ یَوْمَ الْجُمُعَهِ وَ یَقُومُ الْقِیَامَهُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ وَ مَا مِنْ عَمَلٍ یَوْمَ الْجُمُعَهِ أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاه عَلَی محمد وَ آلِه؛(۱) قائم ما اهل بیت علیهم السلام در روز جمعه ظهور می کند و رستاخیز نیز در روز جمعه به پا خواهد شد و هیچ کاری در روز جمعه بهتر از درود فرستادن بر محمد و آل او علیه السلام نیست».

در روایت دیگری که علی بن ابی حمزه از ابوبصیر و او از امام باقر علیه السلام نقل کرده است، روز ظهور حضرت، شنبه ذکر شده است: «یَخْرُجُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف یَوْمَ السَّبْتِ یَوْمَ عَاشُورَاءَ یَوْمَ الَّذِی قُتِلَ فِیهِ الْحُسَیْنُ علیه السلام ؛(۲) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف

۱- الخصال، ج ۲، ص۳۹۴؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۴۹۶.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۴؛ تهذیب الاحکام، ج۴، ص۳۳۳؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۸۵.

در روز شنبه ای که روز عاشوراست، روزی که حسین علیه السلام در آن روز به شهادت رسید، قیام خواهد کرد».

امّا در برخی از روایات، وقتی راوی در مورد تعیین زمان ظهور از معصوم سؤال کرده، امام به پاسخ کلی اکتفا نموده و زمان ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را به یأس و ناامیدی شیعیان، مرتبط دانسته است.

اباجارود می گوید: از امام باقر علیه السلام سؤال کردم: «قائم شما چه زمانی قیام می فرماید؟» حضرت فرمود: «یا أبا الجارود! لاـ تـدرکون؛ ای اباجارود! شما آن زمان را نخواهید دید». عرض کردم: «اهل زمانش را چطور؟» فرمود: «وَ لَنْ تُـدْرِکَ أَهْلَ زَمَانِهِ، یَقُومُ قَائِمُنَا بِالْحَقِّ بَعْدَ إِیَاسٍ مِنَ الشِّیعَهِ، یَدْعُو النَّاسَ ثَلَاثاً فَلَا یُجِیبُهُ أَحَدٌ، فَإِذَا کانَ الْیَوْمُ الرَّابِعُ تَعَلَّقَ بِأَسْتَارِ الْکعْبَهِ، فَقَالَ: یَا رَبِّ، انْصُرْنِی وَ دَعْوَتُهُ لَا تَسْقُطُ، فَیَقُولُ : لِلْمَلَائِکهِ الَّذِینَ نَصَرُوا رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَوْمَ بَدْرٍ وَ لَمْ یَحُطُّوا سُرُوجَهُمْ وَ لَمْ یَضَعُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَیُبَایِعُونَهُ، ثُمَّ یُبَایِعُهُ مِنَ النَّاسِ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلا؛(۱) اهل زمانش را هم نمی بینید. قائم ما بعد از مأیوس شدن و ناامید گشتن شیعیان قیام می کند و مردم را سه بار دعوت می کند و به کمک می طلبد، ولی هیچ کس پاسخ او را نمی دهد، تا آن که روز چهارم به پرده کعبه می چسبد و می گوید: خدایا! یاری ام کن. دعایش

۱- دلائل الأمامه، ص۴۵۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۳۰۶.

رد نمی شود و خداوند به ملائکه ای که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در روز بدر یاری کردند دستور می دهد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را یاری کنند و آن ها که تا آن زمان هنوز آماده باش بوده اند و زین اسب ها و اسلحه های خود را زمین نگذاشته اند با حضرت بیعت می کنند. سپس سیصد و سیزده مرد با حضرت بیعت می نمایند».

براساس برخی از زیارات، فرج و ظهور آن حضرت در روز جمعه بیشتر از روزهای دیگر محتمل دانسته شده؛ چنان که در زیارت مختص آن حضرت در روز جمعه تصریح شده است: «یَا مَوْلَایَ یَا صَاحِبَ الزَّمَانِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَیْک وَ عَلَی آلِ بَیْتِک هَذَا یَوْمُ الْجُمُعَهِ وَ هُوَ یَوْمُک الْمُتَوَقَّعُ فِیهِ ظُهُورُک وَ الْفَرَجُ فِیهِ لِلْمُؤْمِنِینَ عَلَی یَدِک...؛(۱) ای آقای من! درود خداوند بر تو و بر آل بیت تو باد. امروز جمعه است و این، روز توست که در آن، ظهورت و فرج مؤمنین به دستانت انتظار می رود».

بنابراین، روایاتی که به صورت نامشخص از ماه و روز خاصّی نام برده اند، هرگز بر تعیین زمان ظهور دلالت ندارد؛ زیرا تعیین زمان با تعیین هر سه عنصر سال و ماه و روز ممکن خواهد بود و چون سال معین نشده است، ماه و روز نیز نامعین خواهد بود.

نتیجه این که زمان ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف از نظر

۱- الارشاد، ج۲، ص۳۷۹؛ وسائل الشیعه، ج۱۳، ص۲۴۸.

سال و ماه و روز، دقیقاً روشن نیست و آن چه در برخی روایات، از سال و ماه و ایام هفته به عنوان وقت ظهور یاد شده نیز کلی است و قابل تطبیق بر مصادیق مشابه می باشد. از این رو، در هیچ روایت از روایات بسیاری که از پیامبر گران قدر و امامان معصوم علیه السلام پیرامون ابعاد گوناگون حیات امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف رسیده، به طور مشخص به زمان ظهور آن حضرت تصریح نشده است؛ بلکه به عکس، در روایات بسیاری، کسانی که از زمان ظهور خبر می دهند به شدت تکذیب شده اند. لذا کسی دقیقاً نمی داند که آن حضرت چه وقتی ظهور خواهد کرد؛ زیرا حکمت الاهی اقتضا می کند که زمان ظهور آن حضرت از مردم پوشیده باشد.

ب) ناگهانی بودن ظهور

براساس روایات، ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به صورت ناگهانی و در یک زمان نامعلوم رخ خواهد داد. برخی از احادیث، دفعی بودن حادثه ظهور را با تعبیر«بَغتَه» توصیف کرده و برخی دیگر، واقعه ظهور را به واقعه قیامت تشبیه نموده اند.

دعبل خزاعی می گوید: وقتی در حضور امام رضا علیه السلام شعری خواندم و در آن، سخن از امام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به میان آوردم، حضرت بسیار گریه کرد، سپس به من فرمود: «یَا خُزَاعِیُّ نَطَقَ رُوحُ الْقُدُسِ عَلَی لِسَانِک

ص:۲۲۹

بِهَذَیْنِ الْبَیْتَیْنِ فَهَلْ تَدْرِی مَنْ هَذَا الْإِمَامُ وَ مَتَی یَقُومُ؟؛ ای خزاعی! در این دو بیت، روح الامین به زبانت سخن گفته است. آیا می دانی این امام کیست و کی قیام می کند؟ عرض کردم: نه ای مولایم جز این که شنیده ام امامی از شما ظهور می کند و زمین را از فساد پاک و از عدالت و داد پر می کند، چنان که از ستم پر شده است. فرمود: «یَا دِعْبِلُ الْإِمَامُ بَعْدِی مُحَمَّدٌ ابْنِی وَ بَعْدَ مُحمّد ابْنُهُ عَلِیٌّ وَ بَعْدَ عَلِیٍّ ابْنُهُ الْحَسَنُ وَ بَعْدَ الْحَسَنِ ابْنُهُ الْحُجَّه الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ فِی غَیْبَتِهِ الْمُطَاعُ فِی ظُهُورِهِ لَوْ لَمْ یَبْقَ مِنَ الدُّنْیَا إِلَّا یَوْمٌ وَاحِدٌ لَطَوَّلَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ ذَلِکَ الْیَوْمَ حَتَّی یَخْرُجَ فَیَمْلَأَ الْأَرْضَ عَدْلًا کَمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ اَمَّا مَتَی فَإِخْبَارٌ عَنِ الْوَقْتِ فَقَدْ حَدَّثَنِی أَبِی عَنْ أَبِیهِ عَنْ آبَائِهِ علیه السلام أَنَّ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلم قِیلَ لَهُ یَا رَسُولَ اللَّهِ مَتَی یَخْرُجُ الْقَائِمُ مِنْ ذُرِّیَّتِکَ فَقَالَ: مَثَلُهُ مَثَلُ السَّاعَه الَّتِی لا یُجَلِّیها لِوَقْتِها إِلَّا هُوَ... لا تَأْتِیکُمْ إِلَّا بَغْتَهً؛(۱) ای دعبل! امام بعد از من، محمد علیه السلام است و پس از او فرزندش علی علیه السلام و بعد از او پسرش حسن علیه السلام و پس از حسن، پسرش حجّت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف امام است؛ کسی که در غیبتش انتظار او را کشند و در ظهورش مُطاع باشد. اگر از دنیا باقی نماند مگر یک روز، خدا آن روز را آن قدر طولانی کند که او ظهور نماید و زمین را پر از عدالت کند، چنان که پر از ستم شده باشد. امّا زمان آن، خبر دادن از وقت است و حال آن که پدرم از پدرش و او از پدرانش برایم روایت کرده است که از پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم سؤال شد: چه

۱- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۹۷؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۳۷۳؛ کفایه الاثر، ص ۲۷۷.

زمانی قائم از ذریه ات خروج می کند؟ فرمود: مَثَل او مانند قیامت است که وقتش را جز خداوند آشکار نکند و رخ نمی دهد مگر به صورت ناگهانی».

امام صادق علیه السلام به نقل از پدرانش از امام حسین علیه السلام نقل کرده است: «فِی التَّاسِعِ مِنْ وُلْدِی سُنَّةٍ مِنْ یُوسُفَ وَ سُنَّةٍ مِنْ مُوسَی بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ قَائِمُنَا أَهْلَ الْبَیْتِ یُصْلِحُ اللَّهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی أَمْرَهُ فِی لَیْلَةٍ وَاحِدَةٍ؛(۱) نهمین فرزند من، سنّتی از یوسف و سنّتی از موسی بن عمران علیه السلام را داراست و او قائم ما اهل بیت است که خداوند متعال در یک شب، امر ظهورش را سروسامان می بخشد».

در روایتی دیگر، اباجارود نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «یُمْسِی مِنْ أَخْوَفِ النَّاسِ وَ یُصْبِحُ مِنْ آمَنِ النَّاسِ یُوحَی إِلَیْهِ هَذَا الْأَمْرُ لَیْلَهُ وَ نَهَارَهُ؛ حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هنگام عصر، بیمناک ترین مردم است، امّا صبح فردای آن، در امان ترین مردم نسبت به دشمنان و محفوظ تر از همه می باشد. خداوند امر قیام را در همان شب و روز به او وحی می نماید». اباجارود عرض کرد: «آیا به او وحی می شود؟» حضرت فرمود: «یَا اَبَاجَارُودِ إِنَّهُ لَیْسَ وَحْیَ نُبُوَّةٍ وَ لَکِنَّهُ یُوحَی إِلَیْهِ کَوَحْیِهِ إِلَی مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ إِلَی أُمِّ مُوسَی وَ إِلَی النَّحْلِ یَا بَا الْجَارُودِ إِنَّ قَائِمَ

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۱۷؛ الصراط المستقیم، ج۲، ص۱۲۹؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۱۳۳.

آلِ محمـد لَأَکرَمُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَرْیَمَ بِنْتِ عِمْرَانَ وَ أَمِّ مُوسَـِی وَ النَّحل؛(۱) ای اباجارود! این وحی، ماننـد وحی نبوت نیست؛ بلکه ماننـد وحی ای است که به حضـرت مریم و مـادر موسـی و زنبور عسـل می شود. ای اباجـارود! قائم آل محمـد عجل الله تعالی فرجه الشریف نزد خداوند گرامی تر و عزیزتر از مریم، دختر عمران و مادر موسی و زنبور عسل است».

هم چنین از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «کنْ لِمَا لَا تَرْجُو أَرْجَی مِنْک لِمَا تَرْجُو فَإِنَّ مُوسَی بْنَ عِمْرَانَ علیه السلام خَرَجَ لِیَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَعَ إِلَیْهِمْ وَ هُوَ رَسُولٌ نَبِیٌّ فَأَصْلَحَ اللَّهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی أَمْرَ عَبْدِهِ وَ نَبِیِّهِ مُوسَی علیه السلام فِی لَیْلَهٍ وَ هَکذَا یَفْعَلُ اللَّهُ تَبَارَک وَ تَعَالَی بِالْقَائِمِ الثَّانِیَ عَشَرَ مِنَ الْأَئِمَّه علیه السلام یَصْلُحُ لَهُ أَمْرَهُ فِی لَیْلَهٍ کمَا أَصْلَحَ أَمْرَ نَبِیِّهِ مُوسَی علیه السلام وَ یُخْرِجُهُ مِنَ الْحَیْرَه وَ الْغَیْبَه إِلَی نُورِ الْفَرَجِ وَ الظُّهُور؛(۲) نسبت به آن چه در فکر آن نیستید، بیشتر امیدوار باشید، تا به آن چه که به آن ها مشغول و امیدوارید؛ زیرا حضـرت موسـی بن عمران علیه السـلام رهسپار گشت تا برای خانواده اش آتش بیاورد، ولی برگشت در حالی که پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم بود. خداوند متعال، کار بنده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم خود، حضـرت موسـی علیه السـلام را یـک شـبه سـروسامان داد. هم چنین خداونـد متعال در مورد حضـرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که دوازدهمین امام است،

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۹ ؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص ۲۹۰.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۱۵۲؛ بحار الانوار، ج۱۳، ص۴۲.

چنین خواهد نمود و امر قیام آن حضرت را مانند حضرت موسی علیه السلام در یک شب سروسامان خواهد داد و آن حضرت را از سرگردانی و غیبت، خارج و به نور فرج و ظهور، هدایت خواهد فرمود».

در روایت منقول از امام جواد علیه السلام نیز آمده است: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَك وَ تَعَالَی لَیُصْلِحُ لَهُ أَمْرَهُ فِی لَیْلَهٍ کمَا أَصْلَحَ أَمْرَ کلِیمِهِ مُوسَی علیه السلام إِذْ ذَهَبَ لِیَقْتَبِسَ لِأَهْلِهِ نَاراً فَرَجَعَ وَ هُوَ رَسُولٌ نَبِیٌّ؛(۱) خداوند بزرگ، امر ظهور ایشان را یک شبه به انجام می رساند، چنان که امر موسی، کلیم خود را چنین کرد؛ آن گاه که جهت برگرفتن آتش برای خانواده اش رهسپار شد، امّا زمانی که برگشت، پیامبر و فرستاده خدا شده بود».

براساس این دسته روایات، واقعه ظهور، یک امر ناگهانی و غیر قابل پیش بینی است و کسی از زمان آن اطلاع دقیقی ندارد؛ لذا بر اساس روایات، اگر کسی برای ظهور حضرت، زمان و تاریخ تعیین کند، دروغگو است و ادعای وی اعتبار و ارزش دینی نخواهد داشت.

مکان ظهور

براساس روایات، ظهور ابتدایی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه منوره است؛ امّا محل اعلام رسمی قیام آن حضرت، مکه معظمه خواهد بود. طبق

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۷۷؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۴۲؛ مدینه المعاجز، ج۷، ص۴۰۸.

این روایات، زمانی که اوضاع کلی جهان مساعد شود و افکار مردم دنیا برای پذیرش برنامه های اصلاحی امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف جهت تشکیل حکومت عدالت جهانی آماده گردد، خداوند متعال به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اذن خروج می دهد.

هم چنین بر اساس روایات، آغاز ظهور علنی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مقارن با یک خروش آسمانی خواهد بود؛ یعنی ابتدا این خبر به وسیله منادی آسمانی اعلام می شود و آن گاه حضرت در حالی که پشت به کعبه داده است، با ایراد سخنرانی، رسماً دعوت به حق و ظهور خود را به گوش مردم دنیا می رساند.

طبق این روایات، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا در مدینه حضور دارد؛ امّا پس از انتشار خبر حضور امام در مدینه و تهاجم سپاه سفیانی به آن جا برای دستگیری حضرت، ایشان مدینه را به قصد مکّه ترک گفته، شامگاهان به صورت مخفیانه وارد شهر مکّه می شود و سپس دعوت الاهی خویش را از ام القرای اسلام به جهانیان اعلام می کند. از این رو، می توان حضور نیمه علنی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه را مقدمه ظهور و قیام علنی آن حضرت در مکّه دانست.

یعقوب بن سراج روایت کرده است: از امام صادق علیه السلام در مورد زمان و مکان قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال کردم. حضرت در پاسخ، بعد از

ذکر چند علامت برای ظهور فرمود: «خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِینَهِ إِلَی مَکهِ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ؛ صاحب این امر از مدینه به قصد مکّه خارج می شود، در حالی که میراث پیامبر با اوست». عرض کردم: میراث پیامبر چیست؟ فرمود: «سَیفُهُ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ رَایَتُهُ وَ قَضِیبُهُ وَ فَرَسُهُ وَ لَأْمَتُهُ وَ سَرْجُه؛(۱) شمشیر و زره، عمامه و بُرد، پرچم، عصا، اسب، وسائل جنگی و زین آن حضرت».

در روایات به روشنی بیان نشده است که رژیم حاکم بر مدینه، در هنگام ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چه موضعی خواهد گرفت؛ فقط این مطلب آمده است که خبر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سرعت در منطقه پخش می شود و به سفیانی که در هنگامه ظهور بر منطقه وسیعی چون سوریه، اردن و فلسطین سلطه دارد می رسد و او مطلع می شود که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه حضور دارد و آماده قیام است.

به دنبال این خبر، سفیانی برای دستیابی به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سپاهی را تجهیز می کند و به مدینه گسیل می دارد؛ امّا آن حضرت، برای پرهیز از قیام زودرس، طبق فرمان خدا به شهر مکّه می رود تا فرمان الاهی فرارسد. سپاه سفیانی برای دستگیری آن حضرت وارد مدینه می شوند، امّا آن حضرت را نمی یابند؛ لذا به

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۷۸.

دنبال حضرت به مکّه روی می آورند که در بین راه، زمین آنان را می بلعد.(۱)

از این رو، روایاتی که محل ظهور و قیام را بیان کرده اند، تعارض و تنافی نخواهند داشت؛ چراکه هرکدام، به مرحله خاصّی از جریـان ظهور اشاره دارنـد. برخی ناظر به مرحله آغازین ظهور، یعنی حضور حضـرت در مـدینه و انتشار اخبار ظهور امام عجل الله تعالی فرجه الشـریف از مـدینه هسـتند و برخی که تصـریح به ظهور حضـرت از مکّه دارنـد، بر دعوت و قیام علنی حضـرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه مکرمه و اعلام آن به جهانیان دلالت دارند.

بنابراین، مقـدمات حرکت حضـرت از مـدینه آغاز می شود، امّا دعوت و قیام علنی ایشان در شـهر مکّه، در کنار کعبه و بعد از پیوستن یاران خواهد بود؛ چنان که در بخش های بعدی به این روایات اشاره خواهد شد.

۱- ر.ك: امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، ص۵۸۶.

فصل۱: رخدادهای پیش از ظهور

اشاره

مراد از وقایع پیش از ظهور، آن دسته از رخدادهایی است که در آستانه ظهور رخ می دهد؛ اعم از این که اندکی قبل از ظهور یا هم زمان با آن باشد. در آن زمان، حوادث و رخدادهای مهمی به وقوع می پیوندد که منتهی به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد شد. بررسی و شناخت آن حوادث، هم به دلیل انعکاس گسترده آن در روایات و هم به لحاظ تأثیرات وسیع منطقه ای و جهانی آن، بسیار حائز اهمیّت است.

عامل پیدایش این تحولات دو چیز است؛ اول، اختلاف و کشمکش در کشور های عربی، مخصوصاً سرزمین حجاز، که منجر به ناامنی و بی ثباتی در این مناطق می شود و دوم، ظهور پدیده سفیانی در منطقه شام و گسترش فتنه و آشوب آن در دیگر سرزمین های اسلامی. وقوع این رخدادها در منطقه خاورمیانه، سبب پیدایش بحران سیاسی اجتماعی شدید در کشورهای عربی

ص:۲۳۷

(مناطق شامات و حجاز و عراق) گردیده و شرایط را برای ابتکار عمل شیعیان و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فراهم می سازد.

در این فصل، با استفاده از روایات، به بررسی حوادث و تحولات منطقه خاورمیانه در هنگام ظهور یا اندکی پیش از آن می پردازیم.

آغاز بی ثباتی در خاورمیانه

در آستانه ظهور، سرزمین های عربی در اثر سوء مدیریت حکام جور و فرمانروایان طغیانگر، دچار نابسامانی شدیدی می شود. درباره وضعیت اعراب در هنگامه ظهور و نکوهش فرمانروایان آنان روایات بسیاری وارد شده است. برای مثال، امام صادق علیه السلام می فرماید: «وَیْلٌ لِطُغَاهِ الْعَرَبِ مِنْ شَرٍّ قَدِ اقْتَرَبَ؛(۱) وای بر طاغیان عرب، از شری که به زودی گریبان گیر آنان خواهد شد».

هم چنین از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: «یَقَعُ خُرُوجَهُ بَعدَ تَدَابُر وَ اخْتِلَاف بَیْنَ اُمَرَاءِ الْعَرَبِ وَ الْعَجَم اِلَی اَنْ یَصِیرَ الأمرُ اِلَی رَجُلٍ مِنْ وُلدِ اَبِی سُفْیَان؛(۲) خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف زمانی به وقوع می پیوندد که نزاع و کشمکش و اختلاف شدیدی در میان فرمانروایان عرب و عجم، در گیرد و این کشمکش و نزاع در میان

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۰۴ .

۲- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ج۳، ص۲۳.

آنان تداوم یابد تا آن که رشته امور به دست مردی از تبار ابوسفیان برسد».

بر اساس این حدیث، قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شرایطی به وقوع می پیوندد که جهان اسلام، مخصوصاً کشورهای عربی و منطقه خاورمیانه، دچار آشوب، هرج و مرج و بی ثباتی شدیدی شده باشند تا زمینه برای به قدرت رسیدن عناصر پلید و خون آشامی چون سفیانی پدید آید.از این رو، تحولات بنیادین در خاورمیانه، سرآغاز تحولات بزرگ جهانی و زمینه ساز رخداد بزرگ ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. از این لحاظ، این رخدادها بستر رشد و بالندگی جریان عدالت خواهی و پیروزی نهایی حق طلبان است.

این تحولات با محوریت دو جریان متخاصم شکل می گیرد؛ اول، جریان قدرت طلب، تمامیت خواه و ستمگر با محوریت سفیانی و دوم، نهضت های حق گرا و عدالت خواه با تفکّرات ناب شیعی که در تقابل با سفیانی قرار دارند. آنان گرچه همانند جریان سفیانی، یک پارچه و متمرکز نیستند، امّا دارای هدف و آرمانی واحدند و آن، ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تلاش در این راستا است. رهبری این جریان را شخصیت های برجسته ای مثل یمانی، خراسانی، شعیب بن صالح، سید حسنی و... برعهده دارند.

ص:۲۳۹

خروج سفیانی

اشاره

یکی از رخدادهای مهم در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور پدیده سفیانی در منطقه شام و فتنه انگیزی این جریان است که در روایات از نشانه های حتمی ظهور شمرده شده است. خروج سفیانی از نظر زمانی اولین نشانه از نشانه های حتمی است که پیش از دیگر نشانه ها تحقق می یابد. موضوع خروج سفیانی در روایات اسلامی بسیار دقیق، روشن و شفاف بیان شده است؛ به گونه ای که هرگز قابل انطباق با هیچ فرد دیگری نمی باشد.

براساس روایات، این فتنه چنان فراگیر می گردد که در اندک زمانی، بخش وسیعی از کشورهای عرب را تسخیر می کند. در این وضعیت بحرانی، فرد قدرت طلب و فتنه انگیزی چون سفیانی به قدرت می رسد و با جنگ افروزی و توسعه طلبی، بسیاری از شهرها و کشورهای منطقه از جمله مناطق شام، عراق، مدینه و... را به تصرف خود در می آورد و مسلمانان به ویژه شیعیان را به خاک و خون می کشد.

بر این اساس، بیش ترین جنگ افروزی ها قبل از ظهور توسط سفیانی خواهد بود. از این رو، با توجّه به انعکاس وسیع جریان سفیانی و پیامد های فاجعه بار این حرکت شوم برای مناطق مسلمان نشین، لازم است روایاتی که

ص:۲۴۰

خصوصیات و اوصاف سفیانی و نیز سیر تحولات ناشی از حرکت ضد اسلامی و ضد شیعی وی را بیان نموده اند، مورد توجّه قرار گیرد تا وضعیت و شرایط جاری این منطقه در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به خوبی روشن گردد.

الف) ویژگی های سفیانی

درباره خصوصیات اسمی سفیانی نقل های متفاوتی وجود دارد. در منابع روایی شیعی، وی با نام عثمان بن عنبسه و از تبار ابوسفیان یاد شده است؛ شخصی بسیار سفّاک و خون آشام که مهم ترین خصیصه او آدم کشی و خون ریزی است. او هر حرام خدا را حلال نموده و به هر جنایتی دست می زند، وی سنگ دل ترین انسان هاست و هیچ رحم و عاطفه ای در زندگی اش دیده نمی شود.

در برخی از دیگر کتاب ها، از وی با نام هایی چون حرب بن عنبسه، عنبسه بن مرّه، عنبسه بن هند، عبداللّه بن یزید، ابوعتبه و معاویه بن عتبه(۱) یاد شده است؛ امّا لقب معروف وی، سفیانی است. چراکه او از نسل ابوسفیان است. روایات، او را از نسل بنی امیه (شجره ملعونه) از تبار یزید بن معاویه و از بطن هند جگرخواره، معرفی کرده اند.

۱- عِقد الدُّرر، ص۹۱.

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «یَخْرُجُ ابْنُ آکلَهِ الْأَکبادِ مِنَ الْوَادِی الْیَابِسِ وَ هُوَ رَجُلٌ رَبْعَهٌ وَحْشُ الْوَجْهِ ضَخْمُ الْهَامَهِ بِوَجْهِهِ أَثَرُ الْجُدَرِیِّ إِذَا رَأَیْتَهُ حَسِبْتَهُ أَعْوَرَ؛(۱) پسر هند جگرخواره از وادی یابس خروج می کند. او مردی میان بالا، با چهره ای وحشتناک، سر ستبر و آبله روی می باشد. هنگامی که او را ببینی، او را یک چشم می پنداری».

سفیانی مرد خون آشامی است که وقتی به شهری حمله ور می شود آن را به خاک و خون می کشد، به کودکان و پیران نیز رحم نمی کند و حتی شکم زنان باردار را می درد! او پلیدترین انسان روی زمین است و همواره فریاد «انتقام، انتقام» سر می دهد. وی آن چنان سنگ دل است که حتی همسرش را زنده به گور می کند؛ چنان که امام صادق علیه السلام در ترسیم چهره کریه وی می فرماید: «إِنَّک لَوْ رَأَیْتَ السُّفْیَانِیَّ لَرَأَیْتَ أَخْبَثَ النَّاسِ أَشْقَرَ أَحْمَرَ أَزْرَقَ یَقُولُ یَا رَبِّ ثَأْرِی ثَأْرِی ثُمَّ النَّارَ وَ قَدْ بَلَغَ مِنْ خُبْثِهِ أَنَّهُ یَدْفِنُ أُمَّ وَلَدٍ لَهُ وَ هِیَ حَیَّهٌ مَخَافَهَ أَنْ تَدُلَّ عَلَیْهِ؛(۲) اگر سفیانی را ببینی، پلیدترین انسان ها را دیده ای. او بور، سرخ روی و زاغ چشم است، گوید: خدایا! انتقام، انتقام، سپس دوزخ! او به قدری خبیث است که مادر بچه اش را از ترس این که

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۱؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۸۲.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۱.

مبادا مخفیگاهش را نشان بدهد، زنده به گور می کند».

از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است که فرمود: «فَیقتُل حَتَّی یبقُرَ بطُونَ النِّساء و یَقتُلُ الصُبیّان؛(۱) سفیانی کشتار راه می اندازد، تا جایی که حتی شکم زنان را می شکافد و کودکان را از دم تیغ می گذراند».

سفیانی و یارانش نسبت به خاندان پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و شیعیان آنان، دل هایی مالامال از کینه و دشمنی دارند و مردان و زنانی را که هم نام با خاندان پیامبر علیه السلام باشند از بین می برند. امام باقر علیه السلام درباره دشمنی و کینه توزی شدید او علیه شیعیان می فرماید: «فَإِنَّ حَنَقَهُ وَ شَرَهَهُ إِنَّمَا هِیَ عَلَی شِیعَتِنَا؛(۲) خشم و کینه او تنها نسبت به شیعیان ما است».

وی گرچه تظاهر به اسلام می کند، لیکن صلیبی از طلا برگردن دارد که نشان دهنده گرایش و وابستگی وی به مسیحیت است.

ب) حتمی بودن خروج سفیانی

خروج سفیانی و کشتارهای او از نشانه های حتمی ظهور است. از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِنَّ خُرُوجَ السُّفْیَانِیِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُوم؛(۳) خروج

۱- کنز العمال، ج۱۴، ص۲۷۲.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۱.

۳- کمال الدّین و تمام النعمه، ج ۲، ص۵۰۳.

سفیانی از امور حتمی است».

امام صادق علیه السلام نیز فرموده است: «قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام خَمْسُ عَلَامَاتٍ مَحْتُومَاتٍ؛ الْیَمَانِیُّ وَ السُّفْیَانِیُّ وَ الصَّیْحَهُ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکِیَّهِ وَ الْخَسْفُ بِالْبَیْدَاء؛(۱) پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پنج نشانه حتمی است: یمانی، سفیانی، بانگ آسمانی، قتل نفس زکیه و خسف بیداء».

در روایت دیگری از آن حضرت نقل شده که فرمود: «إِنَّ أَمْرَ السُّفْیَانِیِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ خُرُوجَهُ فِی رَجَبٍ؛(۲) سفیانی از نشانه های حتمی است و خروج وی در ماه رجب خواهد بود».

از امام رضا علیه السلام نیز روایت شده که فرمود: «إِنَّ أَمْرَ الْقَائِمِ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَ أَمْرُ السُّفْیَانِیِّ حَتْمٌ مِنَ اللَّهِ وَ لَا یَکونُ قَائِمٌ إِلَّا بِسُفْیَانِی؛(۳) قیام قائم از سوی خدا حتمی است، خروج سفیانی نیز از سوی خدا حتمی است، بدون سفیانی هرگز قائمی نخواهد بود».

ج) زمان خروج سفیانی

زمان خروج سفیانی در روایات، ماه رجب بیان شده است. در این زمینه دو روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است. روایت یکم همان روایت پیشین است که مرحوم صدوق آن را در کمال الدین نقل کرده است که حضرت صادق علیه السلام

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۵۰.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۰۰.

۳- قرب الاسناد، ص۳۷۳.

فرمود: «إِنَّ أَمْرَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الْأَمْرِ الْمَحْتُومِ وَ خُرُوجَهُ فِي رَجَبٍ؛(۱) همانا خروج سفیانی از نشانه های حتمی است که در ماه رجب روی خواهد داد». روایت دوم را نعمانی در الغیبه از امام صادق علیه السلام این چنین آورده است: «السُّفْيَانِيُّ لَا بُدَّ مِنْهُ وَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا فِي رَجَبٍ؛(۲) به طور قطع سفیانی قیام خواهد کرد و خروجش جز در ماه رجب نخواهد بود».

د) محل خروج سفیانی

محل خروج سفیانی در روایات، سرزمینی خشک از مناطق شام(۳) ذکر شده است. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «يَخْرُجُ مِنْ نَاحِيهِ مَدِينَه دمِشق فِي وَادٍ يُقَالُ لَهُ وَادِيُ الْيَابِس؛(۴) سفیانی از سرزمین خشکی به نام وادی یابس در دمشق به پا می خیزد».

پیامبراکرم نیز درباره سفیانی می فرماید: «يَخْرُجُ رَجُلٌ يُقَالُ لَهُ السُّفيَانِي فِي عُمْقِ دمِشق وَ عَامّهُ مَنْ يَتْبَعُهُ مِنْ كَلْب؛(۵) مردی از دل دمشق خروج می کند که به او سفیانی گویند و همه پیروانش از قبیله کلب هستند».

هم چنین امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید:

ص:۲۴۵

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص ۵۵۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۴۱۹.

۳- در منابع تاریخ اسلام و حدیث، هر جا نامی از سرزمین شام و شامات برده شده، منطقه سوریه فعلی، لبنان، اردن و فلسطین منظور بوده است.

۴- معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص ۸۸.

۵- کنز العمال، ج۱۴، ص۲۷۲.

«فَأَوَّلُ أَرْضٍ تَخْرَبُ أَرْضُ الشَّام ثُمَّ یَخْتَلِفُونَ عِنْدَ ذَلِکَ عَلَی ثَلَاثِ رَایَاتٍ رَایَهِ الْأَصْهَبِ وَ رَایَهِ الْأَبْقَعِ وَ رَایَهِ السُّفْیَانِیِّ فَیَلْتَقِی السُّفْیَانِیُّ بِالْأَبْقَعِ فَیَقْتَتِلُونَ فَیَقْتُلُهُ السُّفْیَانِیُّ وَ مَنْ تَبِعَهُ ثُمَّ یَقْتُلُ الْأَصْهَبَ؛(1) اولین سرزمینی که خراب می شود، شام است. آن گاه سه پرچم با یک دیگر به جنگ برمی خیزند: پرچم اصهب و ابقع و سفیانی. سفیانی با ابقع مواجه می شود و با آن می جنگد. سفیانی او و یارانش را می کشد و پس از آن اصهب را به قتل می رساند».

در روایت دیگر امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «یَخْرُجُ بِالشَّامِ فَیَنْقَادُ لَهُ أَهْلُ الشَّامِ إِلَّا طَوَائِفَ مِنَ الْمُقِیمِینَ عَلَی الْحَقِّ یَعْصِمُهُمُ اللَّهُ مِنَ الْخُرُوجِ مَعَه؛(2) او در شام قیام می کند، پس شامیان از او اطاعت می کنند، مگر عده ای از کسانی که حق باورند و خداوند آن ها را از همراهی با او نگه می دارد».

سفیانی با تظاهر به دینداری، گروه زیادی از مسلمانان را فریب می دهد. او در ابتدا به تثبیت قدرت خویش در شام می پردازد، سپس وارد پیکار در عراق شده، پس از جنگ های متعددی، شهرهای عراق و حجاز را تسخیر می کند؛ آن گاه به شام باز می گردد.

روایات مربوط به سرزمین شام و حوادث و شخصیت های آن در زمان ظهور فراوان است؛ امّا

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۹۱.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۴۲۳.

محور اصلی این دسته روایات، جنبش سفیانی است که بر سرزمین شام استیلاء یافته و آن را به طور یک پارچه تحت فرمان خود در می آورد. وی به منظور جلوگیری از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیروهای خود را به یاری فرمانروای حجاز می فرستد؛(۱) زیرا سفیانی با وجود فتوحات بسیار، نگران قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود که در آن روزها اخبار قیام او از مکّه و مدینه بر سرزبان ها خواهد افتاد.

سپاهیان سفیانی پس از تهاجم به مدینه و اشغال آن شهر، تمامی شیعیان آن جا را قتل عام می کنند و با شنیدن خبر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه به سمت مکّه، حدود دوازده هزار نفر از آن ها به تعقیب حضرت، راهی شهر مکّه می شوند که در میان راه، در بیابان بیداء، همگی به درون زمین فرو می روند و تنها دو یا سه نفر از آنان باقی می ماند تا این واقعه را گزارش کند.

ه) اهداف سفیانی

جنبش سفیانی در منطقه شام در اثر درگیری های فرقه ای جناح های سه گانه قدرت، به پیروزی می رسد: «تَخْرُجُ بِالشّام ثَلَاثِ رَایَاتٍ؛ الْأَصْهَبِ وَ الْأَبْقَعِ وَ السُّفْیَانِی؛(۲) در شام سه گروه پرچم بر

۱- ر.ک: عصر ظهور، ص۹۸.

۲- معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص ۸۱.

افراشته، به جنگ افروزی می پردازند: اصهب، ابقع و سفیانی.

سفیانی، با هدف توسعه طلبی و تسلط بر کشورهای خاورمیانه، از بیابان یابس (منطقه ای در دمشق) خروج می کند و به سوی فلسطین هجوم می آورد و مناطقی مثل دمشق، فلسطین، اردن، حمص، حلب و... را فتح می کند و به تصرت خود در می آورد. در مقابل او، اصهب و ابقع به قصد دست یابی به حکومت در شام، با وی به پیکار می پردازند، امّا با شکست مواجه شده و کشته می گردند. پس از آن، دغدغه اصلی سفیانی، تسلط بر شیعیان اهل بیت علیهم السلام و جنگ با آنان خواهد بود.

از این رو، سیر حرکت سفیانی نشان می دهد که هدف او از قیام و درگیری، در ابتدا قدرت طلبی سیاسی است، امّا در ادامه و پس از پیروزی بر رقبا، با توجّه به خصومت شدید با شیعیان، دست به اقدامات خشونت بار علیه آنان می زند، به همین دلیل، پس از تصرف شهرهای عراق و مدینه به جنایات هولناکی علیه شیعیان دست می زند.

و) جنایات سفیانی

از بلایای بزرگی که در آستانه ظهور دامن گیر مسلمانان می شود، فتنه سفیانی و جنایات وسیع و بی رحمانه ای است که او در شهرهای

مختلف بر مردم تحمیل می کند. وی به دنبال کسب پیروزی بر رقبای خود در شام، اقدام به لشکرکشی به سوی شهرهای عراق، مدینه و مکّه می کند تا این مناطق را غارت کرده و به تصرف خود در آورد. در این میان، مهم ترین دغدغه او تصرف شهرهای عراق است؛ لذا سپاهی را تجهیز و به سوی عراق گسیل می دارد.

امام باقر علیه السلام وقتی جریان خروج سفیانی را برای جابر جعفی توضیح می دهد، می فرماید: «ثُمَّ لَا یَکونُ لَهُ هِمَّهٌ إِلَّا الْإِقْبَالَ نَحْوَ الْعِرَاق؛(۱) سپس [بعد از پیروزی بر رقبای خود] تمام هم و تلاش او، این است که به سوی عراق حمله ور شود».

پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم نیز در مورد بروز این فتنه ویران گر، هشدار داده، می فرماید: «یَخْرُجُ عَلَیْهِمُ السُّفْیَانِیُّ مِنَ الْوَادِی الْیَابِسِ فِی فَوْرِ ذَلِک حَتَّی یَنْزِلَ دِمَشْقَ فَیَبْعَثُ جَیْشَیْنِ جَیْشاً إِلَی الْمَشْرِقِ وَ آخَرَ إِلَی الْمَدِینَهِ حَتَّی یَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِینَهِ الْمَلْعُونَهِ یَعْنِی بَغْدَادَ فَیَقْتُلُونَ أَکثَرَ مِنْ ثَلَاثَهِ آلَافٍ وَ یَفْضَحُونَ أَکثَرَ مِنْ مِائَهِ امْرَأَهٍ وَ یَقْتُلُونَ بِهَا ثَلَاثَمِائَهِ کبْشٍ مِنْ بَنِی الْعَبَّاسِ ثُمَّ یَنْحَدِرُونَ إِلَی الْکوفَهِ فَیُخَرِّبُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ یَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِینَ إِلَی الشَّام؛(۲) در زمانی که مردم گرفتار انواع فتنه اند، عنصر پلیدی به نام سفیانی از وادی یابس (دره خشک) بر آنان خروج می کند و در دمشق فرود می آید. آن گاه

۱- تفسیر عیاشی، ج ۱، ص۲۴۵؛ الغیبه، نعمانی، ص۲۸۹؛ الإختصاص، ص۲۵۶.

۲- مجمع البیان، ج۸، ص۲۲۸؛ تفسیر الصافی، ج۴، ص۲۲۷ .

دو سپاه، یکی به سوی مشرق و دیگری به سوی مدینه گسیل می دارد. سپاه او در سرزمین بابل و شهر بغداد –که نفرین شده است– فرود می آید و بیش از سه هزار نفر را می کشد و بیش از یک صد زن را هتک حرمت می کند و سیصد نفر از چهره ها و شخصیت های بنی عباس از بین می برد؛ سپس به کوفه سرازیر می گردد و خانه های اطراف آن را تخریب می کند، پس از آن به شام روی می آورد».

جنایات هولناک سفیانی و قساوت و بی رحمی او تاجایی است که شکم زنان حامله را دریده و کودکان آنان را زنده زنده در دیگ می جوشانند: «یَخْرُجُ السُّفْیَانِی فَیُقَاتِل حَتّی یَبْقُرُ بُطُونَ النِّسَاء وَ یُغلِی الْأَطْفَالَ فِی الْمَرَاجِل؛(۱) هنگامی که سفیانی خروج نماید، کشتار به راه می اندازد؛ تا جایی که حتی شکم زنان حامله را پاره کرده و اطفال و کودکان آن ها را در دیگ های بزرگ می جوشاند و می پزد».

در حدیث دیگری که ابن خثیم از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده، آمده است: «یَقْتُلُ السُّفیَانِی کُلَّ مَنْ عَصَاهُ وَ یَنْشُرُهُم بِالْمَنَاشِیر وَ یَطْبَخُهُمْ بِالْقُدُوْر سِتَّهَ اَشْهُر؛(۲) سفیانی هرکه با او مخالفت کند را به قتل می رساند، او را در مراکز عام معرفی می کند و آنان را در دیگ

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۴۱۹.

۲- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۴۲۰.

های بزرگ می پزد، این رویه را تا شش ماه خواهد داشت».

هم چنین از ایشان نقل شده است که فرمود: «یَخرُجُ رَجُلٌ یُقَالُ لَهُ السُّفیَانی فِی عُمقِ دمِشق وَ عَامّهُ مَن یَتبَعُه مِن کلْب فَیَقتُلُ حَتّی یَبْقَرُ بُطُونَ النِساء وَ یَقْتُلُ الصُّبیَان؛(۱) مردی به نام سفیانی از دمشق خروج می کند که تمامی قبیله کلب از او پیروی می کنند. او کشتار به راه می اندازد تا آن جا که شکم زنان حامله را می درد و بچه ها را به قتل می رساند. آن گاه یمنی ها (قبائل قیس) جمع می شوند تا با او بجنگند، امّا سفیانی آن ها را می کشد، به طوری که هیچ کس پناهی نمی یابد».

سفیانی پس از چیره شدن بر رقبای خود و تسلط بر شام، با هدف توسعه طلبی به مناطق عراق و شهرهای حجاز لشکرکشی می کند، بدین منظور سپاه عظیمی را سازماندهی می کند؛ بخشی را برای فتح عراق و بخشی دیگر را به سوی حجاز و مدینه گسیل می دارد. حرکت سفیانی، ابتدا از منطقه شام (دمشق) آغاز و به سرعت توسعه می یابد، سپس به سمت عراق و حجاز ادامه پیدا می کند.

در روایات بسیاری از جنایات هولناک او در شهرهای عراق خبر داده شده است. امام باقر علیه السلام می فرماید: «یَخْرُجُ السُّفْیانِی یَومَ جُمُعَهِ فَیَصَعَدُ مِنْبَر دِمَشق

۱- الدر المنثور، ج۵، ص۲۴۱؛ المیزان، ج۱۶، ص ۳۹۳.

وَ یُبـایِعُ النّاس عَلَی اَنْ لَا یُخالِفُوا اَمْرَهُ رَضُوهُ اَمْ کَرِهُوهُ. ثُمَّ یَخْرُجُ اِلَی الْغُوطَه، فَیَجْتَمِعُ اِلَیه خَمْسُونَ اَلْف مَقَاتِل ثُمَّ تَخْتَلِفْ الرَّایاتِ الثَّلَاث: فَرَایَهُ التَّرْک وَ اَلْعَجَم وَ هِیَ سَوْداءٌ وَ رَایَهٌ لِبَنِی الْعَبّاس صَفْراء وَ رایَهُ السُّفْیانِی حَمْراء فَیُغْلِبُهُمُ السُّفْیانِی بَعْدَ اَنْ یَقْتُلُ مِنْهُم سِتّینَ اَلفاًَو یَسِیرُ اِلَی حُمْصٍ فَاِلَی الْفُراتِ؛(۱) سفیانی در روز جمعه خروج می کند و بر منبر دمشق می نشیند و از مردم به زور بیعت می گیرد که خواه ناخواه از او اطاعت کنند. سپس به سوی منطقه غوطه (نواحی دمشق) حرکت می کند. در آن جا پنجاه هزار جنگاور گرد او می آیند. آنگاه سه گروه با سه پرچم، پشت سر هم خروج می کنند، پرچم ترکان و عجم که سیاه رنگ است، پرچم عباسیان که زرد رنگ است و پرچم سفیانی که به رنگ سرخ است. سفیانی با آنان به مقابله برمی خیزد و پس از آن که شصت هزار تن از آن ها را می کشد، بر آنان چیره می شود و به سوی حمص و سپس به سوی فرات حرکت می کند».

سفیانی بعد از تسلط بر شهر کوفه، به اسارت، شکنجه و کشتار شیعیان می پردازد، این اقدام جنایتکارانه سفیانی چنان با بی رحمی و قساوت همراه است که حتی کودکان و از کار افتادگان نیز در امان نمی مانند و هر که شیعه باشد از دم تیغ خواهد گذشت.

ص:۲۵۲

۱- شرح احقاق الحق، ج۲۹، ص۵۶۷؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۹۲.

امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «إِنَّا وَ آلَ أَبِی سُفْیَانَ أَهْلُ بَیْتَیْنِ تَعَادَیْنَا فِی اللَّهِ قُلْنَا صَدَقَ اللَّهُ وَ قَالُوا کَذَبَ اللَّهُ قَاتَلَ أَبُو سُفْیَانَ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ قَاتَلَ مُعَاوِیَهُ عَلِیَّ بْنَ أَبِی طَالِبٍ وَ قَاتَلَ یَزِیدُ بْنُ مُعَاوِیَهَ الْحُسَیْنَ بْنَ عَلِیٍّ علیه السلام وَ السُّفْیَانِیُّ یُقَاتِلُ الْقَائِمَ عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛(۱) ما و آل ابی سفیان دو خاندان هستیم که در امر خدا با یک دیگر دشمنی داریم، ما می گوییم: خداوند راست می گوید و آن ها می گویند: خداوند دروغ می گوید! ابوسفیان با رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم معاویه با علی بن ابی طالب علیه السلام و یزید بن معاویه با حسین بن علی علیه السلام جنگید و سفیانی هم با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جنگ خواهد کرد».

سپاه متجاوز سفیانی، در منطقه ای در اطراف نجف که «روحاء» نام دارد پیاده می شود و ده ها هزار نفر از آنان برای اشغال نجف و کوفه حرکت می کنند؛ امّا در ابتدا با مقاومت ستونی از مدافعانی که از بغداد می رسند، مواجه شده و با آنان در گیر می شوند و میانشان، جنگ سختی درمی گیرد که بالاخره سپاه سفیانی، پیروز می شود و کوفه را به اشغال خود درمی آورد و در آن جا به کشتار و غارت و اسارت مردم، می پردازد.

گرچه در مقابل تجاوز سفیانی، برخی از مردم برای دفاع از کوفه و مردم بی دفاع قیام می کنند، امّا قیام آنان سرکوب می گردد.

۱- معانی الاخبار، ص ۳۴۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۱۹۰.

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است: «إِذَ خَرَجَ السُّفْیانِی فِی سِتّینَ وَ ثَلَاثَمائَه رَاکبٌ حَتّی یأَتِی دِمَشْق، فَلَا یَأْتی عَلَیْهِم شَهْرٌ حَتّی یُتابَعَهُ مِنْ کلب ثَلَاثُونَ أَلْفاً فَیَبْعَثُ جَیْشَاً إِلَیَ الْعِرَاق فَیَقْتُلُ بِالزَّوْراءِ مِائَه أَلفَ وَ یَخْرَجُونَ إِلَی الْکوفَهِ، فَیَنْتَهِبُونَها؛(۱) هنگامی که سفیانی با سیصد و شصت سوار خروج کند، سی هزار نفر از قبیله کلب با او بیعت می کنند تا به دمشق رسد، هرماه که بگذرد سی هزار سپاه از تبار کلب به او ملحق شوند سپس او سپاهی را تجهیز و به سوی شهرهای عراق می فرستد.آنها در بغداد، صدهزار نفر را می کشند و به سوی کوفه می روند و آن جا را می کوبند و لگد مال می کنند».

عمر بن أبان کلبی، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «کأَنِّی بِالسُّفْیَانِیِّ أَوْ بِصَاحِبِ السُّفْیَانِیِّ قَدْ طَرَحَ رَحْلَهُ فِی رَحْبَتِکمْ بِالْکوفَهِ فَنَادَی مُنَادِیهِ مَنْ جَاءَ بِرَأْسِ شِیعَهِ عَلِیٍّ فَلَهُ أَلْفُ دِرْهَم فَیَثِبُ الْجَارُ عَلَی جَارِهِ وَ یَقُولُ هَذَا مِنْهُمْ فَیَضْربُ عُنُقَهُ وَ یَأْخُذُ أَلْفَ دِرْهَمٍ أَمَا إِنَّ إِمَارَتَکمْ یَوْمَئِذٍ لَا یَکونُ إِلَّا لِأَوْلَادِ الْبَغَایَا وَ کأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی صَاحِبِ الْبُرْقُع قُلْتُ وَ مَنْ صَاحِبُ الْبُرْقُع؛ گویا می بینم که سفیانی یا نماینده او بار و بنیه خود را در میدان کوفه پهن کرده (کنایه از اشغال و غارت) و منادی او فریاد می زند که هرکس سر یکی از شیعیان علی علیه السلام را بیاورد، هزار درهم جایزه می گیرد. آن گاه همسایه بر همسایه یورش می برد و به بهانه این که او از شیعیان علی علیه السلام

ص:۲۵۴

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص ۳۵۵.

است، او را گردن زده و هزار درهم می گیرد. آگاه باشید که حکومت شما در آن روز با زنازادگان خواهد بود. گویا می بینم کسی را که نقاب به صورت دارد». راوی عرض می کند: «چه کسی نقاب به صورت دارد؟» سپس آن حضرت فرمود: «فَقَالَ رَجُلٌ مِنْکمْ یَقُولُ بِقَوْلِکمْ یَلْبَسُ الْبُرْقُعَ فَیَحُوشُکمْ فَیَعْرِفُکمْ وَ لَا تَعْرِفُونَهُ فَیَغْمِزُ بِکمْ رَجُلًا رَجُلًا أَمَا إِنَّهُ لَا یَکونُ إِلَّا ابْنُ بَغِی؛(۱) شخصی از خود شما که ظاهراً شیعه است، امّا نقاب به صورت می کند و شما را شناسایی می کند، امّا شما او را نمی شناسید. سپس یکی یکی معرفی می کند. بدانید که او نیز زنازاده است».

امیرمؤمنان علیه السلام نیز می فرماید: «لم یزل السفیانی من اسمه محمد و علی و الحسن و الحسین و جعفر و موسی و فاطمه و زینب و مریم و خدیجه و سکینه و رقیّه حنقا و بعضاً لال محمد صلی الله علیه و آله و سلم ؛(۲) سفیانی هرکه از مردان و زنان را که محمد، علی، حسن، حسین، جعفر، موسی، فاطمه، زینب، مریم، خدیجه، سکینه و رقیه نام داشته باشند، به خاطر دشمنی با آل پیامبر علیه السلام می کشد».

جابربن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وَ یَظْهَرُ السُّفْیَانِیُّ وَ مَنْ مَعَهُ حَتَّی لَا یَکونَ لَهُ هِمَّهٌ إِلَّا آلَ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم وَ شِیعَتَهُمْ فَیَبْعَثُ بَعْثاً إِلَی الْکوفَهِ فَیُصَابُ بِأُنَاسٍ مِنْ شِیعَهِ آلِ

۱- الغیبه، طوسی، ص ۴۵۰؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۱۵.

۲- مجمع النورین، ص ۳۳۰.

مُحَمَّدٍ بِالْكوفَهِ قَتْلًا وَ صَلْبا؛(۱) سفیانی و هواداران او پیروز می گردند، تا آن جا که هیچ همتی جز دست یابی به آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و پیروان و شیعیان آن ها ندارند. بدین منظور سپاهی به کوفه اعزام می شوند و پیروان آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را کشتار نموده و به دار می آویزند».

در روایت دیگری که آن را نیز جابربن یزیدجعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده، آمده است: «وَ یَبْعَثُ السُّفْیَانِیُّ جَیْشاً إِلَی الْکوفَهِ وَ عِدَّتُهُمْ سَبْعُونَ أَلْفاً فَیُصِیبُونَ مِنْ أَهْلِ الْکوفَهِ قَتْلًا وَ صُلْباً وَ سَبْیاً؛(۲) سفیانی لشکری هفتادهزار نفری به کوفه گسیل می دارد. آنان اهل کوفه را می کشند و به دار می آویزند و برخی را نیز به اسارت می گیرند».

لشکریان سفیانی در طول سه روز، به تاراج و کشتار وسیع مردم کوفه می پردازند: «یَدْخُلُ السُّفْیانِی اَلْکوفَهَ فَیَسْبِیها ثَلَاثَهَ أَیّام وَ یَقْتُلُ مِنْ أَهْلِهَا سِتّینَ أَلْفَاً وَ یَمْکثُ فِیهَا ثَمَانِیَ عَشَرَهَ لَیْلَهً یِقَسَمُ أَمْوالَهَا؛(۳) سفیانی وارد شهر کوفه می شود و در طول سه روز، آن جا را پایمال کرده و شصت هزار نفر از ساکنان آن را به قتل می رساند. سپس حدود هجده شب در آن جا می ماند و اموال غارت شده مردم را در میان

۱- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۶۴؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۲۲.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۸۹؛ نور الثقلین، ج۱، ص۴۸۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۳۸.

۳- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۴۰۰.

سپاه خود تقسیم می کند».

عراق و مخصوصاً شهر شیعه نشین کوفه در زمان تسلط سفیانی، به کلی تخریب می شود: «وَ اَمَّا الْکُوْفان فَیَخْرِبُها رَجُلٌ مِنْ آلِ عَنْبَسهِ بْنِ أبِی سُفْیانِ یَعْنِی اَلسُّفْیانِی؛(۱) مردی از تبار عنبسه بن ابی سفیان (سفیانی) کوفه (عراق) را خراب خواهد کرد».

تبعات خرابی و ویرانی ناشی از سلطه سفیانی، نظیر فقر، نفرت، اختلاف، ناامنی، فساد و تباهی، دامن گیر سراسر مردم این منطقه خواهد شد؛ مخصوصاً عراق که هیچ گاه روی آرامش و قرار را نخواهد دید. امام صادق علیه السلام در این باره می فرماید: «یُزْجَرُ النَّاسُ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف عَنْ مَعَاصِیهِمْ بِنَارٍ تَظْهَرُ لَهُمْ فِی السَّمَاء وَ حُمْرَهٍ تُجَلِّلُ السَّمَاءَ وَ خَسْفٍ بِبَغْدَادَ وَ خَسْفٍ بِبَلْدَهِ الْبَصْرَهِ وَ دِمَاءٍ تُسْفَکُ بِهَا وَ خَرَابِ دُورِهَا وَ فَنَاءٍ یَقَعُ فِی أَهْلِهَا وَ شُمُولِ أَهْلِ الْعِرَاقِ خَوْفٌ لَا یَکونُ مَعَهُ قَرَار؛(۲) قبل از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به واسطه پدیدار شدن آتشی در آسمان و بالا رفتن و بزرگ شدن سرخی [شعله های جنگ] در آسمان، مردم کیفر گناهان و معاصی خود را دیده و عذاب خواهند شد. هم چنین مردم به واسطه فرورفتن شهرهای بغداد و بصره در زمین، ریخته شدن خون ها، خراب شدن خانه ها، نابود شدن مردم، ظاهر شدن ترس و وحشت در میان مردم عراق که آرامش و قرار را از

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۴۲۱.

۲- الارشاد، ج۲، ص۳۷۸؛ المستجاد، ص۲۶۲؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۸۵؛ کشف الغمّه، ج۳، ص ۲۶۱.

آن ها سلب خواهد کرد، عذاب می گردند».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است که فرمود: «یُوَشکُ أَهْلُ الْعَراق أَنْ لَا یَجیُ ء إِلَیْهِمْ قَفِیزٌ وَ لَا دِرْهُمٌ، قِیْلَ مِنْ أَیْنَ؟ قَالَ: مِنْ قَبِلِ الْعَجَم یَمْنَعُونَ ذَلِک، ثُمَّ قَالَ: یُوشَک أَهْلُ الشَّام أَنْ لَا یجئُ إِلَیْهم دِیْنارٌ وَ لَا مدی، قِیْلَ مِنْ أَیْنَ ذَلِک؟ قَالَ: مِنْ قِبَلِ الرُّوم وَ مُنِعَتِ الْعَراق قَفِیزَهَا وَ دَرْهَمَهُا وَ مُنِعَتْ مِصْر إِردَبُها وَ دِیْنارُها وَ عِدْتُم مِنْ حَیْثُ بَدَأْتمُ؛ یَعْنِی یَخْرُجُ النَّاسُ عَنِ الدِّین فَوْجَاً فَوْجاً؛(۱) عراق از پیمانه مخصوص به خود و درهمش توسط عجم ها منع می شوند، اهل شام از پیمانه مخصوص به خود و دینارش توسط رومی ها (غرب) ممانعت می شوند (تحریم اقتصادی می شوند) و مصر از پیمانه مخصوص به خود و دینارش محروم می شوند و بر می گردید به همان جایی که شروع کردید؛ یعنی مردم گروه گروه از دین خارج می شوند».

قیام خراسانی

بر اساس روایات، یکی از نیروهایی که در آستانه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به پا می خیزد، سید خراسانی(۲) است. خصوصیات فردی این شخصیت در روایات به طور شفاف بیان نشده است؛ امّا

۱- کنز العمال، ج۱۱، ص۱۳۱؛ بحار الانوار، ج۳۴، ص۱۷۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص ۳۰۲.

۲- در اصطلاح روایات، واژه خراسان، ناظر به ایران آن زمان است و تا مناطق ماوراءالنهر را شامل می شود. ایران، افغانستان، ترکمنستان، تاجیکستان و ازبکستان، بخش هایی از خراسان قدیم هستند.

آن چه مسلم است این که شخصیت خراسانی به دلیل برخورداری از توان نظامی، نقش مهمی در رویارویی و جنگ با سفیانی و حمایت از جبهه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. طبق روایات، فرماندهی لشکر انبوه سید خراسانی در نبرد با سفیانی را شعیب بن صالح بر عهده دارد.

سید خراسانی چند ماه مانده به ظهور و در ماه مبارک رجب، هم زمان با سفیانی و یمانی قیام می کند، در حالی که هدف همه آن ها عراق است.

امام باقر علیه السلام فرمودند: «یَخْرُجُ شَابٌّ مِنْ بَنِی هَاشِمٍ بِکَفِّهِ الْیُمْنی خَالٌ وَ یَأْتِیْ مِنْ خُرَاسَان برایات سود بین یدیه شعیب بن صالح، یقاتل أصحاب السفیانی فیهزمهم؛(۱) جوانی از نسل هاشم که در دست راست وی خالی است، از طرف خراسان با پرچم های سیاه خروج می کند. فرمانده لشکر او شعیب بن صالح است و او با لشکر سفیانی نبرد کرده و آنان را متلاشی می نماید».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّا أَهْلُ بَیْتٍ اخْتَارَ اللَّهُ لَنَا الْآخِرَةَ عَلَی الدُّنْیا وَ إِنَّ أَهْلَ بَیْتِی سَیَلْقَوْنَ بَعْدِی بَلَاءً وَ تَشْرِیداً وَ تَطْرِیداً حَتَّی یَأْتِیَ قَوْمٌ مِنْ قِبَلِ الْمَشْرِقِ وَ مَعَهُمْ رَایَاتٌ سُودٌ فَیَسْأَلُونَ الْحَقَّ فَلَا یُعْطَوْنَهُ فَیُقَاتِلُونَ وَ یُنْصَرُونَ فَیُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا یَقْبَلُونَ حَتَّی یَدْفَعُوهُ إِلَی رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی فَیَمْلَؤُهَا قِسْطاً کمَا مَلَئُوهَا جَوْرا؛(۲) ما خاندانی هستیم که خداوند آخرت را در مقابل دنیا برای ما برگزیده

۱- الملاحم و الفتن، ص۵۳.

۲- الدر النظیم، ۷۹۹؛ شرح إحقاق الحق، ج۲۹، ص۱۴۱.

است. همانا پس از من دودمانم آواره و مطرود مردم واقع خواهند شد، تا آن گاه که پرچم های سیاه از سوی مشرق پدیدار شود. پس آنان حق را طلب کنند، لیکن به ایشان داده نشود. پس می جنگند و پیروز می شوند. هر کس از شما یا نسل شما ایشان را درک کرد، باید خود را به آنان رساند؛ اگر چه بر روی یخ ها بخزد. آنان امر را به مردی از خاندان من می سپارند که زمین را از عدل و داد لبریز می سازد، پس از آن که از ظلم و جور مالامال شود».

جابر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «تَنْزِلُ الرَّایَاتُ السُّودُ الَّتِی تَخْرُجُ مِنْ خُرَاسَانَ إِلَی الْکوفَهِ فَإِذَا ظَهَرَ الْمَهْدِیُّ بُعِثَ إِلَیْهِ بِالْبَیْعَهِ(۱)؛ بیرق های سیاهی از خراسان بیرون می آید و به جانب کوفه به حرکت در می آیند. پس چون مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شود، نزد او برای بیعت حاضر می شوند».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرموده است: «إِذَا رَأَیْتُمُ الرَّایَاتِ السُّودَ قَدْ أَقْبَلَتْ مِنْ خُرَاسَانَ فَائْتُوهَا وَ لَوْ حَبْواً عَلَی الثَّلْجِ فَإِنَّ فِیهَا خَلِیفَهَ اللَّهِ الْمَهْدِیَّ عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛(۲) هنگامی که مشاهده کردید پرچم های سیاه از سوی خراسان می آیند، با هر وسیله ممکن به سوی آن ها بشتابید، هر چند مجبور باشید

ص:۲۶۰

۱- الخرائج و الجرائح، ج۳، ص۱۱۵۸؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۱۷.

۲- بحار الانوار، ج۵۱، ص۸۲.

برای این کار روی برف و یخ سینه خیز بروید، چراکه خلیفه خدا، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در میان آن پرچم ها حضور دارد».

ابوخالد کابلی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «كَأَنِّي بِقَوْمٍ قَدْ خَرَجُوا بِالْمَشْرِقِ يَطْلُبُونَ الْحَقَّ فَلَا يُعْطَوْنَهُ ثُمَّ يَطْلُبُونَهُ فَلَا يُعْطَوْنَهُ فَإِذَا رَأَوْا ذَلِكَ وَضَعُوا سُيُوفَهُمْ عَلَى عَوَاتِقِهِمْ فَيُعْطَوْنَ مَا سَأَلُوا فَلَا يَقْبَلُونَهُ حَتَّى يَقُومُوا وَ لَا يَدْفَعُونَهَا إِلَّا إِلَى صَاحِبِكُمْ قَتْلَاهُمْ شُهَدَاءُ أَمَا إِنِّي لَوْ أَدْرَكْتُ ذَلِكَ لَأَبْقَيْتُ نَفْسِي لِصَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ؛(۱) گویا می بینم قومی را که در مشرق خروج کرده اند، حق را مطالبه می کنند امّا به ایشان داده نمی شود. باز مطالبه حق می کنند و به ایشان داده نمی شود. پس چون چنین ببینند، شمشیرهای خود را بر دوش خود گذارند، آن گاه آن چه می خواستند به ایشان داده شود و ایشان قبول نکنند تا این که قیام کنند و دولت را جز به صاحب شما تحویل ندهند. کشته های ایشان شهید هستند. آگاه باشید اگر من آن زمان را درک می کردم خود را برای صاحب این امر نگاه می داشتم».

این روایت دلالت روشنی بر اصالت و حقانیت نهضت مردمان مشرق زمین و نقش زمینه ساز آن دارد. ظاهراً کلمه «مشرق» در این روایت نیز ناظر به منطقه خراسان است؛ همان چیزی که در دیگر روایات بدان تصریح شده است. از

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۷۳؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۴۳.

این روایت استفاده می شود که تشکیل سپاه و سازماندهی رزمندگان خراسان، با مدیریت مستقیم امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یا حداقل با هماهنگی و اشراف آن حضرت خواهد بود. آنان در مقابله با دشمنان حضرت در عراق، یعنی جنبش سفیانی، نقش مؤثری خواهند داشت.

در رابطه با قیام خراسانی، چند نکته قابل ذکر است:

۱. عنوان خراسان تا بلخ و بخارا را شامل می شود؛ لذا در مورد محل دقیق خروج وی و این که از کدام قسمت خراسان خروج می کند، در روایات مطلبی نیامده است.

۲. ماهیّت و چگونگی قیام خراسانی نیز در روایات به صورت شفاف بیان نشده است. به همین جهت در این خصوص و نیز شخصیتی که رهبری این قیام را به عهده دارد، اطلاعات دقیقی وجود ندارد. در برخی روایات، از سید خراسانی و در برخی دیگر از سید حسنی، سخن به میان آمده است. به همین جهت این احتمال وجود دارد که این دو عنوان برای یک نفر باشد یا این که از خراسان دو قیام با رهبری دو نفر صورت خواهد پذیرفت.

۳. قیام خراسانی نقش برجسته ای در زمینه سازی و حمایت از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارد. همان گونه که در روایت ابوخالد کابلی از

امام باقر علیه السلام اشاره شد، حضرت ضمن این که بر حقانیت انقلاب اهل خراسان و کشته شدگان آن ها تأکید کرده، از نقش حمایتی آنان در برپایی حکومت عدل مهدوی خبر داده است.

۴. هم زمانی قیام خراسانی با خروج سفیانی به گونه ای خواهد بود که در روایات به دو اسب مسابقه تشبیه شده اند که یکی از مشرق و دیگری از مغرب به طرف کوفه در حرکت اند: «يَخْرُجَ عَلَيْهِمُ الْخُرَاسَانِيُّ وَ السُّفْيَانِيُّ هَذَا مِنَ الْمَشْرِقِ وَ هَذَا مِنَ الْمَغْرِبِ يَسْتَبِقَانِ إِلَى الْكوفَةِ كفَرَسَيْ رِهَانٍ».(۱) هم چنین حرکت سپاهیان خراسانی هم زمان است با حرکت نیروهای یمن به فرماندهی شخصی موسوم به «یمانی» که روایات مربوط به این هم راهی و هم زمانی را در قسمت بعدی بیان خواهیم نمود.

قیام شعیب بن صالح

از جمله قیام هایی که در آستانه ظهور به وقوع می پیوندد، قیامی است با فرماندهی چهره شاخصی به نام شعیب بن صالح که برای مقابله با دشمنان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و حمایت از ایشان صورت می گیرد. شعیب بن صالح نام شخصی است که بنابر روایات اسلامی، در نزدیکی ظهور به عنوان فرمانده سپاه خراسان توسط سید خراسانی برگزیده می شود. در این رابطه

ص:۲۶۳

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۶۴؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۳۲.

بیان چند نکته بایسته است:

برخی روایات، وی را مردی از تبار بنی تمیم معرفی کرده اند. از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که فرمود: «ثُمّ یُقبِلُ الرّجُلُ التّمِیمِی شُعَیبِ بنِ صَالِح سَقَی اللّه بِلادَ شُعَیب بِالرّایَهِ السّوداء المَهْدِیّه بِنَصْرِ اللّه وَ کلِمَته حَتّی یُبَایعَ الْمَهَدِی بَینَ الرُّکنِ وَ الْمَقَام؛(۱) بعد از آن، مرد تمیمی که شعیب بن صالح نام دارد خدا شهرهای شعیب را آباد می کند و با بیرق سیاه به نصرت دین خدا می آید تا این که بین رکن و مقام با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت نماید».

در برخی از روایات، قیام وی از منطقه سمرقند ذکر شده است. از امام زین العابدین علیه السلام نقل شده است که بعد از خروج عوف سلمی در تکریت عراق، شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند: «یَکونُ خُرُوجُ شُعَیْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدَ ثُمَّ یَخْرُجُ السُّفْیَانِیُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِی الْیَابِس؛(۲)شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند پس از وی سفیانی ملعون از سرزمین خشک خروج می کند».

زمان قیام وی نیز ظاهراً هم زمان با خروج سفیانی یا کمی پیش از آن است. در روایتی

۱- الملاحم و الفتن، ص۱۳۸. وی در سخنی که از محمد بن حنفیه نقل شده نیز تمیمی یاد شده است: «علی مقدمتهم رجل یقال له شعیب بن صالح أو صالح بن شعیب من تمیم». الملاحم و الفتن، ص۵۲.
۲- الغیبه، طوسی، ص۴۴۴؛ الخرائج و الجرائح، ج۳، ص۱۱۵۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۱۳.

از امام رضا علیه السلام قیام شعیب بن صالح هم زمان با خروج سفیانی و یمانی ذکر شده است: «قَبْلَ هَـٰذَا الْأَمْرِ السُّفْیَانِیُّ وَ الْیَمَانِیُّ وَ الْمَرْوَانِیُّ وَ شُعَیْبُ بْنُ صَالِحٍ».(۱) در روایتی دیگر، جذلم بن بشیر روایت کرده که در محضر امام زین العابدین علیه السلام عرض کردم: «آمدن مهدی و نشانه ها و علائم آن را برای من بیان فرمائید تا بدانم کی ظهور می کند». حضرت فرمود: «یکونُ قَبْلَ خُرُوجِهِ خُرُوجُ رَجُلٍ یُقَالُ لَهُ عَوْفٌ السُّلَمِیُّ بِأَرْضِ الْجَزِیرَهِ وَ یَکونُ مَأْوَاهُ تِکرِیتٌ وَ قَتْلُهُ بِمَسْجِدِ دِمَشْقَ ثُمَّ یَکونُ خُرُوجُ شُعَیْبِ بْنِ صَالِحٍ مِنْ سَمَرْقَنْدَ ثُمَّ یَخْرُجُ السُّفْیَانِیُّ الْمَلْعُونُ مِنَ الْوَادِی الْیَابِسْ؛(۲) پیش از آمدن حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی به نام عوف بن سلمی از جزیره خروج می کند. او در تکریت سکونت دارد و در مسجد دمشق کشته می شود. آنگاه شعیب بن صالح از سمرقند خروج می کند و سپس سفیانی ملعون از بیابان یابس می آید».

بر اساس روایات، قیام وی همانند خراسانی با هدف مقابله با جریان ستمگر سفیانی انجام می گیرد. این قیام، اندکی قبل از ظهور به وقوع می پیوندد و به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منتهی می شود. با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شعیب بن صالح و نیروهای تحت امرش با ایشان بیعت می کنند و به حمایت از ایشان می

۱- مسند الإمام الرضا علیه السلام، ج۱، ص۲۱۸.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۱۳.

پردازند.

بر اساس برخی روایات، وی پس از پیوستن به لشکریان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جزو سرداران سپاه حضرت خواهد شد؛ تا جایی که از وی به عنوان علمدار سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده است: «ثُمَّ یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ عَلَی لِوَائِهِ شُعَیْبُ بْنُ صَالِحٍ»؛(۱) «إِذَا بَلَغَ السُّفیَانِی اَلْکُوفَه وَ قَتَلَ اَعْوَانَ آلَ مُحَمّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم خَرَجَ المَهْدِی عَلی لِوَائِه شُعَیْب بنِ صَالِحْ»؛(۲) هنگامی که سفیانی به کوفه رسید و یاران آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را کشت، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کند در حالی که شعیب بن صالح پرچم دار او خواهد بود».

امیر المومنین علیه السلام می فرماید: «إذَا خَرَجَت الرّایَات السُّود مِنْ السُّفیَانِی الّتی فِیهَا شُعَیْبُ بن صَالِح تَمَنّی النَّاسُ اَلمَهْدِیّ فَیَطْلُبُوَنُه فَیَخرُجُ مِن مَکه»؛(۳) هرگاه پرچم های سیاهی که شعیب بن صالح فرماندهی آن را به عهده دارد ظاهر شوند و لشکریان سفیانی را شکست دهند، مردم آرزوی مهدی کنند و به جستجوی او برآیند و او از مکه خروج کند». هم چنین جابر از حضرت باقر علیه السلام نقل کرده است: «وَ یَأتی مِن خُرَاسَان بِرَایَات سُود بَین یَدَیهِ شُعَیْبُ بن صَالِح یُقَاتِلُ اَصْحَابَ السّفیَانِی فیَهزِمُهُم»؛(۴) شعیب بن صالح با لشکریان سفیانی جنگ خواهد کرد و آنان را شکست خواهد داد».

۱- الغیبه، طوسی، ص۴۶۴؛ معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۳۹۹.

۲- الملاحم و الفتن، ص۵۵.

۳- الملاحم و الفتن، ص۶۴.

۴- الملاحم و الفتن، ص ۲۷۰.

این گونه روایات نشان می دهد که قیام شعیب بن صالح و نبرد و جهاد وی با جبهه سفیانیان، نقش مهمی در تقویت جبهه حق و فراهم سازی مقدمات ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد داشت. سخن امام سجاد علیه السلام نیز که فرمود: «فَإِذَا ظَهَرَ السُّفْيَانی اِخْتَفَی الْمَهدِیّ ثُمّ يخْرُجُ بَعدَ ذَلِکَ»(۱) بیانگر نقش مؤثر قیام شعیب در حمایت از حضرت و شکست سفیانی است.

قیام یمانی

اشاره

یکی از رخدادهای مهم و تأثیر گذار در هنگام ظهور، نهضت یمنی ها به فرماندهی شخصی به نام «یمانی»(۲) است که در روایات، قیام او از نشانه ها و علائم حتمی ظهور معرفی شده است. یمانی احتمالاً در ماه رجب و از یمن به پشتیبانی از اهل بیت علیه سفیانی قیام می کند و مردم را به حق و عدل فرا می خواند. سپاه او در عراق با سپاهی که از خراسان آمده متحد می شود.

بر پایه روایات، اصل قیام یمانی در هنگامه ظهور حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف یک امر قطعی و مسلّم و جزو علائم حتمی ظهور است. بر اساس تتبع

ص:۲۶۷

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۱۳.

۲- مسأل ه قیام یمانی در آستان ه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، صرفاً در منابع روایی شیعی منعکس شده و در مجامع روایی اهل سنت سخنی از آن به میان نیامده است.

نگارنده، بیش از چهل و پنج روایت در این رابطه در مجامع حدیثی شیعه نقل شده که از این مجموع، تعداد روایاتی که بدون تکرار در منابع معتبر قدیمی وارد شده، حدود شانزده روایت است.

بـا توجّه به عنـایت خـاص روایـات به قیـام یمـانی و اهمیّت و ویژگی هـای آن، لازم است ابعـاد مختلف این قیام، نظیر رهبری نهضت، زمـان قیـام، مکان قیام، ملیت یمانی، خصوصـیات شخصـی یمانی، اهـداف قیام، ویژگی های قیام و... مورد توجّه قرار گیرد.

الف) هویّت یمانی

در روایات، خصوصـیات اسـمی و نسبی این شخصیت، چندان شفاف بیان نشده است؛ بلکه تنها دو روایت وجود دارد که از او با نام حسن و حسین یاد کرده اند:

الف) در کتاب بشارهٔالاسـلام آمده است: «یَخرُجُ مَلِکٌ فِی صَنْعَاءِ الْیَمَنْ اِسْمُهُ حُسَین اَوْ حَسَنْ؛(۱) فرمانروایی از صنعای یمن به نام حسین یا حسن قیام خواهد کرد و در پرتو قیام او که خجسته و طاهر است، فتنه ها از میان می رود و حق پس از پنهان شدن آشکار می گردد».

ب) روایت دوم در کتاب بشاره الاسلام و نور

ص:۲۶۸

۱- بشار ۀ الاسلام، ص۱۸۷.

الابصار شبلنجی به نقل از امام صادق علیه السلام وارد شده است که اشاره به نسبت یمانی دارد: «خُرُوجُ رَجُلٍ مِنْ وُلْدِ عَمِّی زَیْدٌ بِالْیَمَن».(۱)

آن چه در کتاب های متأخرین در مورد مشخصات اسمی یا نسبی یمانی ذکر شده نیز مبتنی بر همین دو روایت است. نویسنده کتاب عصر ظهور با اشاره به روایت اول، احتمال داده است که این شخص همان «کرعه» و از یمن باشد.(۲)

آیه الله صافی گلپایگانی نیز در کتاب منتخب الاثر معتقد است که وی از یمن خروج می کند: «اَلْیَمَانِی رَجُلٌ یَدْعُوا اِلَی الْمَهْدِیّ وَ یَخْرُجُ مِنَ الْیَمَنْ؛(۳) یمانی مردی است که مردم را به سوی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرا می خواند و از یمن خروج می نماید».

به نظر می رسد دلالت این روایات بر اثبات مطلب، جای تأمل دارد؛ زیرا ظاهر دو روایت مورد اشاره، دلالت روشنی بر این که مراد از یمانی، همان یمانی مورد نظر در باب علائم ظهور باشد، ندارد. چون در هیچ کدام از این دو روایت، صحبتی از خروج در هنگام ظهور یا نزدیک به ظهور نشده است. لذا این احتمال وجود دارد که مراد از یمانی در این دو روایت، یمانی معهود در عصر راوی باشد.

۱- بشارة الاسلام، ص۱۸۷.

۲- عصر ظهور، ص۱۵۹.

۳- منتخب الأثر، ص۵۶۳.

بنابراین در مورد شناسنامه اسمی و نسبی یمانی به خاطر عدم شفافیت مسأله در روایات، نمی توان قضاوت قطعی کرد.

ب) خروج حتمی یمانی

در بعضی از روایات تصریح شده که خروج یمانی یکی از علائم ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد. برای مثال، امیرالمومنین علیه السلام می فرماید: «مِنَ الْمَحْتُومِ الَّذِی لَابُدّ مِنهُ اَنْ یکُونَ قَبلَ الْقَائِمِ خُروجُ السُّفیَانی وَ خَسفٌ بِالْبَیْدَأ وَ قَتْلِ النّفْسِ الزّکِیه وَ الصِّیْحَهُ مِنْ السَّماء وَ خُرُوجِ الْیَمَانِی؛(۱) از امور حتمی که به ناچار باید قبل از قیام قائم رخ دهد، خروج سفیانی، فرو رفتن زمین در صحرا، کشته شدن نفس زکیه، صیحه آسمانی و خروج یمانی است».

عمربن حنظله نیز از امام صادق علیه السلام نقل می کند: «خَمْسٌ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ مِنَ الْعَلَامَاتِ الصَّیْحَهُ وَ السُّفْیَانِیُّ وَ الْخَسْفُ بِالْبَیْدَاءِ وَ خُرُوجُ الْیَمَانِیِّ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکیّه(۲)؛ پنج چیز پیش از قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از نشانه های حتمی است: صدای آسمانی، خروج سفیانی، خسف بیداء، خروج یمانی و کشته شدن نفس زکیه».

در حدیث مفصل دیگری محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام نقل می کند: «وَ أَنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْیَانِیِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْیَمَانِیِّ وَ صَیْحَهً مِنَ السَّمَاءِ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ وَ

ص:۲۷۰

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۲.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۴۹؛ الخصال، ص۳۰۴.

مُنَادٍ یُنَادِی بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِیه؛(۱) از علامات قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج سفیانی از شام، خروج یمانی از یمن، صیحه آسمانی در ماه رمضان و ندای آسمانی است که منادی او را به نام خودش و پدرش می خواند».

ج) زمان قیام یمانی

در روایات، قیام یمانی هم زمان با قیام خراسانی و خروج سفیانی و در یک سال و یک ماه و یک روز بیان شده است. از سوی دیگر، با توجّه به این که خروج سفیانی در ماه رجب ذکر شده چنان که گذشت معلوم می شود که قیام یمانی نیز در ماه رجب اتفاق خواهد افتاد. در این جا به چند نمونه از روایات اشاره می کنیم:

ابوبصیر در حدیثی مفصل نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «خُرُوجُ السُّفْیَانِیِّ وَ الْیَمَانِیِّ وَ الْخُرَاسَانِیِّ فِی سَنَهٍ وَاحِدَهٍ وَ فِی شَهْرٍ وَاحِدٍ فِی یَوْمٍ وَاحِدٍ وَ نِظَامٍ کنِظَامِ الْخَرَزِ یَتْبَعُ بَعْضُهُ بَعْضاً؛(۲) آمدن سفیانی و خراسانی در یک سال و یک ماه و یک روز می باشد، مانند گردن بندی که دانه های آن منظم و یکی از پی دیگری است».

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص ۳۲۸.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۳.

«الْیَمَانِیُّ وَ السُّفْیَانِیُّ کفَرَسَیْ رِهَانٍ؛(۱) یمانی و سفیانی[در رقابت در جبهه حق و باطل] مانند دو اسب تیزرو هستند».

عمر بن حنظله نیز از امام صادق علیه السلام روایت کرده است: «خَمْسٌ قَبْلَ قِیَامِ الْقَائِمِ علیه السلام الْیَمَانِیُّ وَ السُّفْیَانِیُّ وَ الْمُنَادِی یُنَادِی مِنَ السَّمَاءِ وَ خَسْفٌ بِالْبَیْدَاءِ وَ قَتْلُ النَّفْسِ الزَّکیَّهِ؛(۲) پنج چیز قبل از قیام قائم به ظهور خواهد رسید، یمانی، سفیانی، فریاد منادی از آسمان، فرو رفتن در بیابان و قتل نفس زکیه».

امام باقر علیه السلام در روایت دیگری با اندکی تفاوت می فرماید: «وَ أَنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْیَانِیِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْیَمَانِیِّ وَ صَیْحَهً مِنَ السَّمَاءِ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ وَ مُنَادٍ یُنَادِی بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِیه؛(۳) و از نشانه های خروج مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج سفیانی است از شام و خروج یمانی است از یمن و صیحه ای است آسمانی در ماه رمضان و منادی ای است که از آسمان به نام او و نام پدرش فریاد می کشد».

باید توجّه داشت که در این روایات، ضمن تأکید بر حتمی بودن خروج یمانی قبل از قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف محل خروج وی را نیز یمن عنوان کرده اند، که مؤید احتمال یمنی بودن

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۰۶.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۴۹؛ الغیبه، طوسی، ص۴۳۶.

۳- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص ۳۲۸؛ الخصال، ص۲۴۴.

اوست؛ چنـان که قبلاً ـ نیز اشـاره شـد. زیرا ظـاهر کلاـم حضـرت در روایت اخیر (الیمـانی من الیمن) و تعبیر«خروج الیمانی من الیمـن» در روایـت نخسـت بـه قرینه جمله «خروج السـفیانی من الشـام» که قبـل از آن مطرح شـده، این است که حضـرت محل خروج وی را یمن می داند.

امام صادق علیه السلام در جای دیگری می فرماید: «خُرُوجُ الثَّلَاثَهِ الْخُرَاسَانِیِّ وَ السُّفْیَانِیِّ وَ الْیَمَانِیِّ فِی سَنَهٍ وَاحِدَهٍ فِی شَهْرٍ وَاحِدٍ فِی یَوْمٍ وَاحِدٍ؛(۱) آمدن خراسانی و سفیانی و یمنی در یک سال و یک ماه و یک روز خواهد بود».

یعقوب بن سراج نیز نقل کرده است که خدمت امام صادق علیه السلام عرض کردم: «فرج شیعیان شما چه زمانی خواهد بود؟» حضرت پاسخ داد: «إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَی سُلْطَانُهُمْ وَ طَمِعَ فِیهِمْ مَنْ لَمْ یَکنْ یَطْمَعُ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعِنَّتَهَا وَ رَفَعَ کلُّ ذِی صِیصِیَهٍ صِیصِیَتَهُ وَ ظَهَرَ السُّفْیَانِیُّ وَ أَقْبَلَ الْیَمَانِیُّ وَ تَحَرَّک الْحَسَنِیُّ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِینَهِ إِلَی مَکهَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ؛ هنگامی که بنی عباس به اختلاف دچار شوند و اساس حکومتشان سـست گردد و در ایشان کسی طمع ورزد که هرگز طمع و خیال آن را نمی داشته و عرب لجام خود را بگسلد و هر صاحب وسیله دفاعی، وسیله دفاع خود را برافرازد و سـفیانی ظهور کند و یمانی پدیدار گردد و حسـنی به جنبش خیزد، آنگاه صاحب این امر با میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم از مدینه

۱- الارشاد، ج۲، ص۴۴۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۲۱۰.

به سوی مکّه خروج می کند». عرض کردم: میراث رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چیست؟ فرمود: «قُلْتُ وَ مَا تُرَاثُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ سَيْفُهُ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ رَايَتُهُ وَ قَضِيبُهُ وَ فَرَسُهُ وَ لَأْمَتُهُ وَ سَرْجُه؛(۱) شمشیر، زره، عمامه، برد، پرچم، عصا، اسب، وسائل جنگی و زین آن حضرت».

در این روایت نیز خروج یمانی همانند خروج سفیانی و حرکت سید حسنی (که شاید مراد، همان سید خراسانی باشد که در روایات دیگر آمده است) اندکی قبل از ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و یا متصل به آن ذکر شده است. تعبیر «وَ أَقْبَلَ الْيَمَانِيُّ» در این روایت بیان گر اقدامات تمهیدی و زمینه ساز جناب یمانی جهت استقبال از حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشد.

د) محل خروج یمانی

با توجّه به روایاتی که محل خروج یمانی را یمن گفته اند، می توان احتمال داد که ملیت او نیز یمنی است. مثلاً در روایتی از امام باقر علیه السلام آمده است: «وَ إِنَّ مِنْ عَلَامَاتِ خُرُوجِهِ خُرُوجَ السُّفْيَانِيِّ مِنَ الشَّامِ وَ خُرُوجَ الْيَمَانِيِّ مِنَ الْيَمَنِ؛(۲) و از نشانه های قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج سفیانی از شام و خروج یمانی از یمن است».

ایشان در روایت دیگری فرموده است: «ثُمَّ يَسِرُ اِلَيهِم مَنْصُورُ اَلْيَمَانِی مِنْ صَنْعَأ بِجُنُودِهِ... فَيَلْتَقِیَ هُوَ وَ اْلاَخْوَص...فَيَكُونُ

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۷.
۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۲۸.

بَیْنَهُمَا قِتَالٌ شَدِیْد؛(۱) سپس منصور یمانی با سپاهی که از صنعا تدارک دیده است، به سوی آنان (لشکریان سفیانی در عراق) حرکت می کند تا این که با اخوص (سفیانی) روبرو و سخت با او درگیر نبرد می شود».

حضرت صادق علیه السلام نیز از یمانی به عنوان کسی که چشم سفیانی را از حدقه در می آورد، یاد کرده و فرموده است: «ذُکرَ عِنْدَ أَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام السُّفْیَانِیُّ فَقَال: أَنَّی یَخْرُجُ ذَلِکَ وَ لَمْ یَخْرُجْ کاسِرُ عَیْنِهِ بِصَنْعَاءَ؛(۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نمی کند، مگر این که قبل از او کسی که چشم سفیانی را از حدقه در می آورد (یعنی یمانی) از صنعای یمن خروج کند».

امّا این روایات درباره این که مراد از یمن، کشور فعلی یمن است که مرکز آن صنعا است یا این که منطقه گسترده و وسیع تری را شامل می شود، صراحت ندارند. از این رو با توجّه به این که در روایات از اهل یمن به دلیل نقش مؤثر آنان در زمینه سازی ظهور و یاری حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف تجلیل و ستایش شده است، این احتمال وجود دارد که وی از اهل یمن باشد و چون هیچ قرینه ای دالّ بر این که یمن در گذشته دارای قلمرویی بیشتر از یمن فعلی بوده باشد، وجود ندارد، احتمال می رود که

ص:۲۷۵

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۲۷۶.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۸۶.

منظور از یمن در روایات، کشور فعلی یمن است.

ه) اهداف قیام یمانی

در میان شخصیت های مؤثر در زمینه سازی و قیام برای دفاع و حمایت از حضرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشریف هیچ شخصیتی همانند یمانی در روایات، مورد تجلیل و عنایت قرار نگرفته است. قیام او بیش از دیگران از جهت قداست هدف و خلوص انگیزه و دعوت به سوی حق از سوی ائمه علیه السلام مورد تأیید و تکریم خاص قرار گرفته است.

امام صادق علیه السلام در توصیف قیام یمانی می فرماید: «وَ لَیْسَ فِیهَا رَایَهٌ أَهْدَی مِنْ رَایَهِ الْیَمَانِیِّ لِأَنَّهُ یَدْعُو إِلَی الْحَق؛(۱) هیچ پرچم و حرکتی در هنگامه ظهور، رشد یافته تر ازحرکت یمانی نیست. او مردم را به سوی حق، هدایت و راهنمایی می کند».

در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «وَ لَیْسَ فِی الرَّایَاتِ رَایَهٌ أَهْدَی مِنْ رَایَهِ الْیَمَانِیِّ هِیَ رَایَهُ هُدًی لِأَنَّهُ یَدْعُو إِلَی صَاحِبِکمْ فَإِذَا خَرَجَ الْیَمَانِیُّ حَرَّمَ بَیْعَ السِّلَاحِ عَلَی النَّاسِ وَ کلِّ مُسْلِمٍ وَ إِذَا خَرَجَ الْیَمَانِیُّ فَانْهَضْ إِلَیْهِ فَإِنَّ رَایَتَهُ رَایَهُ هُدًی وَ لَا یَحِلُّ لِمُسْلِمٍ أَنْ یَلْتَوِیَ عَلَیْهِ فَمَنْ فَعَلَ ذَلِک فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ لِأَنَّهُ یَدْعُو إِلَی الْحَقِّ وَ إِلی طَرِیقٍ مُسْتَقِیم؛(۲) در میان پرچم ها، راهنماتر از پرچم یمانی نیست. پرچم او، پرچم هدایت است؛ زیرا دعوت به صاحب شما می کند؛ پس

۱- الغیبه، طوسی، ص۴۴۶؛ الارشاد، ج۲، ص۳۷۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۳.

هنگامی که یمانی خروج کند، خرید و فروش سلاح برای مردم و هر مسلمانی ممنوع است و چون یمانی خروج کرد به سوی او بشتابید، چراکه پرچم او پرچم هدایت است و برای هیچ مسلمانی روا نیست که با آن پرچم مقابله نماید. پس هر کس چنین کند، از اهل آتش است؛ زیرا او به سوی حق و راه مستقیم فرا می خواند».

تعابیر و فرازهای به کار رفته در این حدیث شریف، گویای درخشش شخصیت ممتاز یمانی در هنگام ظهور و صحت قیام و انقلاب وی می باشد. جالب این است که این توصیفات در مورد یمانی، بعد از قراردادن نام او در کنار نام سید خراسانی است؛ یعنی بعد از این که قیام او و قیام خراسانی هم زمان ذکر شده، روایات به تجلیل از شخصیت منحصر به فرد وی و تأیید کامل قیام ایشان پرداخته اند که نشانگر آن است که قیام او از نظر خلوص انگیزه و صداقت در اهداف، ازدیگران متمایز است.

و) ویژگی های قیام یمانی

در روایات از قیام یمانی بسیار تجلیل شده و ویژگی های منحصر به فردی برای آن عنوان شده است. در این رابطه، توجّه به دو نکته مهم، ضروری است:

نکته اول؛ تأیید روایات، حقانیت قیام یمانی را تأیید و آن را کاملاً امضا فرموده اند؛ نظیر آن چه در عبارات «لَيْسَ فِي الرَّايَاتِ رَايَةٌ أَهْدَى مِنْ رَايَةِ الْيَمَانِيِّ»؛ «هِيَ رَايَةُ هُدًى»؛ «يَدْعُو إِلَى صَاحِبِكُمْ»؛ «يَدْعُو إِلَى الْحَق وَ إِلى طَرِيقٍ مُسْتَقِيم» و... مشاهده می شود. در این عبارات، کلمه «هدی» که به صورت مطلق ذکر شده و نیز تعبیر «أهدی» و تعابیر دیگری که در جهت تعلیل انگیزه های قیام یمانی به کار رفته، گویایی مشروعیت کامل این قیام است و وجه حقانیت آن را در دعوت به سوی حق و امام زمان علیه السلام که محور حق است، بیان می کند.

نکته دوم؛ روایات بر وجوب حمایت از قیام یمانی بسیار تأکید کرده اند؛ چنان که امام صادق علیه السلام مردم را مکلّف به پیوستن و همراهی با او کرده است «إِذَا خَرَجَ الْيَمَانِيُّ فَانْهَضْ إِلَيْهِ» و مخالفت و پشت کردن با او را نه تنها حرام، بلکه مستلزم کفر و شقاوت دانسته و عذاب آن را آتش اعلام نموده است: «فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ فَهُوَ مِنْ أَهْلِ النَّارِ».

ایشان علاوه بر بیان حرمت مخالفت فکری با یمانی، مخالفت عملی و عدم اطاعت از وی را در ممنوع بودن فروش اسلحه نیز یاد آور شده است که همه این ها بیان گر اهمیّت و نقش برجسته حرکت انقلابی یمانی در آستانه ظهور حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف و هجوم فتنه ها در آن عصر و زمان است.

ص:۲۷۸

امّا این که چرا در روایات نهضت یمانی هدایت بخش تر از دیگران توصیف شده و وجه برجستگی و هدایت گری پرچم وی از دیگر پرچم ها و قیام ها چیست، پرسشی است که با تأمل در روایات قبل، می توان پاسخ آن را به دست آورد.

نویسنده کتاب عصر ظهور، در پاسخ به این پرسش چند احتمال را مطرح کرده است:

وجه اول: شاید رهبری آسمانی، از جهت سادگی و قاطعیت، به اسلام و دستورات مربوط به توسعه و گسترش اسلام و الزامات آن نزدیک تر باشد.

وجه دوم: ممکن است این امتیاز به خاطر وجود نیروهای مطیع، مخلص و تسخیر ناپذیر در سپاه یمانی باشد.

وجه سوم: ممکن است عدم پای بندی و تعهد به عناوین ثانوی و معاهدات بین المللی، حرکت یمانی را نسبت به نهضت های دیگر برتری بدهد، برخلاف نهضت خراسانی از ایران که با توجّه به سابقه سیاسی و تعهدات متقابل با نظام های بین المللی، در چنین وضعیتی قرار ندارد.

وجه چهارم: شاید یمانی به دیدار حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نائل می گردد و مستقیماً از رهنمودهای امام علیه السلام برخوردار می شود. به همین جهت قیام

او خالص تر و مطمئن تر از قیام های دیگر است.(۱)

ایشان در نهایت، وجه اخیر را ترجیح می دهد؛ امّا دلیلی وجود ندارد که اثبات کند جناب یمانی مستقیماً از حضرت عجل الله تعالی فرجه الشریف کسب دستور می کند یا این که شخصاً با حضرت دیدار دارد.

به نظر می رسد در توجیه و تحلیل برتری و هدایت بخش بودن قیام یمانی، احتمال اول و سوم مناسب تر است.

قیام سید حسنی

در هنگام ظهور، گروه های دیگری نیز جهت یاری امام مهدی از مناطق مختلف قیام می کنند و از کوفه، شام، مصر و... به یاری حضرت می شتابند. یکی از آن قیام ها، قیامی است که با پرچمداری شخصی به نام سید حسنی به وقوع می پیوندد. در روایات، از وی به عنوان جوانی هاشمی که جمعی از سادات دور او را گرفته و از مشرق زمین قیام می کند و با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کوفه بیعت می نماید، یاد شده است که بیانگر هدف او در حمایت از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و بیعت با آن حضرت علیه السلام است.

البتّه شخصیت سید حسنی نیز مانند سید خراسانی به خوبی روشن نیست؛ امّا ظاهراً وی از فرزندان امام حسن مجتبی علیه السلام است که با

۱- ر.ک: عصر ظهور، ص۱۵۹.

اصحاب خود وارد کوفه می شود و وقتی به او خبر می دهند که حضرت حجّت علیه السلام ظهور کرده و از مدینه به کوفه تشریف آورده است، با اصحاب خود، به محضر آن حضرت مشرّف شده و از ایشان دلائل امامت و مواریث انبیا را مطالبه می کند. او می داند که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر حق است، لکن مقصودش این است که حقانیت امام را بر مردم و اصحاب خود ظاهر نماید. پس آن حضرت دلائل را نشان می دهد و سید حسنی با ایشان بیعت می کند و به پیروی از او، سپاهش نیز بیعت می کنند.

در روایتی طولانی که مفضل از امام صادق علیه السلام نقل کرده و در آن بسیاری از رخدادهای آستانه ظهور و بعد از آن، تفصیلاً شرح داده شده است، ماجرای خروج حسنی و بیعت او با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین تبیین شده است: «ثُمَّ یَخْرُجُ الْحَسَنِیُّ الْفَتَی الصَّبِیحُ الَّذِی نَحْوَ الدَّیْلَم یَصِیحُ بِصَوْتٍ لَهُ فَصِیحٍ یَا آلَ أَحْمَدَ أَجِیبُوا الْمَلْهُوفَ وَ الْمُنَادِیَ مِنْ حَوْلِ الضَّرِیحِ فَتُجِیبُهُ کُنُوزُ اللَّهِ بِالطَّالَقَانِ کُنُوزٌ وَ أَیُّ کُنُوزٍ لَیْسَتْ مِنْ فِضَّةٍ وَ لَا ذَهَبٍ بَلْ هِیَ رِجَالٌ کَزُبَرِ الْحَدِیدِ عَلَی الْبَرَاذِینِ الشُّهْبِ بِأَیْدِیهِمُ الْحِرَابُ وَ لَمْ یَزَلْ یَقْتُلُ الظَّلَمَةَ حَتَّی یَرِدَ الْکُوفَةَ وَ قَدْ صَفَا أَکْثَرُ الْأَرْضِ فَیَجْعَلُهَا لَهُ مَعْقِلا؛ آنگاه سید حسنی، آن جوان زیبا، از سرزمین دیلم خروج کرده و با صدای رسا بانگ می دهد: «ای آل محمد! دعوت آن کس را که از غیبتش متأسف بودید اجابت کنید». این صدا از ضریح پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم بلند می شود. پس

گنج های خدا از طالقان او را پذیرا می شوند. آن ها گنج هستند، امّا نه از طلا و نقره؛ بلکه مردانی هستند که ایمانی فولادین دارند و بر اسب های چابک سوار هستند و اسلحه به دست دارند و پی در پی ستمگران را می کشند تا آن که وارد کوفه می شوند و در آن زمان بخش زیادی از زمین را از لوث وجود بی دینان پاک کرده اند. آن ها کوفه را محل اقامت خود قرار می دهند: «فَيَتَّصِلُ بِهِ وَ بِأَصْحَابِهِ خَبَرُ الْمَهْدِيِّ عجل الله تعالى فرجه الشريف وَ يَقُولُونَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَنْ هَذَا الَّذِي قَدْ نَزَلَ بِسَاحَتِنَا فَيَقُولُ اخْرُجُوا بِنَا إِلَيْهِ حَتَّى نَنْظُرَ مَنْ هُوَ وَ مَا يُرِيدُ وَ هُوَ وَ اللَّهِ يَعْلَمُ أَنَّهُ الْمَهْدِيُّ وَ إِنَّهُ لَيَعْرِفُهُ وَ لَمْ يُرِدْ بِذَلِكَ الْأَمْرِ إِلَّا لِيُعَرِّفَ أَصْحَابَهُ مَنْ هُوَ فَيَخْرُجُ الْحَسَنِيُّ فَيَقُولُ إِنْ كُنْتَ مَهْدِيَّ آلِ مُحَمَّدٍ فَأَيْنَ هِرَاوَةُ جَدِّكَ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم وَ خَاتَمُهُ وَ بُرْدَتُهُ وَ دِرْعُهُ الْفَاضِلُ وَ عِمَامَتُهُ السَّحَابُ وَ فَرَسُهُ الْيَرْبُوعُ وَ نَاقَتُهُ الْعَضْبَاءُ وَ بَغْلَتُهُ الدُّلْدُلُ وَ حِمَارُهُ الْيَعْفُورُ وَ نَجِيبُهُ الْبُرَاقُ وَ مُصْحَفُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عجل الله تعالى فرجه الشريف فَيَخْرُجُ لَهُ ذَلِكَ ثُمَّ يَأْخُذُ الْهِرَاوَةَ فَيَغْرِسُهَا فِي الْحَجَرِ الصَّلْدِ وَتُورِقُ وَلَمْ يُرِدْ ذَلِكَ إِلَّا أَنْ يُرِيَ أَصْحَابَهُ فَضْلَ الْمَهْدِيِّ عجل الله تعالى فرجه الشريف حَتَّى يُبَايِعُوه فَيَقُولُ الْحَسَنِيُّ اللَّهُ أَكْبَرُ مُدَّ يَدَكَ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّى نُبَايِعَكَ فَيَمُدُّ يَدَهُ فَيُبَايِعُهُ وَ يُبَايِعُهُ سَائِرُ الْعَسْكَرِ الَّذِي مَعَ الْحَسَنِيِّ إِلَّا أَرْبَعِينَ أَلْفاً أَصْحَابُ الْمَصَاحِفِ الْمَعْرُوفُونَ بِالزَّيْدِيَّهِ فَإِنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ عَظِيمٌ فَيَخْتَلِطُ الْعَسْكَرَانِ فَيُقْبِلُ الْمَهْدِيُّ عجل الله تعالى فرجه الشريف عَلَى الطَّائِفَهِ الْمُنْحَرِفَهِ فَيَعِظُهُمْ وَ يَدْعُوهُمْ ثَلَاثَهَ أَيَّامٍ فَلَا يَزْدَادُونَ إِلَّا طُغْيَاناً وَ كُفْراً فَيَأْمُرُ بِقَتْلِهِمْ فَيُقْتَلُونَ جَمِيعاً...(۱)»؛ پس چون خبر ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سید حسنی و یارانش می رسد، به او می گویند: «این کیست که در

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۵؛ الزام الناصب، ج۲، ص ۲۳۰؛ مکیال المکارم، ج۱، ص۷۷.

قلمرو ما فرود آمده؟» سید حسنی می گوید: «با من بیایید تا ببینم او کیست و چه می خواهد». به خدا قسم که سید حسنی می داند که او مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است و او را می شناسد، ولی برای این می گوید که به اصحابش بفهماند که او کیست. سید حسنی بیرون می آید تا به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برسد و از وی می پرسد: «اگر تو مهدی آل محمد هستی، عصای جدت پیغمبر صلی الله علیه و آله و سلم انگشتر و پیراهن او، زرهش فاضل، عمامه اش سحاب، اسبش یربوع، شترش غضباء، قاطرش دلدل، الاغش یعفور، اسبش براق و قرآنی که امیرمؤمنان جمع آوری کرده کجاست؟» مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمام آن ها را بیرون آورده به سید حسنی نشان می دهد. آنگاه عصای پیغمبر را گرفته و به سنگ سختی می زند، فی الحال سنگ مانند درخت سبز می شود و شاخ و برگ در می آورد. مقصود سید حسنی این است که فضیلت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به اصحاب خود نشان دهد تا حاضر شوند با وی بیعت کنند. آنگاه سید حسنی عرض می کند: «الله اکبر! یابن رسول الله دست مبارکت را بده تا با شما بیعت کنیم. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستش را دراز کرده و ابتدا سید حسنی و سپس سایر لشکریانش با وی بیعت می کنند، مگر چهل هزار نفر که قرآن ها را با خود دارند و معروف به زیدیه می باشند و از بیعت کردن امتناع می ورزند. آن ها می گویند

این کار چیزی جز یک سحر بزرگ نیست و با این حرف دو لشکر به جان هم می افتند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طرف طائفه زیدیه می آید و سه روز آن ها را موعظه می نماید و دعوت به آرامش و پذیرش خود می کند، ولی آن ها بر سرکشی و کیفر خود می افزایند. مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز ناچار دستور قتل آن ها را صادر نموده و همه آن ها را از دم شمشیر می گذراند».

قیام نجبای مصر

در برخی از روایات، به یاوران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در هنگام ظهور از مناطق مختلف قیام می کنند، با عناوینی چون «عصائب»،«نجباء»، «اَبْدَال» و... یاد شده است.(۱) از جمله، گروهی از مصر به یاری حضرت برمی خیزند که در روایات، نجبای مصر خوانده شده اند.

قیام اهالی طالقان

در برخی روایات، از اهالی طالقان به عنوان یاران و اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تجلیل شده است. از امام صادق علیه السلام در مورد اهالی طالقان نقل شده است که فرمود: «وَ لَهُ كُنُوزٌ لَا ذَهَبٌ وَ لَا فِضَّةٌ إِلَّا خُيُولٌ مُطَهَّمَةٌ وَ رِجَالٌ مُسَوَّمَةٌ يَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَقَاصِي الْبِلَاد عَلَى عَدَدِ أَهْلِ بَدْرٍ

۱- ر.ك: بحار الانوار، ج۵۱، ص۸۸.

ثَلَاثِمِائَةٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلا؛(۱) در طالقـان گنـج هایی ست که از طلا و نقره نیسـتند؛ بلکه اسـبان زیبا و تنـدرو و مردان چابک سوار و نشـان داری هسـتند که خداونـد آنان را از دورترین بلاد پیرامون یک دیگر جمع خواهـد کرد؛ به تعـداد اصـحاب بـدر سیصد وسیزده مرد اند».

هم چنین از امیرمؤمنان علیه السـلام نقل شـده است: «وَیْحاً لِلطَّالَقَانِ فَإِنَّ لِلَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِهَا کُنُوزاً لَیْسَتْ مِنْ ذَهَبٍ وَ لَا فِضَّهٍ وَ لَکنْ بِهَا رِجَالٌ مُؤْمِنُونَ عَرَفُوا اللَّهَ حَقَّ مَعْرِفَتِهِ وَ هُمْ أَیْضاً أَنْصَارُ الْمَهْدِیِّ فِی آخِرِ الزَّمَان؛(۲) خوشا به حال طالقان، که از برای خداوند عزوجل در آن گنج هایی است، نه از جنس طلا و نقره؛ بلکه مردانی هسـتند اهل ایمان، که خدا را از روی معرفت شناخته اند. آنان انصار و یاوران مهدی در آخرالزّمان هستند».

آنچه اشـاره گردیـد، صـرفاً نمونه هـایی از قیام ها و حرکت های عـدالت خواهانه ای بود که براساس روایات در هنگامه ظهور برای حمایت از قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رخ می دهند.

از آن چه گـذشت، روشن می شود که تنها رزمندگان خراسانی و یمانی به صورت نیروهای منظم که دارای تشـکیلات نظامی هستند، در صحنه ظاهر می شوند و به ایفای نقش می

ص:۲۸۵

۱- إعلام الوری، ص ۴۰۳؛ الزام الناصب، ج۲، ص۲۹۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۸.

۲- کشف الغمّه، ج۲، ص۴۷۸؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۸۷.

پردازند.

□□□

ص:۲۸۶

فصل۲: رخدادهای هنگام ظهور

اشاره

بر اساس روایات، حادثه ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دفعی و ناگهانی است؛ امّا این بدان معنا نیست که این واقعه عظیم هیچ گونه مقدمات و نشانه هایی ندارد.

مدینه و مکه، کانون تحولات

شهر مقدّس مدینه، نقطه آغاز قیام رهایی بخش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود. براساس روایات، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا در مدینه حضور خواهد یافت و بعد از تسلط سفیانی بر آن جا، به سوی مکّه رهسپار خواهد شد و پس از ملحق شدن و بیعت یاران در مکّه، به اذن الاهی، رسماً قیام و ظهورش را به جهانیان اعلام خواهد کرد.

تهاجم سفیانی به شهر مدینه

پس از آن که سفیانی بر مخالفان خود در شام و عراق تسلط یافت، از حضور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مدینه اطلاع می یابد و لشکری را به آن جا

ص:۲۸۷

می فرستد؛ امّا لشکر در حالی به مدینه می رسد که پیش از ورود آن ها، حضرت از آن جا خارج شده و به سوی مکّه رهسپار شده است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این باره می فرماید: «یَخْرُجُ عَلَیْهِمُ السُّفْیَانِیُّ مِنَ الْوَادِی الْیَابِسِ فِی فَوْرِ ذَلِکَ حَتَّی یَنْزِلَ دِمَشْقَ فَیَبْعَثُ جَیْشَیْنِ جَیْشاً إِلَی الْمَشْرِقِ وَ آخَرَ إِلَی الْمَدِینَهِ حَتَّی یَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِینَهِ الْمَلْعُونَهِ یَعْنِی بَغْدَادَ فَیَقْتُلُونَ أَکْثَرَ مِنْ ثَلَاثَهِ آلَافٍ وَ یَفْضَحُونَ أَکْثَرَ مِنْ مِائَهِ امْرَأَهٍ وَ یَقْتُلُونَ بِهَا ثَلَاثَمِائَهِ کَبْشٍ مِنْ بَنِی الْعَبَّاسِ ثُمَّ یَنْحَدِرُونَ إِلَی الْکوفَهِ فَیُخَرِّبُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ یَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِینَ إِلَی الشَّامِ فَتَخْرُجُ رَایَهُ هُدًی مِنَ الْکوفَهِ فَتَلْحَقُ ذَلِکَ الْجَیْشَ فَیَقْتُلُونَهُمْ لَا یُفْلِتُ مِنْهُمْ مُخْبِرٌ وَ یَسْتَنْقِذُونَ مَا فِی أَیْدِیهِمْ مِنَ السَّبْیِ وَ الْغَنَائِمِ وَ یَحُلُّ الْجَیْشُ الثَّانِی بِالْمَدِینَهِ فَیَنْتَهِبُونَهَا ثَلَاثَهَ أَیَّامٍ بِلَیَالِیهَا ثُمَّ یَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِینَ إِلَی مَکه...»؛(۱) سفیانی از یابس خروج کرده وارد دمشق می شود آنگاه دو لشکر فراهم نموده یکی را به شرق (عراق) گسیل می دارد، دیگری را به مدینه. چون لشکر اخیر به سرزمین «بابل» که جزو سرزمین لعنت شده یعنی بغداد است می رسند بیش از سه هزار نفر را به قتل می رسانند و افزون از صد زن را مورد تجاوز قرار می دهند و سیصد جوان رشید از بنی عباس را می کشند، سپس مانند سیل به کوفه می ریزند و حوالی آن را ویران می سازند سپس از آن جا بیرون آمده روی به شام می آورند. در آن وقت لشکری با پرچم هدایت

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۸۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۴۸۱.

بیرون آمده لشکر سفیانی را دنبال می کنند تا به آن ها می رسند و تمام آن ها را به قتل می رسانند. به طوری که یک نفر از آن ها را باقی نمی گذارند تا خبری از آن ها ببرد! و اسیران و آنچه را به غارت برده اند از آن ها می گیرند. سپس لشکر دوم به مدینه آمده سه شبانه روز دست به تاراج می زنند، آنگاه به مکه روی می آورند».

جنایات هولناک سفیانی در مدینه

لشگریان سفیانی پس از تصرف مدینه، آن جا را غارت می کند و شیعیان را به خاک وخون می کشد. در روایات از جنایات هولناک سپاه سفیانی در مدینه خبر داده شده است.

از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل شده است که در باره جنایات سفیانی فرمود: «یَبْعَثُ السُّفْیَانِی جَیْشاً إِلَی الْمَدِینه فَیَأْمُرُ بِقَتْلِ کلِّ مَنْ کانَ فِیْها مِنْ بَنِی هاشِمْ حَتّی الْحُبالی وَ ذَلِک لِمَا صَنَعَ الْهَاشِمِی الَّذِی یَخْرُجُ عَلَی أصْحابِه مِنَ الشَّرقَ، یَقُوُل: مَا هَذَا الْبَلَاء کلّه! وَ قَتَلَ أَصْحابِی إِلَّا مَن قَتَلَهُم، فَیَأمُرُ بَقْتِلهْم فَیَقْتُلُونَ حَتّی لَا یَعرفُ مَنْهُم بِالمْدَینَهِ أَحَدٌ وَ یَفْتِرَقُوا مِنْها هَارِبینْ إِلَیَ الْبَوادِیْ وَ الجِبالِ وَ إِلَیَ مَکه حَتّی نساؤُهُم یَضَعُ جَیْشَهُ فِیْهَمّ السَّیف أَیّاماً ثُمَّ یَکفُّ عَنْهُمَ فَلَا یَظْهُر مِنْهُم إلّا خائِفٌ حَتَّی یَظْهَرُ أَمْر المَهْدیِ بِمَکه فَإِذَا ظَهَرَ بِمَکه اِجْتَمَعَ کلُّ مَنْ شَذّ مِنْهُمْ إِلَیْهِ بِمَکه؛(۱)سفیانی سپاهی را تجهیز و به مدینه اعزام می کند و

ص:۲۸۹

۱- الملاحم و الفتن، ص۱۲۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۴۲۲.

به آنان دستور می دهد که هر که از بنی هاشم یافتند، حتی زنان حامله را بکشند. این کار را به این جهت انجام می دهد که شخصی هاشمی از مشرق علیه یاران سفیانی خروج می کند و سفیانی می گوید تمام این بلاها و کشتن یاران من به خاطر آن هاشمی و یاران اوست. پس دستور قتل آن ها را صادر می کند، تا جایی که دیگر در مدینه کسی از بنی هاشم باقی نمی ماند و همه،حتی زنان، از ترس، به سوی بیابان ها و کوه ها یا به سوی مکّه فرار می کنند و پس از آن که سفیانیان دست از قتل و تعقیب آنان برداشتند نیز ترسان و هراسان خواهند بود تا آن که خبر ظهور حضرت در مکّه را می شنوند. آن گاه تمامی آن ها در مکّه گرد می آیند».

امیرمؤمنان علیه السلام در باره جنایات هولناک سفیانی در مدینه می فرماید: «یکتب السفیانی إلی الذی دخل الکوفه بخیله بعد ما یعرکها عرک الأدیم یأمره بالمسیر إلی الحجاز، فیسیر إلی المدینه، فیضع السیف فی قریش، فیقتل منهم و من الأنصار أربعمائه رجل و یبقر البطون و یقتل الولدان و یقتل أخوین من قریش رجل و اخته یقال لهما: محمّد و فاطمه و یصلبهما علی باب المسجد بالمدینه؛(۱) بعد از آن که فرمانده سپاه سفیانی، کوفه (عراق) را به شدت زیر پا گذاشت و آن جا را کاملاً کوبید، سفیانی به او دستور می دهد که به

۱- الملاحم و الفتن، ص۱۲۵؛ عصر ظهور، ص۱۳۱.

طرف حجاز حرکت کنـد و او هم وارد مـدینه شده و در میان قریش با شمشـیر عمل می کند و از قریش و انصار چهار صد نفر را می کشد، شکم زنان حامله را پاره می کند، اطفال و کودکان را به قتل می رساند و یک برادر و خواهر از قریش به نام های محمد و فاطمه را می کشد و جلوی در مسجد مدینه به دار می آویزد».

در حدیث دیگری امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «یبعث السفیانی بجیش إلی المدینه فیأخذون من قدروا علیه من آل محمّد صلی الله علیه و آله و سلم و یقتل من بنی هاشم رجالا و نساء فعنـد ذلک یهرب المهدی و المبیض من المدینه إلی مکه فیبعث فی طلبهما و قد لحقا بحرم اللّه و أمنه؛(۱) سـپاهی به مدینه فرستاده می شود و آن ها هر کسی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم را بیابند، به اسارت می گیرند و مردان و زنان بنی هاشم را می کشند. آن زمان است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و مبیض، از مدینه به مکّه می گریزند و افرادی به دنبال آن ها فرسـتاده می شوند و آن دو به حرم الاهی پناهنده می گردند».

یونس بن ابی یعفور نیز از امـام صـادق علیه السـلام روایت کرده است: «إِذَا خَرَج السـفْیانی یَبْعَثُ جیشـاً إِلَینَا وَ جَیْشاً إِلَیکُمْ فَإِذَا کَانَ کَذَلِکَ فَأْتُونَا عَلَی کُلِّ صَعْبٍ وَ ذَلُول؛(۲) زمانی که سفیانی خروج کند، سپاهی به سوی ما (مدینه)

۱- الملاحم و الفتن، ص۱۲۵؛ کنز العمال، ج۱۴، ص۵۸۹.

۲- الغیبه، نعمـانی، ص۳۱۸؛ بحـار الانوار، ج۵۲، ص۲۳۵؛ معجم احـادیث الامـام المهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف، ج۳، ص۹۱.

و سپاهی به سوی شما (عراق) خواهد فرستاد. اگر این مسأله اتفاق افتاد، خود را با هر مرکب چموش و غیر چموش (به هر وسیله ممکن) به ما (مدینه) برسانید».

امام صادق علیه السلام در پاسخ به سؤال یعقوب سراج که از زمان ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیده بود، فرمودند: «...حَتَّی یَنْزِلَ بِأَعْلَی مَکهَ فَیُخْرِجَ السَّیْفَ مِنْ غِمْدِهِ وَ یَلْبَسَ الدِّرْعَ وَ یَنْشُرَ الرَّایَهَ وَ الْبُرْدَهَ وَ یَعْتَمَّ بِالْعِمَامَهِ وَ یَتَنَاوَلَ الْقَضِیبَ بِیَدِهِ وَ یَسْتَأْذِنَ اللَّهَ فِی ظُهُورِهِ فَیَطَّلِعُ عَلَی ذَلِک بَعْضُ مَوَالِیهِ فَیَأْتِی الْحَسَنِیَّ فَیُخْبِرُهُ الْخَبَرَ فَیَبْتَدِرُهُ الْحَسَنِیُّ إِلَی الْخُرُوجِ فَیَثِبُ عَلَیْهِ أَهْلُ مَکهَ فَیَقْتُلُونَهُ وَ یَبْعَثُونَ بِرَأْسِهِ إِلَی الشَّامِیِّ فَیَظْهَرُ عِنْدَ ذَلِک صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ فَیُبَایِعُهُ النَّاسُ وَ یَتَّبِعُونَهُ وَ یَبْعَثُ عِنْدَ ذَلِک الشَّامِیُّ جَیْشاً إِلَی الْمَدِینَهِ فَیُهْلِکهُمُ اللَّهُ دُونَهَا وَ یَهْرُبُ مِنَ الْمَدِینَهِ یَوْمَئِذٍ مَنْ کانَ بِالْمَدِینَهِ مِنْ وُلْدِ عَلِیٍّ علیه السلام إِلَی مَکهَ فَیَلْحَقُونَ بِصَاحِبِ الْأَمْرِ وَ یُقْبِلُ صَاحِبُ الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَ یَبْعَثُ جَیْشا إِلَی الْمَدِینَهِ فَیَأْمُرُ أَهْلَهَا فَیَرْجِعُونَ إِلَیْهَا؛(۱) هنگامی که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد مکّه شود، شمشیر از نیام بکشد، زره بر تن کند، پرچم به اهتزاز در آورد، عبا و عمامه بپوشد و عصا به دست گیرد، آن زمان است که خداوند اجازه ظهور را به آن حضرت می دهد. آن گاه بعضی از دوستان و آشنایان آن حضرت که از قضیه با خبر می شوند، به سید حسنی خبر می دهند و او نیز به سرعت خروج می کند [که به یاری حضرت برود] امّا اهل مکّه بر او یورش می برند و وی

۱- الکافی، ج۸، ص۲۲۵؛ الغیبه، نعمانی، ص ۲۷۰؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۱.

را می کشند و سرش را نزد شخص شامی (سفیانی) می فرستند. آن گاه حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کرده و مردم با او بیعت می کنند و از او فرمان می برند. شخص شامی پس از این قضیه، سپاهی به مدینه می فرستد که خداوند آن ها را به مدینه نرسیده، نابود می سازد. آن هنگام تمامی فرزندان علی علیه السلام (سادات علوی) از مدینه فرار کرده و در مکّه به حضرت صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق می شوند. سپس حضرت به عراق می رود و سپاهی به مدینه می فرستد تا امنیت را در آن شهر بر قرار کنند و مردم بتوانند به آن جا باز گردند».

حُذیفه بن یمان نقل می کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم از آشوبی که میان مردم شرق و غرب پدید می آید، سخن به میان آورد و فرمود: «فَبَیْنَا هُمْ کَذَلِکَ یَخْرُجُ عَلَیْهِمُ السُّفْیَانِیُّ مِنَ الْوَادِی الْیَابِسِ فِی فَوْرِ ذَلِکَ حَتَّی یَنْزِلَ دِمَشْقَ فَیَبْعَثُ جَیْشَیْنِ جَیْشاً إِلَی الْمَشْرِقِ وَ آخَرَ إِلَی الْمَدِینَهِ حَتَّی یَنْزِلُوا بِأَرْضِ بَابِلَ مِنَ الْمَدِینَهِ الْمَلْعُونَهِ یَعْنِی بَغْدَادَ فَیَقْتُلُونَ أَکْثَرَ مِنْ ثَلَاثَهِ آلَافٍ وَ یَفْضَحُونَ أَکْثَرَ مِنْ مِائَهِ امْرَأَهٍ وَ یَقْتُلُونَ بِهَا ثَلَاثَمِائَهِ کَبْشٍ مِنْ بَنِی الْعَبَّاسِ ثُمَّ یَنْحَدِرُونَ إِلَی الْکوفَهِ فَیُخَرِّبُونَ مَا حَوْلَهَا ثُمَّ یَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِینَ إِلَی الشَّام؛(1) در اثنایی که آن ها سرگرم کشمکش هستند، سفیانی از یابس بر آن ها حمله می برد تا آن که وارد دمشق می شود. آنگاه دو لشکر فراهم

ص:۲۹۳

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۸۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۴۸۱.

نموده، یکی را به شرق می فرستد و دیگری را به مدینه. لشکر به بابل که از توابع سرزمین لعنت شده، یعنی بغداد است می رسند و در آن جا بیش از سه هزار نفر را می کشند و بیش از صد زن را مورد تجاوز قرار می دهند و سیصد جوان رشید از بنی عباس را به قتل می رسانند. سپس مانند سیل به کوفه می ریزند و حوالی آن را ویران می کنند. سپس از آن جا بیرون آمده، به سمت شام روی می آورند».

در حدیث دیگری که ام‌سلمه از پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده، آمده است: «یَکونُ اخْتِلَافٌ عِنْدَ مَوْتِ خَلِیفَهٍ فَیَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ الْمَدِینَهِ هَارِباً إِلَی مَکهَ فَیَأْتِیهِ نَاسٌ مِنْ أَهْلِ مَکهَ فَیُخْرِجُونَهُ وَ هُوَ کارِهٌ فَیُبَایِعُونَهُ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَامِ وَ یُبْعَثُ إِلَیْهِ بَعْثُ الشَّامِ فَتَنْخَسِفُ بِهِمُ الْبَیْدَاءُ بَیْنَ مَکهَ وَ الْمَدِینَهِ فَإِذَا رَأَی النَّاسُ ذَلِک أَتَاهُ أَبْدَالُ الشَّامِ وَ عَصَائِبُ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَیُبَایِعُونَه؛(1) پس از مرگ خلیفه (حاکم حجاز) اختلافی خواهد افتاد. آن گاه مردی (حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف) از مدینه خارج شده و به مکّه می رود و مردم به سوی او می روند و هر چند، آن حضرت از بیعت ناخشنود است، ولی در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند. سپس سپاهی از شام به سمت حضرت می آیند، امّا همین که به زمین بیداء می رسند، زمین آن ها را در کام خود فرو می برد. آن گاه مؤمنین و بزرگان عراق و شام، خدمت آن حضرت رسیده و با

۱- کشف الغمّه، ج ۲، ص ۴۷۹.

ایشان بیعت می نمایند».

پیک حضرت به سوی مردم مکّه

امـام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف قبل از حرکت به سوی مکّه، برای آزمودن مردم آن جا و به محک کشـیدن میزان وفـاداری و حمـایت آنـان از قیام الاهی اش، با اعزام نماینـده ای، مردم را به یاری می طلبـد. امّا آنان نه تنها از پـذیرش دعوت حضرت خود داری می کنند، بلکه فرستاده و پیام رسان ایشان (نفس زکیه) را نیز به قتل می رسانند!

ظـاهراً این اقـدام حضـرت بـا توجّه به روایتی که در ادامه بـدان اشـاره خواهـد شـد بـا هـدف اتمـام حجّت بر مردمان اهل مکّه صورت می گیرد، زیرا حضـرت بر دشـمنی آن ها با خاندان اهل بیت علیهم السـلام واقف است و حتی با پیک خود در هنگام اعزام به سوی مکّه، از دشمنی و عدم حمایت مردم آن جا و نامهربانی آنان سخن می گوید.

بـا این حـال، چون امام، حجّت الاهی بر بنـدگان است و از طرفی، نقطه آغاز حرکت توحیـدی و انقلاب جهانی ایشان بایـد از شهر مکّه، به عنوان مرکز توحیـد و یکتـاپرستی باشـد، امـام با فرسـتادن نماینـده ویژه خویش، رسـماً آنان را به یاری و همراهی دعوت می کند تا حجّت بر آنان تمام شود؛ هم چنان که در

سایر موارد نیز، رویه حضرت چنین است.

شهادت نماینده حضرت در مکّه

از جمله وقایعی که در اوائل ظهور و انـدکی قبل از قیام علنی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در مکّه اتفاق می افتـد، حادثه تلخ به شـهادت رسـیدن یکی از یاران باوفای ایشان، جوان رشـیدی موسوم به «نفس زکیه» توسط مردم مکّه است. وی از سوی امـام، حامل پیامی است که می بایـد آن را به مردم مکّه ابلاغ نمایـد، امّا اهالی مکّه در اولین اقـدام خصـمانه خود نسبت به حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف او را در خانه خدا و حرم امن الاهی، به قتل می رسانند و مرتکب این جنایت بزرگ می شوند.

نفس زکیه در ۲۵ ذی الحجه و بین حجرالاسود و مقام ابراهیم به شـهادت می رسد. این جوان، از سادات و از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سـلم است و در روایات از او با نام «محمـد بن حسن» و توصـیفاتی چون «غُلام» و «نفس زکیه» یاد شـده است. وی از سوی امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف مأموریت می یابـد تا به سوی مردم مکّه بشـتابد و آنان را به یاری آن حضـرت فرا بخوانـد؛ ولی آنان بر او می شورنـد و او را به خاطر نماینـدگی و پیام رسانی حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بین رکن و مقام گردن می زنند. این جوان پاک باخته را «نفس زکیه» می خوانند؛ چون بدون هیچ جرم و گناهی، به

شهادت می رسـد. این اتفاق، چنـد روز قبل از اعلام قیام حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف روی خواهد داد و در روایات، از نشانه های قطعی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده است.

در این جا به برخی از روایاتی که در این مورد رسیده، اشاره می گردد:

ابوبصـیر از امـام باقر علیه السـلام نقل می کنـد که فرمود: «یَقُولُ الْقَائِمُ علیه السـلام لِأَصْحَابِهِ یَا قَوْمِ إِنَّ أَهْلَ مَکهَ لَا یُرِیدُونَنِی وَ لَکنِّی مُرْسِلٌ إِلَیْهِمْ لِأَحْتَجَّ عَلَیْهِمْ بِمَا یَنْبَغِی لِمِثْلِی أَنْ یَحْتَجَّ عَلَیْهِمْ فَیَدْعُو رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَیَقُولُ لَهُ امْضِ إِلَی أَهْلِ مَکهَ فَقُلْ یَا أَهْلَ مَکهَ أَنَا رَسُولُ فُلَانٍ إِلَیْکمْ وَ هُوَ یَقُولُ لَکمْ إِنَّا أَهْلُ بَیْتِ الرَّحْمَهِ وَ مَعْدِنُ الرِّسَالَهِ وَ الْخِلَافَهِ وَ نَحْنُ ذُرِّیَّهُ مُحَمَّدٍ وَ سُلَالَهُ النَّبِیِّینَ وَ إِنَّا قَدْ ظُلِمْنَا وَ اضْطُهِدْنَا وَ قُهِرْنَا وَ ابْتُزَّ مِنَّا حَقُّنَا مُنْذُ قُبِضَ نَبِیُّنَا إِلَی یَوْمِنَا هَذَا فَنَحْنُ نَسْتَنْصِرُکمْ فَانْصُرُونَا فَإِذَا تَکلَّمَ هَذَا الْفَتَی بِهَذَا الْکلَامِ أَتَوْا إِلَیْهِ فَذَبَحُوهُ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَامِ وَ هِیَ النَّفْسُ الزَّکیَّهُ فَإِذَا بَلَغَ ذَلِک الْإِمَامَ قَالَ لِأَصْحَابِهِ أَلَا أَخْبَرْتُکمْ أَنَّ أَهْلَ مَکهَ لَا یُرِیدُونَنَا فَلَا یَدْعُونَهُ حَتَّی یَخْرُجَ؛(۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به اصحاب خویش می گوید: «ای مردم! اهل مکّه خواهـان من نیسـتند، امّـا من برای اتمـام حجّت و روشن گری حقـایق، سـفیری را به سوی آنان گسـیل می دارم». آن گاه حضـرت مردی از یـاران خویش را فرا می خوانـد و به او دسـتور می دهـد: «به سوی مردم مکّه بشـتاب و به آنـان بگو: ای اهل مکّه! من فرستاده حجّت خدا هستم و پیام ایشان به شما این است که ما خاندان مهر و رحمت و مرکز و محور رسالت

ص:۲۹۷

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۲۹۵.

و خلافت هستیم، ما نسل محمد صلی الله علیه و آله و سلم و همه پیام آوران خداییم. در طول تاریخ به ما ستم شده، حق مسلّم ما از هنگام رحلت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و سلم تاکنون به غارت رفته و مقام و موقعیت ما نادیده گرفته شده است. اینک شما را به یاری حق و عدالت فرا می خوانم تا به سوی حق بشتابید و ما را مدد رسانید. هنگامی که آن جوان رشید، پیام و دعوت امام خود را به مردم مکّه می رساند، شرارت پیشگان بر او حمله ور می شوند و او را در میان رکن و مقام سر می برند و این جوان است که نفس زکیه نام دارد. زمانی که این خبر به حضرت می رسد به اصحابش می گوید: «به شما نگفتم که اهل مکّه ما را نمی خواهند؟!» و آن ها امام را دعوت نمی کنند تا آن که قیام کند».

امام باقر علیه السلام در جای دیگری فرموده است: «وَ قُتِلَ غُلَامٌ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَامِ اسْمُهُ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ النَّفْسُ الزَّکیَّهُ... فَعِنْدَ ذَلِک خُرُوجُ قَائِمِنَا؛(۱) نوجوانی گران قدر از نسل پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در میان رکن و مقام کشته می شود که نامش محمد بن حسن است. در آن هنگام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام خواهد نمود».

امام صادق علیه السلام نیز در این باره می فرماید:

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ص۳۳۱ ؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۹۲؛ کشف الغمّه، ج۳، ص۳۴۳.

«لَيسَ بَيْنَ قِيَامِ قَائِمِ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بَيْنَ قَتْلِ النَّفْسِ الزَّكيَّهِ إِلَّا خَمْسَ عَشْرَهَ لَيْلَهً؛(۱) میان قیام قائم آل محمد علیه السلام و شهادت نفس زکیه، تنها پانزده روز فاصله است».

لازم به ذکر است که عنوان «نفس زکیه» به شخصی که در هنگام تجاوز سپاه سفیانی، همراه با هفتاد نفر از یارانش در اطراف کوفه به شهادت می رسد نیز اطلاق شده است؛ امّا تردیدی نیست که مراد از «نفس زکیه» در این دسته از روایات، شخص جوانی است که کشته شدن او در مسجدالحرام به عنوان یکی از نشانه های قطعی ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف یاد شده و بین شهادت او و ظهور حضرت، تنها ۱۵ روز فاصله است.

خروج حضرت از مدینه

به دنبال طغیانگری سفیانی و تسلط لشکریان ستمگر وی بر مدینه، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اقدام به خروج از آن شهر می کند؛ زیرا با توجّه به وضعیت خفقان بار حاکم بر مدینه، به ویژه خصومت و برخورد شدید ستمگران سفیانی با شیعیان اهل بیت علیهم السلام این شهر برای حضور امام ناامن می شود.

خبر خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به فرمانده نیروهای

۱- الارشاد، ج۲، ص۳۷۵؛ الغیبه، طوسی، ص۴۴۶؛ الخرائج والجرائح، ج۳، ص۱۱۶۳.

سپاه سفیانی گزارش می شود. سفیانیان به محض اطلاع از خبر هجرت امام به مکّه، نیروهای خود را برای تعقیب و دستگیری آن حضرت به سوی مکّه گسیل می دارند، امّا آنان در سرزمین بیداء (بین مدینه و مکّه) گرفتار عذاب الاهی شده و در اثر یک معجزه الاهی به شکل عجیبی نابود می شوند.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَ یَبْعَثُ السُّفْیَانِیُّ بَعْثاً إِلَی الْمَدِینَهِ فَیَنْفِرُ الْمَهْدِیُّ مِنْهَا إِلَی مَکهَ فَیَبْلُغُ أَمِیرَ جَیْشِ السُّفْیَانِیِّ أَنَّ الْمَهْدِیَّ قَدْ خَرَجَ إِلَی مَکهَ فَیَبْعَثُ جَیْشاً عَلَی أَثَرِهِ فَلَا یُدْرِکهُ حَتَّی یَدْخُلَ مَکهَ خائِفاً یَتَرَقَّب؛(۱) گروهی از سپاه سفیانی به مدینه اعزام می شوند و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جا به مکّه مهاجرت می کند به تعقیب او سپاهی فرستاده می شود اما به ایشان دست نمی یابند تا آنکه وارد مکه می شود درحالی که هراسناک است».

سپاه سفیانی در تعقیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

جابربن یزید جعفی نیز از ایشان نقل کرده است: «وَ یَبْعَثُ بَعْثاً إِلَی الْمَدِینَهِ فَیَقْتُلُ بِهَا رَجُلًا وَ یَهْرُبُ الْمَهْدِیُّ وَ الْمَنْصُورُ مِنْهَا وَ یُؤْخَذُ آلُ مُحَمَّدٍ صَغِیرُهُمْ وَ کبِیرُهُمْ لَا یُتْرَک مِنْهُمْ أَحَدٌ إِلَّا حُبِسَ وَ یَخْرُجُ الْجَیْشُ فِی طَلَبِ الرَّجُلَیْنِ وَ یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ مِنْهَا عَلَی سُنَّهِ مُوسَی خائِفاً یَتَرَقَّبُ حَتَّی یَقْدَمَ مَکه؛(۲) سفیانی گروهی را به مدینه اعزام می کند و در آن جا مردی را به قتل می رساند و

ص:۳۰۰

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۹۲.

۲- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۶۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۲۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۲۰.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و «منصور» از آن شهر می گریزند و پس از آن، کوچک و بزرگ آل محمد دستگیر می شوند و بی آن که یک تن از آن ها رها شود، همگی به زندان افکنده می شوند. پس لشکری به دنبال امام و همراه او فرستاده می شود و حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حالی از مدینه خارج می شود که مانند حضرت موسی نگران و ترسان است...».

در روایات از کسی که حضرت را در این سفر همراهی می کند، با عنوان «منصور» یا «مبیض» یاد شده، امّا درباره هویّت او و اینکه منظور از «منصور» و «مبیض» کیست، سخنی به میان نیامده است.

رخداد عجیب «خسف بیداء»

«خَسف» به معنای پنهان شدن و فرورفتن در چیزی است؛(1) از این رو به ماه گرفتگی «خسوف» گفته می شود، زیرا ماه در تاریکی فرو رفته و ناپدید می گردد. واژه «خسف» هم چنین به فرو ریختن چیزی در زمین گفته شده است: «الخسف؛ سؤُوخُ الأَرض بما علیه».(2) چنان که قرآن کریم در مورد قارون می فرماید: (فَخَسفْنا بِه و بِدارِه الاَرض)(3)؛ «ما او را با خانه اش در زمین فرو بردیم».

ص:301

1- العین، ج4، ص201؛ لسان العرب، ج9، ص67.

2- لسان العرب، ج9، ص67.

3- سوره قصص، آیه 181.

«بیـداء» در لغت به معنای دشت هموار، پهناور و خالی از سـکنه و بی آب و علف است: «البیداء: مفازه لا شـیء فیها».(۱) بیابان بیـداء، سـرزمین پهناور و دشت شن زاری است که در حـدود چهار فرسـخی مـدینه و در مسـیر مکّه واقع شده است. لشـکریان سفیانی در این منطقه، به اذن الاهی در زمین فرو می روند و ناپدید می شوند.

وقتی آنان به سـرزمین بیدا می رسـند، جبرئیل امین فریاد برمی آورد: «ای سـرزمین بیداء! این گروه سـتمگر را در کام خود فرو ببر». پس زمین دهان باز می کند و همه آن ها را در کام خود می کشد.(۲)

امیرمؤمنان علیه السـلام ذیل آیه (وَلَو تَرَی إِذْ فَزِعوا فَلَا فَوْتَ) فرموده است: «کمی پیش از قیام مهدی، سفیانی خروج می کند و به اندازه دوران حاملگی یک زن (نزدیک به نه ماه) حکومت می کند. لشگریان او وارد مدینه می شوند تا این که به بیداء می رسند و خداوند آنان را در زمین فرو می برد».(۳)

جابربن یزیـد جعفی، رخـداد خسف بیداء را به نقل از امام باقر علیه السـلام این گونه روایت کرده است: «وَ یَبْعَثُ السُّفْیَانِیُّ بَعْثاً إِلَی الْمَدِینَهِ فَیَنْفَرُ الْمَهْدِیُّ مِنْهَا إِلَی مَکهَ فَیَبْلُغُ أَمِیرَ جَیْشِ

ص:۳۰۲

۱- العین، ج۸، ص۸۴.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۷۹.

۳- تاریخ غیبت کبری، ص۶۴۸.

السُّفْيَانِيِّ أَنَّ الْمَهْدِيَّ قَدْ خَرَجَ إِلَى مَكَةَ فَيَبْعَثُ جَيْشاً عَلَى أَثَرِهِ فَلَا يُدْرِكهُ حَتَّى يَدْخُلَ مَكَةَ خائِفاً يَتَرَقَّبُ عَلَى سُنَّةِ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ علیه السلام قَالَ فَيَنْزِلُ أَمِيرُ جَيْشِ السُّفْيَانِيِّ الْبَيْدَاءَ فَيُنَادِي مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ يَا بَيْدَاءُ أَبِيدِي الْقَوْمَ فَيَخْسِفُ بِهِمْ فَلَا يُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا ثَلَاثَهُ نَفَرٍ يُحَوِّلُ اللَّهُ وُجُوهَهُمْ إِلَى أَقْفِيَتِهِمْ وَ هُمْ مِنْ كلْبٍ وَ فِيهِمْ نَزَلَتْ هَذِهِ الْآيَهُ: (يا أَيُّهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكتابَ آمِنُوا بِما نَزَّلْنا مُصَدِّقاً لِما مَعَكمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهاً فَنَرُدَّها عَلى أَدْبارِها)(۱) وَ الْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ مُسْتَجِيراً بِه...؛(۲) سفیانی، لشکری را به سوی مدینه اعزام می کند. پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از آن جا به سوی مکّه حرکت می کند. به فرمانده سپاه سفیانی خبر می رسد که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مکّه خارج شده است. پس لشکری را به دنبال وی می فرستند امّا او را نمی یابند، تا این که حضرت وارد مکّه می شود در حالی که همانند موسی بن عمران علیه السلام خوف ناک و امید وار است. فرمانده سپاه سفیانی وارد سرزمین بیداء می شود. پس منادی از آسمان ندا می دهد: «ای بیداء! این گروه را در خود فرو ببر». پس زمین آنان را در خود فرو می برد و هیچ کدام از آنان را باقی نمی گذارد مگر سه نفر(۳) که خداوند روی آنان را

۱- سوره نساء، آیه۴۷.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۰؛ الاختصاص، ص۲۵۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۲۳.

۳- در روایات، تعداد افرادی که از واقعه خسف بیداء جان سالم به در می برند، متفاوت ذکر شده است. در بعضی روایات یک نفر، در بعضی، دو نفر و در بعضی سه نفر ذکر شده است.

به طرف پشت شان برمی گرداند. آنان همگی از طایفه بنی کلب هستند و این آیه در مورد آنان نازل شده است: «ای کسانی که کتاب [خدا] به شما داده شده! به آن چه [بر پیامبر خود] نازل کردیم و هماهنگ با نشانه هایی است که با شماست، ایمان بیاورید، پیش از آن که صورت هایی را محو کنیم، سپس به پشت سر بازگردانیم، یا آن ها را از رحمت خود دور سازیم، همان گونه که اصحاب سبت (گروهی از تبهکاران بنی اسرائیل) را دور ساختیم؛ و فرمان خدا، در هر حال، انجام شدنی است». پس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن روز، در مکّه به دیوار بیت الله الحرام تکیه زده و به آن پناهنده شده است».

در روایت دیگری که آن را نیز جابرجعفی از امام باقر علیه السلام نقل نموده، آمده است: «وَ یَخْرُجُ الْجَیْشُ فِی طَلَبِ الرَّجُلَیْنِ وَ یَخْرُجُ الْمَهْدِیُّ مِنْهَا عَلَی سُنَّهِ مُوسَی خائِفاً یَتَرَقَّبُ حَتَّی یَقْدَمَ مَکهَ وَ یُقْبِلُ الْجَیْشُ حَتَّی إِذَا نَزَلُوا الْبَیْدَاءَ وَ هُوَ جَیْشُ الْهَمَلَاتِ خُسِفَ بِهِمْ فَلَا یُفْلِتُ مِنْهُمْ إِلَّا مُخْبِر؛(۱) سپاهی به تعقیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و همراهش خروج می کند و حضرت از مدینه خارج می شود، در حالی که همانند موسی علیه السلام بیمناك و امیدوار است، تا آن که وارد مکّه می شود و سپاه به دنبال او وارد سرزمین

ص:۳۰۴

۱- بحارالانوار، ج۵۲، ص۲۲۳.

بیدا می شوند و در آن فرو می روند، به گونه ای که هیچ کدام جان زنده به در نمی برند، جز یک نفر که خبر فرورفتن آن ها را به دیگران می رساند».

أمیر المؤمنین علیه السلام نیز می فرماید: «... وَ یَبْعَثُ خَیْلًا فِی طَلَبِ رَجُلٍ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ وَ قَدِ اجْتَمَعَ إِلَیْهِ نَاسٌ مِنَ الشِّیعَهِ یَعُودُ إِلَی مَکهَ أَمِیرُهَا رَجُلٌ مِنْ غَطَفَانَ إِذَا تَوَسَّطَ الْقَاعَ الْأَبْیَضَ خُسِفَ بِهِمْ فَلَا یَنْجُو إِلَّا رَجُلٌ یُحَوِّلُ اللَّهُ وَجْهَهُ إِلَی قَفَاهُ لِیُنْذِرَهُمْ وَ یَکونَ آیَهً لِمَنْ خَلْفَهُمْ وَ یَوْمَئِذٍ تَأْوِیلُ هَذِهِ الْآیَهِ: (وَ لَوْ تَری إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْتَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَکانٍ قَرِیب)(۱)؛(۲) اسب سوارانی را به دنبال مردی از آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم (حضرت مهدی) می فرستند، در حالی که در مکّه، عده ای از مستضعفین گرد او آمده اند. فرمانده آن گروه از طائفه غطفان است. وقتی آنان در دامنه های سفید وادی بیداء قرار می گیرند، زمین آن ها را در خود فرو می برد و هیچ کدام نجات نمی یابند مگر یک نفر که خداوند روی او را به طرف پشت سرش بر می گرداند تا این واقعه برای دیگران عبرت و نشانه قدرت الاهی باشد. آن وقت است که تأویل این آیه روشن می شود: «اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود، امّا نمی توانند [از عذاب الاهی]

ص:۳۰۵

۱- سوره سبأ، آیه۵۱.

۲- مختصر بصائر الدّرجات، ص۱۹۹؛ بحار الانوار، ج۵۳، ص۸۳.

بگریزند و آن ها را از جای نزدیکی [که حتی انتظارش را ندارند] می گیرند».

در حدیثی منقول از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم درباره چگونگی خسف بیداء آمده است: «ثُمَّ یَخْرُجُونَ مُتَوَجِّهِینَ إِلَی مَکَهَ حَتَّی إِذَا کانُوا بِالْبَیْدَاءِ بَعَثَ اللَّهُ جَبْرَئِیلَ فَیَقُولُ یَا جَبْرَئِیلُ اذْهَبْ فَأَبِدْهُمْ فَیَضْرِبُهَا بِرِجْلِهِ ضَرْبَهً یَخْسِفُ اللَّهُ بِهِمْ عِنْدَهَا وَ لَا یُفْلِتُ مِنْهَا إِلَّا رَجُلَانِ؛(۱) پس از آن که [لشکر سفیانی] به سوی مکّه روی آوردند، به بیابانی می رسند. در آن جا خداوند جبرئیل را به سوی آنان برمی انگیزد و دستور می دهد که برود و آنان را نابود سازد. جبرئیل با پای خود ضربتی بر آن زمین می زند و زمین به فرمان خدا همه آنان را در کام خود فرو می برد و جز دو نفر باقی نمی ماند».

چگونگی و چرایی زنده ماندن فرد یا افراد باقی مانده از واقعه بیداء در روایت منقول از امیرمؤمنان علیه السلام این گونه بیان شده است: «إذا نزل جیش فی طلب الذین خرجوا إلی مکه فنزلوا البیداء خسف بهم و یباد بهم و هو قوله عز و جل: (وَ لَوْ تَری إِذْ فَزِعُوا فَلا فَوْتَ وَ أُخِذُوا مِنْ مَکانٍ قَرِیبٍ)(۲) من تحت أقدامهم و یخرج رجل من الجیش فی طلب ناقه له، ثم یرجع إلی الناس فلا یجد منهم أحدا و لا یحس بهم و

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۸۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۴۸۱.

۲- سوره سباء، آیه ۵۱.

هو الذی یحدث الناس بخبرهم؛(۱) لشکریان به دنبال کسانی که به سمت مکّه رفته اند، حرکت می کنند تا این که در منطقه بیداء فرود می آیند و زمین زیر پایشان آن ها را در کام خود فرو می برد. و این قول الاهی است که فرمود: «اگر ببینی هنگامی که فریادشان بلند می شود امّا نمی توانند بگریزند و آن ها را از جای نزدیکی می گیرند». [اندکی قبل از خسف] یکی از آنان از میان لشکر خارج شده و به دنبال شتر خود می رود، وقتی برمی گردد نه هیچ کدام از رفقای خود را می بیند و نه اثری از آنان می یابد! این شخص است که خبر فرو رفتن همراهان خود را به مردم می رساند».

جالب این است که طبق برخی روایات، این حادثه عبرت انگیز، به قدر ی عجیب و غافلگیر کننده است که حتی فرمانده لشکر سفیانی در مدینه نیز از شنیدن آن، عمیقاً متعجب شده و در تصمیم خود در قبال حضرت، دچار تردید می شود: «فَیَقُوُلُ اِلَّذِیْ بَعَثَ اَلْجَیش حِیْنَ یَبْلُغُهُ الْخَبَر بِإِیْلِیا: لَعَمْرُ اللّه لَقَدْ جَعَلَ اللّه فِی هَذَا الَّرجُلِ عِبْرَهٌ، بَعَثْتُ إِلَیْهِ مَا هِیأَت فَسَاخُوا فِی الْأَرضِ، إِنّ فِی هَذَا لَعِبْرَهٌ وَ بَصِیرَهٌ؛(۲) کسی که آن سپاه را فرستاده

ص:۳۰۷

۱- الملاحم و الفتن، ص۱۵۹؛ کنز العمال، ج۱۱، ص۲۸۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۹۹.

۲- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۵۰۵ و ج۳، ص۳۱۳.

وقتی می شنود که آن حضرت در ایلیا فرود آمده، می گوید: به خدا سوگند، این مرد دارای عبرت و عجائبی است؛ زیرا من برای تعقیب و دستگیری او سپاهی فرستادم، ولی آنان همگی در اعماق زمین فرو رفتند».

نیروهای متجاوز سفیانی که در تعقیب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مکّه حرکت می کردند، در حالی در وادی بیداء ناپدید می شوند که امام در مکّه به حرم امن الاهی پناه برده و خبر فرو رفتن آنان در زمین را دریافت می کند.

ورود حضرت به مکّه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و شخص همراه او که در روایات «منصور» و «مبیض» خوانده شده، بعد از خروج از مدینه، در حالی که دشمنان در تعقیب آنان هستند، به طور ناشناس وارد مکّه می شوند تا فرمان و اذن الاهی برای ظهور فرا رسد.

در روایتی که ابن محبوب از یعقوب سراج و او از امام صادق علیه السلام نقل است، جریان خروج حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از شهر مدینه و ورود ایشان به مکّه این گونه تشریح شده است: «إِذَا اخْتَلَفَ وُلْدُ الْعَبَّاسِ وَ وَهَی سُلْطَانُهُمْ«۱» وَ طَمِعَ فِيهِمْ مَنْ لَمْ يَكُنْ يَطْمَعُ وَ خَلَعَتِ الْعَرَبُ أَعِنَّتَهَا وَ رَفَعَ كُلُّ ذِی صِيصِيَةٍ صِيصِيَتَهُ وَ ظَهَرَ السُّفْيَانِیُّ وَ الْيَمَانِیُّ وَ تَحَرَّكَ الْحَسَنِیُّ خَرَجَ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ مِنَ الْمَدِينَهِ إِلَی مَكَهَ بِتُرَاثِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قُلْتُ وَ مَا تُرَاثُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَقَالَ سَيْفُهُ وَ دِرْعُهُ وَ عِمَامَتُهُ وَ بُرْدُهُ وَ قَضِيبُهُ وَ فَرَسُهُ وَ لَأْمَتُهُ وَ

سَرْجُه؛(۱) زمانی که بنی عباس با یک دیگر اختلاف کنند و قدرت و حکومت آن ها از هم گسسته شود و کسانی که جرأت تعرض به آن ها نداشتند به حکومت آن ها طمع ورزند و عرب مشکلات خود را رها کرده و شخص شامی (سفیانی) ظهور کند و یمانی روی آورد و سید حسنی حرکت کند، صاحب این امر، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از مدینه به سمت مکه خارج می شود در حالی که میراث رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم یعنی شمشیر، زره، عمامه، عبا (برد) عصا، پرچم، لباس جنگ و زین اسب او را به همراه دارد و در آن حال وارد مکه می شود».

□□□

۱- الکافی، ج۸، ص۲۲۵؛ الغیبه، نعمانی، ص۲۷۹؛ الصراط المستقیم، ج۲، ص۲۵۸؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۴۲.

فصل۳: رخدادهای پس از ظهور

چگونگی ظهور

نحوه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و قیام و حرکت ایشان از مکّه به سوی مدینه، در روایات به گونه های مختلفی نقل شده است.

جناب مفضّل، صحابی خاص امام صادق علیه السلام می گوید: در خدمت حضرت بودم و از محضر ایشان پرسیدم که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از کجا و چگونه ظهور می کند؟ حضرت فرمود: «یَا مُفَضَّلُ یَظْهَرُ وَحْدَهُ وَ یَأْتِی الْبَیْتَ وَحْدَهُ وَ یَلِجُ الْکَعْبَهَ وَحْدَهُ وَ یَجُنُّ عَلَیْهِ اللَّیْلُ وَحْدَهُ فَإِذَا نَامَتِ الْعُیُونُ وَ غَسَقَ اللَّیْلُ نَزَلَ إِلَیْهِ جَبْرَئِیلُ وَ میکائِیلُ وَ الْمَلَائِکَهُ صُفُوفاً فَیَقُولُ لَهُ جَبْرَئِیلُ: یَا سَیِّدِی قَوْلُک مَقْبُولٌ وَ أَمْرُک جائِزٌ، فَیَمْسَحُ یَدَهُ عَلَی وَجْهِهِ وَ یَقُولُ: (الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِی صَدَقَنا وَعْدَهُ وَ أَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَبَوَّأُ مِنَ الْجَنَّهِ حَیْثُ نَشاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعامِلِین)(۱)؛(۲) ای مفضل! او به تنهایی ظهور می کند و به تنهایی کنار خانه کعبه می آید و به تنهایی شب را در آن جا

ص:۳۱۰

۱- سوره زمر، آیه۷۴.

۲- مختصر بصایر الدرجات، ص۱۷۹؛ الزام الناصب، ص۲۲۴؛ بحار الانوار، ج، ۵۳، ص۷.

می گذرانـد. پس وقـتی کـه چشـم همـه در خـواب فرو رفته و تـاریکی شب همه جـا را فراگرفت، جبرئیـل و میکائیـل همراه با صفوفی از فرشـتگان به حضور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف شرفیاب می شوند. جبرئیل به حضرت عرض می کند: سـرور من! خواسـته شـما پذیرفته و فرمان شما نافذ است. آنگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دستش را به صورت مبارکش می کشـد و این آیه شـریفه را قرائت می کنـد: «خـدا را سـپاس که وعـده جانشـینی ما بر روی زمین را تحقق بخشید تا بشتابیم به هر آن چه از نعمت های بهشتی که بخواهیم و چقدر نیکوست پاداش اهل عمل».

امام باقر علیه السـلام نیز نحوه ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را این گونه بیان نموده است: «یَخْرُجَ فَیَهْبِطُ مِنْ عَقَبَهِ طُوًی فِی ثَلَاثِمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّهِ أَهْلِ بَدْرٍ حَتَّی یَأْتِیَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَیُصَلِّی فِیهِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ أَرْبَعَ رَکعَاتٍ وَ یُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَی الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ ثُمَّ یَحْمَدُ اللَّهَ وَ یُثْنِی عَلَیْهِ وَ یَذْکرُ النَّبِیَّ صـلی الله علیه و آله و سلم وَ یُصَلِّی عَلَیْهِ وَ یَتَکلَّمُ بِکلَامٍ لَمْ یَتَکلَّمْ بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاسِ فَیَکونُ أَوَّلُ مَنْ یَضْرِبُ عَلَی یَدِهِ وَ یُبَایِعُهُ جَبْرَئِیلَ وَ میکائیل وَ یَقُومُ مَعَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ فَیَدْفَعَانِ إِلَیْهِ کتَاباً جَدِیداً هُوَ عَلَی الْعَرَبِ شَدِیدٌ بِخَاتَمٍ رَطْبٍ فَیَقُولُونَ لَهُ اعْمَلْ بِمَا فِیهِ وَ یُبَایِعُهُ الثَّلَاثُمِائَهِ وَ قَلِیلٌ مِنْ أَهْلِ مَکهَ ثُمَّ یَخْرُجُ مِنْ مَکهَ حَتَّی یَکونَ فِی مِثْلِ الْحَلْقَهِ قُلْتُ وَ مَا الْحَلْقَهُ قَالَ عَشَرَهُ آلَافِ رَجُلٍ جَبْرَئِیلُ عَنْ یَمِینِهِ وَ میکائیل عَنْ شِمَالِهِ ثُمَّ یَهُزُّ الرَّایَهَ الْجَلِیَّهَ وَ یَنْشُرُهَا وَ هِیَ رَایَهُ رَسُولِ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله و سـلم السَّحَابَهُ وَ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صـلی الله علیه و آله و سـلم السَّابِغَهُ وَ یَتَقَلَّدُ بِسَیْفِ رَسُولِ

اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ذِی الْفَقَار؛(۱) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کند و در گردنه طوی، در میان ۳۱۳ نفر به تعداد اهل بدر فرود می آید، سپس به مسجدالحرام می رود، چهار رکعت نماز در مقام ابراهیم می خواند و پس از آن به حجر الاسود تکیه می دهد. آن گاه خدا را حمد و ثنا کرده و پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را یاد نموده و بر او صلوات می فرستد و چنان سخن می گوید که هیچ کس تا آن زمان چنان سخن نگفته است. پس اولین کسانی که با او بیعت می کنند، میکائیل وجبرئیل می باشند و همراه آن دو، رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام بر می خیزند و نامه ای به آن حضرت می دهند که مطالب آن شدیداً علیه عرب است و مهر آن هنوز خیس می باشد. پس به آن حضرت می فرمایند: «به آن چه در نامه است عمل نما». سپس آن سیصد نفر و عده کمی از اهل مکه با آن حضرت بیعت می کنند. سپس حضرت از مکه خارج می شود تا آن که وارد چیزی مانند حلقه می شود که در حقیقت ده هزار مرد هستند. جبرئیل در سمت راست و میکائیل در سمت چپ حضرت قرار می گیرند. آن گاه پرچم گران مایه ای را باز کرده و به اهتزاز در می آورد و آن پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم است که نامش سحابه می باشد و نیز زره رسول

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۷؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۲۹۵.

الله صلی الله علیه و آله و سلم به نام سابغه و شمشیر ایشان به نام ذوالفقار، همراه آن حضرت خواهد بود».

در روایتی که ابوبصیر آن را از امام صادق علیه السلام نقل کرده، کیفیت قیام پیروزمندانه و باشکوه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین بیان شده است: «لَا یَخْرُجُ الْقَائِمُ علیه السلام حَتَّی یَکونَ تَکمِلَهُ الْحَلْقَهِ قُلْتُ وَ کمْ تَکمِلَهُ الْحَلْقَهِ قَالَ عَشَرَهُ آلَافٍ جَبْرَئِیلُ عَنْ یَمِینِهِ وَ میکائیل عَنْ یَسَارِهِ ثُمَّ یَهُزُّ الرَّایَهَ وَ یَسِیرُ بِهَا فَلَا یَبْقَی أَحَدٌ فِی الْمَشْرِقِ وَ لَا فِی الْمَغْرِبِ إِلَّا لَعَنَهَا وَ هِیَ رَایَهُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم نَزَلَ بِهَا جَبْرَئِیلُ یَوْمَ بَدْرٍ؛(۱) قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نکند تا آنگاه که حلقه کامل گردد. عرض کردم: حلقه [کامل شدنش] چقدر است؟ فرمود: ده هزار که جبرئیل از سمت راستش و میکائیل از سمت چپش باشد، سپس پرچم را به اهتزاز در آورد و با پرچم حرکت کند؛ یک نفر در خاور و باختر نماند مگر آنکه پرچم را لعنت کند و آن پرچم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است که جبرئیل آن را روز بدر فرود آورد. سپس امام صادق علیه السلام خطاب به من (ابوبصیر) فرمود: «ثُمَّ قَالَ یَا أَبَا مُحَمَّدٍ مَا هِیَ وَ اللَّهِ قُطْنٌ وَ لَا کتَّانٌ وَ لَا قَزٌّ وَ لَا حَرِیر؛ به خدا سوگند، آن پرچم از پنبه یا ابریشم یا حریر نیست! ابوبصیر گوید: عرض کردم: پس از چیست؟ حضرت فرمود: «قَالَ: مِنْ وَرَقِ الْجَنَّهِ نَشَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَوْمَ بَدْرٍ ثُمَّ لَفَّهَا وَ دَفَعَهَا إِلَی عَلِیٍّ علیه السلام فَلَمْ تَزَلْ عِنْدَ عَلِیٍّ علیه السلام حَتَّی إِذَا کانَ یَوْمُ الْبَصْرَهِ نَشَرَهَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام فَفَتَحَ اللَّهُ عَلَیْهِ ثُمَّ لَفَّهَا وَ هِیَ عِنْدَنَا هُنَاک لَا یَنْشُرُهَا أَحَدٌ حَتَّی یَقُومَ الْقَائِمُ فَإِذَا هُوَ قَامَ

ص:۳۱۳

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۰۷.

نَشَرَهَا فَلَمْ يَبْقَ أَحَدٌ فِی الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ إِلَّا لَعَنَهَا وَ يَسِيرُ الرُّعْبُ قُدَّامَهَا شَهْراً وَ وَرَاءَهَا شَهْراً وَ عَنْ يَمِينِهَا شَهْراً وَ عَنْ يَسَارِهَا شَهْراً؛(۱) از برگ های بهشتی است که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم آن را در جنگ بدر باز نمود و سپس آن را بست و به علی علیه السلام داد و آن حضرت همیشه آن را داشت تا آن که در روز بصره (جنگ جمل) آن را باز نمود و خداوند پیروزی را نصیبشان فرمود. آن گاه حضرت علی علیه السلام آن را بست و هم اکنون آن پرچم نزد ماست و کس دیگری آن را باز نخواهد کرد تا آن که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نماید. هنگام قیام آن حضرت با اینکه تمام مردم در شرق وغرب جهان آن پرچم را نفرین می کنند و به مخالت با آن برمی خیزند، امّا با برافراشتن آن، از جلو و پشت سر و از راست و چپ، دشمنان آن حضرت را رُعب و وحشت فرا می گیرد».

پیوستن اصحاب حضرت

اشاره

یکی از مهم ترین شرایط و مقدمات لازم برای تحقق ظهور، وجود یاورانی شایسته و لایق برای پشتیبانی از قیام و انجام کارهای حکومت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است؛ زیرا سنّت الاهی بر این قرار گرفته که امور عالم از مجرای طبیعی و علل و اسباب عادی انجام گیرد و چنین انقلاب عظیمی بدون نیروهای

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۲۰؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۶۰.

مؤمن و فوق العاده توانمند و مؤثر، امکان تحقق نخواهد یافت. نقش یاران در موفقیت و نتیجه بخشی حرکت های اصلاحی پیامبران الاهی علیه السلام نیز تعیین کننده بوده است.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنان را به خاطر داشتن ویژگی ایمان، معرفت، توانایی، کفایت، مدیریت و صلاحیت های لازم به عنوان فرماندار و حاکم به سراسر جهان گسیل می دارد: «یُفرقُ الْمَهْدِیُّ اَصْحَابَهُ فِی جَمِیْعِ اْلبُلْدَان وَ یَأمُرُهُم بِالْعَدلِ وَ اْلِاحْسَان وَ یَجْعَلَهُمْ حُکامًا فِی اْلاَقَالِیْم؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصحاب خاصش را به سراسر جهان اعزام می کند و آنان را به اجرای عدالت و نیکی فرمان می دهد و آنان را فرمانروایان کشورها قرار می دهد».

درباره اصحاب ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نکاتی چون تعداد، مشخصات فردی و ملیت آنان، چگونگی پیوستن آنان به حضرت، بیعت آنان با امام علیه السلام اوصاف و ویژگی های آنان و... در مجامع روایی مطرح شده است که در ادامه اشاره می گردد.

الف) تعداد اصحاب

درباره شمار اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در روایات آمار و ارقام مختلفی ذکر شده است. بیشتر روایات، تعداد یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را سیصد و سیزده تن ذکر کرده اند. روایات مربوط به

۱- روزگار رهایی، ج۲، ص۶۳.

این موضوع دو دسته اند:

در یک دسته از روایات، تعداد یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده تن به تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر ذکر شده اند. اکثر روایات این عدد را مطرح کرده اند.(۱) نظیر آن چه از امام صادق علیه السلام نقل شده است. حضرت فرموده است: «أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْر؛(۲) اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر اند».

دسته دیگر، روایاتی است که تعداد اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را بیش از سیصد و سیزده نفر ذکر کرده اند. در این دسته از روایات رقم یاران حضرت، ده هزار عنوان شده است چنان که مرحوم نعمانی در کتاب الغیبه به نقل از ابوبصیر، این روایت را از امام صادق علیه السلام نقل کرده است: «لَا یَخْرُجُ الْقَائِمُ علیه السلام حَتَّی یَکونَ تَکمِلَهُ الْحَلْقَه، قُلْتُ وَ کمْ تَکمِلَهُ الْحَلْقَهِ؟ قَالَ: عَشَرَهُ آلَافٍ؛(۳) قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج نمی کند، مگر هنگامی که حلقه (تعداد یاران حضرت) کامل شود. ابو بصیر می گوید: پرسیدم: حلقه با چه تعداد کامل می شود؟ حضرت فرمود: ده هزار نفر». در جای دیگر، ابوبصیر نقل می کند که

۱- بصائر الدرجات، ص۳۱۱؛ کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۴؛ الخصال، ص۶۴۹.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۷۳؛ الخصال، ص۶۴۹؛ بصائر الدرجات، ص۳۱۱؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۲۶.

۳- الغیبه، نعمانی، ص۳۲۰؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۵۴۵.

مردی کوفی از امام صادق علیه السلام تعداد یاران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را پرسید و گفت: «مردم می گویند اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به تعداد اصحاب بدر سیصد و سیزده نفرند». حضرت در پاسخ فرمود: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نمی کند مگر با نیروی قدر تمندی که تعداد آنان کمتر از ده هزار رزمنده نخواهد بود».(۱)

در این دسته روایات، برخی تعداد اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در هنگام ظهور، دوازده هزار یا پانزده هزار(۲) و حتی عدد یکصد هزار نفر نیز، نقل شده است.(۳)

در بیان وجه جمع این دو دسته روایات می توان گفت باتوجّه به قرائن موجود، روایات دسته نخست که عدد سیصد و سیزده را ذکر کرده اند ناظر به اصحاب ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مرحله آغازین ظهور حضرت است؛ همان کسانی که هسته اصلی قیام حضرت را تشکیل می دهند و در روایات از آنان به عنوان پرچمداران و فرماندهان لشکر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می باشند؛ امّا روایات دسته دوم که عدد بیش از سیصد و سیزده نفر را ذکر نموده اند ناظر به مجموع نیروهایی

۱- ر.ك: كمال الدين و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۴ ؛ نور الثقلین، ج۴، ص۹۸؛ العدد القویّه، ص۶۵.

۲- ملاحم ابن طاووس، ص۶۵.

۳- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۷و۳۶۷؛ بشاره الاسلام، ص۱۹۰؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۵۷۸.

است که به جمع سیصد و سیزده نفر می پیوندند و تحت فرماندهی آنان عمل می کنند و در زمره سپاه حضرت قرار می گیرند.

شاهد این مطلب نیز برخی روایاتی است که دلالت دارد بر اینکه ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با سیصد و سیزده نفر از اصحاب ویژه آغاز می گردد سپس سایر یاوران حضرت به سرعت به آنان ملحق می شوند و تحت فرماندهی اصحاب ویژه حضرت، سپاهیان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را جهت آغاز قیام تشکیل می دهند. مانند آنچه جناب عبدالعظیم حسنی از امام جواد علیه السلام نقل کرده که فرمود: «...يَجْتَمِعُ إِلَيْهِ مِنْ أَصْحَابِهِ عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا مِنْ أَقَاصِي الْأَرْضِ وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ (اَيْنَمَا تَكونُوا يَأْتِ بِكمُ اللَّهُ جَمِيعاً إِنَّ اللَّهَ عَلى كلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ) فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لَهُ هَذِهِ الْعِدَّةُ مِنْ أَهْلِ الْإِخْلَاصِ أَظْهَرَ اللَّهُ أَمْرَهُ فَإِذَا كمَلَ لَهُ الْعَقْدُ وَ هُوَ عَشَرَةُ آلَافِ رَجُلٍ خَرَجَ بِإِذْنِ اللَّهِ فَلَا يَزَالُ يَقْتُلُ أَعْدَاءَ اللَّهِ حَتَّى يَرْضَى عَزَّ وَ جَل؛(۱) سیصد وسیزده مرد به تعداد اهل بدر از دورترین نقاط زمین در کنار او (حضرت قائم) حاضر شوند و این مصداق سخن خدا است که فرمود: هرکجا باشید خدا شمارا جمع می کند و او به همه چیز توانا است، پس هر گاه این عدد از أهل اخلاص جمع گردند، خداوند أمر ظهور آن حضرت را مقدرگرداند و چون تعداد آن جماعت أهل اخلاص به عقد کامل؛ یعنی آن

۱- الاحتجاج، ج۲، ص۴۴۹.

ده هزار مرد رسند، حضرت خروج نموده و مدام دشمنان خدا را بکشند تا رضایت پروردگار حاصل گردد».

مفضّل بن عمر جُعفی نیز از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «إِذَا أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ اسْمُهُ لِلْقَائِمِ فِی الْخُرُوجِ... وَ قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ بِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا فَیُبَایِعُوهُ وَ یُقِیمُ بِمَکَهَ حَتَّی یَتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشْرَهَ آلَافِ نَفْسٍ ثُمَّ یَسِیرُ مِنْهَا إِلَی الْمَدِینَه؛(۱) هر گاه خدای متعال به قائم آل محمد اجازه ظهور دهد، در حالی که سیصد و اندی مرد با او بیعت می کنند و حضرت در مکه توقف می فرماید تا یاران او به ده هزار نفر می رسند؛ سپس از آن جا به سوی مدینه حرکت می فرماید».

از این نظر، روایاتی که اعداد و ارقامی مثل ده هزار یا بیشتر (که بیانگر کثرت آنان است) ذکر کرده اند، ناظر به گروه انصار هستند و شامل همه کسانی می شوند که به نحوی در حمایت از این حرکت الاهی و تحکیم و تقویت انقلاب جهانی حضرت سهم دارند. مانند آنچه روایت از امام صادق علیه السلام نقل شده است که حضرت فرمود: «آنان (اصحاب مهدی) سیصد و سیزده نفرند که هرکدام نیز خود را در میان سیصد و سیزده نفرمی بینند.(۲) براساس این گونه روایات، هرکدام از این

۱- الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۳.

۲- ر.ک: دلائل الأمامه، ص ۳۲۰؛ المحجّه، ص۴۶.

سیصد و سیزده تن، فرماندهی سیصد و سیزده نفر را برعهده دارند. لذا آمار و ارقام یاد شده در این نوع روایات، بیانگر تعدد سپاهیان و یاوران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف است.

ب) خصوصیات اسمی و ملیتی اصحاب

در روایات، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دارای صفات ممتاز معنوی و اخلاقی معرفی شده اند؛ رادمردانی که شیران روز و نیایشگران شب اند، دل هایشان مانند پاره های آهن محکم واستواراند؛ جنگجویی که رُعب و هیبت آنان دشمنان را از زمین گیر می کنند و در راه انجام مأموریت خود، بسیار قاطع و نترس اند و هرگز هراسی به دل راه نمی دهند، جزشهادت در راه خدا آرزوی دیگری ندارند و در برابر رهبر و مولای خویش سخت مطیع و فرمانبرداراند.

امیرالمؤمنین علیه السلام در توصیف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می فرماید: «بِأَبِی وَ أُمِّی مِنْ عِدَّهٍ أَسْمَاؤُهُمْ فِی السَّمَاءِ مَعْرُوفَهٌ وَ فِی الْأَرْضِ مَجْهُولَهٌ؛(۱) پدر و مادرم فدای گروه اندکی باد که در آسمان (میان ملکوتیان) آشنایند و در زمین (یعنی درمیان مردم) ناشناخته اند.

آن حضرت در سخنرانی خود در بصره که به

۱- نهج البلاغه، ص۲۷۷؛ بحار الانوار، ج۳۴، ص۲۱۲.

«خطبه البیان» معروف است در ستایش اوصاف یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین فرمود: «هُمْ ثَلَاثَ مِائَهَ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَرَجُلًا کلّهُم لُیُوثٌ قَد خَرَجُوا مِنْ غَابَاتِهِم مِثْلَ زُبُرِ الْحَدِید، لَوْ أَنّهُم هَمُّوا بِإِزَالَهِ الْجِبَالِ الرَّوَاسِی لَأَزَالُوهَا عَن مَوَاضِعِهَا فَهُمُ الّذِینَ وَحّدُوا اللّه تَعَالی حَقّ تَوْحِیْدِهِ، لَهُمْ بِاللّیلِ أَصْوَاتٌ کأَصْوَاتِ الثَّوَاکل حَزَنًا مِنْ خَشْیَهِ اللّه تَعَالی، قَوّامَ اللَّیلِ صَوَّامُ النَّهَارِ کأَنَّمَا رَبّاهُمْ أَبٌ وَاحِدٌ وَ أُمٌّ وَاحِدَهٌ، قُلُوبُهُم مُجْتَمِعَهٌ بِالْمَحَبّهِ وَ النَّصِیحَهِ، أَلَا وَ إِنّی لَأَعْرَفُ أَسْمَاءَهُمْ وَ أَمْصَارَهُم؛(۱) آنان (اصحاب مهدی) سیصد و سیزده مرد اند که همگی همگون شیرانی اند که از آشیانه شان بیرون آمده باشند، مانند پاره های آهن دارای عزم فولادین انـد که اگر تصـمیم بگیرنـد کوه اسـتواری را بر کنـد، ازجا برمی دارند. آنان کسانی اند که حقیقتاً به وحدانیت خـدای تعالی باورمندنـد، شب ها هماننـد مادران فرزنـد مرده، از خوف خـدا ناله های جانسوزی دارند، نمازگزاران شب و روزه داران روز انـد، گو این که همگی دست پرورده یـک پـدر و مادر انـد، در دوستی و خیرخواهی، دل هایشان باهم اند. آگاه باشید که من آنان را با نام ها و شهرهایشان می شناسم».

بر پـایه گزارش ابو بصـیر از امام صادق علیه السـلام : «هُمُ النُّجَبَاءُ وَ الْقُضَاهُ وَ الْحُکامُ عَلَی النَّاس؛(۲) آنان (یاران مهدی) مردان برگزیده و مرجع داوری مردم و

ص:۳۲۱

۱- إلزام الناصب، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲- دلائل الأمامه، ص۵۵۵.

فرمانروایان جهان اند».

در سخنی دیگر امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ أَصْحَابَ الْقَائِمِ شَبَابٌ لَا كهُولَ فِيهِمْ إِلَّا كالْكحْلِ فِی الْعَيْنِ أَوْ كالْمِلْحِ فِی الزَّادِ وَ أَقَلُّ الزَّادِ الْمِلْحِ؛(۱) اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی جوان اند مگر تعداد اندکی مانند کمی سرمه در چشم و یا کمی نمکٔ در غذاست و کم ترین جزء غذا نمک است».

امام جواد علیه السلام از قول اجداد طاهرینش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم چنین نقل کرده است: «يَجْمَعُ اللَّهُ لَهُ مِنْ أَقَاصِی الْبِلَادِ عَلَى عِدَّهِ أَهْلِ بَدْرٍ ثَلَاثِمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَرَجُلًا مَعَهُ صَحِيفَهٌ مَخْتُومَهٌ فِيهَا عَدَدُ أَصْحَابِهِ بِأَسْمَائِهِمْ وَ بُلْدَانِهِمْ وَ طَبَائِعِهِمْ وَ حُلَاهُمْ وَ كنَاهُ؛(۲) خداوند مردان ناموری به تعدد اصحاب بدر؛ یعنی سیصد و سیزده نفر که از اقطار جهان به او روی گرداند، در دست حضرت نامه مهر شده ای ست که تعداد یارانش با اسامی و شهرها و خصوصیات اخلاقی و اوصاف و کینه های آن ها در آن نوشته شده است».

در برخی از روایات، خصوصیات اسمی سیصد و سیزده نفر یار ویژه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام های پدران و قبایل آنان همراه با شهرها و محل زندگی شان ذکر شده و از شهرهایی چون: کوفه، بصره، مدائن، هرات، حرّان، قلزوم، خیبر، طرابلس، بیروت، طالقان، همدان، ری، اهواز، قم، قزوین، نیشابور، کرمان، مرو، طوس و...

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۶.

۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱.

نام برده شده است. (۱)

در این رابطه توجه به چند نکته ضروری است:

اولاً ـ اماکن و شهرهایی که در این روایات از آن نام برده شده، ناظر به مکان هایی است که در هنگام صدور روایت با این عناوین و نام ها شناخته می شدند. به همین جهت در بسیاری از موارد، تطبیق این اسامی با اماکن و شهرهایی که بعدها بدین اسامی، نام گذاری و مشهور شده اند، درست نیست؛ زیرا بسیاری از شهرهای نامبرده، در گذر زمان تغییر نام یافته یا محدوده ای بزرگ تر یا کوچک تر پیدا کرده اند. نیز ممکن است در ثبت و ضبط نام این شهر ها تصحیفی رخ داده باشد. هم چنین در برخی موارد، شهرهای جدیدی احداث شده که با آن چه در روایات آمده است، صرفاً تشابه اسمی دارد. مضافاً اینکه در اسامی و مکان های یاد شده در این گونه روایات، اندک تفاوت هایی دیده می شود.

۱- دلائل الأمامه، ص۵۵۶- ۵۷۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۴، ص۲۸. امیر مؤمنان علیه السلام در سخنرانی خویش در میان مردم بصره، اسامی و شهرهای یاران مهدی علیه السلام را به تفصیل بر شمرده است. ر.ک: إلزام الناصب فی إثبات الحجه الغائب، ج ۲، ص۱۶۵-۱۶۷.

ثانیاً بیان مشخصات قطعی یاران حضرت، نیازمند وجود روایات معتبر است و نمی توان به حدیثی که دارای سند قوی نیست، اعتماد کرد. از این رو، درباره این گونه روایات، باید جانب احتیاط را مد نظر داشته باشیم و در پذیرفتن آن ها شتاب نکنیم؛ بلکه شایسته است علم این مسأله را به امام معصوم واگذاریم. به یقین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که در پرتو هدایت خداوند، مردم را از اسرار هستی آگاه می کند، در وقت مناسب این موضوع را برای آنان آشکار می سازد تا کسی نتواند با سوء استفاده از آن، دیگران را به گمراهی بکشاند.

ثالثاً دانستن نام اصحاب حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و آگاهی از موطن و ملیت آنان، گرچه مطلوب است، امّا از نظر معرفتی چندان اثری برای ما نخواهد داشت؛ بلکه آن چه در این خصوص مهم و لازم است توجّه به ویژگی های شخصیتی یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و تأسی عملی به آنان می باشد.

ج) چگونگی پیوستن اصحاب

طبق نقل روایات، اصحاب امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به طور ناگهانی و معجزه آسا، از مسافت های دور و نزدیک، با طی الارض و در کمتر از چشم به هم زدنی، در مکه معظمه گرد می آیند و به

حضور امام می رسند.

امیرمؤمنان علیه السلام در مورد نحوه فراخوانی و پیوستن یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «خداوند، یاران مهدی را در کمتر از چشم به هم زدنی، از مشرق و مغرب، در کنار کعبه، گرد می آورد».(۱) هم چنین در روایت دیگری از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «یاران مهدی با طیُّ الارض به سوی او می شتابند و در مکه با او بیعت می کنند».(۲)

جناب مفضّل از حضرت صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «وَ یَقِفُ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَامِ فَیَصْرُخُ صَرْخَةً فَیَقُولُ یَا مَعَاشِرَ نُقَبَائِی وَ أَهْلَ خَاصَّتِی وَ مَنْ ذَخَرَهُمُ اللَّهُ لِنُصْرتِی قَبْلَ ظُهُورِی عَلَی وَجْهِ الْأَرْضِ ائْتُونِی طَائِعِینَ فَتَرِدُ صَیْحَتُهُ علیه السلام عَلَیْهِمْ وَ هُمْ عَلَی مَحَارِیبِهِمْ وَ عَلَی فُرُشِهِمْ فِی شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا فَیَسْمَعُونَهُ فِی صَیْحَهٍ وَاحِدَهٍ فِی أُذُنِ کلِّ رَجُلٍ فَیَجِیئُونَ نَحْوَهَا وَ لَا یَمْضِی لَهُمْ إِلَّا کلَمْحَهِ بَصَرٍ حَتَّی یَکونَ کلُّهُمْ بَیْنَ یَدَیْهِ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَامِ... وَ هُمْ لَا یَعْلَمُونَ بِظُهُورِ قَائِمِنَا أَهْلَ الْبَیْتِ علیه السلام ثُمَّ یُصْبِحُونَ وُقُوفاً بَیْنَ یَدَیْهِ وَ هُمْ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا بِعِدَّهِ أَصْحَابِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم یَوْمَ بَدْرٍ؛(۳) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف میان رکن و مقام توقف می نماید. در آن جا با صدای بلند خطاب به یاران خود می فرماید: ای گروه برگزیدگان من و ای کسانی که خداوند، قبل از ظهور، شما

۱- ر.ک: الملاحم، ص۱۴۶.

۲- روضه الواعظین، ج۲، ص۲۶۳؛ عِقد الدُّرر، ص۶۵؛ البرهان، ص۱۴۵.

۳- مختصر بصائر الدرجات، ص۱۷۲؛ الزام الناصب، ج۲، ص۲۲۳؛ بحار الانوار، ج۵۳، ص۷.

را در اطراف جهان برای یاری من ذخیره نمود! به سوی من آئید و از من اطاعت کنید. آنان ندای حضرت را می شنوند و در حالی که سلاح در دست، در منازل و خانه های خود در گوشه های مختلفی از شرق و غرب جهان مستقرند، همگی با یک صدا حضرت را اجابت می نمایند و به سوی او می شتابند و به مدت کمتر از چشم به هم زدنی همگی خود را در حضور امام خود بین رکن و مقام حاضر می بینند. تعداد آنان سیصد و سیزده مرد به تعداد اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر است».

ابوخالد کابلی از امام زین العابدین علیه السلام نقل می کند که فرمود: «الْمَفْقُودُونَ عَنْ فُرُشِهِمْ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّةُ أَهْلِ بَدْرٍ فَيُصْبِحُونَ بِمَكَةَ وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ(أَيْنَمَا تَكونُوا يَأْتِ بِكمُ اللَّهُ جَمِيْعاً) وَ هُمْ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛(۱) کسانی که شب هنگام از بسترهای خود ناپدید می شوند، سیصد و سیزده نفر به تعداد اهل بدر هستند، که صبحگاهان در مکه حضور می یابند واین گفته خداست که فرمود: «هر کجا باشید، خداوند شما را گرد خواهد آورد». آنان یاران قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هستند».

بر پایه گزارش ابی الجارود، امام باقر علیه السلام فرمود: «أَصْحَابُ الْقَائِمِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَةَ عَشَرَ رَجُلًا أَوْلَادُ الْعَجَمِ بَعْضُهُمْ يُحْمَلُ فِي السَّحَابِ نَهَاراً يُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِيهِ وَ نَسَبِهِ وَ حِلْيَتِهِ وَ بَعْضُهُمْ نَائِمٌ

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ج ۲، ص۶۵۴.

عَلَی فِرَاشِهِ فَیُوَافِیهِ فِی مَکهَ عَلَی غَیْرِ مِیعَـادٍ؛(۱) اصحاب قائم سیصد و سیزده مرد از فرزندان عجم هستند که پاره ای از آنان در روز میان ابر برده می شود و نام خودش و نام پدرش و نسبش و خصوصیّاتش شناخته می شود، بعضی از آنان در بسترش خفته باشد و بدون قرار قبلی در مکه با او دیدار کند».

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: آیه: (أَیْنَمَا تَکونُوا یَأْتِ بِکمُ اللَّهُ جَمِیْعاً)(۲) در مورد اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نازل شده است، بعد فرمود: «إِنَّهُمْ لَیَفْتَقِـدُونَ عَنْ فُرُشِـهِمْ لَیْلًا فَیُصْبِحُونَ بِمَکهَ وَ بَعْضُهُمْ یَسِیرُ فِی السَّحَابِ یُعْرَفُ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِیهِ وَ حِلْیَتِهِ وَ نَسَبِهِ. قَالَ: قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاک أَیُّهُمْ أَعْظَمُ إِیمَاناً؟ قَالَ: الَّذِی یَسِیرُ فِی السَّحَابِ نَهَاراً ؛(۳) آنان شبانه از محل خوابشان ناپدید می شوند و صبح خود را در مکّه می بینند! بعضی بر فراز ابر حرکت می کنند. (شاید مراد از ابر، ابزارهای پیشرفته باشد) آنان با اسم و نسب، افراد آشنا و شناخته شده اند». مفضل می گوید: از حضرت پرسیدم: جانم به فدایت! ایمان کدام یک از آنان بیش تر است؟ فرمود: آنکه در وسط روز بر فراز ابر سیر و حرکت می کند!».

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۵.

۲- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۳- الغیبه، نعمانی، ص ۳۱۳ ؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۲.

این گونه روایات که بیانگر نوع فراخوانی و گردهمایی یاران حضرت در هنگام ظهور است، مربوط به اصحاب خاص آن حضرت، یعنی آن گروه ویژه سیصد و سیزده نفری است. امّا نحوه پیوستن سایر یاران و سپاهیان حضرت، ظاهراً به صورت عادی و تدریجی است.

د) اوصاف و ویژگی های اصحاب

آن چه موجب برازندگی و برگزیدگی یاران خاص حضرت شده، وجود خصوصیات و اوصاف غبطه برانگیزی است که توجّه به آن، بسی آموزنده و در ابعاد فردی و اجتماعی قابل تأمل است.

یاران حضرت، هم از بعد جسمانی، نیرومند و پرتوان اند و هم در بعد معنوی، مجهز به سلاح ایمان و تقوی و دارای قدرت و اراده نافذ هستند؛ به طوری که بر انبوه مشکلات فائق می آیند و خواسته های رهبر و پیشوای خویش را بی کم و کاست به اجرا می گذارند.

آن چه موجب درخشش یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می شود، اطاعت و فرمانبری کامل آنان از دستورات امام علیه السلام و ثبات و پایمردی بی نظیر آنان در پیشبرد اهداف حضرت، در آن شرایط حساس دوران آغازین ظهور است. یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف انسان هایی خودساخته، شجاع، دریادل و نیرومند ی اند و هیچ کسی در برابر آنان، تاب مقاومت ندارد.

ص:۳۲۸

امام جواد علیه السلام از قول اجداد طاهرینش از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم قاطعیت و اطاعت پذیری یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین بیان کرده است: «کَدّادُونَ مُجِدُّونَ فِی طَاعَتِه؛(۱) آنان با سختی و تلاش در پی انجام فرمان مولای خویش است».

امام صادق علیه السلام در توصیف یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «کَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی الْقَائِمِ علیه السلام وَ أَصْحَابِهِ فِی نَجَفِ الْکوفَهِ...قَدْ أَثَّرَ السُّجُودُ بِجِبَاهِهِمْ لُیُوثٌ بِالنَّهَارِ رُهْبَانٌ بِاللَّیْلِ کأَنَّ قُلُوبَهُمْ زُبَرُ الْحَدِیدِ یُعْطَی الرَّجُلُ مِنْهُمْ قُوَّهَ أَرْبَعِینَ رَجُلًا لَا یَقْتُلُ أَحَداً مِنْهُمْ إِلَّا کافِرٌ أَوْ مُنَافِقٌ؛(۲) گویا می بینم که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف با یاران خویش در نجف نزدیک کوفه حضور دارند، آثار سجده در پیشانی آنان نمایان است؛ شیران روز و زاهدان شب اند، دل های شان از شدت ایمان همانند پاره آهن اند هریک از آنان توانمندی چهل مرد را دارند، هیچ کدام آنان جز منافق و کافر را نمی کشند».

بر پایه گزارش ابی بصیر، امام صادق علیه السلام در بیان صلابت و شهامت آنان چنین فرمود: «مَا کانَ یَقُولُ لُوطٌ علیه السلام (لَوْ أَنَّ لِی بِکمْ قُوَّهً أَوْ آوِی إِلی رُکنٍ شَدِیدٍ)(۳) إِلَّا تَمَنِّیاً لِقُوَّهِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ لَا ذَکرَ إِلَّا شِدَّهَ أَصْحَابِهِ فَإِنَّ الرَّجُلَ مِنْهُمْ یُعْطَی قُوَّهَ أَرْبَعِینَ رَجُلًا وَ إِنَّ قَلْبَهُ لَأَشَدُّ مِنْ زُبَرِ الْحَدِیدِ وَ لَوْ مَرُّوا بِجِبَالِ الْحَدِیدِ

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۱۱.
۲- بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۸۷.
۳- سوره هود، آیه ۸۰.

لَقَطَعُوهَـا لَا يَكفُّونَ سُـيُوفَهُمْ حَتَّى يَرْضَـى اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ؛(۱) این گفتـار حضـرت لوط به قومش که (ای کـاش من در برابر شـما توانـائی داشـتم یه به سوی رکن شدیـدی مـاوی داشـتم» مقصودش جز این نبود که نیروی حضـرت قـائم عجـل الله تعالی فرجه الشـریف و یاران او را آرزو داشت، همان استوانه هایی استواری که هرکدام نیروی چهل مرد را دارد و دل های آنان از شدت ایمان سـخت تر از پاره های آهن انـد و اگر بر کوه های آهن بگذرند، آن را متلاشـی می کنند! آنان در حمایت از دین خدا، هرگز شمشیرها را در نیام نمی برند تا خدای بزرگ از آنان خشنود گردد».

از امام باقر علیه السـلام نقل است که در تأویل آیه (فَإِذا جاءَ وَعْـدُ أُولاهُما بَعَثْنا عَلَيْكمْ عِباداً لَنا أُولِی بَأْسٍ شَدِيـدٍ فَجاسُوا خِلالَ الـدِّيارِ وَ كانَ وَعْداً مَفْعُولًا)؛(۲) گروهی از بندگان خویش را که جنگاورانی رزمنده و با صـلابت بودند بر سر شـما فرستادیم. سپس فرمود: «ثُمَّ قَالَ: وَ هُوَ الْقَائِمُ وَ أَصْـحَابُهُ أُولِی بَأْسٍ شَدِيدٍ؛(۳) این بندگان سـخت مقاوم و با صلابت، حضرت قائم و یاران جنگاور او هستند».

از امیرمؤمنان علیه السلام نیز نقل شده است: «فَيَجمعُ اللّهُ

ص:۳۳۰

۱- کمـال الـدین و تمـام النعمه، ج ۲، ص: ۶۷۴؛ شـرح الاخبار، ج۳، ص۵۶۹؛ نـور الثقلین، ج۲، ص۳۸۸؛ ینـابیع الموده، ج۳، ص۲۴۲.

۲- سوره اسراء، آیه ۵.

۳- بحار الانوار، ج۵۱، ص۵۷.

تعَالَی لَهُ قَومًا قَزْع کقَزعِ السّحَاب، یُؤَلّفُ اللّه بَینَ قُلُوبِهِم لَا یَستَوحِشُونَ إلَی أَحَد وَ لَا یَفرَحُونَ بِأحَدٍ دَخَلَ فِیهِم عَلَی عِدّهَ أصحَابِ بَدْر، لَم یَسْبِقْهُمْ الأَوّلُونَ وَ لَا یُدرِکهُمُ الآخَرُون، عَلی عَدَدِ أَصْحَابِ طَالُوت اَلّذِیْنَ جَاوَزُوا مَعَهُ النَّهْر؛(۱) آن گاه خداوند متعال گروهی را که مانند ابرهای پاره پاره متفرق بوده اند جمع و بین آن ها دوستی حاکم می کند. آنان از احدی نمی ترسند و از این که کسی به جمع آن ها وارد، به آن ها اضافه شود، خوشحال نمی شوند. [زیرا آنان فقط فریفته امام خویش اند و بود و نبود اشخاص دیگر برای آنان مهم نخواهد بود] تعداد آن ها به عدد اصحاب بدر است. نه کسی از پیشینیان بر آنان سبقت می گیرد و نه کسی از آیندگان موقعیت آنان را در می یابد! آنان به تعداد اصحاب طالوت پیامبرند که همراه با او از نهر گذشتند».

روشن است که شدت عمل و انعطاف ناپذیری یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه از روی خشونت و بی رحمی، بلکه مبتنی بر آیه شریفه(أَشِدَّاءُ عَلَی الْکُفَّارِ رُحَمَاءُ بَیْنَهُمْ)(۲) نوعی شدتِ آمیخته با رحمت و عطوفت است. شدت در مقابل دشمنان بی رحم و عطوفت و مهربانی در برابر سایر خلق الله. لذا از نظر وجهه اجتماعی، آنان از بیشترین محبوبیت در میان مردم و جامعه برخوردارند.

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۱۰۰.

۲- سوره فتح، آیه ۲۹.

جابر بن یزید از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «کَأَنِّی بِأَصْحَابِ الْقَائِمِ علیه السلام وَ قَدْ أَحَاطُوا بِمَا بَیْنَ الْخَافِقَیْنِ فَلَیْسَ مِنْ شَیْ ءٍ إِلَّا وَ هُوَ مُطِیعٌ لَهُمْ حَتَّی سِبَاعُ الْأَرْضِ وَ سِبَاعُ الطَّیْرِ یَطْلُبُ رِضَاهُمْ فِی کلِّ شَیْ ءٍ حَتَّی تَفْخَرُ الْأَرْضُ عَلَی الْأَرْضِ وَ تَقُولُ مَرَّ بِیَ الْیَوْمَ رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛(۱) گویا اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را می بینم که بر شرق و غرب جهان تسلط یافته اند و همه چیز، حتی درندگان آسمان و زمین مطیع آن ها هستند و به دنبال رضایت آنان می باشند، تا آن جا که جایی از زمین بر جای دیگر، فخر و مباهات می کند و می گوید: امروز یکی از یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بر من گام نهاد و از این جا گذشت».

این روایت حاکی از اوج سرافرازی و محبوبیت آنان در میان خلق الله است. آنان پارسایان شب زنده دار و شیران صحنه های پیکارند. کسانی که روحیه اطاعت و بندگی و شهادت طلبی در آنان موج می زند و عاشقانه در راه خدمت به دین و خلق خدا، از همگان سبقت می گیرند.

طبق نقل روایات، همه اصحاب مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف جوان اند، مگر تعداد اندکی، هم چون سرمه در چشم

۱- الامامه و التبصره، ص۱۳۲؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۷۳.

یا نمک در غذا.(۱) در برخی روایات، یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شیران روز و نیایشگران شب زنده دار که دل هایشان مانند پاره های آهن محکم و استوار است، توصیف شده اند.(۲) آنان رادمردانی هستند که جز شهادت در راه خدا، آرزوی دیگری ندارند و در برابر رهبر و مولایشان، سخت مطیع و فرمانبرند. ابهت و هیبت این جنگ جویان مصمم و فولادین، در دل دشمنان رعب می افکند و آنان را زمین گیر می کنند.(۳) در راه انجام مأموریت خود، بسیار قاطع و نترس اند و از دشمن هراسی به دل راه نمی دهند.(۴)

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با چنین اصحاب و یارانی، اسلام را در سراسر گیتی حکم فرما و عدالت و دادگری را جایگزین ستم و بیداد می کند.

ه) مأموریت اصحاب

اصحاب ویژه حضرت به دلیل ویژگی های شخصیتی و جایگاه ویژه ای که نزد امام دارند، از سوی حضرت به مسئولیت های دشواری گماشته می شوند. آنان هم چنان که در فتح و پیروزی های زمان قیام سهم جدی دارند،

۱- الغیبه، طوسی، ص۲۸۴؛ کنزالعمال، ج۱۴، ص۵۹۲؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۴.
۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۶.
۳- مستدرک الوسائل، ج۱۱، ص۱۱۴.
۴- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۸.

درحکومت آن امام نیز هرکدام مسئول فتح و آبادانی گوشه ای از جهان خواهند بود.

به عبارت دیگر، آنان هم هسته های اولیه نهضت مهدوی را تشکیل می دهند و سنگینی بار مبارزه را به دوش می کشند و هم در ادامه راه، بازوان اجرایی حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند شد. چنان که در روایات نیز به این موضوع اشاره شده است: «یُفَرِّقُ الْمَهْدِیُّ اَصْحَابَهُ فِی جَمِیْعِ الْبُلْدَان وَ یَأْمُرُهُم بِالْعَدلِ وَ الِاحْسَان وَ یَجْعَلَهُمْ حُکامًا فِی الْآَقَالِیْم؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اعزام اصحاب و یارانش به سراسر جهان آنان را به اجرای عدالت و نیکی با مردم سفارش کرده و به فرمانروایی کشورها می گمارد».

بر پایه نقل مفضل بن عمر، امام صادق علیه السلام فرمود: «أَصْحَابُهُ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّهُ أَهْلِ بَدْرٍ وَ هُمْ أَصْحَابُ الْأَلْوِیَهِ وَ هُمْ حُکامُ اللَّهِ فِی أَرْضِهِ عَلَی خَلْقِه؛(۲) یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و سیزده مرد به عدد اهل بدر اند؛ آنان پرچم داران و فرمانروایان خداوند بر روی زمین و در میان بندگان اند».

امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «إنّ الْمَهْدِی یُفَرّقُ أَصْحَابَهُ وَ هُمُ الّذِینَ عَاهَدُوهُ فِیْ أوّلِ خُرُوجِهِ فَیُوَجّهُهُمْ إِلَی جَمِیْعِ الْبُلْدَان وَ یَأمُرُهُم بِالْعَدْلِ وَ اَلِاحْسَان وَ کلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ یَحْکمُ عَلَی إِقْلِیْمٍ مِنَ الْأَرْضِ وَ یَعْمُرُونَ جَمِیْعَ مَدَائِنَ

۱- روزگار رهایی، ج۲، ص۶۳.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج ۲، ص ۶۷۳ ؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۲۶.

الَّدُنْيَاَ بِاْلعَدْلِ وَ اْلإِحْسَانِ؛(۱)مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف یاران ویژه خویش را که در آغاز ظهور از آنان بیعت گرفته بود، به سوی شـهرهای مهم دنیـا گسـیل می دارد و آنـان را مـأمور اجرای عـدالت و نیکی بـا مردم می کنـد. هرکـدام از آنـان فرمانروایی بخشی از سرزمین ها را بر عهده می گیرند و با شیوه عدالت و احسان به مردم، به آبادانی شهرها می پردازند».

و) حضورکم رنگ اعراب در جمع اصحاب

در پاره ای از روایات از حضور چشم گیر غیراعراب در میان یاران حضـرت خبر داده شده است. براساس این روایات، اکثریت اصـحاب و یاران حضـرت را افرادی تشـکیل می دهند که دارای ملیت غیر عرب اند و عده بسـیار اندکی از عرب تبار ها، جزو لشکریان امام علیه السلام هستند.

ابن ابی یعفور می گوید: شنیدم از امام صادق علیه السلام «وَیْلٌ لِطُغَاهِ الْعَرَبِ مِنْ أَمْرٍ قَدِ اقْتَرَبَ! قُلْتُ جُعِلْتُ فِدَاکَ کمْ مَعَ الْقَائِمِ مِنَ الْعَرَبِ؟ قَـالَ: نَفَرٌ یَسِـیرٌ قُلْتُ وَ اللَّهِ إِنَّ مَنْ یَصِفُ هَـذَا الْأَمْرَ مِنْهُمْ لَکثِیرٌ قَالَ: لَا بُـدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَنْ یُمَحَّصُوا وَ یُمَیَّزُوا وَ یُغَرْبَلُوا وَ یُسْتَخْرَجَ فِی الْغِرْبَالِ خَلْقٌ کثِیرٌ؛(۲) ؛ وای به حـال سـرکشان عرب از امری (ظهور) که محققـاً نزدیک است. پرسـیدم: جانم به فدایت! چند نفر از یاران حضرت قائم عرب

ص:۳۳۵

۱- الزام الناصب، ج۲، ص۱۷۲.

۲- الکافی، ج۱، ص۳۷۰؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۴، ص۴۵.

هستند؟ فرمود: افراد اندکی. عرض کردم: گفته می شود که عرب ها در آن سهم فراوانی دارند؟ فرمود: ناچار مردم باید آزمایش شوند و در این آزمون، بسیاری از آنان از غربال امتحان و ابتلا خارج می شوند».(۱)

جالب این است که وزرا و کابینه حضرت، هیچ کدام عرب نیستند؛ گرچه به زبان عربی تکلم می کنند. از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این خصوص نقل شده است که فرمود: «وُزَرَاءُ الْمَهْدِی مِنَ الْأَعَاجِمْ یَتَکَلَّمُونَ الْعَرَبِیَّهَ وَ هُمْ أَخْلَصُ الْوُزَرَاءِ وَ أَفْضَلُ الْوُزَرَاءِ؛(۲) وزرا و دستیاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همگی غیرعرب اند که به زبان عربی سخن می گویند(۳)؛ آنان مخلص ترین و برترین وزرا به شمار می روند».

در روایتی که علی بن اسباط، از پدرش اسباط بن سالم و او از موسی الابار و او از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «إِتَّقِ الْعَرَبَ

۱- لازم به یادآوری است که این روایت در منابع روایی معتبر شیعه، به صورت «مِنْ شَرٍّقَدْ اِقْتَرَبَ» نیز نقل شده است (الغیبه، نعمانی، ص۱۹۴ و ۲۰۴ و ۲۶۳) در این صورت، مراد حضرت از «شر» فتنه ای است که گریبانگیر طاغیان عرب خواهند شد.

۲- روزگار رهایی، ج۲، ص۵۹۹؛ علامه مجلسی نیز آن را به نقل از کتاب فتوحات آورده است ر.ک: بحار الانوار، ج۴۸، ص۳۰۵.

۳- شایان ذکر است که واژه «اعاجم» جمع «عجم» و به اقوام غیر غرب اطلاق می شود.

فَإِنَّ لَهُمْ خَبَرَ سَوْءٍ أَمَا إِنَّهُ لَا يَخْرُجُ مَعَ الْقَائِمِ مِنْهُمْ وَاحِدٌ؛(۱) بپرهیز از عرب جماعت که آن ها آینده بدی خواهند داشت، بدان که از آنان حتی یک نفر همراه قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نخواهند کرد!»

در این رابطه باید توجه داشت که مراد امام صادق علیه السلام در این روایت با توجّه به قرائن موجود در روایات دیگر، مطمئناً همه افراد عرب تبار نیست، بلکه ممکن است سخن حضرت ناظر به طاغیان عرب باشند؛ زیرا ظاهر روایت پیش گفته با روایات دیگری که بر حضور نجبای مصر، اخیار اهل عراق، ابدال اهل شام و... در جمع یاران حضرت دلالت دارد، در تعارض است.

بنابراین، مفاد و مضمون این روایت در صورت صحت سند، باید تأویل شود و به معنای ناچیز بودن و حضور کمرنگ اعراب در میان اصحاب خاص حضرت حمل شود؛ چنان که در روایت قبلی عبارت «نَفَرٌ یَسِیْر» بدان اشاره داشت یا این که به گروه خاصّی از طغات عرب و مخالفان حضرت تطبیق شود؛ کسانی که حضرت در برخورد با آنان انعطاف ناپذیر است. چنان که در روایت امام باقر علیه السلام آمده است: «فَیَا طُوبَی لِمَنْ أَدْرَکَهُ وَ کانَ مِنْ أَنْصَارِهِ وَ الْوَیْلُ کلُّ الْوَیْلِ لِمَنْ نَاوَاهُ وَ خَالَفَهُ وَ خَالَفَ أَمْرَهُ وَ کانَ مِنْ أَعْدَائِهِ وَ قَالَ علیه السلام یَقُومُ بِأَمْرٍ جَدِیدٍ وَ کتَابٍ جَدِیدٍ وَ سُنَّةٍ جَدِیدَةٍ وَ قَضَاءٍ جَدِیدٍ عَلَی

۱- الغیبه، طوسی، ص۴۷۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۳.

الْعَرَبِ شَدِيدٌ وَ لَيْسَ شَأْنُهُ إِلَّا الْقَتْلَ لَا يَسْتَبْقِي أَحَداً وَ لَا يَأْخُذُهُ فِي اللَّهِ لَوْمَةُ لَائِم؛(۱) خوشا به حال کسی که ظهور او (مهدی) را درک کند و در زمره یاران او باشد، وای به حال کسی که با قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت و دشمنی ورزد. او به دستور جدید و قانون جدید و شیوه جدید و داوری جدید اقدام می کند و برعرب ها بسیار سخت گیر است. شیوه او تنها شمشیر است، توبه کسی را نمی پذیرد و در راه خدا از ملامت هیچ ملامت گری نمی هراسد».

ز) حضور زنان در میان اصحاب

در برخی روایات از حضور عده ای از زنان در میان یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خبر داده شده است. این تعداد، در بخش های مربوط به بهداشت و درمان، انجام وظیفه خواهند کرد. البتّه تعداد آنان در روایات، متفاوت ذکر شده است. طبق روایت مفضل، سیزده نفر زن در میان اصحاب حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف حضور دارند که زخمی ها را مداوا و بیماران را پرستاری می کنند. در این روایت، اسامی نه نفر از این زنان ذکر شده است.

مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «مَعَ الْقَائِم علیه السلام ثَلَاثَ عَشَرَةَ اِمْرَأَةً، قُلتُ: وَ مَا يَصْنَعُ بِهِنِّ؟ قَالَ: يُدَاوِينَ الْجَرْحَى و يُقِمنَ عَلى الْمَرضَى، كمَ كانَ مَعَ رَسُولِ اللّه صلى الله عليه و آله و سلم قُلتُ:

ص:۳۳۸

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۹؛ مختصر بصائر الدرجات، ص۲۱۳.

فَسَمِّهُنّ لِی فَقَالَ: اَلْقنوَاء بِنْتَ رَشِیْد و أَمِّ أَیْمَنْ و حُبَابَهِ الْوَالِبیّهَ و سُمَیّهَ أَمِّ عَمّار بن یَاسِرْ و زُبَیدَه وَ أَمِّ خَالِدِ الْأَحمُسِیَّه و أَمِّ سَعِیدِ الْحَنَفِیّه و صَبَانَهَ الْمَاشِطَه و أُمِّ خَالِدِ الْجَهْنِیّه؛(۱) سیزده زن همراه قائم خواهند بود. آن ها زخمی ها را مداوا و از بیماران پرستاری می کنند، همان گونه که در جنگ های رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم زنانی بودند که این کار را انجام می دادند. عرض کردم آنان را برایم نام ببرید، حضرت اسامی برخی از آنان را یاد آور شد مانند: قنواء دختر رشید، ام ایمن، حبابه والبیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، ام خالد احمسیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه و ام خالد جهنیه».

در بعضی دیگر از روایات، از حضور پنجاه زن و در برخی دیگر از نقل ها، عدد بیشتری ذکر شده است.(۲) جابر جعفی از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «وَ یَجِی ءُ وَ اللَّهِ ثَلَاثُ مِائَهٍ وَ بِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا فِیهِمْ خَمْسُونَ امْرَأَهً یَجْتَمِعُونَ بِمَکهَ عَلَی غَیْرِ مِیعَادٍ قَزَعاً کقَزَعِ الْخَرِیفِ یَتْبَعُ بَعْضُهُمْ بَعْضا؛(۳) به خدا سوگند، سیصد و اندی نفر همراه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهند بود که پنجاه نفر زن در میان آنان است. آنان بدون وعده قبلی در مکّه گرد می آیند و مانند قطعه های ابر

۱- دلائل الأمامه، ص۲۵۹؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۵۷۵.

۲- ر.ک: الملاحم و الفتن، ص۱۵۱.

۳- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۴۲ و ۳۰۱؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۲۱.

در فصل پائیز به هم می پیوندند».

در این روایت، ظاهر تعبیر «فِیْهِمْ» نشان می دهد که این پنجاه زن نیز جزو سیصد و سیزده تن اصحاب خاص حضرت اند؛ امّا کلمه «رَجُلًا» گویای مرد بودن یاران خاص است. لذا آن سیصد و سیزده نفر، ظاهراً فقط مردان هستند؛ چراکه در روایات دیگر نیز، در مورد آنان عبارت «رَجُلًا» به کار رفته است(۱) که می توانـد قرینـه باشـد بر این که در این روایت نیز، مراد، همراهی پنجاه زن با اصحاب خاص است، نه اینکه آنان جزو سیصد و سیزده نفر هستند. از این رو، شاید بتوان گفت که روایت منقول از امام باقر علیه السلام و روایات مشابه آن، ناظر به آن دسته از زنانی است که پس از قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای یاری رسانی و مشارکت در کارها، حضرت را همراهی می کنند و جزو یاران و دستگاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به شمار می روند.

ح) رجعت برخی از صالحان

در برخی روایات، از بازگشت گذشتگان در زمان ظهور سخن به میان آمده است. مفاد این گونه روایات به رجعت برخی از صالحان در آن زمان دلالت دارد، امّا این بدان معنا نیست

۱- ر.ک: بحار الانوار، ج۵۳، ص۳۰۷.

که آنان جزو سیصد و سیزده تن اصحاب خاص حضرت، یعنی همان افرادی که ظهور منوط به آمادگی آن هاست، قرار داشته باشند.

براساس منابع روایی، از جمله کسانی که در زمان ظهور در جمع اصحاب و سپاهیان مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار می گیرند، عده ای از مؤمنان شایسته و برجسته اند که پیش تر از دنیا رفته و خداوند آنان را دوباره زنده می کند تا به سپاه مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق شوند. در میان این اشخاص که در روایات بعضا از آن ها نام برده شده کسانی هستند که جزو امت های پیشین بوده اند، مانند یوشع بن نون، وصی موسی علیه السلام مؤمن آل فرعون و اصحاب کهف.(۱)

برخی دیگر از رجعت کنندگان، پیشگامان و صالحان عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه معصومین علیهم السلام هستند؛ نظیر سلمان فارسی، ابودجانه انصاری، مالک اشتر نخعی،(۲) جبیر بن خاربون،(۳) اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام،(۴) عبدالله بن شریک عامری،(۵) مفضل بن عمر(۶) و...

۱- ر.ک: دلائل الأمامه، ص۵۵۴؛ ارشاد القلوب، ص۳۶۵، حلیه الابرار، ج۲، ص۶۰۱.

۲- ر.ک: روضه الواعظین، ج۲، ص۲۶۶؛ دلائل الأمامه، ص۲۷۴؛ مجمع البیان، ج۲، ص۴۸۹.

۳- ر.ک: الخرائج و الجرائح، ج۱، ص۱۸۵.

۴- ر.ک: الایقاظ، ص۲۶۶.

۵- ر.ک: اثبات الهداه، ج۳، ص۵۶۱؛ الایقاظ، ص۲۶۶.

۶- ر.ک: دلائل الأمامه، ص۲۴۸؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۵۷۳.

اعلامیه جهانی ظهور (ندای آسمانی)

اشاره

یکی از سردرگمی های مردم که در شرایط بحرانی هنگامه ظهور برای عده ای پدید می آید، ابهام در مورد تشخیص حق از باطل و تردید و شبهه در میان برخی از کسانی است که به دلیل عدم برخورداری از درایت کافی، تحلیل و تشخیص حق از باطل برایشان دشوار است. این موضوع در ابتدای امر، موجب پیچیدگی مسأله برای بسیاری از جویندگان حقیقت می گردد.

در آن شرایط، دو جریان مهم در برابر هم قرار دارند. یکی جریان اهل بیت علیهم السلام که در قیام امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نمود پیدا می کند و دیگری جریان سفیانی که بخش های وسیعی از سرزمین های اسلامی را در کنترل خود می گیرد. یکی نماد کامل ایمان است و دیگری نماد کفر؛ امّا هرکدام مدعی حق اند.

در این میان، یکی از علائم کمک کننده در تشخیص جریان حق از باطل، ندای آسمانی است که توسط سفیر غیبی الاهی به گوش مردم می رسد. این علامت همان بانگ آسمانی است که سومین نشانه از نشانه های حتمی ظهور خوانده شده است.

ص:۳۴۲

بدیهی است که رخداد با شکوهی همچون ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می طلبد که پیش از وقوع آن، یک اعلامیه جهانی، آن هم در گسترده ترین سطح و روشن ترین معنا و مفهوم منتشر شود. و چون این نهضت آسمانی و عدالت خواهانه و انسان ساز، یک نهضت جهانی است و به همه بشریت تعلق دارد، زیبنده است که همه جهانیان از وقوع آن آگاهی یابند و بدانند که به زودی آن حضرت با ظهور خویش، روند جامعه و تاریخ را به کلی دگرگون می کند و زندگی را به مسیر دیگری می برد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: «إِنَّ أَوَّلَ مَنْ یُبَایِعُ الْقَائِمَ عجل الله تعالی فرجه الشریف جَبْرَئِیلُ علیه السلام یَنْزِلُ فِی صُورَهِ طَیْرٍ أَبْیَضَ فَیُبَایِعُهُ ثُمَّ یَضَعُ رِجْلًا عَلَی بَیْتِ اللَّهِ الْحَرَامِ وَ رِجْلًا عَلَی بَیْتِ الْمَقْدِسِ ثُمَّ یُنَادِی بِصَوْتٍ طَلْقٍ ذَلْقٍ تَسْمَعُهُ الْخَلَائِقُ أَتی أَمْرُ اللَّهِ فَلا تَسْتَعْجِلُوه»؛(۱) نخستین کسی که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت خواهد کرد، فرشته وحی حضرت جبرائیل است، او به صورت پرنده ای سفید از آسمان فرود می آید و با آن حضرت، دست بیعت می دهد. آنگاه یک پا بر بیت الله الحرام و پای دیگر را در بیت المقدّس می گذارد(۲) و با ندای زیبا و رسایی که همگان

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ص ۶۷۱.

۲- شاید مراد از گذاشتن پا در بیت الله الحرام و بیت المقدّس، کنایه از پخش این صدا از این دو نقطه باشد.

آن را می شنوند، می گوید:(۱) فرمان خدا فرا رسید پس آن را به شتاب نخواهید».

الف) انتشار فراگیر خبر ظهور

خبر مسرت بخش ظهور، با صدای فرشته الاهی به گوش همه مردم جهان می رسد و هرکس در هر کجا آن را به زبان مادری خود می شنود. این ندای آسمانی که ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به مردم دنیا بشارت می دهد، به سرعت در سراسر جهان منتشر می شود. جالب این است که دریافت این بشارت به گونه ای است که همه مردم از هر قوم و قبیله ای و به هر زبان و فرهنگی، خروش آسمانی جبرئیل علیه السلام را به زبان و لغت رایج خویش می شنوند و پیام آن را درک می کنند و این یکی از اسرار شگفت انگیز این ندای آسمانی است که بر پیوند عمیق قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با قدرت الاهی و نیروی غیبی دلالت دارد.

براساس روایات، طنین فراگیر ندای آسمانی چنان است که هر کس در خواب باشد، وحشت زده بیدار می شود و آن که نشسته است، از ترس به پا می خیزد و آن کس که ایستاده بی اختیار به زمین می افتد و بانوان با عفت از سراپرده خویش از خوف و هراس بیرون می دوند. به

۱- سوره نحل، آیه ۱.

عبارت دیگر، به هنگام طنین آن نـدای آسـمانی، موج عظیمی از ترس و دلهره جامعه بشـری را فرا می گیرد و از جهان، قرار و آرامش سـلب می شود؛ به گونه ای که هیچ کس نمی تواند آن خروش آسـمانی را نادیده بگیرد یا آن را کوچک شمارد و یا به طبیعت و رخدادهای طبیعی نسبت دهد؛ چراکه همگان آن ندا و پیامش را به خوبی درک می کند.

امام باقر علیه السـلام می فرماید: «یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ بِاسْمِ الْقَائِمِ علیه السـلام فَیَسْمَعُ مَنْ بِالْمَشْرِقِ وَ مَنْ بِالْمَغْرِبِ لَا یَبْقَی رَاقِدٌ إِلَّا اسْتَیْقَـظَ وَ لَـا قَائِمٌ إِلَّا قَعَـدَ وَ لَا قَاعِـدٌ إِلَّا قَامَ عَلَی رِجْلَیْهِ فَزِعاً مِنْ ذَلِک الصَّوْتِ فَرَحِمَ اللَّهُ مَنِ اعْتَبَرَ بِـذَلِک الصَّوْتِ فَأَجَابَ فَإِنَّ الصَّوْتَ الْأَوَّلَ هُوَ صَوْتُ جَبْرَئِیلَ الرُّوحِ الْأَمِینِ علیه السلام ؛(۱) نداکننده ای از آسمان به نام قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشـریف ندا می دهد و آن را همه کسانی که در شـرق و غرب عالم هستند می شنوند. خفته ای نمی ماند جز این که بیدار می شود و ایسـتاده ای نمی مانـد جز این که می نشـیند و نشسـته ای نمی مانـد جز این که وحشت زده به پا می خیزد. خدا رحمت کند کسانی را که از آن ندای آسمانی پند و اندرز گیرند؛ چرا که نداگر اول جبرئیل است».

انتشـار خبر ظهور توسط فرشـته الاهی چنان فراگیر است که همه موجودات زنـده از آن آگاه می شود. ابو بصـیر از امام صادق علیه السلام نقل

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۶۳.

کرده است که فرمود: «فَلَا يَبْقَى شَيْ ءٌ خَلَقَ اللَّهُ فِيهِ الرُّوحَ إِلَّا يَسْمَعُ الصَّيْحَةَ فَتُوقِظُ النَّائِمَ وَ يَخْرُجُ إِلَى صَحْنِ دَارِهِ وَ تُخْرِجُ الْعَذْرَاءَ مِنْ خِدْرِهَا وَ يَخْرُجُ الْقَائِمُ مِمَّا يَسْمَعُ وَ هِيَ صَيْحَةُ جَبْرَئِيلَ علیه السلام ؛(۱) هیچ جانداری نمی ماند مگر آنکه آن صیحه را می شنود، شنیدن این صدا خفته از خواب بیدار می کند و از اطاق به حیاط خانه بیرون می آید و دوشیز گان از پشت پرده اش بیرون می دود و حضرت قائم چون آن صدا بشنود خروج کند و آن صدا آواز جبرئیل علیه السلام است».

ب) چگونگی دریافت خبر ظهور

اگرچه در روایات، چگونگی و نحوه ی دریافت این صدا به روشنی بیان نشده است؛ امّا با توجه به مضمون روایات پیش گفته، دو فرضیه در این خصوص قابل طرح است:

۱. فرضیه نخست بر این احتمال استوار است که خروش آسمانی، تنها به واژه و زبان عربی فصیح و رسا، در سراسر جهان طنین افکن می شود، آنگاه در کمترین زمان ممکن طنین آن سراسر گیتی را فرا می گیرد و توسط رسانه ها و خبرگزاری ها به همه زبان ها در سراسر جهان مخابره می شود و آنانی که به واژه و فرهنگ عربی آگاهی ندارند نیز این پیام را دریافت می کنند.

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۰.

این فرضیه که مبتنی بر درک مستقیم و غیر مستقیم پیام نـدای آسـمانی است، اگرچه با ظاهر روایاتی که دلالت بر دریافت و درک مستقیم نـدای آسـمانی از سوی همگان دارد، همخوانی نـدارد مانند کلام امام صادق علیه السـلام در روایت پیشـین که فرمود «یَسْمَعُهُ کلُّ قَوْمٍ بِأَلْسِنَتِهِمْ»؛ امّا با این حال این نکته نیز در خور توجه است که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان علیه السـلام به هنگام خبر دادن از آینده با توجّه به سـطح خرد و اندیشه مردم سخن می گفتند و می دانیم که افکارعمومی در آن روزگار نمی توانست رسانه های گروهی و وسایل خبررسانی جهان امروز و نقش آن ها را در رساندن اخبار و رویدادها به دورترین نقاط گیتی در کوتاه ترین فرصت ممکن درک کنند. از این رو، ممکن است کلام امام صادق علیه السلام در روایت پیشین ناظر به همین نکته باشد.

۲. فرضـیه دوم آن است که بنا به ظاهر روایات، اهل هر جامعه و تمدّنی، این ندای آسمانی را به صورت مستقیم و اعجاز آمیز، طبق فرهنگ و زبان خویش دریافت می کننـد؛ به گونه ای که همه مردم دنیا به طور همزمان، نـدای آسـمانی را با زبان و لغت بومی خویش دریافت کرده و درک می کننـد. چنین چیزی هیـچ اسـتبعادی نـدارد؛ زیرا خداوند بر هر کاری تواناست و ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز با معجزات

و کارهای اعجازآمیز و ماورای طبیعی همراه است.

بنابراین، اگرچه حقیقت این صدا و کیفیت دریافت آن برای ما در این زمان به درستی مکشوف و قابل درک نیست، امّا آن چه قطعی و مسلّم است و روایات فراوانی بر آن صراحت دارد، این است که این ندا از ناحیه آسمان و از جانب فرشته اعظم الاهی حضرت جبرائیل علیه السلام طنین انداز می شود و خبر مسرت بخش ظهور حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف را با ذکر نام ایشان، به اطلاع جهانیان می رساند.

ج) زمان نشر خبر ظهور

در مورد این که آن صدا در چه روزی از ماه رمضان و در چه ساعتی به گوش خواهد رسید، تعابیر متفاوتی در روایات وارد شده است. در روایت ابوحمزه ثمالی که قبلاً اشاره گردید، زمان وقوع ندای آسمانی در اول روز ذکر شده است: «یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ». امّا در چند روایت دیگر، زمان ندا، شب جمعه بیست و سوم رمضان (شب قدر) عنوان شده است؛ چنان که از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «الصَّیْحَهُ الَّتِی فِی شَهْرِ رَمَضَانَ تَکونُ لَیْلَهَ الْجُمُعَه لِثَلَاثٍ وَ عِشْرِینَ مَضَیْنَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَان؛(۱) آن خروش آسمانی که در ماه رمضان طنین

۱- کمال الدّین و تمام النعمه، ص ۶۵۰ و ۶۵۲.

می افکند، در شب جمعه خواهد بود؛ در حالی که بیست و سه روز از ماه رمضان گذشته است».

ابی بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که حضرت فرمود: «یَکونُ الصَّوْتُ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ فِی لَیْلَهِ جُمُعَهٍ لَیْلَهِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرینَ فَلَا تَشُکوا فِی ذَلِک وَ اسْمَعُوا وَ أَطِیعُوا... فَإِذَا سَمِعْتُمُ الصَّوْتَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشُکوا فِیهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرَئِیلَ وَ عَلَامَهُ ذَلِک أَنَّهُ یُنَادِی بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِیه؛(۱) آن صدا در ماه رمضان در شب جمعه شب بیست و سوّم واقع خواهد شد و تردیدی در این نداشته باشید و به گوش بسپارید و فرمان برید، پس آنگاه که صدا را در ماه رمضان شنیدید تردیدی نداشته باشید که آن صدای جبرئیل است و نشانه اش آنکه به نام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و نام پدرش آواز دهد».

در گزارش دیگری ابی بصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «وَ لَا یَخْرُجُ الْقَائِمُ حَتَّی یُنَادَی بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِی لَیْلَهِ ثَلَاثٍ وَ عِشْرینَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ لَیْلَهَ جُمُعَه؛(۲) قائم خروج نمی کند تا آنکه در شب جمعه بیست و سوّم ماه رمضان در فضای آسمان نامش را اعلام نمایند».

در برخی روایات، زمان شنیده شدن این ندای غیبی، در ماه های دیگر غیر از رمضان نقل شده است. مانند آنچه از امام رضا علیه السلام

ص:۳۴۹

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۴.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۵۴.

روایت شده است که فرمود: «یُنَادَوْنَ فِی رَجَبٍ ثَلَاثَهَ أَصْوَاتٍ مِنَ السَّمَاءِ صَوْتاً مِنْهَا أَلا لَعْنَهُ اللَّهِ عَلَی الْقَوْمِ الظَّالِمِینَ وَ الصَّوْتَ الثَّانِیَ أَزِفَتِ الْآزِفَهُ یَا مَعْشَرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ الصَّوْتَ الثَّالِثَ یَرَوْنَ بَدَناً بَارِزاً نَحْوَ عَیْنِ الشَّمْس هَذَا أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ قَدْ کرَّ فِی هَلَاک الظَّالِمِین؛(۱) در ماه رجب سه ندا از آسمان طنین انداز می شود. یکی می گوید: به هوش باشید که لعنت خدا بر ستمکاران است. دومی می گوید: ای اهل ایمان روز حادثه نزدیک است فرارسد و در صدای سوم شخصی را در سمت خورشید می بینند که می گوید: این امیر المؤمنین است که برای کشتن بیدادگران بازگشته است».

با توجه به آنچه اشاره شد، روایت در باره زمان دقیق وقوع ندای آسمانی اتفاق نظر ندارد، بلکه تعدد محتوای این روایات نشان از آن دارد که در آستانه ظهور، نداهای متعددی در فاصله های زمانی متفاوت شنیده می شوند. امّا در این میان، آن ندایی که از نشانه های قطعی ظهور امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف شمرده شده و بشارت آمدن آن حضرت را می دهد، خروش آسمانی است که در بیست و سوم ماه مبارک رمضان (شب یا روز آن) از ناحیه آسمان توسط فرشته الاهی، در همه جا طنین انداز می شود.

۱- الغیبه، طوسی، ص ۴۴۰؛ تاج الموالید، ص۷۳؛ مختصر بصائر الدرجات، ص۱۵۸؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۸۹.

د) پیام اعلامیه ظهور

پیام آغازین خبر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که به وسیله ندای آسمانی منتشر می شود، دو چیز است؛ یکی معرفی امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف به جهانیان، دوم اعلام حقّانیت مکتب ولایی جدّش امیرمؤمنان علیه السـلام و شیعیان آن حضرت. در حقیقت این پیام، نشان رسمیّت و جهانی شدن مکتب اهلبیت علیهم السلام در عصر ظهور است.

در این ندای آسـمانی، فرشـته وحی، خبر ظهور را با ذکر نام آن حضرت علیه السلام به گوش جهانیان می رساند، تا هیچ گونه ابهامی برای کسـی باقی نماند. امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «فَیَقُولُ جَبرَئِیلُ فِی صَیحَتِهِ: یَا عِبَادَ اللهِ أِسْمَعُوا مَا أَقُولُ: أِنّ هَذَا مَهْـدِیُّ آل مُحَمّـدٍ، خَـارِجٌ مِنْ أَرْضِ مَکَّهَ فَأَجِیْبُوه؛(۱) جبرئیـل در نـدای خویش گویـد: ای بنـدگان خـدا! به آن چه می گویم گوش فرا دهید. همانا این مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشـریف است که از مکّه ظهور کرده، پس او را لبیک گویید و فرمانش را اطاعت کنید».

جـابر جُعفی از امـام بـاقر علیه السـلام نقـل کرده است که فرمود: «ثُمَّ یَخْرُجُ مِنْ مَکهَ... فَیُنَادِی الْمُنَادِی بِمَکهَ بِاسْـمِهِ وَ أَمْرِهِ مِنَ السَّمَاءِ حَتَّی یَسْـمَعَهُ أَهْلُ الْأَرْضِ کلُّهُمْ اسْـمُهُ اسْمُ نَبِی صلی الله علیه و آله و سلم ؛(۲) آنگاه قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف در مکه خروج خواهند کرد، پس صدایی از سوی منادی آسمان در مکه می پیچد که نام

۱- الزام الناصب، ج۲، ص۱۷۴.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۲۳.

و خبر ظهور او را اعلام می کند و همه مردم دنیا این ندا را می شنوند که او هم نام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است».

ابوبصیر از امام صادق علیه السلام در باره پیام و محتوای خبر آسمانی سؤال می کند: «قُلْتُ بِمَ یُنَادَی؟ یُنَادَی بِاسْمِهِ مِنْ جَوْفِ السَّمَاءِ فِی لَیْلَه ثَلَاثٍ وَ عِشْرِینَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ لَیْلَهِ جُمُعَهٍ قُلْتُ بِمَ یُنَادَی قَالَ بِاسْمِهِ وَ اسْمِ أَبِیهِ أَلَا إِنَّ فُلَانَ بْنَ فُلَانٍ قَائِمُ آلِ مُحَمَّدٍ فَاسْمَعُوا لَهُ وَ أَطِیعُوه؛(۱) عرض کردم: مضمون اعلامیّه چیست؟ فرمود اعلامیّه به نام او و نام پدرش صادر می شود که آگاه باشید فلانی فرزند فلانی قائم آل محمّد است سخنش را بشنوید و فرمانش را گردن نهید».

این معرفی با اسم و خصوصیات، برای آن است که فضای فکری مردم را روشن کند تا فریب فتنه دروغ پردازان را نخورند؛ زیرا در شرایط آغازین ظهور، ستیز حق و باطل همچنان ادامه دارد و دو جریان در مصاف هم قراردارند. سرپرستی جریان باطل را شیطان به عهده می گیرد و او نیز با ادعای حقانیت، مردم را به تبعیت از باطل فرامی خواند. ابوحمزه ثمالی گوید از محضر امام صادق علیه السلام در باره ندای آسمانی پرسیدم: «قُلْتُ وَ کَیْفَ یَکونُ النِّدَاء؟» حضرت فرمود: «یُنَادِی مُنَادٍ مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلَ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِی عَلِیٍّ وَ شِیعَتِهِ ثُمَّ یُنَادِی إِبْلِیسُ لَعَنَهُ اللَّهُ فِی آخِرِ النَّهَارِ أَلَا إِنَّ الْحَقَّ فِی السُّفْیَانِیِّ وَ

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۹۰.

شِیعَتِهِ فَیَرْتَابُ عِنْدَ ذَلِکَ الْمُبْطِلُون؛(۱) اول روز گوینده ای از آسمان صدا می زند، به طوری که همه مردم با لغات مختلف خود آن را می شنوند و می گوید: آگاه باشید که حق در پیروی از علی و شیعیان اوست، آنگاه شیطان در آخر همان روز از زمین صدا می زند، آگاه باشید! که حق در پیروی از سفیانی و پیروان اوست و در آن وقت است که اهل باطل دچار تردید می شوند».

در روایت دیگر زراره از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «یُنَادِی مُنَادٍ إِنَّ عَلِیّاً وَ شِیعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ، قُلْتُ: فَمَنْ یُقَاتِلُ الْمَهْدِیَّ بَعْدَ هَذَا؟ فَقَالَ: إِنَّ الشَّیْطَانَ یُنَادِی إِنَّ فُلَاناً وَ شِیعَتَهُ هُمُ الْفَائِزُونَ لِرَجُلٍ مِنْ بَنِی أُمَیَّهَ قُلْتُ فَمَنْ یَعْرِفُ الصَّادِقَ مِنَ الْکَاذِبِ قَالَ یَعْرِفُهُ الَّذِینَ کَانُوا یَرْوُونَ حَدِیثَنَا وَ یَقُولُونَ إِنَّهُ یَکُونُ قَبْلَ أَنْ یَکُونَ وَ یَعْلَمُونَ أَنَّهُمْ هُمُ الْمُحِقُّونَ الصَّادِقُون؛(۲) ندا دهنده ای فریاد می زند که بی تردید علی و شیعیان او رستگار و اهل سعادت اند. زراره گوید که عرض کردم: پس با این حال چه کسانی با مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می جنگند؟ حضرت فرمود: در مقابل، شیطان نیز ندا می دهد که فلانی (یکی از امویان) و پیروان او کامیاب و رستگارند! زراره سوال می کند: چه کسی راستگو را از دروغ پرداز باز می شناسد؟

ص:۳۵۳

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۵۲. در برخی نقل ها به جای «سفیانی» نام «عثمان» عنوان شده است که در هردو صورت مراد سفیانی است (ر.ک: الغیبه، طوسی، ص۴۳۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۸۹).

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۶۴؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۹۵.

حضرت فرمود: آنانی که سخنان ما را می شناسند و روایت می کنند و پیش از آنکه واقع شود وقوعش را نقل می کنند و می دانند که آنان بر حقّ و راست گویند».

امام باقر علیه السلام می فرماید: إِذَا سَمِعْتُمُ الصَّوْتَ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تَشُكوا فِیهِ أَنَّهُ صَوْتُ جَبْرَئِیلَ وَ عَلَامَهُ ذَلِک أَنَّهُ یُنَادِی بِاسْمِ الْقَائِمِ وَ اسْمِ أَبِیهِ حَتَّی تَسْمَعَهُ الْعَذْرَاءُ فِی خِدْرِهَا فَتُحَرِّضُ أَبَاهَا وَ أَخَاهَا عَلَی الْخُرُوجِ وَ قَالَ لَا بُدَّ مِنْ هَذَیْنِ الصَّوْتَیْنِ قَبْلَ خُرُوجِ الْقَائِمِ علیه السلام صَوْتٍ مِنَ السَّمَاءِ وَ هُوَ صَوْتُ جَبْرَئِیلَ بِاسْمِ صَاحِبِ هَذَا الْأَمْرِ وَ اسْمِ أَبِیهِ وَ الصَّوْتِ الثَّانِی مِنَ الْأَرْضِ وَ هُوَ صَوْتُ إِبْلِیسَ اللَّعِینِ یُنَادِی بِاسْمِ فُلَانٍ أَنَّهُ قُتِلَ مَظْلُوماً یُرِیدُ بِذَلِک الْفِتْنَهَ فَاتَّبِعُوا الصَّوْتَ الْأَوَّلَ وَ إِیَّاکمْ وَ الْأَخِیرَ أَنْ تُفْتَنُوا بِهِ؛(۱) هنگامی که ندای آسمانی را در ماه رمضان شنیدید، در آن تردید نکنید؛ چرا که ندای فرشته امین است و علامت آن این است که به نام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و پدر گرانقدرش ندا می دهد، ندایی که دوشیزگان نیز در سراپرده ی خویش آن را می شنوند و پدران و برادران خویش را برای حرکت از خانه و پیوستن به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تشویق می نمایند. این دو ندا پیش از ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف حتماً رخ خواهند داد که اولی از طرف آسمان به وسیله جبرئیل است و دومی از زمین از سوی شیطان برای فریب مردم است، پس مراقب باشید که از صدای نخستین پیروی کنید و مبادا صدای دوم شمارا فریب دهد».

ص:۳۵۴

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۶۳.

در حقیقت این اعلامیه آسمانی، بارزترین دلیل و برهان قطعی بر حقانیت مذهب شیعه و مکتب اهلبیت علیهم السلام است؛ همان چیزی که آسمانیان نیز برآن اعتراف دارند و نوید ظهور شکوهمند آخرین منجی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیانگر تداوم این راه نورانی است.

ه) شادمانی عمومی

خبرظهور و قیام عدالت گستر جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف موجی از سرور و شادی را در میان اهل زمین و آسمان، مخصوصاً انسان های اهل ایمان برمی انگیزد؛ هم چنان که این واقعه بزرگ، موجبات نگرانی و ناخشنودی کفار و مشرکان را پدید می آورد؛ زیرا همان گونه که این نوید آسمانی و اعلام خبر ظهور آخرین منجی الاهی، سبب شادمانی و سرور در چهره مؤمنان و مستضعفان عالم می شود، همچنین ترس و اضطراب و وحشت، قلوب ظالمان و جنایتکاران عالم را فرا می گیرد؛ چون در پی خبر ظهور، آنان تمامی قدرت و شوکت خود را در معرض زوال دیده و هیچ چشم انداز امید بخش و راه گریزی برای حفظ و نجات خود نمی یابند.

این خرسندی و شادمانی جهانی در سطوح مختلف و با اشکال گوناگونی در روایات بیان شده است. در بعضی روایات، از خرسندی و استقبال مردم از قیام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن به میان

آمده است و حتی برخی روایات، از آرزوی مردگان برای زنده شدن و دیدن شکوه و عظمت ظهور آن حضرت خبر داده اند. امیر مؤمنان علیه السلام می فرماید: «یَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ سُكانُهَا؛(۱) با خروج او اهل آسمان ها و ساکنین شان خرسند خواهند شد».

امام کاظم علیه السلام می فرماید: «یَفْرَحُ بِخُرُوجِهِ أَلْمُؤْمِنُون وَ أَهْلُ السَّمَاوَاتِ وَ لَا یَبقَی کَافِرٌ وَلَا مُشْرِكٌ أِلَّا كَرِهَ؛(۲) به سبب خروج حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف همه مؤمنان و ساکنان آسمان ها خشنود می شوند و هیچ کافر و مشرکی باقی نمی ماند، جز آن که خروج او را نمی پسندد».

حذیفه از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل می کند: «یَفرَحُ بِهِ أَهْلُ السَّمَاءُ وَ أَهْلُ ٱلْأَرْضِ وَ الطَّیرَ وَ الْوُحُوشَ وَ الْحِیتَانَ فِی الْبَحْرِ وَ تَزِیْدُ الْمَیَاهُ فِی دَولَتِهِ وَ تَمُدُّ ٱلْأَنهَارُ وَ تُضْعِفُ الْأَرضُ أُكلَهَا وَ تَسْتَخْرِجُ الْكُنُوزَ؛(۳) به سبب ظهور او، ساکنان آسمان و زمین و پرندگان و حیوانات وحشی و ماهیان دریا، همگی خوشحال می شوند. در دولت او آب ها فزونی می گیرد و رودها پرآب می گردد و زمین فراوان حاصل می دهد و گنج های آن بیرون کشیده می شود».

ابوسعید خدری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم این حدیث را نقل کرده است: «بَلَاءً یُصِیبُ هَذِهِ الْأُمَّهَ حَتَّی لَا یَجِدَ الرَّجُلُ مَلْجَأً یَلْجَأُ إِلَیْهِ مِنَ الظُّلْمِ فَیَبْعَثُ اللَّهُ رَجُلًا مِنْ عِتْرَتِی أَهْلِ بَیْتِی فَیَمْلَأُ الْأَرْضَ

ص:۳۵۶

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۱۵.

۲- یوم الخلاص، ص۳۳۳.

۳- عِقد الدُّرر، ص۱۴۹.

قِسْطاً وَ عَدْلًا كمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً یَرْضَی عَنْهُ سَاكنُ السَّمَاءِ وَ سَاكنُ الْأَرْضِ لَا یَدَعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَیْئاً إِلَّا صَبَّهُ مِدْرَاراً وَ لَا یَدَعُ الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا شَیْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّی یَتَمَنَّی الْأَحْیَاءُ الْأَمْوَاتَ؛(۱)بلایی به این امت خواهد رسید که مردم در آن روزگار پناهگاهی نمی یابند تا از ظلم بدان پناه برند پس خدا مردی را از عترت و اهل بیت من برمی انگیزد که به وسیله او زمین را پر از قسط و عدل کند، هم چنان که پر از ظلم و ستم شده است. ساکنان آسمان و زمین از او خشنود خواهند بود. آسمان قطره بارانی را فرو گذار نمی کند، جز اینکه آن را مرتب می باراند و زمین از روئیدنی های خود چیزی باقی نمی گذارد مگر آن که آن را بیرون می دهد تا آن جا که زندگان برای مردگانشان آرزوی زنده شدن می کنند».

در جای دیگر پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «أُبَشِّرُكمْ بِالْمَهْدِیِّ یُبْعَثُ فِی أُمَّتِی عَلَی اخْتِلَافٍ مِنَ النَّاسِ وَ زَلَازِلَ یَمْلَأُ الْأَرْضَ قِسْطاً وَ عَدْلًا كمَا مُلِئَتْ جَوْراً وَ ظُلْماً یَرْضَی عَنْهُ سَاكنُ السَّمَاءِ وَ سَاكنُ الْأَرْضِ؛(۲) شما را به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می دهم. وی در حالی قیام و خروج خواهد کرد که امت من گرفتار اختلاف و پریشانی شدیدی است. او زمین را از قسط و عدل پر می کند، هم چنان که

۱- الطرائف، ج ۱، ص ۱۷۸ ؛ غایه المرام، ج ۷، ص ۹۶؛ اثبات الهداه، ج۳، ص۶۳۹.

۲- بحار الأنوار، ج۱۲، ص ۹۲.

از ظلم و جور پر شده است. اهل آسمان و ساکنان زمین همگی از آمدن او شادمان و خشنود خواهند بود».

این سرور و شادی فراگیر به گونه ای است که نه تنها همه اهل عالم بلکه حتی مردگان نیز از بشارت ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف شادمان اند، امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: «فَإِذَا هَزَّ رَايَتَهُ أَضَاءَ لَهَا مَا بَيْنَ الْمَشْرِقِ وَ الْمَغْرِبِ وَ يَضَعُ يَدَهُ عَلَى رُءُوسِ الْعِبَادِ فَلَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ إِلَّا صَارَ قَلْبُهُ أَشَدَّ مِنْ زُبَرِ الْحَدِيدِ وَ أَعْطَاهُ اللَّهُ قُوَّةَ أَرْبَعِينَ رَجُلًا وَ لَا يَبْقَى مَيِّتٌ إِلَّا دَخَلَتْ عَلَيْهِ تِلْكَ الْفَرْحَةُ فِي قَبْرِهِ وَ هُمْ يَتَزَاوَرُونَ فِي قُبُورِهِمْ وَ يَتَبَاشَرُونَ بِقِيَامِ الْقَائِم؛(1)وقتی پرچم او برافراشته شود، ما بین مشرق و مغرب را روشن می سازد و دست رحمتش را بر سر بندگان قرار می دهد و مؤمنی باقی نمی ماند مگر اینکه قلبش از پاره آهن گداخته شده، سخت تر می شود و خداوند نیروی چهل مرد را به او می دهد و هیچ مرده ای باقی نمی ماند مگر اینکه آن شادی در قبرش بر او وارد می شود و مردگان در قبرهایشان به دیدار یک دیگر رفته و همدیگر را به قیام قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بشارت می دهند».

و) اقتدار شیعه

بدون شک دوران ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دوران حاکمیت مکتب اهلبیت علیهم السلام و فصل شکوفائی و

ص:۳۵۸

۱- الخرائج و الجرائح، ج ۳، ص ۱۱۵۰.

اقتـدار شـیعیان است، از این رو، این رخداد بزرگ علاوه بر شادمانی عمومی، برای پیروان اهلبیت عصـمت علیه السـلام دوران آغاز سَروری و شکوفائی به شمار می رود؛ زیرا در این دوره، رشته امور جهان در قبضه قدرت آنان خواهند بود.

اما سجّاد علیه السلام در این باره می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَذْهَبَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ عَنْ شِیعَتِنَا الْعَاهَهَ وَ جَعَلَ قُلُوبَهُمْ کزُبَرِ الْحَدِیدِ وَ جَعَـلَ قُوَّهَ الرَّجُـلِ مِنْهُمْ قُوَّهَ أَرْبَعِینَ رَجُلًا وَ یَکونُونَ حُکامَ الْأَرْضِ وَ سَـنَامَهَا؛(۱) هنگامی که قائم ما قیام کنـد، خداونـد بیماری و رخوت را از شـیعیان مـا برطرف می سـازد و دل هـای آنـان را همچون پـاره های آهن می کنـد و به هر مردی از آن ها نیروی چهل مرد می دهد و آن ها حکمرانان زمین و رؤسای اجتماع خواهند بود».

امام صادق علیه السـلام در باره نقش کلیـدی شـیعیان در دولت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و اقتدار جهانی آنان می فرماید: «یَکونُ مِنْ شِـیعَتِنَا فِی دَوْلَهِ الْقَائِمِ سَنَامُ الْأَرْضِ وَ حُکامُهَا یُعْطَی کلُّ رَجُلٍ مِنْهُمْ قُوَّهَ أَرْبَعِینَ رَجُلا؛(۲) برخی شیعیان ما در دولت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف استوانه های محکم و فرمانروایان زمین اند؛ هرکدام به قدر چهل مرد توانمند اند»

سخنرانی های حضرت

ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ابتدا به وسیله منادی

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۳۱۷.

۲- الاختصاص، ص۸.

آسمانی اعلام می گردد، آن گاه حضرت در ضمن چندین سخنرانی، هدف و پیام انقلاب جهانی خویش را برای مردم جهان تشریح می کند. از این رو، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز ظهور چندین خطبه ایراد خواهد فرمود چنان که در برخی روایات بدان اشاره شده است:

۱. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از اخذ بیعت از یاران خویش، با مردم شهر مکه سخن می گوید و در حالی که پشت به کعبه داده است، ظهور خود را به اطلاع آنان می رساند و ایشان را به تبعیت و یاری خویش فرا می خواند. در این باره، ابو بصیر از امام باقر علیه السلام چنین نقل می کند: «یَخْرُجَ فَیَهْبِطُ مِنْ عَقَبَهِ طُوًی فِی ثَلَاثِمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا عِدَّهِ أَهْلِ بَدْرٍ حَتَّی یَأْتِیَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ فَیُصَلِّی فِیهِ عِنْدَ مَقَامِ إِبْرَاهِیمَ أَرْبَعَ رَکعَاتٍ وَ یُسْنِدُ ظَهْرَهُ إِلَی الْحَجَرِ الْأَسْوَدِ ثُمَّ یَحْمَدُ اللَّهَ وَ یُثْنِی عَلَیْهِ وَ یَذْکرُ النَّبِیَّ صلی الله علیه و آله و سلم وَ یُصَلِّی عَلَیْهِ وَ یَتَکلَّمُ بِکلَامٍ لَمْ یَتَکلَّمْ بِهِ أَحَدٌ مِنَ النَّاس؛(۱) پس (قائم) خروج می کند در حالی که از گردنه طوی با سیصد و سیزده تن از یاران خود که به تعداد اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در جنگ بدر می باشند فرود می آید، سپس وارد مسجدالحرام می شود. در آن جا در کنار مقام ابراهیم علیه السلام چهار رکعت نماز می خواند آنگاه به دیوار کعبه و حجرالاسود تکیه داده و با ثنای خداوند و درود بر پیامبر و خاندان طاهرینش علیه السلام لب به سخن می گشاید و سخنانی را به زبان

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص۳۰۷.

می آورد که احدی از مردم چنین سخنی را نگفته است».

۲. یکی دیگر از سخنرانی های حضرت، خطبه ای است که در مسجدالحرام و بعد از نماز عشا، ایراد خواهد شد. در این زمینه جابر از امام باقر علیه السلام می فرماید: «مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکّه به هنگام نماز عشا ظهور می کند؛ در حالی که پرچم و پیراهن و شمشیر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم را به همراه دارد و چون از نماز عشا فارغ شود، به مردم جهان این گونه خطاب می کند: «أَذْكرُكمُ اللّه أَيّهُا النَّاس وَ مَقَامِكم بَينَ يَدَی رَبِّكم، فَقَدْ اِتّخَذَ الْحُجّهَ وَ بَعَثَ الْأَنبِيَاءَ وَ أَنْزَلَ الْكتَابَ وَ أَمَرَكم أَنْ لَا تُشرِكوا بِهِ شَيئًا وَ أَن تُحَافِظُوا عَلی طَاعَتِهِ وَ طَاعَهِ رَسُولِهِ وَ أَنْ تُحيُوا مَا أَحْيَا الْقُرآنَ وَ تُمِيتُوا مَا أَمَاتَ وَ تَكونُوا أَعْوَانًا عَلی الهُدی وَ وُزَرَاءً عَلَی التَّقْوی، فَإِنّ الدُّنْيَا قَدْ دَنَا فَنَاؤُهَا وَ زَوالِهَا وَ أُذِنَتْ بِالْوِدَاعِ، فَإِنّی أَدْعُوكمْ إِلَی اللّه وَ إِلَی رَسُولِهِ وَ الْعَمَلِ بَكتَابِهِ وَ إِمَاتَهِ الْبَاطِلِ وَ إِحْيَاءِ سُنَّتِه؛(۱)ای مردم! شما را به یاد و ذکر خدا و به ایستادن در برابر خدا [در روز قیامت] متذکر می شوم؛ در حالی که حجّتش را در دنیا بر شما تمام کرده، پیامبران را مبعوث نموده و قرآن را فرو فرستاده است. خداوند به شما فرمان می دهد که به او شرک نورزید و فرمانبر او و پیامبرانش باشید. آن چه را قرآن امر به احیای آن کرده است، احیا و

۱- الملاحم و الفتن، ص۱۳۷؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۲۹۶.

زنـده کنیـد و آن چـه را که امر به نـابودی آن کرده است، نـابود سازیـد و یـاوران راه هـدایت باشـید و بر تقـوا و پرهیزگـاری همکاری نمایید؛ زیرا فنا و زوال دنیا فرا رسـیده و نفخه وداع سـر داده شده است. من شـما را به سوی خدا و رسولش و عمل به کتاب او و نابودی باطل و احیای سنّت و سیره پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم دعوت می کنم».

۳. از دیگر مواردی که حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف به ایراد سـخن می پردازد، خطبه ای است که در میـان رکن و مقام ایراد می فرمایـد. در این خطبه، قیام و دعوت رسـمی خویش را به اطلاع مردم جهان می رسانـد تا هماننـد جـدش پیامبر صـلی الله علیه و آله و سـلم نخست دعوت و پیامش را به گوش مردم برسانـد و بر آنان اتمام حجّت کنـد. آنگاه عده ای دعوتش را می پذیرند و عده ای نیز کارشکنی و توطئه گری کرده و به مخالفت و دشمنی برمی خیزند. امام علیه السلام بعد از اتمام حجّت ناگزیر در برابر این طیف، به قیام مسلحانه دست می زند. در این باره امام باقر علیه السلام می فرماید: «فَیَقُومُ الْقَائِمُ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَام فَیُصَلِّی وَ یَنْصَرِفُ وَ مَعَهُ وَزِیرُهُ فَیَقُولُ یَا أَیُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ عَلَی مَنْ ظَلَمَنَا وَ سَلَبَ حَقَّنَا، مَنْ یُحَاجُّنَا فِی اللَّهِ فَإِنَّا أَوْلَی بِاللَّهِ وَ مَنْ یُحَاجُّنَا فِی آدَمَ فَإِنَّا أَوْلَی النَّاسِ بِآدَمَ وَ مَنْ حَاجَّنَا فِی نُوحٍ فَإِنَّا أَوْلَی النَّاسِ بِنُوحٍ وَ مَنْ حَاجَّنَا فِی إِبْرَاهِیمَ فَإِنَّا أَوْلَی النَّاسِ بِإِبْرَاهِیمَ وَ مَنْ حَاجَّنَا بِمُحَمَّدٍ فَإِنَّا أَوْلَی النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ وَ مَنْ حَاجَّنَا فِی النَّبِیِّینَ فَنَحْنُ أَوْلَی النَّاسِ بِالنَّبِیِّینَ وَ مَنْ

حَاجَّنَا فِي كِتَابِ اللَّهِ فَنَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِكِتَابِ اللَّهِ إِنَّا نَشْهَدُ وَ كـلَّ مُسْلِمٍ الْيَوْمَ أَنَّا قَدْ ظُلِمْنَا وَ طُرِدْنَا وَ بُغِيَ عَلَيْنَا وَ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَمْوَالِنَا وَ أَهَالِينَا وَ قُهِرْنَا إِلَّا أَنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ الْيَوْمَ وَ كلَّ مُسْلِمٍ؛(۱)حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بین رکن و مقام می ایستد و نماز می گزارد و به اتفاق وزیرش راه می افتد و آنگاه خطاب به مردم جهان می گوید: ای مردم! در مقابل کسانی که به ما ستم روا داشته و حق ما را غصب کردند، از خدا کمک می طلبیم. هرکس درباره خدا با ما محاجه کند، پس ما به خدا سزاوارتریم. هرکس درباره آدم علیه السلام با ما محاجه کند، ما سزاوارترین مردم به آدم علیه السلام هستیم. هر کس درباره نوح علیه السلام با ما محاجه نماید، ما سزاوارترین شخص به نوح علیه السلام هستیم. هر کس درباره ابراهیم علیه السلام با ما محاجه کند، ما سزاوارترین فرد به ابراهیم علیه السلام هستیم. هرکس در باره محمد صلی الله علیه و آله و سلم با ما محاجه نماید، ما سزاوارترین شخص به محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستیم. هرکس درباره نسبت با پیامبران با ما محاجه کند، ما سزاوارترین مردم نسبت به پیامبران هستیم. هر کس درباره کتاب خدا با ما به محاجه بپردازد، ما سزاوارترین مردم به کتاب خدا (قرآن) هستیم. ما و همه مسلمانان امروز گواهی می دهیم که مورد ظلم و ستم

۱- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۶۶؛ بحار الانوا ر، ج۵۲، ص۲۲۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ج۵، ص۲۰.

قرار گرفته و آواره شده ایم، برضد ما شوریدند و ما را از شهر و دیار و اموال و اهل خود دور و ما را مغلوب کردند. آگاه باشید که ما امروز از همه مسلمانان در راه خدا یاری می طلبیم».

۴. از جمله خطبه های دوره آغازین ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایراد خطبه در مسجدالحرام خواهد بود. در این سخنرانی، امام علیه السلام ضمن بیان فضایل نَسبی و پیوند خویش با پیامبران الاهی علیه السلام به ویژه رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم و احتجاج به آن، همگان را به اطاعت و پیروی از دین خدا و پذیرش دعوت خود، فرا می خواند تا او را در راه خدا یاری نمایند. این فراخوان و دعوت امام علیه السلام عمومی و جهانی است و مخاطب حضرت اعم از حاضرین و غائبین است. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف این خطابه تاریخی را در شرایطی ایراد می فرماید که خود از سوی نیروهای سفیانی تحت تعقیب است؛ اما بنا به فرمان الاهی، سپاهیان مهاجم سفیانی در بیداء به قعر زمین فرو می رود. در این خصوص امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَالْقَائِمُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَةَ قَدْ أَسْنَدَ ظَهْرَهُ إِلَى الْبَيْتِ الْحَرَام مُسْتَجِيراً بِهِ فَيُنَادِي يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا نَسْتَنْصِرُ اللَّهَ فَمَنْ أَجَابَنَا مِنَ النَّاسِ فَإِنَّا أَهْلُ بَيْتِ نَبِيِّكمْ مُحَمَّدٍ وَ نَحْنُ أَوْلَى النَّاسِ بِاللَّهِ وَ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَمَنْ حَاجَّنِي فِي آدَمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِآدَمَ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي نُوح فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِنُوحٍ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي إِبْرَاهِيمَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْراهِيمَ وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِمُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي

النَّبِيِّينَ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِالنَّبِيِّينَ أَ لَيسَ اللَّهُ يَقُولُ فِي مُحْكمِ كتَابِهِ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفى آدَمَ وَ نُوحاً وَ آلَ إِبْراهِيمَ وَ آلَ عِمْرانَ عَلَى الْعالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُها مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ فَأَنَا بَقِيَّةٌ مِنْ آدَمَ وَ ذَخِيرَةٌ مِنْ نُوحٍ وَ مُصْطَفًى مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ صَفْوَةٌ مِنْ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَلَا فَمَنْ حَاجَّنِي فِي كتَابِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِكتَابِ اللَّهِ أَلَا وَ مَنْ حَاجَّنِي فِي سُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَى النَّاسِ بِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صلى الله عليه و آله و سلم فَأَنْشُدُ اللَّهَ مَنْ سَمِعَ كلَامِي الْيَوْمَ لَمَّا بَلَّغَ الشَّاهِدُ مِنْكمُ الْغَائِبَ وَ أَسْأَلُكمْ بِحَقِّ اللَّهِ وَ حَقِّ رَسُولِهِ صلى الله عليه و آله و سلم وَ بِحَقِّي فَإِنَّ لِي عَلَيْكمْ حَقَّ الْقُرْبَى مِنْ رَسُولِ اللَّهِ إِلَّا أَعَنْتُمُونَا وَ مَنَعْتُمُونَا مِمَّنْ يَظْلِمُنَا فَقَدْ أُخِفْنَا وَ ظُلِمْنَا وَ طُرِدْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَ أَبْنَائِنَا وَ بُغِيَ عَلَيْنَا وَ دُفِعْنَا عَنْ حَقِّنَا وَ افْتَرَى أَهْلُ الْبَاطِلِ عَلَيْنَا فَاللَّهَ اللَّهَ فِينَا لَا تَخْذُلُونَا وَ انْصُرُونَا يَنْصُرْكمُ اللَّهُ تَعَالَى؛(۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز قیام الاهی خویش به فرمان خدا وارد مسجدالحرام می شود و بر دیوار خانه خدا تکیه می زند. آنگاه پس از ستایش خدا و نثار خالصانه ترین و پاک ترین درودها بر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و خاندان پاک و مطهرش، جهانیان را مخاطب قرار داده و می فرماید: ای مردم! ما و هرکس که ما را اجابت کند، از خدا یاری می طلبیم. ما خاندان پیام آور شما، محمد هستیم و شایسته ترین و نزدیک ترین و سزاوارترین مردم به خدا و پیامبرش هستیم. هر کس با من در مورد آدم گفتگو کند، من نزدیک ترین مردم به آدم هستم و هرکس در مورد نوح، ابراهیم و محمد صلی الله علیه و آله و سلم با من بحث و گفتگو کند، من نزدیک

۱- الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۱؛ الاختصاص، ص۲۵۶؛ غایه المرام، ج۳، ص ۲۷۱.

ترین انسان ها به این پیامبران بزرگ و پرچمداران هدایت و رسالت هستم. آیا خداوند در کتاب آسمانی خود نفرموده است: «خداوند، آدم، نوح، خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر جهانیان برتری داد، فرزندانی بودند که برخی از نسل برخی دیگر پدیدار گشتند و خدا شنوا و داناست». بدانید که من شایسته ترین باقی مانده از فرزندان آدم و بهترین ذخیره از نوح پیامبر علیه السلام و برترین برگزیده از ابراهیم و آخرین امامان راستین از نسل محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم. آگاه باشید که هر کس در مورد کتاب خدا با من گفتگو نماید، من نزدیک ترین انسان ها به کتاب آسمانی هستم و هر کس در مورد سنّت و روش پیام آور خدا سخن دارد، من نزدیک ترین و سزاوارترین فرد به سنّت و روش پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و عامل به آن و تحقق دهنده آرمان های والای قرآن و سنّت هستم. از این رو، اینک همه را سوگند می دهم که شما حاضران و شنوندگان، پیام مرا به آنانی که غایب هستند و نمی شنوند، برسانید. و شما را به حرمت خدا و پیام آورش و به حرمت حق خویش - که حق قرابت با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است ـ فراخوانده و سوگند می دهم که ما را در راه تحقق آرمان های والای آسمانی یاری کنید و از ما و اهداف بلند ما حمایت و دفاع کنید. در

ص:۳۶۶

روزگاران گذشته، ستمکاران، ما را به جرم دفاع از حق و عدالت مورد تهاجم و تهدید قرار دادند. ما را از شهر و دیار و خانه و خانـدان خویش راندنـد. حقوق ما را پایمال ساختنـد و میان ما و حقمان جـدایی افکندند و بر ما دروغ و بهتان بسـتند. اینک خـدا را در رعایت حقوق و پـذیرش آرمان های بلنـد ما فراموش نکنیـد و ما را تنها وامگذارید و دست از یاری ما برندارید، تا خداوند نیز شما را یاری نماید».

بیعت با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

با اعلام ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه و انتشار این خبر، عاشقان و منتظران ظهور آن حضرت، در حالی که از شوق این خبر، دل هایشان لبریز از غرور و شادی است، برای نصرت و یاری امام، به سوی مکه رهسپار می شوند تا مفتخر به یاری و بیعت با آن وجود مقدّس گردند و به جمع یاران آن حضرت بپیوندند.

الف) بیعت فرشتگان

در مسأله بیعت و هم پیمانی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف گویا ملکوتیان آسـمانی بر زمینیان سبقت می گیرند و پیشـاپیش گروه فرشـتگان، دو فرشـته اعظم الاهی یعنی حضـرت جبرائیل و میکائیل حضور دارنـد که مفتخر به بیعت با آخرین حجّت

ص:۳۶۷

الاهی می شوند.

براساس روایات، در مراسم بیعت، ابتدا فرشتگان الاهی دعوت امام علیه السلام را لبیک می گویند، سپس سیصد و سیزده یار ویژه آن حضرت، با امام و مقتدای خویش بیعت می کنند. مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «إِذَا أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْقَائِمِ فِی الْخُرُوجِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ وَ دَعَا النَّاسَ إِلَی نَفْسِهِ وَ نَاشَدَهُمْ بِاللَّهِ وَ دَعَاهُمْ إِلَی حَقِّهِ وَ أَنْ یَسِیرَ فِیهِمْ بِسِیرَهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ یَعْمَلَ فِیهِمْ بِعَمَلِهِ فَیَبْعَثُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ جَبْرَئِیلَ علیه السلام حَتَّی یَأْتِیَهُ فَیَنْزِلُ عَلَی الْحَطِیمِ ثُمَّ یَقُولُ لَهُ إِلَی أَیِّ شَیْ ءٍ تَدْعُو فَیُخْبِرُهُ الْقَائِمُ علیه السلام فَیَقُولُ جَبْرَئِیلُ أَنَا أَوَّلُ مَنْ یُبَایِعُک ابْسُطْ یَدَک فَیَمْسَحُ عَلَی یَدِهِ وَ قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ بِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا فَیُبَایِعُونَهُ وَ یُقِیمُ بِمَکهَ حَتَّی یَتِمَّ أَصْحَابُهُ عَشَرَهَ آلَافِ أَنْفُسٍ ثُمَّ یَسِیرُ مِنْهَا إِلَی الْمَدِینَهِ؛[(۱)] زمانی که خداوند متعال به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه قیام دهد، آن حضرت از منبر بالا رفته و مردم را به سوی خود دعوت نموده و آن ها را درباره حق خود به خدا سوگند می دهد و تصریح می کند که در میان آنان به سنّت و عمل رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم رفتار کرده و عمل می نماید. آنگاه خداوند، جلّ جلاله، جبرئیل را به سوی او می فرستد. جبرئیل درحطیم، بر آن حضرت نازل گشته و از آن حضرت می پرسد: «به چه چیز دعوت می کنی؟» حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف او را در جریان قرار می دهد. آنگاه جبرئیل می گوید: «من نخستین کسی هستم

۱- الارشاد، ج۲، ص۳۸۲؛ روضه الواعظین، ص۲۶۵؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۸۸؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۷.

که با تو بیعت می کنم، دستت را بگشا» و آن گاه دستش را به دست حضرت می کشد. در آن زمان سیصد و اندی نفر گرد حضرت جمع شده و با او بیعت می کنند و آن حضرت در مکه اقامت نموده تا این که تعداد یاران و اصحابش به ده هزار نفر برسد. سپس رهسپار مدینه می شوند».

ابی الجارود، به نقل از امام باقر علیه السلام جریان باشکوه بیعت فرشتگان، را این چنین گزارش می کند: «فَیَقُولُ تَبَارَکَ وَ تَعَالَی لِلْمَلَائِکهِ الّذِینَ نَصَرُوا رَسُولَ الله یَوْمَ بَدْرٍ وَ لَمْ یُحِطُّوا سُرُوجَهُمْ وَ لَمْ یَضَعُوا أَسْلِحَتُهُمْ، فَیُبَایِعُونَهُ؛(۱) خداوند متعال به فرشتگانی که رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را در جنگ بدر یاری کردند فرمان می دهد، پس آنان (که تا آن زمان هنوز آماده باش بوده اند و زین اسب ها و اسلحه های خود را زمین نگذاشته اند) برای یاری رسانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با او بیعت می کنند».

أبان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «أَوَّلُ مَنْ یُبَایِعُ الْقَائِمَ علیه السلام جَبْرَئِیلُ یَنْزِلُ فِی صُورَهِ طَیْرٍ أَبْیَضَ فَیُبَایِعُهُ؛(۲) نخستین کسی که با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کند، حضرت جبرائیل علیه السلام است که به صورت

۱- دلائل الأمامه، ص۴۵۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ج۳، ص۳۰۶.

۲- کمال الدّین و تمام النعمه، ج۲، ص۶۷۱؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۸۶.

پرنده ای سفید بر آن حضرت فرود می آید و با ایشان بیعت می کند».

امام باقر علیه السلام رخداد باشکوه بیعت فرشتگان الاهی را چنین بیان کرده است: «فَیَکونُ أَوَّلُ مَنْ یَضْرِبُ عَلَی یَدِهِ وَ یُبَایِعُهُ جَبْرَئِیلَ وَ میکائیل وَ یَقُومُ مَعَهُمَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام ؛(۱) اولین کسانی که با او (مهدی) دست بیعت می دهند، جبرئیل و میکائیل هستند در حالی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیرمؤمنان علیه السلام آن دو فرشته بزرگ الاهی را همراهی می فرمایند».

ب) بیعت اصحاب حضرت

از جمله وقایع هنگامه ظهور که در روایات بدان اشاره شده مراسم بیعت یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با ایشان است. البتّه این برنامه مختص به سیصد و سیزده نفر، اصحاب ویژه حضرت است. آنان در نخستین اقدام خود، با رهبر و امام خویش بیعت می کنند و مراتب تعهد و وفاداری شدید خویش را نسبت به دستورات، اهداف و برنامه های ایشان، اعلام می نمایند؛ زیرا تجربه امامان پیشین علیه السلام مخصوصاً امیرمؤمنان علیه السلام و امام حسن مجتبی علیه السلام نشان داده است که بسیاری از اطرافیان و کسانی که ادعای وابستگی و مریدی با امام علیه السلام را داشته اند، یا از همان اول در ادعای خود

۱- الزام الناصب، ج۲، ص۲۵۷؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۷.

صادق نبوده اند و یا این که به مرور و در مواقع امتحان و خطر، نتوانسته اند نسبت به امام و پیشوای خود وفادار بمانند.

مراسم بیعت اگرچه شامل همه یاران حضرت می شود؛ امّا در این میان، بیعت سیصدوسیزده نفر اصحاب خاص آن حضرت به دلیل سنگینی مسؤلیت و جایگاه بی بدیلشان، بیش ازهمه مورد تأکید حضرت خواهند بود؛ زیرا امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای انجام رسالت بزرگ خویش؛ یعنی اصلاح جهان و گسترش عدالت و قسط، نیازمند دستیاران فوق العاده مؤمن، شجاع و متعهد است؛ یارانی که نه تنها در هیچ شرایطی از دستورات و منویات ایشان، تخطی نکنند، بلکه در افکار و رفتارشان، الگوهای عینی ایمان و تجسم عدالت برای دیگران و در عرصه های جهاد و نبرد با دشمنان، هم چون فولاد و در عرصه های خدمت گزاری به مردم، کارگزاران صدیقی برای حضرت باشند و تا آخر، بر این عهد و پیمان، پای بند و وفادار بمانند.

در روایت پیشین مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام آمده است: «إِذَا أَذِنَ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِلْقَائِمِ فِی الْخُرُوجِ... وَ قَدْ وَافَاهُ ثَلَاثُمِائَهٍ وَ بِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا فَیُبَایِعُونَهُ؛(۱) هنگامی که خداوند به حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف اجازه قیام دهد، در آن زمان سیصد و اندی نفر گِرد حضرت جمع شده

۱- الارشاد، ج۲، ص۳۸۲؛ روضه الواعظین، ص۲۶۵.

و با او بیعت می کنند».

جابربن یزید جعفی، از امام باقر علیه السلام بیعت اصحاب ویژه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را چنین روایت کرده است: «فَیَجْمَعُ اللَّهُ عَلَیْهِ أَصْحَابَهُ ثَلَاثَمِائَهٍ وَ ثَلَاثَهَ عَشَرَ رَجُلًا وَ یَجْمَعُهُمُ اللَّهُ لَهُ عَلَی غَیْرِ مِیعَادٍ قَزَعاً کقَزَعِ الْخَرِیفِ وَ هِیَ یَا جَابِرُ الْآیَهُ الَّتِی ذَکرَهَا اللَّهُ فِی کتَابِهِ(أَیْنَمَا تَکونُوا یَأْتِ بِکمُ اللَّهُ جَمِیعاً إِنَّ اللَّهَ عَلی کلِّ شَیْءٍ قَدِیرٌ)(۱) فَیُبَایِعُونَهُ بَیْنَ الرُّکنِ وَ الْمَقَام؛(۲) خداوند سیصد و سیزده نفر یاران حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را جمع کرده و بدون قرار قبلی آنان را گِرد می آورد همچون پاره های ابر پائیز که به هم می پیوندند، ای جابر این مصداق همان آیه است که خداوند در قرآنش فرمود: هر جا باشید خداوند همه شما را می آورد که خداوند بر همه چیز توانا است، پس آنان در میان رکن و مقام با او بیعت می کنند».

ج) شرایط بیعت

مهم ترین شرط بیعت با حضرت، تعهد به عمل به دستورات قرآن و سنّت جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم است. ابو خالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل کرده که حضرت فرمود: «یُبَایَعُ الْقَائِمُ بِمَکةَ عَلَی کتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ رَسُولِهِ؛(۳) مردم مکّه با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنند تا بر طبق کتاب و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت پیروی

۱- سوره بقره، آیه ۱۴۸.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۲۸۲.

۳- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۸.

نمایند».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای یاران خاص خود، یعنی سیصد و سیزده نفر به دلیل موقعیت خاص آنان، شرایط ویژه ای را وضع می کند؛ چرا که آنان در آینده، کارگزاران حکومت حضرت خواهند بود و امام علیه السلام را در بسط دیانت و عدل در جهان، یاری خواهند رساند. از این رو حضرت، علاوه بر امتحان و آزمایش یاران خویش، براساس شرایط خاصی، با آنان بیعت کرده و از آنان برای عمل به آن شرایط پیمان می گیرد. اصحاب نیز بر اساس آن شرایط، با امام خویش بیعت می کنند.

در روایت منقول از امیرمؤمنان علیه السلام آمده است که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خطاب به سیصد و سیزده نفر از یاران خاص خود، با این شرایط بیعت می کند که: دزدی و زنا نکنند، آدم نکشند، هتک حرمت نکنند، به مسلمانی ناسزا نگویند، به منزلی هجوم نبرند، کسی را نزنند مگر به حق و کمربند طلایی نبندند... و ابریشم نپوشند... مسجدی را خراب نکنند، راهی را ناامن نکنند، مکر و حیله ننمایند، مال یتیم نخورند، لواط نکنند، شراب نخورند، به امامت و رهبری خیانت نکنند، خلف عهد و وعده ننمایند، طعام احتکار نکنند، پناهنده ای را نکشند، شخص فراری را تعقیب

نکنند، خون نریزند، بر انسان زخمی هجوم نبرند، لباس خشن بپوشند و خاک رامخده ی خود قرار دهند، نان جو بخورند و در راه خدا به حق جهاد کنند و استشمام عطریات کنند و از نجاسات کراهت داشته باشند. سپس می افزاید: اگر به این شرایط پای بند باشید، من نیز جز شما را یاور نگیرم؛ جز آن چه شما می پوشید نپوشم؛ جز آن چه شما می خورید نخورم؛ جز بر مرکبی که شما سوار می شوید سوار نشوم؛ هرکجا باشید با شما باشم؛ به هرکجا رهسپار شدید با شما بیایم؛ به نیروی کم خرسند و خشنود باشم؛ زمین را از عدل و داد آکنده سازم آن سان که از ستم و جور پر شده و خدا را به گونه ای که شایسته است پرستش نمایم. من به آن چه گفتم وفادار خواهم بود؛ شما نیز بر عهد خود وفاداری کنید. سپس اصحاب جملگی گویند: راضی هستیم و به آن چه فرمودی باتو بیعت می کنیم. آنگاه امام به نشانه پذیرش بیعت آنان، با تک تک آن ها، مصافحه می کند».(1)

۱- ر.ک: عِقد الدُّرر، ص۹۶؛ منتخب الأثر، ص ۴۶۹.

فصل۴: قیام رهایی بخش

اشاره

همـان گـونه که امیرمؤمنـان علیه السـلام در دوران حکـومتش بـا دو گونه دشـمن مواجه بود؛ یکی علنی؛ یعنی جبهه معـاویه و دیگری جبهه به ظـاهر خودی، نظیر گروه متحجر خوارج و نـاکثین؛ حضـرت مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف نیز بعـد از ظهور و در راه تشکیل حکومت عدل مهدوی، با دو مانع جدی از ناحیه دو گروه مخالف و معاند مواجه خواهد بود که هر دو، متظـاهر به اسـلام انـد؛ یکی جبهه سـفیانی که علنـاً بـا حضـرت اعلام جنگ کرده و رو در روی حضـرت قرار می گیرد؛ گروه دیگر، منافقان و کسانی که اهل ریا و تظاهر و مدعی دیانت و حفظ قرآن اند، امّا حضـرت را تکفیر کرده و در مقابل امام علیه السلام می ایستند و مانع پیشروی و تثبیت نهضت الاهی حضرت در مناطق مختلف، مخصوصاً عراق می شوند.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در مواجهه با هرکدام از این دو گروه، همانند جدش امیرمؤمنان علیه السـلام برخورد قاطعانه خواهد داشت و همان گونه که با

سفیانیـان از موضع قـدرت و شمشـیر برخورد می کنـد، با گروه دوم نیز جنگ خواهـد کرد؛ زیرا با وجود اتمام حجّت از ناحیه ایشـان، این گروه فتنه انگیز و خودخواه نیز جز زبـان شمشـیر، هیـچ زبـان دیگری را نمی فهمنـد. لـذا امام عجل الله تعالی فرجه الشـریف برای زدودن موانع و تثبیت پـایه های حکومت الاهی خویش، ناگزیر با آنان برخورد انقلابی و عبرت انگیزی خواهند داشت.

مقابله امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف با این دو جبهه، بیشتر معطوف به مناطق تحت نفوذ دشـمن مانند حجاز و عراق است. از این رو، پاکسـازی مرکزیت جهـان اسـلام؛ یعنی مکه و مـدینه و شـهرهای عراق از لـوث حاکمـان فاسـد، در اولـویت اقدامات آغازین قیام رهایی بخش آن حضرت خواهند بود.

آزادسازی شهر مکه

شهر مقدّس مکّه، بر خلاف مدینه منوّره و شـهرهای عراق، بدون جنگ و خون ریزی تسـلیم حضرت می شود؛ زیرا اهالی مکه اگرچه در ابتـدا با امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف مخالفت و کارشـکنی می کنند و پیام رسان حضـرت؛ یعنی نفس زکیّه را به قتل می رسانند، امّا اندکی بعد، با مشاهده آثار حقانیت و غلبه حضـرت، با ایشان بیعت می کنند. پس از بیعت مردم مکه و فروپاشـی نظام حاکم بر آن، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف کنترل کامل این شهر را در دست می گیرد و به

اصلاح امور می پردازد.

مجازات مجرمان خانه خدا

از جمله اقدامات اصلاحی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از آزادی شهر مکّه، دستگیری و تنبیه مجرمانی است که در زمان سلطه بر مکّه، مرتکب انواع جرایم و جنایات شده اند. آن حضرت، افراد خیانت کاری که با نقاب تقدس، اموال فقرا و مساکین و سایر مردم را چپاول کرده اند، معرفی و رسوا نموده و بر آن ها حد جاری می سازد.

در روایتی که ابوبصیر از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: «إِنَّهُ یَخْرُجُ مَوْتُوراً غَضْبَانَ أَسِفاً لِغَضَبِ اللَّهِ عَلَی هَذَا الْخَلْقِ یَکونُ عَلَیْهِ قَمِیصُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم الَّذِی عَلَیْهِ یَوْمَ أُحُدٍ وَ عِمَامَتُهُ السَّحَابُ وَ دِرْعُهُ دِرْعُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم السَّابِغَهُ وَ سَیْفُهُ سَیْفُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ذُو الْفَقَارِ یُجَرِّدُ السَّیْفَ عَلَی عَاتِقِهِ ثَمَانِیَهَ أَشْهُرٍ یَقْتُلُ هَرْجاً فَأَوَّلُ مَا یَبْدَأُ بِبَنِی شَیْبَهَ فَیَقْطَعُ أَیْدِیَهُمْ وَ یُعَلِّقُهَا فِی الْکعْبَهِ وَ یُنَادِی مُنَادِیهِ هَؤُلَاءِ سُرَّاقُ اللَّهِ ثُمَّ یَتَنَاوَلُ قُرَیْشاً فَلَا یَأْخُذُ مِنْهَا إِلَّا السَّیْفَ وَ لَا یُعْطِیهَا إِلَّا السَّیْفَ؛(۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در حالی قیام می کند که خون خواه و خشمگین و به خاطر غضب خداوند، غضبناک است. او پیراهن رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را که در روز احد به تن داشت پوشیده و عمامه آن حضرت به نام سحاب و زره آن حضرت به نام سابغه و شمشیر آن حضرت به نام ذوالفقار را به همراه دارد. شمشیر خود

ص:۳۷۷

۱- الغیبه، نعمانی، ص۳۰۸؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۶۱.

را آماده کرده و هجده ماه آن را بر دوش دارد. پس اولین کسانی که به حساب آن ها می رسد، بنی شیبه خواهند بود. حضرت دستان آن ها را قطع و در کعبه آویزان می کند و منادی حضرت فریاد می زند: این ها دزدان حرم خداوندی هستند. سپس سراغ قریش می رود و با شمشیر با آن ها معامله می کند».

این حرکت عبرت آموز حضرت، صرفاً برای اجرای حدشرعی بر یک دزد نیست؛ بلکه انگیزه دیگری نیز در آن به چشم می خورد و آن معرفی افرادی است که در طول تاریخ اسلام به عنوان کلید دار و خادم خانه خدا، هدایا و نذورات و موقوفات کعبه و بلکه اموال زائران خانه خدا را جمع و صرف خواسته های شهوانی خود کرده اند؛ به همین جهت امام علیه السلام آنان را که فریبکارانه در پوشش خدمت به حرم خانه خدا، دین خدا را پایمال می کنند به عنوان «سُرَّاقُ اللَّه» یعنی دزدان خدا معرفی می کند.

عبدالله بن مغیره نقل می کند که امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام أَقَامَ خَمْسَمِائَةٍ مِنْ قُرَيْشٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ أَقَامَ خَمْسَمِائَةٍ فَضَرَبَ أَعْنَاقَهُمْ ثُمَّ خَمْسَمِائَةٍ أُخْرَى حَتَّى يَفْعَلَ ذَلِكَ سِتَّ مَرَّاتٍ قُلْتُ وَ يَبْلُغُ عَدَدُ هَؤُلَاءِ هَذَا قَالَ نَعَمْ مِنْهُمْ وَ مِنْ مَوَالِيهِمْ؛(۱) آنگاه که قائم آل محمد ظهور کرد پانصد نفر از قریش را می آورد و گردن می زند، سپس

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

پانصد نفر دیگر را، تا شش بار این کار را تکرار می کند. من عرض کردم: آیا دسته های بعدی هم پانصد نفرند؟ فرمود: آری و همه آن ها از قریش و دوستان آن ها می باشند».

اصلاح بنای مسجد الحرام

از اقدامات دیگر آن حضرت، بازگرداندن مسجدالحرام به حدود اصلی آن است. ابا بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ هَدَمَ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ حَتَّى يَرُدَّهُ إِلَى أَسَاسِهِ وَ حَوَّلَ الْمَقَامَ إِلَى الْمَوْضِعِ الَّذِى كانَ فِيهِ وَ قَطَعَ أَيْدِىَ بَنِى شَيْبَةَ وَ عَلَّقَهَا عَلَى بَابِ الْكعْبَهِ وَ كتَبَ عَلَيْهَا هَؤُلَاءِ سُرَّاقُ الْكعْبَهِ؛(۱) هنگامی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به پا می خیزد، مسجدالحرام را به حدود اصلی آن و مقام (ابراهیم علیه السّلام) را بجای اولی خود که در آن بوده بازگرداند و دست های قبیله بنی شیبه (نماد کلید داری کعبه) را ببرد و بر در کعبه بیاویزد با این نوشته که این هایند دزدان کعبه».

تسهیل در مراسم حج

از جمله اقدامات اصلاحی حضرت در مکّه، ممانعت از طواف های مستحبی است که مزاحم طواف واجب دیگران می شود. روشن است که در عصر ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تمامی موانع و مقررات دست و پا گیر مربوط به مقدمات حج الغا

۱- الارشاد، ج۲، ص۳۸۳؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

می شود و سفر به بیت الله برای همگان، بدون هیچ قید و شرطی میسر خواهد شد. طبیعی است که در آن وقت، شمار زائران، به طور بی سابقه ای رو به افزایش می گذارد و آن گاه است که طواف بر گِرد کعبه و حجرالاسود سخت می شود؛ به ویژه آن که برخی از زائران به اعمال واجب بسنده نمی کنند و برای ثواب و پاداش بیشتر می خواهند طواف و نماز مستحبی نیز انجام دهند.

به همین جهت است که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با وضع مقررات خاص، به زائران خانه خدا دستور می دهد که به طواف واجب بسنده کنند و میدان را برای دیگران جهت انجام واجبات حج باز بگذارند. امام صادق علیه السلام در این زمینه می فرماید: «أَوَّلُ مَا یُظْهِرُ الْقَائِمُ مِنَ الْعَدْلِ أَنْ یُنَادِیَ مُنَادِیهِ أَنْ یُسَلِّمَ صَاحِبُ النَّافِلَهِ لِصَاحِبِ الْفَرِیضَهِ الْحَجَرَ الْأَسْوَدَ وَ الطَّوَافَ؛(۱) اولین آثار و نشانه های عدالت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکّه این است که از طرف او اعلان می شود: ای مردم! هر کس طواف واجب خویش را انجام داده است، جای خود را در طواف و کنار حجرالاسود به کسانی که می خواهند طواف واجب انجام دهند، واگذار کند».

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۷۴.

تعیین فرماندار مکه

یکی از اقدامات مهم حضرت در مکّه، تعیین فرماندار جدید برای اداره این شهر و کنترل امورات سرزمین وحی است. حضرت بعد از اخذ بیعت از اهالی مکّه، شخصی را به عنوان حاکم و فرماندار، تعیین و خود همراه با یاران خویش به سوی مدینه حرکت می کند تا مردم مدینه را از چنگال ستمکاران سفیانی رهایی بخشد؛ امّا پس از خروج حضرت از این شهر، دشمنان به ظاهرخاموش دست به شورش زده و فرماندار حضرت را به شهادت می رساند، در حالی که امام علیه السلام در میان راه مدینه است از مکّه گزارش می رسد که برخی از دشمنان حضرت، علیه حاکم منصوب وی شورش نموده و در یک اقدام جنایتکارانه کارگزار ایشان را به قتل رسانده اند. امام علیه السلام با شنیدن این خبر ناگوار، مجبور به بازگشت به مکّه می شود تا شورشیان را سرکوب کرده، ریشه فتنه را از بن بر کند.

ابو خالد کابلی نقل می کند که امام باقر علیه السلام فرمود: «یُبَایِعُ الْقَائِمُ بِمَکَهَ عَلَی کتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ رَسُولِهِ وَ یَسْتَعْمِلُ عَلَی مَکهَ ثُمَّ یَسِیرُ نَحْوَ الْمَدِینَه فَیَبْلُغُهُ أَنَّ عَامِلَهُ قُتِلَ فَیَرْجِعُ إِلَیْهِمْ فَیَقْتُلُ الْمُقَاتِلَهَ وَ لَا یَزِیدُ عَلَی ذَلِک ثُمَّ یَنْطَلِقُ فَیَدْعُو النَّاسَ بَیْنَ الْمَسْجِدَیْنِ إِلَی کتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ رَسُولِهِ وَ الْوَلَایَهِ لِعَلِیِّ بْنِ أَبِی طَالِبٍ وَ الْبَرَاءَهِ مِنْ عَدُوِّه؛(1) قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس

ص:۳۸۱

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۸.

از اخذ بیعت از اهالی مکه در پیروی از کتاب و سنّت، برای اهل مکّه کارگزار تعیین می نماید و خود همراه با یاران خویش به سوی مدینه حرکت می کند. بعد از خروج حضرت از مکّه، به ایشان گزارش می رسد که والی و نماینده ایشان، توسط مخالفان حضرت کشته شده است. امام به سوی آن ها برمی گردد و فقط جنگاوران آنان را به قتل می رساند و به دیگران کاری ندارد. سپس مردم را در میان دو مسجد به کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ولایت علی علیه السلام و تبرّی از دشمنان او، دعوت می کند».

مفضل می گوید محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم مولای من آیا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه اقامت می کند؟ فرمود: «لَا یَا مُفَضَّلُ بَلْ یَسْتَخْلِفُ مِنْهَا رَجُلًا مِنْ أَهْلِهِ فَإِذَا سَارَ مِنْهَا وَثَبُوا عَلَیْهِ فَیَقْتُلُونَهُ فَیَرْجِعُ إِلَیْهِمْ فَیَأْتُونَهُ مُهْطِعِینَ مُقْنِعِی رُؤُسِهِمْ یَبْکونَ وَ یَتَضَرَّعُونَ وَ یَقُولُونَ یَا مَهْدِیَّ آلِ مُحَمَّدٍ التَّوْبَهَ التَّوْبَهَ فَیَعِظُهُمْ وَ یُنْذِرُهُمْ وَ یَحْذَرُهُمْ وَ یَسْتَخْلِفُ عَلَیْهِمْ مِنْهُمْ خَلِیفَهً وَ یَسِیرُ فَیَثِبُونَ عَلَیْهِ بَعْدَه؛(۱) نه! بلکه نائب خود را در آنجا می گذارد، ولی چون اهل مکه دیدند قائم از میان آنها رفته است، هجوم می آورند و نائب او را می کشند. قائم به سوی آنها برمی گردد و آنها به طور سرشکسته و ذلیل و گریه کنان نزد وی می آیند و التماس می کنند و می گویند: ای مهدی آل محمد! توبه کردیم، توبه کردیم، قائم آنها

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۱.

را موعظه می کنـد و از غضب خـدا می ترسانـد و شخصـی از اهـل مکه را به نیـابت خود انتخاب می کنـد و از مکه خارج می شود».

آزادسازی مدینه منوره

امـام مهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف برای زدودن موانع دعوت خویش، ابتـدا به آزادسازی شـهرهای اسـلامی از دسـت طاغوتیان جور می پردازد تا زمینه برای اقدامات اصلاحی دیگر فراهم شود.

بدین منظور، پس از شـنیدن خبر شکست و رسوایی لشکر سفیانی در قضیه خسف بیدا و پس از نصب جانشینی در مکّه، همراه با خیل عظیم یارانی که به او پیوسـته انـد، به سوی مدینه حرکت می کند تا شـهر رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم و مردم تحت ستم آن جا را از چنگ جباران ستمگر سفیانی رهایی بخشد.

چنـان که امـام بـاقر علیه السـلام می فرمایـد: «إِذَا سَـمِعَ العَائِـذُ بِمَکَهَ بِـالْخَسْف، خَرَجَ فِی اِثْنَی عَشَـرَ أَلْفًا فِیْهِم اَلْأَبْـدَال حَتَّی یَأتِیَ إِیْلِیا؛(۱) زمانی که پناهنـده مکه [حضـرت مهـدی] خبر فرورفتن سـپاه [سـفیانی] را می شـنود با دوازده هزار تن که میان آن ها ابدال و بزرگان هستند، از مکه خارج شده تا در زمین ایلیا فرود آید».

در روایتی که ابوخالد کابلی از امام

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۱.

باقر علیه السلام نقل کرده نیز آمده است: «یُبَایَعُ الْقَائِمُ بِمَکَهَ عَلَی کتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ رَسُولِهِ وَ یَسْتَعْمِلُ عَلَی مَکهَ ثُمَّ یَسِیرُ نَحْوَ الْمَدِینَه؛(۱) مردم در مکه با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بر طبق کتاب خدا و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بیعت می کنند. سپس حضرت برای مردم مکه شخصی را از طرف خود به عنوان والی تعیین و خود به سوی مدینه حرکت می کند».

عبور از منطقه بیداء

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در مسیر بازگشت به مدینه، از منطقه بیداء (محل فرورفتن لشکر سفیانی) عبور می کند. جابر جعفی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: «ثُمَّ یَخْرُجُ مِنْ مَکهَ... مَعَهُ ثَلَاثُ مِائَهٍ وَ بِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا وَ مَعَهُ رَایَهُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم عَامِداً إِلَی الْمَدِینَهِ حَتَّی یَمُرَّ بِالْبَیْدَاءِ حَتَّی یَقُولَ هَذَا مَکانُ الْقَوْمِ الَّذِینَ یُخْسَفُ بِهِمْ وَ هِیَ الْآیَهُ الَّتِی قَالَ اللَّهُ: (أَ فَأَمِنَ الَّذِینَ مَکرُوا السَّیِّئاتِ أَنْ یَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ یَأْتِیَهُمُ الْعَذابُ مِنْ حَیْثُ لا یَشْعُرُونَ أَوْ یَأْخُذَهُمْ فِی تَقَلُّبِهِمْ فَما هُمْ بِمُعْجِزِینَ)(۲)؛(۳) پس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از مکه خارج و در حالی که سیصد و چند مرد همراه وی است و درفش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم را با خود دارد، رهسپار

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۲۹۷.

۲- سوره نحل، آیه۴۶.

۳- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۶۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۲۰.

مـدینه می شود تا آن که از منطقه بیـداء عبور می کنـد و می گوید: این جا مکان گروهی است که در زمین فرو رفته اند و این معنای سخن خداوند است که در قرآن فرمود: آیا کسانی که در صدد مکر و حیله با خدا برآمدند، در امان اند از این که زمین آنان را یک باره در کام خود فرو برد یا غـذاب و مجازات الاهی، از جایی که اصـلاً فکرش را نمی کنند و انتظارش را ندارند، به سـراغشان آیـد؟ یا به هنگامی که در رفت و آمدند [و با حرص و ولع شدید به گردآوری مال و ثروت بیش تر مشـغول اند دامانشان را بگیرد، در حالی که قادر به فرار و نجات خود نمی باشند؟».

آزاد سازی مدینه

با ورود امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و یارانش به شـهر مدینه، این شـهر به عنوان دومین مکان مقدّس اسـلامی، از دست دشمنان و مخالفان آزاد می شود و افراد دربند، مانند بنی هاشم که اغلب در زندان عمال ستمگر سفیانی به سر می برند، همگی رهایی می یابند. با تسـلط حضـرت بر شـهرهای مکّه و مدینه، سرزمین حجاز از چنگال دشمنان و مخالفان، پاک سازی می شود.

در روایتی که اباجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده، آمده است: «یَسِیرُ إِلَی ٱلْمَدِینَه، فَیَسِیرُ النَّاسُ حَتّی

ص:۳۸۵

يَرْضَی اللَهَ فَيَقْتُلُ أَلْفًا وَ خَمْسَمِائَهَ قُرَشِيًّا لَيْسَ فِيْهِم إِلَّا فَرَخُ زَنِيَّه؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی مدینه حرکت می کند، پس مردم نیز برای رضای خدا، همراه آن حضرت به سوی مدینه رهسپار می شوند. وقتی حضرت وارد شهر می شود، هزار و پانصد تن از قریش را که همگی حرام زاده اند به قتل می رساند».

آزادسازی مدینه و حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در شهر جدش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم سبب شادی و سرور دوستان اهل بیت علیهم السلام می شود. هنگامی که مفضل از امام صادق علیه السلام درباره مسیر قیام حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از مکه سؤال کرد: «يَا سَيِّدِی ثُمَّ يَسِيرُ الْمَهْدِیُّ إِلَی أَيْنَ؟ حضرت در پاسخ فرمود: إِلَی مَدِينَهِ جَدِّی رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِذَا وَرَدَهَا كَانَ لَهُ فِيهَا مَقَامٌ عَجِيبٌ يَظْهَرُ فِيهِ سُرُورُ الْمُؤْمِنِينَ وَ خِزْیُ الْكَافِرِين؛(۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از حرکت از مکه، وارد مدینه جدم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می شود و هنگامی که وارد شهر مدینه می شود، عظمت و شکوه مقام او، سبب شادی فوق العاده مؤمنان عالم شده و ذلّت و خواری کافران آشکار می گردد».

تعیین فرماندار مدینه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از تأمین امنیت مدینه، مدتی کوتاه در این شهر اقامت می گزینند؛ سپس

۱- دلائل الأمامه، ص۴۵۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۳۰۶.
۲- الزام الناصب، ج ۲، ص۲۱۵؛ بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۲.

شخصی را به عنوان حاکم و کارگزار در آن شهر منصوب می کند و خود با سپاهیان خویش برای آزادی شهرهای عراق به سوی کوفه حرکت می کند. ابوخالد کابلی از امام باقر علیه السلام نقل نموده است: «یَخْرُجُ إِلَی الْمَدِینَهِ فَیُقِیمُ بِهَا مَا شَاءَ ثُمَّ یَخْرُجُ إِلَی الْکوفَهِ وَ یَسْتَعْمِلُ عَلَیْهَا رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ؛(۱) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ورود به مدینه، مدتی که صلاح بداند در آن جا اقامت می گزیند، سپس به طرف کوفه حرکت می کند و یکی از یاران خود را حاکم مدینه قرار می دهد».

آزادسازی شهرهای عراق

در آستانه ظهور، عراق و مخصوصاً کوفه و شهرهای اطراف آن، مرکز تحولات منطقه، محسوب می شود. از این رو، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از آزادسازی شهر های مکّه و مدینه، رهسپار عراق می گردد تا آن جا را نیز از فتنه سفیانیان رهایی بخشد. در واقع مهم ترین درگیری های حضرت و تقابل او با سفیانی، در شهرهای عراق رخ خواهند داد.

یعقوب بن سراج از امام صادق علیه السلام نقل می کند که فرمود: «یُقْبِلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ نَحْوَ الْعِرَاقِ وَ یَبْعَثُ جَیْشاً إِلَی الْمَدِینَهِ فَیَأْمَنُ أَهْلُهَا وَ یَرْجِعُونَ إِلَیْهَا؛(۲) صاحب الامر عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۲۹۷.

۲- الکافی، ج۸، ص۲۲۵؛ الغیبه، نعمانی، ص۲۷۹.

عراق روی می آورد و سپاهی را به مدینه می گمارد تا امنیت را برای اهالی مدینه برقرار کند و آنانی را که از مدینه مهاجرت کرده اند به خانه هایشان باز گردند».

مردم مدینه نیز همانند اهالی مکه دست به شورش می زنند و پس از حرکت سپاه حضرت از مدینه به سوی عراق، عده ای از عوامل سفیانی و افراد فرصت طلب در اثر تطمیع و تهدید سفیانی، علیه فرماندار منصوب حضرت، اقدام به اغتشاش و شورش می کنند و حاکم مدینه را به شهادت می رسانند.

در روایت ابوخالد کابلی از امام باقر علیه السلام آمده است: «... فَإِذَا نَزَلَ الشَّفْرَةَ جَاءَهُمْ كِتَابُ السُّفْيَانِيِّ إِنْ لَمْ تَقْتُلُوهُ لَأَقْتُلَنَّ مُقَاتِلِيكُمْ وَ لَأَسْبِيَنَّ ذَرَارِيَّكُمْ فَيُقْبِلُونَ عَلَى عَامِلِهِ فَيَقْتُلُونَهُ فَيَأْتِيهِ الْخَبَرُ فَيَرْجِعُ إِلَيْهِمْ فَيَقْتُلُهُمْ وَ يَقْتُلُ قُرَيْشاً حَتَّى لَا يَبْقَى مِنْهُمْ إِلَّا أُكَلَةُ كَبْشٍ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَى الْكُوفَةِ وَ يَسْتَعْمِلُ رَجُلًا مِنْ أَصْحَابِهِ فَيُقْبِلُ وَ يَنْزِلُ النَّجَفَ؛(۱) هنگامی که حضرت به وادی شفره (بیابانی سرخ رنگ) وارد می شود، نامه اخطارآمیزی از سوی سفیانی به اهل مدینه می رسد که اگر او (حاکم گمارده شده از سوی حضرت) را نکشند، مردان جنگی آنان را کشته و زنان و فرزندان آن ها را اسیر خواهد کرد. در پی تهدید سفیانی، مردم مدینه نیز به گماشته حضرت هجوم می آورند و او را به قتل می رسانند. وقتی خبر کشته شدن

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۷۹.

وی به حضرت می رسد، امام علیه السلام به جنگ آنان باز می گردد و آن قدر از آنان و قریش را می کشد که جز افراد اندک و بی ارزشی از آنان باقی نمی ماند. سپس یکی از اصحاب خود را والی آن جا قرار داده و خود رهسپار کوفه و نجف می شود».

پیکار با مقدّس نمایان معاند

پس از ورود حضرت به کوفه، شانزده هزار نفر از مقدّس نمایان در حالی که سلاح در دست دارند، در برابر حضرت می ایستند. در این صف آرایی، آنانی که به حسب ظاهر، قاریان قرآن و دانشمندان دین اند، یک صدا فریاد می زنند: ای فرزند فاطمه! ما به تو نیازی نداریم، از همان راهی که آمده ای بازگرد! امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناگزیر با آنان از راه شمشیر وارد می شود و در این برخورد قاطعانه، همه آنان از دم تیغ می گذرند، بدون اینکه کسی از یاران امام حتی یک زخم بردارد!

اباجارود نقل می کند که نزد امام باقر علیه السلام بودم؛ ایشان فرمود: «وَ یَسِیرُ إِلَی الْکوفَهِ، فَیَخْرُجُ مِنْهَا سِتَّهَ عَشَرَ أَلْفاً مِنَ الْبُتْرِیَّهِ، شَاکینَ فِی السِّلَاحِ، قُرَّاءَ الْقُرْآنِ، فُقَهَاءَ فِی الدِّینِ، قَدْ قَرَحُوا جِبَاهَهُمْ و شَمَّرُوا ثِیَابَهُمْ و عَمَّهُمْ النِّفَاقُ و کلُّهُمْ یَقُولُونَ: یَا ابْنَ فَاطِمَهَ، ارْجِعْ لَا حَاجَهَ لَنَا فِیک. فَیَضَعُ السَّیْفَ فِیهِمْ عَلَی ظَهْرِ النَّجَفِ عَشِیَّهَ الْإِثْنَیْنِ مِنَ الْعَصْرِ إِلَی الْعِشَاءِ، فَیَقْتُلُهُمْ أَسْرَعَ مِنْ جَزْرِ جَزُورٍ، فَلَا یَفُوتُ مِنْهُمْ رَجُلٌ و لَا یُصَابُ مِنْ أَصْحَابِهِ أَحَدٌ، دِمَاؤُهُمْ قُرْبَانٌ إِلَی اللَّهِ. ثُمَّ یَدْخُلُ الْکوفَهَ فَیَقْتُلُ مُقَاتِلِیهَا

ص:۳۸۹

حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ (عَزَّ وَ جَلَّ)؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سمت کوفه حرکت می نماید، پس شانزده هزار فرد مسلح از بتریه قاریان قرآن و فقهای دین که پیشانی آن ها از زیادی سجده، پینه بسته و نفاق تمام وجودشان را پرکرده است به حضرت می گویند: «ای فرزند فاطمه! برگرد که ما نیازی به تو نداریم». آن گاه در روز دوشنبه میان آنان و حضرت، پشت نجف، جنگی سخت در می گیرد که از عصر تا شب طول می کشد و تمامی آن ها کشته می شود و در این کارزار هیچ یک از آنان جان سالم به در نمی برند، امّا اصحاب قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف که خون خود را وسیله تقرب به خداوند قرار داده اند، هیچ یک آسیب نمی بینند. سپس حضرت وارد کوفه شده و آن قدر از جنگاوران آنان را می کشد تا خدا راضی گردد».

در نقل دیگری از امام باقر علیه السلام روایت شده است که فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام سَارَ إِلَی الْکوفَهِ فَیَخْرُجُ مِنْهَا بِضْعَهَ عَشَرَ أَلْفَ نَفْسٍ یُدْعَوْنَ الْبُتْرِیَّهَ عَلَیْهِمُ السِّلَاحُ فَیَقُولُونَ لَهُ ارْجِعْ مِنْ حَیْثُ جِئْتَ فَلَا حَاجَهَ لَنَا فِی بَنِی فَاطِمَهَ فَیَضَعُ فِیهِمُ السَّیْفَ حَتَّی یَأْتِیَ عَلَی آخِرِهِمْ ثُمَّ یَدْخُلُ الْکوفَهَ فَیَقْتُلُ بِهَا کلَّ مُنَافِقٍ مُرْتَابٍ وَ یَهْدِمُ قُصُورَهَا وَ یَقْتُلُ مُقَاتِلَتَهَا حَتَّی یَرْضَی اللَّهُ عَزَّ وَ عَلَا؛(۲) زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به کوفه وارد

ص:۳۹۰

۱- دلائل الأمامه، ص ۴۵۵ ؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۳۰۶.

۲- الارشاد، ج۲، ص۳۸۴؛ روضه الواعظین، ص۲۶۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

شود، چندین هزار تن که بتریه (گروهی شبیه خوارج) خوانده می شوند، در مقابل حضرت می ایستند و به او می گویند: «برگرد. ما به فرزندان فاطمه احتیاجی نداریم!» آن گاه امام علیه السلام ناگزیر دست به شمشیر برده و همه آنان را از دم تیغ می گذراند. سپس وارد کوفه شده و بقایای اهل فتنه و نفاق را می کشد و کاخ های آنان را واژگون کرده و آنقدر از جنگاوران آنان را می کشد تا خدا راضی شود».

فضیل گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ اسْتَقْبَلَ مِنْ جَهْلِ النَّاسِ أَشَدَّ مِمَّا اسْتَقْبَلَهُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم مِنْ جُهَّالِ الْجَاهِلِيَّه! قُلْتُ: وَ كَيْفَ ذَاك؟ قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَتَى النَّاسَ وَ هُمْ يَعْبُدُونَ الْحِجَارَةَ وَ الصُّخُورَ وَ الْعِيدَانَ وَ الْخُشُبَ الْمَنْحُوتَهَ وَ إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَتَى النَّاسَ وَ كُلُّهُمْ يَتَأَوَّلُ عَلَيْهِ كتَابَ اللَّهِ يَحْتَجُّ عَلَيْهِ بِهِ ثُمَّ قَالَ أَمَا وَ اللَّهِ لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُّ؛(۱) چون قائم ما قیام کند با نادانی و جهلی روبه رو می شود که از جهلی که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در دوارن جاهلیت با آن روبه رو شد، بیش تر است. عرض کردم: چگونه ممکن است؟ حضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به سوی مردم آمد، در حالی که مردم، سنگ و صخره و چوب های تراشیده شده را می پرستیدند، امّا چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام فرماید، همه مردم، علیه او قرآن کریم را تأویل می کنند و با آن، برضد

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۶۱؛ یوم الخلاص، ص۳۲۵.

او احتجاج می نماینـد و بر همین اساس، با حضـرت قتال می کننـد. امّا به خدا قسم، عدل قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به درون خانه های آن ها داخل می شود، همانند داخل شدن گرما و سرما».

ورود حضرت به کوفه، نجف و کربلا

براساس روایات، سپاهیان حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در ابتدا وارد نجف شده، سپس وارد کوفه می شوند. ابی حمزه از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «کَأَنِّی بِقَائِمِ اَهْل بَیْتِی قَدْ عَلَا نَجَفَکم، فَإِذَا عَلَا فَوْقَ نَجَفِکمْ نَشَر رَایَةَ رَسُولِ الله صـلی الله علیه و آله و سلم فَإِذَا نَشَرَهَا اِنْحَطَتْ عَلَیْهِ مَلَائِکةُ بَدْرٍ؛(۱) گویا می بینم که قائم اهل بیت من بر بالای نجف رفته و پرچم رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم را باز می کنـد. در آن هنگام، ملائکه بدر برای یاری آن حضـرت فرود می آیند».

ابوخالـد کابلی گویـد: امام سـجاد علیه السـلام به من فرمود: «یَا أَبَا خَالِـدٍ لَتَأْتِیَنَّ فِتَنٌ کقِطَعِ اللَّیْلِ الْمُظْلِم لَا یَنْجُو إِلَّا مَنْ أَخَـذَ اللَّهُ مِیثَاقَهُ أُولَئِک مَصَابِیحُ الْهُدَی وَ یَنَابِیعُ الْعِلْمِ یُنْجِیهِمُ اللَّهُ مِنْ کلِّ فِتْنَةٍ مُظْلِمَةٍ، کأَنِّی بِصَاحِبِکمْ قَدْ عَلَا فَوْقَ نَجَفِکمْ بِظَهْرِ کوفَانَ فِی ثَلَاثِمِائَةٍ وَ بِضْعَةَ عَشَرَرَجُلًا جَبْرَئِیلُ عَنْ یَمِینِهِ وَ میکائیل عَنْ شِمَالِهِ وَ إِسْرَافِیلُ أَمَامَهُ مَعَهُ رَایَةُ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم قَدْ نَشَرَهَا لَا یَهْوِی بِهَا إِلَی قَوْمٍ إِلَّا أَهْلَکهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَل؛(۲) ای ابوخالد! فتنه هایی مانند تاریکی شب های تار، مردم را

ص:۳۹۲

۱- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۱۰۳؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۲۹۸.

۲- الامالی، مفیـد، ص۴۵؛ بحـار الانوار، ج۵۱، ص۱۳۵؛ معجم احـادیث الامـام المهـدی عجـل الله تعالی فرجه الشـریف، ج۳، ص۲۰۱.

فرا خواهد گرفت. در آن وقت جز کسانی که خداوند از آن ها پیمان گرفته است، کسی نجات نخواهد یافت. آن ها چراغ هدایت و چشمه علم هستند و خداوند ایشان را از هر فتنه ظلمانی نجات خواهد داد. گویا صاحبتان را بالای نجف و پشت کوفه می بینم، در حالی که سیصد و اندی مرد، جبرئیل از سمت راست، میکائیل از سمت چپ و اسرافیل از جلو، او را در برگرفته اند و او پرچم رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم را باز می کند. با آن پرچم به هیچ گروهی حمله نمی برد جز آن که خداوند آن قوم و گروه را هلاک خواهد کرد».

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «یَقْدَمُ الْقَائِمُ علیه السلام حَتَّی یَأْتِیَ النَّجَفَ فَیَخْرُجُ إِلَیْهِ مِنَ الْکوفَهِ جَیْشُ السُّفْیَانِیِّ وَ أَصْحَابُهُ وَ النَّاسُ مَعَهُ وَ ذَلِک یَوْمُ الْأَرْبِعَاءِ فَیَدْعُوهُمْ وَ یُنَاشِدُهُمْ حَقَّهُ وَ یُخْبِرُهُمْ أَنَّهُ مَظْلُومٌ مَقْهُورٌ وَ یَقُولُ مَنْ حَاجَّنِی فِی اللَّهِ فَأَنَا أَوْلَی النَّاسِ بِاللَّهِ إِلَی آخِرِ مَا تَقَدَّمَ مِنْ هَذِهِ فَیَقُولُونَ ارْجِعْ مِنْ حَیْثُ شِئْتَ لَا حَاجَهَ لَنَا فِیک قَدْ خَبَّرْنَاکمْ وَ اخْتَبَرْنَاکمْ فَیَتَفَرَّقُونَ مِنْ غَیْرِ قِتَالٍ فَإِذَا کانَ یَوْمُ الْجُمُعَهِ یُعَاوِدُ فَیَجِیءُ سَهْمٌ فَیُصِیبُ رَجُلًا مِنَ الْمُسْلِمِینَ فَیَقْتُلُهُ فَیُقَالُ إِنَّ فُلَاناً قَدْ قُتِلَ فَعِنْدَ ذَلِک یَنْشُرُ رَایَهَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم فَإِذَا نَشَرَهَا انْحَطَّتْ عَلَیْهِ مَلَائِکهُ بَدْرٍ فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ هَبَّتِ الرِّیحُ لَهُ فَیَحْمِلُ عَلَیْهِمْ هُوَ وَ أَصْحَابُهُ فَیَمْنَحُهُمُ اللَّهُ أَکتَافَهُمْ وَ یُوَلُّونَ فَیَقْتُلُهُمْ حَتَّی یُدْخِلَهُمْ أَبْیَاتِ الْکوفَهِ وَ یُنَادِی مُنَادِیهِ أَلَا لَا تَتْبَعُوا مُوَلِّیاً وَ لَا تُجْهِزُوا عَلَی جَرِیحٍ وَ یَسِیرُ بِهِمْ کمَا سَارَ عَلِیٌّ علیه السلام یَوْمَ الْبَصْرَهِ؛(۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به سمت عراق پیش می رود تا وارد نجف شود. آن گاه سپاه سفیانی از کوفه بر ضد حضرت خروج می کنند، در حالی که اصحابش و

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۴، ص۴۴.

مردم با او همراه انـد و آن در روز چهارشـنبه خواهـد بود. حضـرت آن ها را دعوت کرده و درباره حقوق خود به خدا سوگند می دهـد و به آن هـا می گویـد که در حـق وی ظلم و سـتم شـده است و اضـافه می کنـد که من در مـورد خـدا و دین الاـهی سزاوارترین مردم هسـتم و... امّا آن ها در پاسـخ می گویند: «از هر راهی که می خواهی برگرد. ما به تو نیازی نداریم. ما تو را شنـاخته و امتحـان کرده ایم» و پس از آن، از اطراف حضـرت بـدون جنـگ پراکنـده می شونـد. ولی حضـرت، دوباره در روز جمعـه گفته هـایش را تکرار می کنـد که ناگهـان تیری به یکی از مسـلمانان اصـابت کرده و او را از پـا در می آورد. پس می گوینـد: «فلانی کشـته شد». آن وقت است که حضـرت پرچم رسول الله صـلی الله علیه و آله و سـلم را به اهتزاز در می آورد و فرشتگان بدر بر او فرود می آیند و هنگام ظهر باد شدیدی وزیدن می گیرد. حضرت با اصحاب خود بر دشمنان حمله می کند و آن ها یا فرار می کننـد یا می جنگنـد و کشته می شوند، تا آن که بازماندگان وارد خانه های کوفه می شوند. پس منادی از سوی حضـرت فریاد می زند: «فراریان را تعقیب نکنید و مجروحان را نکشید» و حضرت مانند روش علی علیه السلام در جنگ بصره رفتار می کند».

ابوسعید خراسانی از امام صادق علیه السلام و آن

حضرت از پدر بزرگوارش امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ إِذَا قَامَ بِمَكَّهَ وَ أَرَادَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْكوفَهِ نَادَى مُنَادِيهِ أَلَا لَا يَحْمِلْ أَحَدٌ مِنْكمْ طَعَاماً وَ لَا شَرَاباً وَ يَحْمِلُ حَجَرَ مُوسَى بْنِ عِمْرَانَ وَ هُوَ وِقْرُ بَعِيرٍ فَلَا يَنْزِلُ مَنْزِلًا إِلَّا انْبَعَثَ عَيْنٌ مِنْهُ فَمَنْ كانَ جَائِعاً شَبِعَ وَ مَنْ كانَ ظَامِئاً رَوِيَ فَهُوَ زَادُهُمْ حَتَّى يَنْزِلُوا النَّجَفَ مِنْ ظَهْرِ الْكوفَه؛(۱) زمانی که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در مکه قیام کند و رهسپار کوفه گردد، منادی حضرت ندا می دهد که هیچ کس آب و غذا همراه خود بر ندارد. پس سنگ موسی بن عمران را که وزن آن به اندازه یک بار شتر است همراه خود برمی دارد و در هر منزلی که فرود می آید، چشمه ای از آن سنگ بیرون می آید که هر کس که گرسنه است، سیر کرده و هر که را تشنه است، سیراب می کند و فقط همان سنگ، زادوتوشه آن ها خواهد بود تا از پشت کوفه وارد نجف شوند».

لازم به یاد آوری است که در برخی منابع حدیثی شیعه، این روایت با اندک تفاوتی، از طریق اباجارود از امام باقر علیه السلام نقل شده است.(۲)

عمرو بن شمر از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «يَدْخُلُ الْكوفَهَ وَ بِهَا ثَلَاثُ رَايَاتٍ قَدِ اضْطَرَبَتْ فَتَصْفُو لَهُ وَ يَدْخُلُ حَتَّى يَأْتِيَ الْمِنْبَرَ فَيَخْطُبُ فَلَا يَدْرِي النَّاسُ مَا يَقُولُ مِنَ الْبُكاءِ فَإِذَا كانَتِ الْجُمُعَهُ الثَّانِيَهُ سَأَلَهُ النَّاسُ أَنْ يُصَلِّيَ بِهِمُ الْجُمُعَهَ فَيَأْمُرُ أَنْ يُخَطَّ لَهُ مَسْجِدٌ عَلَى الْغَرِيِّ وَ

۱- بصائر الدرجات، ص۲۰۸؛ الکافی، ج۱، ص۲۳۱،

۲- ر.ک: الغیبه، نعمانی، ص۲۴۴؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۷۱.

يُصَلِّی بِهِمْ هُنَاكَ ثُمَّ یَأْمُرُ مَنْ یَحْفِرُ مِنْ ظَهْرِ مَشْهَدِ الْحُسَیْنِ علیه السلام نَهَراً یَجْرِی إِلَی الْغَرِیَّیْنِ حَتَّی یَنْزِلَ الْمَاءُ فِی النَّجَفِ وَ یَعْمَلُ عَلَی فَوْهَتِهِ الْقَنَاطِیرُ وَ الْأَرْحَاءُ فَكَأَنِّی بِالْعَجُوزِ عَلَی رَأْسِهَا مِكتَلٌ فِیهِ بُرٌّ تَأْتِی تِلْكَ الْأَرْحَاءَ فَتَطْحَنُهُ بِلَا كرَاء؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف وارد کوفه می شود در حالی که سه پرچم در آن است که در حال اضطراب و اختلاف اند و تسلیم حضرت می گردند. حضرت هنگام ورود، بر منبر رفته و خطبه می خواند، امّا مردم از شدت گریه نمی فهمند که حضرت چه می گوید. هنگامی که جمعه دوم می آید، مردم از حضرت در خواست می کنند که با آن ها نماز بخواند. پس حضرت امر می فرماید که در غری، مسجدی را خط بکشند (دور مکان مسجد را خط بکشند) و با مردم در آن جا نماز می گذارد. سپس امر می فرماید که در پشت حرم و محل شهادت امام حسین علیه السلام نهری حفر کنند که به سمت غریین (نجف و کوفه) جاری گردد تا آن که آب به نجف می رسد و آن گاه بر دهانه نهر، پل وآسیاب می سازد. گویا می بینم که پیرزنی گندم خود را در زنبیل روی سر گذاشته و به آسیاب آمده و بدون اجرت و کرایه، گندم های خود را آرد می کند».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بعد از آزادی کوفه و شهرهای مجاور آن نظیر نجف و کربلا، توقف طولانی در

۱- الارشاد، ج۲، ص ۳۸۰؛ اعلام الوری، ج۲، ص۲۸۷؛ کشف الغمه، ج۳، ص ۲۶۱.

کوفه خواهند کرد سپس اقدام به آزادسازی دیگر شهرهای عراق از لوث وجود سفیانیان می کند.

جابر بن یزید جُعفی از امام باقر علیه السلام روایت می کند که فرمود: «ثُمَّ یَأْتِی الْکوفَهَ فَیُطِیلُ بِهَا الْمَکثَ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ یَمْکثَ حَتَّی یَظْهَرَ عَلَیْهَا ثُمَّ یَسِیرُ حَتَّی یَأْتِیَ الْعَذْرَاءَ هُوَ وَ مَنْ مَعَهُ وَ قَدْ أُلْحِقَ بِهِ نَاسٌ کثِیرٌ وَ السُّفْیَانِیُّ یَوْمَئِذٍ بِوَادِی الرَّمْلَهِ حَتَّی إِذَا الْتَقَوْا وَ هُمْ یَوْمَ الْإِبْدَالِ یَخْرُجُ أُنَاسٌ کانُوا مَعَ السُّفْیَانِیِّ مِنْ شِیعَهِ آلِ مُحَمَّدٍ علیه السلام وَ یَخْرُجُ نَاسٌ کانُوا مَعَ آلِ مُحَمَّدٍ إِلَی السُّفْیَانِیِّ فَهُمْ مِنْ شِیعَتِهِ حَتَّی یَلْحَقُوا بِهِمْ وَ یَخْرُجُ کلُّ نَاسٍ إِلَی رَایَتِهِمْ وَ هُوَ یَوْمُ الْإِبْدَالِ قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ یَقْتُلُ یَوْمَئِذٍ السُّفْیَانِیَّ وَ مَنْ مَعَهُمْ حَتَّی لَا یُدْرَک مِنْهُمْ مُخْبِرٌ وَ الْخَائِبُ یَوْمَئِذٍ مَنْ خَابَ مِنْ غَنِیمَهِ کلْبٍ ثُمَّ یُقْبِلُ إِلَی الْکوفَهِ فَیَکونُ مَنْزِلُهُ بِهَا؛(۱) پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به کوفه می آید و در آن جا تا زمانی که خدا بخواهد درنگ می کند تا برآن ها غالب می آید. سپس حرکت نموده تا با همراهانش وارد عذراء شود و تعداد بسیاری از مردم به او می پیوندند. سفیانی در آن روز در وادی رمله به سر می برد، تا این که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و سفیانی با یک دیگر برخورد می کنند و آن روز، روز ابدال است. گروهی از مردم که با سفیانی بوده اند، در زمره پیروان آل محمد در می آیند و گروهی که با آل محمد صلی الله علیه و آله و سلم بوده اند به سفیانی می پیوندند و هر گروهی از مردم به سمت درفش

۱- تفسیر عیاشی، ج۱، ص۶۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۲۲۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۲۰.

خود می رود و آن روز، روز ابدال است؛ آن گونه که امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: در آن روز، سفیانی و همراهانش کشته می شوند، به گونه ای که خبردهنده ای هم از آن ها باقی نمی ماند. کسی که در آن روز از غنایم قبیله کلب محروم شود، ناکام مانده است، سپس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف رهسپار کوفه گردد و در آن جا منزل گزینند».

کوفه، مرکز حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

شهرهای عراق مخصوصاً کوفه و پیرامون آن، با همه مصائب و گرفتاری های انبوهی که در اثر غارت و جنایات سفیانیان، بر مردم آن تحمیل می شود، در دوران پس از ظهور، نه تنها رونق و حیات دوباره پیدا می کند، بلکه به برکت حضور و تشریف فرمایی مصلح جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و انتخاب کوفه به عنوان مرکز تصمیم گیری و پایتخت حکومت عدل جهانی، دورانی طلایی و رؤیایی را تجربه خواهند کرد؛ به گونه ای که همگان آرزوی سکونت در کوفه را در دل می پرورانند.

مفضّل بن عمر، صحابی خاص امام صادق علیه السلام در حدیثی طولانی گفته است: از محضر امام صادق علیه السلام پرسیدم: «قُلْتُ يَا سَيِّدِي فَأَيْنَ تَكونُ دَارُ الْمَهْدِيِّ وَ مُجْتَمَعُ الْمُؤْمِنِينَ؛ مولای من منزل حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و مرکز اجتماع شیعیان در دوران ظهور کجا خواهد بود؟ حضرت در پاسخ فرمود: «قَالَ دَارُ مُلْكِهِ الْكوفَةُ وَ مَجْلِسُ حُكمِهِ جَامِعُهَا وَ

ص:۳۹۸

بَیْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِینَ مَسْجِدُ السَّهْلَهِ وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الذَّکوَاتُ الْبِیضُ مِنَ الْغَرِیَّیْن؛(۱) مرکز حکومت او، کوفه، مرکز قضاوتش، مسجد اعظم کوفه، مرکز بیت المال و محل تقسیم غنایم مسلمانان، مسجد سهله و محل خلوت و مناجات هایش، تپه های سپید و نورانی نجف اشرف خواهد بود».

استقرار حضرت در مرکزیت کوفه سبب ازدحام جمعیت و گسترش روز افزون این شهر و نیز افزایش فوق العاده قیمت زمین در آن منطقه می شود؛ چنان که در گفتگوی مفضّل با امام صادق علیه السلام چنین آمده است: «قَالَ الْمُفَضَّل: قُلْتُ یَا سَیِّدِی فَأَیْنَ تَکونُ دَارُ الْمَهْدِیِّ وَ مُجْتَمَعُ الْمُؤْمِنِینَ قَالَ دَارُ مُلْکِهِ الْکوفَهُ وَ مَجْلِسُ حُکمِهِ جَامِعُهَا وَ بَیْتُ مَالِهِ وَ مَقْسَمُ غَنَائِمِ الْمُسْلِمِینَ مَسْجِدُ السَّهْلَهِ وَ مَوْضِعُ خَلَوَاتِهِ الذَّکوَاتُ الْبِیضُ مِنَ الْغَرِیَّیْنِ قَالَ الْمُفَضَّلُ یَا مَوْلَایَ کلُّ الْمُؤْمِنِینَ یَکونُونَ بِالْکوفَهِ؟ قَالَ إِی وَ اللَّهِ لَا یَبْقَی مُؤْمِنٌ إِلَّا کانَ بِهَا أَوْ حَوَالَیْهَا وَ لَیَبْلُغَنَّ مَجَالَهُ فَرَسٍ مِنْهَا أَلْفَیْ دِرْهَم وَ لَیَوَدَّنَّ أَکثَرُ النَّاسِ أَنَّهُ اشْتَرَی شِبْراً مِنْ أَرْضِ السَّبْعِ بِشِبْرٍ مِنْ ذَهَبٍ وَ السَّبْعُ خِطَّهٌ مِنْ خِطَطِ هَمْدَانَ وَ لَیَصِیرَنَّ الْکوفَهُ أَرْبَعَهً وَ خَمْسِینَ مِیلًا وَ لَیُجَاوِرَنَّ قُصُورُهَا کرْبَلَاء؛(۲) مفضل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: مولای من خانه مهدی علیه السلام در کجا خواهد بود و مؤمنین در کجا جمع می شوند؟ فرمود: مقر سلطنت وی شهر کوفه است و محل حکومتش مسجد جامع کوفه و بیت المال و محل تقسیم غنائمش مسجد سهله واقع در

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۱؛ الزام الناصب، ج۲، ص۲۲۷.

۲- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۷۵.

زمینهای صاف و مسطح و روشن نجف و کوفه است. عرض کردم: آیا همه اهل ایمان در کوفه خواهند بود؟ فرمود: آری؛ به خدا سوگند در آن روز تمام مؤمنین یا در کوفه و یا در حوالی کوفه می باشند، قیمت زمین آن به مساحت جولانگاه اسبی، از دو هزار درهم فراتر رود. اکثر مردم آرزو دارند که کاش می توانستند یک وجب از زمین «سبع» را به یک وجب شمش طلا بخرند و «سبع» افزوده از خطه همدان است در آن روز طول شهر کوفه به پنجاه و چهار میل می رسد به طوری که کاخ های آن مجاور کربلا است».

حضرت پس از تحکیم پایه های حکومتش در عراق، نمایندگان و یاران ویژه خویش را از مرکز کوفه به دیگر نقاط جهان اعزام می کند. امام باقر علیه السلام در این باره می فرماید: «ثُمَّ یَرْجِعُ إِلَی الْکوفَهِ فَیَبْعَثُ الثَّلَاثَمِائَهِ وَ الْبِضْعَهَ عَشَرَ رَجُلًا إِلَی الْآفَاقِ کلِّهَا فَیَمْسَحُ بَیْنَ أَکتَافِهِمْ وَ عَلَی صُدُورِهِمْ فَلَا یَتَعَایَوْنَ فِی قَضَاءٍ وَ لَا تَبْقَی أَرْضٌ إِلَّا نُودِیَ فِیهَا شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِیک لَهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّهِ وَ هُوَ قَوْلُهُ (وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ) وَ لَا یَقْبَلُ صَاحِبُ هَذَا الْأَمْرِ الْجِزْیَهَ کمَا قَبِلَهَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ؛(۱) سپس آن حضرت به کوفه باز می گردد و بیش از سیصد نفر را به سراسر جهان گسیل می دارد. پس دست مبارک خویش را

۱- بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۴۵.

بر سینه آنان می کشد و آنان چنان می شوند که در هیچ برنامه یا مشکلی معطل نمی مانند و هیچ جایی از زمین باقی نماند مگر آن که شهادت به وحدانیت خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در آن طنین انداز باشد همان گونه که خدا فرمود: «آسمانیان و زمینیان از او فرمان برند. در آن زمان صاحب الامر از کسی جزیه قبول نکند آن گونه که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می پذیرفت».

بازسازی مسجد کوفه

مسجد اعظم کوفه، یکی از اماکن منتسب به امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف مرکز قضاوت و محل نصب منبر، مکان تأسیس کلاس های آموزش قرآن و محل اقامه نماز جمعه و جماعت آن حضرت در عصر ظهور خواهد بود. در آن زمان، حضرت همان گونه که مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه و آله و سلم را اصلاح و تغییر می دهد، در مسجد کوفه نیز تغییراتی را ایجاد خواهد کرد. امیرمؤمنان علیه السلام در این رابطه می فرماید: «أَمَا إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ کَسَرَهُ وَ سَوَّی قِبْلَتَه؛(۱) آگاه باشید، چون قائم ما ظهور کند، مسجد کوفه را در هم کوبیده قبله آن را اصلاح می کند».

ص:۴۰۱

۱- جامع الاحادیث الشیعه، ج۴، ص۴۶۳؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۶۴.

امام صادق علیه السلام نیز می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ رَدَّ الْبَيْتَ إِلَى إِسَاسِهِ وَ رَدَّ مَسْجِدَ الرَّسُولِ إِلَى إِسَاسِهِ وَ رَدَّ مَسْجِدَ الْكوفَهِ إِلَى إِسَاسِه؛(۱) هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، محدوده بیت الله الحرام و مسجد رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم و مسجد کوفه را به اصل آن بر می گرداند».

اصبغ بن نباته از امیرمؤمنان علیه السلام نقل می کند که آن حضرت در مسجد کوفه خطاب به مردم کوفه فرمود: «يَا أَهْلَ الْكوفَهِ لَقَدْ حَبَاكمُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِمَا لَمْ يَحْبُ بِهِ أَحَداً مِنْ فَضْلِ مُصَلَّاكمْ بَيْتِ آدَمَ وَ بَيْتِ نُوحٍ وَ بَيْتِ إِدْرِيسَ وَ مُصَلَّى إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلِ وَ مُصَلَّى أَخِي الْخَضِرِ علیه السلام وَ مُصَلَّايَ وَ إِنَّ مَسْجِدَكمْ هَذَا لَأَحَدُ الْأَرْبَعَهِ الْمَسَاجِدِ الَّتِي اخْتَارَهَا اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ لِأَهْلِهَا وَ كأَنِّي بِهِ قَدْ أُتِيَ بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَهِ فِي ثَوْبَيْنِ أَبْيَضَيْنِ يَتَشَبَّهُ بِالْمُحْرِمِ وَ يَشْفَعُ لِأَهْلِهِ وَ لِمَنْ يُصَلِّي فِيهِ فَلَا تُرَدُّ شَفَاعَتُهُ وَ لَا تَذْهَبُ الْأَيَّامُ وَ اللَّيَالِي حَتَّى يُنْصَبَ الْحَجَرُ الْأَسْوَدُ فِيهِ وَ لَيَأْتِيَنَّ عَلَيْهِ زَمَانٌ يَكونُ مُصَلَّى الْمَهْدِيِّ مِنْ وُلْدِي وَ مُصَلَّى كلِّ مُؤْمِنٍ وَ لَا يَبْقَى عَلَى الْأَرْضِ مُؤْمِنٌ إِلَّا كانَ بِهِ أَوْ حَنَّ قَلْبُهُ إِلَيْهِ فَلَا تَهْجُرُوهُ وَ تَقَرَّبُوا إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِالصَّلَاهِ فِيهِ وَ ارْغَبُوا إِلَيْهِ فِي قَضَاءِ حَوَائِجِكمْ فَلَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِيهِ مِنَ الْبَرَكهِ لَأَتَوْهُ مِنْ أَقْطَارِ الْأَرْضِ وَ لَوْ حَبْواً عَلَى الثَّلْج؛(۲) ای اهل کوفه! آن گونه که خداوند به شما مباهات و افتخار کرده، هرگز به احدی مباهات نفرموده. خداوند مسجد شما را بهترین مساجد قرار داده است و آن، خانه حضرت آدم، نوح و ادریس و مصلای ابراهیم خلیل علیه السلام برادرم خضر و

ص:۴۰۲

۱- الکافی، ج۴، ص۵۴۳؛ بحار الانوار، ج۹۷، ص۴۵۹.

۲- روضه الواعظین، ص۳۳۷؛ تاریخ الکوفه، ص۲۶؛ بحار الانوار، ج۹۷، ص۳۹۰.

خود من است. هم چنین مسجد شما، یکی از چهار مسجدی است که خداوند آن را برای اهلش انتخاب کرده است. گویا می بینم که در روز قیامت، مسجد کوفه در میان دو لباس سفید مانند شخص محرم، اهل و دوستانش و کسانی را که در آن نماز خوانده اند شفاعت می کند و شفاعت آن نیز رد نمی شود. و روزگار نخواهد گذشت تا آن که حجر الاسود در آن قرار بگیرد. زمانی خواهد آمد که حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من، در آن نماز خواهد گزارد و این مسجد، مصلای او و هرمؤمنی خواهد شد و در عالم، مؤمنی نخواهد ماند جز آن که یا خودش در آن جاست یا دلش. پس، از کوفه [و مسجد آن] دوری نکنید و به وسیله نماز در آن، به خدا تقرب و نزدیکی جویید و برای برآورده شدن حاجاتتان به آن تمسک کنید. چنان چه مردم از خیرات و برکات آن خبر داشته باشند، از سراسر جهان به سوی آن خواهند شتافت؛ هر چند که این کار برای آنان مشقت بار باشد و ناچار شوند از روی یخ، سینه خیز عبور کنند».

برگزاری کلاس های قرآن در مسجد کوفه

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «کَأَنِّی أَنْظُرُ إِلَی شِیعَتِنَا بِمَسْجِدِ

ص:۴۰۳

الْكوفَهِ قَدْ ضَرَبُوا الْفَسَاطِيطَ يُعَلِّمُونَ النَّاسَ الْقُرْآنَ كمَا أُنْزِلَ؛(۱) گويا شيعيانم را می بينم که در مسجد کوفه، خيمه های خود را برپا کرده اند و قرآن را چنان که نازل شده است به مردم می آموزند».

امام صادق عليه السلام نيز می فرمايد: «كيْفَ أَنْتُمْ لَوْ ضَرَبَ أَصْحَابُ الْقَائِمِ عليه السلام الْفَسَاطِيطَ فِی مَسْجِدِ الْكوفَانِ ثُمَّ يَخْرُجُ إِلَيْهِمُ الْمِثَالُ الْمُسْتَأْنَفُ أَمْرٌ جَدِيدٌ عَلَی الْعَرَبِ شَدِيد؛(۲) چگونه خواهيد بود هنگامی که اصحاب قائم در مسجد کوفه خيمه زده، قرآن را به شيوه جديدی عرضه می دارند، شيوه ای تازه که آموزش يا پذيرش آن بر عرب ها دشوار است».

با توجّه به روايت قبل، ممکن است مراد از شيوه جديد آموزش قرآن، آموزش به ترتيب نزول آيات باشد.

تأسيس مصلای بزرگ در حومه کوفه

يکی از دستاوردها و برکات مهم حضور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در شهر کوفه، علاوه بر بازسازی مسجد قديم کوفه، ساخت مصلای جديد و بزرگی است که حضرت عليه السلام نماز جمعه را در آن اقامه می فرمايد. تأسيس اين مصلای بزرگ، ضمن اينکه زمينه را برخورداری اهالی کوفه و اطرافيان آن از موهبت شرکت در نماز جمعه به امامت آن وجود

ص:۴۰۴

۱- الغيبه، نعمانی، ص۳۳۳؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۶۴.

۲- الغيبه، نعمانی، ص۳۳۳؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۶۵؛ ميزان الحکمه، ج۱، ص۳۵۵.

مقدّس فراهم می کند، موجب مرکزیت فرهنگی این شهر و توجّه ویژه جهانیان بدان جا خواهد شد.

در حدیث زیبای دیگری که مفضل از امام صادق علیه السلام نقل کرده، آمده است: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَام ... یَبْنِی فِی ظَهْرِ الْکوفَهِ مَسْجِداً لَهُ أَلْفُ بَابٍ وَ یَتَّصِلُ بُیُوتُ الْکوفَهِ بِنَهَرِ کرْبَلَاءَ بِالْحِیرَهِ حَتَّی یَخْرُجَ الرَّجُلُ یَوْمَ الْجُمُعَهِ عَلَی بَغْلَهٍ سَفْوَاءَ یُرِیدُ الْجُمُعَهَ فَلَا یُدْرِکهَا؛(۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف هر گاه قیام کند در پشت کوفه مسجدی بنا کند که هزار در خواهند داشت. خانه های مردم کوفه به رودخانه کربلا (فرات) متصل خواهد شد؛ به طوری که اگر یک نفر [از انتهای کوفه] در روز جمعه برای شرکت در نماز حرکت کند و بر مرکب تندرو سوار باشد، باز هم نمی تواند خود را به مسجد برساند».

ساخت چنین مسجدی با این مساحت، بنا به نیاز آن زمان و تقاضای مردم از آن حضرت، برای درک فیض نماز به امامت ایشان صورت می گیرد؛ چنان که امام باقر علیه السلام می فرماید: «یَدْخُلُ الْمَهْدِیُّ الْکوفَه...قَالَ النَّاسُ یَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ الصَّلَاهُ خَلْفَک تُضَاهِی الصَّلَاهَ خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ الْمَسْجِدُ لَا یَسَعُنَا فَیَقُولُ أَنَا مُرْتَادٌ لَکمْ فَیَخْرُجُ إِلَی الْغَرِیِّ فَیَخُطُّ مَسْجِداً لَهُ أَلْفُ بَابٍ یَسَعُ النَّاس؛(۲) هنگامی که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در کوفه مستقر شد مردم می گویند: ای فرزند پیامبر خدا! نماز پشت سر شما هم چون نماز پشت سر جدت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است، ولی این مسجد

۱- تاریخ الکوفه، ص۱۱۵؛ بحار الانوار، ج۹۷، ص۳۸۵.

۲- بحار الانوار، ج۹۷، ص۳۸۵.

گنجایش ما را ندارد، حضرت می فرماید: چاره ای خواهیم اندیشید؛ سپس به سوی حاشیه شهر حرکت و محدوده مسجدی را نشانه گذاری می کند که دارای هزار در است و گنجایش همه مردم را دارد».

شاید در بدو امر چنین به ذهن آید که مراد از این روایات، توسعه مسجد کنونی کوفه باشد؛ امّا ظاهر عباراتی چون «یُبنِی فِی ظَهْرِ الْکوفَهِ مَسْجِداً» و «فَیَخْرُجُ إِلَی الْغَرِیِّ فَیَخُطُّ مَسْجِداً» دلالت برتأسیس مسجد جدید دارد که در پیرامون شهرکوفه ساخته می شود.

شاهد بر این مطلب سخن امیرمؤمنان علیه السلام در باره گسترش شهر کوفه است. حَبّهُ العُرَنی روایت می کند: «خَرَجَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام إِلَی الْحِیرَهِ فَقَالَ: لَیَتَّصِلَنَّ هَذِهِ بِهَذِهِ وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ إِلَی الْکوفَهِ وَ الْحِیرَهِ حَتَّی یُبَاعَ الذِّرَاعُ فِیمَا بَیْنَهُمَا بِدَنَانِیرَ وَ لَیَبْنِیَنَّ بِالْحِیرَهِ مَسْجِداً لَهُ خَمْسُمِائَهِ بَابٍ یُصَلِّی فِیهِ خَلِیفَهُ الْقَائِمِ علیه السلام لِأَنَّ مَسْجِدَ الْکوفَهِ لَیَضِیقُ عَلَیْهِمْ وَ لَیُصَلِّیَنَّ فِیهِ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً عَدْلًا قُلْتُ یَا أَمِیرَ الْمُؤْمِنِینَ وَ یَسَعُ مَسْجِدُ الْکوفَهِ هَذَا الَّذِی تَصِفُ النَّاسَ یَوْمَئِذٍ قَالَ تُبْنَی لَهُ أَرْبَعُ مَسَاجِدَ مَسْجِدُ الْکوفَهِ أَصْغَرُهَا وَ هَذَا وَ مَسْجِدَانِ فِی طَرَفَیِ الْکوفَهِ مِنْ هَذَا الْجَانِبِ وَ هَذَا الْجَانِبِ وَ أَوْمَأَ بِیَدِهِ نَحْوَ نَهرِ الْبَصْرِیِّینَ وَ الْغَرِیَّیْنِ؛[(۱)] امیرمؤمنان علیه السلام به سمت «حیره»[(۲)] حرکت کرد و فرمود: روزی

ص:۴۰۶

۱- تاریخ الکوفه، ص۱۱۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۷۴؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۱۱۲.

۲- به گفته صاحب آثار البلاد «حیره» شهری بوده نزدیک کوفه و به کنار دریا که در زمان قدیم، پایتخت ملوک عرب از طایفه بنی لخم بوده است (آثار البلاد و اخبار العباد، ص۲۴۱)؛ صاحب معجم البلدان نیز می نویسد: حیره در فاصله سه مایلی کوفه قرار داشته و نام باستانی منطقه کنونی نجف است. الحِیرَهُ: مدینه کانت علی ثلاثه أمیال من الکوفه علی موضع یقال له النّجَف . (معجم البلدان، ج ۲، ص ۳۲۸).

کوفه و حیره (نجف کنونی) به هم وصل خواهد شد، به طوری که یک ذراع از زمین های میان کوفه و حیره، به دینارهای فراوانی فروخته می شود و در حیره مسجدی ساخته خواهد شد که پانصد در دارد و نماینده حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در آن نماز گذارد، زیرا مسجد کوفه برای آن ها کوچک خواهد بود. هم چنین دوازده امام عادل در آن نماز خواهند گذارد. راوی گوید: عرض کردم یا امیر المؤمنین! آیا همین مسجد فعلی کوفه که مردم با آن آشنا است توسعه داده خواهد شد؟ حضرت در پاسخ فرمود: چهار مسجد در کوفه ساخته خواهد شد که مسجد فعلی کوچک ترین آن ها خواهد بود و مسجد فعلی کوفه و دو مسجد دیگر در آن روز در این دو طرف کوفه واقع است و با دست مبارک اشاره به نهر اهل بصره و کوفه و نجف کرد».

بنا براین، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از آنکه کوفه را قرارگاه و مرکز حکومت برگزید، به دلیل ازدحام جمعیت، اقدام به ساخت چندین مسجد بزرگ در حوالی کوفه خواهند کرد و در روایات پیشین نیز مقصود از مسجد بزرگ که

دارای هزار باب است، توسعه مسجد قدیم کوفه نیست، بلکه تأسیس مسجد جدیدی است که حضرت آن را متناسب با نیاز آن روز مردم بنیانگذاری می کند؛ زیرا وقتی مردم می گویند:«وَ الْمَسْجِدُ لَما یَسَعُنَا» یعنی این مسجد کنونی جواب گو نیست، حضرت می فرماید: در این باره فکری برای شما خواهم کرد، آنگاه به سرزمین نجف می رود و نقشه مسجد بزرگ را می ریزد که دارای هزار درب است و گنجایش همه مردم را داشته باشد.

ورود حضرت به مسجد سهله

مسجد سهله، در دو کیلومتری شمال غربی مسجد اعظم کوفه، کهن ترین مکان منتسب به حضرت بقیه اللّه عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار دارد. در روایات، مسجد سهله به عنوان اقامت گاه خانواده حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور معرفی شده است. صالح بن ابی اسود نقل کرده است: هنگامی که امام صادق علیه السلام در مورد مسجد سهله صحبت می کرد، فرمود: «اَمَا إِنَّهُ مَنْزِلُ صَاحِبِنَا إِذَا قَامَ بِأَهْلِهِ؛(۱) آن جا مکان زندگی صاحب ما (حضرت مهدی) با خانواده اش خواهد بود».

ابوبصیر نیز روایت کرده است: امام صادق علیه السلام

ص:۴۰۸

۱- الکافی، ج۳، ص ۴۹۵؛ الارشاد، ج۲، ص ۳۸۰؛ المزار، مفید، ص ۱۴؛ الغیبه، طوسی، ص ۴۷۱؛ وسائل الشیعه، ج۵، ص۲۶۷.

خطاب به من فرمود: «يَا أَبَا مُحَمَّدٍ كَأَنِّی أَرَی نُزُولَ الْقَائِمِ فِی مَسْجِدِ السَّهْلَهِ بِأَهْلِهِ وَ عِيَالِهِ. قُلْتُ: يَكُونُ مَنْزِلَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ هُوَ مَنْزِلُ إِدْرِيسَ عليه السلام وَ مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِيّاً إِلَّا وَ قَدْ صَلَّی فِيهِ...ثُمَّ إِذَا قَامَ قَائِمُنَا انْتَقَمَ اللَّهُ لِرَسُولِهِ وَ لَنَا أَجْمَعِين؛(۱) ای ابومحمد! گويا می بينم كه قائم عجل الله تعالی فرجه الشريف همراه با اهل و عيالش در مسجد سهله ساكن شده است. عرض كردم: آيا آن جا منزل اوست؟ فرمود: آری! آن جا منزل ادريس عليه السلام نيز بوده و خداوند هيچ پيامبری را مبعوث نكرده جز آن كه در آن مسجد نماز خوانده است... پس هنگامی كه قائم ما عجل الله تعالی فرجه الشريف قيام نمايد، خدا به دست او از دشمنان رسول خود و دشمنان مااهلبيت انتقام خواهد گرفت».

اميرمؤمنان عليه السلام نيز هنگام ترسيم خط سير حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف در آستانه ظهور می فرمايد: «كَأَنِّی بِهِ قَدْ عَبَرَ مِنْ وَادِی السَّلَامِ إِلَی مَسِيلِ السَّهْلَهِ عَلَی فَرَسٍ مُحَجَّلٍ لَهُ شِمْرَاخٌ يَزْهَرُ يَدْعُو وَ يَقُولُ فِی دُعَائِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقّاً حَقّاً...؛(۲) گويی مهدی را با چشم خود می بينم كه از وادی السلام عبور می كند، در حالی كه با اسبی كه سپيدی پاها و پيشانی او می درخشد، به سوی مسجد سهله در حركت است و زير لب با خدای خود اين گونه

ص:۴۰۹

۱- المزار، مشهدی، ص۱۳۴؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۱۷؛ ج۹۷، ص۴۳۵؛ جامع الاحاديث الشيعه، ج۴، ص۵۵۰؛ معجم احاديث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ج۳، ص۵۰۳.

۲- دلائل الأمامه، ص۴۵۸؛ العدد القويه، ص۷۵؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۹۱؛ معجم احاديث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشريف، ج۳، ص۱۱۲.

زمزمه دارد: حقیقتاً خدایی نیست جز خدای واحد».

بیعت یاران مصر

در آغاز ظهور، عده ای از پاکان و نجیب زادگان مصر، افتخار حضور در میان سیصد و سیزده یار خاص آن حضرت را خواهند داشت.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام نقل می کند که فرمود: «يُبَايِعُ الْقَائِمَ بَيْنَ الرُّكْنِ وَ الْمَقَامِ ثَلَاثُمِائَةٍ وَ نَيِّفٌ عِدَّةَ أَهْلِ بَدْرٍ فِيهِمُ النُّجَبَاءُ مِنْ أَهْلِ مِصْرَ وَ الْأَبْدَالُ مِنْ أَهْلِ الشَّامِ وَ الْأَخْيَارُ مِنْ أَهْلِ الْعِرَاقِ فَيُقِيمُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يُقِيم؛(۱) با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و چند نفر به تعداد اهل بدر، میان رکن و مقام بیعت می کنند که بزرگان و نجبای مصر و ابدال و اولیایی از شام و اخیار و پاکانی از عراق در میان آن ها هستند و تا زمانی که خدا بخواهد در دنیا خواهد ماند».

در روایتی دیگر، حمایت مصریان از حضرت چنین بیان شده است: «كَأَنِّي بِرَايَاتٍ مِنْ مِصْرَ مُقْبِلَاتٍ خُضْرٍ مُصَبَّغَاتٍ حَتَّى تَأْتِيَ الشَّامَاتِ فَتُهْدَى إِلَى ابْنِ صَاحِبِ الْوَصِيَّات؛(۲) گویی درفش های سبز و رنگ شده ای را می بینم که از مصر می آیند تا به شامات می رسند و از آن جا به سمت فرزند صاحب وصیات، هدایت می شوند».

ص:۴۱۰

۱- الغیبه، طوسی، ص۴۷۷؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص۳۳۴.

۲- الارشاد، ج۲، ص۳۷۶؛ الصراط المستقیم، ج۲، ص۲۵۰؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۴، ص۱۶۷.

نبرد با سفیانی

سفیانی پس از شکست در عراق، با دار و دسته خود به طرف شام برمی گردد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز به تعقیب او حرکت می کند تا کار او را یک سره نماید.

در مورد سرانجام کار سفیانی این سؤالات مطرح است که آیا سفیانی بعد از شکست در عراق، باز هم با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مخالفت و جنگ خواهد کرد؟ یا این که بیعت کرده و تسلیم حضرت خواهد شد؟ موضع و برخورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با او چگونه خواهد بود؟

در این رابطه، در روایات، بیانات مختلفی وارد شده است. برخی روایات، از بیعت اولیه سفیانی با حضرت خبر داده اند که پس از مدت کوتاهی به تحریک اطرافیان، آن را نقض می کند و برخی دیگر، از ادامه جنگ و خصومت سفیانی با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در نتیجه، دستگیری و اعدام وی توسط حضرت سخن گفته اند.

جابر بن یزید جعفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «إِذَا بَلَغَ السُّفْیَانِیَّ أَنَّ الْقَائِمَ قَدْ تَوَجَّهَ إِلَیْهِ مِنْ نَاحِیَهِ الْکوفَهِ یَتَجَرَّدُ بِخَیْلِهِ حَتَّی یَلْقَی الْقَائِمَ فَیَخْرُجُ فَیَقُولُ أَخْرِجُوا إِلَیَّ ابْنَ عَمِّی فَیَخْرُجُ عَلَیْهِ السُّفْیَانِیُّ فَیُکلِّمُهُ الْقَائِمُ علیه السلام فَیَجِی ءُ السُّفْیَانِیُّ فَیُبَایِعُهُ ثُمَّ یَنْصَرِفُ إِلَی أَصْحَابِهِ فَیَقُولُونَ لَهُ مَا صَنَعْتَ فَیَقُولُ أَسْلَمْتُ وَ بَایَعْتُ فَیَقُولُونَ لَهُ قَبَّحَ اللَّهُ رَأْیَک بَیْنَ مَا أَنْتَ خَلِیفَهٌ مَتْبُوعٌ فَصِرْتَ تَابِعاً فَیَسْتَقْبِلُهُ فَیُقَاتِلُهُ ثُمَّ یُمْسُونَ تِلْک اللَّیْلَهَ ثُمَّ یُصْبِحُونَ لِلْقَائِمِ علیه السلام بِالْحَرْبِ فَیَقْتَتِلُونَ یَوْمَهُمْ ذَلِک ثُمَّ إِنَّ اللَّهَ تَعَالَی یَمْنَحُ

ص:۴۱۱

الْقَائِمَ وَ أَصْحَابَهُ أَكْتَافَهُمْ فَيَقْتُلُونَهُمْ حَتَّى يُفْنُوهُمْ حَتَّى إِنَّ الرَّجُلَ يَخْتَفِي فِي الشَّجَرِهِ وَ الْحَجَرِهِ فَتَقُولُ الشَّجَرَهُ وَ الْحَجَرَهُ يَا مُؤْمِنُ هَذَا رَجُلٌ كافِرٌ فَاقْتُلْهُ فَيَقْتُلُهُ قَالَ فَتَشْبَعُ السِّبَاعُ وَ الطُّيُورُ مِنْ لحومهم فَيُقِيمُ بِهَا الْقَائِمُ علیه السلام مَا شَاءَ قَالَ ثُمَّ يَعْقِدُ بِهَا الْقَائِمُ علیه السلام ثَلَاثَ رَايَاتٍ لِوَاءً إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّهِ يَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ وَ لِوَاءً إِلَى الصِّينِ فَيَفْتَحُ لَهُ وَ لِوَاءً إِلَى جِبَالِ الدَّيْلَمِ فَيَفْتَحُ لَه؛(۱) هنگامی که سفیانی متوجّه می شود که حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از سمت کوفه به سوی او می آید، همراه سپاهیانش به حضور حضرت می رسد تا ایشان را ملاقات کند. حضرت با او صحبت کرده و سفیانی با ایشان بیعت می نماید. پس وقتی سفیانی نزد یاران و خویشانش بر می گردد، به او می گویند: «خداوند تو را سرزنش کند! پس از آن که خلیفه و حاکم شدی، بیعت کردی وتسلیم شدی؟ او نیز دوباره از اطاعت و بیعت خارج شده و فردای آن روز به جنگ با حضرت می پردازد که تمام روز طول می کشد. خداوند حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یارانش را قدرت داده و یاری می نماید، تا آن که تمامی دشمنان را می کشند و نابود می سازند؛ تا آن جا که اگر یکی از آنان پشت سنگ یا درختی پنهان شود، سنگ و درخت به زبان آمده و به سپاه امام می گویند: «ای مؤمن! کافری پشت من پنهان شده، او را بکش! و او هم آن کافر را می کشد، تا جایی که

ص:۴۱۲

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۳۱۶.

درندگان و پرندگان از گوشت آنان سیر می شوند. سپس حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سه پرچم را می بندد، یکی را به سوی قسطنطنیه می فرستد و خداوند آن جا را برای او می گشاید، دومی را به سوی چین اعزام می کند و آن جا را فتح می کند و سومی را به مناطق کوهستانی دیلم می فرستد و در آن جا پیروز می شود».

دستگیری و اعدام سفیانی

در روایتی که از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده، سرنوشت سفیانی و پایان کار او چنین بیان شده است: «فَیَخْرُج بِخَیْلِهِ وَ قَومِه وَ رَحْلِه وَ جَیشهِ وِ مَعَهُ مِائهُ أَلْفَ وَ سَبْعُونَ أَلَفَا فَینَزلُ بَحِیرهً طَبَریّه وَ یَسِیرُ إِلَیه اَلمَهدِی عَن یَمْینه جَبْرئِیل وَ عَنْ شِمالِه میکائیل وَ عِزْرائِیلُ أَمَامَهُ، فیسَیِر بهم فی اللیلَ و یکمن بالنهار و الناس یتبعونه من الآفاق حتی یواقع السفیانی علی بَحیرَهَ الطّبریّه، فَیَغْضِبُ اللّه عَلَی السُّفَیانِی وَ یَغْضِبُ خَلْقَ اللّه لِغضَبَ اللّه تَعالی، فَتَرشقُهم اِلْطَیر بِأَجْنَحِتِها وَ الجِبال بِصُخُورِها وَ المَلائکهُ بِأصواتِها وَ لَا تَکون سِاعهٌ حَتّی یهلِكَ اللّه أَصْحَابَ السُّفَیانِی کلّهم وَ لَا یَبقیَ عَلَی الأَرضِ غَیَرهُ وَحْدَه، فَیَأْخُذَهُ الْمَهَدِی فَیَذْبَحُه تَحْتَ الشَّجَره الّتِی أَغْصَانُها مدلّاه عَلَی بَحِیرَه الطَّبرِیّه وَ یَمْلِك مَدِیْنَهَ دَمِشْق؛(۱) سفیانی با اسب ها (تجهیزات و امکانات) و بستگان و اقوام و زاد و توشه و لشکریانش، از آن جا (عراق) خارج می شود، در حالی که صد و هفتاد هزار نفر، او را هم راهی

ص:۴۱۳

۱- الملاحم، ص۲۹۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۱۰۷.

می کنند. پس در کنار دریاچه طبریه فرود می آیند. حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز در حالی که جبرئیل در طرف راست، میکائیل در سمت چپ و عزرائیل در پیشاپیش او قرار دارد، به تعقیب سفیانی و لشکریانش حرکت می کنند. شب ها به پیمودن راه و روزها به استراحت می پردازند تا این که در کنار دریاچه طبریه به سفیانی دست می یابند. پس خداوند بر سفیانی غضب نموده و خلق خدا نیز بدین خاطر بر او خشم می گیرند؛ پس ناگهان پرندگان با بال های خود، کوه ها با صخره های خود و فرشتگان با ندای مهیب خود، آنان را در هم می کوبند، به گونه ای که تمامی یاران و اطرافیان سفیانی، در اندک زمانی، نابود می گردند و خداوند همگی آنان را هلاک می سازد و سفیانی تنها می ماند. پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف او را دستگیر می کند و در زیر درختی که شاخه هایش بر دریاچه طبریه آویخته است، گردن می زند. سپس شهر دمشق (مرکز اقتدار سفیانی) را تصرّف و از چنگال سفیانیان آزاد می کند».

جنگ با یهودیان

بعد از شکست سفیانی و تصرف شام، یکی از موانع دیگری که بر سر راه حضرت وجود دارد، یهود و اقمار یهود است؛ زیرا یهودیان و رومیان، سفیانی را پشتیبانی می کنند، لذا

حضرت به مقابله با یهود می پردازد. این نبرد که از مهم ترین جنگ های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با دشمنان مشترک (سفیانی و یهود) برای فتح فلسطین است، پس از غائله شکست و کشته شدن سفیانی و پیروزی سپاه امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با آزادی فلسطین، پایان می پذیرد و حضرت پیروزمندانه وارد بیت المقدّس می شود.

در باره برخورد امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با یهودیان و چگونگی تعامل آنان با حضرت، روایات مختلفی وارد شده است که برخی از وقوع درگیری و سرکوب شدید یهودیان توسط لشکریان اسلام خبر داده اند و برخی دیگر، از تسلیم شدن بخش اعظم آنان، حکایت دارد.

براساس برخی روایات، غربی ها به جهت پیروزی های شگفت آور امام علیه السلام و یاران او در حجاز و منطقه خلیج و به خاطر هم سویی مسلمانان با ایشان، از رویارویی با او دوری می کنند؛ امّا یهودیان که هستی و موجودیت آن ها به سرنوشت جنگ وابسته است، ضمن دوری از مبارزه مستقیم، به وسیله خط دفاعی عَربی به فرماندهی سفیانی به جنگ حضرت می آیند.

در روایتی به نقل از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم آمده است: «یُقَاتِلُکمُ الْیهُود، فَتَسَلَّطُوا عَلَیهِم حَتّی یَقُول الْحَجَر: یَا مُسْلِمُ هَذَا

يَهُودِيٌّ وَرَائِي فَاقْتُلْهُ؛(۱) یهودیان با شما خواهند جنگید و شما بر آن ها پیروز و مسلط خواهید گشت، تا آن جا که اگر یک یهودی در پشت سنگی پنهان شود، آن سنگ می گوید: ای مسلمان! این شخص که پشت من مخفی و پنهان شده، یهودی است. او را به قتل برسان».(۲) هم چنین در نقل دیگر از آن حضرت آمده است: «أَنَّهُ عَلَى يَدَيِ الْمَهْدِی يَظْهَرُ تَابُوتَ السَّكِينَةَ مِنْ بَحِيرِهِ الطَّبَرِيَّه حَتّى تَحْمِلُ فَتُوضَعُ بَينَ يَدَيهِ بِبَيتِ الْمُقَدّس، فَإِذَا نَظَرَتْ إِلَيهِ الْيَهُودُ أَسْلَمَتْ إِلَّا قَلِيلاً مِّنْهُم؛(۳) همانا تابوت سکینه (میراث حضرت موسی) که در دریاچه طبریه می باشد، به دست حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظاهر شده و در بیت المقدّس قرار داده می شود. آن گاه یهودیان به آن می نگرند و همه ایمان می آورند و مسلمان می شوند، جز تعداد اندکی».

در برخی روایات، از حضور مستمر و پیروزمندانه طرفداران امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در اطراف بیت المقدّس که شامل فلسطین، لبنان و سوریه نیز می شود خبرداده شده است که نقش مهمی در

ص:۴۱۶

۱- صحیح بخاری، ج۴، ص ۱۷۵؛ صحیح مسلم، ج۸، ص۱۸۸؛ مسند احمد، ج۲، ص۱۲۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۳۱۲.

۲- سخن گفتن سنگ، یا ناظر به اعجاز است یا مراد معنایی کنایی و قرینه حالیه بر افشا شدن هویت یهودیان فراری است که گویا سنگ خبر می دهد.

۳- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۳۱۱.

حمایت از نهضت حضرت مهدی در این منطقه دارد. همیشه گروهی از امت من در دروازه های دمشق و اطراف آن و بر دروازه های بیت المقدّس و اطراف آن جنگ می کنند. آن ها پیروزمندانه بر حق ثابت بوده تا آن که زمان قیام [مهدی علیه السلام] فرا رسد.(۱)

فتح بیت المقدّس و روم (کشورهای غربی)

قبلاً اشاره شد که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برای در هم کوبیدن بساط ظلم و جنایت و بیداد سفیانی، پس از استقرار حکومت عادلانه اش در جزیرهالعرب و عراق، از کوفه به سوی شام حرکت می کند. در آن زمان، سفیانی با سپاهیان شکست خورده اش عقب نشینی می کند و در منطقه رمله (شمال شرقی قدس) مستقر خواهد شد.

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در تعقیب سفیانی، همراه با سپاهی نیرومند، وارد فلسطین می شود و در

۱- در حدیث دیگر به نقل از وَهَب بن مُنَبّه آمده است: «إنَّ الطَّائفَهَ مِنْ امَّتِهِ الظّاهِرِینَ عَلَی الْحَقِّ وَالَّذِینَ لَا یَضُرُّهُمْ مَنْ خَالَفَهُمْ حَتَّی یَأتِیَهُمْ أمْرُ اللهِ، إنَّهُمْ فِی بَیْتِ الْمُقْدِسِ وَ أکنافِهِ ؛ گروهی از امَّت او (پیامبر) که اهل حقّ و پیروزی اند؛ آنانی که ضرر نمی رساند به ایشان مخالفت شان تا وقتی که امر خدا بیاید، آنان در بیت المقدس و اطراف آن می باشند»؛ (مسند ابی یعلی، ج۱۱، ص۳۰۲؛ مجمع الزوائد، ج۷، ص۲۸۸؛ معجم الاوسط، ج۱، ص۱۹؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۵۹).

آن جا جنگ و پیکار میان دو نیروی حق و باطل رخ می دهد که به پیروزی نیروهای اسلام و شکست و نابودی کامل جنبش سفیانی می انجامد. با پایان یافتن کار سفیانی، آتش جنگ در این منطقه خاموش می گردد.

ابوسعید خدری از رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود: «یَخْرُجُ رَجُلٌ مِنْ أَهْلِ بَیْتِی وَ یَعْمَلُ بِسُنَّتِی وَ یُنَزِّلُ اللَّهُ لَهُ الْبَرَکهَ مِنَ السَّمَاءِ وَ تُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَکتَهَا وَ تُمْلَأُ بِهِ الْأَرْضُ عَدْلًا کمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً وَ یَعْمَلُ عَلَی هَذِهِ الْأُمَّهِ سَبْعَ سِنِینَ وَ یَنْزِلُ بَیْتَ الْمَقْدِس؛(۱) مردی از امت من ظهور خواهد کرد که به سنّت من عمل می کند. خداوند برکات آسمان را برای او فرو خواهد فرستاد و برکات زمین را برای او بیرون خواهد ریخت. او جهان را آکنده از عدل می کند چنان که پر ازجور شده است. هفت سال بر این امت حکومت کرده و وارد بیت المقدّس خواهدشد».

از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که فرمود: «ثُمّ إنّ الْمَهْدِی سَارَ إِلَی بَیْتِ الْمقدّس وَ استَخْرَجَ تَابُوتَ السَّکیْنَه وَ خَاتَمِ سُلَیمانِ بْنِ دَاوُد عَلَیهِمَا السّلام وَ الْأَلْوَاحَ الّتِی نَزَلَتْ عَلَی مُوسَی علیه السلام ؛(۲) پس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به سوی بیت المقدس حرکت کرده و تابوت سکینه حضرت داود علیه السلام و انگشتر سلیمان علیه السلام و الواح موسی علیه السلام را استخراج می کند».

ص:۴۱۸

۱- کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۲؛ غایه المرام، ج ۷، ص ۱۰۳؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۱۳۵.

۲- الزام الناصب، ج۲، ص۱۷۰.

پس از فتح بیت المقدس با توجه به نزول حضرت عیسی علیه السلام و بیعت او با امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه کشور های غربی که نوعاً مسیحی اند، تقریباً بدون مانع جدی، فتح خواهند شد.

امیرمؤمنان علیه السلام در باره فتوحات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرمود: «وَ يَسِيْرُ الْمَهْدِی حَتّى يَنْزِلُ بَيْت الْمُقَدّس وَ تَنْقُلُ إِلَيْهِ الْخَزَائِنُ وَ تَدْخُلُ الْعَرَبُ وَ الْعَجَمُ وَ أَهْلُ الْحَرْبِ وَ الرُّوم وَ غَيْرُهُم فِی طَاعَتِهِ مِنْ غَيْرِ قِتَالٍ؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همچنان به پیش می رود تا آن که وارد بیت المقدّس شده و دارایی های فراوانی را با خود می آورد و عرب و عجم و رومی (اهل بلاد غرب) و دیگر مردمان، همگی بدون هیچ جنگ و درگیری تحت فرمان او در می آیند».

مرحوم نعمانی در کتاب الغیبه از امام صادق علیه السلام روایتی را نقل کرده است که حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِی أَقَالِيم الْأَرْضِ فِی کلِّ إِقْلِيم رَجُلًا يَقُولُ عَهْدُک فِی کفِّک فَإِذَا وَرَدَ عَلَيْک مَا لَا تَفْهَمُهُ وَ لَا تَعْرِفُ الْقَضَاءَ فِيهِ فَانْظُرْ إِلَى کفِّک وَ اعْمَلْ بِمَا فِيهَا قَالَ وَ يَبْعَثُ جُنْداً إِلَى الْقُسْطَنْطِينِيَّهِ فَإِذَا بَلَغُوا إِلَى الْخَلِيجِ کتَبُوا عَلَى أَقْدَامِهِمْ شَيْئاً وَ مَشَوْا عَلَى الْمَاءِ فَإِذَا نَظَرَ إِلَيْهِمُ الرُّومُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ قَالُوا هَؤُلَاءِ أَصْحَابُهُ يَمْشُونَ عَلَى الْمَاءِ فَکيْفَ هُوَ فَعِنْدَ ذَلِک يَفْتَحُونَ لَهُمْ بَابَ الْمَدِينَهِ فَيَدْخُلُونَهَا فَيَحْکمُونَ فِيهَا بِمَا يُرِيدُونَ؛(۲) زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، اصحاب خود را به سراسر جهان گسیل می دارد و حکم و برنامه آنان را

۱- إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ج ۲۹، ص ۴۴۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۹؛ دلائل الأمامه، ص۴۶۷؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۶۵.

در دست آنان می دهد تا برابر آن رفتار نمایند و نیز سپاهی را به سوی قسطنطنیه می فرستد، پس وقتی آنان به خلیج می رسند، چیزی روی پاهایشان می نویسند و روی آب حرکت می کنند. وقتی رومیان آنان را چنین می بینند، با تعجب می گویند: حال که اصحاب و یاران مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنین اند و بر روی آب راه می روند، پس خود او چگونه خواهد بود؟! آن وقت است که در های ورود به شهر را [به علامت تسلیم] به سوی آنان می گشایند و یاران حضرت [بدون هیچ گونه مانع و درگیری] وارد شهرها می شوند و طبق آن چه خود می خواهند (آئین اسلام) حکم فرمایی کنند».

نیز در نقل محمد بن حنفیه آمده است: «وَفَتحُ الْقُسْطَنْطینِیَّه عَلَی یَدَیْهِ، ثُمَّ یَسیرُ إِلَی رُومِیَّه فَیَفْتَحُهَا...ثُمَّ یَرْجِعُ إِلیَ بَیْتِ الْمقدس فَیَنْزِلُهَا وَ یَخْرُجُ الدَّجّال فِی زَمَانِهِ وَ یَنْزِلُ عِیسی بنِ مَرْیَمَ فَیُصَلِّی خَلْفَهُ؛(۱) آزادی قسطنطینیه به دستور او (مهدی) خواهد بود، سپس به سوی روم (بلاد غرب) حرکت کرده آن را فتح می کند، دوباره به بیت المقدّس باز می گردد. در آن زمان، دجال خروج می کند و عیسی بن مریم علیه السلام از آسمان فرود می آید و پشت سر آن حضرت نماز می گزارد».

حذیفه از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نقل کرده است که فرمود: «لَیَستَخرِجَنّ المَهدِی علیه السلام ذَلِك حَتّی یَرُدّه إلی بَیْتِ الْمقدّس ثُمّ یَسِیرُ

ص:۴۲۰

۱- التشریف بالمنن فی التعریف بالفتن، ص۱۶۹.

وَ مَنْ مَعَهُ حتّی یَأْتُونَ خَلْفَ الرّومِیّهَ مَدِینهً فِیهَا مِائَهُ سُوقٍ فِی کلّ سُوقٍ مِائَهُ ألفَ سُوقٍ فَیفتَحُونَهَا ثُمّ یَسیرُونَ حَتّی یَأتُونَ مَدِینَهً یُقَالُ لَهَا: قَاطِع عَلی البَحرِ الأخضَرِ المُحدِقُ بِالدُّنیَا لَیسَ خَلْفَهُ إلّا أَمْرُ اللّه طُولُ تِلْکَ الْمَدِینَه أَلفَ مَیل وَ عَرضُهَا خَمسَمِائَهَ مَیل لَهَا ثَلاثَه آلافُ بَابٌ وَ ذَلِکَ الْبَحْرُ لَا یَحْمِلُ جارِیَه السّفِینَهَ لِأنّهُ لَیسَ لَهُ قَعْرٌ وَ کلّ شَی ءٍ تَرَونَهُ مِنَ الْبِحَارِ اِنّمَا هَوَ خَلْجَانٍ مِن ذَلِکَ الْبَحْر جَعَلَهُ اللّه مَنَافِعَ لِابْنِ آدَم؛[(۱)] مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن (گنج ها) را استخراج نموده و به بیت المقدّس برمی گرداند. سپس با همراهان خود به سمت روم خواهد رفت. در آن جا شهری است که صد بازار دارد و در هر بازار، صد هزار بازار وجود دارد. پس [سپاه مهدی] آن جا را فتح می کنند تا به شهری برسند که به آن «قاطع» می گویند و در کنار دریای سبزی است که دنیا را احاطه کرده است. پشتیبان او [در فتح آن جا] به جز امر خداوند متعال چیزی نیست. طول آن شهر هزار میل و عرض آن پانصد میل است و سه هزار دروازه دارد. در آن دریا به دلیل اینکه عمق ندارد کشتی حرکت نمی کند و آن چه از دریاها می بینید خلیج ها و شعبه هایی از آن است که خداوند برای آدمیان منافعی در آن ها قرار داده است».

امیرمؤمنان علیه السلام فرمود: «وَ یَتوَجَّهُ إِلَی ٱلآفَاقِ فَلَا تَبْقَی مَدِیْنَهٌ وَطَئَهَا ذُو الْقَرْنَیْن إِلّا دَخَلَهَا وَ أَصْلَحَهَا وَ لَا یَبْقَی کافِرٌ إِلّا هَلَکَ عَلَی یَدَیْهِ وَ

۱- احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج۱۳، ص۲۶۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۲۱۸.

يَشْفَى اللّهُ قُلُوبَ أَهْلِ الْإِسْلَام؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آهنگ شهرهای دور دست کند پس هیچ شهری نیست که ذوالقرنین آن را تصرف کرده باشد مگر آن که او وارد آن شود و مشکلات آن را برطرف کند و هیچ کافری نماند مگر آن که به وسیله او نابود گردد و دل های اهل اسلام (که قرن ها زیر دست کافران گردنکش بوده اند) تشفی پیدا کند».

نزول عیسی علیه السلام و اقتدای او به حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

با ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حضرت عیسی علیه السلام از آسمان فرود می آید و به آن حضرت ملحق می شود. وی از سوی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف فرماندهی عملیات تهاجمی علیه لشکریان دجال را به عهده می گیرد.

حضرت عیسی علیه السلام نقش مهمی در فتح جهان غرب و چرخش دنیای مسیحیت به سوی اسلام خواهد داشت؛ به همین جهت در روایات، از حضرت عیسی مسیح علیه السلام به دلیل نقش کلیدی و منحصر به فردی که در تحکیم و گسترش حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ایفا خواهد کرد، با عنوان «وزیر» یاد کرده است. گو این که آن حضرت، نقش معاون اولی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را در میان دستیاران و کارگزاران حکومتی ایشان به عهده دارد.

۱- الزام الناصب، ج۲، ص۲۴۷؛ احقاق الحق و اذهاق الباطل، ج۱۳، ص۲۶۵؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۲۱۸.

حضـرت عیسـی بن مریم علیه السـلام نزد مسیحیان، مقدّس ترین موجود است و طبیعی است که دیگر مکتب ها و ادیان نیز در برابر شخصـیت آن حضـرت، سر تعظیم فرو می آورند و مسلمانان نیز به پیروی از قرآن کریم او را بنده وارسته و شایسته خدا و پیـامبر بزرگ او می شـمارند و همـان گونه که قرآن، بارهـا او را به پـاکی و طهـارت و قـداست و احترام یاد کرده است، از او تجلیـل می کننـد. به خـاطر اهمیّت این موضوع و شـکوه و شخصـیت والای حضـرت عیسـی علیه السـلام است که خداونـد آن حضـرت را برای تقویت حرکت جهانی و نجات بخش امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور از آسمان فرود می آورد.

در روایات رسـیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیه السلام به فرود آمدن عیسی علیه السلام و تبعیت او از امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف تصریح شده است. چگونگی نزول عیسی مسیح علیه السلام و تبعیت و اقتدای او به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه های مختلفی نقل شده است که به برخی از آن اشاره می گردد:

ابن عباس گویـد: رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم فرمود: «یَخْرُجَ فِیهِ وَلَدِی الْمَهْدِیُّ فَیَنْزِلَ رُوحُ اللَّهِ عِیسَـی ابْنُ مَرْیَمَ علیه السـلام فَیُصَـلِّیَ خَلْفَهُ وَ تُشْرِقَ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَ یَبْلُغَ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ؛(۱) هنگامی که فرزنـدم مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف خروج می کند پس عیسی روح الله فرزند مریم فرودآید و پشت سر او (مهدی)

ص:۴۲۳

۱- بحار الانوار، ج۵۱، ص۷۱.

نماز گذارد و زمین از نور خدا روشن و حکومت مهدی شرق و غرب را فراگیرد».

امیرمؤمنان علیه السلام در سخنرانی معروف خویش (خطبه البیان) می فرماید: «ثمّ إنّ المهدی یَرجِعُ إلی بَیت المقدس فیصُلّی بالناسِ أیّاماً فإذا کان یَومَ الجُمُعه و قد أُقیمت الصّلاهَ فَیَنزل عیسی ابن مریم فی تِلک الساعه من السماء علیه ثَوبان أَحمران و کأنّما یَقْطُر من رأسه الدُّهن و هو رجلٌ صبیحُ المَنْظَرِ و الوجُهِ أَشْبهُ الخلق بأبیکم إبراهیم علیه السلام فَیأتی إلی المهدی و یصُافِحه و یُبشّره بالنصَّر فعند ذلک یَقُولُ له المَهْدِي: تَقدّم یا رُوح اللّه وَ صَلّ بِالنّاس، فَیَقُولُ عِیسی: بَلِ الصَّلاهُ لَک یَا ابْنَ بِنْتَ رَسُولِ اللّه، فَعِنْدَ ذَلِک یُؤذَنُ عِیسِی و یُصَلّی خَلْفَ المْهَدِی عجل الله تعالی فرجه الشریف فَعِنْدَ ذَلِک یَجْعَلُ عِیسی خَلِیفَه عَلیَ قِتَالِ الأعُورِ الدّجّال ثُمّ یَخْرجُ أَمِیراً عَلی جَیَشِ اَلمْهَدِی عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛(۱) سپس مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به بیت المقدّس برمی گردد و چند روز با مردم در آن جا نماز می گزارد. چون روز جمعه شود و نماز برپا گردد، عیسی بن مریم علیه السلام در همان ساعت از آسمان نزول می کند، در حالی که دو جامه سرخ به تن دارد و گویی از سر او روغن می چکد (کنایه از براقی موی سر حضرت عیسی) و او مردی زیباروی و شبیه ترین مردم به حضرت ابراهیم علیه السلام است. پس نزد مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف می آید و با او مصافحه می کند و به او بشارت پیروزی می دهد. در این موقع، مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به او می فرماید: «یا روح الله! جلو برو و با مردم نماز بگزار». امّا عیسی علیه السلام می گوید: «یا بن رسول الله! [امامت در] نماز برای تو و خاص توست». در این هنگام،

۱- مجمع النورین، ص۳۳۸؛ الزام الناصب، ج۲، ص ۱۸۱.

عیسی علیه السلام اذان می گوید و پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می گزارد. آن گاه به مقام جانشینی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در جنگ با دجال برگزیده می شود و فرماندهی سپاه مهدی صلی الله علیه و آله و سلم را به عهده می گیرد».

امام باقر علیه السلام در تأویل آیه کریمه (وَ إِنْ مِنْ أَهْلِ الْكتابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يَوْمَ الْقِيامَهِ يَكونُ عَلَيْهِمْ شَهِيداً) فرمود: «إِنّ عِيسَى قَبْلَ الْقِيَامَهَ يَنْزِلُ إِلَى الدُّنْيَا فَلَا يَبْقَى أَهْلُ مِلَّهٍ يَهُودِىّ وَ لَا غَيرَهُ إِلَّا آمَنَ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ وَ يُصَلِّى خَلْفَ الْمهَدِى عجل الله تعالی فرجه الشریف ؛(۱) عیسی علیه السلام قبل از قیامت به زمین نزول می کند و هیچ یک از اهل یهود و غیر آن باقی نمی ماند جز آن که پیش از مردنش به او ایمان می آورد و او پشت سر مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نماز می خواند».

از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نیز نقل شده است که فرمود: «وَالَّذِى نَفْسِى بِيَدِهِ لَيُوشِكَنَّ أَنْ يُنْزِلَ فِيكمُ ابْنُ مَرْيَمَ حُكماً عَدْلًا يَكسِرُ الصَّلِيبَ وَ يَقْتُلُ الْخِنْزِيرَ وَ يَضَعُ الْجِزْيَهَ فَيَفِيضُ الْمَالُ حَتَّى لَا يَقْبَلَهُ أَحَدٌ؛(۲) سوگند به آن کسی که جانم در دست اوست، عیسی بن مریم به عنوان داوری عادل و امامی دادگر در میان شما نازل خواهد شد. او صلیب را می شکند و خوک را می کشد و جزیه را برمی دارد و آن قدر مال به مردم می دهد که [از شدت غنا

۱- بحار الانوار، ج۵۳، ص۵۱.

۲- المصنف، ج۱۱، ص۳۹۹؛ مسند ابن جعد، ص۴۲۰؛ مسند احمد بن حنبل، ج۲، ص۲۴۰؛ صحیح ابن حیان، ج۱۵، ص۲۳۱؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۳.

و ثروت] دیگر کسی آن را نمی پذیرد».

در روایتی که جابر بن عبدالله انصاری از امیرمؤمنان علیه السلام نقل کرده آمده است: «عیسَی بْن مَرِیْم یَنزِلُ مِنَ السَّماء وَ یَکوُنَ مَعَ الْمَهدِی مِنْ ذُرَّیتی... فَیَتقَدّمُ المْهدی مِنْ ذُرّیَتیَ فُیصَلّی إِلَیَ قِبْلَهَ جَدِّهِ رَسُولِ اللّه صلّی اللّه علیه و آله و سلّم وَ یَسِیرُونْ جَمِیعاً إِلی أَن یأَتوا بیت المقدس... ثم یموت عیسی و یبقی المنتظر المهدی من آل محمّد صلّی اللّه علیه و آله و سلّم فیسیر فی الدنیا و سیفه علی عاتقه و یقتل الیهود و النصاری و أهل البدع؛(۱) عیسی علیه السلام بن مریم از آسمان فرود می آید و به مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف که از ذریه من است می پیوندد. پس مهدی جلو می ایستد و به سوی قبله جدش رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم نماز می گزارد. آن گاه همگی حرکت می کنند تا به بیت المقدّس می رسند... سپس عیسی دعوت حق را لبیک می گوید و مهدی آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف باقی می ماند. او در حالی که شمشیرش را بر گردن آویخته است، با یهود و نصارا و بدعت گذاران می جنگد».

فتح چین، دیلم و قسطنطنیه

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از پاک سازی مناطق اسلامی از چنگال ستمکاران و جبارانی هم چون سفیانی، اقدام به آزادسازی دیگر مناطق دنیا مانند کشورهای شرق آسیا، از شر ظلم و بی دینی می کند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «ثُمَّ یَعْقِدُ بِهَا الْقَائِمُ علیه السلام ثَلَاثَ رَایَاتٍ لِوَاءً إِلَی الْقُسْطَنْطِینِیَّهِ یَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ وَ لِوَاءً إِلَی الصِّینِ

۱- معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۱۲۱.

فَیَفْتَحُ لَهُ وَ لِوَاءً إِلَی جِبَالِ الدَّیْلَمِ فَیَفْتَحُ لَهُ؛(۱) سپس حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سه پرچم را آماده می کند. پرچمی را به قسطنطنیه گسیل می دارد و خداوند آن جا را برای او می گشاید؛ پرچم دیگری را به سوی چین می فرستد و آن جا را نیز فتح می کند و پرچم سومی را به سوی اطراف کوه های دیلم می فرستد و آن جا را نیز آزاد می گرداند».

فتح شرق و غرب

از آن جایی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف منجی همه بشریت است و رسالت خویش را تحقق عدالت جهانی می داند، لذا پس از آزاد سازی کشورهای اسلامی، اقدام به پاک سازی مناطق شرق و غرب جهان می کند و اصحاب و یاران خویش را به سراسر دنیا اعزام می کند تا جهان را تسخیر کنند و به آنان دستور می دهد تا پیام الاهی را به گوش جهانیان برسانند و با برخورد نیک، عدالت را در میان مردم به اجرا گذارند.

امام صادق علیه السلام در این باره فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ بَعَثَ فِی أَقَالِیمِ الْأَرْضِ فِی کلِّ إِقْلِیمٍ رَجُلًا؛(۲) زمانی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، اصحاب خود را به سراسر جهان

ص:۴۲۷

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۸۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۳، ص۳۱۶.
۲- الغیبه، نعمانی، ص۳۱۹؛ دلائل الأمامه، ص۴۶۷؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۶۵.

گسیل می دارد».

ابی الجارود از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ یَمْلِكُ ثَلَاثَمِائَةٍ وَ تِسْعَ سِنِینَ کَمَا لَبِثَ أَهْلُ الْکَهْفِ فِی کَهْفِهِمْ یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ قِسْطاً کَمَا مُلِئَتْ ظُلْماً وَ جَوْراً وَ یَفْتَحُ اللَّهُ لَهُ شَرْقَ الْأَرْضِ وَ غَرْبَهَا وَ یَقْتُلُ النَّاسَ حَتَّی لَا یَبْقَی إِلَّا دِینُ مُحَمَّدٍ صلی الله علیه و آله و سلم ؛(۱) هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور کند، سیصد و نه سال سلطنت می کند، به همان مدت که اصحاب کهف در غار خود ماندند، او زمین را پر از عدل و داد می کند، همچنان که پر از ظلم و ستم شده باشد. خداوند شرق و غرب زمین را برای او می گشاید و چندان از مردم بیدین به قتل می رساند که جز دین محمد صلی الله علیه و آله و سلم باقی نماند».

آن حضرت درباره حاکمیت جهانی دین اسلام در دوران ظهور می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... لَمْ یَبْقَ أَهْلُ دِینٍ حَتَّی یُظْهِرُوا الْإِسْلَامَ وَ یَعْتَرِفُوا بِالْإِیمَانِ أَ مَا سَمِعْتَ اللَّهَ تَعَالَی یَقُولُ: (وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کَرْهاً وَ إِلَیْهِ یُرْجَعُونَ)(۲) وَ حَکَمَ بَیْنَ النَّاسِ بِحُکمِ دَاوُدَ وَ حُکمِ مُحَمَّدٍ علیه السلام فَحِینَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ کنُوزَهَا وَ تُبْدِی بَرَکاتِهَا فَلَا یَجِدُ الرَّجُلُ مِنْکمْ یَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَی جَمِیعَ الْمُؤْمِنِین؛(۳)چون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، اهل هیچ کیش و آئینی نمی ماند جز اینکه همگی اسلام می آورند و اعتراف به ایمان نمایند، آنگونه که خدای

۱- ا لغیبه، طوسی، ص ۴۷۴.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۳ .

۳- الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۵.

سبحان فرمود: هر که در آسمان ها و زمین است خواه و ناخواه تسلیم او شود و به سوی او بازگردانیده می شوند. به حکم داود علیه السلام و جدش محمد صلی الله علیه و آله و سلم در میان مردم حکومت کند، آن روز است که زمین گنج های خود را ظاهر سازد و برکات خویش را آشکار نماید و کسی از شما در آن زمان جایی برای دادن صدقه و احسان خود نیابد زیرا همه مؤمنین را توانگری فرا گرفته و همگی بی نیازند».

ص:۴۲۹

فصل۵: استقرار نظام مهدوی

دستاوردهای نظام مهدوی

با استقرار نظام عدل مهدوی در سراسر جهان، اصلاحات همه جانبه با دستورالعمل های آن مصلح بزرگ آغاز می گردد، تا جامعه نوینی بر پایه های اصیل دینی بنیان نهاده و تمدن آرمانی را برای بشریت تشنه عدالت، به ارمغان آورد. توجّه به دستاوردهای حیرت انگیز آن دوران، ما را به این نکته واقف می کند که در زمان غیبت و فقدان حضور رهبر معصوم، جامعه بشری از چه فوائد و برکات بی شماری محروم شده است؛ محرومیّتی که خسارات آن، به هیچ وجه قابل جبران نمی باشد. رفع این محرومیّت، تنها و تنها با دست باکفایت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و در عصر ظهور، ممکن و میسر است.

در سایه نظام مهدوی، فرهنگ و تمدّن و رُشد علمی جامعه عصر ظهور چنان شکوفا می گردد که در سراسر تاریخ، همتایی نخواهند داشت. در آن زمان، دانش و تربیت و معنویت، به برکت

انتشار علوم و معارف قرآن و سنّت، در سراسر جهان با سرعت وصف ناپذیری بسط و گسترش می یابد و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نظام مبتنی بر فرهنگ قرآن را، سامان می بخشد.

ابعاد گوناگون دستاوردهای نظام مهدوی را، می باید در اصلاحات مورد نظر آن حضرت جستجو کرد؛ اصلاحات عمیق و فراگیر ی که جامعه عصر ظهور را از نظر اجتماعی، امنیت، رفاه عمومی، شکوفایی اقتصادی، عدالت قضایی، بهداشت و درمان همگانی، علوم و فن آوری، اخلاق و فرهنگ و... متحول خواهد نمود.

اقدامات مصلحانه حضرت

اشاره

اقدامات اصلاحی حضرت در سطوح مختلف علم، فرهنگ، تربیت، اقتصاد، مدیریت، سیاست و... به صورت چشمگیری به اجرا گذارده می شود به گونه ای که آثار و برکات آن برای مردمان آن زمان، قابل لمس خواهد بود.

در روایات به نمودهای ملموس این اصلاحات در زندگی مردمان عصر ظهور اشاره شده است که در این جا به برخی از مهم ترین اقدامات مصلحانه حضرت، اشاره می گردد:

۱. مقابله با بدعت ها

در طول زمان، در اثر رسوب عادات و خلط باورها و نگرش های گوناگون با آموزه های

دینی، پیرایه ها و بدعت های زیادی به دین افزوده می شود. از این رو، یکی از اقدامات اصلاحی حضرت، مقابله با انحرافات و زدودن این گونه بدعت هایی است که در زمان غیبت پدید آمده و مردم، سخت به آن عادت کرده اند.

برداشت ها و تفسیرهای نادرستی که در دین خدا و اصول و فروع احکام الاهی پدید آمده است به گونه ای است که برخی قرن ها در ذهن جامعه اسلامی نفوذ و رسوخ کرده و دگرگونی هایی را در مفاهیم قرآنی و آموزش های اسلامی پدید آورده است، امّا حضرت، اسلام را آن چنان که هست، معرفی می کند و بدعت ها و انحرافات تحمیل شده بر دین را از چهره دین می زداید.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «وَلَا تَتْرُك بِدْعَةً اِلَّا أَزَالَهَا وَ لَا سُنَّةً اِلَّا أَقَامَهَا؛(۱)هیچ بدعتی نیست مگر این که مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آن را می زداید و هیچ سنّت تعطیل شده ای نیست مگر آن که آن را برپا می کند».

۲. احیای دوباره دین

از نمودهای اصلاحی مهم حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بازگشت به دین و احیای ارزش های دینی و سنّت های اصیل اسلامی است؛ همان اسلام اصیلی که مردم تدریجاً از آن فاصله گرفته اند.

۱- الارشاد، ج۲، ص۳۸۵؛ روضه الواعظین، ص۲۶۴؛ جامع الاحادیث الشیعه، ج۱۸، ص۴۸۱.

برپایه گزارش ابن عباس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «إِنَّ الثَّانِیَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِی یَغِیبُ حَتَّی لَا یُرَی وَ یَأْتِی عَلَی أُمَّتِی زَمَنٌ لَا یَبْقَی مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ فَحِینَئِذٍ یَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ وَ إِنَّ الثَّانِیَ عَشَرَ مِنْ وُلْدِی یَغِیبُ حَتَّی لَا یُرَی وَ یَأْتِی عَلَی أُمَّتِی زَمَنٌ لَا یَبْقَی مِنَ الْإِسْلَامِ إِلَّا اسْمُهُ وَ لَا مِنَ الْقُرْآنِ إِلَّا رَسْمُهُ فَحِینَئِذٍ یَأْذَنُ اللَّهُ لَهُ بِالْخُرُوجِ؛(۱) دوازدهمین فرزنـدم از نظرها پنهان می گردد و دیـده نمی شود و زمانی بر امت من خواهـد آمد که از اسـلام جز نام و از قرآن جز نقشی باقی نماند. در این هنگام، خداوند بزرگ به او اجازه خروج می دهد و اسلام را با او آشکار و تجدید می کند».

در دوران ظهور حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف جهان بینی و راه و روش واحدی بر جهان حاکم می شود، یک پارچگی و یگانگی واقعی در عقیـده و مرام مردم پدید می آید و همه یک دل و یک زبان به سوی سـعادت و صـلاح حرکت می کننـد. ناسازگـاری و دوگـانگی از انـدیشه هـا و عقیـده ها رخت خواهـد بست؛ چنان که در راه و روش های اجتماعی نیز اختلاف و چندگانگی دیده نمی شود.

امام صادق علیه السـلام می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام دَعَا النَّاسَ إِلَی الْإِسْلَامِ جَدِیداً وَ هَدَاهُمْ إِلَی أَمْرٍ قَدْ دَثَرَ وَ ضَلَّ عَنْهُ الْجُمْهُورُ وَ إِنَّمَا سُمِّیَ الْقَائِمُ مَهْدِیّاً لِأَنَّهُ یُهْدَی إِلَی أَمْرٍ مَضْلُولٍ عَنْهُ وَ سُمِّیَ الْقَائِمَ لِقِیَامِهِ بِالْحَق؛(۲) چون

۱- کفایه الاثر، ص۱۵؛ غایه المرام، ج۲، ص۱۶۳؛ بحار الانوار، ج۳۶، ص۲۸۴.

۲- الارشاد، ج۲، ص۳۸۴؛ روضه الواعظین، ص۲۶۵.

قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، مردم را به اسلام جدید دعوت می فرماید و به امری که کهنه شده و جمهور مردم از آن گمراه مانده اند، هدایت می کند و او از آن جهت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نامیده شده که به چیزی هدایت می کند که گم شده است و او را از آن جهت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می نامند، چون قیام به حق می فرماید».

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همه علل و عوامل ناسازگاری و برخورد و درگیری را از بین می برد، تضادها و کشمکش های اجتماعی را که در اختلاف عقیدتی جامعه ریشه دارد از بن بر می کند و با عرضه جهان بینی و ایدئولوژی واحد که آثار آن در عینیت و عمل، برای همگان آشکار و ملموس خواهد بود راه هر گونه اختلاف را می بندد و بدین گونه، با این اصل اساسی و زیربنایی، در ساختن جامعه یگانه بشری به توفیقی بزرگ و بی مانند دست می یابد.

عبدالله بن عطار می گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم: روش و سیره مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چگونه است؟ امام فرمود: «یَصْنَعُ مَا صَنَعَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ یَهْدِمِ مَا کانَ قَبْلَهُ کمَا هَدَمَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَمْرَ الْجَاهِلِیَّهِ وَ یَسْتَأْنِفُ الْإِسْلَامَ جَدِیداً»؛(۱) همان کاری که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم انجام داد، انجام می دهد و برنامه های نادرست پیشین را ویران می سازد،

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۶؛ شرح الاخبار، ج۳، ص۵۶۴؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۵۳.

همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم امور مربوط به جاهلیت را ویران ساخت و اسلام را نوسازی می کند».

امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در حقیقت، بر پایه اصول و چار چوب کلی قرآن و سنّت عمل می کند و سیره او با سیره رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و دیگر ائمه علیهم السلام یکی است؛ اما با توجه به تفاوت های اساسی عصر ظهور با دوران صدر اسلام، برخی از شیوه های رایج در سیره امامان پیشین علیهم السلام همانند تقیه و تعامل با کفار و امثال آن که بنا به اقتضائات آن زمان به صورت یک رویه ثانوی تحمیل شده بر جامعه آن روز، جزء سیره عملی ائمه علیهم السلام شناخته می شد، در عصر ظهور که عصر حاکمیت اهلبیت علیهم السلام است، این رویه تغییر خواهد کرد و بخش زیادی از احکام حکومتی تعطیل شده اسلام، در سیره حکومتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به اجرا گذارده خواهد شد و بسیاری از احکام و معارف دین که دچار تحریف گردیده است دوباره تصحیح و غبار تحریف و خرافات از چهره دین پاک خواهد شد، چرا که در عصر ظهور، به فرموده امام باقر علیه السلام : «دَوْلَتُنَا آخِرُ الدُّوَلِ»(۱) تنها تفکر حاکم بر جهان تفکر اهلبیت علیهم السلام است. در آن زمان که به گفته امام صادق علیه السلام تقیه برچیده می شود: «فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا سَقَطَتْ التَّقِیّه»(۲) حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نه بر اساس مصلحت

۱- الغیبه، طوسی، ص ۴۷۲.

۲- اثبات الهداه، ج۵، ص۱۹۱؛ بحار الانوار، ج۲۴، ص۴۷.

اندیشی، بلکه بر پایه حکم واقعی با طاغیان زمانش رفتار خواهد کرد.

براین اساس، تغییر در شیوه اجرای احکام دین، ناشی از تغییر شرایط زمانی و مکانی عصر ظهور است، همان گونه که در دوران ائمه پیشین علیهم السلام نیز هر امامی با تفاوت شرایط، روش متفاوت با امام دیگر را در پیش می گرفته است، مانند شرایط سیّدالشهدا علیه السلام که تصمیم بر جنگ و بر شهادت را می طلبید در حالی که شرایط امام مجتبی علیه السلام اقتضای صلح را دارد، در عین حال هر دو بزرگوار با انتخاب این دو روش متضاد صلح و جنگ، طبق سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم عمل کرده اند. دیگر امامان علیهم السلام نیز به گونه ای سیره های گوناگونی داشته اند؛ حتی خود پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در شرایط مختلف، سیره اش متفاوت بوده است؛ پیش از فتح مکه و پس از آن یکسان نبوده است، قبل از آیات جهاد به گونه ای و پس از آن به گونه ای دیگر، در شرایط تقیّه، به شکلی و در شرایط بسط ید، به شکل دیگر عمل کرده است؛ چرا که تغییر شرایط، مصالح و آثار متفاوتی را به همراه دارد.

تفاوت روش در مقام اجرا بر پایهِ تفاوت شرایط، هرگز ما را از سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم جدا نمی سازد؛ چرا که این تفاوت روش بر پایه

ص:۴۳۶

واقعیات حاکم بر شرایط زمانی و مکانی است و با اصول ثابت سنّت تعارضی نخواهد داشت. تحلیل محتوایی این گونه روایات نیز نشان می دهد که این تفاوت ها در شیوه اجرایی احکام دین در شرایط مختلف، تا حدی طبیعی نیز هست؛ چراکه با طولانی شدن زمان غیبت و عدم دسترسی مردم به منبع معصوم، عوامل مختلف جهل و هواخواهی مردم سبب ایجاد بدعت هایی در دین می شود و احکامی از قرآن و اسلام بر طبق میل مردم تاویل و تفسیر می شود، بسیاری از حدود و احکام چنان فراموش می گردد به گونه ای که گویا اصلاً از اسلام نبوده است، لذا وقتی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور می کند، بدعت ها را ابطال و احکام خدا را آن گونه که هست عمل کرده، حدود اسلامی را بدون سهل انگاری اجرا می کند، و چون مجموعه نوسازی های حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عرصه های مختلف اعتقادی، اخلاقی و اجتماعی، دگرگون کننده است، درپاره ای از روایات از آن به «دین جدید» یا «روش جدید» تعبیر شده است. طبیعی است که چنین برنامه ای کاملاً برای مردمانی که با محرمات الاهی عادت کرده اند، تازگی داشته باشد.

بنابراین، همان گونه که تمامی ائمه علیهم السلام از سنت و سیرتی واحد برخوردار بوده و شیوه زندگی همه امامان معصوم علیهم السلام برپایه سیره

ص:۴۳۷

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم استوار بوده است، دین و سیره حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز چیزی جز همان دین و سیره جدش رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم نخواهد بود. از این رو، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در آغاز ظهور از مردم پیمان بیعت می گیرد تا بر اساس قرآن و سنّت پیامبر عمل کنند: «یُبَایَعُ الْقَائِمُ بِمَکهَ عَلَی کتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّهِ رَسُولِهِ؛(۱) مردم مکّه با حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیعت می کنند تا بر طبق کتاب و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آن حضرت پیروی نمایند».

۳. تفسیر معصومانه از آموزه های اسلامی

در زمان غیبت، فهم و تفسیر ما از دین، تفسیری ظاهری و خطاپذیر است. چنان که در زمان غیبت، مراجع تقلید، احکام ظاهری را بر اساس اجتهاد خود بیان می کنند؛ امّا در زمان ظهور، بیان احکام، ظاهری نیست؛ بلکه واقعی است. در عرصه تفسیر نیز هیچ کدام از مفسرین ادعا نکرده اند که فهم و دیدگاه شان، تفسیر واقعی قرآن است؛ بلکه معنای تفسیر واقعی قرآن تنها توسط معصوم ممکن است. از این رو، در حکومت مهدوی، رویه های مفسّرمحوری و تعدد قرائت پذیری آموزه های قرآنی، پذیرفتنی نیست و اصولاً هدف از ظهور آخرین مصلح الاهی، احیای اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله و سلم است؛ زیرا در عصر غیبت،

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۰۸.

قرآن و نـام اسـلام از بین نرفته است، بلکه آن چه از بین رفته و دچـار تحریف شـده، تفسـیر صـحیح از اسـلام است که توسـط حضرت، احیا خواهد شد. بدیهی است که همه اقدامات مصلحانه حضرت، با محوریت قرآن انجام خواهند گرفت.

آن حضـرت گونه های مختلف برداشت از قرآن کریم را از میان بر می دارد. مردم معارف قرآن را از آن حضـرت می آموزند و تفسیر و پیام و مفهوم آن را آن گونه که خدا اراده فرموده است می شناسند و بر معارف بلند و رازهای شگفت آن که تا آن زمان، ناشـناخته و پوشـیده مانـده آگاهی می یابنـد. امیرمؤمنان علیه السـلام فرمود: «یَعْطِفُ الْهَوَی عَلَی الْهُدَی إِذَا عَطَفُوا الْهُدَی عَلَی الْهَوَی وَ یَعْطِفُ الرَّأْیَ عَلَی الْقُرْآنِ إِذَا عَطَفُوا الْقُرْآنَ عَلَی الرَّأْی؛(۱) او بـا محور قرار دادن قرآن، نظرات و خواسـته هـای افراد را بـه سـوی قرآن جلب کرده بـا محـک قرآن می سـنجد، آنگـاه که مردم، قرآن را مسـتمسک و محملی برای پنـدارها و توجیه خواسته ها و تمایلات خود قرار داده اند».

۴. حاکمیّت جهانی اسلام

اجرای احکـام دین در همه ابعـاد، در واقع، نگـاه اجرایی است. احکام الاهی بایـد محقق شونـد و این تحقق، مسـتلزم حاکمیت کامل و

ص:۴۳۹

۱- نهج البلاغه، ج۲، ص۲۱؛ بحار الانوار، ج۳۱، ص۵۴۹؛ میزان الحکمه، ج۱، ص۱۸۷.

فراگیر احکام اسلام در همه عرصه های زندگی بشر آن روز است.

امام باقر علیه السلام می فرماید: «إذا قامَ الْقائِمُ ذَهَبَ دَولَهُ الْباطِلِ؛(۱) هنگامی که قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور و قیام کند، هر دولت باطلی از بین می رود».

رِفاعه بن موسی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که در تفسیر آیه (وَ لَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِی السَّماواتِ وَ الْأَرْضِ طَوْعاً وَ کرْهاً)(۲) فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ لَا یَبْقَی أَرْضٌ إِلَّا نُودِیَ فِیهَا شَهَادَهُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ أَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللَّه؛(۳) هنگامی که مهدی قیام کند، زمینی نمی ماند مگر این که در آن جا بانگ شهادت به یگانگی خدا و رسالت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بلند می شود».

۵. ترویج فضائل اخلاقی

همان گونه که انسان، محور اصلی برنامه ریزی ها، قوانین، علوم و دیگر مسائل جامعه بشری است. اصلاحات و تحولات و انقلاب ها نیز، نخست باید از درون انسان آغاز شود و در حوزه وجودی او شکل گیرد و سپس به برون جامعه سرایت کند؛ زیرا چگونگی اموری مانند: اقتصاد، سیاست، جنگ، صلح، اخلاق، ضداخلاق، ارزش، ضد ارزش، خوش بختی، بدبختی، ایثار، خودخواهی، مهرورزی، نظم، بی نظمی،

۱- الکافی، ج۸، ص۲۷۸.

۲- سوره آل عمران، آیه ۸۳.

۳- بحار الانوار، ج۵۲، ص ۳۴۰.

همه و همه به چگونگی تعامل و رفتار انسان باز می گردد. از این رو، بایسته است بهترین برنامه ها و آموزش ها به دست انسان های شایسته اجرا شود و گرنه سودی نمی بخشد و تحولی نمی آفریند؛ زیرا بهترین قوانین، صالح ترین مجریان را می طلبد چرا که پرورش و رشد فضائل انسانی و تربیت اصولی افراد، مقدمه اصلی تشکیل هر نظام صالح و انسانی است.

امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اصـلاحات زیربنایی خویش را از این نقطه (تربیت اجتماعی) آغاز می کنـد تا زمینه برای سایر برنامه های اصـلاحی پدیـد آیـد و شـرایط برای تحقق رفاه، عـدالت، دادگری، قانون شناسـی، تعهدپذیری، گسترش محبّت، ایثار و فداکاری در همه سطوح جامعه، پدیدار گردد.

اقـدامات اصـلاحی حضـرت، چون برپایه اخلاق و تربیت برخواسـته از تعلیمات سازنـده قرآن اسـتوار است، جامعه را به سـمت جـامعه ای برخوردار از آداب و رفتـار حسـنه و فرهنـگ معنوی و دینی سوق می دهـد؛ رشـد آگاهی های دینی مردم و ترویج آموزه هـای قرآن و تعلیمـات دینی در جامعه، رفتارهای اخلاقی را در میان مردم افزایش می دهـد و در نتیجه، موازین اخلاقی، تربیت و آداب صحیح، به صورت

ص:۴۴۱

یک فرهنگ در جامعه نهادینه شده و عوامل ضد اخلاقی زدوده می شود.

منشأ اغلب ناسازگاری های اجتماعی، نابخردی و پایین بودن سطح فرهنگ و تربیت انسانی است. با رشد تربیت و تکامل عقل، کینه ها به محبّت و دوستی تبدیل می شود، روابط اجتماعی بر اصل انسان دوستی و نوع خواهی استوار می گردد و مهر و عاطفه در همه سطوح جامعه گسترش می یابد.

امیرمؤمنان علیه السلام در این باره می فرماید: «وَ لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا... لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ؛(۱) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون می رود».

۶. توسعه اقتصاد و معیشت عمومی

در بعد اقتصاد و معیشت، به برکت اقدامات اصلاحی حضرت، گشایش فوق العاده ای در وضع معیشت و اقتصاد مردم پدید می آید. و چون بخش عمده ای از نابسامانی ها و جنایات، ناشی از فقر و نیاز و فلاکت اجتماعی بوده و بسیاری از درگیری ها و بیماری ها نتیجه شوم فقر و بی نوایی است، لذا حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حل مشکلات اقتصادیِ خانواده بزرگ بشر و توسعه رفاه و معیشت مردم اقدام می کند. با عنایت و مدیریت حضرت، عوامل فقر و نابسامانی از

۱- الخصال، ص۶۲۶؛ تحف العقول، ص۱۱۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۱۶.

جامعه رخت برمی بندد و عمران و آبادانی و بی نیازی جایگزین آن می شود، خیرات و برکات و نعمت ها از هر سو فرو می بارد و به همه قشرها و طبقات جامعه می رسد.

اهمیّت توسعه اقتصادی و معیشت مردم، از آن رو است که مسأله اقتصاد و رفاه اجتماعی بستر تحقق سایر تحولات اجتماعی شمرده می شود. تا جایی که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در مورد اهمیّت کلیدی و تأثیرگذار این موضوع می فرماید: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي الْخُبْزِ وَ لَا تُفَرِّقْ بَيْنَنَا وَ بَيْنَهُ فَلَوْ لَا الْخُبْزُ مَا صُمْنَا وَ لَا صَلَّيْنَا وَ لَا أَدَّيْنَا فَرَائِضَ رَبِّنَا؛(۱)پروردگارا! به نان ما برکت بده و میان ما و نان جدایی مینداز؛ زیرا اگر نان (اشاره به مواد غذایی و دیگر احتیاجات معیشت) نباشد، نه می توانیم نماز بخوانیم، نه می توانیم روزه بگیریم و نه دیگر واجبات الاهی را به جا آوریم».

به همین دلیل در اصلاحات مهدوی، بر اهمیّت موضوع اقتصاد و معیشت و تأثیرات آن در سایر شئون حیات انسانی، تأکید فراوان شده است. در حقیقت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با اصلاحات اقتصادی خویش، ممنوعیت های تحمیلی و ظالمانه را برمی دارد و به همگان اجازه

۱- المحاسن، ج۲، ص۵۸۶؛ الکافی، ج۵، ص۷۳؛ ج۶، ص۲۸۷؛ وسائل الشیعه، ج۲۴، ص۳۲۳.

می دهـد که از ذخائر و نعمت هایی که خداونـد برای بنـدگانش آفریـده است، در پرتو عـدالت و آزادی بهره گیرند. او اجازه می دهـد که مردم از زمین و گنجینه ها و منابع و معادن آن و از مراتع و مزارع حاصل خیز اسـتفاده کنند. بدین جهت است که برکات طبیعی چندین و چند برابر می گردد و ثروت های عمومی افزایش می یابد و حضـرت، با اجرای اصل عدالت اجتماعی، تمام نابسامانی ها را سامان می دهد، نیازها را برآورده می گرداند و رفاه اقتصادی و آسایش همگانی را به ارمغان می آورد.

نکته قابـل تأمل در بررسـی توسـعه اقتصاد و رفاه در حکومت مهـدوی آن است که ابعاد فرهنگی و روحی دسـتاوردهای مادّی حکومت مهدوی، هرگز نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ زیرا در عصـر ظهور، بشـریت علاوه بر بی نیازی ظاهری که در اثر توزیع عادلانه ثروت به دست می آیـد، از نظر روحی و باطنی نیز به بی نیازی می رسـد و روحیه زیاده خواهی او از بین خواهد رفت؛ یعنی همزمـان بـا رشـد اقتصـاد و معیشت جـامعه، ارزش هـای انسانی توسـعه یافته و فرهنگ و تربیت در رفتار مردم نهادینه می شود، در نتیجه نگرش ها نسبت به مال و ثروت تغییر می کند و برخورداری از

دنیا، رنگ الاهی و ارزشی به خود می گیرد.

از این رو در بسیاری از روایات، ضمن اشاره به مظاهر و نمودهای عینی اصلاحات اقتصادی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، از اِشباع روح غنا و بی نیازی مردم توسط آن حضرت، خبر داده است.

در این خصوص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «أبشِرُوا بِالمَهدِیّ...یَملَأُ قُلُوبَ أُمّهِ مُحَمّدٍ غِنیً و یَسَعُهُم عَدْلُهُ حَتّی أَنّه یَأمُرُ مُنَادِیًا فَیُنَادِی: مَنْ لَهُ حَاجَهً؟ فَمَا یَأتِیهِ أَحَدٌ إلّا رَجُلٌ وَاحِدٌ یَأتِیهِ یَسأَلُهُ فَیقُولُ: اِئْتِ السَّادَنَ یُعطِیک. فَیأتِیهَ فَیقُولُ: أَنَا رَسُولُ الْمَهدِی إِلَیک لِتُعْطِینِی مَالًا فَیقُولُ: احْثَ، فَیحْثِی فَلَا یَستَطِیعُ أَنْ یَحْمِلُهُ، فَیُلقَی حَتّی یَکونَ قَدْرَ مَا یَستَطِیعُ أَنْ یَحْمِلُهُ، فَیخرُجُ بِهِ فَیَندَمُ فَیقُولُ: أَنَا کنْتُ أَجْشَعُ أُمّهِ مُحَمّدٍ نَفْسًا کلّهُم دَعِی إِلَی هَذَا الْمَال فَتَرَکهُ غَیری، فَیَرُدّهُ عَلَیهِ، فَیقُولُ: إِنّا لَا نَقْبَلُ شَیئًا أَعْطَینَاهُ؛[(۱)] آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف برشما بشارت باد... همان کسی که به برکت او، دل های امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم از غنا و بی نیازی لبریز می شود و عدالتش همه را در بر می گیرد، تا آن جا که دستور می دهد ندا کننده ای ندا دهد: ای مردم! هرکس نیاز مالی دارد بیاید و هر چه می خواهد بگیرد و جز یک نیازمند، کسی نمی آید. آن شخص می آید و امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به او می فرماید: «نزد خزانه دار برو تا آن چه می خواهی به تو بدهد». او نزد خزانه دار می رود و می گوید: من از سوی امام

۱- الملاحم و الفتن، ص۳۱۸؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۹۲.

مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آمده ام تا به من کمک کنی و ثروتی به من بدهی. خزانه دار می گوید: آن چه می خواهی برگیر! و او آن قدر زر و سیم برمی دارد که نمی تواند ببرد، مقداری از آن را برمی گرداند و بقیه را می برد؛ امّا وقتی از خزانه دور می شود پشیمان شده و می گوید: گویی من حریص ترین فرد از امت محمد صلی الله علیه و آله و سلم هستم. همه برای دریافت مال دعوت شدند، امّا جز من کسی نیامد. از این رو نزد خزانه دار برمی گردد و زر و سیم را پس می دهد؛ امّا خزانه دار نمی پذیرد و می گوید که ما چیزی را که بخشیدیم، دیگر نمی پذیریم».

در باره فراوانی نعمت و فراگیر شدن رفاه در عصر ظهور، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «یَکونُ مِنْ أُمَّتِیَ الْمَهْدِیُّ...یَتَنَعَّمُ أُمَّتِی فِی زَمَانِهِ نَعِیماً لَمْ یَتَنَعَّمُوا مِثْلَهُ قَطُّ الْبِرُّ وَ الْفَاجِرُ یُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَیْهِمْ مِدْرَاراً وَ لَا تَدَّخِرُ الْأَرْضُ شَیْئاً مِنْ نَبَاتِهَا؛(۱) در امت من مهدی قیام می کند... در زمان او مردم به نعمت هایی دست می یابند که در هیچ زمانی دست نیافته اند. آسمان برکات خود را بر نیکان و بدان می باراند و زمین چیزی از خیرات و روییدنی های خود را پنهان نمی کند».

در کلام دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می فرماید: «لَیَبْعَثَنَّ اللَّهُ مِنْ عِتْرَتِی رَجُلًا أَفْرَقَ الثَّنَایَا أَجْلَی الْجَبْهَهِ یَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا وَ یَفِیضُ الْمَالُ

ص:۴۴۶

۱- دلائل الأمامه، ص۴۷۸؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۷۸.

فَیْضاً؛(۱) همانا خدا از عترت من مردی را برمی انگیزد که دندان های ثنایای او گشاده و پیشانی اش بلند و درخشان است. او زمین را سرشار از عدل می کند و مال فراوانی به مردم می بخشد».

امام باقر علیه السلام درباره برچیده شدن ظلم و ایجاد رفاه در دوران ظهور، می فرماید: «وَ یُعْطِی النَّاسَ عَطَایَا مَرَّتَیْنِ فِی السَّنَهِ وَ یَرْزُقُهُمْ فِی الشَّهْرِ رِزْقَیْنِ وَ یُسَوِّی بَیْنَ النَّاسِ حَتَّی لَا تَرَی مُحْتَاجاً إِلَی الزَّکاهِ وَ یَجِی ءُ أَصْحَابُ الزَّکاهِ بِزَکاتِهِمْ إِلَی الْمَحَاوِیجِ مِنْ شِیعَتِهِ فَلَا یَقْبَلُونَهَا فَیَصُرُّونَهَا وَ یَدُورُونَ فِی دُورِهِمْ فَیَخْرُجُونَ إِلَیْهِمْ فَیَقُولُونَ لَا حَاجَهَ لَنَا فِی دَرَاهِمِکمْ... فَیُعْطِی عَطَاءً لَمْ یُعْطِهِ أَحَدٌ قَبْلَه؛(۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سال، دوبار به مردم مال می بخشد و در ماه دوبار وسائل معیشت به آنان می دهد... تا جایی که نیازمندی به زکات باقی نمی ماند و صاحبان زکات، زکاتشان را نزد محتاجان می آورند و ایشان نمی پذیرند. پس آنان زکات خویش در کیسه هایی می نهند و [برای یافتن محتاجی] در اطراف خانه ها می گردند، امّا مردم بیرون می آیند و می گویند: «ما را به پول شما نیازی نیست... پس مهدی دست به بخشش گشاید، چنان که تا آن روز کسی آن چنان بخشش اموال نکرده باشد».

ص:۴۴۷

۱- کشف الغمه، ج۲، ص۴۸۷؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۹۶.

۲- الزام الناصب، ج۲، ص۲۶۷؛ مجمع النورین، ص۳۴۶؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۹۰.

در روایت دیگر نیز، حضرت باقر علیه السلام می فرماید: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ... فَحِينَئِذٍ تُظْهِرُ الْأَرْضُ كُنُوزَهَا وَ تُبْدِى بَرَكاتِهَا فَلَا يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِين؛(۱)چون حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، در آن روز زمین گنج های خود را ظاهر سازد و همه برکات خویش را آشکار نماید به گونه ای که کسی از شما موردی برای انفاق و صدقه و کمک مالی نمی یابد؛ زیرا همه مؤ منان، بی نیاز و توانگر خواهند شد».

مفضل گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّها وَ اسْتَغْنَى الْعِبَادُ عَنْ ضَوْءِ الشَّمْسِ... وَ يَطْلُبُ الرَّجُلُ مِنْكمْ مَنْ يَصِلُهُ بِمَالِهِ وَ يَأْخُذُ مِنْ زَكاتِهِ لَا يُوجَدُ أَحَدٌ يَقْبَلُ مِنْهُ ذَلِك اسْتَغْنَى النَّاسُ بِمَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ؛(۲) زمانی که قائم ما ظهور کند، زمین با نور خدای روشن شود... و شخصی از شما به جستجوی فردی می گردد که مال زکات را بگیرد ولی کسی را نمی یابد که آن را بپذیرد. در آن روزگار، مردمان همگی با فراوانی نعمت های الاهی، بی نیاز می گردند».

۷. استقرار امنیت فراگیر

ازدیگر پیامدهای حکومت عدل مهدوی، استقرار ثبات و امنیّت عمومی در سطوح مختلف جامعه عصر ظهور است. آرامش و امنیت روحی

۱- الارشاد، ج۲، ص۳۸۴؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۳۸.

۲- الارشاد، ج۲، ص ۳۸۱؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۷.

روانی، از اساسی ترین نیازهای بشر است که قبل از همه، قرآن کریم وعده تحقق آن را داده است: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِینَ آمَنُوا مِنْکمْ وَ عَمِلُوا الصَّالِحاتِ لَیَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِی الْأَرْضِ کمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِینَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَیُمَکنَنَّ لَهُمْ دِینَهُمُ الَّذِی ارْتَضی لَهُمْ وَ لَیُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْناً یَعْبُدُونَنِی لا یُشْرِکونَ بِی شَیْئا)؛(۱) «خداوند به کسانی از شما که ایمان آورده و کارهای شایسته انجام داده اند، وعده می دهد که قطعاً آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، همان گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا و ریشه دار خواهد ساخت؛ و ترسشان را به امنیت و آرامش مبدل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و چیزی را شریک من نخواهند ساخت و کسانی که پس از آن کافر شوند، آن ها فاسقان اند».

روایاتی که در تفسیر این آیه شریفه وارد شده است، منظور از آیه را عصر ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دانسته است، چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «نَزَلَتْ فِی الْقَائِمِ وَ أَصْحَابِه؛(۲) این آیه در شأن حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف و یاران او نازل شده است».

ص:۴۴۹

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۲۴۰؛ تفسیر القمی، ج۱، ص۱۴؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۲۸۲.

این آیه، حامل سه بشارت مهم به مؤمنان است؛ اول حاکمیت بر کل زمین. دوم، تمکین دین و حاکمیت قوانین الاهی بر تمامی عرصه های زندگی مردم. سوم، برطرف شدن تمامی عوامل ترس و ناامنی و جایگزین شدن امنیت و آرامش همگانی به عنوان بزرگ ترین نعمت هدیه شده بر مردمان عصر ظهور.

اهمیت دستاورد شیرین امنیت در نظام مهدوی، آنگاه به خوبی آشکارمی شود که تصور روشنی از چالش های امنیتی جامعه پیش از ظهور داشته باشیم؛ زیرا در شرایطی که مردمان دوران قبل از ظهور، برای به دست آوردن آرامش و آسایش، انواع فرمول های مدیریتی و امکانات علمی و تکنیکی را به استخدام می گیرند تا شاید بتوانند حداقل آسایش این جهانیِ خود را تأمین کنند، ولی نه تنها ناتوان اند، بلکه هرروز جهان را تنگ و تاریک تر و نا امن می بینند. امّا در دوران پس از ظهور، اصلاحات امنیتی و مکانسیم های مورد استفاده در سیستم حکومتی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای مؤثر و کارآمد است که همگان، بدون احساس اضطراب و ناامنی، زندگی می کنند و عوامل ترس و دلهره در همه اشکالش نابود می گردد و انسان های آن روز به آرامش فراگیر و امنیّت آرمانی دست می یابند

ص:۴۵۰

و در سراسر کره زمین، بشر در صلح و اطمینان خاطر و آسایش و آرامش فکری زندگی می کند.

ویژگی منحصر به فرد نظام مهدوی در استقرار امنیت فراگیر، آن است که این ثبات و امنیت بی نظیر، نه از سر قهر و غلبه و شیوه نظامی و پلیسی، بلکه ناشی از اجرای دقیق عدالت و وجود وابستگی و پیوند عمیق معنوی و عاطفی مردم با حکومت و امام خویش است. این پیوند و رضایت عمومی سبب جامعه پذیری حد اکثری حکومت مهدوی و نهادینه شدن قوانین و مقررات آن می گردد؛ زیرا مردم جهان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را مظهر تحقق آرزوهای خود می دانند و به او عشق می ورزند؛ آن گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «تَأوِی إلَیْهِ أُمَّتُهُ کمَا تَأْوِی النَّحْلَه یَعْسُوبَها؛(۱) مردم همانند زنبور عسل نسبت به ملکه خود، به مهدی علاقه مند و دلبسته اند و به او پناه می آورند».

مصداق روشن پیوند عمیق میان امام و امت را در رضایت عمومی مردم می توان مشاهده کرد؛ رضایت و پیوندی که ضمانت اجرایی امنیّت محسوب می شود. در آن دوران، علاقه و دل بستگی مردم به امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به گونه ای است

۱- الملاحم والفتن، ص۱۴۷؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص۲۲۰.

که با مردم با میل و رغبت به سوی او روی می آورند و با جان و دل از آن حضرت رضایت دارند. رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در این مورد می فرماید: «الْمَهْدِیُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِی ... یَرْضَی فِی خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّیْرُ فِی الْجَو؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از فرزندان من است که زمین را پر از عدل می کند، همان گونه که پر از ظلم شده است. او کسی است که همه اهل آسمان و زمین، حتی پرندگان در هوا، از حکومت او راضی و خشنودند».

آن حضرت در جای دیگر می فرماید: «أُبَشِّرُکمْ بِالْمَهْدِیِّ...یَرْضَی عَنْهُ سَاکنُ السَّمَاءِ وَ سَاکنُ الْأَرْضِ ؛(۲) شما را به آمدن مهدی بشارت می دهم، کسی که ساکنان آسمان و زمین از آمدن او راضی و خشنود خواهند بود».

ابو سعید خدری گوید: پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یَرْضَی عَنْهُ سَاکنُ السَّمَاءِ وَ سَاکنُ الْأَرْضِ لَا یَدَعُ السَّمَاءُ مِنْ قَطْرِهَا شَیْئاً إِلَّا صَبَّهُ مِدْرَاراً وَ لَا یَدَعُ الْأَرْضُ مِنْ نَبَاتِهَا شَیْئاً إِلَّا أَخْرَجَتْهُ حَتَّی یَتَمَنَّی الْأَحْیَاءُ الْأَمْوَات؛(۳) ساکنان زمین و آسمان از او (مهدی) خشنود اند، آسمان بارانش را می فرستد و زمین روئیدنی های خود را می رویاند و چیزی دریغ نمی دارد. حتی مردگان

۱- بحار الانوار، ج۵۱، ص۸۰؛ اعیان الشیعه، ج۲، ص۵۲.

۲- الغیبه، طوسی، ص۱۷۸؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۷۴.

۳- شرح الاخبار، ج۳، ص۳۸۵؛ الطرائف، ج۱، ص۱۷۸؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۱۰۴.

آرزوی زنده شدن می کنند تا عدل و اطمینان و خیر بسیاری را که خدا به ساکنان زمین می رساند، ببینند».

امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَکَمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِی أَیَّامِهِ الْجَوْرُ وَ أَمِنَتْ بِهِ السُّبُل؛(۱) چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، حکم به عدل می فرماید. در روزگار او ظلم و ستم برداشته می شود و راه ها ایمن می گردد».

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «لَوْ قَدْ قَامَ قَائِمُنَا لَأَنْزَلَتِ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَ لَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ نَبَاتَهَا وَ لَذَهَبَتِ الشَّحْنَاءُ مِنْ قُلُوبِ الْعِبَادِ وَ اصْطَلَحَتِ السِّبَاعُ وَ الْبَهَائِمُ حَتَّی تَمْشِیَ الْمَرْأَهُ بَیْنَ الْعِرَاقِ إِلَی الشَّامِ لَا تَضَعُ قَدَمَیْهَا إِلَّا عَلَی النَّبَاتِ وَ عَلَی رَأْسِهَا زِینَتُهَا لَا یُهَیِّجُهَا سَبُعٌ وَ لَا تَخَافُه؛(۲) چون قائم ما قیام کند، کینه ها از دل ها بیرون رود و حتی درندگان نیز باهم سازگاری کنند، امنیت چنان فراگیر شود که زنی همراه با زیورآلات خود، از عراق تا شام سفر کند، بدون این که هیچ دغدغه و نگرانی از خطر داشته باشد».

۸. اجرای عدالت اجتماعی

یکی از دیگر کارکردهای ملموس حکومت جهانی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سلوک دادگرایانه آن حضرت و استقرار عدالت در جامعه است. بسط عدالت

۱- اعلام الوری، ص۴۶۲؛ کشف الغمه، ج۳، ص۴۶۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

۲- الخصال، ص۶۲۶؛ تحف العقول، ص۱۱۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۱۶.

نیز، با تشکیل حکومت در یک گوشه جهان میسر نخواهد بود، بلکه مستلزم تشکیل حکومت جهانی است.

در عصر ظهور، عدالت فراگیر در همه سطوح جامعه، آثار و برکات خود را نشان خواهد داد. عدالت مهدوی به نیاز های فردی، اجتماعی، طبیعی و غریزی انسان ها نظر دارد و استعدادهای آدمی را در بستر مناسب رشد می دهد. روایاتی که به توصیف عصر ظهور پرداخته اند، به سطوح مختلف عدالت در عصر ظهور اشاره کرده اند.

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «یَبْعَثُ الْمَهدِیُّ اِلَی أُمَرَائِهِ بِسَائِرِ الْاَمْصَارِ بِالْعَدْلِ بَیْنَ النَّاسِ؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف والیان و فرمانداران خود را به شهرهای جهان اعزام می کند تا عدالت را در میان مردم به اجرا گذارند».

در روایت پیشین از امام صادق علیه السلام نیز آمده است: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ حَکمَ بِالْعَدْلِ وَ ارْتَفَعَ فِی أَیَّامِهِ الْجَوْرُ ؛(۲) چون قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام کند، حکم به عدل می فرماید. در روزگار او ظلم و ستم برداشته می شود».

در حکومت مهدوی، ابعاد و عرصه های عدالت، در امور اقتصادی و رفع فقر و تبعیض خلاصه نمی شود، بلکه اقامه قسط، شامل تمام

۱- حیاه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ص۲۹۲.

۲- اعلام الوری، ص۴۶۲؛ کشف الغمه، ج۳، ص۴۶۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۸.

عرصه های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، حقوقی و ... خواهد شد.

در پرتو عـدالت امام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف کارگزاران و حکمرانان و صاحبان مناصب کلیدی، هرچه به مقام و منزلت اجتمـاعی بالاـتری دست می یابنـد، برخورداری آن هـا از امکانات و ثروت کمتر می شود؛ یعنی در حکومت مهـدوی، تکیه زدن بر جایگـاه های رفیع، همراه با زهـد بیشتر است. از این رو هنگامی که نزد امام رضا علیه السـلام سـخن از ظهور قائم عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف به میـان می آیـد، ایشـان می فرمایـد: «وَ مَـا لِبَـاسُ الْقَـائِمِ علیه السـلام إِلَّا الْغَلِیـظُ وَ مَـا طَعَامُهُ إِلَّا الْجَشِبُ؛(۱)لباس قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف جز پارچه زِبر و خشن و غذای او جز خوراک ناگوار نخواهد بود».

عبـدالله بن مسـعود از رسول خدا صـلی الله علیه و آله و سـلم نقل کرده است که فرمود: «یَقْسِمُ الْمَالَ بِالسَّوِیَّهِ وَ یَجْعَلُ اللَّهُ الْغِنَی فِی قُلُوبِ هَذِهِ الْأُمَّه؛(۲)مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف مال و دارایی فراوانی را میان مردم به طور مساوی تقسـیم می کند و خداوند در دل های آنان، روح استغنا و بی نیازی قرار می دهد».

یکی دیگر از شـاخصه هـای عـدالت اقتصادی در زمان ظهور، مساوات، رفع تبعیض و توزیع عادلانه ثروت در میان مردم است. ابوسعید خدری از رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده که فرمود:

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۸۵؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۵۹.

۲- کشف الغمه، ج۲، ص۴۷۴؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۸۴.

«أَبَشِّرُکمْ بِالْمَهْدِیِّ یُبْعَثُ فِی أَمَّتِی ...یَقْسِمُ الْمَالَ صِحَاحاً فَقَالَ لَهُ رَجُلٌ وَ مَا صِحَاحاً قَالَ السَّوِیَّهُ بَیْنَ النَّاس؛(۱) به شما مژده آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را می دهم که در آینده میان امت من برانگیخته می شود، او اموال را به نحو صحاح تقسیم می کند. شخصی پرسید: صحاح چیست؟ آن حضرت فرمود: توزیع یکسان دارایی میان مردم».

اجرای عدالت و مساوات، روحیه برادری اجتماعی را استحکام می بخشد و باعث می شود که همه احساس برابری کنند: «وَأُلْقِیَ الرَّأْفَهَ وَالرَّحْمَهَ بَیْنَهُمْ فَیَتَوَاسَوْنَ وَیَقْتَسِمُونَ بِالسَّوِیَّهِ فَیَسْتَغْنِی الْفَقِیرُ وَلَایَعْلُو بَعْضُهُمْ بَعْضاً؛(۲) رأفت و رحمت را بین مردم می افکند. پس نسبت به یک دیگر مواسات خواهند داشت و مال را به تساوی تقسیم می کنند. بدین سبب، فقیر بی نیاز می شود و فاصله طبقاتی توانگر و ضعیف از جامعه رخت برمی بندد».

بدیهی است که ایجاد مساوات در جامعه و برقراری قسط قرآنی، احتیاج به افزایش ثروت و امکانات دارد که این مطلوب، در حکومت مهدوی با عمران و آبادانی زمین محقق خواهد شد. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ علیه السلام حَکمَ بِالْعَدْلِ...فَلَا

۱- الطرائف، ص ۳۵۱ ؛ کشف الغمه، ج ۲، ص ۴۷۱؛ بحار الانوار، ج ۵۱، ص ۸۱.

۲- الزام الناصب، ج ۲، ص ۲۴۶؛ بحار الانوار، ج ۵۲، ص ۳۸۵؛ معجم احادیث الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج ۵، ص ۲۰۰.

يَجِدُ الرَّجُلُ مِنْكمْ يَوْمَئِذٍ مَوْضِعاً لِصَدَقَتِهِ وَ لَا لِبِرِّهِ لِشُمُولِ الْغِنَى جَمِيعَ الْمُؤْمِنِين؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به حکم داود علیه السلام و محمد صلی الله علیه و آله و سلم میان مردم حکم می کند. در این هنگام، زمین گنج ها و برکات خود را آشکار می کند و به سبب توانگر شدن مردم، کسی نیازمند به صدقه و نیکی را نمی یابد تا به او صدقه بدهد».

در برخی روایات، تصریح شده است که در عصر ظهور، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف با گسترش عدالت، جهان مرده به سبب ظلم را، حیات دوباره می بخشد. امام باقر علیه السلام در تأویل آیه شریفه (اِعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها)(۲) می فرماید: «فَيُحْيِيهَا اللَّهُ بِالْقَائِمِ فَيَعْدِلُ فِيهَا فَتَحْيَا الْأَرْضُ وَ يَحْيَا أَهْلُهَا بَعْدَ مَوْتِهِم؛(۳) خداوند زمین را به دست حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف زنده می کند. او در زمین به عدالت رفتار می کند، از این رو، زمین را با اجرای عدل زنده می گرداند، پس از آن که به سبب ظلم مرده است».

هم چنین در روایتی از امام کاظم علیه السلام در تفسیر همین آیه آمده است: «لَيْسَ يُحْيِيهَا بِالْقَطْرِ وَ لَكِنْ يَبْعَثُ اللَّهُ رِجَالًا فَيُحْيُونَ الْعَدْلَ فَتُحْيَا الْأَرْضُ لِإِحْيَاءِ الْعَدْلِ؛(۴) این چنین

۱- الإرشاد، ج ۲، ص ۳۸۵؛ معجم الاحادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۱، ص ۲۴۰.

۲- سوره حدید، آیه ۱۷.

۳- الزام الناصب، ج۱، ص۹۳؛ ینابیع الموده، ج۳، ص۲۵۲؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۵، ص۴۴۲.

۴- الکافی، ج۷، ص۱۷۴؛ نور الثقلین، ج۴، ص۱۷۳.

نیست که خداوند زمین را باریزش باران زنده کند، بلکه مردانی را بر می انگیزد که عدالت را زنده می کنند و در نتیجه، زمین با احیای عدالت زنده می شود».

بر پایه این روایات، همان گونه که کفر و بیداد، کشنده است، ایمان و عدالت نیز زنده کننده است. دولت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف دولت ایمان و عدالت است و آن حضرت با گسترش ایمان و عدالت، زمین و اهل زمین را زنده می کند. و چون عدالت مایه حیات جامعه است، هر کس استعداد زنده شدن و کمال یافتن را داشته باشد، با نَفَس مسیحایی آن حضرت، زنده خواهد شد.

دادگری حکومت مهدوی، به پیروان حضرت محدود نخواهد شد؛ بلکه هر کس در برابر ولایت و سرپرستی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف گردن فرازی نکند و ندای استغنا سرندهد، مشمول آن خواهد بود و همگان از سفره تنعّم حضرت بهره مند خواهند بود. بشر بن غالب از امام حسین علیه السلام روایت کرده است که حضرت فرمود: «إِذَا قَامَ قَائِمُ الْعَدْلِ وَسِعَ عَدْلُهُ الْبَرَّ وَ الْفَاجِر؛(۱) آن گاه که برپا کننده عدل قیام کند، عدالتش، نیکوکار و فاجر را در بر می گیرد».

عدالت مهدوی، تنها روابط اجتماعی و

ص:۴۵۸

۱- المحاسن، ج۱، ص۶۱؛ بحار الانوار، ج۲۷، ص۹۱.

مناسبات افراد جامعه را تحت تأثیر قرار نمی دهد، بلکه آثار و برکات آن به تمام روابط انسان در جامعه، تاریخ و هستی تسرّی می یابد و این کاری است که از هیچ رهبر و نظام حکومتی دیگری برنمی آید. فضیل بن یسار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ...لَيَدْخُلَنَّ عَلَيْهِمْ عَدْلُهُ جَوْفَ بُيُوتِهِمْ كَمَا يَدْخُلُ الْحَرُّ وَ الْقُرُّ؛(۱) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف آنگاه که قیام کند، عدالت را به درون خانه های مردم وارد می کند، هم چنان که سرما و گرما وارد خانه ها می شود».

وسعت دادگری و عدالت آفرینی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور، زندگی سرشار از آرامش را برای همه به ارمغان خواهد آورد و چتر حمایت او بر سر هر بی پناهی گسترده خواهد بود تا زندگی در کام او شیرین شود و همگان از مواهب حیات بهره مند گردند، تا جایی که همه از او راضی و خرسند خواهند بود. به گفته حُذیفه، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «الْمَهْدِيُّ رَجُلٌ مِنْ وُلْدِي...يَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مُلِئَتْ جَوْراً يَرْضَى فِي خِلَافَتِهِ أَهْلُ الْأَرْضِ وَ أَهْلُ السَّمَاءِ وَ الطَّيْرُ فِي الْجَو؛(۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مردی از فرزندان من است. او زمین را از عدل و قسط پر کند چنان که از ستم پر شده است، اهل زمین و آسمان و مرغان هوا از خلافت او راضی

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۹۷؛ الزام الناصب، ج۲، ص۲۳۵.

۲- کشف الغمه، ج۲، ص۴۶۹؛ بحار الانوار، ج۱، ص۸۰.

هستند».

ابوسعید خدری از حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم نقل نموده که فرمود: «أَبْشِرُوا بِالْمَهْدِیِّ... یَمْلَأُ قُلُوبَ عِبَادِهِ عِبَادَةً وَ یَسَعُهُمْ عَدْلُهُ؛(۱) شما را به آمدن مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مژده می دهم، او دل های بندگان را پر از حس بی نیازی می کند و دادگری اش همگان را فرا می گیرد».

آثار و برکات عدالت در جامعه موعود، به گونه ای گسترده، زیبا، فرح بخش و بهجت آور است که می توان جامعه مهدوی را تجلّی حیات بهشتی در روی زمین دانست. در پرتو حکومت عدل مهدوی، مواهب طبیعی نیز افزایش خواهند یافت و زمین و آسمان تمامی ذخایر خود را سخاوتمندانه به مردم عصر ظهور عرضه می کنند. گو این که طبیعت، بیش از آدمیان در انتظار قدوم امام علیه السلام است تا درون مایه های خود را به تشنگان عدالت تقدیم کند. چنان که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «یَتَنَعَّمُ أُمَّتِی فِی زَمَنِ الْمَهْدِیِّ نِعْمَةً لَمْ یَتَنَعَّمُوا قَبْلَهَا قَطُّ یُرْسِلُ السَّمَاءَ عَلَیْهِمْ مِدْرَاراً وَ لَا تَدَعُ الْأَرْضُ شَیْئاً مِنْ نَبَاتِهَا إِلَّا أَخْرَجَتْهُ؛(۲) امّت من در زمان ظهور مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چنان از نعمت های فراوان بهره مند خواهد شد که پیش از آن هرگز کسی از چنین نعمتی برخوردار نشده است، باران رحمت بر آن ها فرو می ریزد و زمین گیاهانش را بر آنان آشکار می کند».

۱- دلائل الأمامه، ص۴۸۲.

۲- کشف الغمه، ج۲، ص۴۷۳؛ بحار الانوار، ج۵۱، ص۷۳.

مبارزه با انباشت و تکاثر امکانات و ثروت و بازپس گیری ثروت های غصب شـده، یکی از راه های اجرای مساوات و برقراری عـدالت اقتصـادی در نظـام مهـدوی است. امام صادق علیه السـلام می فرمایـد: «فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا حَرَّمَ عَلَى كلِّ ذِی كنْزٍ كنْزَهُ حَتَّى يَأْتِيَهُ فَيَسْتَعِينَ بِهِ عَلَى عَدُوِّه؛(۱) چون قائم ما قیام کنـد، هر گنجی را بر صاحب آن حرام می کنـد تا آن را به خدمت او آورد و او آن گنج را در راه مبارزه با دشمنان به کار خواهد بست».

۹. عمران و آبادانی زمین

افزایش نعمـات و مواهب زنـد گی در عصـر ظهور، امر غیر طبیعی و معجزه نیست؛ بلکه نتیجه مـدیریت معصومـانه امـام مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و اقدامات آن حضرت در توسعه و عمران جامعه عصر ظهور است.

گسترش عمران و آبادانی، فزونی برکات زمینی و آسـمانی، خارج شـدن گنج ها و معادن سـرشار زمین و... نشان می دهد که کـار و تلاـش در بخش هـای مختلف زراعت و کشـاورزی و غیره به اوج ترقی خود می رسـد؛ برخلاف وضع کنونی که موانع بسـیاری بر سـر راه بهره وری صـحیح از مواهب زمین، فراروی انسان ها قرار دارد. در حقیقت، مهم ترین عامل فقر، محرومیّت، کمبود،

۱- تفسیر عیاشی، ج۲، ص۸۷؛ وسائل الشیعه، ج۹، ص۵۴۸؛ بحار الانوار، ج۷۰، ص۱۴۳.

گرسنگی، تورم و بینوایی توده ها، دولت ها و حکومت های بیدادگری هستند که میان انسان و منابع طبیعی و نعمت هایی که آفریدگار هستی برای بهره وری بندگان آفریده است، فاصله افکنده اند و نتیجه این بیدادگری، مصیبت و فقر، محرومیّت و گرسنگی، گرانی و کاهش ثروت و نیروهای انسانی است که بشر همواره از آن رنج می برد.

امّا هنگامی که امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ظهور نماید، سیستم زراعی و کشاورزی به طور کامل، دگرگون شده و تمام منابع زیرزمینی، کشف و مورد استفاده قرار می گیرند. در آمد سرانه افراد، آن قدر بالا می رود که همه به سر حد بی نیازی و خودکفایی می رسند و در هیچ منطقه ای، فقیری یافت نمی شود تا کسی زکاتش را به او تحویل دهد!

امیرمؤمنان علیه السلام می فرماید: «یَبْعَثُ الْمَهدِیّ اِلَی اُمَرائِهِ بِسَائِرِ الْاَمْصَار بِالْعَدْلِ بَیْنَ النَّاس... وَ یَذْهَبُ الشَّرَّ وَ یَبْقَی الْخَیرَ وَ یَزْرَعُ الْإِنسَانُ مُدًّا یَخرُجُ لَهُ سَبْعَمِائَهَ مُدٍّ، کمَا قَالَ اللّه تَعَالی:(کمَثَلِ حَبَّهٍ أَنْبَتَتْ سَبْعَ سَنابِلَ فِی کلِّ سُنْبُلَهٍ مِائَهُ حَبَّهٍ وَ اللَّهُ یُضاعِفُ لِمَنْ یَشاء)(۱)؛(۲) مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به فرمانداران خود در شهر های مختلف دستور می دهد که با مردم

۱- سوره بقره، آیه ۲۶۱.

۲- الزام الناصب، ج۲، ص۲۶۱؛ شرح احقاق الحق، ج۲۹، ص۴۴۱.

رفتار عادلانه داشته باشند... در آن روزگار، شر به کلی از بین می رود و خیر ماندگار می شود. مردم یک مُد می کارند و هفتصد مُد برداشت می کنند، چنان که خدوند در قرآن فرموده است».

رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «يَبْعَثُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ رَجُلًا مِنِّی وَ مِنْ عِتْرَتِی فَيَمْلَأُ الْأَرْضَ عَدْلًا كَمَا مَلَأَهَا مَنْ كَانَ قَبْلَهُ جَوْراً وَ يُخْرِجُ لَهُ الْأَرْضُ أَفْلَاذَ كَبِدِهَا وَ يَحْثُو الْمَالَ حَثْواً وَ لَا يَعُدُّهُ عَدًّا؛(۱) خدای عزوجل مردی از نسل و عترت من را ظاهر می کند که زمین را پر از عدل و داد می کند، چنان که دیگران قبل از او، آن را پر از ظلم و جور کرده اند. در آن زمان، زمین، کبد (منابع و برکات) خود را برای او بیرون می ریزد و او ثروت را بدون شمارش در میان مردم تقسیم می کند».

محمد بن مسلم ثقفی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: «تُطْوَى لَهُ الْأَرْضُ وَ تَظْهَرُ لَهُ الْكُنُوزُ وَ يَبْلُغُ سُلْطَانُهُ الْمَشْرِقَ وَ الْمَغْرِبَ وَ يُظْهِرُ اللَّهُ عَزَّ وَ جَلَّ بِهِ دِينَهُ وَ لَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ فَلَا يَبْقَى فِي الْأَرْضِ خَرَابٌ إِلَّا عُمِرَ؛(۲) همه سرزمین ها برای او (مهدی) هموار شود، شرق و غرب جهان از

۱- الامالی، طوسی، ۵۱۳؛ بحار الانوار، ج۲۸، ص۱۸. «افلاذ» جمع «فلذ» به معنی قطعه و شعبه است؛ «افلاذ کبد» به اشیاء گران بها اطلاق می شود که در این جا اشاره به منابع گران قیمت و پرارزش درون زمین است.

۲- کمال الدین و تمام النعمه، ج۱، ص۳۳۱؛ اعلام الهدی بأعلام الهدی، ص۴۶۳؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۱۹۱.

او فرمان پـذیرد، گنجینه های نهفته زمین برای او ظاهر گردد و در هیـچ جای جهان ویرانی باقی نمانـد مگر این که آن را آباد کند».

ریزش نعمت ها و عمران و آبادانی شـهرها، نتیجه پرسـتش حقیقی خداوند متعال توسط مردم در سایه حکومت معصوم است و خداونـد به این دلیل، درهای برکت را از آسـمان و زمین به روی انسان ها می گشاید. از این نظر، دولت حضـرت مهدی عجل الله تعـالی فرجه الشـریف دولت احیاکننـده است. آن حضـرت، بـا اجرای عـدالت زمین را آبـاد می سازد و با حاکم کردن دین حق، جامعه عدالت پیشه را زنده می کند.

۱۰. رُشد عقلانیّت عمومی

رشــد عقلانــیت، تـوجّه بـه شــاخص هــای عقلانــی و نهـادینه شــدن فرهنـگ عقـل گرایی و خردورزی در جـامعه، از دیگر دستاوردهای حکومت مهدوی است که در عرصه های مختلف زندگی مردمان عصر ظهور، نمود پیدا می کند.

امام باقر علیه السـلام در باره رشـد عقلانیت و خرد جمعی در عصـر ظهور می فرماید: «إِذَا قَامَ قَائِمُنَا علیه السـلام وَضَعَ یَدَهُ عَلَی رُءُوسِ الْعِبَادِ فَجَمَعَ بِهَا عُقُولَهُمْ وَ کمَلَتْ بِهَا أَحْلَامُهُم؛(۱) هنگامی که قائم ما قیام کند دست خود را (کنایه از

۱- الکافی، ج۱، ص۲۵؛ کمال الدّین و تمام النعمه، ص۶۷۵.

عنایت و اشراف حضرت) بر سر بندگان قرار می دهد، پس خرد مردم زیاد شده و فهم آنان کامل می گردد».

۱۱. شکوفائی علم و فناوری

واژه «علم» با «عقلانیت» دارای دو مفهوم متفاوت است. منظور از عقلانیت، ادراکات معرفتی و شعور باطنی افراد است؛ امّا مراد از «علم» دانش و ادراکاتی است که از ره آورد تجربیات طولانی در حوزه های مختلف زندگی حاصل می شود.

توسعه حیرت انگیز دانش و آگاهی بشر در عرصه های مختلف علوم و فن اوری، از دیگر دستاوردهای مهم حکومت مهدوی در عصر ظهور خواهد بود. جامعه عصر ظهور، علاوه بر شکوفایی عقلانیت و معرفت در حوزه جهان بینی، در عرصه علم و فن اوری نیز، به پیشرفت های خارق العاده ای دست خواهند یافت.

ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام نقل کرده که فرمود: «الْعِلْمُ سَبْعَةٌ وَ عِشْرُونَ حَرْفاً فَجَمِيعُ مَا جَاءَتْ بِهِ الرُّسُلُ حَرْفَانِ فَلَمْ يَعْرِفِ النَّاسُ حَتَّى الْيَوْمِ غَيْرَ الْحَرْفَيْنِ فَإِذَا قَامَ قَائِمُنَا أَخْرَجَ الْخَمْسَةَ وَ الْعِشْرِينَ حَرْفاً فَبَثَّهَا فِي النَّاسِ وَ ضَمَّ إِلَيْهَا الْحَرْفَيْنِ حَتَّى يَبُثَّهَا سَبْعَةً وَ عِشْرِينَ حَرْفاً؛(۱) دانش، بیست و هفت حرف (درجه و شاخه)

ص:۴۶۵

۱- بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۶؛ معجم احادیث الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، ج۴، ص۵۵.

دارد. تمامی آن چه پیامبران آورده و بشر تا زمان ظهور بدان دست می یابد، دو حرف بیش نیست؛ امّا وقتی قائم ما قیام کند، بیست و پنج حرف دیگر را نیز آشکار کرده، میان مردم منتشر می کند».

در دوران ظهور، در اثر ترویج و نهادینه شدن فرهنگ قرآن و تعلیمات دینی در جامعه، آگاهی های دینی مردم چنان افزایش می یابد که حتی زنان در خانه های خود بر اساس شرع، حکم می کنند و فتوا می دهند. امام باقر علیه السلام می فرماید: «تُؤْتَوْنَ الْحِكمَهَ فِی زَمَانِهِ حَتَّی إِنَّ الْمَرْأَهَ لَتَقْضِی فِی بَيْتِهَا بِكِتَابِ اللَّهِ تَعَالَی وَ سُنَّهِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم ؛(۱) در زمان ظهور، دانش و بینشی ارزانی می شود که زنان در خانه ها بر اساس کتاب خدا و سنّت پیامبر قضاوت می کنند».

این کلام حضرت، نشانگر آن است که مردم در دوران ظهور، بر اساس آداب و مقررات دینی تربیت شده و از نظر رشد و بلوغ فکری چنان اوج می گیرند که بانوان پرده نشین نیز می توانند در خانه خویش، بر اساس آموزه های قرآن و سنّت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم میان دونفر داوری کنند.

در عصر ظهور، علوم و فن اوری ارتباطات به چنان پیشرفت حیرت آوری می رسد که زندگی را سهل و آسان می کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

۱- الغیبه، نعمانی، ص۲۳۹؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۵۲.

«إِنَّ قَائِمَنَا إِذَا قَامَ مَدَّ اللَّهُ لِشِیعَتِنَا فِی أَسْمَاعِهِمْ وَ أَبْصَارِهِمْ حَتَّی لَا یَکونَ بَیْنَهُمْ وَ بَیْنَ الْقَائِمِ بَرِیدٌ یُکلِّمُهُمْ فَیَسْمَعُونَ وَ یَنْظُرُونَ إِلَیْهِ وَ هُوَ فِی مَکانِه؛(۱) هنگامی که قائم ما قیام کند، خداوند، آن چنان گوش و چشم شیعیان ما را تقویت می کند که میان آن ها و قائم، نامه رسانی نخواهد بود؛ او با آن ها سخن می گوید و آن ها سخنش را می شنوند و او را می بینند، در حالی که او در مکان خویش است».

خلاصه سخن آن که با ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف و استقرار حکومت عدل مهدوی در جهان، تمدن نوین اسلامی بر پایه آموزه های اصیل قرآن و سنّت شکل می گیرد و پیوند قرآن و عترت با محوریت آخرین وصی پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم تحقق می یابد. در فضای عطرآگین دوران ظهور، همه انسان ها بدون تبعیض از مواهب طبیعی بهره مند شده و جامعه بشری به شکوفایی فرهنگی، اخلاقی، تربیتی و تکامل عقلی خواهند رسید. از این نظر می توان عصر ظهور را، دوره شکوفایی مادی و بلوغ معنوی بشر نامید.

آن چه اشاره گردید، فقط نمونه ها و گوشه هایی از اصلاحات عدالت گستر امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در عصر ظهور بود که دستاوردهای پربرکت و جهان شمول آن، زندگی را در کام همه مردمان

۱- الخرائج و الجرائح، ج۲، ص۸۴۱؛ منتخب الانوار المضیئه، ص۳۵۲؛ بحار الانوار، ج۵۲، ص۳۳۶.

آن، شیرین و دلپذیر خواهند کرد.

ص:۴۶۸

فصل۶: مدت حکومت مهدوی و فرضیه های پس از آن

اشاره

آگاهی از آینده تاریخ، جز با استمداد از پیشگویی های وحیانی قرآن کریم و روشن گری های پیشوایان معصوم علیهم السلام که با بهره مندی از منبع بیکران علم الاهی از گذشته و آینده تاریخ با خبر ند(۱)، برای ما میسّر نیست. از این رو، برای آگاهی از مدت زمان حکومت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف و شمار سال های بقای آن حضرت پس از ظهور، تنها مرجع

ص:۴۶۹

۱- برپایه گزارش ابو بصیر، امام باقر علیه السلام فرمود: «سُئِلَ عَلِیٌّ علیه السلام عَنْ عِلْمِ النَّبِیِّ فَقَالَ عِلْمُ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم عِلْمُ جَمِیعِ النَّبِیِّینَ وَ عِلْمُ مَا کانَ وَ عِلْمُ مَا هُوَ کائِنٌ إِلَی قِیَامِ السَّاعَهِ ثُمَّ قَالَ وَ الَّذِی نَفْسِی بِیَدِهِ إِنِّی لَأَعْلَمُ عِلْمَ النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله و سلم وَ عِلْمَ مَا کانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ کائِنٌ فِیمَا بَیْنِی وَ بَیْنَ قِیَامِ السَّاعَهِ ؛ از علی علیه السلام در باره علم رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم سوال شد، فرمود: علم پیامبر در بردارنده علوم تمام انبیاء علیهم السلام است و علم گذشته و علم آنچه تا روز قیامت بیاید. سپس فرمود: قسم به آن کسی که جانم در دست اوست من دارای علم پیامبرم واز گذشته و آینده تا روز قیامت، آگاهم». (بحار الانوار، ج۲۶، ص۱۱۰)؛ نیز ابی بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آن حضرت فرمود: «إِنَّ عِنْدَنَا عِلْمَ مَا کانَ وَ عِلْمَ مَا هُوَ کائِنٌ إِلَی أَنْ تَقُومَ السَّاعَه ؛ همانا علم گذشته و آینده و هر آنچه در حال شدن است، نزد ما خاندان است»؛ (الکافی، ج ۱، ص ۲۴۰).

قابل پـذیرش، روایـات رسیده از سـوی خانـدان نبوت علیهم السـلام در این بـاره است و چون تعیین مـدت حکومت حضـرت مهدی(عج) در پرتو پیشگویی روایات ممکن است، طبیعی است که روایات این باب و تأمل در مفاد آن، محور اصلی بحث ما در این رابطه خواهد بود.

در ایـن رابطه دو پرسـش مهم قابـل طرح است: ۱. مـدت حکومت امام مهـدی(عـج) پس از ظهور، چند سال است؟ ۲. پس از پایان عمر بابرکت آن حضرت چه خواهد شد؟

پاسخ به این دو پرسـش اساسی بر پایه پیش بینی روایات، موضوع اصلی بحث ما در این جا است. در این فصل، با بیان روایات مربوط به مـدت زمـان حکومت امام مهـدی(عـج)، به بررسـی دیـدگاه های ارائه شـده پیرامون این روایات و نیز تبیین دیـدگاه مختـار در این بـاره می پردازیم، سپس به طرح سه فرضـیه در بـاره وضـعیت جهـان پس از پایان حکومت امام مهـدی(عـج) و بررسی دلایل و مستندات هرکدام، خواهیم پرداخت.

مدّت حکومت امام مهدی (عج) در روایات

در روایات، مدت زمان های مختلف و آمار و عدد های گوناگونی برای دوران حکومت حضـرت مهدی(عج) بیان شده است. در منابع اهل سنت، مدت زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هفت سال تا

بیست سال و حد اکثر چهل سال یاد شده است، اگرچه بیشتر احادیث بر عدد هفت سال دلالت دارد و این قول مشهور میان اهل سنت است. امّا در منابع روایی شیعه که در این جا مبنای بحث ما است، زمان حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از هفت سال تا بیشتر از سیصد سال بیان شده است.

۱. عبد الکریم بن عمرو خَثعمی گوید: از امام صادق علیه السلام در باره مدت حکومت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف پرسیدم: «قُلْتُ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام کَمْ یَمْلِکُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف قَالَ: سَبْعَ سِنِینَ تَطُولُ لَهُ الْأَیَّامُ وَ اللَّیَالِی حَتَّی تَکونَ السَّنَهُ مِنْ سِنِیهِ مِقْدَارَ عَشْرِ سِنِینَ مِنْ سِنِیکمْ فَیَکونُ سِنُو مُلْکهِ سَبْعِینَ سَنَهً مِنْ سِنِیکمْ هَذِه؛(۱) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف چند سال حکومت می کند؟ آن حضرت در پاسخ فرمود: هفت سالی که روزها و شب های آن به درازا کشد تا جایی که یک سال آن به اندازه ده سال از سال های معمول میان شما باشد پس سال های حکومت او به اندازه هفتاد برابر این سال ها باشد».

۲. عبد الله بن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «یَمْلِک الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف تِسْعَ عَشْرَهَ سَنَهً وَ أَشْهُراً؛(۲) حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف نوزده سال و

۱- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۱، ص۳۸۱؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۶۲.

۲- الغیبه، نعمانی، ص۳۳۱. این حدیث به صورت های ذیل نیز از ابن ابی یعفور نقل شده است: «مَلَک الْقَائِمُ مِنَّا تِسْعَ عَشْرَهَ سَنَهً وَ أَشْهُراً»؛ «إِنَّ الْقَائِمَ (عج) یَمْلِک تِسْعَ عَشْرَهَ سَنَهً وَ أَشْهُراً» . همان، ص۳۳۱-۳۳۲؛ «مُلْک الْقَائِمِ تِسْعَ عَشْرَهَ سَنَهً وَ أَشْهُرٌ» بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸.

چند ماه حکومت می کند».

۳. ابو الجارود نقل کرده که امام باقر علیه السلام فرمود: «إِنَّ الْقَائِمَ یَمْلِک ثَلَاثَمِائَهٍ وَ تِسْعَ سِنِینَ کمَا لَبِثَ أَهْلُ الْکهْفِ فِی کهْفِهِمْ؛(۱)همانا قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف سیصد و نه سال حکومت می کند، همان گونه که اصحاب کهف (این مدت را) در غار خود توقف کردند».

۴. جابر بن یزید جعفی، گفتگویش با امام باقر علیه السلام در این باره را چنین باز گو کرده است: قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ مُحَمَّدَ بْنَ عَلِیٍّ علیه السلام یَقُولُ: وَ اللَّهِ لَیَمْلِکنَّ رَجُلٌ مِنَّا أَهْلَ الْبَیْتِ ثَلَاثَمِائَهِ سَنَهٍ وَ ثَلَاثَ عَشْرَهَ سَنَهً وَ یَزْدَادُ تِسْعاً. قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ وَ مَتَی یَکونُ ذَلِک؟ قَالَ: بَعْدَ مَوْتِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف قُلْتُ لَهُ: وَ کمْ یَقُومُ الْقَائِمُ عجل الله تعالی فرجه الشریف فِی عَالَمِهِ حَتَّی یَمُوتَ؟ فَقَالَ: تِسْعَ عَشْرَهَ سَنَهً مِنْ یَوْمِ قِیَامِهِ إِلَی یَوْمِ مَوْتِهِ؛(۲) به خدا سوگند که حتما مردی از ما اهل بیت علیهم السلام سیصد و سیزده سال به اضافه نه سال حکومت می کند، عرض کردم: کی چنین خواهد شد؟ فرمود: پس از فوت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف . دوباره عرض کردم: قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوران خود چقدر حکومت می کند تا بمیرد؟ فرمود: نوزده سال از هنگام قیام تا روزی که وفات کند.

۵. از حضرت صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: «إِنَّ وَلِیَّ اللَّهِ یُعَمَّرُ عُمُرَ إِبْرَاهِیمَ الْخَلِیلِ عِشْرِینَ وَ مِائَهَ سَنَهٍ وَ یَظْهَرُ فِی صُورَهِ

۱- الغیبه، طوسی، ص۴۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱ .

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۲.

فَتًی مُوَفَّقٍ ابْنِ ثَلَاثِینَ سَنَةً؛(۱) ولی خدا (حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف) به اندازه عمر حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام عمر خواهند کرد که صدو بیست سال بود و هنگام ظهور به شکل جوان سی ساله آشکار می شود».

از اینکه دیده می شود در این گونه روایات، اصحاب و راویان حدیث، در مواقع گوناگون از محضر ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف در خصوص مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف سؤال کرده اند، امّا آن بزرگواران پاسخ های مختلفی را بیان فرموده اند، معلوم می شود که در این تعدّد و ابهام، حکمت ها و اسراری نهفته است که بعد از ظهور مشخص خواهد شد. از این رو ائمه عجل الله تعالی فرجه الشریف نخواسته اند زمان دقیق آن را معین کنند، بلکه با بیان زمان های متعدد، فی الجمله به مدت تقریبی حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف اشاره فرموده اند.

دیدگا ه ها در توجیه اختلاف روایات

اشاره

تعدد و اختلاف روایات مربوط به مدت زمان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سبب اختلاف برداشت از سوی علمای شیعه و محققان آثار مهدویت در این زمینه گردیده است؛ به گونه ای که هرکدام در صدد جمع میان این روایات و توجیه مفاد آن برآمده و دیدگاهای متفاوتی

ص:۴۷۳

۱- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷ .

را در این رابطه ابراز داشته اند. در این جا به برخی از نظرات ارائه شده پیرامون این موضوع، اشاره می نمایم:

علامه محمد باقر مجلسی(ره): در کتاب «بحار الانوار» اختلاف و تعدد زمانی در روایات مربوط به مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به مراحل مختلف قیام و شکل گیری حکومت آن حضرت، حمل کرده است. به اعتقاد وی، برخی از این روایات ناظر به کل مدت فرمانروایی حضرت است، برخی دیگر مربوط به مدت زمان استقرار دولت آن حضرت، برخی بر سال ها و ماه هایی که در نزد ما وجود دارد و برخی نیز بر سال ها و ماه های طولانی زمان ایشان حمل می شود.(۱) وی معتقد به تداوم حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله دیگر ائمه علیهم السلام در زمان رجعت است، از این رو، مراد از «موت» در روایت پیشین از امام باقر علیه السلام که فرمود: «تِسْعَ عَشْرَةَ سَنَةً مِنْ یَوْمِ قِیَامِهِ إِلَی یَوْمِ مَوْتِهِ»(۲) را ناظر به زمان رجعت و بازگشت امام حسین علیه السلام و دیگر ائمه علیهم السلام می داند.(۳)

شیخ محمد رضا طبسی(ره): صاحب کتاب «الشیعه

ص:۴۷۴

۱- می نویسد: «بیان الأخبار المختلفه فی أیام ملکه بعضها محمول علی جمیع مده ملکه و بعضها علی زمان استقرار دولته و بعضها علی حساب ما عندنا من السنین و الشهور و بعضها علی سنیه و شهوره الطویله» ؛ (بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۰).

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۲.

۳- ر.ک: بحارالأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۹ .

و الرجعه» روایت هفت سال را- که در منابع حدیثی شیعه و اهل سنت مکرر نقل شده است - بر دیگر روایات ترجیح داده و مراد از هفت سال را به قرینه روایات دیگر، هفتاد سال دانسته است. به اعتقاد وی مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف هفت سال است که با قدرت الاهی هر یک سال از مدت زندگی آن حضرت پس از ظهور، برابر با ده سال از سال های ما خواهد بود.(۱)

سید صدرالدین صدر(ره): نویسنده کتاب «المهدی» با اشاره به کثرت روایات هفت سال در باره مدت حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف عدد هفت سال را، قول مشهور دانسته وبر این باور است که قیام حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همانند قیام جد بزرگوارش نیز در مدت کوتاه به ثمر نشیند و این از ویژگی های حکومت مهدوی است که در مدت کوتاه هفت سال امور دین و دنیای مردم را سامان می بخشد.

سید صدر، ضمن پذیرش رجحان روایات متضمن هفت سال، دلیل اختلاف روایات و بیان مدت های گوناگون را ناشی از مصلحت اندیشی می داند که پیشوایان دین اساساً نمی خواسته اند در مورد مدت زمان زندگی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف حقیقت را برای مردم مکشوف کنند، همان گونه که وقت ظهور او را نیز پوشیده نگه داشته اند، تا

۱- ر.ک: الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۲۵.

مردم خود هر یک از اقوال را که مایل بودند برگزینند و طولانی ترین زمان را برای بقای امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از پیشگاه الاهی آرزو کنند.(۱)

آیت الله مکارم شیرازی: در کتاب «حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف» دیدگاهی مشابه آنچه از مرحوم مجلسی بیان شد، ارائه کرده است. ایشان در باره مدت زمان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف پس از ظهور می نویسد: «گرچه درباره مدت حکومت او احادیث مختلفی در منابع اسلامی دیده می شود که از پنج یا هفت سال تا **۳۰۹** سال (مقدار توقف اصحاب کهف در آن غار تاریخی) ذکر شده است که در واقع ممکن است اشاره به مراحل و دوران های آن حکومت باشد (آغاز شکل گرفتن و پیاده شدنش پنج یا هفت سال و دوران تکاملش چهل سال و دوران نهایی اش بیش از سیصد سال)، ولی قطع نظر از روایات اسلامی، مسلم است که این آوازه ها و مقدمات برای یک دوران کوتاه مدت نیست، بلکه قطعاً برای مدتی است طولانی که ارزش این همه تحمل زحمت و تلاش و کوشش را داشته باشد».(۲)

آیت الله صافی گلپایگانی: صاحب کتاب «منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف» بر این باور است که بیان زمان های مختلف در باره مدت حکومت

۱- المهدی(عج)، ص ۲۴۱- ۲۴۲.
۲- حکومت جهانی مهدی(عج)، ص ۲۸۱.

حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در لسان روایات، دارای اسراری است که ائمه علیهم السلام با این شیوه بیان، بر مبهم ماندن زمان دقیق دوران حکومت امام مهدوی عجل الله تعالی فرجه الشریف تعمّد داشته اند. وی ضمن اشاره به سخن علامه مجلسی در باره محمل های مختلف روایات این باب، می نویسد: «ولعل السّـِر فی اختلاف الأخبار، عدم اراده بیانها علی سبیل القطع و الجزم و یدل علیه...».(۱)

نظریه برگزیده

با توجه به محوریت روایات در این مسأله، ابتدا لازم است به دسته بندی زمان های ذکر شده در روایات این باب اشاره کرد، سپس به بیان نظر مختار پرداخت. از نظر زمانی می توان مجموع روایات مربوط به مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به دو دسته حداقلی و حداکثری تقسیم کرد.

مراد از دسته نخست، آن گروه روایاتی است که بر کوتاه مدت بودن دوران حکومت حضرت دلالت دارد، این دسته روایات که در منابع فریقین نقل شده است، دوران حکومت حضرت را، هفت تا چهل سال ذکر کرده است؛ عددهای مانند: (۷ سال)(۲)؛ (۸ سال)؛ (۹ سال)(۳)؛ (۱۰

۱- منتخب الأثر، ۶۱۸.

۲- الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، ج۱، ص۳۸۱؛ اعلام الوری بأعلام الهدی، ص۴۶۲؛ بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱ (هفت سال برابر با ۷۰ سال).

۳- الطرائف، ص۱۷۷.

سال)(۱)؛ (۱۹ سال)(۲)؛ (۲۰ سال)(۳)؛ (۴۰سال).(۴)

دسته دوم، ناظر به روایاتی است که مدت حکومت حضرت را بیش از سیصد سال عنوان کرده است. در این دسته روایات که در منابع حدیثی شیعه وارد شده است، عددهایی همچون: (۳۰۹ سال)(۵)، (۳۲۰ سال)(۶) و (۳۲۲ سال)(۷) به چشم می خورد.

با این توضیح، در مقام جمع میان این دو دسته روایات، دیدگاه موجّه و برگزیده را می توان این گونه برشمرد که روایات دسته نخست، ناظر به مراحل مقدماتی استقرار حکومت مهدوی است، چنان که مرحوم مجلسی نیز بدان اشاره کرده است. امّا روایات دسته دوم، بیانگر مدت زمان حکومت حضرت و القای

۱- ر.ک: الشیعه و الرجعه، ج ۱، ص ۲۲۵.

۲- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۱ -۳۳۲؛ الاختصاص، ص ۲۵۷؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۸ (نوزده سال و چند ماه).

۳- کشف الغمه، ج۳، ص۲۷۱؛ عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب أمام الابرار، ص ۴۳۹ (عدد ۲۰ سال ممکن است مضمون روایت ۱۹ سال و چند ماه که در منابع شیعه آمده است باشد).

۴- عقد الدرر، ص ۲۴۰.

۵- الغیبه، طوسی، ص۴۷۴؛ بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۹۱ (به مدت توقف اصحاب کهف در غار).

۶- بحار الأنوار، ج ۵۲، ص ۲۸۷.

۷- الغیبه، نعمانی، ص ۳۳۲ (سیصدو سیزده به اضافه نه سال).

طولانی بودن آن است. براین اساس می توان گفت که دوران زمامداری و حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف بیش از سیصد سال خواهد بود.

تبیین نظریه مختار

فرضیه طولانی بودن مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ضمن برخورداری از پشتوانه روایی، بر شواهد قرآنی و توجیه عقلانی نیز استوار است. اگرچه نمی توان مدت زمان حکومت حضرت را که یک امر ماهیتاً نقلی و توقیفی است، صرفا بر پایه یک تحلیل غیر مستند تعیین نمود، امّا می توان با استناد به مبانی قرآنی و عقلانی، مدلول روایات دال بر طولانی بودن دوران حکومت حضرت در عصر ظهور را تقویت و تحکیم نمود؛ زیرا تحلیل ماهیت مسأله مهدویت و اهداف و آثار این آموزه الاهی، ما را در ارزیابی مفاد روایات این باب کمک می کند و ابعاد خرد پذیری فرضیه طولانی بودن حکومت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را به خوبی آشکار می سازد.

مبنای این تحلیل، تأمل در دو چیز است: مطالعه و تعمّق در رسالت سترگ نهفته در مهدویت و اهداف و کارکردهای آن در عصر ظهور از یکسو و تأمل در سنّت های حاکم بر حیات اجتماعی و فرایند تدریجی تحول و تکامل در آن، از سوی دیگر که هر دو مطلب، خاستگاه قرآنی دارد.

ص:۴۷۹

قرآن کریم، مأموریت و رسالت اصلی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را حاکمیت کامل دین اسلام و تحقق ارزش های متعالی الاهی در جامعه توحیدی عصر ظهور، معرفی کرده است: (وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنكمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُم فِي الْأَرْضِ كمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكونَ بِي شَيْئًا)(۱)؛ وعده خداوند به کسانی از شما که اهل ایمان و کارهای شایسته اند، آن است که حتما آنان را حکمران روی زمین خواهد کرد، آن گونه که به پیشینیان آن ها خلافت روی زمین را بخشید؛ و دین و آیینی را که برای آنان پسندیده، پابرجا خواهد ساخت؛ و ترسشان را به آرامش مبدّل می کند، آن چنان که تنها مرا می پرستند و به من شرک نورزند».

از سوی دیگر، هرگونه تغییر و دگرگونی مثبت و منفی فراروی انسان را، درگرو نقش آفرینی او در این فرایند منوط کرده و اراده جامعه انسانی را در شتاب بخشی تحول و تغییر دخالت داده است: (إِنَّ اللّهَ لاَ يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّى يُغَيِّرُواْ مَا بِأَنْفُسِهِمْ)(۲)؛ تحقیقاً خدا سرنوشت هیچ قوم و ملّتی را تغییر نمی دهد

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره رعد، آیه ۱۱.

مگر آنکه خود زمینه این تغییر را پدید آورند».

این آیه و آیات مشابه آن(1)، جریان سنّت همیشگی الاهی در سیر تکاملی جامعه انسانی را بازگو می کند. این اصل در زمان پس از ظهور نیز جاری است چرا که تحولات آن عصر نیز بر این سنّت تغییر ناپذیر استوار است.

بر پایه این سنت الاهی، اقتضای ساختار فطرت و طبیعت مختار انسان به گونه ای است که جریان امور همواره از مسیر اسباب طبیعی و راه های عادی به پیش رود تا میدان گشاده برای اراده و اختیار او فراهم گردد. این اصل کلی، مبنای تشریع و جزا و پاداش شمرده می شود و لذا شیوه انبیای الاهی علیهم السلام دعوت و تبلیغ مردم به راه هدایت بوده است و تا زمانی که مسیر طبیعی کارساز بوده است از قدرت قهری و اعجاز استفاده نشده است مگر برای اثبات حقانیت ادعای خویش.

انقلاب جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز بر این سنّت الاهی استوار است. آن حضرت اگرچه از قدرت اعجاز و حمایت نیروی قهری بر خوردار است، اما بدون شک ساخت جامعه مهدوی و بنای عظیم حکومت عدل جهانی او، بر پایه سنت الاهی مبنی بر تکامل اختیاری بشر استوار است. به

۱- سوره انفال، آیه ۵۳.

همین دلیل پیروزی های حضرت بر دشمنان و فتح جهان، با ایثار و شهادت یاران و ریختن خون های فراوانی در این راه به دست می آید و استقرار عدالت و حاکمیت کامل دین در جهان با زحمات و دشواری های فراوانی همراه است. از این رو، تغییر و نوسازی ساختار مدیریت جهان و جایگزین نمودن نظام مبتنی بر عدالت و دیانت، مستلزم زمان طولانی است تا به تدریج ارزش های اخلاقی و دینی در سطوح مختلف جامعه عصر ظهور نهادینه شود.

بنابراین، طبیعت کار حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه الشریف در پروژه استقرار عدالت جهانی و جایگزین سازی نظام الاهی به جای نظام های ظالمانه، اقتضا می کند که حضرت به عنوان مجری این طرح عظیم، آن هم در پهنای جهانی با آن عمق و محتوای غیر قابل وصف، مدت طولانی حضور داشته باشد تا با مدیریت ولایی و ویژه خود، تحوّل همه جانبه و فراگیر را در جهان پر از ظلم و فساد، پدید آورد و جامعه آرمانی دین پیشه و فضیلت مدار را بنیان نهد.

گفتنی است که رشد علوم و گسترش روز افزون ارتباطات و فن اوی اطلاعات، اگرچه در شتاب بخشیدن حرکت جامعه به سوی بلوغ فکری و توسعه فرهنگی جامعه پیش از ظهور بی تأثیر نیست و تا حد زیادی می تواند زمینه را برای

پـذیرش برنامه های حضـرت، مساعـد سازد، امّا بایـد توجه داشت که همه این امور، ابزار مادی است که هرگز خود نمی تواند سبب تحول شـگرف معنوی و تربیـتی جـامعه عصـر ظهور و دسـتاوردهای حیرت انگیز آن گردد، بلکه عامـل این توفیق، شـیوه مدیریتی ویژه آن حضرت در هدایت و جریان سازی جامعه عصر ظهور است. طبیعی است، تحقق عینی معارف قرآنی و ارزش های اسلامی در گستره جهانی، به فرایند تدریجی و طول زمان نیاز دارد.

بنابراین، با توجه به اینکه اصل پیاده کردن پروژه عظیم جایگزین سازی و اسـتقرار نظام الاهی در جامعه، مسـتلزم گذشت زمان طولانی است، بـدیهی است که پس از آن، تحقق اهداف ظهور و بهره مندی حداکثری جامعه از فضای معنوی آن برای رشد و تکامل و عبودیت خالصانه، حضور طولانی آن حضـرت و تـداوم حکومت وی را می طلبـد؛ همان آرزوی مقدسـی که در این فقره از دعای شـریف فرج «...وَ تُمَتِّعَهُ فِیهَا طَوِیلا»(۱) بدان اشاره شده و مهم ترین خواسـته منتظران ظهور، طولانی بودن دوران حکومت آن حضرت، بیان شده است.

بنابراین، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان گونه که حکومت عدل جهانی اسلام را تحقق می بخشد،

۱- الکافی، ج۴، ص۱۶۳.

سـال هـای طولـانی(صـدها سال) نظام الاهی مهـدوی را مـدیریت و رهبری خواهنـد کرد تا جامعه عصـر ظهور در سایه رهبری الاـهی آن یگانه دوران، به رشـد کامل و بلوغ عقلانی برسـند و مـدت های مدیـدی، لـذت حیات طیّبه و سـرشار از معنویت را بچشـند و جلوه بـا شـکوه یگانه پرستی را در پرتو حکومت ولایی آن حضـرت، نظاره کننـد و عطر دل انگیز توحیـد را در همه ابعاد زنـدگی، جاری سازنـد؛ آن گونه که خداونـد خود در قرآن کریم، جامعه توحیـدی عصـر ظهور را توصـیف کرده است: (يَعْبُدُونَنِی لا يُشْرِكونَ بی شَيْئاً)(۱)؛ توحید ناب و خالصانه ای که هیچ گونه شرک خفی و جلی در ساحت قدسی عبودیت او، راه نداشته باشد.

شهادت یا وفات

روایات مربوط به این مسأله، برخی بر وفات طبیعی و رحلت حضـرت(ارواحنا فـداه) دلالت دارد مانند آنچه صالح بن سـهیل از امـام صـادق علیه السـلام در مورد آیه شـریفه (ثُمَّ رَدَدْنا لَكمُ الْكرَّةَ عَلَيْهِمْ)(۲) نقـل کرده است که آن حضـرت فرمود: «خُرُوجُ الْحُسَـيْنِ علیه السـلام فِی الْكرَّةِ فِی سَـبْعِينَ رَجُلًا مِنْ أَصْـحَابِهِ الَّذِينَ قُتِلُوا مَعَهُ عَلَيْهِمُ الْبِيضُ الْمُذَهَّبُ لِكلِّ بِيضَهٍ وَجْهَانِ وَ الْمُؤَدِّی إِلَی النَّاسِ أَنَّ

ص:۴۸۴

۱- سوره نور، آیه ۵۵.

۲- سوره اسراء، آیه ۶.

الْحُسَيْنَ قَدْ خَرَجَ فِی أَصْحَابِهِ حَتَّی لَا یَشُکُّ فِیهِ الْمُؤْمِنُونَ وَ أَنَّهُ لَیْسَ بِدَجَّالٍ وَ لَا شَیْطَانٍ، الْإِمَامُ الَّذِی بَیْنَ أَظْهُرِ النَّاسِ یَوْمَئِذٍ فَإِذَا اسْتَقَرَّ عِنْدَ الْمُؤْمِنِ أَنَّهُ الْحُسَیْنُ لَا یَشُکُّونَ فِیهِ وَ بَلَغَ عَنِ الْحُسَیْنِ الْحُجَّةُ الْقَائِمُ بَیْنَ أَظْهُرِ النَّاسِ وَ صَدَّقَهُ الْمُؤْمِنُونَ بِذَلِکَ جَاءَ الْحُجَّةَ الْمَوْتُ فَیَکُونُ الَّذِی یَلِی غُسْلَهُ وَ کَفْنَهُ وَ حَنُوطَهُ وَ إِیلَاجَهُ حُفْرَتَهُ الْحُسَیْنَ وَ لَا یَلِی الْوَصِیَّ إِلَّا الْوَصِی(1)؛ مراد، زنده شدن امـام حسـین علیه السـلام بـا اصـحاب خویش است در حالی که کلاه خودهای طلائی را بر سـر دارنـد. خبر رسان، رجعت امام حسـین علیه السـلام و یارانش را به مردم اطلاع می دهـد تا مؤمنان به شک و تردید نیفتند و او را دجال و شـیطان نپندارند. این در حالی است که حضـرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف در میان مردم حضور دارد. آن گاه که مردم امام حسـین علیه السـلام را به خوبی شـناختند و به او ایمان پیدا کردند، مرگ حضـرت حجّت عجل الله تعالی فرجه الشـریف فرا می رسد و امام حسین، غسل و حنوط و کفن و خاکسپاری او را برعهده می گیرد چرا که امام را جز امام، غسل نمی دهد».

امّا از بیشتر روایات، شـهادت آن حضـرت استفاده می شود. این نوع روایات دلالتش عام است و از شهادت همه امامان معصوم علیهم السـلام خبر می دهد، مانند سـخن امام حسن مجتبی علیه السـلام که فرمود: «اللَّهِ لَقَدْ عَهِدَ إِلَیْنَا رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم أَنَّ هَذَا الْأَمْرَ یَمْلِکُهُ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً مِنْ وُلْدِ عَلِیٍّ وَ فَاطِمَهَ، مَا مِنَّا إِلَّا مَسْمُومٌ أَوْ مَقْتُولٌ(2)؛ به خدا سوگند

۱- بحار الأنوار، ج ۵۱، ص ۵۶.

۲- کفایه الاثر، ص۲۲۷؛ بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۱۷.

رسول خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم این عهـد و وعـده را به مـا داده است که امر امامت را دوازده تن از فرزنـدان علی علیه السـلام و فاطمه علیها السـلام به دست خواهنـد گرفت و هیـچ کـدام از ماها نیست مگر اینکه یا به وسـیله ی سم و یا با کشـتن، شربت شهادت خواهند نوشید».

از امام صادق علیه السـلام نیز نقل شده است که فرمود: «وَ اللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِیدٌ؛(۱) به خدا سوگند هیچ یک از ما اهلبیت علیهم السلام نیست جز آنکه با کشته شدن، به شهادت می رسد».

مشابه این حدیث از امام رضا علیه السلام نیز روایت شده است. اباصلت هروی گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: «وَ اللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِید».(۲)

لسـان عـام این روایات مبنی بر شـهادت همه ائمه علیهم السـلام، حضـرت مهـدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را نیز در برمی گیرد. براین اساس، علمای شـیعه نوعاً روایات دال بر شهادت را ترجیح داده و قائل به شهادت همه امامان معصوم علیهم السلام شـده انـد. مرحوم علامه مجلسـی در بحارالانوار، بابی را با این عنوان که آن بزرگواران نمی میرنـد مگر با شـهادت «باب شـده محنهم و أنهم أعظم الناس

ص:۴۸۶

۱- ا علام الوری بأعلام الهدی، ج ۲، ص ۱۳۲؛ مرآه العقول، ج ۶، ص ۱۳۳؛ بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۸ .
۲- عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج۲، ص۲۵۶؛ من لا یحضره الفقیه، ج۲، ص۵۸۵.

مصیبه و أنهم لا یموتون إلا بالشهاده»(۱) گشوده است. وی با استناد به سخن امام صادق علیه السلام دیدگاه شیعه در این باره را، شهادت همه ائمه علیهم السلام می داند. (۲)

آیت الله جوادی آملی، در باره شهادت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف می نویسد: به رغم ویژگی های منحصر به فرد و زیبایی های وصف ناپذیر حکومت حق مهدی موجود موعود عجل الله تعالی فرجه الشریف و همه گیر شدن دین حق و گسترش عدل، جامعه بشری در آن زمان نیز شاهد اختلاف خواهد بود، زیرا کفر و نفاق در آن دوران نیز دل های برخی از انسان ها را رها نمی کند و از سویی آنان که اسلام را نپذیرفته و با پرداخت جزیه و مالیات، زیر لوای حکومت اسلامی زندگی می کنند و افزون بر جمود و جحود برعقیده باطلشان کینه و دشمنی حجت خدا را در دل می پرورانند، دست از اختلاف افکنی نخواهند کشید و سرانجام نیز وجود مبارک آن حضرت به دست مخالفان تبهکار

۱- بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۲۰۷.

۲- مرحوم مجلسی، با اشاره به شهادت امام عسکری علیه السلام می نویسد: «ذهب کثیر من أصحابنا إلی أنه علیه السلام قبض مسموما و کذلک أبوه و جده و جمیع الأئم ه علیهم السلام خرجوا من الدنیا علی الشهاده و استدلوا فی ذالک بما روی عن الصَّادِق علیه السلام من قوله: «وَ اللَّهِ مَا مِنَّا إِلَّا مَقْتُولٌ شَهِیدٌ» ؛ (بحار الأنوار، ج ۵۰، ص ۲۳۸).

به شهادت خواهد رسید.(۱)

اما چگونگی شـهادت آن حضـرت و شخصـی که اقـدام به قتل ایشان می کند، روشن نیست، اگرچه در بعضـی کتاب ها، قاتل آن حضـرت، زنی به نام سعیده که از طایفه بنی تمیم و دارای محاسن شبیه مردان است، ذکر شده است که وی در هنگام عبور حضـرت، بـا پرتاب سـنگی از بالای بام، حضـرت را به شـهادت می رسانـد! اما در منابع معتبر شـیعی هرگز چنین روایتی وجود نـدارد. بنـابراین بر فرض پـذیرش روایـات دال بر شـهادت، در خصوص چگونگی و نحوه شـهادت آن عزیز، دلیـل معتـبری در دست نمی باشد.

فرضیه ها درباره وضعیت جهان پس از پایان حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف

اشاره

با پایان یافتن مدت حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف و غروب عمر آن خورشید فروزان، آیا طومار حیات نیز برچیده می شود و زمان قیامت فرامی رسد یا اینکه باز هم زندگی ادامه دارد؟

در منابع حدیثی شیعه، چند گونه روایات در این رابطه نقل شده است. با توجه به چند دستگی این روایات، می توان گفت: در باره پس از پایان عمر حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، سه فرضیه قابل طرح و بررسی است:

۱- امام مهدی(عج) موجود موعود، ص ۲۷۰.

۱. فرضیه وقوع قیامت و پایان جهان

اشاره

فرضیه فروپاشی جهان و برپایی قیامت پس از حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف مبتنی بر روایاتی است که از وابستگی عالم تکوین و تشریع به وجود مقدس امام علیه السلام و حجّت حی خبر داده است.

توضیح مطلب آن است که بر پایه آموزه های اعتقادی دین، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام واسطه خلقت عالم آفرینش در بعد تکوین و حجّت الاهی بر بندگان در بعد تشریع است و چون امام علیه السلام محور جهان هستی و روح جاری در کالبد حیات این عالم است، هم اصل بقای این عالم و هم جریان هدایت و کمال، وابسته به وجود و اشراف امام علیه السلام است، چنان که برخی روایات نیز بر این پیوستگی تکوینی و تشریعی دلالت دارد.

امام سجاد علیه السلام می فرماید: «وَ لَوْ لَا مَا فِي الْأَرْضِ مِنَّا لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا؛(۱) اگر لحظه ای زمین از ما خاندان، خالی باشد با اهلش فروریخته نابود می گردد».

از امام باقر علیه السلام نقل شده است که فرمود: «لَوْ بَقِيَتِ الْأَرْضُ يَوْماً وَاحِداً بِلَا إِمَامٍ مِنَّا لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا(۲)؛ اگر زمین یک روز بدون امام از ما خاندان اهل بیت علیهم السلام باشد، زمین و اهلش فرو می ریزد».

۱- الإحتجاج، ج ۲، ص ۳۱۷.

۲- دلائل الإمامه، ص ۴۳۶.

واژه «ارض» در این گونه روایات، خصوص کره زمین نیست بلکه مراد از آن کل نظام این عالم است. همچنین تعبیر «یوماً واحداً» کنایه از یک لحظه است نه به معنای یک روز.

از جمله روایاتی که مستند این فرضیه ذکر شده است، سخن امام صادق علیه السلام است که فرمود: «أَلإِسْلَامُ وَ السُّلْطَانُ الْعَادِلِ أَخَوانِ لَایُصْلَحُ وَاحِدٌ مِنْهُمَا الَّا بِصَاحِبِهِ؛ اَلْإِسْلَامُ اُسٌّ وَالسُّلْطَانُ الْعَادِلُ حَارِسٌ وَ مَا لَا اُسَّ لَهُ فَمُنْهَدِمٌ وَ مَا لَا حَارِسَ لَهُ فَضَائِعٌ فَلِذَلِك إِذَا رَحَلَ قَائِمُنَا لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ ٱلْإِسْلَامِ وَ إِذَا لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ ٱلْإِسْلَامِ لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الدُّنْيا؛(۱) اسلام و حاکم عدالت پیشه، همانند دو برادر، وابسته هم اند به گونه ای که یکی بون دیگری راست نشود، اسلام اساس و بنیان کار است و حاکم عدالت گرا، نگهبان آن، هرچه بنیان درست نداشته باشد، فرو می پاشد و هر آنچه مراقب نداشته باشد هدر می رود. به همین جهت هنگامی که قائم ما از این جهان رحلت کند، هیچ نشانه ای از اسلام باقی نمی ماند و هرگاه چیزی از اسلام باقی نماند، چیزی از عالم دنیا باقی نخواهند ماند».

برخی فرازهای ادعیه در خصوص امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف نیز مانند: «...ثُمَّ الْحُجَّةُ الْخَلَفُ الصَّالِحُ الْقَائِمُ الْمُنْتَظَرُ الْمَهْدِيُّ الْمُرْجَى الَّذِى بِبَقَائِهِ بَقِيَتِ الدُّنْيا وَ بِيُمْنِهِ رُزِقَ الْوَرَى وَ بِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الْأَرْضُ وَ

۱- منتخب الاثر، ص ۳۳۸؛ معجم احادیث الامام المهدی(عج)، ج۳، ص۱۹۳.

السَّمَاءُ»(۱) بر وابستگی جهان به وجود قدسی قطب عالم هستی حضرت ولی عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف دلالت دارد و ثبات آسمان و زمین و نزول برکات و روزی را، از یُمن وجود آن حضرت می شمارد.

براساس این دیدگاه، با پایان یافتن عمر آخرین حجّت الاهی؛ یعنی امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، چراغ حیات خاموش گردیده و این عالم ظرفیت و توان بقاء را نخواهد داشت، بلکه طومار این عالم برچیده می شود و زمان برپایی قیامت فرامی رسد.

آیت الله جوادی آملی، در این زمینه می نویسد: «رسالت جهانی حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف همان رسالت پیامبر بزرگوار اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است که پس از خود، یک به یک به جانشینان معصومشان سپرد و پیام آن، همان پیام زندگی بخشی است که اوصیای آن حضرت جان گرامی خود را بر سر ابلاغ آن با خدای خویش سودا کردند و نقطه اوج چنین ایثار و نثاری را حضرت سیدالشهدا علیه السلام در کربلا ـ به ظهور رساند. پیام عاشورای حسینی که نفی حکومت غیر خدا، طرد هرگونه ظلم و جور و احیای انسان بر محور حق، عدل و آزادگی است، به دستان پر توان آخرین حجت خدا عجل الله تعالی فرجه الشریف به جامعه بشری ابلاغ و بشر را به کمال سعادتش رهنمون می شود و آن گاه

۱- مفایح الجنان، «دعای عدیله».

که جـامعه انسـانی بـا گرفتن این پیـام در پرتو ولاـیت و رهبری امـام معصوم روزگـار خویش به کمـال خود رسـید و آنانی که قابلیت هدایت را از کف نهاده اند، آخرین پیام آور سعادت بشر را به شهادت رساندند، قیامت آغاز می شود و بساط عالم دنیا از هم می پاشد».(۱)

ایشان با اشاره به روایت پیش گفته از امام صادق علیه السـلام، فرضیه ظهور قیامت پس از شهادت حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشـریف را مفاد این روایت می داند و در باره رابطه برپایی قیامت با شهادت امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف می افزایـد: «دین و امام علیه السـلام هماننـد و همتای هم اند و هیچ یک بی دیگری سامان نمی یابد. اسـلام، پایه عالم است و امام علیه السـلام پاسـدار آن، پس اگر اسـلام نباشـد، هرگونه بنیان و بنیادی از اساس ویران است و چنانچه اسـلام باشد و پاسداری نداشـته باشـد، ضایع و نابود می شود، از این رو است که وقتی آخرین حجت خـدا و پاسـدار دین، یعنی وجود مبارک قائم آل محمّد عجل الله تعالی فرجه الشـریف به شـهادت می رسد و به لقای حق شـتابد، اثری از اسـلام نمی ماند و چون از اسلام اثری نماند، بساط دنیا یکسره برچیده خواهد شد و خورشید صبح قیامت طلوع خواهد کرد».(۲)

ص:۴۹۲

۱- امام مهدی(عج) موجود موعود، ص ۲۷۰.

۲- امام مهدی(عج) موجود موعود، ص ۲۷۱.

نقد این دیدگاه

به نظر می رسد، از روایات یاد شده، نمی توان فرضیه وقوع قیامت را در صورت شهادت یا رحلت حضرت، اثبات نمود؛ زیرا این برداشت از چند جهت قابل تأمل و نقد است:

اولاً، آنچه ظاهر این گونه روایات بر آن دلالت دارد، ضرورت وجود امام علیه السلام در هر زمان و استمرار حجّت الاهی در میان مردم است؛ به گونه ای که هیچ گاه زمین از وجود امام حی و حجّت بالفعل، خالی نخواهند بود. لذا در فرض اعتقاد به رجعت، مفاد این روایات با بقا و تداوم این عالم پس از شهادت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف در سایه حضور(رجعت) امام معصوم دیگر، منافات نخواهد داشت؛ زیرا آنچه با ظاهر این روایات ناسازگار است، نبود مطلق امام و حجت در زمین است که فلسفه بقاء را نفی می کند.

ثانیاً، در ادامه کلام امام باقر علیه السلام از روایت پیشین، پس از جمله «لَسَاخَتِ الْأَرْضُ بِأَهْلِهَا» بلا فاصله آمده است «وَ لَعَذَّبَهُمُ اللَّهُ بِأَشَدِّ عَذَابِهِ»(1)، شاهد این مطلب ادامه سخن است که

ثانیاً: روایت منقول از امام صادق علیه السلام دلالت روشنی بر وقوع قیامت ندارد؛ زیرا نفی اثر در دنیا «لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الدُّنْيَا» ناظر به پوچی و بی ثمر بودن زندگی منهای دین است، همان

۱- دلائل الإمامه، ص ۴۳۶.

گونه که مراد از نبود اثر در فقره «لَمْ يَبْقَ أَثَرٌ مِنَ الْإِسْلَامِ» بی محتوا بودن اسلام ظاهری جدای از ولایت معصوم است که پوسته ای بیش نیست.

ثالثاً، برداشت وقوع قیامت پس از شهادت حضرت از این گونه روایات، مستلزم نفی اصل اعتقاد به رجعت است، در حالی که اصل رجعت از معتقدات قطعی مذهب بوده(۱) و جزء ویژگی های شیعیان اهلبیت علیهم السلام شمرده می شود(۲)، مضافاً بر اینکه این تلقی، با انبوه روایات باب رجعت(۳) نیز، تعارض آشکار دارد.

۲. فرضیه رجعت و تداوم دولت عترت

این فرضیه مبتنی بر روایات پرشماری است

۱- شیخ صدوق می نویسد: «اعتقادنا فی الرجعه انّها حق»؛ (اعتقادات الإمامیه، ص ۶۰).

۲- امام صادق علیه السلام فرمود: «مَنْ لَمْ يَقُلْ بِرَجْعَتِنَا فَلَيْسَ مِنّا ؛ هرکس به بازگشت ماخاندان باورمند نباشد از پیروان ما شمرده نمی شود»؛ (المسائل السرویه، شیخ مفید، ص۳۲). نیز آن حضرت در کلام دیگر فرمود: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِكَرَّتِنَا ؛ از ما نیست کسی که به بازگشت دوباره ما ایمان نداشته باشد»؛ (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص۹۲).

۳- علامه مجلسی، اعتقاد به رجعت را مورد اجماع شیعه دانسته و روایات این باب را نزدیک به دویست روایت یاد کرده است: «القول بالرجعه التی أجمعت الشیعه علیها فی جمیع الأعصار و اشتهرت بینهم کالشمس فی رابعه النهار حتی نظموها فی أشعارهم و احتجوا بها علی المخالفین فی جمیع أمصارهم و شنع المخالفون علیهم فی ذلک و أثبتوه فی کتبهم و أسفارهم. و کیف یشک مؤمن بحقیقه الأئمه الأطهار علیهم السلام فیما تواتر عنهم فی قریب من مائتی حدیث صریح رواها نیف و أربعون من الثقات العظام و العلماء الأعلام»؛ (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۲۲).

که بر بـاز گشت ائمه علیهم السـلام دلالـت دارد. برپـایه این روایـات پس از پایـان حکومت امـام مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف دوران رجعت پیشوایـان معصـوم علیهم السـلام آغـاز می شـود و آن بزرگـواران یکی پس از دیگری به دنیـا بـاز می گردند و حکومت اهلبیت علیهم السـلام را که به وسـیله حضـرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف برپا شده است، مدت های بسیار طولانی(نامعلوم) ادامه می دهند تا زمانی که قیامت فرارسد.

کلمه «رجعت» از مـاده «رجع» در لغت به معنـای بر گشـتن، بازگشت دوباره، بازگردانـدن به حالت و مکان اول است.(۱) و در کـاربرد روایـات به معنـای بـازگشت گروهی از مؤمنـان خـالص و عـده ای از منافقـان و کفار خالص، قبل از قیامت به این دنیا است.(۲)

اعتقـاد بـه رج_ع_ت، از مختصـات عقایـد مـذهب امـامیه و ی_کی از موضوعـات پیچیـده ی مربـوط به دوران پس از ظهـور حضـرت مهـدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف است. این اعتقـاد، امر تعبـدی است که بر دلائـل نقلی اسـتوار است وعلاوه بر دلالت آیات قرآن، روایات زیادی در منابع حدیثی شـیعه، بر اثبات آن وارد شده است. مرحوم علامه مجلسی، در بحار الانوار، یکصد و شصت و دو روای_ت در مورد رجعت، گرد آوری نموده است.(۳)

۱- ر.ک: المفردات، ص۳۴۲؛ لسان العرب، ج ۸، ص ۱۱۴؛ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، ج ۴، ص ۶۱.

۲- ر.ک: مرآه العقول، ج ۳، ص۲۰۱.

۳- ر.ک: بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹- ۱۴۴ «باب الرجعه».

شیخ طوسی، اعتقاد به رجعت ائمه علیهم السلام را مدلول آیات و تواتر روایات دانسته و ایمان به آن را واجب شمرده است. وی با استناد به آیه شریفه (وَیَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً)(۱) می گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امامان معصوم علیهم السلام همراه با جمعی از شایستگان از میان پیشینیان و پیروان آنان، در زمان حیات حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به این دنیا باز می گردد تا دولت حق را نمایان سازند.(۲)

اگرچه بنا به آیات و روایات، اصل مسأله رجعت امری قطعی است اما جزئیات آن، به روشنی بیان نشده، لذا نمی توان در باره خصوصیات آن اظهار نظرقطعی کرد.

در روایات به صورت کلی از بازگشت عده ای مؤمنان خالص و کافران محض، خبر داده است. امام صادق علیه السلام فرمود: «إِنَّ الرَّجْعَهَ لَیْسَتْ بِعَامَّهٍ وَ هِیَ خَاصَّهٌ لَا یَرْجِعُ إِلَّا مَنْ مَحَضَ الْإِیمَانَ مَحْضاً أَوْ مَحَضَ الشِّرْک مَحْضاً(۳)؛ بازگشت به دنیا، همگانی نیست بلکه تنها افرادی به دنیا برمی گردند که مؤمن خالص یا مشرک محض باشند».

ص:۴۹۶

۱- سوره نمل، آیه ۸۳.

۲- «یرجع نبینا صلی الله علیه و آله و سلم و أئمتنا المعصومون علیهم السلام فی زمان المهدی (عج) مع جماعه من الأمم السابقه و اللاحقه، لإظهار دولتهم و حقهم، و به قطعت المتواترات من الروایات و الآیات لقوله تعالی: (وَیَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ کلِّ أُمَّهٍ فَوْجاً) فالاعتقاد به واجب»؛ (العقائد الجعفریه، ص ۲۵۰).

۳- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

آن حضرت در کلام دیگری فرمود: «إِنَّمَا يَرْجِعُ إِلَى الدُّنْيَا عِنْدَ قِيَامِ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحْضاً أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحْضاً فَأَمَّا مَا سِوَى هَذَيْنِ فَلَا رُجُوعَ لَهُمْ إِلَى يَوْمِ الْمَآبِ؛(۱) فقط کسانی که مؤمن خالص یا کافر محض باشند هنگام ظهور قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا باز می گردند، غیر از آنان کسی تا روز قیامت به دنیا بر نمی گردد».

در باره رجعت ائمه علیهم السلام بیشترین روایات، مربوط به رجعت امام حسین علیه السلام و امیر مؤمنان علیه السلام و پیامبراکرم صلی الله علیه و آله و سلم است. مرحوم مجلسی روایات ناظر به رجعت این بزرگواران را متواتر دانسته می نویسد: «و أما رجعه الأئمه علیهم السلام فالأخبار متواتره فی رجعه أمیر المؤمنین و الحسین صلوات الله علیهما و فی رجعه رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم أیضا وردت أخبار کثیره مستفیضه و أما سائر الأئمه علیهم السلام فقد وردت فی رجعتهم أیضا روایات کثیره لکن لیست فی الکثره بتلک المثابه».(۲)

بر اساس روایات، امام حسین علیه السلام نخستین امامی است که در اواخر عمر شریف حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به دنیا رجعت می کند و سالیان طولانی حکومت می کند. پس از او، امیر مؤمنان علیه السلام و رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و سایر امامان علیهم السلام رجعت نموده و تا پایان عمر دنیا، یکی پس از دیگری امامت و

۱- تصحیح الاعتقادات الامامیه، ص ۹۰؛ بحارالانوار، ج ۶، ص ۲۵۴.

۲- مرآه العقول، ج ۳، ص ۲۰۱.

رهبری مردم را به عهده می گیرند.

محمد بن مسلم به نقل از حمران بن أعین از امام صادق علیه السلام روایت می کند که فرمود: «أَوَّلُ مَنْ تَنْشَقُّ الْأَرْضُ عَنْهُ وَ یَرْجِعُ إِلَی الدُّنْیَا الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ(۱)؛ نخستین کسی که زمین بر او شکافته می شود و به دنیا باز می گردد، حسین بن علی علیه السلام است».

حُمران بن اعیَن گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: «وَ لَسَوْفَ یَرْجِعُ جَارُکُمُ الْحُسَیْنُ بْنُ عَلِیٍّ علیه السلام أَلْفاً فَیَمْلِك حَتَّی تَقَعَ حَاجِبَاهُ عَلَی عَیْنَیْهِ مِنَ الْکبر(۲)؛ به زودی همسایه شما، حسین بن علی علیه السلام به دنیا بازخواهدگشت و آنقدر حکومت کند که از شدت پیری ابروهایش به روی چشمانش فرو افتد».

بُکیر بن أعیَن می گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله و سلم وَ عَلِیّاً علیه السلام سَیَرْجِعَان(۳)؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام حتما به دنیا باز می گردند».

بر اساس روایات، امیرمؤمنان عجل الله تعالی فرجه الشریف در دوره های مختلف رجعت های مکرر دارد. امام باقر علیه السلام نقل

ص:۴۹۸

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۹.

۲- مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۰۲.

۳- بحار الانوار، ج۵۳، ص۳۹. در باره رجعت دیگر انبیای الاهی نیز ابو بصیر از امام باقر علیه السلام نقل کرده است که فرمود: «مَا بَعَثَ اللَّهُ نَبِیّاً عَنْ آدَمَ فَهَلُمَّ جَرّاً إِلَّا وَ یَرْجِعُ إِلَی الدُّنْیَا فَیُقَاتِلُ وَ یَنْصُرُرَسُولَ اللَّهِ وَ أَمِیرَ الْمُؤْمِنِین ؛ هیچ پیامبری از زمان آدم به بعد نیست جز آنکه رجعت می کنند تا رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و امیر مؤمنان علیه السلام را یاری رسانند»؛ (تفسیر قمی، ج ۱، ص ۲۷۴).

می کنـد که امیر مؤمنان علیه السـلام فرمود: «إِنَّ لِی الْکَرَّةَ بَعْـِدَ الْکَرَّهِ وَ الرَّجْعَهَ بَعْـِدَ الرَّجْعِهِ وَ أَنَا صَاحِبُ الرَّجَعَاتِ وَالْکَرَّاتِ(۱)؛ همانا برای من بازگشتی پس از بازگشت و رجعتی پس از رجعت خواهد بود و من دارای رجعت ها و بازگشت هایم».

رجعت دیگر ائمه علیهم السـلام به صورت کلی بیان شـده و در روایات از آنان به طور خاص، نام برده نشده است، مانند کلام امـام صادق علیه السـلام که فرمود: «لَیْسَ مِنَّا مَنْ لَمْ یُؤْمِنْ بِکَرَّتِنَا(۲)؛ از ما نیست کسـی که به بازگشت دوباره ما ایمان نداشـته باشد» و نیز آنچه در برخی زیارات مأثور آمده است مانند آنچه امام صادق علیه السلام در هنگام زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السـلام سـفارش فرمود: «إِنِّی مِنَ الْقَائِلِینَ بِفَضْلِکمْ مُقِرٌّ بِرَجْعَتِکمْ لَا أُنْکرُ لِلَّهِ قُدْرَةً وَ لَا أَزْعُمُ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّه؛(۳) من از باورمنـدان به برتری شـما و اقرار کننـدگان به رجعت شـمایم و قـدرت خـدا را انکـار نمی کنم و چیزی جز خواست خـدا را نمی پذیرم». نیز امام هادی علیه السـلام در زیارت جامعه کبیره فرمود: «مُؤْمِنٌ بِإِیَابِکمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِکم؛(۴) به بازگشت شما به دنیا ایمان داریم و رجعت شما را تصدیق می کنیم».

هم چنین ابوخالد کابلی از امام سجاد علیه السلام

ص:۴۹۹

۱- مختصر بصائر الدرجات، ص ۱۳۲؛ بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۴۷.

۲- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص۹۲.

۳- بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۹۷.

۴- عیون أخبار الرضا علیه السلام، ج ۲، ص ۲۷۵.

نقل کرده است که آن حضرت درباره آیه (إِنَّ الَّذِی فَرَضَ عَلَیْکَ الْقُرْآنَ لَرادُّکَ إِلی مَعادٍ) فرمود: «یَرْجِعُ إِلَیْکُمْ نَبِیُّکُمْ صلی الله علیه و آله و سلم وَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام وَ الْأَئِمَّهُ علیهم السلام (۱)؛ پیامبر شما و امیر مؤمنان و دیگر امامان علیهم السلام به سوی شما دوباره باز خواهند گشت».

در برخی روایات، غیر از ائمه علیهم السلام از افراد دیگری نیز نام برده شده است. با این تفاوت که رجعت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و ائمه علیهم السلام در پایان عمر شریف امام عصر عجل الله تعالی فرجه الشریف خواهد بود، اما این دسته از رجعت کنندگان در اوائل زمان ظهور به این دنیا باز گشته و به سپاه حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ملحق خواهند شد. برخی از این افراد، جزء امت های پیشین اند مانند: جناب یوشع بن نون وصی حضرت موسی علیه السلام، مؤمن آل فرعون، اصحاب کهف(۲) و برخی دیگر از میان این امت و از شخصیت های بارز عصر پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم و أئمه علیهم السلام هستند که جزء پیشگامان جهاد و شهادت در راه خدا بوده اند. بزرگانی مانند: سلمان محمدی(فارسی)، مالک اشتر نخعی، ابادجانه ی انصاری،(۳) اسماعیل فرزند امام صادق علیه السلام،(۴) مفضل بن عمر،(۵) جبیر بن خاربون،(۶) عبدالله بن شریک

۱- تفسیر قمی، ج۲، ص۱۴۷.

۲- کشف الغمه، ج ۳، ص ۲۵۶.

۳- دلائل الامامه، ص ۲۷۴؛ روضه الواعظین، ج ۲، ص ۲۶۶.

۴- الایقاظ من الهجعه، ص ۲۶۶.

۵- دلائل الامامه، ص ۲۴۸؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۷۳.

۶- الخرائج واجرائح، ج ۱، ص ۱۸۵؛ بحارالانوار، ج ۴۱، ص ۲۹۶.

عامری(۱) و... از جمله کسانی اند که در روایات از بازگشت آنان در زمان ظهور حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، خبر داده شده است.

۳. فرضیه جانشینی دوازده مهدی

فرضیه سوم مبتنی بر روایاتی است که از تداوم حکومت امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف به وسیله جانشیان ایشان خبر داده است، مانند آنچه ابو حمزه ثمالی از امام صادق علیه السلام در این باره نقل کرده است که آن حضرت فرمود: «أَنَّ مِنَّا بَعْدَ الْقَائِمِ عجل الله تعالی فرجه الشریف اثْنَا عَشَرَمَهْدِیّاً مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ علیه السلام ؛(۲) همانا پس از رفتن حضرت قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف از این دنیا، دوازده مهدی از نسل حسین علیه السلام جانشینان او خواهند شد».

اما این گونه روایات را نمی توان مبنای یک فرضیه مستقل در برابر دو فرضیه نخست قرار داد، زیرا اگر مراد از دوازده مهدی، انسان های غیر معصوم باشند، با آن دسته روایاتی که وجود جهان را به وجود حجّت حی و امام معصوم علیه السلام وابسته می داند، قطعا منافات خواهد داشت. ولی اگر مراد از جانشینان حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف ناظر به رجعت و حضور مجدد امامان معصوم علیهم السلام باشد، بازگشت به فرضیه دوم

ص:۵۰۱

۱- بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۶۷؛ اثبات الهداه، ج ۳، ص ۵۶۱.

۲- بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۴۵ و ۱۴۸.

خواهد بود نه چیز دیگر.

از این رو، این گونه روایات، یا به قرینه روایات رجعت، به بازگشت امامان معصوم علیهم السلام تأویل گردد و مراد از دوازده مهدی، امامان دوازده گانه باشد یا به کسانی حمل شود که تحت رهبری امام معصوم علیه السلام به هدایت مردم می پردازند. چنان که ابو بصیر نقل کرده است که به محضر امام صادق علیه السلام عرض کردم: یا ابن رسول اللّٰه از پدرت شنیدم که فرمود: «یَکونُ بَعْدَ الْقَائِم اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً؛ پس از قائم عجل الله تعالی فرجه الشریف دوازده مهدی خواهد بود. حضرت صادق علیه السلام در پاسخ من فرمود: إِنَّمَا قَالَ: اثْنَا عَشَرَ مَهْدِیّاً وَ لَمْ یَقُلْ اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً وَ لَکَنَّهُمْ قَوْمٌ مِنْ شِیعَتِنَا یَدْعُونَ النَّاسَ إِلَی مُوَالاتِنَا وَ مَعْرِفَهِ حَقِّنَا(۱)؛ پدرم دوازده مهدی فرموده و دوازده امام نفرموده است! آن ها مردمی از شیعیان ما هستند که مردم را دعوت به دوستی و شناسائی ما می کنند».

به همین دلیل، مرحوم علامه مجلسی با اینکه روایات مربوط به حکومت دوازده مهدی از جانشینان امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف را نقل کرده است، اما این روایات را مخالف اصل اعتقادی شیعه مبنی بر حضور مستمر حجت معصوم در زمین می داند. از این رو، وی برای توجیه و تأویل این گونه روایات دو محمل را مطرح کرده

ص:۵۰۲

۱- کمال الدین و تمام النعمه، ج۲، ص۳۵۸؛ بحار الانوار، ج۵۳، ص۱۴۵.

است: اول آنکه مراد از دوازده مهدی، رجعت ائمه علیهم السلام باشد. دوم آنکه مراد از آنان، کسانی باشند که در ذیل رهبری ائمه علیهم السلام پس از رجعت به هدایت مردم می پردازند.(۱)

جمع بندی

باتوجه به مطالب پیشین، می توان گفت: مستندات روایی فرضیه سوم- قطع نظر از اثبات صحت سند- نیازمند به تأویل است؛ چنان که اشاره شد، زیرا پذیرش فرضیه دوران بدون حضور معصوم، با روایات دسته نخست که بقای عالم را به وجود امام معصوم علیه السلام وابسته می داند و نیز اعتقاد شیعه در باب فلسفه امامت و ضرورت استمرار آن تا قیامت، تعارض آشکار دارد.

بنا براین، آنچه در باره شناخت وضعیت پس از پایان حکومت مهدوی حائز اهمیت است، دو فرضیه نخست و روایات آن است. در جمع بندی میان این دو فرضیه می توان گفت که از تأمل

۱- «بیان هذه الأخبار مخالفه للمشهور و طریق التأویل أحد وجهین: الأول أن یکون المراد بالاثنی عشر مهدیا النبی و سائر الأئمه سوی القائم (عج) بأن یکون ملکهم بعد القائم (عج) و قد سبق أن الحسن بن سلیمان أولها بجمیع الأئمه و قال برجعه القائم (عج) بعد موته و به أیضا یمکن الجمع بین بعض الأخبار المختلفه التی وردت فی مده ملکه. و الثانی أن یکون هؤلاء المهدیون من أوصیاء القائم هادین للخلق فی زمن سائر الأئمه علیهم السلام الذین رجعوا لئلا یخلوا الزمان من حجه و إن کان أوصیاء الأنبیاء و الأئمه أیضا حججا» ؛ (بحار الأنوار، ج ۵۳، ص ۱۴۸).

در این دو دسته روایات، چند نکته به دست می آید:

۱. اصـل رجعت ائمه علیهم السـلام در دوران پس از ظهور، به دلیل کثرت روایات رسـیده در این خصوص، امر قطعی و تردید ناپـذیر است. از این رو، گرچه جزئیات و خصوصـیات دقیق این مسأله به خوبی روشن نگردیـده است، امّا ابهام در چگونگی و عدم آگاهی تفصیلی از جزئیات آن، با قطعی بودن اصل موضوع رجعت که از مسلمات اعتقادی شیعه شمرده می شود، منافات نخواهد داشت بلکه پذیرش اصل رجعت و اعتقاد و ایمان اجمالی به این موضوع کافی است.

۲. بـا تـوجه به تواتر روایـات بـاب رجعت و دلالـت روشن آن بر بـازگشت حتمی ائمه علیهم السـلام در دوران پس از ظهور و اسـتمرار حکومت اهلبیت علیهم السـلام تا فرارسیدن قیامت، فرضیه وقوع قیامت پس از پایان عمر مبارک حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشـریف را اثبات پـذیر نخواهـد بود. مضافا بر اینکه دلالت این گونه روایات بر وقوع قیامت پس از شـهادت یا رحلت حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از جهاتی ناموجّه و تأمل بر انگیز است، چنانکه قبلاً اشاره گردید.

۳. این احتمال نیز قابل طرح است که شایـد آن دسـته روایاتی که از پیوسـتگی و بقاء عالم تکوین به وجود امام عصـر عجل الله تعالی فرجه الشریف سخن گفته و از فروپاشی این عالم در نبود ایشان خبر

ص:۵۰۴

داده است، ناظر به رحلت آن حضرت در پایان دوران رجعت است؛ زیرا بر پایه مفاد روایات باب رجعت، خود حضرت مهدی عجـل الله تعـالی فرجه الشـریف نیز رجعتی دوبـاره خواهنـد داشت. در این صورت، میـان آن روایـات بـا روایـات باب رجعت، تعارضی وجود نخواهد داشت.

□□□

ص:۵۰۵

کتابنامه

۱.آمدی، عبد الواحد، غرر الحکم و درر الکلم، تحقیق و تصحیح: سید مهدی رجائی، قم، دار الکتاب الإسلامی، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ق.

۲.ابن ابی الحدید، شرح نهج البلاغه، تحقیق: محمد ابوالفضل ابراهیم، قاهره، دار إحیاء الکتب العربیه، چاپ اول، ۱۳۷۸ ق.

۳.ابن ابی شیبه، عبدالله بن محمد، المصنف، تحقیق و تعلیق: سعید اللحام، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۴.ابن بابویه، علی بن حسین، الامامه و التبصره من الحیره، قم، مدرسه الامام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چاپ اول، ۱۴۰۴ ق.

۵.ابن بطریق، یحیی، عمده عیون صحاح الاخبار فی مناقب امام الابرار، قم، مؤسسه النشر الإسلامی التابعه لجماعه المدرسین، ۱۴۰۷ ق.

۶.ابن جُعد، علی بن عبید جوهری، المسند، تحقیق: عبدالله بن محمد بغوی، بیروت، دار الکتب العلمیه، چاپ دوم، ۱۴۱۷ ق.

۷.ابن حبّان، محمد بن احمد، صحیح ابن حبان بترتیب ابن بلبان، تحقیق: شعیب الأرنؤوط، بیروت، مؤسسه الرساله، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۸.ابن حنبل، احمد، مسند احمد، بیروت، دار صادر، بی تا.

۹.ابن شهرآشوب، محمد، مناقب آل أبی طالب، نجف اشرف، مطبعهٔ الحیدریه، ۱۳۷۶ ش.

ص:۵۰۶

۱۰.ابن فارس، احمد بن زکریا، معجم مقاییس اللغه، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم، مکتبه الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.

۱۱.ابن قولویه، جعفر بن محمد، کامل الزیارات، تحقیق: شیخ جواد قیومی، تهران، مؤسسه نشر الفقاهه، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

۱۲.ابن کثیر، اسماعیل، تفسیر القرآن العظیم، تحقیق: یوسف عبدالرحمن مرعشلی، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۱۲ ق.

۱۳.ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق و تعلیق: محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، بی تا.

۱۴.ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر ادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.

۱۵.ابو داود، سلیمان بن اشعث سجستانی، سنن ابو داود، تحقیق و تعلیق: سعید محمد اللحام، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق.

۱۶.ابو یعلی، اسماعیل بن محمد، مسند ابی یعلی، تحقیق: حسین سلیم أسد، بیروت، دار المأمون للتراث، بی تا.

۱۷.احمد حسین یعقوب، حقیقه الاعتقاد بالامام المهدی المنتظر عجل الله تعالی فرجه الشریف، اردن، دار الملاک، چاپ اول، ۲۰۰۰م.

۱۸.اربلی، علی بن عیسی، کشف الغمه فی معرفه الائمه علیه السلام بیروت، دار الأضواء، چاپ دوم، ۱۴۰۵ ق.

۱۹.امام عسکری علیه السلام حسن بن علی علیه السلام تفسیر المنسوب إلی الإمام العسکری علیه السلام، قم، مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۲۰.امین، سید محسن، اعیان الشیعه، تحقیق: سید حسن امین، بیروت، دار التعارف للمطبوعات، بی تا.

۲۱.بحرانی، سید هاشم، حلیه الأبرار فی احوال محمد وآله الاطهار علیه السلام، تحقیق: شیخ غلام رضا بروجردی، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

ص:۵۰۷

۱۲۲.بحرانی، سید هاشم، غایه المرام و حجه الخصام فی تعیین الامام من طریق الخاص و العام، تحقیق: سیدعلی عاشور، بی جا، بی تا.

۲۳.بحرانی، سید هاشم، مدینه المعاجز، تحقیق: شیخ عزه الله مولائی همدانی، قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۲۴.بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دار الفکر للطباعه و النشر و التوزیع، ۱۴۰۱ ق.

۲۵.براقی، سید حسین بن سید احمد، تاریخ الکوفه، تحقیق: سید محمدصادق آل بحرالعلوم، نجف الاشرف، انتشارات المکتبه الحیدریه، چاپ اول، ۱۴۲۴ ق/ ۱۳۸۲ ش.

۲۶.برقی، احمد بن خالد، المحاسن، تصحیح و تعلیق: سید جلال الدین حسینی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۷۰ ق/ ۱۳۳۰ ش.

۲۷.ترمذی، محمد بن عیسی، سنن الترمذی، تحقیق و تصحیح: عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع، چاپ اول، ۱۴۰۳ ق/ ۱۹۸۳ م.

۲۸.جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، قم، نشر اسرأ، چاپ اول، ۱۳۹۰ ش.

۲۹.جوادی آملی، عبدالله، امام مهدی، موجود موعود علیه السلام قم، نشر اسرأ، چاپ اول، ۱۳۸۷ ش.

۳۰.جوهری، احمد بن عبید الله بن عیاش، مقتضب الاثر فی النص علی الأئمه الاثنی عشر علیه السلام قم، مکتبه الطباطبائی، بی تا.

۳۱.جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح تاج اللغه و صحاح العربیه، تحقیق: احمد عبدالغفور عطار، بیروت، دارالعلم الملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ ق.

۳۲.حائری یزدی، علی، الزام الناصب فی اثبات الحجه الغائب عجل الله تعالی فرجه الشریف تحقیق: سید علی عاشور، بی جا، بی تا.

۳۳.حائری پور، مهدی و جمعی از مؤلفان، نگین آفرینش، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام چاپ چهاردهم، ۱۳۸۷ ق.

۳۴.حاکم نیشابوری، محمد بن عبدالله، المستدرک علی الصحیحین، إشراف: یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

۳۵.حرّ عاملی، محمد بن حسن، اثبات الهداه، قم، چاپخانه علمیه، بی تا.

۳۶.حرّ عاملی، محمد بن حسن، الإیقاظ من الهجعه بالبرهان علی الرجعه، قم، دلیل ما، چاپ اول، ۱۴۲۲ ق/ ۱۳۸۰ ش.

۳۷.حرّ عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام لاحیاء التراث، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۳۸.حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول عن آل الرسول علیه السلام تصحیح و تعلیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین، چاپ سوم، ۱۴۰۴ق/ ۱۳۶۳ ش.

۳۹.حسینی، شرف الدین، تأویل الآیات الظاهره، قم، مدرسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، اول، ۱۴۰۷ق/۱۳۶۶ ش.

۴۰.حکیمی، محمد رضا، خورشید مغرب، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ هفتم، ۱۳۷۱ ش.

۴۱.حلبی، أبوالصلاح تقی بن نجم، تقریب المعارف، تحقیق: فارس تبریزیان، قم، نشر الهادی، ۱۴۱۷ ق/ ۱۳۷۵ ش.

۴۲.حلّی، احمد بن فهد، عُده الداعی و نجاح الساعی، تحقیق و تصحیح: احمد موحدی قمی، قم، مکتبه وجدانی، بی تا.

۴۳.حلّی، حسن بن سلیمان، مختصر بصائر الدرجات، نجف اشرف، المطبعه الحیدریه، چاپ اول، ۱۳۷۰ش/ ۱۹۵۰ م.

۴۴.حلّی، حسن بن یوسف، المستجاد من کتاب الارشاد، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ سنگی، ۱۴۰۶ ق.

ص:۵۰۹

۴۵.حلّی، علی بن یوسف، العـدد القویه لدفع المخاوف الیومیه، تحقیق: سیدمهدی رجائی، إشراف: سید محمود مرعشی، قم، مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

۴۶.حموی، یاقوت بغدادی، معجم البلدان، بیروت، دار صادر، چاپ دوم: ۱۹۹۵م.

۴۷.حمیری، عبد الله بن جعفر، قرب الاسناد، قم، موسسه آل البیت علیه السلام لأحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۴۸.حویزی، عبد علی بن جمعه العروسی، تفسیر نور الثقلین، تحقیق: سیدهاشم رسولی محلاتی، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ق/ ۱۳۷۰ ش.

۴۹.خزّاز، علی بـن محمـد، کفـایه الاـثر فی النص علی الأـئمه الاـثنی عشر علیه السـلام تحقیـق: سید عبـداللطیف حسینی، قم، انتشارات بیدار، ۱۴۰۱ ق.

۵۰.دار قطنی، علی بن عمر بن احمد، العلل الوارده فی الاحادیث النبویه، تحقیق: محفوظ الرحمن زین الله السلفی، الریاض، دار طیبه، چاپ اول، ۱۴۰۵ ق/ ۱۹۸۵م.

۵۱.دیلمی، حسن بن محمد، إرشاد القلوب إلی الصواب، قم، الشریف الرضی، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.

۵۲.ذهبی، محمد بن احمد، سیر أعلام النبلاء، تحقیق: حسین الأسد التاسعه، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۱۳ ق/ ۱۹۹۳ م.

۵۳.ذهبی، محمـد بن احمد، میزان الاعتدال فی نقد الرجال، تحقیق: علی محمد البجاوی، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۳۸۲ ق/ ۱۹۶۳ م.

۵۴.راغب اصفهانی، المفردات فی غریب القرآن، بی جا، دفتر نشر الکتاب، چاپ دوم، ۱۴۰۴ ق.

۵۵.راوندی، قطب الدین، الخرائج و الجرائح، قم، مؤسسه الإمام المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف چاپ اول، ۱۴۰۹ ق.

۵۶.ری شهری، محمد، میزان الحکمه، تهران، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

ص:۵۱۰

۵۷.زبیدی الحسینی، محمد مرتضی، تاج العروس من جواهرالقاموس، تحقیق: علی شیری، بیروت، دار الفکر، ۱۴۱۴ق/۱۹۹۴م.

۵۸.سبزواری، محمد، معارج الیقین فی أصول الدین، قم، مؤسسه آل البیت علیه السلام لإحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۱۰ ق/ ۱۹۹۳ م.

۵۹.سلّمی، یوسف بن یحیی مقدسی شافعی، عقدالدرر فی اخبار المنتظر، قاهره، عالم الفکر، بی تا.

۶۰.سید بن طاووس، علی بن موسی، الطرائف فی معرفه مذاهب و الطوائف، قم، الخیام، چاپ اول، ۱۳۹۹ ق.

۶۱.________________________________، الملاحم و الفتن، اصفهان، مؤسسه صاحب الأمر عجل الله تعالی فرجه الشریف چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۶۲.سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، تحقیق و شرح: الشیخ محمد عبده، قم، دار الذخائر، الطبعه الأولی: ۱۴۱۲– ۱۳۷۰ ش.

۶۳.سیوطی، جلال الدین عبدالرحمن، الجامع الصغیر، بیروت، دار الفکر للطباعه والنشر والتوزیع، الطبعه الأولی ۱۴۰۱ – ۱۹۸۱ م.

۶۴.________________________________، الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور، بیروت، دار المعرفه، بی تا.

۶۵.شریفی، محمود و همکاران، موسوعه کلمات الإمام الحسین علیه السلام، لجنه الحدیث فی معهد باقر العلوم علیه السلام، قم، دار المعروف، چاپ سوم، ۱۴۱۶ ق/۱۹۹۵ م.

۶۶.شیخ صدوق، محمد بن علی، الأمالی، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

۶۷.________________________________، الخصال، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، انتشارات اسلامی، ۱۴۰۳ق/۱۳۶۲ ش.

۶۸.________________________________، ثواب الأعمال، قم، منشورات الشریف الرضی، چاپ سوم، ۱۳۶۸ ش.

۶۹.________________________________، علل الشرائع، نجف اشرف، المکتبه الحیدریه، ۱۳۸۵ ق/ ۱۹۶۶ م.

۷۰.________________________________، عیون اخبار الرضا علیه السلام تحقیق: شیخ حسین اعلمی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۴ق/ ۱۹۸۴ م.

۷۱.________________________________، کمال الدین و تمام النعمه، تحقیق: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۰۵ق/۱۳۶۳ش.

۷۲.________________________________، معانی الاخبار، تحقیق: علی اکبر الغفاری، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۳۷۹ ق/ ۱۳۳۸ ش.

۷۳.________________________________، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، بی تا.

۷۴.شیخ مفید، محمد بن نعمان، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۷۵.________________________________، الأمالی، تحقیق: علی ا کبر غفاری، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳ م.

۷۶.________________________________، الفصول العشره، الشیخ فارس الحسون، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۷۷.________________________________، المزار، تحقیق: سید محمد باقر ابطحی، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۷۸.________________________________، أوائل المقالات، تحقیق: شیخ ابراهیم انصاری، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۷۹.________________________________، تصحیح الاعتقادات الامامیه، تحقیق: حسین درگاهی، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳م.

۸۰.________________________________، الأختصاص، تحقیق: علی اکبر غفاری، بیروت، دار المفید، چاپ دوم، ۱۴۱۴ ق.

۸۱.ـــ، المسائل السرویه، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید، چاپ اول، ۱۴۱۳ق.

۸۲.صافی گلپایگانی، لطف الله، منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر عجل الله تعالی فرجه الشریف قم، مؤسسه السیده المعصومه، ۱۴۲۱ ق.

۸۳.صدر، سیدصدرالدین، المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ دوم: ۱۳۷۹.

۸۴.صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، تصحیح: میرزاحسن کوچه باغی، نهران، منشورات الأعلمی، ۱۴۰۴ ق/ ۱۳۶۲ ش.

۸۵.صمدی، قنبرعلی، دیدار یار غائب (پژوهشی در جریان شناسی ارتباط با امام زمان)، قم، مؤسسه انتشاراتی امام عصر علیه السلام، چاپ اول: ۱۳۸۹ ش.

۸۶.ضحاک، احمد بن عمرو، الآحاد و المثانی، تحقیق: باسم فیصل، ریاض، دار الدرایه، چاپ اول، ۱۴۱۱ق/۱۹۹۱ م.

۸۷.طباطبائی بروجردی، سید حسین، جامع أحادیث الشیعه، قم، المطبعه العلمیه،۱۳۹۹ ق.

۸۸.طباطبائی، سید محمدحسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه، بی تا.

۸۹.طبرانی، سلیمان بن احمد، المعجم الاوسط، قاهره، دارالحرمین، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵م.

۹۰.ـــ، المعجم الکبیر، تحقیق و تخریج: عبدالمجید السلفی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ دوم، بی تا.

۹۱.طبرسی، احمد بن علی، الاجتحاج، نجف اشرف، دار النعمان، ۱۳۸۶ ق/ ۱۹۶۶ م.

۹۲.طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، الطبعه الاولی: ربیع الاول ۱۴۱۷ ه. ق.

ص:۵۱۳

۹۳.ــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ، مجمع البیان فی تفسیر القرأن، بیروت، مؤسسه الأعلمی، چاپ اول، ۱۴۱۵ ق/ ۱۹۹۵م.

۹۴.طبری، محمد بن جریر، دلائل الامامه، قم، مؤسسه البعثه، چاپ اول، ۱۴۱۳ ق.

۹۵. طبسی، محمدرضا، الشیعه و الرجعه، النجف اشرف، مطبعه الآداب، ۱۳۸۵ق.

۹۶.طبسی، نجم الدین، چشم اندازی به حکومت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ سوم، ۱۳۸۰ ش.

۹۷.طوسی، محمد بن حسن، الغیبه، تحقیق: شیخ عبادالله طهرانی و شیخ علی احمد ناصح، قم، مؤسسه المعارف الاسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۹۸.ــــــــــــــــــــــــــــــــــــــ، تهذیب الاحکام فی شرح المقنعه، تحقیق: سید حسن موسوی خراسانی، تهران، دار الکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۶۴ ش.

۹۹.عاملی، علی بن یونس، الصراط المستقیم، تصحیح و تعلیق: محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه، چاپ اول، ۱۳۸۴ ش.

۱۰۰.عاملی، یوسف بن حاتم، الدرالنظیم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، بی تا.

۱۰۱.عبده، محمد، نهج البلاغه خطب الإمام علی علیه السلام قم، دار الذخائر، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق/ ۱۳۷۰ ش.

۱۰۲.عطاردی، عزیزالله، مسند الامام الرضا علیه السلام مشهد، کنگره بین المللی امام رضا علیه السلام ۱۴۰۶ ق.

۱۰۳.عیاشی، محمد بن مسعود، تفسیر العیاشی، تحقیق: سید هاشم رسولی محلاتی، تهران، المکتبه العلمیه الاسلامیه، بی تا.

۱۰۴.فتال نیشابوری، محمد بن احمد، روضه الواعظین، قم، انتشارات رضی، بی تا.

۱۰۵.فخر رازی، محمد بن عمر، عصمه الأنبیاء علیه السلام قم، مطبعه الشهید، ۱۴۰۶ ق.

ص:۵۱۴

۱۰۶.فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، تحقیق: دکتر مهدی المخزومی، قم، مؤسسه دار الهجره، چاپ دوم،۱۴۰۹ه. ق.

۱۰۷.فیض کاشانی، ملا محسن، تفسیر الصافی، قم، مؤسسه الهادی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق/ ۱۳۷۴ش.

۱۰۸.فیومی، جواد، صحیفه المهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵ش.

۱۰۹.قاضی نعمان، محمد، شرح الاخبار فی فضائل الأئمه الاطهار علیه السلام تحقیق: سیدمحمد حسینی جلالی، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، بی تا.

۱۱۰.قرشی، باقر شریف، حیاه الإمام المهدی علیه السلام اصفهان، مؤسسه تحقیقات و نشر معارف اهل البیت علیه السلام چاپ اول، ۱۴۱۷ ق/ ۱۹۹۶ م.

۱۱۱.قزوینی، زکریا بن محمد بن محمود، آثار البلاد و اخبار العباد، تهران، امیر کبیر، چاپ اول: ۱۳۷۳ش.

۱۱۲.قزوینی، سید کاظم، امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف از ولادت تا ظهور، مترجم: حسین فریدونی، تهران، نشر آفاق، ۱۳۷۶ ش.

۱۱۳.قشیری، مسلم بن حجاج نیشابوری، الجامع الصحیح، بیروت، دار الفکر، بی تا.

۱۱۴.قمی، شیخ عباس، الانوار البهیه فی تواریخ الحجج الالهیه، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۷ ق.

۱۱۵.______________________، مفاتیح الجنان، ترجمه: موسوی دامغانی، تهران، نشر فیض کاشانی، ۱۳۷۶ش.

۱۱۶.قمی، علی بن إبراهیم، تفسیر القمی، تصحیح: سید طیب موسوی جزائری، قم، دار الکتابچاپ سوم، ۱۴۰۴ ق.

۱۱۷.قمی، محمد بن حسن، العقد النضید و الدر الفرید، قم، دار الحدیث، چاپ اول، ۱۴۲۳ ق/ ۱۳۸۱ ش.

۱۱۸.قندوزی، سلیمان، ینابیع الموده لذوی القربی، قم، دار الأسوه، چاپ اول، ۱۴۱۶ ق.

۱۱۹.کورانی عاملی، علی، عصر ظهور، قم، مکتب الاعلام الاسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق.

ص:۵۱۵

۱۲۰.________________________، معجم أحادیث الإمام المهدی علیه السلام قم، مؤسسه المعارف الإسلامیه، چاپ اول، ۱۴۱۱ ق.

۱۲۱.کاظمی، سید مصطفی، بشاره الاسلام، تهران، کتابخانه نینوا، بی تا.

۱۲۲.کامل سلیمان، روزگار رهایی، ترجمه: علی اکبر مهدی پور، تهران، نشر آفاق، ۱۳۸۱ ش.

۱۲۳.کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تحقیق: علی-اکبر غفاری، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ پنجم، ۱۳۶۳ ش.

۱۲۴.لیثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، قم، دار الحدیث، چاپ اول، بی تا.

۱۲۵.مازندرانی، ملاصالح محمد، شرح أصول الکافی، بیروت، دار إحیاء التراث العربی، چاپ اول، ۱۴۲۱ ق/ ۲۰۰۰ م.

۱۲۶.متقی هندی، علی، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، تصحیح: شیخ صفوه السقا، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ ق/ ۱۹۸۹ م.

۱۲۷.مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، داراحیاء التراث العربی، چاپ دوم: ۱۴۰۳ق.

۱۲۸.________________________، مرآه العقول فی شرع اخبار آل الرسول، تحقیق و تصحیح: رسولی محلاتی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم: ۱۴۰۴ق.

۱۲۹.مردنی، ابوالحسن، مجمع النورین و ملتقی البحرین، چاپ سنگی.

۱۳۰.مرعشی، سید شهاب الدین، شرح احقاق الحق و ازحاق الباطل، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، بی تا.

۱۳۱.مروزی، نعیم بن حماد، کتاب الفتن، تحقیق: دکتر سهیل زکار، بیروت، دار الفکر،۱۴۱۴ ق/ ۱۹۹۳م.

۱۳۲.مسعودی، علی بن حسین، اثبات الوصیه، قم، انتشارات انصاریان، چاپ سوم، ۱۴۲۶ ق/ ۱۳۸۴ش.

ص:۵۱۶

۱۳۳.مشهدی، محمد بن جعفر، المزار، تحقیق: جواد قیومی، قم، نشر القیوم، چاپ اول، ۱۴۱۹ ق.

۱۳۴.مصطفوی، حسن، التحقیق فی کلمات القرآن الکریم، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.

۱۳۵.مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، تهران، انتشارات صدرا، بی تا.

۱۳۶.مظفر، محمد رضا، عقائد الإمامیه، قم، انتشارات انصاریان، ۱۳۸۱ ش.

۱۳۷.مکارم شیرازی، ناصر، حکومت جهانی مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف، قم، انتشارات نسل جوان، چاپ یازدهم: ۱۳۸۰.

۱۳۸.موسوی اصفهانی، محمد تقی، مکیال المکارم فی فوائد الدعا للقائم عجل الله تعالی فرجه الشریف بیروت، مؤسسه الاعلمی، چاپ اول، ۱۴۲۱ق.

۱۳۹.نعمانی، محمد بن ابراهیم، الغیبه، تحقیق: فارس حسون کریم، قم، انوار الهدی، چاپ اول، ۱۴۲۲ق.

۱۴۰.نمازی شاهرودی، علی، مستدرک سفینه البحار، قم، مؤسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۹ ق.

۱۴۱.نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، بیروت، مؤسسه آل البیت علیه السلام لأحیا التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ ق/۱۹۸۷م.

۱۴۲.نیلی نجفی، سید بهاءالدین، منتخب الانوار المضیئه، قم، مؤسسه الإمام الهادی علیه السلام چاپ اول، ۱۴۲۰ ق/ ۱۳۷۸ ش.

۱۴۳.هیثمی، علی بن ابی بکر، مجمع الزوائد و منبع الفوائد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۰۸ق/ ۱۹۸۸م.

ص:۵۱۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹